

ê

سرشناسه: علوی حسینی، نیره‌السادات.
عنوان: آل‌الله در کتاب‌الله، «فضایل و مناقب چهارده معصوم علیهم‌السلام در قرآن کریم» جلد دوم.
سوره‌های نساء - اعراف.
مشخصات ظاهری: ۸ جلد.
شابک (دوره) ۵ - ۱۱۶ - ۳۶۶ - ۶۰۰ - ۹۷۸
شابک (جلد دوم) ۹ - ۱۱۸ - ۳۶۶ - ۶۰۰ - ۹۷۸
وضعیت نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان دیگر: فضایل و مناقب چهارده معصوم علیهم‌السلام در قرآن کریم.
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: تفاسیر شیعه - قرن ۱۴.
موضوع: چهارده معصوم علیهم‌السلام در قرآن.
موضوع: خاندان نبوت در قرآن.
موضوع: چهارده معصوم علیهم‌السلام - فضایل - احادیث.
موضوع: چهارده معصوم علیهم‌السلام - احادیث.
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶، ۸۲ ع ۹ ج ۱۰۴ / BP
رده‌بندی دیوبندی: ۲۹۷/۱۵۹
شماره مدرک: ۴۲۴۶۱۵۶

آل‌الله در کتاب‌الله، (جلد دوم)
مشخصات ظاهری: ۸ جلد
مؤلف: نیره‌السادات علوی حسینی
انتشارات: طوبای محبت
تیراژ: ۵۰۰ نسخه
چاپخانه و نوبت چاپ: طه، اول ۱۳۹۶
شابک (دوره) ۵ - ۱۱۶ - ۳۶۶ - ۶۰۰ - ۹۷۸
شابک (جلد دوم) ۹ - ۱۱۸ - ۳۶۶ - ۶۰۰ - ۹۷۸
قیمت: ۲۲۰۰۰۰ تومان

پخش تهران: ۰۲۱ - ۶۶۹۲۳۲۳۴
نشانی: قم، بلوار سمیه، خیابان عباس‌آباد (شهیدین)، پلاک ۱۱۲
۰۹۱۲۲۵۳۴۹۶۷ ۰۹۱۲۶۵۱۴۳۲۹ ۰۲۵ - ۳۷۸۳۲۱۴۳ ۰۲۵ - ۳۷۷۴۰۰۶۶
مرکز توزیع بین‌المللی کتاب و آثار اسلامی رسالت غدیر
www.tobaymohebat.ir
info@tobaymohebat.ir
www.islamicbookshop.net

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا
مُحَمَّدٍ «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ
الْمَعْصُومِينَ «سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ»، سَيِّمًا بِقِيَّةِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ
حُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ «صَلَوَاتِ اللَّهِ وَسَلَامِهِ عَلَيْهِ»، وَلَعْنَةَ اللَّهِ
عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ، مِنْ الْآنَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ
آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

آل الله در کتاب الله

«فضائل و مناقب چهارده معصوم عليهم السلام در قرآن کریم»

جلد دوم

سوره‌های نساء، مائده، انعام، اعراف

تألیف:

نیّره السّادات علوی حسینی

هنگام زیارت امام حسین علیه السلام در نیمه ماه رجب، و هنگام

زیارت امام هادی علیه السلام عرض می‌کنیم:

السّلام علیکم یا آل الله

السّلام علیک یا آل الله

فهرست

سوره نساء

۹.....	آیه ۵۸ سوره نساء:
۲۱.....	آیه ۵۹ سوره نساء:
۶۹.....	آیه ۶۵ سوره نساء:
۸۷.....	آیه ۸۰ سوره نساء:
۹۶.....	آیه ۱۶۸ و ۱۶۹ سوره نساء:
۱۰۲.....	آیه ۱۷۰ سوره نساء:
۱۰۷.....	آیه ۱۷۴ سوره نساء:

سوره مائده

۱۱۷.....	آیه ۳ سوره مائده:
۱۴۰.....	آیه ۵ سوره مائده:
۱۷۹.....	آیه ۳۵ سوره مائده:
۱۹۱.....	آیه ۳۶ و ۳۷ سوره مائده:
۲۱۳.....	آیه ۵۴ سوره مائده:
۲۳۱.....	آیه ۵۵ سوره مائده:
۲۶۷.....	آیه ۵۶ سوره مائده:
۲۸۴.....	آیه ۶۷ سوره مائده:

آیه ۱۱۹ سوره مائده: ۳۹۵

سوره انعام

آیه ۱۰۸ سوره انعام: ۴۰۵

آیه ۱۲۲ سوره انعام: ۴۱۳

آیه ۱۴۹ سوره انعام: ۴۲۲

آیه ۱۵۳ سوره انعام: ۴۳۶

آیه ۱۵۹ سوره انعام: ۴۵۲

آیه ۱۶۰ سوره انعام: ۴۵۹

سوره اعراف

آیه ۴۳ سوره اعراف: ۴۶۵

آیه ۴۴ و ۴۵ سوره اعراف: ۴۷۳

آیات ۴۶ و ۴۸ و ۴۹ سوره اعراف: ۴۸۶

آیه ۱۲۸ سوره اعراف: ۵۰۹

آیه ۱۴۳ سوره اعراف: ۵۱۸

آیه ۱۵۶ سوره اعراف: ۵۳۵

آیه ۱۵۷ سوره اعراف: ۵۴۲

آیه ۱۸۰ سوره اعراف: ۵۵۰

آیه ۱۸۱ سوره اعراف: ۵۸۱

فهرست احادیث ۵۸۹

منابع و ماخذ ۶۰۵

«سوره نساء»

آیه ۵۸ سوره نساء:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا، وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ، إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ، إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا.»

ترجمه:

خداوند متعال به شما فرمان می دهد که امانت ها را به اهلشان بدهید «به صاحبانش بدهید»، و هنگامی که میان مردم حکم می کنید «داوری و قضاوت می کنید» به عدالت حکم کنید. خداوند متعال شما را نیکو موعظه می کند «اندرزهای خوبی به شما می دهد».

خداوند شنوا و بینا است.^۱

شرح لغات و توضیحات:

تُؤَدُّوا = ادا کنید؛

نِعْمَ = برای مدح و ستایش به کار می رود «نِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَ نِعْمَ النَّصِيرِ یعنی چه سرپرست خوبی، چه یاور خوبی». گاهی حرف «ما» به آن اضافه می شود مانند همین آیه شریفه و یا آیه ۲۷۱ سوره بقره که آمده فَنِعْمَ أَهْلِي؛

۱. مجمع البیان، جلد پنجم، صفحه ۱۹۷.

تفسیر نمونه، جلد سوم، صفحه ۵۴۸.

وَعَظٌ = پند و اندرز، یادآوری و تذکر دادن به خیر و نیکی؛
 مَوْعِظَةٌ = پند و اندرزی که انسان را از بدیها بازداشته و به سوی نیکیها متمایل
 و راغب سازد «واعظ = پنددهنده»؛

سمیع = شنوا؛

بصیر = بینا.^۱

این آیه شریفه در رابطه با اداء امانت و عدالت در حکومت و قضاوت بوده و
 می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا = خداوند متعال به شما امر می‌کند و
 دستور می‌دهد که امانت‌ها را به اهل آنها یعنی به صاحبان آنها بدهید.
 امانت در این آیه شریفه معنی وسیعی دارد و هر گونه سرمایه مادی و معنوی
 را شامل می‌شود، و طبق این آیه شریفه هر مسلمانی وظیفه دارد هر امانتی که به
 او سپرده شد به صاحب آن بازگرداند خواه صاحب آن امانت مسلمان باشد خواه
 غیرمسلمان.

به عبارت دیگر:

این آیه شریفه درباره هر نوع امانتی است که به دست انسان سپرده می‌شود،
 خواه امانت الهی باشد «یعنی اوامر و نواهی خداوند متعال»،
 خواه امانت مردم باشد اعم از مال یا غیرمال.

قابل ذکر است که:

این آیه شریفه علاوه بر توده مردم زمامداران و حاکمان را نیز در بر می‌گیرد «به
 طور ویژه و خاص» یعنی:

خداوند متعال به حکام و زمامداران دستور می‌دهد که:

۱. مردم را به راه دین خداوند متعال و ادار نمایند، یعنی:

مردم را به طرف انجام تکالیف دینی سوق دهند و دین مبین اسلام را ترویج نمایند.

۲. حقوق رعیت و توده مردم را مراعات نموده و حق آنها را از صدقات و غنائم

۱. مجمع‌البیان، جلد پنجم، صفحه ۱۹۸.

مفردات راغب.

به آن‌ها پرداخت نمایند، بنابراین:

حکام و زمامداران باید این دو امانت را «امانت معنوی یعنی دین و شریعت الهی و امانت مادی یعنی صدقات و غنائم» به صاحبان آن‌ها بازگردانند، یعنی:

اولاً: دین اسلام را ترویج و اشاعه نمایند،

ثانیاً: صدقات و غنائم را بین رعیت تقسیم کنند.

از ائمه معصومین علیهم السلام روایت شده که فرموده‌اند:

این آیه شریفه «آیه ۵۸ سوره نساء» درباره ما است، و آیه بعد «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْكُمْ» - آیه ۵۹ سوره نساء» درباره شما است، یعنی:

وظیفه ما «ائمه معصومین علیهم السلام» به عنوان حجت خداوند متعال اداره امور دین و دنیای شما مردم است،

و وظیفه شما مردم اطاعت محض و بی‌قید و شرط از ما می‌باشد.

در ادامه آیه شریفه به موضوع عدالت در حکومت و قضاوت اشاره شده و آمده است که:

وَ إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ = هر گاه میان مردم حکم می‌کنید «قضاوت می‌کنید» به عدالت حکم کنید.

این دستور نیز به همه مردم می‌باشد که چنانچه در موقعیت قضاوت و حکمیت قرار گرفتند به عدالت حکم کنند.

این دستور خداوند متعال به طور خاص و ویژه حکام و زمامداران را در بر می‌گیرد، یعنی:

خداوند متعال به حکام و زمامداران دستور می‌دهد تا بین مردم به عدالت حکم کنند.

در روایت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

یا علی:

میان دو طرف دعوا در نگاه کردن و سخن گفتن مساوات برقرار کن.

همچنین روایت شده که:

دو پسر بچه دست‌نوشته خودشان را خدمت امام مجتبی سلام‌الله علیه آورده و از آن حضرت تقاضا کردند که بفرماید خط کدام یک از آنها بهتر است. وجود مقدس مولی‌الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام که ناظر این صحنه بود به امام مجتبی علیه‌السلام فرمود:

پسرم:

درباره حکم خود دقت کن، زیرا:

خداوند متعال روز قیامت از همین حکم نیز از تو سؤال خواهد فرمود.

ملاحظه فرمودید که:

خداوند متعال همه مردم را به طور عام و حکام و زمامداران را به طور ویژه و خاص مورد خطاب قرار داده «آیه ۵۸ سوره نساء» و به آنها دستور داده که:

۱. امانت‌ها را به صاحبان آنها بازگردانند.

۲. بین مردم به عدالت حکم کنند.

به عرض رسید که:

مراد از امانات اعم است از امانات معنوی و مادی،

و مقصود از رد امانات مادی به صاحبان آنها یعنی:

هر کس چیزی و شیئی را از کسی امانت گرفت شرعاً موظف است آن را به صاحبش بازگرداند.

مقصود از امانات معنوی علوم و معارف حقه است که دارندگان آن «کسانی که عالم به علوم و معارف حقه هستند» باید آن را به جویندگان آن برسانند و ابلاغ نمایند.

در رابطه با لزوم حکم به عدالت در آیات دیگری نیز صحبت به میان آمده است، از جمله در آیه ۲۶ سوره «ص» که در این آیه شریفه خداوند متعال به حضرت داود علیه‌السلام می‌فرماید:

يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ، یعنی:

ای داود، ما تو را در روی زمین خلیفه «جانشین» قرار دادیم، پس:

بین مردم به عدالت حُکم کن.

این دو قانون مهمّ اسلامی «حفظ امانت - عدالت در حکومت» زیر بنای یک جامعه سالم انسانی است و هیچ جامعه‌ای اعم از جامعه مادّی یا الهی بدون اجرای این دو اصل سامان نمی‌یابد.

اصل اوّل «حفظ امانات» می‌گوید:

اموال، ثروت‌ها، پُست‌ها و مسئولیت‌ها، سرمایه‌های انسانی، همه و همه امانت‌های الهی هستند که در اجتماع به دست افراد مختلف سپرده شده‌اند، لذا: همه موظّفند در حفظ این امانات و تسلیم کردن آن به صاحبان اصلی آن‌ها بکوشند و به هیچ وجه در این امانت‌ها خیانت نکنند.

اصل دوّم «عدالت در حکومت» می‌گوید:

همیشه در یک اجتماع تضاد و اصطکاک منافع وجود دارد که باید با حکومت عادلانه حلّ و فصل شود تا هر گونه ظلم و تبعیض و امتیاز نابه‌جا از جامعه برچیده شود.

همانطور که عرض شد:

امانات منحصر به امانات مالی نیستند که افراد به یکدیگر می‌سپارند، بلکه مراد از امانات اعم است از امانات مالی و معنوی «مانند علوم و معارف حقّه»، و علما و دانشمندان نیز امانت‌دارانی هستند که باید آن علوم و معارف را به جویندگان آن برسانند و حقایق را کتمان نکنند.

انشاءالله تعالی در بخش حدیث به عرض خواهد رسید که:

وجود مقدّس ائمّه معصومین علیهم السّلام و اسرار و ودایع امامت که نزد آن ذوات مقدّسه می‌باشد امانت‌های الهی هستند و خداوند متعال به هر امامی دستور می‌دهد تا آن ودایع را به امام بعد از خودش تحویل دهد.

در ادامه آیه شریفه خداوند متعال در تأکید این دو دستور مهمّ می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ = خداوند متعال شما را چه نیکو موعظه می‌کند، یعنی:

خداوند متعال پند و اندرزهای خوبی به شما می‌دهد، یعنی:

ای مردم:

موعظه و پند و اندرز دادن خداوند متعال در رابطه با اداءِ امانت و رد کردن آن به صاحبانش، همچنین حکم به عدالت کردن به حال شما خوب است و فواید بی شماری برای شما به همراه دارد اعم از فواید دنیوی و اخروی.

خداوند متعال در انتهای آیه شریفه می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا = به درستی که خداوند متعال شنوا و بینا است، یعنی:

خداوند متعال به گفتار و کردار شما «قول و فعل شما» آگاه است.

آوردن «كَانَ» در این قسمت از آیه شریفه به این منظور است که بگوید:

خداوند متعال از اوّل و از اَزَل شنوا و بینا بوده است.

ملاحظه فرمودید که:

خداوند متعال در این آیه شریفه دستور فرمودند که:

امانت‌ها را به اهل آن‌ها بسپارید «به صاحبانشان بدهید».

به عرض رسید که:

این آیه شریفه درباره هر نوع امانتی است که به دست انسان سپرده شود، خواه

معنوی باشد خواه مادی و مالی.

اینکه تأویل آیه شریفه و معنی باطنی آیه شریفه در رابطه با این امانات چه

می‌باشد و مخاطب این آیه شریفه چه کسانی هستند انشاءالله تعالی در بخش

حدیث روشن خواهد شد،

لیکن قبل از پرداختن به بخش حدیث به دو روایت در رابطه با اهمّیت اداءِ امانت

و لزوم امانت‌دار بودن مردم اشاره می‌شود.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

علامت و نشانه منافق سه چیز است.

دروغگویی،

خُلُف و عده،

و خیانت در امانت.

همچنین از وجود مقدّس امام صادق علیه السلام نقل شده که آن حضرت فرمودند:

به طولانی بودن رکوع و سجود افراد نگاه نکنید، زیرا:

ممکن است طولانی بودن رکوع و سجود آن‌ها برای آن‌ها عادت شده باشد که از ترک آن ناراحت می‌شوند، لیکن:
 به راستگو بودن آن‌ها و اداءِ امانت آن‌ها نگاه کنید.
 همچنین امام صادق علیه‌السلام فرمودند:
 اگر قاتل امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام امانتی نزد من می‌گذاشت، یا از من نصیحتی می‌خواست، یا با من مشورتی می‌کرد و من آمادگی خود را برای این امور اعلام می‌کردم «اگر می‌پذیرفتم» قطعاً حق امانت را ادا می‌کردم.^۱

حدیث:

۱. بُرَيْدٌ عَجَلِيٌّ مِيْ گويد:
 از امام باقر علیه‌السلام درباره آیه ۵۸ سوره نساء «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا، وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» سؤال کردم
 امام باقر علیه‌السلام در پاسخ به سؤال من فرمودند:
 خداوند متعال در این آیه شریفه ما را قصد کرده است،
 یعنی مقصود از اداءِ امانت به اهل آن این است که:
 باید امام اوّل «امام پیشین» کتاب‌ها و علم و سلاح را به امام بعد از خودش تحویل
 دهد،

و مقصود از «إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ»، یعنی:
 امام معصوم باید ودایع امامت را به امام بعد از خودش تحویل دهد و با آنچه
 که در دست دارد «علم امامت و علم به احکام و قوانین الهی» بین مردم به عدالت
 حکم نماید.

امام باقر علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:
 سپس خداوند متعال در آیه بعد «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» آیه

۱. مجمع‌البیان، جلد پنجم، صفحه ۱۹۹ - ۲۰۰.

المیزان، جلد هشتم، صفحه ۲۲۵ - ۲۲۶.

تفسیر نمونه، جلد سوم، صفحه ۵۴۹ تا ۵۵۳.

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۲۳۷.

۵۹ سوره نساء» به مردم دستور می دهد تا از خداوند متعال و پیامبر اکرم و اولی الامر یعنی ما ائمه معصومین علیهم السلام اطاعت نمایند.^۱

۲. وجود مقدس امام باقر و امام صادق علیهما السلام درباره آیه ۵۸ و ۵۹ سوره نساء «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا، وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ، آیه ۵۸ سوره نساء - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ، آیه ۵۹ سوره نساء» فرمودند:

خداوند متعال در آیه ۵۸ سوره نساء هر یک از ائمه معصومین علیهم السلام را مأمور نموده تا امر حکومت را به امام بعد از خودش واگذار نماید، و در آیه ۵۹ سوره نساء به مردم امر فرموده تا از ائمه معصومین علیهم السلام اطاعت نمایند.

همچنین از دیگر ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که فرموده اند: آیه ۵۸ سوره نساء «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا...» برای ما است، و آیه ۵۹ سوره نساء «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» برای شما مردم است.^۲

۳. احمد بن عمر می گوید:

از وجود مقدس امام رضا علیه السلام درباره آیه ۵۸ سوره نساء «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» سؤال کردم.

وجود مقدس امام رضا علیه السلام در پاسخ به سؤال من فرمود: آن‌ها ائمه از آل محمد علیهم السلام هستند و باید هر امامی و داعی امامت را به امام بعد از خودش بسپارد و واگذار نماید و به غیر از امام بعدی به شخص دیگری ندهد.

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۲ - ۲۳، حدیث ۱ «حدیث ۷۲۳».

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۲۳۷.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۳۶۲، حدیث ۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۹۷، حدیث ۳۲۸ «حدیث ۲۱۸۱».

۲. مجمع البیان، جلد پنجم، صفحه ۱۹۹.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۹۷، صفحه ۳۲۷ «حدیث ۲۱۸۰».

این حدیث شریف را محمد بن فضیل نیز از امام رضا علیه السلام نقل نموده است.^۱

۴. مُعَلَّى بن حُنَيْس می گوید:

از وجود مقدّس امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا، آیه ۵۸ سوره نساء» سؤال کردم.

وجود مقدّس امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال من فرمود:
أَمَرَ اللَّهُ الْأَمَامَ الْأَوَّلَ أَنْ يَدْفَعَ إِلَى الْأَمَامِ الَّذِي بَعْدَهُ كُلَّ شَيْءٍ عِنْدَهُ، یعنی:

خداوند متعال به امام پیشین «امام اول» دستور میدهد که هر چه نزد او است «ودایع امامت» به امام بعد از خودش تحویل دهد.^۲

۵. یونس بن عبدالرحمن می گوید:

از وجود مقدّس امام کاظم علیه السلام درباره این آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا، آیه ۵۸ سوره نساء» سؤال کردم.

وجود مقدّس امام کاظم علیه السلام در پاسخ به سؤال من فرمود:

این آیه شریفه ابتدا فقط خطاب به ما می باشد، و خداوند متعال در این آیه شریفه به هر امامی «دوازده امام معصوم» دستور می دهد تا مقام و ودایع امامت را به امام بعد از خود تسلیم کرده و او را وصی خویش قرار دهد.^۳

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه، ۲۳، حدیث ۲ «حدیث ۷۲۴».

اصول کافی، جلد دوم، صفحه، ۲۴، حدیث ۳ «حدیث ۵۲۷».

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۳۶۳، حدیث ۲.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۳۶۳ «حدیث ۳».

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۹۳، حدیث ۳۱۹ «حدیث ۲۱۷۲».

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۹۵، حدیث ۳۲۰ «حدیث ۲۱۷۳».

۲. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۴، حدیث ۴ «حدیث ۷۲۶».

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۳۶۳، حدیث ۴.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۳۳۶، حدیث ۱۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۹۵، حدیث ۳۲۱ «حدیث ۲۱۷۴».

۳. تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۹۳، حدیث ۳۱۸ «حدیث ۲۱۷۱».

معانی الاخبار شیخ صدوق، جلد اول، باب ۲۴ - صفحه ۲۵۳ حدیث ۱.

۶. وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام درباره این آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا، آیه ۵۸ سوره نساء» فرمودند:

خداوند متعال در این آیه شریفه به ائمه معصومین علیهم السّلام دستور می دهد تا هر امامی ودایع امامت را به امام بعد از خود واگذار نماید.

این حدیث را زراره از امام باقر علیه السّلام نقل نموده است.

عین این حدیث را برید بن معاویه نیز از امام باقر علیه السّلام نقل نموده است.^۱

۷. وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام درباره این آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا، وَ إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ، آیه ۵۸ سوره نساء» فرمودند:

خداوند متعال در این آیه شریفه به ائمه معصومین علیهم السّلام دستور می دهد تا هر امامی آنچه را که نزد خود دارد «ودایع امامت» به امام بعد از خود واگذار نماید.

امام صادق علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

همچنین خداوند متعال در این آیه شریفه به ائمه معصومین علیهم السّلام دستور داده تا با عدالت فرمان برانند، همچنین:

خداوند متعال اطاعت از ائمه معصومین علیهم السّلام را برای مردم واجب فرموده است.

این حدیث شریف را ابن ابی یعفور از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.^۲

توضیح:

ملاحظه فرمودید که:

امامت منصبی است الهی که خداوند متعال به ائمه معصومین علیهم السّلام اعطا فرموده و آن ذوات مقدّسه را به این مقام و منصب منصوب فرموده و به هر امامی

۱. المیزان، جلد هشتم، صفحه ۲۳۳.

تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۳۶۴، حدیث ۶.

تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۳۶۴، حدیث ۷ و ۸.

۲. تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۳۶۵ - حدیث ۱۳.

دستور داده تا ودایع امامت را به اهل آن و به صاحب آن یعنی به امام بعد از خودش تحویل دهد.

بنابراین:

(الف) ائمه معصومین علیهم السّلام منصوب از ناحیه خداوند متعال می باشند.

(ب) امامت مقام و منصبی الهی است که از ناحیه خداوند متعال به ائمه معصومین علیهم السّلام تفویض شده است.

(ج) خداوند متعال به هر یک از ائمه معصومین علیهم السّلام دستور فرموده تا ودایع امامت را به امام بعد از خودش واگذار نماید.

(د) امام بعد از هر امامی را خداوند متعال معین و منصوب می فرماید، یعنی هر امامی به دستور خداوند متعال امام بعد از خودش را معرفی می فرماید.

چند حدیث در اصول کافی در این رابطه از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شده که به عنوان نمونه به سه حدیث اشاره می شود.

۱. وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام به ابی بصیر فرمود:

ای ابا بصیر:

به خدا قسم تعیین امام به اختیار ما نیست،

این کار فقط به دست خداوند متعال است.^۱

۲. امام صادق علیه السّلام فرمودند:

شما خیال می کنید «گمان می کنید» که هر کس از ما ائمه معصومین علیهم السّلام که وصیت می کند به هر کس که می خواهد وصیت می کند، به خدا قسم چنین نیست، زیرا:

امر امامت عهد و فرمانی است از ناحیه خداوند متعال و رسول خدا برای مردی پس از مردی تا به صاحبش برسد «یعنی وجود مقدّس امام زمان سلام الله علیه». این حدیث را عمرو بن اشعث از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.^۲

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۵، حدیث ۱ «حدیث ۷۳۰».

۲. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۵، حدیث ۲ «حدیث ۷۳۱».

۳. امام صادق علیه السلام فرمودند:

امامت عهد و پیمانی است از جانب خداوند متعال که به مردانی نام و نشان دار سپرده شده است و هیچ امامی حق ندارد و نمی تواند آن را از امام بعد از خودش دور نماید «پنهان نماید».

این حدیث شریف را معاویه بن عمّار از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۱ قابل ذکر است که:

ذیل آیه ۷۲ سوره احزاب «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که طبق این احادیث شریف و نورانی مقصود از امانت در این آیه شریفه امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام می باشد.

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۵، حدیث ۳ «حدیث ۷۳۲».

آیه ۵۹ سوره نساء:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ، فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا».

ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید «ای مؤمنین»:

از خدا و رسول خدا و از اولی الامر اطاعت کنید، و اگر در چیزی نزاع و اختلاف داشتید آن را به خدا و رسول بازگردانید «به خدا و رسول ارجاع دهید و از آنها داوری بطلبید» اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید. این کار برای شما بهتر و عاقبت آن نیکوتر است.^۱

شرح لغات و توضیحات:

طبق احادیثی که از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شد آیه ۵۸ سوره نساء در رابطه با آن ذوات مقدسه بود تا هر امامی ودایع امامت را به امام بعد از خودش تحویل دهد و بین مردم به عدالت حکم نماید. این آیه شریفه «آیه ۵۹ سوره نساء» مخاطب آیه شریفه مردم و مؤمنین می باشند، و خداوند متعال به مردم دستور می دهد تا از خدا و رسول و اولی الامر اطاعت نمایند.

خداوند متعال در این آیه شریفه می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا = ای کسانی که ایمان آورده‌اید «ای مؤمنین».

أَطِيعُوا اللَّهَ = خداوند متعال را اطاعت کنید، یعنی:

اوامر و نواهی خداوند متعال را به کار ببندید «تمام اوامر و نواهی خداوند متعال را».

وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ = پیامبر اکرم را نیز اطاعت کنید.

۱. مجمع البیان، جلد پنجم، صفحه ۱۹۷.

المیزان، جلد هشتم، صفحه ۲۳۵ - ۲۳۶.

خداوند متعال لزوم و وجوب اطاعت از پیامبر اکرم را جداگانه ذکر فرموده تا در بیان مطلب مبالغه‌ای باشد و جلو پاره‌ای از توهمات گرفته شود و کسی نگوید و یا تصوّر نکند که اطاعت از پیامبر اکرم مخصوص دستوراتی است که در قرآن کریم آمده، بلکه:

این آیه شریفه «آیه ۵۹ سوره نساء» اطاعت مطلق و بی‌چون و چرا از کلیّه دستورات پیامبر اکرم را بیان می‌فرماید، بنابراین:

اطاعت محض و بی‌قید و شرط از تمام دستورات پیامبر اکرم نه تنها در زمان حیات آن حضرت واجب می‌باشد بلکه پس از رحلت آن حضرت نیز اوامر آن حضرت مُطاع می‌باشد و اطاعت از آنها واجب است، زیرا: پیروی از شریعت آن حضرت تا روز قیامت بر هر مکلفی واجب می‌باشد. لازم به ذکر است که:

لزوم اطاعت مطلق و بی‌قید و شرط از دستورات و فرامین پیامبر اکرم را آیات شریفه دیگری نیز بیان می‌فرماید که به عنوان نمونه به چند آیه اشاره می‌شود. خداوند متعال در آیه ۸۰ سوره نساء می‌فرماید:

مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، یعنی:

هر کس از پیامبر اکرم اطاعت کند از خداوند متعال اطاعت کرده است.

خداوند متعال در آیه ۳۶ سوره احزاب می‌فرماید:

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ، وَ مَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا، یعنی:

هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خداوند متعال و پیامبر اکرم امری را لازم بدانند اختیاری داشته باشند «بر مرد مؤمن و زن مؤمنه حقی نیست که وقتی خداوند متعال و پیامبر اکرم به امری و به موضوعی حکم نمودند آنان مختار باشند، یعنی باید اطاعت کنند»،

و هر کس نافرمانی خدا و رسول را بنماید به گمراهی آشکار افتاده است «هر کس از دستورات خداوند متعال و پیامبر اکرم سرپیچی نماید به گمراهی آشکاری افتاده است».

خداوند متعال در آیه هفتم سوره حشر می‌فرماید:
 مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا، یعنی:
 آنچه را که پیامبر اکرم برای شما آورده بگیرید و از آنچه که نهی فرموده خودداری
 نمائید «اطاعت محض از پیامبر اکرم و اطاعت از دستورات آن حضرت».

خداوند متعال در آیه ۶۴ سوره نساء می‌فرماید:
 وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ، یعنی:
 ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر برای اینکه به دستور خداوند متعال از آنها
 اطاعت شود.

خداوند متعال در آیه ۶۵ سوره نساء می‌فرماید:
 فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِكُمْ حَرَجًا مِّمَّا
 قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا، یعنی:
 خداوند متعال به پیامبر اکرم می‌فرماید:

به پروردگارت سوگند:

آن‌ها «مردم» مؤمن نخواهند بود مگر اینکه در اختلافات خویش تو را داور قرار
 دهند و پس از داوری و قضاوت تو حتی در دل خویش نیز احساس ناراحتی نکنند
 و کاملاً تسلیم باشند «تسلیم محض نسبت به دستورات پیامبر اکرم».

طبق این آیات شریفه که ملاحظه فرمودید و آیات دیگری که به جهت رعایت
 اختصار از ذکر آن‌ها خودداری می‌شود وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و
 آله و سلم واجب‌الاطاعه می‌باشند و تمام مردم موظف هستند تا از آن حضرت
 اطاعت کنند، آن هم اطاعت مطلق و بی‌قید شرط در تمام موارد اعم از امور دنیوی
 و آخروی.

خداوند متعال در ادامه آیه شریفه اطاعت از اُولِي الْأَمْرِ را نیز واجب دانسته و
 می‌فرماید:

وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ = و از اُولِي الْأَمْرِ که از خود شما است اطاعت کنید «أُولِي الْأَمْرِ =
 صاحبان فرمان».^۱

۱. تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۴۸، ذیل آیه ۸۳، سوره نساء.

بنابراین:

خداوند متعال اطاعت از خویش و اطاعت از پیامبر اکرم و اطاعت از اُولی الامر را واجب دانسته و فرموده:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ اُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ، یعنی:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید «ای مؤمنین»:

اطاعت کنید خدا را «از خداوند متعال اطاعت کنید»،

اطاعت کنید پیامبر اکرم را «از پیامبر اکرم اطاعت کنید»،

اطاعت کنید اُولی الامر را «از اُولی الامر اطاعت کنید».

اُولی الامر چه کسانی هستند که خداوند متعال اطاعت مطلق و بی قید و شرط آنها را واجب فرموده و اطاعت از آنها را قرین اطاعت از خودش و رسولش دانسته است.

تمام مفسرین شیعه در این زمینه اتفاق نظر دارند که:

مقصود از اُولی الامر در این آیه شریفه اوصیاء پیامبر اکرم یعنی ائمه معصومین علیهم السلام می‌باشند که رهبری مادی و معنوی جامعه اسلامی «در تمام شئون زندگی» از طرف خداوند متعال و به دستور خداوند متعال و توسط پیامبر اکرم به آن ذوات مقدسه سپرده شده و احدی غیر از این بزرگواران را شامل نمی‌شود. قابل ذکر است که:

کسانی که از طرف ائمه معصومین علیهم السلام به مقام و منصبی منصوب شوند و پُست و مقامی را در جامعه اسلامی به عهده بگیرند واجب‌الاطاعه هستند و اطاعت از آنها نیز بر همه واجب است، لیکن نه به خاطر اینکه آنها اُولی الامر هستند، بلکه به خاطر اینکه نماینده و منصوب از ناحیه اُولی الامر می‌باشند.

بنابراین:

اُولی الامر یعنی ائمه معصومین علیهم السلام که اول آنها وجود مقدس مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام است و آخر آنها وجود مقدس بقیه الله الاعظم حجة بن الحسن القائم المهدی سلام الله علیه می‌باشد که خداوند متعال اطاعت از آن ذوات مقدسه را قرین اطاعت از خودش و رسولش قرار داده است، آن هم اطاعت

مطلق و بی قید و شرط در تمام امور، اعم از امور دنیوی و آخروی. دلیل اینکه ائمه معصومین علیهم السّلام واجب الاطاعه هستند و باید بدون چون و چرا از آن ذوات مقدّسه اطاعت کرد این است که این ذوات مقدّسه خلیفه خداوند متعال و حجّت خداوند متعال بر مخلوقات هستند و خداوند متعال به آنها عصمت اعطا فرموده است، یعنی:

این بزرگواران طبق آیه ۳۳ سوره احزاب که به آیه تطهیر معروف می باشد معصوم می باشند و مقام عصمت دارند و مصون از خطا و لغزش هستند و اساساً اطاعت مطلق و بی قید و شرط از هر انسانی فقط در صورتی واجب می شود که آن انسان معصوم باشد و ظاهر و باطن او یکی باشد و هیچ گاه دچار لغزش و خطا نشود، زیرا:

اگر او در معرض لغزش و خطا باشد پیروان او نیز که تابع دستورات او می باشند دچار لغزش و خطا شده و به بیراهه خواهند رفت و از صراط مستقیم خارج خواهند شد، لذا:

خداوند متعال به مردم اجازه نمی دهد از افرادی تبعیت کنند که خودشان در معرض گناه و خطا می باشند، بنابراین:

فقط و فقط کسانی واجب الاطاعه هستند و اطاعت مطلق و بی قید و شرط از آنها واجب است که مقام عصمت داشته باشند و معصوم باشند، و این امر نیز فقط و فقط منحصر به چهارده وجود مقدّس و معصوم علیهم السّلام می باشد و هیچ فرد دیگری غیر از وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام دارای این ویژگی و این صفت نمی باشد «یعنی مقام عصمت» که مصون از گناه و خطا و اشتباه باشد، و به همین جهت است که خداوند متعال اطاعت از این ذوات مقدّسه را که اولی الامر می باشند در این آیه شریفه «آیه ۵۹ سوره نساء» در ردیف اطاعت از خودش و پیامبرش دانسته است، آن هم اطاعت مطلق و بی قید و شرط در تمام موارد و در تمام امور اعم از امور دنیوی و آخروی.

قابل ذکر است که:

وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام:

الف) مقام عصمت دارند و خداوند متعال این مقام را به آن ذوات مقدسه اعطا فرموده است «ذیل آیه ۳۳ سوره احزاب به طور مفصل به این موضوع اشاره شده است».

ب) تمام علم کتاب نزد این بزرگواران است و این کتاب تَبیان کُلِّ شَیْءٍ می باشد، یعنی بیان هر چیزی در این کتاب است و اساساً کتاب در سینه و صدر این ذوات مقدسه می باشد «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد، آیه ۸۹ سوره نحل و آیه ۴۹ سوره عنکبوت در این رابطه به طور مشروح مطالبی بیان شده است».

ج) تأویل و معنی باطنی آیات شریفه قرآن کریم را فقط و فقط این ذوات مقدسه می دانند و بس، و علم به تأویل آیات شریفه قرآن کریم را خداوند متعال به این بزرگواران تعلیم فرموده است «ذیل آیه ۷ سوره آل عمران در این رابطه توضیحات مفصلی ارائه شده است».

بنابراین:

وقتی وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام می فرمایند:

مقصود از اولی الامر در این آیه شریفه اهل بیت پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام می باشند دیگر ما نباید دنبال دلایل دیگری باشیم که این مطلب را اثبات کنیم، زیرا:

فرمایش این بزرگواران مهم ترین دلیل می باشد چرا که کلام آن ها و امر و نهی آن ها کلام و امر و نهی خداوند متعال است و آیه سوّم و چهارم سوره نجم صراحتاً این موضوع را بیان می فرماید که:

وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ (آیه ۳).

إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ (آیه ۴)، یعنی:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید «آیه ۳».

آنچه که آن حضرت می فرماید چیزی جز وحی نیست که از جانب خداوند متعال به او نازل شده است «آیه ۴».

ذیل آیات اول تا چهارم سوره نجم توضیحات کاملی ارائه شده و بیان شده که: ائمه معصومین علیهم السلام نیز که حجت خداوند متعال هستند و مقام عصمت دارند هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گویند و هر چه که می فرمایند کلام خدا و رسول خدا می باشد.

انشاء الله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که مقصود از اُولی الامر در این آیه شریفه «آیه ۵۹ سوره نساء» فقط و فقط ائمه معصومین علیهم السلام هستند و لا غیر.

ذیل آیه هفتم سوره حشر نیز احادیثی نقل شده که طبق آن احادیث شریف وجود مقدس ائمه معصومین علیهم السلام مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم واجب الطاعه بوده و خداوند متعال اطاعت محض و بی قید و شرط از آن بزرگواران را به تمام مخلوقات واجب فرموده است.

خداوند متعال در ادامه آیه شریفه می فرماید:

فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ = اگر درباره چیزی اختلاف پیدا کردید آن را به خدا و رسول ارجاع دهید، یعنی:

اگر درباره چیزی نزاع و کشمکش داشتید و اختلاف پیدا کردید به خداوند متعال و به پیامبر اکرم رجوع نمائید و اختلاف خودتان را حلّ و فصل نمائید.

این قسمت از آیه شریفه به کلیه مؤمنین و مسلمین دستور می دهد که هنگامی که بین آنها اختلافی پیش آمد حق رجوع به هیچ محکمه ای جز محکمه خداوند متعال و پیامبر اکرم را ندارند و اختلافات امت اسلامی باید به وسیله محاکم تعیین شده از سوی خداوند متعال و پیامبر اکرم حلّ و فصل گردد.

بدیهی است پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مردم موظف هستند به اوصیاء آن حضرت یعنی ائمه معصومین علیهم السلام مراجعه نموده و طبق دستور آن بزرگواران عمل نمایند چرا که خداوند متعال در ابتدای این آیه شریفه «آیه ۵۹ سوره نساء» ائمه معصومین علیهم السلام را مانند پیامبر اکرم واجب الطاعه دانسته و اطاعت بی قید و شرط از آنها را واجب فرموده است.

بنابراین:

ارجاع امور اختلافی بین مسلمین در زمان حیات پیامبر اکرم باید به آن حضرت باشد،

و پس از رحلت آن حضرت ارجاع امور اختلافی باید به ائمه معصومین علیهم السلام باشد زیرا این ذوات مقدسه:

(الف) حجّت خداوند متعال بر مخلوقات می باشند.

(ب) اوصیاء پیامبر اکرم می باشند و پس از پیامبر اکرم به منزله خود آن حضرت می باشند.

(ج) اطاعت از آنها واجب است و اطاعت از آن بزرگواران اطاعت از پیامبر اکرم و اطاعت از خداوند متعال می باشد.

بنابراین:

معنی این قسمت از آیه شریفه این شد که:

خداوند متعال می فرماید:

ای مؤمنین:

اگر درباره چیزی اختلاف پیدا کردید آن را به خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام ارجاع دهید و ببینید آن بزرگواران چه دستوری می دهند و دقیقاً طبق اوامر آن ذوات مقدسه انجام وظیفه نمائید.

خداوند متعال در ادامه آیه شریفه علائم و نشانه‌های ایمان به خداوند متعال و ایمان به معاد را ارجاع اختلافات به خدا و رسول و ائمه معصومین علیهم السلام دانسته و می فرماید:

إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ = اگر به خداوند متعال و روز قیامت ایمان دارید. همانطور که ملاحظه می فرمائید ارجاع اختلافات به خداوند متعال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام از علائم و نشانه‌های ایمان به خداوند متعال و روز قیامت دانسته شده است، لذا:

معنی دو قسمت اخیر آیه شریفه این می شود که:

خداوند متعال به مؤمنین می فرماید:

اگر به خداوند متعال و به روز قیامت ایمان دارید اختلافات خود را به خداوند

متعال «کتاب الله» و به پیامبر اکرم و اوصیاء آن حضرت یعنی به ائمه معصومین علیهم السلام ارجاع دهید و آنها را به عنوان حاکم و داور انتخاب نموده و طبق دستور آنها عمل نمائید زیرا آنها حجّت خداوند متعال بر شما هستند و بر شما ولایت دارند.

اینکه عنوان شده اختلافات خود را به خدا و رسول ارجاع دهید شاید مقصود این باشد که اختلافات خود را به کتاب خدا «قرآن کریم» و پیامبر اکرم ارجاع دهید، و چون تبیین و تفسیر واقعی کلام خدا و تأویل آیات شریفه قرآن کریم را غیر از پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت افراد دیگری نمی دانند، لذا:

ارجاع اختلافات به پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام یعنی ارجاع اختلافات به خداوند متعال و قرآن کریم، و به همین جهت است که در روایات و احادیث فراوانی از جمله در زیارت شریف و نورانی جامعه کبیره هنگام زیارت آن ذوات مقدّسه به آن بزرگواران عرض می کنیم:

مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ،

وَمَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، یعنی:

هر کس از شما اطاعت کند از خداوند متعال اطاعت کرده است،
و هر کس از شما نافرمانی کند از خداوند متعال نافرمانی کرده است «هر کس از دستورات شما سرپیچی کند از دستورات خداوند متعال سرپیچی کرده است».

دلیل این موضوع نیز کاملاً روشن است و آن این است که:
این ذوات مقدّسه خلیفه خداوند متعال و حجّت خداوند متعال بر مخلوقات می باشند، لذا:

آنچه که می فرمایند و امر می نمایند امر خداوند متعال است و آنچه که نهی می فرمایند نهی خداوند متعال است نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد، و به همین جهت است که اطاعت مطلق و بی قید و شرط از آن بزرگواران را خداوند متعال واجب فرموده است آن هم در تمام امور، اعم از امور دنیوی و اُخروی.

همانطور که قبلاً نیز به عرض رسید اگر کسانی از طرف آن بزرگواران به مقامی منصوب شوند اطاعت از آنها نیز واجب است نه به جهت اینکه آنها اُولی الامر

می‌باشند بلکه به این جهت که منصوب از ناحیه اولی‌الأمر هستند.

این آیه شریفه «آیه ۵۹ سوره نساء» می‌فرماید:

اگر به خداوند متعال و به روز قیامت ایمان دارید اختلافات خویش را نزد خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم‌السلام برده و مطیع محض اوامر آنها باشید.

نتیجه منطقی بحث این می‌شود که:

اگر مردم اختلافات خویش را نزد افراد دیگری غیر از این بزرگواران ببرند و آنها را به عنوان حَکَم و داور انتخاب نمایند گویا به خداوند متعال و روز قیامت اعتقاد ندارند، بنابراین:

تبعیت از این بزرگواران و اطاعت از دستورات آنها یعنی ایمان به خداوند متعال و ایمان به روز قیامت.

در آیه بعد نیز خداوند متعال به این موضوع اشاره نموده و به پیامبر اکرم می‌فرماید:

آیا نمی‌بینی کسانی را که خودشان را مسلمان و مؤمن می‌پندارند لیکن داوری خود را نزد طاغوت می‌برند در حالی که به آنها دستور داده شده که هرگز از طاغوت اطاعت نکنند «آیه ۶۰ سوره نساء».

ذیل آیه ۲۵۶ سوره بقره عرض شد که:

هر کس «هر مُطاعی» که اطاعت از او مورد رضایت خداوند متعال نباشد طاغوت می‌باشد، لذا:

فقط اطاعت از خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم‌السلام و افرادی که از ناحیه آن بزرگواران مأذون می‌باشند واجب است و لاغیر.

در ادامه آیه شریفه خداوند متعال می‌فرماید:

ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا = این کار برای شما بهتر و عاقبت و پایانش نیکوتر

است، یعنی:

اطاعت از خداوند متعال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اوصیاء آن حضرت یعنی ائمه معصومین علیهم‌السلام و ارجاع اختلافات به آنها و حَکَم

قراردادن آن‌ها برای شما در دنیا بهتر است و در آخرت نیکوتر،
یعنی پاداشش نیکوتر است، و در یک کلام:
اطاعت از آن‌ها باعث سعادت دنیا و آخرت شما می‌شود.^۱
صاحب مجمع البیان درباره این قسمت از آیه شریفه «فَإِنْ تَنَارَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ
إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ» می‌گوید:
ما می‌گوئیم «امامیه = شیعیان»:

اگر درباره چیزی اختلاف پیدا شد در زمان حیات پیامبر اکرم به کتاب خدا و
سنت پیامبر اکرم رجوع می‌کنیم، و بعد از رحلت آن حضرت اختلافات را به ائمه
معصومین علیهم‌السلام ارجاع می‌دهیم که پس از رحلت پیامبر اکرم به جای آن
حضرت می‌باشند و ارجاع اختلافات به ائمه معصومین علیهم‌السلام درست مثل
این است که در زمان حیات پیامبر اکرم به آن حضرت ارجاع شده باشد، زیرا ائمه
معصومین علیهم‌السلام حافظ دین و شریعت هستند و خلفاء و جانشینان پیامبر
اکرم در میان امت می‌باشند و به منزله خود پیامبر اکرم هستند.
این قسمت از آیه شریفه «فَإِنْ تَنَارَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ» در تفسیر
صافی اینگونه تفسیر شده است که:

ای مردم، اگر در امری منازعه کردید در این امر به آیات محکم قرآن کریم و به
پیامبر اکرم و به کسانی که پیامبر اکرم دستور داده که پس از خودش به آن‌ها رجوع
شود «یعنی ائمه معصومین علیهم‌السلام» رجوع نمائید، چرا که رجوع به آن‌ها «یعنی
ائمه علیهم‌السلام» رجوع به خود پیامبر اکرم محسوب می‌شود.
در رابطه با اُولَى الْأَمْرِ و وجوب اطاعت از آن‌ها و وجوب رجوع به آن ذوات
مقدسّه و وجوب رجوع به کسانی که مأذون از ناحیه آن بزرگواران می‌باشند
انشاءالله تعالی در بخش حدیث مطالبی به عرض خواهد رسید.

۱. مجمع البیان، جلد پنجم، صفحه ۲۰۱ تا ۲۰۳.

مجمع البیان، جلد پنجم، صفحه ۲۰۵ تا ۲۰۷ «ذیل آیه ۶۰ سوره نساء».

تفسیر نمونه، جلد سوم، صفحه ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۶۰.

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۲۴۲.

حدیث:

(الف) احادیث مربوط به قسمت اول آیه شریفه «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا الرَّسُولَ وَ اُولِی الْأَمْرِ مِنْكُمْ»، در رابطه با اُولی الامر و وجوب اطاعت بی قید و شرط از آن‌ها:

۱. جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند:

لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيَّ نَبِيَّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا الرَّسُولَ وَ اُولِی الْأَمْرِ مِنْكُمْ»، قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ:

عَرَفْنَا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ، فَمَنْ أُولُو الْأَمْرِ الَّذِينَ قَرَنَ اللَّهُ طَاعَتَهُمْ بِطَاعَتِكَ.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ:

هُمُ خُلَفَائِي يَا جَابِرُ، وَ أُمَّةُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ بَعْدِي؛

أَوْلَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، ثُمَّ الْحَسَنُ، ثُمَّ الْحُسَيْنُ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْمَعْرُوفُ فِي التَّوْرَةِ بِالْبَاقِرِ، سَتُدْرِكُهُ يَا جَابِرُ فَإِذَا لَقَيْتَهُ فَأَقْرَأْهُ مِنِّي السَّلَامَ، ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى، ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، ثُمَّ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ، ثُمَّ سَمِيُّ مُحَمَّدٍ وَ كُنْيَى حُجَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ بَقِيَّتُهُ فِي عِبَادِهِ بِنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، ذَاكَ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ عَلَيَّ يَدِيهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا، ذَاكَ الَّذِي يَغِيبُ عَنْ شِيعَتِهِ وَ أَوْلِيَائِهِ غَيْبَةً لَا يَنْبُتُ فِيهِ عَلَيَّ الْقَوْلُ بِإِمَامَتِهِ إِلَّا مَنْ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ،

قَالَ جَابِرُ:

فَقُلْتُ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ:

فَهَلْ يَنْتَفِعُ الشَّيْعَةُ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ؛

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ:

أَي، وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالنُّبُوَّةِ:

إِنَّهُمْ يَسْتَضِيئُونَ بِنُورِهِ وَ يَنْتَفِعُونَ بِوِلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالسَّمْسِ وَ إِنْ تَجَلَّأَتْ سَحَابٌ،

يَا جَابِرُ:

هَذَا مِنْ مَكُونِ سِرِّ اللَّهِ وَ مَخْزُونِ عِلْمِ اللَّهِ، فَكَتْمُهُ إِلَّا عَنْ أَهْلِهِ، يَعْنِي:

جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند:

وقتی آیه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» نازل شد

به رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ عرض کردم:

یا رسول الله:

خدا و رسول را شناختیم، پس:

أُولِي الْأَمْرِ چه کسانی هستند که خداوند متعال اطاعت آن‌ها را همراه اطاعت تو

«پیامبر اکرم» قرار داده است.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ به جابر فرمودند:

ای جابر:

آن‌ها جانشینان من هستند و بعد از من ائمه مسلمین می‌باشند که اولین نفر آن‌ها

علی بن ابیطالب است، سپس حسن، سپس حسین، سپس علی بن حسین، سپس

محمد بن علی که در تورات به نام باقر معروف می‌باشد، و تو ای جابر او را خواهی

دید، پس:

ای جابر:

هنگامی که او را دیدی «امام باقر علیه‌السلام را» سلام مرا به او برسان، پس از او

صادق جعفر بن محمد، پس از او موسی بن جعفر، پس از او علی بن موسی، پس

از او محمد بن علی، پس از او علی بن محمد، پس از او حسن بن علی است، و

پس از او پسر حسن بن علی است که هم‌نام من و هم‌کنیه من می‌باشد که حجّت

خدا در روی زمین و بقیّه‌الله در بین بندگان خدا است، و او همان کسی است که

خداوند متعال به دست او شرق و غرب زمین را فتح خواهد کرد،

او کسی است که از شیعیان و دوستانش غایب خواهد شد، آنچنان غیبتی که به

امامت او کسی پابرجا نخواهد ماند مگر آن کسی که خداوند متعال قلب و دل او را

به ایمان امتحان کرده باشد و از امتحان سربلند بیرون آمده باشد.

جابر می‌گوید:

خدمت پیامبر اکرم عرض کردم:

یا رسول الله:

آیا شیعیان آن حضرت «شیعیان امام زمان علیه السلام» در زمان غیبت آن حضرت از آن حضرت بهره‌مند خواهند شد.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:
آری،

قسم به خداوندی که مرا مبعوث به رسالت نمود و به پیامبری فرستاد، شیعیان آن حضرت از نور آن حضرت نور می‌گیرند «روشنایی می‌گیرند» و از ولایت آن حضرت در زمان غیبتش منتفع می‌شوند «بهره‌مند می‌شوند» مانند بهره بردن مردم از خورشید، گرچه ابر آن را پوشانده باشد.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در پایان فرمایش خویش فرمودند:

ای جابر، این موضوع سرّ مکنون خداوند متعال «راز پنهان خداوند متعال» و علم مخزون خداوند متعال «ذخیره و گنجینه علم خداوند متعال» است، پس آن را مخفی نگهدار «به کسی نگو» مگر به اهلس «مگر به کسانی که صلاحیت دارند»^۱.

۲. امام باقر علیه السلام درباره این آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» فرمودند:

مقصود از اولی الامر فقط ما هستیم «ائمّه معصومین علیهم السلام»، و خداوند متعال به تمام مؤمنین تا روز قیامت دستور داده تا از ما اطاعت کنند. این حدیث را برید عجلی از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۲

۱. المیزان، جلد هشتم، صفحه ۲۶۲ - ۲۶۳.

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۲۴۱.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۳۶۶ - ۳۶۷، حدیث ۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۱۰۱، حدیث ۳۳۱ «حدیث ۲۱۸۴».

۲. تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۲۳۹.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۳۶۸، حدیث ۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۹۷، حدیث ۳۲۸ «حدیث ۲۱۸۱».

۳. ابو بصیر می گوید:

از امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» آیه ۵۹ سوره نساء سؤال کردم.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

این آیه شریفه درباره علی بن ابیطالب و حسن و حسین علیهم السلام نازل شده است.

خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم:

یا بن رسول الله:

مردم می گویند چرا نام علی بن ابیطالب و اهل بیت آن حضرت در قرآن کریم نیامده است.

امام صادق علیه السلام به ابو بصیر فرمودند:

به مردم بگوئید:

برای پیامبر اکرم آیه نماز نازل شد بدون آنکه به رکعات آن اشاره شود و رکعات آن مشخص گردد، تا اینکه پیامبر اکرم آن را برای مردم بیان فرمود «تعداد رکعات نمازها را معین فرمود»،

آیه زکات بر پیامبر اکرم نازل شد بی آنکه ذکر شود از هر چهل درهم یک درهم پرداخت شود، تا اینکه پیامبر اکرم آن را بیان فرمود،

آیه حج بر پیامبر اکرم نازل شد اما در قرآن کریم ذکر نشد که هفت بار طواف کنید، و این پیامبر اکرم بود که آن را برای مردم تشریح فرمود،

و آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» درباره علی بن ابیطالب و حسن و حسین علیهم السلام نازل شد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ،

أَوْصِيَكُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ وَ أَهْلِ بَيْتِي،

فَإِنِّي سَأَلْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ لَا يُفَرِّقَ بَيْنَهُمَا حَتَّى يُورِدَ هُمَا عَلَيَّ الْخَوْضَ فَأَعْطَانِي ذَلِكَ،

لَا تُعَلِّمُوهُمْ فَهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ،

إِنَّهُمْ لَنْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ بَابِ هُدًى،
وَلَنْ يُدْخِلُوكُمْ فِي بَابِ ضَلَالَةٍ، یعنی:

پیامبر اکرم فرمودند:

هر کس من مولا و آقای او هستم پس علی بن ابیطالب مولا و سرور او است. ای مردم شما را سفارش می‌کنم به کتاب خدا «قرآن کریم» و اهل بیت خودم، از خداوند متعال تقاضا کردم که میان آن‌ها «قرآن و اهل بیت» جدایی نیندازد تا آنکه کنار حوض کوثر به من ملحق شوند، و خداوند متعال نیز تقاضای مرا اجابت فرمود.

ای مردم، چیزی به آن‌ها «قرآن و اهل بیت» نیاموزید زیرا آن‌ها از شما آعلم هستند «عالم تر وداناتر از شما هستند».

ای مردم، آن‌ها «قرآن کریم و اهل بیت» شما را از درب هدایت خارج نمی‌کنند و هرگز شما را به باب گمراهی وارد نمی‌کنند «هرگز شما را گمراه نخواهند کرد».

امام صادق علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

اگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سکوت می‌کردند و اهل بیت خویش را معرفی نمی‌فرمودند چه بسا آل فلان و آل فلان «دیگران» ادعا می‌کردند که اهل بیت پیامبر اکرم می‌باشند،

لیکن خداوند متعال برای تصدیق پیامبرش این آیه شریفه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً، آیه ۳۳ سوره احزاب» را نازل فرمود، و اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم علی بن ابیطالب، حسن، حسین و حضرت فاطمه علیهم السلام بودند که پیامبر اکرم در خانه ام سلمه آن بزرگواران را «حضرت علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام» در زیر عبای خویش قرار داد و به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

هر پیامبری اهل بیت و عترتی دارد و این‌ها اهل بیت من هستند.

ام سلمه به پیامبر اکرم عرض کرد:

یا رسول الله:

آیا من از اهل بیت تو نیستم.

پیامبر اکرم به امّ سلمه فرمود:

تو به سوی خیر حرکت می کنی «تو به طرف خیر می روی»، اما:

این ها «حضرت علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السّلام» اهل بیت و عترت من هستند.

امام صادق علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

بعد از رحلت پیامبر اکرم علی بن ابیطالب، و پس از آن حضرت امام حسن، و پس از آن حضرت امام حسین امامت داشتند، و پس از امام حسین امامت به علی بن حسین و پس از آن حضرت به محمد بن علی رسید.^۱

۴. وجود مقدّس مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام درباره

این آیه شریفه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» فرمودند:

این آیه شریفه فقط مخصوص ما اهل بیت است نه غیر ما،

لیکن شما به اعقاب خویش بازگشته و مرتد شده و پیمان شکستید و عهد خویش را زیر پا نهادید با اینکه خداوند متعال فرموده بود آن را به خدا و رسول و اولی الامر واگذار کنید، و شما ابتدا اعتراف و اقرار نمودید لیکن بعداً آن را نکار کردید.^۲

۵. مردی خدمت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام شرفیاب شد و از آن

حضرت سؤال کرد:

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۴۰ تا ۴۲، حدیث ۱ «حدیث ۷۵۰».

المیزان، جلد هشتم، صفحه ۲۶۵.

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۲۳۹ - ۲۴۰.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۳۶۹ تا ۳۷۱، حدیث ۶.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۳۷۹ تا ۳۸۲، حدیث ۱۸ و ۱۹.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۱۰۷ تا ۱۰۹، حدیث ۳۴۳ «حدیث ۲۱۹۶».

۲. تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۱۱۷، حدیث ۳۵۶ «حدیث ۲۲۰۹».

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۸۵۹، حدیث ۳۸۵ «حدیث ۱۷۳۰» «ذیل آیات ۱۴۴ و ۱۴۵ سوره آل عمران».

احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام بر ناکثین، صفحه ۳۳۷ - ۳۳۸، حدیث ۶۶.

یا ابا الحسن، کمترین چیزی که انسان در پرتو آن جزء مؤمنان خواهد شد چیست؟

و کمترین چیزی که انسان به سبب آن در زمره کافرین و گمراهان قرار می‌گیرد چه می‌باشد.

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه‌السلام فرمودند:

چیزی که انسان به سبب آن در زمره مؤمنین قرار می‌گیرد این است که وقتی خداوند متعال خودش را به او بشناساند او از خداوند متعال اطاعت نماید، وقتی خداوند متعال پیامبرش را به او بشناساند «معرفی کند» او از پیامبر خدا اطاعت کند،

وقتی خداوند متعال حجّت خویش و امام را به او بشناساند «معرفی کند» او از حجّت خدا اطاعت کند «یعنی انسان زمانی در زمره مؤمنین قرار می‌گیرد که از خداوند متعال و پیامبر اکرم و حجج خداوند متعال یعنی ائمه معصومین اطاعت نماید».

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

کمترین چیزی که انسان به سبب آن گمراه شده و در زمره گمراهان «ضالّین» قرار می‌گیرد این است که انسان حجّت خداوند متعال و نماینده و جانشین خداوند متعال و شاهد و گواه خداوند متعال را که خداوند متعال ولایت و اطاعت او را بر همگان واجب فرموده نشناسد.

آن مرد به امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه‌السلام عرض کرد:

یا امیرالمؤمنین:

آن‌ها را به من معرفی فرما «حجج خداوند متعال را به من معرفی فرما».

امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه‌السلام به آن مرد فرمود:

آن‌ها کسانی هستند که خداوند متعال اطاعت از آن‌ها را در ردیف اطاعت از

خودش و پیامبرش قرار داده و فرموده:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ».

آن مرد به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام عرض کرد:
یا امیرالمؤمنین:

فدایت شوم، توضیح بیشتری بفرمائید.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به آن مرد فرمود:
آن‌ها کسانی هستند که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در
مواضع مختلف از جمله در آخرین خطبه‌اش در روز رحلت خویش از آن‌ها یاد
نموده و فرمودند:

إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي، مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا:
كِتَابَ اللَّهِ وَ عَثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي،

فَإِنَّ اللَّطِيفَ الْخَبِيرَ عَهْدَ إِلَيَّ أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضَ كَهَاتَيْنِ «و دو انگشت
سبابه خویش را کنار یکدیگر قرار دادند»، وَ لَا أَقُولُ كَهَاتَيْنِ «و نفرمود مثل انگشت
سبابه و انگشت وسط» فَتَمَسَّكُوا بِهِمَا وَ لَا تَقْدِمُوهُمُ فَتَضِلُّوا، یعنی:
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در آخرین خطبه‌اش در روز رحلت خویش
فرمودند:

ای مردم:

من در میان شما دو چیز به یادگار گذاشتم که اگر به آن‌ها چنگ بزنید و به آن‌ها
تمسک نمائید «دست به دامن آن‌ها بشوید» هرگز پس از رحلت من گمراه نخواهید
شد، و این دو چیز گرانبها یکی کتاب خدا است «قرآن کریم» و دیگری اهل بیت
من، و خداوند دانا و مهربان با من پیمان بسته و عهد فرموده که این دو «قرآن - اهل
بیت من» را هرگز از یکدیگر جدا نسازد تا اینکه کنار حوض کوثر به من ملحق
شوند «نزد من آیند».

سپس پیامبر اکرم فرمودند:

قرآن و اهل بیت من درست مانند این دو انگشت من هستند و در همان حال دو
انگشت سبابه خویش را کنار یکدیگر قرار دادند، و سپس در ادامه فرمایش خویش
فرمودند:

من نمی‌گویم که قرآن و اهل بیت من مانند این دو انگشت من هستند و در همان

حال انگشت سبابه و انگشت وسط خویش را کنار یکدیگر گذاشته «یعنی قرآن کریم و اهل بیت خویش را در یک ردیف قرار دادند» و فرمودند:
پس به این دو «قرآن - اهل بیت» چنگ بزنید و از آنها پیشی نگیرید که گمراه می‌شوید «یعنی پیرو آنها باشید»^۱.

۶. از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که فرموده‌اند:
دو آیه شریفه است که یکی از آنها برای ما است و یکی از آنها برای شما است «شما مردم».

آیه‌ای که مربوط به ما می‌باشد «ائمه معصومین علیهم السلام» آیه ۵۸ سوره نساء می‌باشد که خداوند متعال می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا».

اما آیه‌ای که مربوط به شما مردم می‌باشد آیه ۵۹ سوره نساء است که خداوند متعال می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^۲.

۷. امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند:
منظور از اُولِي الْأَمْرِ در این آیه شریفه «اطِيعُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» آیه ۵۹، سوره نساء» ائمه معصومین علیهم السلام از اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشند که خداوند متعال اطاعت از آنها را به طور مطلق واجب فرموده همان‌طوری که اطاعت از خداوند متعال و پیامبر اکرم را واجب

۱. اصول کافی، جلد چهارم، صفحه ۱۴۱، حدیث ۱ «حدیث ۲۹۱۰».

المیزان، جلد هشتم، صفحه ۲۶۶.

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۲۴۱.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۳۷۱ تا ۳۷۳، حدیث ۷.

تفسیر نورالتقلین، جلد دوم، صفحه ۱۰۵، حدیث ۳۴۰ «حدیث ۲۱۹۳».

تفسیر نمونه، جلد سوم، صفحه ۵۶۶ و ۵۶۷.

۲. مجمع‌البیان، جلد پنجم، صفحه ۱۹۹ «ذیل آیه ۵۸ سوره نساء».

تفسیر نورالتقلین، جلد دوم، صفحه ۹۷، حدیث ۳۲۷ «حدیث ۲۱۸۰».

گردانیده است.^۱

۸. عیسی بن السری نقل می کند که:

به محضر مبارک امام صادق علیه السلام عرض کردم:

یابن رسول الله:

پایه‌هایی که اسلام بر آن بنا شده را به من بیان فرما به طوری که اگر به آن‌ها چنگ بزنم اعمال من پاک و بی عیب باشد تا چیزهای دیگری را که نمی دانم به من زیان وارد نسازد.

امام صادق علیه السلام فرمودند «چیزهایی که اساس و بنیان اسلام هستند عبارتند

از):

شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،

وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ،

وَالْأَقْرَارُ بِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ،

وَحَقُّ فِي الْأَمْوَالِ مِنَ الزَّكَاةِ،

وَالْوِلَايَةُ الَّتِي أَمَرَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهَا وَلَايَةَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ،

فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ:

مَنْ مَاتَ وَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً،

قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ:

«أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»

فَكَانَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ،

ثُمَّ صَارَ مِنْ بَعْدِهِ الْحَسَنُ،

ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ الْحُسَيْنُ،

ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ

ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، ثُمَّ هَذَا يُكُونُ الْأَمْرُ

إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَصْلُحُ إِلَّا بِإِمَامٍ،

وَمَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً،
وَ أَخْوَجُ مَا يَكُونُ أَحَدُكُمْ إِلَى مَعْرِفَتِهِ إِذَا بَلَغَتْ نَفْسُهُ هَيْهُنَا،
قَالَ: وَ أَهْوَى بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ،

يَقُولُ حِينئِذٍ: لَقَدْ كُنْتُ عَلَى أَمْرٍ حَسَنٍ، يَعْنِي:

وجود مقدّس امام صادق عليه السّلام فرمودند:

چیزهایی که اساس و بنیان اسلام هستند عبارتند از:

شهادت دادن به یگانگی خداوند متعال «توحید»،

و اینکه حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم رسول و فرستاده خداوند

متعال است «نبوّت»،

و اقرار کردن و ایمان آوردن به آنچه که پیامبر اکرم از جانب خداوند متعال آورده

است،

و اینکه حقّی به عنوان زکات در اموال وجود دارد،

و ولایتی که خداوند متعال به آن امر فرموده که آن ولایت، ولایت آل محمّد

صلی الله علیه و آله و سلّم می باشد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در این

رابطه «در رابطه با اهمّیت امامت و ولایت» فرمودند:

هر کس بمیرد و امامش را نشناسد به مرگ جاهلیّت از دنیا رفته است «مانند

اعراب جاهلیّت از دنیا رفته که کافر و مشرک بودند».

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش در رابطه با اهمّیت

ولایت و امامت و وجوب اطاعت از ائمه معصومین علیهم السّلام فرمودند:

خداوند تبارک و تعالی در آیه ۵۹ سوره نساء می فرماید:

أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ، يَعْنِي:

از خداوند متعال و از پیامبر اکرم و از اُولِي الْأَمْرِ «صاحبان امر - صاحبان فرمان»

اطاعت کنید،

و اُولِي الْأَمْرِ عَلِيّ بن ابیطالب علیه السّلام بود،

پس از آن حضرت، امام حسن اُولِي الْأَمْرِ بود،

پس از آن حضرت، امام حسین اُولِي الْأَمْرِ بود،

پس از آن حضرت، علی بن حسین اُولی الامر بود،
 پس از آن حضرت، محمّد بن علی اُولی الامر بود،
 و امر امامت بدین سان است «امر امامت همین گونه است»،
 و زمین بدون امام اصلاح نمی شود «زمین بدون امام درست نمی شود» و هر کس
 بمیرد و امامش را نشناسد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است، و زمانی که انسان
 بیشتر از هر وقت دیگر به معرفت و شناخت امام نیاز دارد زمانی است که نفس او
 به این جا برسد و در همان حال با دست مبارک خویش به سینه اش اشاره فرمود
 «زمانی که انسان در حال احتضار است و نفس او به سینه اش رسیده بیش از هر
 زمان دیگر به معرفت امام نیاز دارد»،
 و کسانی که اعتقاد به امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام داشته باشند
 در لحظات آخر عمر خویش خواهند گفت:
 عقیده خوبی داشتم «اعتقاد نیکی داشتم و در مذهب خوبی بودم».
 این حدیث را حمّاد بن عثمان از عیسی بن السّری و او از امام صادق علیه السلام
 نقل نموده است.^۱

۹. صفوان بن یحیی از عیسی بن السّری ابی الیسع نقل می کند که:
 خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم:
 یا بن رسول الله:
 ارکان اسلام را برای من بیان فرما، ارکانی که هیچ انسانی نباید در شناخت آنها
 کوتاهی کند،
 ارکانی که هر کس در شناخت آنها کوتاهی کند دینش ضایع و تباه می شود و
 اعمالش پذیرفته نمی شود،
 و هر کس آن ارکان را بشناسد و به آنها عمل نماید دینش اصلاح شده و

۱. اصول کافی، جلد سوّم، صفحه ۳۴، حدیث ۹ «حدیث ۱۴۹۰».

تفسیر صافی، جلد دوّم، صفحه ۲۴۰.

تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۳۷۳، حدیث ۸.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوّم، صفحه ۱۰۹، حدیث ۳۴۵ «حدیث ۲۱۹۸».

اعمالش پذیرفته می شود.

امام صادق علیه السلام فرمودند «ارکان اسلام عبارتند از»:

شهادت دادن به یگانگی خداوند متعال «توحید»،

اینکه حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم رسول و فرستاده خداوند متعال

است «نبوت»،

ایمان آوردن به آنچه که پیامبر اکرم از جانب خداوند متعال آورده است،

و اینکه حقی به عنوان زکات در اموال وجود دارد،

و ولایتی که خداوند متعال به آن امر فرموده و آن هم ولایت آل محمد صلی الله

علیه و آله و سلم می باشد «امامت»،

و پیامبر اکرم در این رابطه فرمودند:

خداوند متعال در آیه ۵۹ سوره نساء می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ،

امام صادق علیه السلام فرمودند که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

و سلم در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

مَنْ مَاتَ وَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِثْلَةَ جَاهِلِيَّةٍ، یعنی:

هر کس بمیرد و امام خودش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.

امام صادق علیه السلام سپس فرمودند:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم امام بود،

علی بن ابیطالب علیه السلام امام بود، لیکن دیگران می گفتند معاویه امام است

«أُولِي الْأَمْرِ است»،

حسن بن علی امام بود و بعد از آن حضرت حسین بن علی امام بود اما دیگران

یزید بن معاویه را امام «أُولِي الْأَمْرِ» می دانستند، اما:

علی کجا و معاویه کجا، حسین بن علی کجا و یزید بن معاویه کجا.

پس از حسین بن علی، علی بن الحسین «امام سجّاد» امام بود و پس از آن

حضرت محمد بن علی «امام باقر» امام بود.

امام صادق علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

مَنْ مَاتَ وَ لَا يَعْرِفُ اِمَامَهُ مَاتَ مِثَّةً جَاهِلِيَّةً،

امام صادق علیه السلام به عیسی بن السریّ ابی الیسع فرمودند: بیشترین نیاز و بیشترین احتیاج تو به این عقیده‌ای که داری «عقیده به امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام» زمانی است که نفس تو به این جا برسد «در همان حال امام صادق علیه السلام با دست مبارک خویش به سینه و گلوئی خودشان اشاره کردند» و تو از دنیا بریده باشی، و در آن لحظه است که با خودت می‌گویی: عقیده خوبی داشتم «یعنی در لحظه مرگ و لحظه جان دادن عظمت و فضیلت امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام فهمیده می‌شود، همچنین در روز قیامت»^۱.

۱۰. وجود مقدّس امام باقر علیه السلام فرمودند:

مقصود از اُولی الامر در این آیه شریفه «یا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا الرَّسُولَ وَ اُولی الامر مِنْكُمْ - آیه ۵۹، سوره نساء» امامان از نسل علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها سلام می‌باشند تا روز قیامت «یعنی مقصود از اُولی الامر ائمه معصومین علیهم السلام هستند که از نسل امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها می‌باشند و تا روز قیامت غیر از ائمه معصومین علیهم السلام امامان دیگری نخواهند بود».

این حدیث را ابی بصیر از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۲

۱۱. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره اوصیاء و جانشینان خویش با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام سخن می‌گفتند و در این رابطه به علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

۱. اصول کافی، جلد سوم، صفحه ۳۲ و ۳۳، حدیث ۶ «حدیث ۱۴۸۷».

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۳۸۳، حدیث ۲۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۱۰۹، حدیث ۳۴۴ «حدیث ۲۱۹۷».

۲. المیزان، جلد هشتم، صفحه ۲۶۳.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۳۷۴، حدیث ۱۰.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۱۰۱، حدیث ۳۳۰ «حدیث ۲۱۸۳».

اوصیاء و جانشینان من کسانی هستند که خداوند متعال نام آنها را در کنار نام خویش و نام من قرار داده و فرموده:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»،

و منظور از اُولِي الْأَمْرِ ائمه عليهم السلام می باشند،

و منظور از ائمه عليهم السلام، اوصیاء و جانشینان من هستند که همواره همراه قرآن کریم هستند و قرآن کریم نیز همراه آنها است تا اینکه کنار حوض کوثر بر من وارد شوند «به من ملحق شوند».

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه بیانات خویش فرمودند:

تنها به خاطر ائمه معصومین است «تنها به خاطر اوصیاء من است» که امت من یاری می شود و باران رحمت الهی بر آنها می بارَد،

و تنها به خاطر ائمه معصومین است که عذاب از امت من دور می شود و دعای آنها مستجاب می گردد.

سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به معرفی اوصیاء خویش پرداخته و به حضرت امیر علیه السلام فرمودند:

پس از تو پسر من حسن علیه السلام است.

پس از او پسر من حسین علیه السلام است.

پس از حسین پسرش علی است که در زمان حیات تو متولد می شود،

پس سلام مرا به او برسان.

پس از او پسرش محمد است، و آنگاه پیامبر اکرم رو به امام حسین علیه السلام

نموده و فرمودند:

محمد بن علی «امام باقر علیه السلام» در زمان حیات تو به دنیا می آید، سلام مرا به او

برسان.

سپس وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نام تک تک دوازده

امام «بقیه ائمه از امام باقر تا امام زمان عليهم السلام» را برده و فرمودند:

به خدا قسم:

مهدی اَمّت از ذرّیه ایشان است «امام حسین علیه السّلام» که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد بعد از آنکه پر از ظلم و ستم شده باشد.
وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در پایان فرمایشات خویش فرمودند:

به خدا قسم:

من تمام کسانی را که بین رکن و مقام با آن حضرت «امام زمان علیه السّلام» بیعت می کنند می شناسم و نام آن ها و نام پدران آن ها و نام قبائل آن ها را می دانم.^۱

۱۲. پس از شهادت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و پس از بیعت مردم با وجود مقدّس امام مجتبی سلام الله علیه آن حضرت خطبه ای ایراد فرموده و طی آن فرمودند:

ما هستیم حزب الله،

ما هستیم عترت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم،

ما هستیم اهل بیت طیب و طاهر «پاک و مطهّر» پیامبر اکرم،

ما هستیم یکی از ثقلین «یکی از دو امانت گرانقدر» که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در بین اَمّت خویش به یادگار گذاشتند، و یادگار دیگر آن حضرت قرآن کریم است که تفصیل هر چیزی در آن آمده و هرگز باطل در آن راه ندارد.
وجود مقدّس امام مجتبی علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

ای مردم:

از ما اطاعت کنید زیرا اطاعت از ما واجب است، چرا که خداوند متعال اطاعت از ما را در ردیف اطاعت از خودش و رسولش قرار داده و فرموده:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا الرَّسُولَ وَ اُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ - آیه ۵۹، سوره نساء».^۲

۱. تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۳۷۴ - ۳۷۵، حدیث ۱۳.

تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۳۸۴ - ۳۸۵، حدیث ۲۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوّم، صفحه ۱۱۱، حدیث ۳۴۶ «حدیث ۲۱۹۹».

۲. امالی شیخ مفید، مجلسی چهل و یکم، صفحه ۴۷۱، حدیث ۴، حدیث ثقلین «حدیث ۴۴۶».

تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۳۷۶، حدیث ۱۴.

۱۳. یکی از اصحاب امام رضا علیه السلام به نام ابان نقل می‌کند:
روزی خدمت امام رضا علیه السلام شرفیاب شده و از آن حضرت درباره این آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» - آیه ۵۹، سوره نساء^۱ سؤال کردم و پرسیدم که مقصود از اُولِي الْأَمْرِ در این آیه شریفه چه کسانی هستند.

وجود مقدّس امام رضا علیه السلام فرمودند:
مقصود از اُولِي الْأَمْرِ در این آیه شریفه وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام هستند، و پس از آن حضرت، امام حسن، سپس امام حسین، سپس علی بن الحسین «امام سجّاد علیه السلام» و به همین ترتیب وجود مقدّس امام رضا علیه السلام نام مبارک دوازده امام را تا آخرین نفر بیان فرمودند.^۱

۱۴. وجود مقدّس امام باقر علیه السلام فرمودند:
این آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»،
درباره امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و ائمه معصومین علیهم السلام نازل شده است.

این حدیث را عبدالله بن عجلان از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۲

۱۵. یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به نام حکیم نقل می‌کند که:
به محضر مبارک امام صادق علیه السلام عرض کردم:
یابن رسول الله، اُولِي الْأَمْرِ چه کسانی هستند که خداوند متعال در قرآن کریم دستور فرموده تا از آنها اطاعت شود.
وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمودند:

۱. تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۳۸۲، حدیث ۲۰.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوّم، صفحه ۱۰۳، حدیث ۳۳۲ «حدیث ۲۱۸۵».

۲. المیزان، جلد هشتم، صفحه ۲۶۴.

تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۳۸۳، حدیث ۲۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوّم، صفحه ۱۰۳، حدیث ۳۳۴ «حدیث ۲۱۸۷».

أُولِي الْأَمْرِ، عَلِيٌّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ، حَسَنٌ، حُسَيْنٌ، عَلِيُّ بْنُ حُسَيْنٍ «امام سجّاد»، مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ «امام باقر» و جعفر بن محمد یعنی خودم، می‌باشند، پس:
خداوند متعال را حمد و سپاس بگوئید که ائمه معصومین علیهم السّلام را برای شما معرّفی فرموده.^۱

۱۶. عمرو بن سعید می‌گوید:

از وجود مقدّس موسی بن جعفر سلام الله علیهما در رابطه با این آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» سؤال کردم و پرسیدم که مقصود از أُولِي الْأَمْرِ در این آیه شریفه چه کسانی هستند.
وجود مقدّس امام کاظم علیه السّلام فرمودند:
مقصود از أُولِي الْأَمْرِ در این آیه شریفه وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و اوصیاء آن حضرت می‌باشند.^۲

۱۷. وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند،

مقصود از أُولِي الْأَمْرِ در این آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» - آیه ۵۹ سوره نساء» اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشند. این حدیث را عامر بن سعید جهنی از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.^۳

۱۸. وجود مبارک امام صادق علیه السّلام فرمودند:

مقصود از أُولِي الْأَمْرِ در این آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» - آیه ۵۹، سوره نساء» ائمه معصومین و اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشند.

۱. تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۳۸۳، حدیث ۲۳.

تفسیر نورالتقلین، جلد دوّم، صفحه ۱۰۳، حدیث ۳۳۵ «حدیث ۲۱۸۸».

۲. المیزان، جلد هشتم، صفحه ۲۶۳.

تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۳۸۴، حدیث ۲۵.

۳. تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۳۸۵، حدیث ۲۸.

این حدیث را حسن بن صالح از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۱

۱۹. وجود مبارک امام باقر علیه السلام فرمودند:

مقصود از *أُولَى الْأَمْرِ* در این آیه شریفه «*يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ*» - آیه ۵۹، سوره نساء، ائمه معصومین علیهم السلام از فرزندان علی و فاطمه سلام الله علیهما هستند تا روز قیامت.

این حدیث را ابی بصیر از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۲

۲۰. امام باقر علیه السلام فرمودند:

اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ائمه معصومین علیهم السلام هستند که خداوند متعال اطاعت از آنها را در ردیف اطاعت از خودش و رسولش قرار داده و فرموده:

«*يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ*».

امام باقر علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

مقصود از *أُولَى الْأَمْرِ* اهل بیت پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام هستند که معصوم بوده و مقام عصمت دارند و از هر رجس و پلیدی به دور می باشند و هرگز مرتکب گناه نشده و هرگز از دستورات خداوند متعال سرپیچی نمی کنند و همواره مؤید به تأییدات الهی هستند.

امام باقر علیه السلام سپس فرمودند:

خداوند متعال به خاطر اینها «*ائمه معصومین علیهم السلام*» بندگان را روزی می دهد،

به خاطر این ذوات مقدسه است که باران می بارد،

به خاطر اینها است «*ائمه معصومین علیهم السلام*» که برکات از زمین خارج می شود،

۱. المیزان، جلد هشتم، صفحه ۲۶۳.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۳۸۵، حدیث ۲۹.

۲. المیزان، جلد هشتم، صفحه ۲۶۳.

تفسیر نورالتقلین، جلد دوم، صفحه ۱۱۵، حدیث ۳۴۹ «حدیث ۲۲۰۲».

به خاطر این‌ها است که خداوند متعال به گنهکاران فرصت داده و در عذاب آن‌ها تعجیل نمی‌نماید،
این‌ها از قرآن جدا نیستند «اهل بیت پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام
از قرآن جدا نیستند»،
و قرآن نیز از این‌ها جدا نیست.^۱

۲۱. وجود مقدّس امام باقر علیه‌السّلام این آیه شریفه «یا ایّها الذّین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرّسول و اولی الامر منکم - آیه ۵۹، سوره نساء» را تلاوت نموده و فرمودند:
مقصود از یا ایّها الذّین آمنوا در این آیه شریفه تمام مؤمنین هستند تا روز قیامت،
و منظور از اولی الامر در این آیه شریفه «اطیعوا الله و اطیعوا الرّسول و اولی الامر منکم» فقط و فقط ما هستیم «یعنی ائمه معصومین علیهم السّلام».
این حدیث را برید بن معاویه از امام باقر علیه‌السّلام نقل نموده است.^۲

۲۲. وجود مقدّس امام سجّاد علیه‌السّلام فرمودند:
از ما اطاعت کنید زیرا اطاعت از ما واجب است، چرا که خداوند متعال اطاعت
از ما را در ردیف اطاعت از خودش و رسولش قرار داده و فرموده:
یا ایّها الذّین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرّسول و اولی الامر منکم.^۳ «آیه ۵۹ سوره نساء»

توضیح:

ملاحظه فرمودید که:

طبق احادیث شریفی که نقل شد مقصود از اولی الامر در این آیه شریفه «یا ایّها الذّین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرّسول و اولی الامر منکم - آیه ۵۹، سوره نساء» ائمه معصومین علیهم السّلام هستند که خداوند متعال اطاعت از آن ذوات مقدّسه را در

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۱۰۵، حدیث ۳۳۹ «حدیث ۲۱۹۲».

علل الشرایع شیخ صدوق، جلد اول، صفحه ۴۲۵، باب ۱۰۳، حدیث ۱ «سرّ احتیاج به پیامبر و امام».

۲. تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۱۱۵، حدیث ۳۵۱ «حدیث ۲۲۰۴».

۳. تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۱۱۹، حدیث ۳۶۰ «حدیث ۲۲۱۳».

ردیف اطاعت از خودش و رسولش قرار داده و به همه مردم دستور داده تا از آن ذوات مقدسه اطاعت نمایند، آن هم اطاعت مطلق و بی قید و شرط در تمام امور اعم از امور دنیوی و اخروی.

احادیثی که ذیل آیه ۵۹ سوره نساء آمده بود به عرض رسید، ذیلاً به چند حدیث دیگر که در کتاب شریف اصول کافی آمده اشاره می شود «در رابطه با وجوب اطاعت از ائمه معصومین علیهم السّلام».

۲۳. امام صادق علیه السّلام فرمودند:

أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا إِمَامًا فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ،

وَ أَنَّ الْحَسَنَ إِمَامًا فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ،

وَ أَنَّ الْحُسَيْنَ إِمَامًا فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ،

وَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ إِمَامًا فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ،

وَ أَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ إِمَامًا فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ، یعنی:

امام صادق علیه السّلام فرمودند:

شهادت و گواهی می دهم که:

علی بن ابیطالب علیه السّلام امامی است که خداوند متعال اطاعت از آن حضرت را واجب فرموده است،

و امام حسن «امام مجتبی» علیه السّلام امامی است که خداوند متعال اطاعت از آن حضرت را واجب فرموده است،

و امام حسین «سید الشهداء» علیه السّلام امامی است که خداوند متعال اطاعت از آن حضرت را واجب فرموده است،

و علی بن حسین «امام سجاد» علیه السّلام امامی است که خداوند متعال اطاعت از آن حضرت را واجب فرموده است،

و محمد بن علی «امام باقر» علیه السّلام امامی است که خداوند متعال اطاعت از آن حضرت را واجب فرموده است.

این حدیث را ابی الصّباح از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.^۱

۲۴. امام صادق علیه السّلام فرمودند:

نَحْنُ قَوْمٌ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَنَا، یعنی:

ما «ائمه معصومین علیهم السّلام» گروهی هستیم که خداوند متعال اطاعت از ما را واجب فرموده است.

این حدیث را بشیر عطار از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.^۲

۲۵. امام صادق علیه السّلام فرمودند:

نَحْنُ قَوْمٌ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَنَا،

لَا يَسَعُ النَّاسُ إِلَّا مَعْرِفَتَنَا،

وَلَا يُعْذَرُ النَّاسُ بِجَهَالَتِنَا، یعنی:

ما «ائمه معصومین علیهم السّلام» هستیم کسانی که خداوند متعال اطاعت از ما را واجب فرموده است.

مردم راهی جز معرفت «شناخت» ما ندارند «برای مردم جز شناخت ما روا نیست»

و مردم در نشناختن ما عذر و بهانه‌ای ندارند.

این حدیث را ابی سلّمه از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.^۳

۲۶. اسماعیل بن جابر می گوید:

خدمت امام باقر علیه السّلام عرض کردم.

یا بن رسول الله:

آیا اجازه می فرمائید تا دین خودم را خدمت شما عرضه بدارم.

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۶۳، حدیث ۲ «حدیث ۴۷۵».

۲. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۶۳، حدیث ۳ «حدیث ۴۷۶».

۳. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۶۴، حدیث ۶ «حدیث ۴۷۹».

۴. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۶۶، حدیث ۱۱ «حدیث ۴۸۴».

امام باقر علیه السلام فرمودند:

أرى، بگو

اسماعیل بن جابر می گوید:

خدمت امام باقر علیه السلام عرض کردم:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ،

وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ،

وَ الْإِقْرَارَ بِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ،

وَ أَنَّ عَلِيًّا كَانَ إِمَامًا فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ، ثُمَّ كَانَ

بَعْدَهُ الْحُسَيْنُ إِمَامًا فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ، ثُمَّ كَانَ بَعْدَهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ إِمَامًا فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ،

حَتَّى انْتَهَى الْأَمْرُ إِلَيْهِ،

ثُمَّ قُلْتُ:

أَنْتَ يَرْحَمُكَ اللَّهُ،

فَقَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ،

هَذَا دِينُ اللَّهِ وَ دِينُ مَلَائِكَتِهِ، يَعْنِي:

خدمت امام باقر علیه السلام عرض کردم:

شهادت و گواهی می دهم که خدایی نیست جز خداوند یگانه،

و شهادت و گواهی می دهم که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده

خدا و رسول خدا می باشد، و به آنچه که آن حضرت از جانب خداوند متعال آورده

ایمان دارم،

و اعتقاد دارم که علی بن ابیطالب امام است و خداوند متعال اطاعت از او را واجب فرموده،

و پس از ایشان حسن بن علی امام است و خداوند متعال اطاعت از او را واجب فرموده،

و پس از ایشان حسین بن علی امام است و خداوند متعال اطاعت از او را واجب فرموده،

و پس از ایشان علی بن حسین «امام سجّاد علیه السلام» امام است و خداوند متعال

اطاعت از او را واجب فرموده است.

اسماعیل بن جابر می گوید:

همین طور نام مبارک ائمه معصومین علیهم السلام را گفتم تا به خود آن حضرت

رسید «یعنی امام باقر علیه‌السلام»، و به آن حضرت عرض کردم:

پس از علی بن حسین شما امام هستید.

اسماعیل بن جابر می‌گوید، پس از سخنان من امام باقر علیه‌السلام به من فرمود:

این است دین خداوند متعال و دین ملائکه خداوند متعال.^۱

ملاحظه فرمودید که:

ائمه معصومین علیهم‌السلام اُولی‌الأمر هستند و امام منصوب از ناحیه خداوند متعال که خداوند متعال اطاعت از آن ذوات مقدسه را به همه مردم واجب فرموده آن هم اطاعت مطلق و بی‌قید و شرط در تمام امور، اعم از امور دنیوی و اخروی. قابل ذکر است که:

ائمه معصومین علیهم‌السلام از نظر اینکه اطاعت از آنها واجب می‌باشد با یکدیگر مساوی هستند، یعنی همه آن ذوات مقدسه واجب‌الاطاعه می‌باشند و از این لحاظ هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند زیرا هر امام معصومی منصوب از ناحیه خداوند متعال است و حجت خداوند متعال بر مخلوقات می‌باشد، و امام بعد از خویش را به دستور خداوند متعال به عنوان امام مسلمین معرفی و منصوب می‌فرماید.

در این رابطه به دو حدیث اشاره می‌شود «یکسان بودن ائمه علیهم‌السلام از نظر وجوب اطاعت از آنها».

مردی از امام کاظم علیه‌السلام سؤال کرد:

یا بن رسول‌الله:

آیا اطاعت از شما واجب است.

امام کاظم علیه‌السلام به او فرمود:

آری، اطاعت از من واجب است.

آن مرد به امام کاظم علیه‌السلام عرض کرد:

مثل اطاعت از علی بن ابیطالب علیه‌السلام «یعنی وجوب اطاعت از شما مثل

وجوب اطاعت از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام است».

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۶۶ - ۲۶۷، حدیث ۱۳ «حدیث ۴۸۶».

امام کاظم علیه السلام به او فرمود:

آری «یعنی وجوب اطاعت از من مثل وجوب اطاعت از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد».^۱

ابوبصیر می گوید:

از امام صادق علیه السلام سؤال کردم:

یابن رسول الله:

آیا همه ائمه معصومین علیهم السلام در وجوب اطاعت یکسان هستند «آیا ائمه معصومین علیهم السلام از نظر امامت و وجوب اطاعت یکسان هستند و در یک جایگاه می باشند».

وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند: آری.^۲

۲۷. وجود مقدس اباعبدالله الحسین علیه السلام فرمودند.

از ما اطاعت کنید که خداوند متعال اطاعت از ما را واجب فرموده و اطاعت از ما را در این آیه شریفه «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ - آیه ۵۹، سوره نساء» در کنار اطاعت از خودش و رسولش قرار داده است.^۳

۲۸. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری پس از انجام مناسک حج و در راه بازگشت از مکه به مدینه در محل غدیر خم و در حضور جمع کثیری از حجّاج بیت الله الحرام که تعداد آنها تا یکصد و بیست هزار نفر نیز گفته شده خطبه مفصلی ایراد فرموده و پس از حمد ثنای خداوند متعال قطره ای از دریای بیکران فضائل و مناقب مولی الموحّدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را بیان فرموده و سپس به امر خداوند متعال آن حضرت را به عنوان وصی و جانشین خویش و به عنوان امام مسلمین معرفی

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۶۵، حدیث ۸ «حدیث ۴۸۱».

۲. اصول کافی، جلد اول صفحه ۲۶۵، حدیث ۹ «حدیث ۴۸۲».

۳. تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۲۴۳.

احتجاج طبرسی، جلد دوم، احتجاج امام حسین با معاویه، صفحه ۹۳، حدیث ۱۶۵.

و منصوب فرمودند.

به قسمتی از فرمایشات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که به این آیه شریفه «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا الرَّسُولَ وَ اُولِی الْأَمْرِ مِنْكُمْ - آیه ۵۹، سوره نساء» مربوط می گردد اشاره می شود.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در قسمتی از این خطبه نورانی و شریف فرمودند:

أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَ وَصِيَّي وَ خَلِيفَتِي، وَ الْأِمَامُ مِنْ بَعْدِي، هُوَ وَ لِيُكْمَ بَعْدَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَ إِمَامًا مُفْتَرَضًا طَاعَتُهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ، وَ عَلَى الْبَادِي وَ الْحَاضِرِ، وَ عَلَى الْأَعْجَمِيِّ وَ الْعَرَبِيِّ، وَ الْحُرِّ وَ الْمَمْلُوكِ، وَ الصَّغِيرِ وَ الْكَبِيرِ، وَ عَلَى الْأَبْيَضِ وَ الْأَسْوَدِ، وَ عَلَى كُلِّ مُوَحَّدٍ مَاضٍ حُكْمُهُ، جَائِزٌ قَوْلُهُ، نَافِذٌ أَمْرُهُ، مُلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ، إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ، وَ لَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وَ لَا يَتَّهَهُ، وَ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُ، حَتَّمَا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ فِيهِ، وَ أَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا تَكْرًا أَبَدًا أَبَدٍ وَ دَهْرَ الدُّهُورِ، فَاحْذَرُوا أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَصِلُوا نَارًا وَ قُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ،

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَ أَفْهَمُوا آيَاتِهِ، وَ انظُرُوا إِلَى مُحْكَمَاتِهِ، وَ لَا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهُ، فَإِنَّ اللَّهَ لَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ وَ لَا يُوضِحُ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا الَّذِي أَنَا آخِذٌ بِيَدِهِ، فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسَلَّمُوا، وَ اطِيعُوهُ تَهْتَدُوا،

إِلَّا إِنْ خَاتَمَ الْأَيْمَةَ مِنَّا الْقَائِمُ الْمُهْدِيُّ، إِلَّا إِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حَكْمُهُ فِي خَلْقِهِ وَ أَمِينُهُ

فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ،

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ عَلِيًّا وَ الْأَيْمَةَ الَّذِينَ ذَكَرْتُهُمْ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا، يَعْنِي:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

ای مردم:

به درستی که علی بن ابیطالب، برادر من و وصی و جانشین من است و امام بعد

از من است «بعد از من امام مسلمین است»،

علی بن ابیطالب پس از خدا و رسول خدا ولی و سرپرست شما است.

ای مردم بدانید و آگاه باشید که:

خداوند متعال علی بن ابیطالب را ولی و امام شما قرار داده و اطاعت از او را به تمام مهاجرین و انصار، همه افراد حاضر، کسانی که این جا حضور ندارند، عرب، عجم، کوچک و بزرگ، بنده و آزاد، سیاه و سفید و بر هر انسان موحد «یکتاپرست» واجب فرموده است «اطاعت از علی بن ابیطالب را خداوند متعال بر تمام انسانها واجب فرموده است، اعم از سیاه و سفید و عرب و عجم و...»، فرمان و دستور علی بن ابیطالب قابل اجرا، سخن آن حضرت مقبول و امرش نافذ است و هر کس با آن مخالفت کند ملعون است.

ای گروه مردم:

علی بن ابیطالب امام منصوب از ناحیه خداوند متعال است و هر کس امامت و ولایت او را انکار کند خداوند متعال هرگز توبه‌اش را نمی‌پذیرد و او را نمی‌آمرزد و چنین شخصی به طور قطع و یقین مشمول عذاب الهی خواهد شد و برای همیشه معذب خواهد بود، پس:

ای مردم:

پرهیزید از اینکه با علی بن ابیطالب مخالفت کنید که در این صورت گرفتار آتشی خواهید شد که هیزم و هیمة آن آدمیان و سنگ‌ها هستند که خداوند متعال برای کافران مهیا نموده است «مخالفین علی بن ابیطالب علیه‌السلام در جهنم همنشین کفار بوده و جایگاه ابدی آنها آتش سوزان جهنم است».

ای گروه مردم:

درباره قرآن کریم تدبّر نمائید و آیات آن را بفهمید.

ای مردم:

به محکّمات آن نگاه کنید «به آیات محکم قرآن کریم نظر نمائید» و به دنبال مُتشابهات نروید، از آیات متشابه قرآن کریم پیروی نکنید.

به خدا قسم:

کسی نمی‌تواند باطن آیات شریفه قرآن کریم و حقایق و دقایق آن را برای شما بیان کند مگر علی بن ابیطالب علیه‌السلام که برادر من و وصی و جانشین من می‌باشد

و در همان حال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دست مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را گرفته و بالا برد «ذیل آیه هفتم سوره آل عمران در رابطه با آیات محکم و متشابه و در رابطه با تأویل آیات شریفه قرآن کریم و معنی باطنی آیات قرآن کریم توضیحات لازم ارائه شده است».

ای مردم:

علی بن ابیطالب و اهل بیت پاک و مطهرم و قرآن کریم دو ثقل و دو یادگار گرانبها هستند که هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا اینکه کنار حوض کوثر بر من ملحق شوند، و بدانید که آنان امان خداوند متعال «امین‌های خداوند متعال» و حاکمان خداوند متعال در زمین هستند.

ای گروه مردم:

اوامر علی بن ابیطالب را گوش کنید تا سلامت بمانید و سالم باشید «سلامت در دین و ایمان»،

و از او اطاعت کنید تا هدایت شوید.

ای مردم:

بدانید و آگاه باشید که:

خاتم امامان «آخرین امام» حضرت مهدی قائم از ما است،

ای مردم:

بدانید و آگاه باشید که:

حضرت مهدی و امام قائم ولی خداوند متعال در زمین است و حاکم خداوند متعال در میان بندگانش می باشد «حکم آن حضرت حکم خداوند متعال می باشد»، و امین خداوند متعال بر نهان و آشکارش «خداوند متعال آن حضرت را به اسرار آفرینش خود از نهان و آشکار آگاه ساخته است».

ای مردم:

هر کس از خداوند متعال و از رسول خدا و از علی بن ابیطالب و از امامانی که ذکر نمودم «دوازده امام معصوم که آخرین آن‌ها امام زمان علیه السلام می باشد»، اطاعت کند به تحقیق به فوز عظیم نائل شده است «به پیروزی و رستگاری بزرگی

رسیده است»^۱.

۲۹. زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره که از ناحیه وجود مقدس امام هادی صلوات الله و سلامه علیه صادر شده یک دوره کامل و جامع امام شناسی است و به عبارتی کامل ترین و جامع ترین زیارت در بین زیارات می باشد و مشتمل بر معانی بلند و مضامین عالی‌های است که در رابطه با شناخت ائمه معصومین علیهم السلام و پی بردن به فضائل و مناقب آن ذوات مقدسه در میان تمام ادعیه و زیارات نظیر ندارد، و در واقع زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره منشور امام شناسی است. در این زیارت شریف هنگام زیارت هر کدام از ذوات مقدسه معصومین سلام الله علیهم اجمعین خدمت آن بزرگواران عرض می کنیم:

وَقَرْنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ، یعنی:

خداوند متعال اطاعت از شما را در ردیف اطاعت از خودش قرار داده است. این فرمایش امام هادی علیه السلام اشاره به آیه ۵۹ سوره نساء دارد که مورد بحث می باشد.

در این آیه شریفه خداوند متعال مؤمنین «و به عبارتی همه مردم» را مورد خطاب قرار داده و می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ، یعنی:

ای کسانی که ایمان آورده اید «ای مومنین»:

از خداوند متعال و از پیامبر اکرم و از اولی الامر «یعنی ائمه معصومین علیهم السلام» اطاعت کنید.

ملاحظه می فرمائید که خداوند متعال اطاعت از خودش و اطاعت از پیامبر اکرم و اطاعت از اولی الامر «ائمه معصومین علیهم السلام» را قرین یکدیگر قرار داده است «در ردیف یکدیگر و کنار هم قرار داده است»، و به همین لحاظ است که:

اطاعت از این ذوات مقدسه اطاعت از خداوند متعال است و سرپیچی از

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج پیامبر اکرم در غدیر خم، صفحه ۱۱۸ تا ۱۴۶ «صفحات ۱۲۶ - ۱۲۸ تا ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۳۹، ۱۴۴» حدیث ۳۲.

دستورات این ذوات مقدّسه سرپیچی از دستورات خداوند متعال می‌باشد که ذیلاً به آن اشاره خواهد شد.

در قسمت دیگری از زیارت شریف جامعه کبیره محضر مقدّس حضرات معصومین علیهم السّلام عرضه می‌داریم که:

مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ،

وَ مَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، یعنی:

هر کس از شما اطاعت کند از خداوند متعال اطاعت کرده است، و هر کس از شما نافرمانی کند از خداوند متعال نافرمانی کرده است «هر کس از دستورات شما سرپیچی کند از دستورات خداوند متعال سرپیچی کرده است». قبلاً به عرض رسید که:

اطاعت از پیامبر اکرم اطاعت از خداوند متعال است،

و سرپیچی از دستورات پیامبر اکرم سرپیچی از دستورات خداوند متعال می‌باشد. خداوند متعال در آیه ۸۰ سوره نساء و آیه ۳۶ سوره احزاب می‌فرماید:

مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، یعنی:

هر کس از پیامبر اکرم اطاعت کند از خداوند متعال اطاعت کرده است.

وَ مَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالاً مُّبِيناً، یعنی:

هر کس از دستورات خداوند متعال و پیامبر اکرم سرپیچی نماید به ضلالت و گمراهی آشکار افتاده است.

ائمه معصومین علیهم السّلام نیز دقیقاً همین وضعیت را دارند، یعنی:

این ذوات مقدّسه نیز مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم حجّت خداوند متعال و خلیفه خداوند متعال «جانشین خداوند متعال» بر مخلوقات بوده و بر تمام مخلوقات ولایت دارند و اطاعت از آن بزرگواران را خداوند متعال بر تمام مخلوقات واجب نموده و به همین لحاظ است که در زیارت نورانی جامعه کبیره به آن ذوات مقدّسه عرض می‌کنیم:

مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ،

وَ مَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ.

همانطور که قبلاً به عرض رسید:

ائمه معصومین علیهم السّلام در رابطه با وجوب اطاعت از آن بزرگواران یکسان می‌باشند و در یک جایگاه قرار دارند، لیکن وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم علاوه بر مقام امامت مقام نبوّت و رسالت را نیز دارا می‌باشند و اشرف مخلوقات هستند و مقامشان از مقام ائمه معصومین علیهم السّلام برتر و بالاتر می‌باشد، و مقام ائمه معصومین علیهم السّلام و صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز از مقام سایر انبیاء بالاتر و برتر می‌باشد.

ذیل آیه ۳۴ و ۳۵ سوره بقره در این رابطه توضیحات لازم ارائه شده است.

توضیح:

ملاحظه فرمودید که مقصود از **أُولِي الْأَمْرِ** در این آیه شریفه «**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ**» - آیه ۵۹، سوره نساء - فقط و فقط ائمه معصومین علیهم السّلام هستند و لاغیر، و طبق این آیه شریفه اطاعت از خداوند متعال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و **أُولِي الْأَمْرِ** یعنی ائمه معصومین علیهم السّلام به همه مردم واجب است، آن هم اطاعت مطلق و بی‌قید و شرط در تمام امور اعم از امور دنیوی و آخروی.

دلیل اینکه پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام واجب‌الاطاعه می‌باشند در بیانات نورانی ائمه معصومین علیهم السّلام آمده که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود، گرچه مهم‌ترین دلیل و مدرک فرمایش خداوند متعال در این آیه شریفه است «آیه ۵۹، سوره نساء» که صراحتاً اطاعت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و ائمه معصومین علیهم السّلام را واجب فرموده است.

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند:

اطاعت فقط و فقط مخصوص خداوند متعال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و ائمه معصومین علیهم السّلام می‌باشد که **أُولِي الْأَمْرِ** هستند، و اگر خداوند متعال دستور فرموده تا مردم از پیامبر اکرم اطاعت کنند به این خاطر است که آن حضرت معصوم بود و مقام عصمت داشت لذا هیچ‌گاه به انجام گناه و معصیت

فرمان نمی داد، همچنین:

اگر خداوند متعال دستور فرموده تا مردم از ائمه معصومین علیهم السلام اطاعت کنند بدین جهت است که آنها نیز معصوم هستند و مقام عصمت دارند لذا امر به معصیت نمی کنند «امر به انجام کاری که گناه است و یا منجر به گناه می شود هرگز از معصوم صادر نمی شود»^۱.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

خداوند متعال کسی را واجب الاطاعه نمی کند که مردم را فریب داده و گمراه نماید.

خداوند متعال فرد غیر معصوم را حجت خود قرار نمی دهد، و پیامبران و اوصیاء آنها حجت خداوند متعال هستند و مقام عصمت دارند.^۲

ب: احادیث مربوط به قسمت دوم آیه ۵۹ سوره نساء «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ»، مبنی بر اینکه:

اگر بین مؤمنین در رابطه با چیزی اختلاف پدید آمد در زمان حیات پیامبر اکرم آن را به خداوند متعال و پیامبر اکرم «آیات محکم قرآن کریم و پیامبر اکرم»، و پس از رحلت آن حضرت به اولی الامر یعنی به ائمه معصومین علیهم السلام ارجاع دهند و تابع دستورات آنها باشند.

۱. وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:

خداوند متعال به مؤمنین دستور دادند تا از خداوند متعال و از پیامبر اکرم و از اولی الامر یعنی از ائمه معصومین علیهم السلام اطاعت کنند، و خداوند متعال به همان مؤمنین دستور فرمودند تا چنانچه در رابطه با موضوعی و چیزی دچار اختلاف شدند جهت حل اختلاف خویش به خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام رجوع نمایند.

این حدیث شریف را برید بن معاویه از وجود مقدس امام باقر علیه السلام نقل

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۱۰۵، حدیث ۳۳۷ «حدیث ۲۱۹۰».

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۲۴۲ «ذیل آیه ۵۹ سوره نساء».

۲. تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۱۰۳، حدیث ۳۳۶ «حدیث ۲۱۸۹».

نموده است.^۱

۲. وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

این آیه شریفه «آیه ۵۹، سوره نساء» در بیان این امر نازل شده که هرگاه مؤمنین در رابطه با چیزی با یکدیگر اختلاف و نزاع داشتند آن را به خداوند متعال و به پیامبر اکرم و به اُولی الامر یعنی به ائمه معصومین علیهم السّلام ارجاع دهند. این حدیث را حرّیز از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.^۲

۳. وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:

اگر در رابطه با چیزی با یکدیگر نزاع و اختلاف داشتید به خداوند متعال و پیامبر اکرم و به ائمه معصومین علیهم السّلام که اُولی الامر هستند رجوع نمائید. این حدیث را محمّد بن مسلم از امام باقر علیه السّلام نقل نموده است.^۳

۴. وجود مبارک امام باقر علیه السّلام فرمودند:

مردم وظیفه دارند امام خویش را بشناسد و تسلیم اوامر آنها باشند و در موارد اختلاف به آنها مراجعه نمایند.

این حدیث را سدیر از امام باقر علیه السّلام نقل نموده است.^۴

۵. عمر بن حنظله می گوید:

از امام صادق علیه السّلام پرسیدم:

۱. تفسیر صافی، جلد دوّم، صفحه ۲۴۲.

تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۳۷۳، حدیث ۹.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوّم، صفحه ۱۱۵، حدیث ۳۵۰ «حدیث ۲۲۰۳».

تفسیر نورالثقلین، جلد دوّم، صفحه ۱۱۵، حدیث ۳۵۲ «حدیث ۲۲۰۵».

۲. تفسیر قمی، جلد اوّل، صفحه ۴۱۰.

تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۳۷۴، حدیث ۱۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوّم، صفحه ۱۱۵، حدیث ۳۵۳ «حدیث ۲۲۰۶».

۳. تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۳۸۵، حدیث ۲۷.

۴. تفسیر نورالثقلین، جلد دوّم، صفحه ۱۱۷، حدیث ۳۵۷ «حدیث ۲۲۱۰».

اصول کافی، جلد دوّم، صفحه ۲۳۴ - ۲۳۵، حدیث ۱ «حدیث ۱۰۰۹».

یابن رسول الله:

اگر بین دو نفر از شیعیان در رابطه با ارث و مسائل مالی «یا هر موضوع مورد اختلاف دیگر» اختلاف پیش بیاید آیا جایز است که نزد سلطان و قضات وقت «قضات غیر شیعه» بروند.

وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمودند:

این امر جایز نیست، زیرا اگر شخصی «شیعه‌ای» اختلاف خود را نزد آنها ببرد چنان است که نزد طاغوت رفته باشد، و اگر آن قاضی حُکم کند و حُکم قاضی به نفع او باشد آنچه که به دست آورد «مالی که نصیبش می‌شود» حرام است گرچه حقّ مسلم او باشد، زیرا با حُکم طاغوت آن مال نصیبش شده است، و این در حالی است که خداوند متعال در آیه ۶۰ سوره نساء به مردم دستور می‌فرماید که نسبت به طاغوت کُفر بورزند «از طاغوت اعراض نمایند و از او اطاعت نکنند».

عمر بن حنظله می‌گوید:

خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم:

یابن رسول الله:

پس اگر شیعیان در موضوعی با یکدیگر اختلاف پیدا کردند چه کنند.

وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمودند:

به شخصی از خودشان «از شیعیان» مراجعه کنند که احادیث ما را روایت می‌کنند و حرام و حلالی را که ما بیان می‌کنیم می‌فهمند و آشنا به احکام ما هستند «یعنی به فقیه شیعه» و به حکمیت او راضی شوند.

امام صادق علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

همانا من او را «فقیه و دین‌شناس شیعه» برای شما حاکم و قاضی قرار دادم و چنانچه یکی از طرفین دعوا حُکم و داوری او را نپذیرد حُکم خداوند متعال را سبک شمرده و ما را رد کرده است،

و هر کس ما را رد کند خداوند متعال را رد نموده است.^۱

توضیح:

ملاحظه فرمودید که:

خداوند متعال در آیه ۵۹ سوره نساء دستور دادند تا همه مؤمنین «و به عبارتی همه مردم» از خداوند متعال و پیامبر اکرم و از ائمه معصومین علیهم السّلام که اُولی الامر هستند اطاعت نمایند.

در توضیحات ذیل آیه شریفه به عرض رسید که:

مؤمنین موظف هستند تا چنانچه در رابطه با چیزی با یکدیگر اختلاف پیدا کردند در زمان حیات پیامبر اکرم به آن حضرت مراجعه کنند و پس از رحلت آن حضرت به ائمه معصومین علیهم السّلام مراجعه نمایند که اُولی الامر می باشند.

آیه ۶۰ سوره نساء و احادیث ذیل این آیه شریفه می فرمایند که چنانچه مؤمنین جهت حل اختلافات خویش غیر از محضر پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام و افرادی که مأذون از ناحیه آن بزرگواران می باشند نزد افراد دیگری مراجعه کنند گویا نزد طاغوت رفته اند، در حالی که خداوند متعال در آیه ۶۰ سوره نساء و آیات دیگری در قرآن کریم به مؤمنین امر فرموده تا نسبت به طاغوت کُفر بورزند «از طاغوت اعراض نموده و از او اطاعت نکنند» و اگر کسی اینگونه نباشد مؤمن نیست.

بنابراین:

مؤمنین موظف هستند که:

از خداوند متعال و از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و از ائمه معصومین علیهم السّلام که اُولی الامر هستند اطاعت نمایند، آن هم اطاعت محض و مطلق در تمام امور اعم از امور دنیوی و اخروی، همچنین مؤمنین موظف هستند که:

۱. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۲۴۴، «ذیل آیه ۶۰ سوره نساء»
اصول کافی، جلد اول، صفحه ۸۶ تا ۸۸، حدیث ۱۰ «حدیث ۱۹۷».

چنانچه در زمان حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بین آنها اختلافی پدید آمد جهت حلّ اختلاف خویش خدمت پیامبر اکرم شرفیاب شده و حکمیت و داوری آن حضرت را بپذیرند، زیرا پیامبر اکرم واجب الاطاعه هستند و طبق دستور خداوند متعال به همه مخلوقات ولایت دارند، همچنین مؤمنین موظّف هستند که:

چنانچه پس از رحلت پیامبر اکرم بین آنها اختلافی پدید آمد جهت حلّ اختلاف خویش خدمت ائمه معصومین علیهم السلام که اولی الامر می باشند شرفیاب شده و مشکل خویش را بیان کرده و حکمیت و داوری آن ذوات مقدّسه را بپذیرند، زیرا آن بزرگواران واجب الاطاعه هستند و حجّت خداوند متعال بر مخلوقات می باشند و طبق دستور خداوند متعال به همه مخلوقات ولایت دارند. اگر افرادی اینگونه بودند مؤمن هستند در غیر این صورت لفظ مؤمنین بر آنها اطلاق نمی شود و جایی در بهشت نخواهند داشت، زیرا بهشت جای مؤمنین است نه غیر مؤمنین.

همچنین مؤمنین «شیعیان اثنی عشری» موظّف هستند که:

چنانچه در زمان غیبت امام زمان سلام الله علیه بین آنها اختلافی پدید آمد جهت حلّ اختلاف خویش خدمت نواب عام آن بزرگواران «فقهائ جامع الشرائط» مراجعه کرده و حکمیت و داوری آنها را بپذیرند زیرا این فقهائ شیعه نواب عام امام زمان علیه السلام بوده و به نیابت از طرف آن حضرت که اولی الامر می باشند حکم صادر می کنند و به همین لحاظ حکم آنها نافذ است، لیکن نه به جهت اینکه اولی الامر هستند بلکه به جهت اینکه از ناحیه اولی الامر نیابت عامّه دارند. بنابراین:

اگر دو نفر شیعه جهت حلّ اختلاف خویش نزد حاکم و قاضی غیر شیعه مراجعه نمایند گویا به طاغوت مراجعه کرده اند، و چنانچه این قاضی «قاضی غیر شیعه» به نفع یکی از آنها حکم نماید و اموالی نصیبش شود طبق حکم طاغوت حقّ خویش را دریافت نموده است، و روایتی که عمر بن حنظله از وجود مقدّس امام صادق علیه السلام نقل نموده به وضوح این مطلب را بیان می کند.

دلیل این امر نیز کاملاً روشن است و آن این است که: پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام به امر خداوند متعال بر مردم ولایت دارند و واجب الاطاعه هستند و حکم آنها نافذ است، همچنین کسانی که نماینده آن ذوات مقدّسه هستند و از ناحیه آن بزرگواران نیابت دارند حکمیت و داوری آنها نیز مورد قبول می باشد،

لذا مراجعه به غیر از ائمه معصومین علیهم السّلام و نمایندگان آنها یعنی مراجعه به طاغوت، و حکمی که طاغوت صادر نماید خلاف شرع است و قابل اجراء نمی باشد.

در تفاسیر صافی، برهان و نورالثقلین احادیث دیگری نیز بود «ذیل آیه ۶۰ سوره نساء» که از ذکر آنها خودداری شد و فقط به یک حدیث که عمر بن حنظله از وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام نقل نموده بود قناعت شد.

«طاغوت = هر مُطاعی که اطاعت از او مورد رضایت خداوند متعال نیست».

«مُطاع = کسی که از او اطاعت می شود، اطاعت شونده».

ذیل آیه ۲۵۶ سوره بقره در رابطه با طاغوت و معانی آن توضیحات لازم ارائه شده

است.

آیه ۶۵ سوره نساء:

«فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ، ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا».

ترجمه:

خداوند متعال پیامبر اکرم را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:
ای پیامبر، به پروردگارت سوگند:
آن‌ها مؤمن نخواهند بود مگر اینکه در اختلافات خویش تو را حُکَم و داور قرار دهند و نسبت به حُکَم تو در دل خویش نیز احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم و مطیع تو و حُکَم تو باشند.^۱

شرح لغات و توضیحات:

حُکَم = در مورد چیزی قضاوت کردن «جمع حُکَم می‌شود احکام»؛
مُشَاجَرَه، تَشَاوُر = منازعه، اختلاف، کشمکش؛
قَضَاء = فیصله دادن و پایان دادن به امری، خواه با قول باشد «با حرف و سخن باشد»، خواه با فعل «یا از طریق انجام دادن کاری».^۲
در آیه ۵۹ سوره نساء و احادیث ذیل آن ملاحظه فرمودید که خداوند متعال به مؤمنین و در واقع به همه مردم دستور دادند که از خداوند متعال و از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و از ائمه معصومین علیهم السلام که اُولی الامر هستند اطاعت کنند، آن هم اطاعت مطلق و بی‌قید و شرط در تمام امور اعم از امور دنیوی و اُخروی.

همچنین در توضیحات ذیل آیه شریفه و احادیث ذیل آن ملاحظه فرمودید که مردم موظف شدند تا چنانچه بین آن‌ها در رابطه با چیزی اختلاف پدید آمد آن

۱. تفسیر نمونه، جلد سوم، صفحه ۵۷۹.

مجمع‌البیان، جلد پنجم، صفحه ۲۱۲.

۲. مفردات راغب.

را به خداوند متعال و به پیامبر اکرم و به ائمه معصومین علیهم السّلام که اُولی الامر هستند ارجاع دهند.

در آیات بعد «آیه ۵۹ به بعد» خداوند متعال به مردم دستور می دهد که به طاغوت کُفر بورزند «از طاغوت اعراض کنند» و آنها را به عنوان حَکَم و داور انتخاب نمایند.

در توضیحات ذیل آیه ۵۹ ملاحظه فرمودید که مردم موظف شدند تا اختلافات خویش را به خداوند متعال و به پیامبر اکرم و به ائمه معصومین علیهم السّلام ارجاع دهند، اگر ایمان به خدا و روز قیامت دارند.

یعنی:

علامت مؤمن «علامت ایمان داشتن به خداوند متعال و روز قیامت» ارجاع اختلافات به خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام و اعراض از طاغوت می باشد و اگر کسی این کار را نکند مؤمن نیست.

آیه ۶۵ سوره نساء نیز مبین همین مطلب می باشد که انشاءالله تعالی در بخش مربوط به شأن نزول آیه شریفه و توضیحات ذیل آیه شریفه به آن اشاره خواهد شد.

شأن نزول آیه شریفه «آیه ۶۵ سوره نساء»:

زبیر بن عوام «پسر عمه پیامبر اکرم» که از مهاجران بود در رابطه با آبیاری نخلستان خویش با یکی از انصار اختلاف پیدا کرده بود «نخلستان این دو نفر کنار یکدیگر قرار داشت».

هر دو نفر جهت حلّ اختلاف خویش خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رسیده و مشکل خویش را با آن حضرت در میان گذاشتند.

نخلستان زبیر در قسمت بالای نهر و نخلستان مرد انصاری در قسمت پائین نهر قرار داشت.

پیامبر اکرم دستور فرمودند ابتدا زبیر نخلستان خویش را آبیاری نماید و مسلمان انصاری بعد از زبیر اقدام به آبیاری نخلستان خویش نماید.

قابل ذکر است که این فرمایش پیامبر اکرم مطابق همان سنت و روشی بود که در نخلستان‌های مجاور نیز جریان داشت.

مرد انصاری که گویا حاطب بن ابی بلتعنه نام داشت از این حکم پیامبر اکرم ناراحت و خشمگین شد و به پیامبر اکرم عرض کرد که جانب پسرعمّه‌ات را گرفتی «به نفع پسرعمّه‌ات حکم نمودی».

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم از این سخن مرد مسلمان انصاری به شدت ناراحت شدند به حدّی که رنگ رخساره آن حضرت دگرگون شد و درست در همین زمان بود که آیه ۶۵ سوره نساء نازل شد و طیّ آن خداوند متعال سوگند یاد فرمودند که کسانی که از قضاوت و داوری و حکمیت پیامبر اکرم در دل خویش نیز احساس ناراحتی و دل‌تنگی نمایند این افراد مؤمن نیستند و ایمان ندارند، حال چنانچه افرادی این ناراحتی درونی خویش را به زبان نیز بیاورند و یا حتّی عملاً با فرمان و دستور پیامبر اکرم مخالفت نمایند معلوم است چه وضعی خواهند داشت.

قابل ذکر است که:

در بعضی از تفاسیر برای این آیه شریفه شأن نزول‌هایی نقل شده که با این شأن نزولی که بیان شد اندک تفاوتی دارند گرچه در اساس با یکدیگر مشترک هستند و آن اشتراک نیز اعراض یکی از طرفین دعوا به قضاوت و حکمیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می‌باشد.

همانطور که قبلاً نیز به عرض رسیده:

شأن نزول‌های خاص هیچ‌گاه با عمومیت مفهوم آیات شریفه منافات ندارند، لذا این آیه شریفه یک اصل اساسی و کلی را مطرح می‌فرماید و آن این است که: مؤمنین باید مطیع محض اوامر و دستورات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و ائمه معصومین علیهم السّلام باشند «زیرا آن ذوات مقدّسه حجّت خداوند متعال بر مخلوقات بوده و به همه مخلوقات ولایت دارند»، و حتّی در دل خویش و در درون خویش نیز نسبت به اوامر و دستورات آن بزرگواران احساس دل‌تنگی نداشته باشند زیرا در غیر این صورت طبق صریح آیه شریفه مؤمن نیستند و ایمان ندارند.

قابل ذکر است این اطاعت محض زمان و مکان نمی‌شناسد، یعنی مؤمن واقعی در هر زمان و هر مکان مطیع حجج خداوند متعال است و قلباً نیز به این امر رضایت کامل دارد.^۱

خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید:

فَلَا = یعنی آنطور که شما درباره آن‌ها «منافقین، یعنی کسانی که ظاهراً مسلمان بودند لیکن قلباً به خدا و رسول ایمان نداشتند و یا اینکه ایمان ضعیفی داشتند» گمان دارید و آن‌ها را اهل ایمان می‌پندارید نیست، زیرا:

آن‌ها اختلافات خویش را نزد طاغوت می‌برند در حالی که ایمان این است که انسان به حُکم و داوری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ملزم شود و به آن راضی باشد.

این آیه شریفه عمومیت دارد و همه مردم را در بر می‌گیرد و در واقع مخاطب آیه شریفه همه مردم هستند چرا که انسان‌ها نوعاً اینگونه تصور می‌کنند که: ایمان یعنی تصدیق و اعتقاد به رسول خدا و احکام و معارفی که آن حضرت بیان می‌فرمایند، در حالی که ایمان واقعی یعنی تسلیم محض خدا و رسول بودن، یعنی:

تسلیم ظاهری و باطنی نسبت به اوامر خداوند متعال و پیامبر اکرم.

به هر حال معنی این می‌شود که:

آنطور که شما گمان دارید و آن‌ها را اهل ایمان می‌پندارید نیست، زیرا آن‌ها یا اختلافات خود را نزد طاغوت می‌برند و یا اینکه اگر هم نزد پیامبر اکرم می‌برند به احکام صادره از ناحیه آن بزرگوار رضایت قلبی ندارند و این امر با ایمان واقعی سازگار نیست، زیرا ایمان واقعی این است که انسان به حُکم و داوری پیامبر اکرم ملزم شود و نسبت به آن رضایت کامل داشته باشد.

در ادامه آیه شریفه خداوند متعال پیامبر اکرم را مورد خطاب قرار داده و سوگند

یاد می‌فرماید که:

۱. مجمع‌البیان، جلد پنجم، صفحه ۲۱۶ - ۲۱۷.

تفسیر نمونه، جلد سوم، صفحه ۵۷۹ - ۵۸۰.

وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ = ای پیامبر:

به پروردگارت سوگند «خداوند متعال به خودش سوگند یاد می‌کند».

این امر مبین این مطلب است که خداوند متعال اراده فرموده تا موضوع بسیار مهمی را بیان فرماید و این موضوع این است که:

آن‌ها مؤمن نخواهند بود مگر اینکه در اختلافات خویش تو را حُکَم و داور قرار دهند.

ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ = پس از حُکَم و داوری تو «یعنی پیامبر اکرم» درباره حُکَم و قضاوت تو شک و شبهه نداشته باشند و از این حُکمی که تو کرده‌ای دلتنگ و ناراحت نباشند.

بنابراین معنی این قسمت از آیه شریفه این شد که:

مؤمنین واقعی نه تنها اختلافات خویش را به پیامبر اکرم ارجاع می‌دهند بلکه قلباً نیز نسبت به حُکَم آن حضرت رضایت کامل دارند و هیچ‌گاه از حُکَم پیامبر اکرم و قضاوت آن حضرت دلتنگ و ناراحت نمی‌شوند، چه این حُکَم به ضرر آن‌ها باشد و چه به نفع آن‌ها.

وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا = در برابر تو «پیامبر اکرم» و حُکَم تو کاملاً مطیع و رام باشند و به اصطلاح تسلیم محض تو و احکام تو باشند «در تمام موارد و در تمام امور که قضاوت نیز بخشی از این امور می‌باشد».

بنابراین:

مؤمنین واقعی کسانی هستند که:

۱. اختلافات خویش را نزد پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌برند نه طاغوت.

ذیل آیه ۵۹ به عرض رسید و انشاءالله تعالی در بخش حدیث نیز به عرض خواهد رسید که:

پس از رحلت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اختلافات باید به ائمه معصومین علیهم‌السلام ارجاع شود، و در دوران غیبت به افرادی که احادیث آن بزرگواران را نقل می‌کنند و آشنا به حلال و حرامی هستند که آن ذوات مقدسه

بیان فرموده‌اند،

یعنی کسانی که به احکام دین آشنا هستند، و در یک کلام: مؤمنین در زمان غیبت باید اختلافات خویش را به افرادی ارجاع دهند که مأذون از ناحیه آن ذوات مقدّسه می‌باشند و از طرف آن بزرگواران نیابت و ولایت دارند که حدّ و حدود آن در کتب فقهی مشخص شده است.

بنابراین:

اولین نشانه و علامت مؤمنین واقعی این است که: اختلافات خویش را نزد پیامبر اکرم و یا نزد ائمه معصومین علیهم السّلام و یا نزد نوّاب آن بزرگواران می‌برند.

۲. هیچ‌گاه نسبت به احکام و قضاوت‌های پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام اظهار دلتنگی و ناراحتی نمی‌کند، حتی اگر آن احکام به ضرر آن‌ها باشد.

بنابراین:

مؤمنین واقعی نه تنها به احکام و قضاوت‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اعتراض نمی‌کنند، بلکه در قلب و باطن خویش نیز از آن احکام احساس نارضایتی نمی‌کنند، یعنی:

مؤمنین واقعی نسبت به احکام پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام رضایت کامل دارند، زیرا حکم آن ذوات مقدّسه را حکم خداوند متعال می‌دانند.

۳. مؤمنین واقعی تسلیم محض پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام هستند و نسبت به آن بزرگواران کاملاً مطیع و رام می‌باشند، یعنی:

مؤمنین واقعی تسلیم محض آن بزرگواران هستند و تسلیم محض احکام آن‌ها یعنی:

در مقام عمل نیز آن اوامر را اجرا می‌کنند، لذا: تسلیم محض آن بزرگواران بودن یعنی عمل کردن به دستورات آن بزرگواران به همان نحو که آن ذوات مقدّسه دستور فرموده‌اند. قابل ذکر است که:

مومنین واقعی مطیع محض و تسلیم محض همه اوامر و دستورات پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام هستند که قضاوت و داوری نیز بخشی از آن می باشد.^۱

توضیح:

ملاحظه فرمودید که:

اگر مسلمانان:

۱. اختلافات خویش را به طاغوت ارجاع دهند «هر کس که اطاعت او مورد رضایت خداوند متعال نباشد طاغوت است، و ذیل آیه ۵۹ سوره نساء به عرض رسید که فقط خداوند متعال و پیامبر اکرم و اُولی الامر یعنی ائمه معصومین علیهم السّلام واجب الاطاعه هستند و لاغیر، همچنین کسانی که نمایندگی از ناحیه اُولی الامر دارند و مأذون از ناحیه آن بزرگواران می باشند»،

۲. اگر نسبت به احکام و داوری های پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام اعتراض داشته باشند،

۳. اگر به احکام و دستورات پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام ظاهراً اعتراض و ایراد نداشته باشند لیکن قلباً و باطناً از صدور این احکام و دستورات ناراحت و دلتنگ باشند،

۴. اگر مطیع محض و تسلیم محض اوامر و دستورات پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام نباشند و دستورات آن بزرگواران را مو به مو به مرحله اجرا نگذارند، در این صورت:

چنین مسلمانانی حتی اگر نماز بخوانند و روزه بگیرند مؤمن واقعی نیستند و

۱. مجمع البیان، جلد پنجم، صفحه ۲۱۷ - ۲۱۸.

المیزان، جلد هشتم، صفحه ۲۵۸.

تفسیر نمونه، جلد سوم، صفحه ۵۸۰ - ۵۸۱.

آلوده به شرک می‌باشند و طبق آنچه که در احادیث آمده و به عرض خواهد رسید اینگونه افراد مُشرک می‌باشند.

نکته قابل توجه این‌جا است که خداوند متعال در این آیه شریفه به خودش سوگند می‌خورد که این‌ها مؤمن نیستند مگر اینکه:

۱. پیامبر اکرم را حَکَم قرار دهند و حکمیت آن حضرت را بپذیرند.
 ۲. حتی در دل خویش نیز از حُکم و دستور پیامبر اکرم ناراحت و دل‌تنگ نباشند.
 ۳. مطیع محض و تسلیم محض اوامر و دستورات پیامبر اکرم باشند و اوامر و دستورات آن حضرت را دقیقاً و بی‌کم و کاست به مرحله اجرا درآورند.
- اگر مسلمانان اینگونه عمل نمودند مؤمن واقعی هستند و جایگاه آن‌ها بهشت است و گرنه در زمره مشرکین و منافقین خواهند خوانند بود.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم طیّ ۲۳ سال رسالت خویش بارها و بارها در رابطه با اهل بیت خویش و لزوم تکریم و احترام آن‌ها مطالبی بیان فرموده و بارها و بارها در رابطه با ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام مطالبی عنوان فرموده که یک نمونه آن روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری بود که در محلّ غدیر خم و در حضور جمعیت کثیری از حجّاج بیت‌الله الحرام که جمعیت آن‌ها تا یکصد و بیست هزار نفر نیز عنوان شده آن حضرت را به دستور خداوند متعال به عنوان وصی و جانشین خویش و به عنوان امام مسلمین معرفی و منصوب فرمود، لیکن گروهی مسلمان‌نما بلافاصله پس از رحلت پیامبر اکرم نارضایتی قلبی خویش را علنی کرده و لب به اعتراض گشودند، و به آن نیز قناعت نکرده و مخالفت خویش را عملی نمودند و اهل بیت پیامبر اکرم را خانه‌نشین کرده و حقوق آن‌ها را غصب نموده و خود آن بزرگواران را نیز به شهادت رساندند،

یعنی دقیقاً خلاف آنچه که خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۶۵ سوره نساء» دستور فرموده بود عمل نمودند آن هم به شدیدترین وجه.

اینکه عاملین این فجایع روز قیامت چه سرنوشتی خواهند داشت و با این‌ها که تمام احکام و دستورات خدا و رسول را زیر پا گذاشتند چه معامله‌ای خواهد شد

فقط خداوند متعال می‌داند و بس.

حدیث:

۱. امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

مقصود از این قسمت از آیه ۶۵ سوره نساء «ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ» این است که:

ای پیامبر، آن‌ها از این کلام تو درباره ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام احساس دلتنگی و ناراحتی نکنند، و مقصود از يُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا این است که: آن‌ها مطیع محض و تسلیم کامل امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام باشند. این حدیث را زراره از امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.^۱

۲. امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

مردم سه وظیفه دارند:

الف) شناختن ائمه معصومین علیهم‌السلام.

ب) تسلیم بودن در برابر آن‌ها «اطاعت محض از دستورات آن‌ها».

ج) ارجاع اختلافات خویش به آن بزرگواران.^۲

این حدیث شریف را سدیر از وجود مبارک امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.

۳. امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

اگر مردم خداوند یگانه را بپرستند، نماز بخوانند، زکات بدهند، حج خانه خدا را به جا بیاورند، ماه رمضان را روزه بگیرند، اما درباره یکی از افعال خداوند متعال و پیامبر اکرم «یکی از دستورات خداوند متعال و پیامبر اکرم» اعتراض کنند و بگویند

۱. تفسیر قمی، جلد اول، صفحه ۴۱۴.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۳۹۱، حدیث ۲.

۲. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۳۴ - ۲۳۵، حدیث ۱ «حدیث ۱۰۰۹».

اصول کافی، جلد چهارم، صفحه ۱۱۴، حدیث ۵ «حدیث ۲۸۶۵».

تفسیر نورالتقلین، جلد دوم، صفحه ۱۱۷، حدیث ۳۵۷ «حدیث ۲۲۱۰» «ذیل آیه ۵۹ سوره نساء».

که ای کاش خداوند متعال و پیامبر اکرم به جای این کار، کار دیگری کرده بودند «به جای این دستور، دستور دیگری صادر کرده بودند» به همین سبب مُشْرک می‌شوند، و حتی اگر این فکر به ذهنشان خطور کند «قبلاً از دستور خداوند متعال و پیامبر اکرم ناراحت باشند» مُشْرک می‌شوند، و سپس امام صادق علیه‌السلام آیه ۶۵ سوره نساء «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ...» را تلاوت نمودند.

این حدیث را عبدالله کاهلی از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.^۱

۴. امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

به خدا قسم، اگر مردم خداوند یگانه را عبادت کنند و بپرستند، نماز بخوانند، زکات بدهند، ماه رمضان را روزه بگیرند، حج خانه خدا را به جا بیاورند، اما درباره کاری که پیامبر اکرم انجام داده بگویند که پیامبر اکرم نباید این کار را انجام می‌داد، و یا حتی اگر در دل خویش نیز نسبت به کاری که پیامبر اکرم انجام داده احساس ناراحتی و دلتنگی کنند مُشْرک خواهند بود، و سپس امام صادق علیه‌السلام این آیه شریفه «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِماً» - آیه ۶۵، سوره نساء را تلاوت فرمودند.

این حدیث را نیز عبدالله کاهلی از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.^۲

توضیح:

الف) در حدیث سوّم ملاحظه فرمودید که اگر شخصی نماز بخواند، روزه بگیرد، زکات بدهد و سایر اعمال واجب را انجام دهد لیکن به دستور خداوند متعال و پیامبر اکرم که راجع به چیزی صادر فرموده‌اند اعتراض داشته باشد، و یا حتی در

۱. اصول کافی، جلد دوّم، صفحه ۲۳۵، حدیث ۲ «حدیث ۱۰۱۰».

تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۳۹۱، حدیث ۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوّم، صفحه ۱۲۷، حدیث ۳۷۴ «حدیث ۲۲۲۷».

۲. مجمع‌البیان، جلد پنجم، صفحه ۲۱۸.

المیزان، جلد هشتم، صفحه ۲۶۷.

تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۳۹۳ و ۳۹۶، حدیث ۸ و ۱۷.

تفسیر نمونه، جلد سوّم، صفحه ۵۸۲.

دل خویش نسبت به یک حُکم خداوند متعال و پیامبر اکرم ناراحت باشد در زمره مشرکین است.

و در حدیث چهارم ملاحظه فرمودید که اگر شخصی نماز بخواند، روزه بگیرد، زکات بدهد و سایر واجبات را انجام دهد لیکن نسبت به یکی از اوامر و دستورات پیامبر اکرم اعتراض داشته باشد، و یا حتّی در دل خویش از این حُکم ناراحت باشد این شخص مُشرک است.

نتیجه دو حدیث شریف این می‌شود که:

فرقی نمی‌کند که انسان نسبت به دستور خداوند متعال و پیامبر اکرم اعتراض داشته باشد «یا حتّی قلباً ناراحت باشد»، یا اینکه نسبت به دستور پیامبر اکرم اعتراض داشته باشد «یا حتّی قلباً ناراحت باشد»، زیرا در هر دو صورت طبق این دو حدیث شریف چنین انسانی مُشرک است، چرا که حُکم و دستور پیامبر اکرم همان حُکم و دستور خداوند متعال است نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد، زیرا پیامبر اکرم مقام عصمت دارد «آیه ۳۳ سوره احزاب» و از روی هوا و هوس سخن نمی‌گوید «آیات سوره نجم».

نتیجه دیگر این آیه شریفه «آیه ۶۵ سوره نساء» و احادیث ذیل این آیه شریفه که به عرض رسید و به عرض خواهد رسید این است که:

هر گونه اجتهاد و اظهار نظر در مقام نص پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم و ائمه معصومین علیهم السّلام و هر گونه اظهار نظر در مواردی که حُکم صریح از جانب خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام رسیده باشد باطل است و چنین فردی در زمره مشرکین می‌باشد.

ب) این آیه شریفه «آیه سوره ۶۵ سوره نساء» شامل تمام دستورات و فرامین پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام می‌شود، یعنی یک انسان مؤمن باید مطیع محض همه اوامر و دستورات پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام باشد و قلباً نیز به آن رضایت کامل داشته باشد، ضمن اینکه معنی یُسَلِّمُوا تَسْلِیماً این است که تسلیم محض پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام باشد، و اگر فردی غیر از

این باشد مؤمن نیست.

در حدیث اول که ملاحظه فرمودید به یکی از مصادیق این آیه شریفه و در واقع به یکی از مهم‌ترین مصادیق این آیه شریفه «آیه ۶۵ سوره نساء» اشاره شده است.

طبق حدیث اول که ملاحظه فرمودید تأویل آیه شریفه این می‌شود که:

مقصود از **ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ** این است که:

خداوند متعال به پیامبر اکرم می‌فرماید:

مؤمن کسی است که نسبت به حکم تو درباره ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام در دل خویش نیز احساس ناراحتی نکند «تا چه رسد به اینکه ناراحتی خویش را بروز دهد، و چه رسد به اینکه عملاً مخالفت خویش را با این دستور پیامبر اکرم نشان دهد»، همچنین مؤمن کسی است که تسلیم محض امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام باشد، بنابراین:

طبق حدیث اول:

کسی که نسبت به دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در رابطه با امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام قلباً ناراحت باشد و تسلیم محض امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام نباشد در زمره مؤمنین نیست،

و طبق حدیث سوم و چهارم این فرد یا مُشْرک است و یا کافر و یا هر دو «یعنی چنین افرادی حقیقتاً کافر و مُشْرک می‌باشند و روز قیامت با آن‌ها محشور خواهند شد گرچه در دنیا در زمره مسلمین هستند و احکام اسلام راجع به آن‌ها جاری است، یعنی نجس نیستند، ازدواج با آن‌ها مانعی ندارد، اگر گوسفندی را ذبح کنند خوردن گوشت آن اشکال شرعی ندارد و...، زیرا اسلام با گفتن شهادتین محقق می‌شود ولو اینکه گوینده آن قلباً اعتقادی به گفته خویش نداشته باشد»،

و خلاصه کلام اینکه:

اگر فرد یا افرادی پس از انجام دادن همه فرائض و واجبات از قبیل نماز، روزه، حج، زکات و... نسبت به کاری که خداوند متعال و وجود مقدس چهارده معصومین علیهم‌السلام کرده‌اند بگویند که چرا اینطور کرده‌اند و یا چرا آن‌طور نکرده‌اند، و حتی در دل خویش نسبت به حکم و دستور آن‌ها ناراضی باشند و

احساس ناراحتی و دلتنگی نمایند این افراد طبق احادیثی که ملاحظه فرمودید و ملاحظه خواهید فرمود مُشْرک و کافر هستند «گرچه به صورت ظاهر مسلمان هستند و احکام اسلام به آنها جاری است».

۵. امام صادق علیه السلام فرمودند:

منظور از **ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ** در آیه ۶۵ سوره نساء این است که:

آنها از آنچه که به زبان رسول الله جاری است در دل خویش نیز احساس ناراحتی نکنند، یعنی در رابطه با امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در دل خویش نیز احساس ناراحتی نکنند، و مراد از **يُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا** در این آیه شریفه «آیه ۶۵، سوره نساء» این است که تسلیم محض مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام باشند. این حدیث را عبدالله بن نجاشی از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۱

توضیح:

ذیل آیه ۶۵ به عرض رسید که:

خداوند متعال سوگند یاد فرمودند که:

مردم ایمان نمی آورند «مؤمن واقعی نخواهند شد» مگر اینکه:

الف) پیامبر اکرم را در اختلافات خویش حُکَم و داور قرار دهند.

ب) به حُکَم و داوری پیامبر اکرم اعتراض نکنند، و حتّی در دل خویش نیز نسبت به حُکَم و داوری پیامبر اکرم احساس ناراحتی نکنند «به هیچ حُکَم و دستور پیامبر اکرم اعتراض نکنند و قلباً از آن حکم ناراحت نباشند».

ج) تسلیم محض همه اوامر و دستورات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم باشند.

۱. تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۳۹۲ - ۳۹۵، حدیث ۵ و ۱۵.

اگر مردم این سه اصل را رعایت کردند مؤمن هستند در غیر این صورت مؤمن نیستند «یعنی ظاهراً مسلمان هستند لیکن حقیقتاً یا کافر هستند، یا مُشرک، یا منافق».

آنچه که ملاحظه فرمودید مربوط به ظاهر آیه شریفه بود و تنزیل آن، لیکن این آیه شریفه معنی باطنی و تأویلی نیز دارد که احادیث ذیل آیه شریفه آن را بیان فرموده‌اند و در واقع مصادیق خاص آن را روشن کرده‌اند و حدیث اوّل و همین حدیث شریف «حدیث پنجم» در همین رابطه می‌باشند، و در این صورت معنی آیه شریفه «تأویل آیه شریفه» این می‌شود که:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:
ای پیامبر، به پروردگارت سوگند «خداوند متعال به خودش سوگند می‌خورد»
که:

مردم ایمان نمی‌آورند «مردم مؤمن واقعی نخواهند شد» مگر اینکه:

الف) تو را «یعنی پیامبر اکرم را» در اختلافات خویش حَکَم و داور قرار دهند،

ب) به حُکَم و دستور تو در رابطه با امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام اعتراض نکنند و قلباً نیز نسبت به آن احساس ناراحتی نکنند، یعنی:
وقتی تو، امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام را به امر خداوند متعال به عنوان وصی و جانشین خویش و به عنوان امام مسلمین معرفی و منصوب نمودی به این حُکَم و دستور تو اعتراض نکنند و حتّی در دل خویش نیز از این موضوع ناراضی نباشند و احساس دل‌تنگی نکنند.

ج) مطیع محض و تسلیم محض تمام اوامر و دستورات مولی‌الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و دیگر ائمّه معصومین علیهم‌السلام باشند.
اگر مردم و مسلمین اینگونه بودند مؤمن به شمار می‌روند و خداوند متعال آن‌ها را مؤمن معرفی می‌کند، در غیر این صورت مؤمن نیستند و ایمان به قلب آن‌ها وارد نشده است و خداوند متعال به این امر سوگند یاد فرموده است.

بدیهی است کسی را که خداوند متعال مؤمن نداند چنین شخصی یا کافر است یا مُشرک و یا منافق، گرچه ممکن است ظاهراً مسلمان باشد، یعنی نماز بخواند، زکات بدهد، روزه بگیرد، حج به جا بیاورد و ... که در این صورت احکام اسلام بر او جاری می‌گردد، زیرا اسلام فقط با گفتن شهادتین محقق می‌شود ولو اینکه گوینده آن اعتقادات عمیقی نداشته باشد.

۶. امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

مقصود از این آیه شریفه «فَلَا وَرَيْكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ - آیه ۶۵ سوره نساء» این است که:

مردم به دستورات و حکم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن حضرت «یعنی وجود مقدس چهارده معصوم علیهم‌السلام» اعتراض نداشته باشند و نسبت به حکم و دستورات آن بزرگواران حتی در دل خویش نیز احساس ناراحتی و دلتنگی نکنند،

و منظور از یُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا این است که:

مردم مطیع محض و تسلیم محض اوامر و دستورات پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت باشند «یعنی تسلیم محض اوامر و دستورات وجود مقدس چهارده معصوم علیهم‌السلام باشند».

این حدیث را جابر از امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.^۱

۷. وجود مقدس امام سجّاد علیه‌السلام فرمودند:

غیبت قائم ما «امام زمان علیه‌السلام» طولانی می‌شود به حدّی که افراد زیادی از معتقدین به آن حضرت از این امر روی برمی‌گردانند و بر آن ثابت نمی‌مانند «در عقیده خویش نسبت به امام زمان علیه‌السلام دچار تزلزل می‌شوند و به تردید می‌افتند»، مگر کسانی که:

إِلَّا مَنْ قَوِيَ يَتَّقِيهِ وَصَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ،

۱. تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۳۹۷، حدیث ۱۸.

و لَمْ يَجِدْ فِي نَفْسِهِ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْنَا،
وَسَلَّمَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ:

یقین قوی و معرفت «شناخت» درست داشته باشند،
و از آنچه که ما حکم می‌کنیم در دلشان حَرَجی نباشد «نه تنها به اوامر و دستورات ما اعتراض نداشته باشند بلکه نسبت به دستورات ما در دل خویش نیز احساس دلتنگی و ناراحتی نکنند»،
و تسلیم محض ما اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم باشند.
این حدیث را ثابت ثمالی از امام سجّاد علیه‌السلام نقل نموده است.^۱

۸. وجود مقدّس امام سجّاد علیه‌السلام فرمودند:
دین خداوند متعال با عَقُولِ ناقصه و آراءِ باطله و قیاس‌های فاسده «عقل‌های ناقص، رأی‌های باطل و قیاس‌های فاسد» به دست نمی‌آید «مردم با عقل ناقص خویش به دین خداوند متعال نمی‌رسند».

وسیله درک دین تسلیم است «دین جز با تسلیم به دست نمی‌آید».
وجود مقدّس امام سجّاد علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

فَمَنْ سَلَّمَ لَنَا سَلِيمًا،
وَمِنْ أَقْتَدَى بِنَا هُدًى،
وَمَنْ وَجَدَ فِي نَفْسِهِ شَيْئًا مِمَّا نَقُولُهُ أَوْ نَقْضَى بِهِ حَرَجًا كَفَرَ بِالَّذِي أَنْزَلَ السَّبْعَ الْمَثَانِي وَ
الْقُرْآنَ الْعَظِيمَ، وَهُوَ لَا يَعْلَمُ، يَعْنِي:

هر کس تسلیم ما شود سالم می‌ماند «سلامت از گمراهی و ضلالت»،
هر کس به ما اقتدا کند هدایت می‌یابد «هر کس از ما تبعیت و پیروی کند به راه راست هدایت می‌شود»،
هر کس به آنچه که ما می‌گوئیم شک و تردید داشته باشد، و هر کس نسبت به حکم و دستورات ما در دلش احساس دلتنگی و ناراحتی نماید،

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۱۲۷، حدیث ۳۷۵ «حدیث ۲۲۲۸»، و کمال‌الدین و تمام النعمه شیخ صدوق، جلد اول، باب ۳۱، روایات امام سجّاد علیه‌السلام درباره غیبت امام زمان علیه‌السلام صفحه ۵۹۲، حدیث ۷.

این انسان به خداوند متعال که سبع‌المثانی و قرآن عظیم را نازل فرموده کافر شده است در حالی که خودش خبر ندارد.
این حدیث را نیز ثابت ثمالی از امام سجّاد علیه‌السلام نقل نموده است.^۱

توضیح:

(الف) طبق این حدیث شریف و نورانی هر کس نسبت به دستورات ائمه معصومین علیهم‌السلام شک و تردید داشته باشد و نسبت به اوامر و دستورات آن بزرگواران اعتراض داشته باشد، و حتی در دل خویش نسبت به حکم و دستور آن ذوات مقدّسه احساس دلتنگی و ناراحتی کند این شخص کافر شده است لیکن خودش از کُفر خودش اطلاعی ندارد.

(ب) وجود مقدّس امام سجّاد علیه‌السلام فرمودند:
افرادی که در دل خویش نسبت به حکم و دستور ما احساس دلتنگی و ناراحتی کنند «قلباً از دستور و حکم آن ذوات مقدّسه ناراضی باشند»، کافر هستند لیکن خودشان نمی‌دانند.
عنایت فرمائید:

کسانی که قلباً از دستورات ائمه معصومین علیهم‌السلام ناراضی هستند این وضعیّت را دارند، حال ببینید کسانی که علناً به آن بزرگواران اعتراض می‌کنند «اعتراض زبانی»، یا عملاً با آن ذوات مقدّسه مخالفت می‌کنند چه وضعیّتی خواهند داشت.

(ج) مقصود از سبع‌المثانی سوره مبارکه حمد است که خداوند متعال این سوره مبارکه را در برابر تمام قرآن کریم قرار داده و در آیه ۸۷ سوره حجر پیامبر اکرم

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۱۲۹، حدیث ۳۷۶ «حدیث ۲۲۲۹».

کمال‌الدین و تمام النعمه شیخ صدوق، جلد اول، باب ۳۱، روایات امام سجّاد علیه‌السلام درباره غیبت امام زمان علیه‌السلام صفحه ۵۹۳، حدیث ۸.

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رَا مُورِدِ خَطَابِ قَرَارِ دَادِهِ وَ فَرْمُودِهِ:
لَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ.

ذیل آیه ششم سوره مبارکه حمد در رابطه با فضیلت سوره مبارکه حمد توضیحاتی
ارائه شده است.

آیه ۸۰ سوره نساء:

«مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَ مَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا.»

ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

هر کس از پیامبر اکرم اطاعت کند از خداوند متعال اطاعت کرده است، و هر کس رویگردان شود «اعراض کند» ما تو را حافظ و نگهبان آنان نفرستاده ایم.^۱

شرح لغات و توضیحات:

حَفِظَ = نگه داشتن، مراقبت کردن؛

حافظ = نگهبان، نگه دارنده؛

حَفِيظٌ = نگهبان، نگه دارنده؛

حفیظ از این نظر که صفت مشبّهه است ثبات و دوام را می رساند،

لذا حفیظ به معنی کسی است که به طور مداوم و پیوسته مراقب چیزی است و او را حفاظت می کند.^۲

همچنان که ذیل آیات ۵۹ و ۶۵ سوره نساء به عرض رسید خداوند متعال به مردم دستور فرمودند تا از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اطاعت کنند.

خداوند متعال در آیه ۵۹ سوره نساء می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ، فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ...»، یعنی:

ای مؤمنین:

از خداوند متعال و از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و از ائمه معصومین علیهم السلام که اولی الامر هستند اطاعت کنید، و اگر درباره چیزی بین شما اختلاف

۱. مجمع البیان، جلد پنجم، صفحه ۲۵۳.

المیزان، جلد نهم، صفحه ۳.

۲. تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۴۱.

مفردات راغب.

پدید آمد آن را به خداوند متعال و به پیامبر اکرم ارجاع دهید، اگر به خداوند متعال و به روز قیامت ایمان دارید.

در توضیحات ذیل این آیه شریفه و احادیث ذیل آن به عرض رسید که مردم موظف هستند پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اختلافات خویش را به ائمه معصومین علیهم السلام ارجاع داده و حکمیت و داوری آن ذوات مقدسه را با جان و دل بپذیرند.

همچنین خداوند متعال در آیه ۶۵ سوره نساء فرمودند:

فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ، ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا، یعنی:

ای پیامبر:

مردم ایمان نمی آورند «مردم مؤمن نخواهند بود» مگر اینکه:

۱. در اختلافات خویش تو را حکم و داور قرار دهند.
۲. نسبت به حکم و دستور تو در دل خویش نیز احساس ناراحتی و دلتنگی نکنند.

۳. کاملاً مطیع و تسلیم تو و دستورات تو باشند.

ذیل این آیه شریفه و احادیث ذیل آن به عرض رسید که:

پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ائمه معصومین علیهم السلام این منصب را دارا می باشند، لذا:

- مردم موظف هستند پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم:
۱. در اختلافات خویش ائمه معصومین علیهم السلام را حکم و داور قرار دهند.
 ۲. نسبت به حکم و دستور آن ذوات مقدسه در دل خویش نیز احساس ناراحتی و دلتنگی نکنند.

۳. کاملاً مطیع و تسلیم اوامر و دستورات آن بزرگواران باشند.

به هر حال خلاصه مباحث ذیل آیه ۵۹ و ۶۵ سوره نساء این می شود که:

خداوند متعال به همه مردم دستور می دهد که از خداوند متعال و از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و از ائمه معصومین علیهم السلام اطاعت نموده و مطیع

محض آن‌ها باشند آن هم در تمام امور، اعم از امور دنیوی و آخروی «ذیل آیه ۵۹ و ۶۵ سوره نساء توضیحات کاملی ارائه شده است».

این آیه شریفه «آیه ۸۰ سوره نساء» نیز در رابطه با وجوب اطاعت از خداوند متعال و پیامبر اکرم بوده و در واقع مردم را به اطاعت از پیامبر اکرم ترغیب نموده و دلیل وجوب اطاعت از پیامبر اکرم را بیان کرده و می‌فرماید:

مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ = هر کس از پیامبر اکرم اطاعت کند خداوند متعال را اطاعت کرده است.

بنابراین:

اطاعت از پیامبر اکرم از اطاعت خداوند متعال جدا نیست، زیرا هر چه که آن حضرت می‌فرماید دقیقاً فرمایش خداوند متعال است نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد.

ذیل آیه ۵۹ و ۶۵ سوره نساء در رابطه با موضوع اطاعت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام توضیحات کاملی ارائه شده لذا از تکرار آن‌ها خودداری شده و به همین مقدار اندک بسنده می‌شود.

خداوند متعال در ادامه آیه شریفه می‌فرماید:

وَمَنْ تَوَلَّىٰ = هر کس اعراض کند و اطاعت نکند، یعنی:

هر کس از دستورات پیامبر اکرم سرپیچی نماید.

فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا = ای پیامبر، ما تو را نگهبان و مراقب او «سرپیچی‌کنندگان»

نفرستاده‌ایم، یعنی:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مأموریت دارد تا حقایق را به مردم بازگو نموده و به مردم ابلاغ نماید و راه هدایت را از راه ضلالت و گمراهی مشخص نموده و آن را برای مردم بیان فرماید، لذا:

پیامبر اکرم موظف نشده تا مردم را به زور و با اجبار به اطاعت از خویش و پذیرش اسلام وادار نماید و با زور و اجبار آن‌ها را از ارتکاب گناه بازدارد، و به همین جهت خداوند متعال در این قسمت از آیه شریفه به آن حضرت می‌فرماید:

اگر مردم از دستورات تو سرپیچی کنند تو در برابر آن‌ها مسئولیت نداری.

بنابراین، معنی آیه شریفه این شد که:

خداوند متعال می‌فرماید «خطاب به همه انسان‌ها».

هر کس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اطاعت کند خداوند متعال را اطاعت کرده است.

سپس خداوند متعال پیامبر اکرم را مخاطب قرار داده و می‌فرماید:

هر کس از دستورات پیامبر اکرم سرپیچی نماید، ای پیامبر تو در برابر آن‌ها مسئولیتی نداری، یعنی:

قرار نیست که تو با زور و با اجبار مردم را مسلمان کرده و با اجبار به اطاعت از خویش وادار نموده و آن‌ها را از ارتکاب گناه مانع شوی، بلکه وظیفه تو ارسال پیام الهی به مردم می‌باشد و اینکه راه هدایت و ضلالت را به مردم نشان دهی و مردم را به راه راست و صراط مستقیم دعوت نمایی، که نتیجه هدایت به صراط مستقیم ورود به بهشت است و نتیجه ضلالت و گمراهی دور شدن از رحمت حق تعالی و ورود به جهنم می‌باشد.

خداوند متعال در آیه ۳۶ سوره احزاب نتیجه نافرمانی از دستورات خویش و پیامبرش را بیان نموده و می‌فرماید:

وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا، یعنی:

هر کس نافرمانی خدا و رسول را نماید «هر کس از دستورات خداوند متعال و پیامبر اکرم سرپیچی کند» به گمراهی آشکاری گرفتار شده است، یعنی راه ضلالت و گمراهی را انتخاب نموده و گمراه شده است و در زمره ضالین می‌باشد «گمراهان».

«ضلالت = هر نوع انحراف از راه راست، عدول از راه راست و صراط مستقیم».

«ضدّ ضلالت، هدایت است» «مفردات راغب».

قابل ذکر است که:

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۸۰ سوره نساء» از یک طرف شأن و مقام

پیامبر اکرم را بزرگ شمرده و فرموده:

مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ،

و از طرف دیگر پیامبر اکرم را به خاطر اعراض و رویگردانی مردم از دستورات آن حضرت تسلی و دلداری داده و فرموده:

وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا، یعنی:

ای پیامبر، هر کس از تو اعراض نماید تو در برابر او مسئولیتی نداری. انشاءالله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که ائمه معصومین علیهم السلام نیز مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم واجب الاطاعه بوده و مردم موظف به اطاعت از آن ذوات مقدسه می باشند. ذیل آیه هفتم سوره حشر نیز در رابطه با وجوب اطاعت مطلق و بی قید و شرط از پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام مطالبی عنوان شده است.^۱

حدیث:

۱. وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:

شرف و رفعت دین «بالاترین مرتبه امر دین» و کلید هر کار و رضایت خداوند رحمان پس از شناخت خداوند متعال اطاعت از امام می باشد «اطاعت از ائمه معصومین علیهم السلام»، و خداوند متعال می فرماید:

«مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَ مَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا».

وجود مقدس امام باقر علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

اگر مردی شب زنده داری کند «هر شب مشغول عبادت باشد»، روزها را روزه بگیرد،

تمام اموالش را صدقه بدهد، در تمام عمرش به حج برود، لیکن ولی خدا «امام منصوب از ناحیه خداوند متعال» را نشناسد تا از او پیروی نماید و اعمالش را با راهنمایی او انجام دهد، نزد خداوند متعال پاداش و ثوابی ندارد و از اهل ایمان نیست «چنین شخصی در زمره مؤمنین نمی باشد».

۱. مجمع البیان، جلد پنجم، صفحه ۲۵۵.

المیزان، جلد نهم، صفحه ۱۰.

تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۴۱.

این حدیث را زراره از امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.^۱

۲. وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

خداوند متعال پیامبرش را «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را» به محبّت

خویش تربیت کرد و سپس به آن حضرت فرمود:

إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ، یعنی، ای پیامبر:

تو دارای خُلُقِ عَظِيمِ هستی،

یعنی تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری «آیه ۴ سوره قلم».

امام صادق علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

خداوند متعال امر را «همه امور مردم، اعم از امور دنیوی و آخروی» به پیامبر اکرم

صلی الله علیه و آله و سلم تفویض فرمود «واگذار کرد» و به مردم دستور داد که:

مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ، وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا، یعنی:

ای مردم، هر چه پیامبر اکرم به شما داد بگیرید «هر دستوری به شما داد اجرا

کنید و اطاعت کنید» و از هر چه شما را نهی فرمود آن را ترک کنید «آیه هفتم

سوره حشر».

امام صادق علیه‌السلام در ادامه بیانات خویش فرمودند:

خداوند متعال در آیه ۸۰ سوره نساء فرمود:

مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، یعنی:

هر کس از پیامبر اکرم اطاعت نماید از خداوند متعال اطاعت کرده است.

امام صادق علیه‌السلام در ادامه فرمایشات خویش فرمودند:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز امر را «امور مردم، اعم

۱. اصول کافی، جلد سوم، صفحه ۳۰، حدیث ۵ «حدیث ۱۴۸۶».

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۲۵۸.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۴۱۱، حدیث ۱.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۴۱۲، حدیث ۲.

تفسیر نورالقلین، جلد دوم، صفحه ۱۴۹، حدیث ۴۲۰ «حدیث ۲۲۷۳».

تفسیر نورالقلین، جلد دوم، صفحه ۴۲۱، حدیث ۴۲۱ «حدیث ۲۲۷۴».

از امور دنیوی و آخروی» به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام واگذار فرمود و آن حضرت را امین خویش قرار داد.

شما شیعیان این حقیقت را پذیرفتید «موضوع امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را که پیامبر اکرم به دستور خداوند متعال به آن حضرت تفویض نموده بود»، لیکن دیگران «غیرشیعه» آن را نپذیرفتند و آن را انکار نمودند.

امام صادق علیه السلام سپس فرمودند:

به خدا قسم:

ما، شما شیعیان را دوست داریم، که هر گاه سخن بگوئیم سخن می گوئید و اگر سکوت کنیم سکوت می کنید «شما را دوست داریم زیرا مطیع محض دستورات ما هستید».

امام صادق علیه السلام در پایان فرمایشات خویش فرمودند:

ما واسطه میان شما «شیعیان» و خداوند متعال هستیم «واسطه فیض الهی هستیم و به واسطه ما فضل و رحمت خداوند متعال شامل حال شما می شود»، و خداوند متعال برای هیچ کس در مخالفت از دستورات ما خیری قرار نداده است. این حدیث را ابواسحاق نحوی از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۱

توضیح:

الف) در رابطه با تفویض امور خلق به ائمه معصومین علیهم السلام ذیل آیه هفتم سوره حشر و ذیل آیه ۲۵ و ۲۶ سوره غاشیه توضیحات کاملی ارائه شده است.

ب) ذیل آیات دیگری نیز احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که طبق آن احادیث شریف اطاعت از خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲، حدیث ۱ «حدیث ۶۸۶».

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۴۱۲، حدیث ۳.

تفسیر نورالقلین، جلد دوم، صفحه ۱۴۹، حدیث ۴۱۹ «حدیث ۲۲۷۲».

تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۴۲.

عليهم السّلام موجب رستگاری انسان‌ها است. در این رابطه فقط به یک حدیث اشاره می‌شود که ذیل آیه ۷۱ سوره احزاب آمده است.

امام صادق علیه السّلام فرمودند:

منظور از این آیه شریفه «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا» آیه ۷۱ سوره احزاب» این است که:

وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فِي وِلَايَةِ عَلِيٍّ وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا، یعنی:

هر کس از خداوند متعال و پیامبر اکرم و علی بن ابیطالب و ائمه بعد از آن حضرت اطاعت کند «هر کس از خداوند متعال و وجود مقدّس چهارده معصوم عليهم السّلام اطاعت کند» به فوز عظیم نائل شده است «به رستگاری عظیمی دست یافته است»، به عبارت دیگر:

فقط و فقط کسانی اهل نجات هستند و به فوز عظیم و به رستگاری بزرگ نائل می‌شوند که از خداوند متعال و از پیامبر اکرم و از ائمه معصومین عليهم السّلام اطاعت نمایند، آن هم اطاعت مطلق در تمام امور اعم از امور دنیوی و آخروی.^۱ این حدیث را ابی بصیر از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.

ج) در حدیث اوّل ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:

اگر شخصی در تمام عمر خویش:

شب‌ها را مشغول عبادت باشد «اهل تهجد و شب زنده‌داری باشد»، روزها را روزه بگیرد،

همواره به زیارت خانه خدا برود «حج به جا بیاورد»،

تمام اموالش را صدقه بدهد،

لیکن ائمه معصومین عليهم السّلام را نشناسد، یعنی:

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۷۹، حدیث ۸ «حدیث ۱۰۸۷».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۶۳ «ذیل آیه ۷۱ سوره احزاب».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۵۰۹، حدیث ۱ و ۳ «ذیل آیه ۷۱ سوره احزاب».

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۱۷۷، حدیث ۲۵۷، «حدیث ۹۰۸۴» «ذیل آیه ۷۱ سوره احزاب».

به امامت آن ذوات مقدّسه معتقد نباشد و از آن بزرگواران اطاعت نکند چنین شخصی اهل ایمان نیست «مومن نیست» و اعمال او پذیرفته نمی‌شود و نزد خداوند متعال اجر و پاداشی ندارد.

به یک حدیث دیگر در این رابطه اشاره می‌شود.
ابی حمزه ثمالی از وجود مقدّس امام سجّاد علیه‌السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند:

اگر مردی به اندازه عمر نوح خداوند متعال را در بین رُکن و مقام «در بیت‌الله الحرام» عبادت کند،

روزها را روزه بدارد،

شب‌ها را نماز بخواند،

لیکن خداوند متعال را به غیر ولایت ما ملاقات کند «در حالی در صحرای محشر حاضر شود که امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام را قبول نداشته است» آن همه عبادت نفعی به او نخواهد بخشید.^۱

قابل ذکر است که در آیه چهاردهم سوره عنکبوت آمده که مدّت رسالت حضرت نوح ۹۵۰ سال بوده است.

ذیل آیه ۲۳ سوره فرقان و آیه ۸۲ سوره طه نیز احادیثی از ائمه معصومین علیهم‌السلام نقل شده که عبادت بدون پذیرش ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام برای صاحب آن در روز قیامت ذرّه‌ای خاصیت نخواهد داشت.

۱. مجمع‌البیان، جلد چهارم، صفحه ۱۷۳ «ذیل آیه ۹۶ و ۹۷ سوره آل عمران»

آیه ۱۶۸ و ۱۶۹ سوره نساء:

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ ظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيُهْدِيَهُمْ طَرِيقاً»، آیه ۱۶۸.
«إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَداً وَ كَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيراً» آیه ۱۶۹.

ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

کسانی که کافر شدند و ظلم و ستم نمودند خداوند متعال آن‌ها را هرگز نمی آمرزد و آن‌ها را به راهی هدایت نخواهد کرد «یعنی به راه بهشت هدایت نخواهد کرد» آیه ۱۶۸،

مگر به راه جهنم که برای همیشه در جهنم خواهند بود «مخلد در آتش جهنم خواهند بود» و این کار برای خدا آسان است. آیه ۱۶۹،

در آیه قبل «آیه ۱۶۷ سوره نساء» آمده که:

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالاً بَعِيداً، یعنی:

کسانی که کافر شدند و مردم را از راه خدا بازداشتند «نه تنها خودشان مسلمان نشدند بلکه به طرق مختلف مانع ایجاد کردند تا از مسلمان شدن سایرین نیز جلوگیری کنند» این افراد به گمراهی دوری افتادند «سخت گمراه شدند و از راه نجات دور شدند».

آیات بعد «آیه ۱۶۸ و ۱۶۹ سوره نساء» نیز در رابطه با کافرین بوده و اوضاع و احوال آن‌ها را بیان می فرماید.

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۱۶۸ سوره نساء» می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ ظَلَمُوا = آن‌هایی که کافر شدند، یعنی:

آن‌هایی که رسالت و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را انکار کردند، و آن‌هایی که ظلم کردند، یعنی:

نسبت دروغگویی به پیامبر اکرم داده و بدین طریق به آن حضرت ظلم روا داشتند.

۱. مجمع‌البیان، جلد ششم، صفحه ۱۵۶ - ۱۵۷.

تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۲۸۲ - ۲۸۳.

به عبارت دیگر:

این افراد «منکرین رسالت پیامبر اکرم» هم کافر شدند و هم ظلم نمودند، و در واقع این افراد کفر و ظلم را در خودشان جمع نمودند.

کافرین مرتکب دو ظلم شدند «علاوه بر ظلم به نبی مکرم اسلام» یعنی: هم به خودشان ظلم کردند «خودشان را از سعادت محروم نموده و به درّه ضلالت سقوط کردند»،

هم به دیگران ظلم نمودند «مانع مسلمان شدن آن‌ها شدند». $لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرْ لَهُمْ =$ خداوند متعال هرگز آن‌ها را «کافرین را» مورد مغفرت خویش قرار نخواهد داد، یعنی:

خداوند متعال هرگز کافران را نخواهد آمرزید و گناهان آن‌ها را نخواهد بخشید. $وَلَا لِيُهْدِيَهُمْ طَرِيقًا =$ آن‌ها را به هیچ راه مستقیمی هدایت نخواهد کرد، یعنی: خداوند متعال کافرین را به راه مستقیم که همان راه بهشت می‌باشد هدایت نخواهد کرد.

قابل ذکر است که:

خداوند متعال وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را مبعوث به رسالت فرمود تا همه مردم را به راه راست و به صراط مستقیم هدایت نماید، حال چنانچه افرادی از ایمان آوردن به پیامبر اکرم و از مسلمان شدن امتناع نموده و همچنان به راه کفر ادامه دهند در واقع خودشان را از مسیر هدایت الهی دور نموده و راه ضلالت و گمراهی را انتخاب کرده‌اند که نهایت آن ورود به جهنّم می‌باشد که در آیه ۱۶۹ آمده است.

بنابراین معنی آیه شریفه «آیه ۱۸۶ سوره نساء» این شد که:

کسانی که کافر شدند «یعنی رسالت و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را انکار کرده و به آن حضرت ایمان نیاورده و از پذیرش اسلام امتناع نمودند»، و ظلم نمودند «ظلم به پیامبر اکرم به خاطر نسبت دروغگویی به آن حضرت دادن، همچنین ظلم به خودشان که خودشان را از سعادت ابدی محروم نمودند، و ظلم به دیگران که آن‌ها را نیز از مسلمان شدن جلوگیری کردند»،

خداوند متعال هرگز آنها را «کافرین را» نمی‌آمزد و آنها را به راه راست و صراط مستقیم که همان راه بهشت باشد هدایت نخواهد کرد، مگر به راه جهنم «که در آیه بعد آمده است».

إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ = مگر به جهنم، یعنی:

خداوند متعال کافرین را جز به سمت و طریق جهنم هدایت نخواهد کرد، جهنمی که:

خالدین فیها اَبَدًا = کافرین مخلد در آتش جهنم هستند و برای همیشه و برای ابد داخل جهنم خواهند ماند.

بنابراین:

معنی این دو آیه شریفه «آیه ۱۶۸ و ۱۶۹ سوره نساء» این شد که:

کسانی که رسالت و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را انکار نموده و از ایمان آوردن به آن حضرت خودداری کرده و از اختیار اسلام امتناع نمایند و به کفر خویش ادامه دهند خداوند متعال هرگز آنها را نمی‌آمزد و گناهان آنها را نمی‌بخشد و هرگز آنها را به راه راست و به راه بهشت هدایت نخواهد کرد، بلکه آنها را به سمت و طریق جهنم هدایت خواهد کرد و آنها را وارد جهنم خواهد نمود و آنها مخلد در آتش جهنم خواهند بود.

در انتهای آیه شریفه آمده که:

وَ كَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا = و این کار برای خدا آسان است، یعنی:

برای خداوند متعال آسان است که کافرین را «منکرین رسالت پیامبر اکرم را» وارد جهنم نموده و آنها را برای همیشه داخل جهنم نگه دارد، زیرا:

خداوند متعال قادر مطلق است و هیچ کس نمی‌تواند جلوی اراده او را بگیرد.

ملاحظه فرمودید که این آیات شریفه «آیه ۱۶۷، ۱۶۸ و ۱۶۹ سوره نساء» منکرین رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را «یعنی کفار را» به شدت مورد تهدید قرار داده و وعده عذاب جهنم به آنها می‌دهد.

این آیات شریفه در رابطه با مجازات کافرین «کسانی که از ایمان آوردن به پیامبر اکرم امتناع نموده یا می‌نمایند» تاکید خاصی دارد، یعنی:

۱. ضلالت و گمراهی آن‌ها را ضلال بعید می‌داند «ضلال بعید یعنی گمراهی و ضلالتی که از مسیر هدایت فاصله بسیار دارد و رجوع و بازگشت بسیار مشکل و دشوار است. مفردات راغب».

۲. جمله لَمْ يَكُنِ اللَّهُ... چنین می‌فهماند که آمرزش آن‌ها هرگز شایسته مقام خداوند متعال نیست.

۳. تعبیر به خلود در آتش جهنم «اقامت دائمی و همیشگی در جهنم» برای این‌ها به کار رفته، ضمن اینکه با آوردن کلمه اَبَدًا به آن تاکید نموده است.

«اَبَدًا = مدّت زمام ممتد و پیوسته‌ای که منقطع و گسسته نباشد. مفردات راغب».

این همه عذاب «با خصوصیاتِی که ذکر شد» طبق ظاهر آیات شریفه مربوط به کسانی است که از ایمان آوردن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خودداری کرده و مُنکر رسالت آن حضرت شده و از اختیار اسلام امتناع کردند، لیکن طبق تأویل آیات شریفه و معنی باطنی آن‌ها این همه عذاب علاوه بر مُنکرین رسالت، شامل حال دشمنان ائمه معصومین علیه السلام و ظلم‌کنندگان به آن ذوات مقدّسه نیز می‌شود که انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.^۱

حدیث:

۱. وجود مقدّس امام باقر علیه‌السلام درباره آیه ۱۶۸ و ۱۶۹ سوره نساء «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ ظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرْ لَهُمْ وَ لَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا - إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَ كَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا» فرمودند:

تأویل آیات شریفه این اینگونه است که:

إِنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرْ لَهُمْ وَ لَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا، إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ

۱. مجمع‌البیان، جلد ششم، صفحه ۱۵۷.

تفسیرنمونه، جلد چهارم، صفحه ۲۸۲ تا ۲۸۴.

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۳۴۸.

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَ كَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا، یعنی:

کسانی که به آل محمد علیهم السلام ظلم کرده و حقوق آنها را غصب کردند «غصب خلافت و غصب سایر حقوق اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم» خداوند متعال هرگز آنها را نمی‌آمزد و هرگز آنها را به راه راست و به راه بهشت هدایت نمی‌کند، بلکه آنها را به طرف جهنم هدایت خواهد کرد و آنها را وارد جهنم خواهد نمود و آنها مخلد در آتش جهنم خواهند بود و جهنم جایگاه ابدی و همیشگی آنها خواهد بود و این کار «عذاب کردن ظلم‌کنندگان به آل محمد علیهم السلام» برای خداوند متعال آسان است.

این حدیث را ابی حمزه از وجود مقدس امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۱

۲. وجود مقدس امام صادق علیه السلام درباره آیات ۱۶۸ و ۱۶۹ سوره نساء «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ ظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرْ لَهُمْ وَ لَا لِيُهْدِيَهُمْ طَرِيقًا - إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَ كَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا» فرمودند:

تأویل آیات شریفه اینگونه است که:

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرْ لَهُمْ وَ لَا لِيُهْدِيَهُمْ طَرِيقًا، إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَ كَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا، یعنی:

کسانی که کافر شدند و به آل محمد علیهم السلام ظلم کرده و حقوق اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را غصب کردند، خداوند متعال هرگز آنها را نمی‌آمزد و گناهان آنها را نمی‌بخشد و هرگز آنها را به راه راست و به راه بهشت هدایت نمی‌کند،

بلکه آنها را به طرف جهنم هدایت خواهد کرد و آنها مخلد در آتش جهنم

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۹۵، حدیث ۵۹ «حدیث ۱۱۳۸».

المیزان، جلد نهم، صفحه ۲۲۶.

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۳۴۸ - ۳۴۹.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۵۱۴، حدیث ۱.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۵۱۴، حدیث ۲.

تفسیر نورالتقلین، جلد دوم، صفحه ۲۷۵، حدیث ۶۸۵ «حدیث ۲۵۳۷».

خواهند بود و جهنّم جایگاه ابدی و همیشگی آنها خواهد بود، و این کار «عذاب کردن ظلم‌کنندگان به آل محمّد علیهم‌السّلام» برای خداوند متعال آسان است «یعنی هیچ‌کس نمی‌تواند جلو اراده خداوند متعال را بگیرد و مانع عذاب آنها بشود». این حدیث را ابی بصیر از امام صادق علیه‌السّلام نقل نموده است.^۱

توضیح:

احادیثی که از وجود مقدّس امام باقر و امام صادق سلام‌الله علیهما نقل شد تأویل آیات ۱۶۸ و ۱۶۹ سوره نساء می‌باشند و اشاره به باطن آیات شریفه قرآن کریم دارند «معنی باطنی آیات شریفه قرآن کریم را بیان می‌فرمایند» نه اینکه جمله «آلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ» در آیه ۱۶۸ سوره نساء بوده و بعداً حذف و یا تحریف شده است، بنابراین:

کسانی که رسالت پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلّم را انکار نمایند و به آن حضرت ایمان نیاورند مشمول عذابی خواهند شد که در آیه ۱۶۸ و ۱۶۹ سوره نساء به آن اشاره شده است «طبق ظاهر آیات شریفه و به اصطلاح طبق تنزیل آنها»، همچنین:

کسانی که امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم‌السّلام را انکار نمایند و به آن ذوات مقدّسه ایمان نیاورند و از آن بزرگواران تبعیت نمایند اینگونه افراد نیز مشمول عذابی خواهند شد که در آیه ۱۶۸ و ۱۶۹ سوره نساء بیان شده است «طبق باطن آیات شریفه و به اصطلاح طبق تأویل آنها که از لسان مبارک امام باقر و امام صادق علیهما‌السّلام صادر شده است.

۱. تفسیر قمی، جلد اوّل، صفحه ۴۶۵.

المیزان، جلد نهم، صفحه ۲۲۶.

تفسیر صافی، جلد دوّم، صفحه ۳۴۹.

تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۵۱۴، حدیث ۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوّم، صفحه ۲۷۵، حدیث ۶۸۴، «حدیث ۲۵۳۶».

آیه ۱۷۰ سوره نساء:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ، قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ، فَأَمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ، وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا».

ترجمه:

خداوند متعال همه مردم را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:
 ای مردم، پیامبری که انتظارش را می‌کشیدید حق را از جانب پروردگارتان آورد
 «اسلام - ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام»، پس:
 به او ایمان بیاورید که برای شما بهتر است، و اگر کافر شوید «اگر به پیامبر اکرم
 ایمان نیاورید و به راه باطل خویش ادامه دهید» به خداوند متعال ضرر و زیانی
 نمی‌رسد زیرا آنچه در آسمان و زمین است از آن خداوند متعال است و خداوند
 متعال دانا و حکیم است.^۱
 خداوند متعال در این آیه شریفه به منظور هدایت انسان‌ها آن‌ها را پند و اندرز
 داده و راهنمایی کرده و فرموده:
 يَا أَيُّهَا النَّاسُ = ای مردم.
 این خطاب خطابی است عام که همه انسان‌ها را در بر می‌گیرد اعم از یهود،
 نصاری «اهل کتاب»، مشرکین، و بقیه انسان‌ها با هر مرام و مسلکی.
 قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ = پیامبری که انتظارش را می‌کشیدید حق را از
 جانب پروردگارتان آورد.
 طبق ظاهر آیه شریفه منظور از حق دین و آئین حق است که پیامبر اکرم صلی
 الله علیه و آله و سلم آن را آورده «یعنی دین اسلام».
 در این صورت معنی آیه شریفه تا این جا این می‌شود که:
 خداوند متعال همه انسان‌ها را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:
 ای مردم:

۱. مجمع‌البیان، جلد ششم، صفحه ۱۵۶.

تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۲۸۵.

پیامبر اکرم با دین اسلام که دین حق است از جانب پروردگارتان به سوی شما آمد «پیامبر اکرم از جانب خداوند متعال دین اسلام را برای شما آورد». طبق تأویل آیه شریفه که از لسان مبارک ائمه معصومین علیهم السّلام صادر شده و انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد مقصود از حق در این آیه شریفه ولایت مولی الموحّدين علیّ بن ابیطالب علیه السّلام می باشد که در این صورت معنی آیه شریفه «تأویل آیه شریفه و معنی باطنی آن» این می شود که: خداوند متعال همه انسانها را مورد خطاب قرار داده و می فرماید:

ای مردم:

پیامبر اکرم با ولایت امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام به سوی شما آمد «پیامبر اکرم ولایت امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام را برای شما به ارمغان آورد».

گفته شده که:

الف و لام در کلمه الرّسول الف و لام عهد است، یعنی اشاره به پیامبری است که در انتظار او بودند، یعنی:

نه تنها یهود و نصاری طبق آنچه که در تورات و انجیل خوانده بودند در انتظار پیامبر خاتم بودند «یعنی پیامبر اکرم که خاتم الانبیاء می باشد»، بلکه مشرکان نیز چنین انتظاری داشتند زیرا آنها از اهل کتاب «یهود و نصاری» در خصوص آمدن پیامبر خاتم مطالبی شنیده بودند.

خداوند متعال پس از بیان آمدن پیامبر اکرم و آوردن دین اسلام که دین حق می باشد در ادامه آیه شریفه به مردم دستور می دهد که:

ای مردم:

فَأْمِنُوا = پس، ای مردم به پیامبر اکرم و قرآن کریم و دین اسلام که همه از جانب خدا آمده اند ایمان بیاورید که اگر ایمان بیاورید:

خَيْرًا لَّكُمْ = برای شما بهتر است، یعنی:

ای مردم:

اگر به پیامبر اکرم ایمان بیاورید و به دین اسلام مشرّف شوید که دین حقّ است

که پیامبر اکرم از جانب خداوند متعال آورده قطعاً به سود شما است و منافع آن عاید خود شما می‌شود، یعنی:

خیر دنیا و آخرت را برای شما به ارمغان می‌آورد و در دنیا و آخرت شما را سعادت‌مند می‌کند.

وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ = و اگر کافر شوید به خداوند متعال زبانی نمی‌رسد زیرا آنچه در آسمان‌ها و زمین می‌باشد از آن خداوند متعال است، یعنی:

ای مردم:

اگر پیامبر اکرم را تکذیب کنید، و اگر به آن حضرت و به دینی که آن حضرت آورده «یعنی دین اسلام» ایمان نیاورید و از آن حضرت اعراض نمائید و به راه باطل خویش ادامه بدهید، بدانید که فقط به خودتان ضرر زده‌اید و ضرری متوجه خداوند متعال نخواهد شد،

زیرا آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن خداوند متعال است و صاحب و مالک همه آن‌ها خداوند متعال است.

وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا = خداوند متعال به طاعت شما و به گناهان شما آگاه است، و در امر و نهی خویش و تدابیر خویش حکیم است و از روی حکمت عمل می‌کند. به عبارت دیگر:

خداوند متعال عالم و حکیم است «همواره عالم و حکیم بوده و می‌باشد»، لذا دستوراتی که به شما داده همگی روی مصالحی بوده و حکمتی داشته است و به سود شما می‌باشد و باعث سعادت دنیا و آخرت شما است.^۱

حدیث:

۱. وجود مقدس امام باقر علیه‌السلام درباره این آیه شریفه «آیه ۱۷۰ سوره نساء»

فرمودند:

۱. مجمع‌البیان، جلد ششم، صفحه ۱۵۸.

المیزان، جلد نهم، صفحه ۲۲۹.

تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۲۸۵ - ۲۸۶.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فِي وِلَايَةِ عَلِيٍّ، فَأَمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ، وَإِنْ تَكْفُرُوا بِوِلَايَةِ عَلِيٍّ فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، یعنی:

تاویل آیه شریفه «آیه ۱۷۰ سوره نساء» این است که خداوند متعال می‌فرماید:

ای مردم:

پیامبر اکرم با دین اسلام که دین حق است از جانب پروردگارتان به سوی شما آمد درباره ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام «پیامبر اکرم از جانب خداوند متعال ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام را برای شما به ارمغان آورد»، پس:

ای مردم:

به ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام ایمان بیاورید که برای شما بهتر است و منافع آن عاید خود شما می‌شود،

و اگر به ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام کفر بورزید «از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام اعراض کنید و ولایت و امامت آن حضرت را نپذیرید» فقط به خودتان ضرر زده‌اید و از این کار شما به خداوند متعال ضرر و زیانی نمی‌رسد،

زیرا آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن خداوند متعال می‌باشد.

این حدیث را ابی حمزه از امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.^۱

توضیح:

همانطور که ذیل آیات ۱۶۸ و ۱۶۹ سوره نساء به عرض رسید حدیث ذیل این آیه شریفه «آیه ۱۷۰ سوره نساء» نیز تاویل آیه شریفه بوده و معنی باطنی آیه شریفه

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۹۵، حدیث ۵۹ «حدیث ۱۱۳۸».

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۵۱۴، حدیث ۱ و ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۲۷۵، حدیث ۶۸۵ «حدیث ۲۵۳۷».

مجمع‌البیان، جلد ششم، صفحه ۱۵۸.

المیزان، جلد نهم، صفحه ۲۲۶ «بحث روایتی ذیل آیات ۱۵۳ تا ۱۵۹ سوره نساء».

تفسیرصافی، جلد دوم، صفحه ۳۴۹.

را بیان می‌فرماید نه اینکه جمله «فی وِلايَةِ عَلِيٍّ» و «بِوِلايَةِ عَلِيٍّ» در آیه ۱۷۰ سوره نساء بوده و بعداً حذف و یا تحریف شده است.

۲. امام باقر علیه‌السلام درباره این آیه شریفه «آیه ۱۷۰ سوره نساء» فرمودند:

قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ بِوِلايَةِ مَنْ أَمَرَ اللَّهُ بِوِلايَتِهِ، یعنی:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای شما ولایت کسانی را از جانب خداوند متعال به ارمغان آورد که شما مردم مأمور به پذیرش ولایت آنها هستید «پیامبر اکرم ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام را از جانب خداوند متعال برای شما به ارمغان آورد که شما مردم مأمور و موظف به پذیرش ولایت آن ذوات مقدسه هستید»^۱.

آیه ۱۷۴ سوره نساء:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا».

ترجمه:

خداوند متعال همه مردم را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:

ای مردم:

از جانب پروردگارتان برهانی به سوی شما آمد «دلیل روشنی از طرف پروردگارتان

برای شما آمد»،

و ما «خداوند متعال» نور آشکاری بر شما نازل کردیم.^۱

شرح لغات و توضیحات.

برهان = دلیل، حجت «محکم‌ترین دلیل و حجت را برهان می‌گویند»؛

مبین = آشکار؛^۲

خداوند متعال در این آیه شریفه همه مردم را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ = ای مردم؛

این خطاب خداوند متعال، هم متوجه عموم انسان‌ها است «همه مردم جهان»،

هم متوجه پیروان ادیان دیگر از قبیل یهود و نصاری می‌باشد «به طور خاص و

ویژه» که در این سوره به بیان سرگذشت و افکار و عقاید آن‌ها پرداخته شده است.

قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ = ای مردم از جانب خداوند متعال حجت و برهانی

به سوی شما آمد «دلیل و حجت آشکاری از سوی خداوند متعال به سوی شما

آمد».

بیشتر مفسرین معتقدند که مقصود از برهان در این آیه شریفه وجود مقدس

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد که همراه با دلایل و براهین آشکار

۱. مجمع‌البیان، جلد ششم، صفحه ۱۶۹.

تفسیر نمونه جلد چهارم، صفحه ۳۰۴.

۲. مفردات راغب؛

از جانب خداوند متعال برای هدایت مردم آمده است، و طبق احادیث شریفی که از ناحیه مقدسه ائمه معصومین علیهم السلام صادر شده برهان در این آیه شریفه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تفسیر و معنا شده که انشاء الله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

اگر برهان را شخص نازنین پیامبر اکرم بدانیم معنی این قسمت از آیه شریفه این می شود که:

خداوند متعال می فرماید:

ای مردم:

از طرف خداوند متعال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به سوی شما آمده «جهت هدایت تمام انسانها» که براهین و دلایل آشکاری دارد.

برخی از مفسرین نیز معتقدند که مقصود از برهان در این آیه شریفه قرآن کریم می باشد که خداوند متعال آن را به پیامبر اکرم نازل فرموده که حجّت و دلیل روشنی باشد بر صحت گفتار پیامبر اکرم «حجّت و دلیل روشن بر صحت گفتار پیامبر اکرم درباره رسالت آن حضرت».

اگر برهان در این آیه شریفه را قرآن کریم بدانیم معنی این قسمت از آیه شریفه این می شود که:

خداوند متعال می فرماید:

ای مردم:

از جانب خداوند متعال به منظور هدایت شما قرآن فرستاده شد «به سوی شما آمد» که دلیل روشنی است بر صحت فرمایشات پیامبر اکرم «قرآن کریم دلیل روشنی است و معجزه آشکاری است تا همگان بدانند و یقین کنند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرستاده خداوند متعال می باشد».

جمع بین این دو قول نیز صحیح است، یعنی:

مقصود از برهان در این آیه شریفه هم می تواند وجود مقدس پیامبر کرم صلی الله علیه و آله و سلم باشد هم قرآن کریم زیرا منافاتی با یکدیگر ندارند، و همچنان که در ادامه آیه شریفه ملاحظه خواهید فرمود برای نور نیز دو معنا قائل شده اند، هم

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و ولایت آن حضرت هم قرآن کریم، و از این نمونه در آیات دیگر قرآن کریم نیز دیده می شود «راجع به اینکه قرآن کریم و آیات شریفه آن ظاهری دارند و ظاهر آن ها نیز ظاهری دیگر، و باطنی دارند و باطن آن ها نیز باطن دیگر، ذیل آیه هفتم سوره آل عمران توضیحات کاملی ارائه شده است».

خداوند متعال در ادامه آیه شریفه می فرماید:

وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا = و نور آشکاری به سوی شما نازل کردیم.

بیشتر مفسرین مقصود از نور در این آیه شریفه را قرآن کریم دانسته اند، و در این صورت معنی این قسمت از آیه شریفه این می شود که:

قرآن کریم را به سوی شما نازل کردیم، یعنی: همراه پیامبر اکرم قرآن کریم را به سوی شما مردم فرستادیم تا شما را به راه راست و صراط مستقیم هدایت کنند.

طبق احادیثی که از ائمه معصومین علیهم السلام صادر شده آمده است که منظور از نور در این آیه شریفه وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و ولایت آن حضرت «همچنین ولایت دیگر ائمه معصومین علیهم السلام» می باشد که خداوند متعال همراه با پیامبر اکرم به سوی مردم فرستاده تا آن ها را از ضلالت و گمراهی نجات داده و به راه راست و به صراط مستقیم هدایت نمایند.

قابل ذکر است که:

اگر مقصود از برهان را در این آیه شریفه قرآن کریم بدانیم و مقصود از نور را نیز قرآن کریم بدانیم در این صورت قسمت دوم آیه شریفه تأکیدی است بر قسمت اول آیه شریفه، یعنی:

قرآن کریم را که نور آشکاری است نازل فرمودیم که حجت و دلیل روشنی است بر صحت گفتار پیامبر اکرم درباره رسالت و نبوت آن حضرت.

بنابراین: معنی آیه شریفه «معنی ظاهری آن» این می شود که:

خداوند متعال می فرماید:

ای مردم:

از طرف پروردگار شما پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به سوی شما

آمد که براهین و دلائل آشکاری دارد، همچنین با آن حضرت به سوی شما قرآن فرستاده شده تا شما را به راه راست هدایت نمایند «پیامبر اکرم را همراه با قرآن کریم به سوی شما مردم فرستادیم تا شما را از ضلالت و گمراهی نجات داده و به راه راست و صراط مستقیم هدایت نمایند»^۱.

در آیه بعد «آیه ۱۷۵ سوره نساء» آمده است که:

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا، یعنی:

کسانی که خداوند متعال را به یگانگی بشناسند و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ایمان بیاورند و به نوری که خداوند متعال نازل فرموده تمسک نموده و چنگ بزنند «به قرآن کریم، همچنین به ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السلام تمسک نموده و چنگ بزنند» خداوند متعال آن‌ها را در فضل و رحمت خویش داخل نموده و آن‌ها را به راه راست خویش هدایت می‌کند.^۲

حدیث:

۱. وجود مقدس امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه «آیه ۱۷۴ سوره نساء» فرمودند:

النُّورُ وَوَلَايَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، یعنی:

مقصود از نور در این آیه شریفه «آیه ۱۷۴ سوره نساء» ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می‌باشد.^۳

۲. وجود مقدس امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه «آیه ۱۷۴ سوره

۱. مجمع البیان، جلد ششم، صفحه ۱۷۰ - ۱۷۱.

المیزان، جلد نهم، صفحه ۲۳۴.

تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۳۰۴ - ۳۰۵.

۲. مجمع البیان، جلد ششم، صفحه ۱۷۱.

۳. مجمع البیان، جلد ششم، صفحه ۱۷۱.

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۳۵۲ - ۳۵۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۲۸۱، حدیث ۶۹۸ «حدیث ۲۵۵۰».

نساء» فرمودند:

الْبُرْهَانُ مُحَمَّدٌ «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» وَالثُّورُ عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، يَعْنِي: مقصود از برهان در این آیه شریفه وجود مقدس پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌باشد، و مقصود از نور در این آیه شریفه وجود مقدس امیرالمؤمنین عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ است. این حدیث شریف را عبدالله بن سلیمان از وجود مبارک امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل نموده است.^۱

توضیح:

ملاحظه فرمودید که منظور از نور در این آیه شریفه «آیه ۱۷۴ سوره نساء» هم قرآن کریم است، هم وجود مقدس ائمه معصومین علیهم السَّلَام. ذیل آیه ۱۵۷ سوره اعراف و آیه ۸ سوره تغابن نیز احادیثی از ائمه معصومین علیهم السَّلَام نقل شده که طبق آن احادیث شریف، هم قرآن کریم و هم ائمه معصومین علیهم السَّلَام هر دو نور هستند. با توجه به احادیثی که به عرض رسید معنی آیه ۱۷۴ و ۱۷۵ سوره نساء «تنزیل و تأویل آیات شریفه» این می‌شود که: خداوند متعال می‌فرماید:

ای مردم:

از جانب خداوند متعال پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به سوی شما آمد،

همچنین:

نور آشکاری با پیامبر اکرم فرستاده شد «یعنی قرآن کریم و ائمه معصومین علیهم السَّلَام» تا شما مردم را از ضلالت و گمراهی نجات داده و به راه راست و

۱. تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۳۵۳.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۵۱۷، حدیث ۱.

تفسیر نورالتقلین، جلد دوم، صفحه ۲۸۱، حدیث ۷۰۰ «حدیث ۲۵۵۲».

تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۳۰۵.

صراط مستقیم هدایت نمایند، پس:

ای مردم:

به خداوند متعال و پیامبر اکرم ایمان بیاورید و به ائمه معصومین علیهم السّلام و به قرآن کریم تمسک نموده و چنگ بزنید «آنهایی که به خداوند متعال و پیامبر اکرم ایمان آورده و به ائمه معصومین علیهم السّلام و قرآن کریم تمسک نموده و چنگ بزنند» خداوند متعال آنها را در فضل و رحمت خویش وارد خواهد نمود و آنها را به راه راست و به صراط مستقیم هدایت خواهد کرد.

۳. در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره که از ناحیه وجود مقدّس امام هادی علیه السّلام صادر شده و یک دوره کامل و جامع امام شناسی است و بلکه کامل ترین و جامع ترین سند و متن امام شناسی است و در بین تمام ادعیه و زیارات نظیر ندارد «در باب شناخت مقام و منزلت امام و حجّت خداوند متعال» هنگام زیارت هر کدام از ذوات مقدّسه معصومین علیهم السّلام محضر آن بزرگواران عرض می داریم:

الف) السّلامُ عَلَی الْأَئِمَّةِ الدّعاةِ...

وَ حُجَّتِهِ وَ صِرَاطِهِ،

وَ نُورِهِ وَ بُرْهَانِهِ، یعنی:

سلام بر ائمه ای که دعوت کنندگان مردم به طرف خداوند متعال هستند،

سلام بر شما ائمه معصومین علیهم السّلام که:

حجّت خدا، صراط مستقیم خدا، نور خدا و برهان خدا هستید.

در جای دیگری از همین زیارت شریف جامعه کبیره، خدمت حضرات معصومین

سلام الله علیهم اجمعین عرض می کنیم:

ب) وَ حَصَّكُم بِبُرْهَانِهِ،

وَ أَنْتَجَبَكُم لِنُورِهِ، یعنی:

خداوند متعال شما ائمه معصومین علیهم السّلام را تخصیص داد به برهان خودش

«خداوند متعال به وجود شما حجّت را بر خلق خویش تمام کرد»، به این معنا که:

هر یک از شما معصومین علیهم السّلام در عصر خویش حجت بالغه و حجت رسای خداوند متعال بر مخلوقات هستید.

فرق است بین برهان حق بودن و تخصیص به آن داشتن، زیرا: تخصیص انحصار را می‌رساند، یعنی:

خداوند متعال غیر از شما چهارده معصوم علیهم السّلام حجت و برهان دیگری ندارد «انبیاء الهی نیز در عصر خویش حجت و برهان بودند، لیکن وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام در اعلی درجه قرار گرفته‌اند»، خداوند متعال شما چهارده معصوم علیهم السّلام را برگزید و انتخاب فرمود برای نور خود، یعنی:

شما را نور حق قرار داد.

اضافه نور به خداوند متعال از باب تشریف است مانند اضافه بیت به خداوند متعال که گفته می‌شود بیت‌الله، و الاّ خداوند متعال نور ندارد «از قبیل نور مادی مثل خورشید و امثال ذلک».

اینجا نیز موضوع برگزیدن و انتخاب، انحصار را می‌رساند، یعنی:

تنها نوری که شایسته است که به حق اضافه شود نور شما چهارده معصوم علیهم السّلام است و بس، لذا:

انوار سایر انبیاء و اوصیاء از نور شما گرفته شده است و اگر نور شما چهارده معصوم علیهم السّلام نبود از انوار انبیاء و اوصیاء خبری نبود.

حدیث مشهور و معروف صادره از ناحیه وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می‌باشد که آن حضرت فرمودند:

أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللهُ نُورِي، یعنی:

اولین مخلوق خدا «اولین چیزی که خداوند متعال خلق فرمودند» نور من بود «نور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم»،

ضمن اینکه نور ائمه معصومین علیهم السّلام و نور صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز با نور پیامبر اکرم یکی است، و در همین زیارت جامعه کبیره است که خدمت حضرات معصومین علیهم السّلام عرض می‌کنیم:

أَنْ أَرْوَاكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طِينَتَكُمْ وَاحِدَةً، یعنی:

ارواح و نور و سرشت شما چهارده معصوم علیهم السّلام یکی است، یعنی این ذوات مقدّسه یک روح و یک نور و یک طینت هستند در چهارده قالب و صورت. در جای دیگری از زیارت نورانی جامعه کبیره خدمت ذوات مقدّسه معصومین علیهم السّلام عرض می کنیم:

(ج) وَ آیاتُ اللهِ لَدَيْكُمْ، یعنی:

آیات و نشانه های خداوند متعال نزد شما چهارده معصوم علیهم السّلام است، یعنی:

صفات خداوند متعال از قبیل علم، قدرت، عدالت، عصمت و... در وجود شما حضرات معصومین علیهم السّلام جمع است،

و وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرموده اند که:

مَا لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ آيَةٌ هِيَ أَكْبَرُ مِنِّي، یعنی:

برای خداوند متعال آیت و نشانه ای بزرگ تر از من نیست «بعد از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم».

وَ نُورُهُ وَ بَرّهَانُهُ عِنْدَكُمْ، یعنی:

و نور و برهان خداوند متعال نزد شما چهارده معصوم علیهم السّلام است، یعنی: شما حضرات معصومین علیهم السّلام نور حق و حجت حق بر مخلوقات می باشید.

توضیحی پیرامون برهان الهی:

ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام نور حق و برهان حق می باشند،

یعنی:

معصوم برهان حق است، یعنی:

حجت و دلیل امر است در دنیا و آخرت بر مردم، مثلاً:

اگر کسی بگوید به چه دلیل انسان‌ها در روز قیامت مسئول هستند و باید پاسخگوی اعمال خویش باشند، و در صورتی که عصیان نموده باشند و گناهی مرتکب شده باشند باید مجازات شوند.
در جواب گفته می‌شود:

چون در دنیا برای بشر برهان فرستاده شد «یعنی دلیل و راهنما برای بشر فرستاده شد، یعنی انبیاء و اوصیاء الهی و در صدر همه وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السلام»، لذا عذر او در روز قیامت موجه نیست یعنی:
با وجود برهان الهی و دلیل و راهنمای خداوند متعال روز قیامت انسان‌ها عذر و بهانه‌ای ندارند که بگویند ما از مسائل بی‌اطلاع بودیم.
همانطور که در صفحات قبل به عرض رسید:

وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السلام نه تنها برهان حق و برهان الهی هستند بلکه خداوند متعال این ذوات مقدّسه را تخصیص داده به برهان خودش «وَخَصَّكُمْ بِبُرْهَانِهِ» و تخصیص نیز انحصار را می‌رساند، یعنی:
خداوند متعال غیر از وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السلام حجّت و برهان دیگری ندارد «در این رتبه و مقام».

قابل ذکر است که:

ذیل آیه ۳۵ سوره نور در رابطه با موضوع نور در قرآن کریم توضیحات نسبتاً کاملی ارائه شده است.^۱

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت‌الله سید محمدتقی نقوی، صفحات ۲۲۵، ۲۳۳، ۲۵۰، ۲۵۱، ۳۵۳، ۳۵۴ و ۴۰۹.

«سوره مائده»

آیه ۳ سوره مائده:

«الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ، فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ، الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ
أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا».

ترجمه:

خداوند متعال مسلمانان را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:
امروز کافران از زوال و نابودی دین شما «دین اسلام» مأیوس شدند، بنابراین از
آن‌ها نترسید و فقط از من «خدا» بترسید.
امروز دین شما را کامل کردم «اسلام را کامل کردم» و نعمتم را بر شما تمام
نمودم و اسلام را به عنوان آئین و دین جاودان شما پذیرفتم.^۱

شرح لغات و توضیحات:

يَأْسٌ = ناامید شدن، قطع امید کردن؛

خَشْيَةٌ = ترس، خوف، بیم؛

أَكْمَلْتُ = کامل کردم. وقتی گفته می‌شود چیزی کامل شد یعنی غرض و مقصود

آن چیز محقق و حاصل شد «به نتیجه نهایی که مد نظر بود رسید».

أَتَمَّمْتُ = تمام کردم. تمام الشئ یعنی تمام و کامل بودن چیزی به نحوی که نیاز

۱. تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۳۳۳.

به افزودن چیز دیگری به آن نباشد، و ناقص چیزی است که به چیز دیگری نیاز داشته باشد.

اِکْمَال و اِتْمَام «تمام و کامل» نزدیک به هم هستند و تقریباً هم معنی می‌باشند، لذا اگر گفته شود چیزی و امری تمام و کامل شد «به اکمال و اتمام رسید»، یعنی به هدف و نتیجه نهایی رسید، یعنی غرض و مقصود آن حاصل شد.^۱

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه سوّم سوره مائده» مسلمانان را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:

الْيَوْمَ يَسِّسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ = امروز کافران از دین شما مأیوس شدند، یعنی: امروز کافرین از زوال و نابودی دین اسلام مأیوس شده و قطع امید نمودند. اینکه مقصود از الْيَوْم «امروز» چیست و در آن روز خاص و در آن روز تاریخی و به یادماندی چه اتفاقی افتاده که کَفَّار «اعم از یهود و نصاری و مشرکین و بت‌پرستان» از نابودی و زوال اسلام مأیوس شده و قطع امید نمودند انشاءالله تعالی در ادامه بحث روشن خواهد شد.

خداوند متعال در ادامه آیه شریفه به مسلمین می‌فرماید:

فَلَا تَخْشَوْهُمْ = پس، نترسید.

خداوند متعال پس از اینکه به مسلمانان بشارت داد که امروز کافرین از زوال دین شما «اسلام» مأیوس شده و قطع امید نمودند به آن‌ها «مسلمانان» می‌فرماید: حالا که کافرین از زوال دین شما مأیوس و ناامید شدند، بنابراین نترسید و از کَفَّار ترس و واهمه نداشته باشید.

به عبارت دیگر:

خداوند متعال به مسلمانان دستور می‌دهد که نباید بترسند از اینکه اهل کُفر «یهود و نصاری، مشرکین و بت‌پرستان» بر اسلام غلبه کنند و مسلمانان را شکست بدهند و اسلام را از بین ببرند، یعنی:

خداوند متعال می‌فرماید:

۱. المیزان، جلد نهم، صفحه ۲۷۶.
مفردات راغب.

اتفاق عظیمی که امروز رخ داد باعث شد تا کفار از زوال اسلام مأیوس و ناامید شوند، بنابراین شما مسلمین از این بابت نترسید و نگرانی به دل خویش راه ندهید، زیرا با این واقعه عظیمی که امروز رخ داد اسلام بیمه شد و کفار مأیوس و ناامید شدند.

خداوند متعال در ادامه آیه شریفه می‌فرماید:

وَإِخْشَاؤُنِ = از من بترسید «از خداوند متعال»، یعنی:

از مخالفت با دستورات من بترسید که اگر با اوامر من مخالفت کنید و مرتکب گناه شوید در آن صورت مجازات و عذاب من شما را فرا خواهد گرفت.
خداوند متعال در ادامه آیه شریفه مجدداً از آن روز تاریخی و سرنوشت‌ساز سخن به میان آورده و می‌فرماید:

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ = من «خداوند متعال» امروز دین شما را کامل کردم،

یعنی:

خداوند متعال می‌فرماید:

با دستوری که امروز صادر کردم و دستور ابلاغ آن را به پیامبر اکرم دادم دین شما را کامل نمودم، یعنی:
دین اسلام امروز کامل شد.

خداوند متعال در ادامه آیه شریفه می‌فرماید:

وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي = و امروز نعمتم را بر شما مسلمین تمام کردم.

وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا = امروز راضی شدم که اسلام دین شما باشد، یعنی:

امروز اسلام را به عنوان دین و آئین جاویدان شما پذیرفتم.

طبق این آیه شریفه «آیه سوّم سوره مائده» خداوند متعال چهار ویژگی و چهار خصوصیت را برای این روز تاریخی و سرنوشت‌ساز بیان می‌فرماید، یعنی:

با حادثه بسیار عظیم و مهمی که در این روز تاریخی به وقوع پیوست:

۱. کفار «یهود، نصاری، مشرکین و بت‌پرستان، منافقینی که تظاهر به اسلام می‌کردند لیکن باطناً به خدا و رسول اعتقاد نداشتند، و هر غیرمسلمانی» از زوال و نابودی اسلام مأیوس شده و قطع امید کردند.

۲. دین اسلام کامل شد «خداوند متعال دین اسلام را کامل فرمود».
۳. نعمت تمام شد «خداوند متعال نعمت خویش را به تمام و کمال رساند».
۴. خداوند متعال دین اسلام را به عنوان دین و آئین نهایی و جاودان مردم جهان پذیرفت و به آن راضی شد.

تمام مفسرین شیعه معتقدند که:

منظور از الیوم که دوبار در این آیه شریفه «آیه سوّم سوره مائده» تکرار شده روز غدیر خم می باشد «هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری» که در آن روز تاریخی و سرنوشت ساز وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به دستور خداوند متعال وجود مبارک مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را به عنوان وصی و جانشین خویش و به عنوان امام مسلمین معرفی و منصوب فرمودند، و پس از این انتصاب مبارک بود که خداوند متعال آیه سوّم سوره مائده را نازل نموده و فرمودند:

۱. امروز «روز انتصاب امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به عنوان امام مسلمین و جانشین پیامبر اکرم» کفّار از نابودی و زوال اسلام مأیوس شده و قطع امید کردند،

۲. امروز «روز انتصاب امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به عنوان امام مسلمین و جانشین پیامبر اکرم» دین اسلام را کامل کردم.

۳. امروز «روز انتصاب امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به عنوان امام مسلمین و جانشین پیامبر اکرم» نعمت خودم را بر شما مسلمانان تمام نمودم.

۴. امروز «روز انتصاب امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به عنوان امام مسلمین و جانشین پیامبر اکرم» اسلام را به عنوان دین نهایی و جاودان مردم جهان پذیرفتم.

احادیث فراوانی از طرق شیعه و سنّی نقل شده که:

این آیه شریفه «آیه سوّم سوره مائده» روز غدیر خم «روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری» به دنبال انتصاب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به امامت مسلمین به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل گردید که انشاء الله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

توضیحاتی پیرامون چهار خصوصیت و ویژگی روز غدیر خم:

۱. چون پیامبر اکرم فرزند ذکور نداشتند لذا کفار «یهود، نصاری، مشرکین، منافقین، و هر فرد غیرمسلمان» امیدوار بودند که اگر پیامبر اکرم کشته شود و یا از دنیا برود دین او نیز پس از خودش از بین خواهد رفت، زیرا این کوردلان گمراه، امر رسالت را چیزی مانند سلطنت می پنداشتند و همچنان که هر سلطان و هر حاکمی که از دنیا می رود بساط سلطنت او نیز برچیده می شود «خصوصاً اگر اولاد ذکور نداشته باشد» امیدوار بودند که با رحلت پیامبر اکرم بساط دین اسلام نیز برچیده خواهد شد، لیکن وقتی خداوند متعال روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری «روز غدیر خم» به پیامبر اکرم دستور دادند تا امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را به عنوان وصی و جانشین خویش و به عنوان امام مسلمین معرفی و منصوب نماید یکباره همه امید کفار و مشرکین و منافقین به یأس مبدل شد و فهمیدند که زعامت و امامت مسلمین پس از پیامبر اکرم به عهده امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام محول شده، لذا پس از پیامبر اکرم اسلام محو و نابود نخواهد شد، و چون در این روز «روز غدیر خم و روز ابلاغ ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام» کفار از زوال اسلام نومید و مأیوس شدند، لذا خداوند متعال درباره آنها فرمود:

الْيَوْمَ يَأْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ، یعنی:

پس از انتصاب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به عنوان وصی و جانشین پیامبر اکرم و به عنوان امام مسلمین کفار از زوال اسلام مأیوس و ناامید شده و قطع امید نمودند.

۲. همه احکام دین اسلام تا آن روز «روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری» اعلام شده بود و دین اسلام از این جهت نقصی نداشت، و حدود هفتاد روز پس از انتصاب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به امامت مسلمین پیامبر اکرم از دنیا رفت، یعنی:

تا روز عید غدیر خم همه احکام اعلام شده بود و نقصی در احکام و شرایع نبود مگر موضوع ولایت و امامت مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام، لذا بلافاصله پس از انتصاب آن حضرت به عنوان وصی و جانشین پیامبر اکرم و به عنوان امام مسلمین خداوند متعال این آیه شریفه را نازل نموده و فرمودند:

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ، یعنی:

با انتصاب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به عنوان امام مسلمین دین اسلام کامل شد.

ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگران معصومین علیهم السلام یعنی کمال دین اسلام و کامل شدن دین اسلام، و چون خداوند متعال دین کامل را برای مسلمین می پسندد و راضی نمی شود که دین ناقص را مردم بپذیرند، لذا پس از اینکه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را به عنوان جانشین پیامبر اکرم و به عنوان امام مسلمین منصوب فرمود این آیه شریفه را نازل نموده و فرمود:

۳. وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا، یعنی:

حالا که دین اسلام با ابلاغ و انتصاب ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام کامل شد، این دین کامل را به عنوان دین نهایی و جاویدان شما مردم پذیرفتم و به آن راضی شدم.

۴. خداوند متعال با انتصاب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به عنوان جانشین پیامبر اکرم و به عنوان امام مسلمین فرمودند:

وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي، یعنی:

نعمت خودم را بر شما تمام نمودم، لذا:

نعمت ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السّلام آنچنان عظیم است که خداوند متعال پس از ابلاغ و انتصاب ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام می فرماید:

نعمت خودم را بر شما تمام نمودم و کامل کردم.

قابل ذکر است که:

خداوند متعال روز قیامت از بندگان خویش سؤال خواهد فرمود که با نعمات الهی چه کردند، آیا شکر نعمت به جای آوردند یا اینکه کفران نعمت نمودند.

مهم ترین نعمتی که خداوند متعال به بشریت اعطا فرموده نعمت وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و نعمت وجود مقدّس ائمه معصومین علیهم السّلام و ولایت و امامت آن ذوات مقدّسه می باشد که در این آیه شریفه «آیه سوّم سوره مائده» خداوند متعال ابلاغ ولایت آن بزرگواران را به عنوان تمام نمودن و کامل نمودن نعمت خویش بیان فرموده است.

ذیل آیه هشتم سوره تکاثر «ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ = روز قیامت همه شما از نعمت هایی که داشته اید مورد سؤال قرار خواهید گرفت» احادیثی از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شده که فرموده اند:

نَحْنُ النَّعِيمِ، یعنی:

ما «ائمه معصومین علیهم السّلام» آن نعیمی هستیم که خداوند متعال از مردم راجع به آن سؤال خواهد فرمود، یعنی:

نعمت ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السّلام آنچنان عظمتی دارد که خداوند متعال پس از انتصاب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام به امامت مسلمین فرمودند:

امروز «روز غدیر خم» نعمتم را بر شما تمام کردم و نعمتم را بر شما کامل نمودم، و در روز قیامت نیز در صدر نعماتی است که مردم راجع به آن مورد سؤال قرار

خواهند گرفت «راجع به نعمت امامت و ولایت».^۱

بنابراین:

این آیه شریفه «الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا... وَ رَضِيَتْ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» اعلام می‌دارد که:

با ابلاغ ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام دین اسلام از جانب کفار مصونیت پیدا کرد و خطری که از جانب کفار «یهود - نصاری، مشرکین و بت پرستان» متوجه اسلام بود منتفی شد،

لذا از امروز به بعد «روز غدیر خم به بعد» جز از ناحیه خود مسلمانان عوامل دیگری باعث زوال اسلام نخواهد شد، یعنی:

از امروز به بعد «روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری که روز غدیر خم نام دارد» هیچ عامل خارج از دین اسلام «یهود، نصاری، مشرکین و...» تهدیدی برای اسلام به حساب نمی‌آیند و نمی‌توانند باعث فساد در دین اسلام شوند، و در این صورت خود مسلمانان هستند که با کفران نعمت باعث فساد در دین اسلام می‌شوند، یعنی:

کفران عالی‌ترین نعمت خداوند متعال «کفران نعمت ولایت و امامت» و اعراض از این نعمت عظیم باعث فساد در دین اسلام شده و در نتیجه این کفران نعمت، خداوند متعال نیز نعمت خویش را از مسلمانان گرفته و به نعمت «عقوبت - عذاب» تغییر می‌دهد و جامه گرسنگی و ترس بر مسلمین می‌پوشاند.

بنابراین:

مسلمانان نسبت به نعمت ولایت و امامت کفران نمودند و خداوند متعال نیز نعمت را مبدل به نعمت نمود و جامه گرسنگی و ترس را به آنها پوشاند، و در واقع:

مسلمین آنچه نباید می‌کردند انجام دادند «اعراض از ولایت ائمه معصومین علیهم السلام» و خداوند متعال نیز انجام داد «پوشاندن لباس گرسنگی و ترس بر مسلمین»

۱. المیزان، جلد نهم، صفحه ۲۷۰ تا ۲۷۲ - ۲۷۴.

تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۳۳۸ - ۳۴۲ - ۳۴۳.

و هر کس به حال و وضع امروز مسلمین دقت نماید به خوبی به این مطلب واقف می‌شود.

وقتی که خداوند متعال می‌فرماید:

فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ، یعنی:

از امروز به بعد «روز غدیر خم به بعد» از کفار «یهود - نصاری - مشرکین و بت پرستان» نترسید، زیرا:

آن‌ها دیگر نمی‌توانند باعث فساد و زوال دین اسلام شوند «به جهت ابلاغ ولایت و تعیین جانشین برای پیامبر اکرم»، بنابراین:

فقط از من بترسید «از خداوند متعال»، یعنی:

فقط از من بترسید و بترسید از اینکه با دستورات من مخالفت کنید «مخصوصاً دستور من در رابطه با امامت ائمه معصومین علیه‌السلام و لزوم اطاعت از آن‌ها»، که در این صورت:

خودتان «خود مسلمین» باعث زوال و فساد در دین اسلام خواهید شد و نتیجه آن تبدیل شدن نعمت به نعمت می‌باشد، یعنی:

ترس و خوف و گرسنگی بر جامعه مسلمین مستولی می‌شود «به علت مخالفت با امر خداوند متعال و اعراض از ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام»، و این موضوع چیزی است که در حال حاضر گریبانگیر جامعه مسلمین شده و قابل انکار نیست.^۱

توضیح:

خداوند متعال در آیه ۷۶ سوره مائده پیامبر اکرم را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»، یعنی:

ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت به تو نازل شده «در رابطه با نصب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام به امامت مسلمین» کاملاً به مردم برسان، که اگر این کار

۱. المیزان، جلد نهم، صفحه ۲۷۴ تا ۲۷۶.

را نکنی رسالت خداوند متعال را تبلیغ نموده‌ای.

طبق احادیثی که ذیل این آیه شریفه به عرض رسیده:

پس از نزول این آیه شریفه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را به عنوان وصی و جانشین خویش و به عنوان امام مسلمین معرفی و منصوب فرمودند «روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری در محل غدیر خم».

پس از اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را به دستور خداوند متعال به امامت مسلمین منصوب فرمودند خداوند متعال این آیه شریفه «الْيَوْمَ يَتَسَّسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ، فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ، الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا - آیه سوّم سوره مائده» را نازل فرمودند.

ممکن است برای بعضی این سؤال پیش بیاید که:

چرا آیه ۶۷ سوره مائده بعد از آیه ۳ سوره مائده آمده با اینکه ابتدا آیه ۶۷ سوره مائده نازل شده و سپس آیه سوّم این سوره مبارکه نازل شده و چرا میان این دو آیه شریفه فاصله افتاده است.

پاسخ این است که:

۱. طرز قرار گرفتن آیات هر سوره فقط به دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم صورت گرفته است.

۲. همه آیات شریفه قرآن کریم طبق تاریخ نزول آن جمع‌آوری نشده‌اند.

۳. بسیاری از سوره‌های مبارکه قرآن کریم که در مدینه نازل شده‌اند مشتمل بر آیاتی هستند که در مکه نازل شده‌اند، همچنین:

بسیاری از سوره‌های مبارکه قرآن کریم که در مکه نازل شده‌اند مشتمل بر آیاتی هستند که در مدینه نازل شده‌اند «طرز قرار گرفتن آیات شریفه قرآن کریم در هر سوره به دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم صورت گرفته است».

۴. حتی ممکن است ابتدا و انتهای یک آیه شریفه در رابطه با یک موضوع باشد و وسط آیه شریفه در رابطه با موضوعی دیگر «مثل همین آیه مورد بحث یعنی آیه

سوّم سوره مائده»، لذا:

چون نحوه قرار گرفتن آیات شریفه قرآن کریم در هر سوره مبارکه طبق دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم صورت پذیرفته بنابراین اشکالی باقی نمی ماند، و قطعاً این موضوع حکمتی داشته است «و یا حکمت‌هایی»^۱.

حدیث:

۱. پس از اینکه وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به دستور خداوند متعال در محلّ غدیر خم «روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری» امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را به عنوان وصی و جانشین خویش و به عنوان امام مسلمین معرفی و منصوب فرمودند خداوند متعال این آیه شریفه «الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ، فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ اَخْشَوْنِ، الْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِيناً - آیه سوّم سوره مائده» را نازل فرمودند.

پس از نزول این آیه شریفه «آیه سوّم سوره مائده» وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَىٰ إِكْمَالِ الدِّينِ وَ اِتِّمَامِ النُّعْمَةِ وَ رِضَى الرَّبِّ بِرِسَالَتِي وَ بِالْوِلَايَةِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ بَعْدِي،

ثُمَّ قَالَ:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ،

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ،

وَ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ، یعنی:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

الله اکبر بر تکمیل دین و اتمام نعمت «الله اکبر که دین اسلام کامل شد و نعمت تمام گشت»، و خشنودی خداوند متعال از رسالت من و ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام «الله اکبر که دین کامل شد و نعمت تمام گشت و خداوند متعال از

۱. تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۳۴۸ - ۳۴۹.

تفسیر نمونه، جلد پنجم، صفحه ۲۴ «ذیل آیه ۶۷ سوره مائده».

رسالت من و ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام راضی و خشنود گردید». وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

هر کس من مولای او هستم «هر کس من سرپرست و صاحب اختیار او هستم» علی بن ابیطالب مولا و صاحب اختیار او است. خداوندا:

دوست بدار هر کس را که علی بن ابیطالب را دوست می دارد،
و دشمن بدار هر کس را که علی بن ابیطالب را دشمن می دارد،
یاری کن هر کس را که علی بن ابیطالب را یاری می کند،
و خوار کن هر کس را که علی بن ابیطالب را خوار می کند «یاری نکن کسی را که علی بن ابیطالب را یاری نمی کند».

این حدیث را ابی سعید خدری «صحابی معروف» نقل نموده است.^۱

توضیح:

الف) این حدیث را حافظ ابونعیم اصفهانی «از علمای معروف اهل تسنن» نیز در کتاب خویش به نام «ما نزل من القرآن فی علی بن ابیطالب علیه السلام» نقل نموده است «از ابی سعید خدری».

ب) وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس از پایان خطابه غدیر و پس از انتصاب امیرالمؤمنین به امامت مسلمین این مطالب را بیان فرمودند و این در حالی بود که هنوز جمعیت متفرق نشده بود.^۲

۱. مجمع البیان، جلد ششم، صفحه ۲۰۳ - ۲۰۴.

المیزان، جلد نهم، صفحه ۲۹۷ - ۲۹۸ «بحث روایتی ذیل آیه ۳ سوره مائده».

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۵۳۸، حدیث ۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۳۰۵، حدیث ۳۱ «حدیث ۲۵۹۱».

تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۳۴۴.

تفسیر نمونه، جلد پنجم، صفحه ۲۴ «ذیل آیه ۶۷ سوره مائده».

۲. تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۳۴۴.

«ولی = سرپرست، صاحب اختیار. ولیّ دم کسی است که صاحب اختیار خون مقتول می‌باشد، و مولا نیز مثل ولی است.»^۱

۲. وجود مقدّس امام باقر و امام صادق علیهما السّلام فرمودند:

این آیه شریفه «الْيَوْمَ يَنْسَأ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ، فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ اٰخِشُوْنَ، الْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِيْنًا - آیه سوّم سوره مائده» هنگامی نازل شد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در حَجَّةُ الْوِدَاع در غدیر خم امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام را به امامت مسلمین منصوب نمودند.

امام باقر و امام صادق علیهما السّلام سپس فرمودند:

ولایت و امامت آخرین امر واجبی بود که خداوند متعال نازل فرمود و پس از آن فریضه‌ای «امر واجبی» نازل نگشت.^۲

۳. وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:

واجبات خداوند متعال «فرائض» یکی پس از دیگری نازل می‌شد و آخرین فریضه‌ای که نازل شد امر ولایت بود،

و خداوند متعال پس از اینکه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام را به عنوان جانشین پیامبر اکرم و امام مسلمین منصوب فرمود این آیه شریفه را نازل نموده «الْيَوْمَ يَنْسَأ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ، فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ اٰخِشُوْنَ، الْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِيْنًا» و فرمودند:

بعد از این «اعلام ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام» فریضه‌ای را بر شما نازل نخواهم کرد زیرا فرائض و واجبات را برای شما کامل نمودم.

۱. مجمع البیان، جلد هفتم، صفحه ۸۲، «ذیل آیه ۵۵ و ۵۶ سوره مائده».

۲. مجمع البیان، جلد ششم، صفحه ۲۰۳.

المیزان، جلد نهم، صفحه ۳۰۸.

تفسیر صافی، جلد دوّم، صفحه ۳۶۴.

تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۵۳۹، حدیث ۴.

این حدیث را زراره از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۱

۴. عبدالعزیز بن مسلم می گوید:

در آغاز ورود امام رضا سلام الله علیه به مَرُو عده‌ای در مسجد جامع این شهر اجتماع نموده و راجع به موضوع امامت سخن می گفتند و هر کس در این رابطه چیزی می گفت.

عبدالعزیز بن مسلم می گوید:

من خدمت سرور و مولای خودم یعنی وجود مقدس امام رضا صلوات الله و سلامه علیه شرفیاب شده و گفتگوی مردم در مسجد جامع را که درباره امامت بود به استحضار آن حضرت رساندم.

وجود مقدس امام رضا سلام الله علیه تبسمی نموده و فرمودند:

ای عبدالعزیز:

این مردم حقیقت را نفهمیدند و در جهل ماندند «کسانی که نسبت به امامت ائمه معصومین علیهم السلام معرفت پیدا نکردند و امامت آن ذوات مقدسه را نپذیرفتند».

ای عبدالعزیز:

خداوند متعال پیامبر خویش را «پیامبر اکرم را» قبض روح فرمود مگر بعد از اینکه دین او را «دین اسلام را» کامل نمود.

ای عبدالعزیز:

خداوند متعال در حجة الوداع که آخرین سال عمر مبارک پیامبر اکرم بود «هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری» این آیه شریفه را «الْيَوْمَ يَنْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ، فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ، الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَاَرْضِيَتْ لَكُمْ الْاِسْلَامَ

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۴۷ و ۴۸، حدیث ۴ «حدیث ۷۵۳».

المیزان، جلد نهم، صفحه ۳۰۸.

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۳۶۴.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۵۶۵، حدیث ۱۳ و ۱۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۳۰۱، حدیث ۲۵ «حدیث ۲۵۸۵».

دیناً، آیه سوّم سوره مائده» را نازل فرمود.

ای عبدالعزیز:

موضوع امامت از کمال دین است و اتمام و تکمیل دین می‌باشد و پیامبر اکرم از دنیا نرفت مگر پس از اینکه علائم و نشانه‌های دین اسلام را برای امتش بیان فرمود و راه آن‌ها را به روشنی نشان داد «صراط مستقیم را به آن‌ها نشان داد» و آن‌ها را در مسیر حق قرار داد و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام را به عنوان امام منصوب فرمود «یعنی حضرت علی علیه‌السلام صراط مستقیم می‌باشد».

ای عبدالعزیز:

هر کس گمان کند که خداوند متعال دینش را «دین اسلام را» کامل نکرده قرآن را رد کرده است «زیرا آیه سوّم سوره مائده ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام را اتمام و اکمال دین دانسته است»، و هر کس قرآن کریم را رد کند کافر است.

وجود مقدّس امام رضا سلام‌الله علیه در ادامه فرمایشات خویش فرمودند: مگر مردم مقام و منزلت امامت را می‌دانند که روا باشد تا انتخاب امام به آن‌ها واگذار شود.

امامت گرامی‌تر، بزرگ‌تر، بلندتر، محکم‌تر و عمیق‌تر از آن است که مردم بتوانند با عقل خویش به آن برسند یا با آراء خویش به آن برسند و یا امامی را برای خودشان انتخاب کنند.

همانا امامت مقامی است که خداوند متعال پس از نبوت به حضرت ابراهیم علیه‌السلام اعطا فرمود و او را با دادن مقام امامت شرافت داد و نامش را بلند و استوار نموده و فرمود:

إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا «آیه ۱۲۴، سوره بقره»، یعنی:

من تو را امام مردم قرار دادم.

حضرت ابراهیم علیه‌السلام از نهایت خوشحالی به خداوند متعال عرض کرد:

وَمِنْ ذُرِّيَّتِي، یعنی:

از فرزندان من هم «یعنی خداوندا، امامت را در فرزندان من نیز قرار بده».

وجود مبارک امام رضا علیه السلام در ادامه بیانات خویش فرمودند:
 خداوند متعال امامت را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اعطا فرمود و
 پیامبر اکرم نیز به دستور خداوند متعال امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را به
 امامت منصوب فرمود و امر امامت در نسل آن حضرت قرار گرفت.
 امامت فقط به فرزندان امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام اختصاص دارد تا
 روز قیامت، زیرا پس از حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیامبری نیست
 «یعنی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم خاتم پیامبران است».
 امامت خلافت و جانشینی خداوند متعال و پیامبر اکرم است و مقام امیر المؤمنین
 علی بن ابیطالب و امام حسن و امام حسین علیهم السلام می باشد.
 امام امین خداوند متعال است در میان خلق خدا،
 امام حجّت خداوند است بر بندگان خدا،
 امام خلیفه و جانشین خداوند است در روی زمین،
 امام از گناهان پاک است و از عیوب میرا «امام، معصوم است»،
 امام نظیر و مانند ندارد،
 تمام فضیلتها مخصوص به امام است،
 خداوند متعال با فضل خویش همه فضائل را به امام اعطا فرموده است.^۱

۵. وجود مقدّس امام صادق علیه السلام از وجود مبارک امیر المؤمنین علی بن ابیطالب
 علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند:
 خداوند متعال به من چیزهایی اعطا فرموده که به هیچ کس پیش از من اعطا نشده
 مگر به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم.

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۸۳ تا ۲۹۰، حدیث ۱ «حدیث ۵۱۸».

«باب نادر و جامع در فضیلت و صفات امام».

عیون اخبار الرضا علیه السلام، جلد اول، باب ۲۰، صفحه ۴۴۴ تا ۴۵۸، حدیث ۱ «فرمایشات امام رضا
 علیه السلام در وصف امام و امامت».

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۵۳۷، حدیث ۲.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۴۶۷، حدیث ۵ «ذیل آیه ۱۲۴ سوره بقره».

تفسیر نورالتقلین، جلد دوم، صفحه ۳۰۵، حدیث ۳۳ «حدیث ۲۵۹۳».

وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام سپس به چند فضیلت اشاره فرمودند که یکی از آنها موضوع امامت و ولایت خویش بود.

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در این رابطه فرمودند: همانا خداوند متعال به ولایت و امامت من «با نصب من به عنوان امام مسلمین در روز غدیر خم» دین این امت را «امت اسلام را» تکمیل نمود و نعمت را به مسلمانان تمام کرد و به اسلام آنها راضی شد چرا که در روز ولایت و امامت «هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری یعنی روز غدیر خم» خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«الْيَوْمَ يَسَسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ، فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ اٰخْشَوْنِ، الْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِينًا»^۱

۶. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

بنای اسلام بر شهادتین است و قرینتین، و ولایت.

خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عرض شد:

یا رسول الله:

شهادتین را می دانیم قرینتین چیست؟

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

قرینتین عبارت است از:

نماز و زکات که هیچ یک بدون دیگری پذیرفته نمی شود،

و روزه و حج خانه خدا برای کسی که مستطیع باشد.

و اما خداوند متعال دین اسلام را با ولایت تکمیل نموده و این آیه شریفه را

«الْيَوْمَ يَسَسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ، فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ اٰخْشَوْنِ، الْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَّمْتُ

عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِينًا. آیه سوّم سوره مائده» نازل فرمودند.^۲

۱. تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۵۳۹، حدیث ۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوّم، صفحه ۳۰۵، حدیث ۳۴ «حدیث ۲۵۹۴».

۲. المیزان، جلد نهم، صفحه ۵۰۸.

تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۵۴۰، حدیث ۶.

۷. وجود مقدّس امام مجتبی سلام الله علیه فرمودند:

خداوند متعال فرائض «واجبات» را بر شما واجب فرمود تا بین خوب و بد تمیز داده شود، و به همین جهت نماز و زکات و حج و روزه و ولایت را بر شما واجب فرمود.

اگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اوصیاء آن حضرت از فرزندان شما «یعنی ائمه معصومین علیهم السّلام» نبودند شما مردم همچون چهارپایان سردرگم بودید و به سوی هیچ فریضه‌ای از فرائض روی نمی‌آوردید، و همانگونه که نمی‌توان وارد قریه‌ای شد مگر از دروازه آن، به فرائض الهی نیز نمی‌توان رسید مگر از طریق ائمه معصومین علیهم السّلام.

خداوند متعال با نصب اولیاء پس از پیامبر اکرم «نصب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام به امامت مسلمین» بر شما مسلمانان منت نهاد و این آیه شریفه را «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْاِسْلَامَ دِينًا» نازل فرمود.

وجود مقدّس امام مجتبی سلام الله علیه در پایان فرمایشات خویش فرمودند: از جدّ بزرگوارم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که آن حضرت فرمودند:

من از نور خداوند متعال خَلَقْتُ شَدَمٌ و اهل بیت من از نور من خلق شدند، و محبین و دوستان اهل بیت من نیز از نور اهل بیت من سرشته شده‌اند.^۱

۸. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

عید غدیر خم افضل اعیاد امت من است،

و آن روز روزی است که خداوند متعال به من دستور داد تا برادرم علی بن ابیطالب را بر امامت امت من منصوب کنم تا امت من پس از من به وسیله او هدایت شوند. روز نصب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب به امامت مسلمین روزی است که خداوند متعال در آن روز دینش را کامل کرد و نعمت خویش را بر امت اسلام تمام گردانید و

۱. تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۵۴۰، حدیث ۷.

تفسیر نورالتقلین، جلد دوم، صفحه ۳۰۳، حدیث ۳۰ «حدیث ۲۵۹۰».

تفسیر نورالتقلین، جلد دوم، صفحه ۳۰۷، حدیث ۳۵ «حدیث ۲۵۹۵».

اسلام را به عنوان دین نهایی و جاودان آنها پذیرفت «به اسلام آنها راضی شد».^۱

۹. وجود مقدّس مولی‌الموحدین امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه‌السّلام در خطبه‌ای که معروف به خطبه وسیله می‌باشد فرمودند:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در غدیر خم «هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری» در حضور تعداد کثیری از حجّاج بیت‌الله الحرام دست مرا گرفت و فرمود:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ، فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، یعنی:

هر کس که من مولا و سرپرست او هستم علیّ بن ابیطالب علیه‌السّلام مولا و سرپرست او است.

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ، یعنی:

خداوندا دوست بدار هر کس را که علیّ بن ابیطالب را دوست می‌دارد، و دشمن بدار هر کس را که علیّ بن ابیطالب را دشمن می‌دارد «خداوندا، دوستداران علیّ بن ابیطالب را دوست بدار و با دشمنان علیّ بن ابیطالب دشمن باش».

امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه‌السّلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند: ولایت و دوستی من معیار ولایت و دوست داشتن خداوند متعال است، و دشمنی با من ملاک دشمنی با خداوند متعال است.

امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه‌السّلام سپس فرمودند:

خداوند متعال در همان روز «هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری» و پس از اعلام و انتصاب ولایت و امامت من این آیه شریفه را نازل فرمودند:

«الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي، وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِينًا - آیه سوّم

سوره مائده».

وجود مبارک مولی‌الموحدین امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه‌السّلام پس از تلاوت این آیه شریفه «آیه سوّم سوره مائده» و در پایان فرمایشات خویش فرمودند:

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد دوّم، صفحه ۳۰۳، حدیث ۲۹ «حدیث ۲۵۸۹».

امالی شیخ صدوق، مجلس ۲۶، صفحه ۲۰۱، حدیث ۸.

بنابراین:

ولایت و امامت من کمال دین و رضایت خداوند متعال می باشد.^۱

توضیح:

احادیثی را که ملاحظه فرمودید از طریق شیعه نقل شده بود که ائمه معصومین علیهم السّلام فرموده‌اند:

پس از نصب علی بن ابیطالب علیه السّلام به امامت مسلمین «روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری» خداوند متعال این آیه شریفه «الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ، فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ اَخْشَوْنِ، الْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِينًا - آیه سوّم سوره مائده» را نازل فرمودند.

از طریق اهل سنت نیز در رابطه با این آیه شریفه «آیه سوّم سوره مائده» احادیثی نقل شده که به عنوان نمونه به چند حدیث اشاره می شود.

۱. ابن جریر طبری «دانشمند معروف سنّی مذهب» در کتاب ولایت از طریق یکی از صحابی معروف به نام زید بن ارقم احادیثی نقل می کند که این آیه شریفه «آیه سوّم سوره مائده» در روز غدیر خم «روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری» درباره علی بن ابیطالب علیه السّلام نازل شد.^۲

۲. حافظ ابو نعیم اصفهانی «از علمای معروف اهل سنت» در کتاب «ما نَزَلَ فِي الْقُرْآنِ فِي عَلِيِّ بْنِ ابِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ» از ابی سعید خدری نقل می کند که:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در روز غدیر خم «هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری» علی بن ابیطالب را به عنوان جانشین خویش و به عنوان امام مسلمین معرفی و منصوب فرمودند و هنوز مردم «هزاران نفر از حجّاج بیت الله الحرام» متفرّق نشده بودند که این آیه شریفه «الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ، فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ اَخْشَوْنِ، الْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ

۱. تفسیر نورالثّقین، جلد دوّم، صفحه ۳۰۳، حدیث ۲۸ «حدیث ۲۵۸۸».

۲. تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۳۴۴.

دیناً - آیه سوّم سوره مائده» نازل شد.

پس از نزول این آیه شریفه بود که پیامبر اکرم فرمودند:

اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَىٰ إِكْمَالِ الدِّينِ وَاتِّمَامِ النِّعْمَةِ وَرِضَى الرَّبِّ بِرِسَالَتِي وَبِالْوِلَايَةِ لِعَلِيِّ مِن بَعْدِي،
ثُمَّ قَالَ:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ،

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ،

وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ،

وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ،

وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ، یعنی:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

الله اکبر بر تکمیل دین و اتمام نعمت پروردگار و رضایت و خشنودی خداوند متعال به رسالت من و ولایت و امامت علی بن ابیطالب علیه السلام بعد از من، هر کس که من مولا و سرپرست او هستم علی بن ابیطالب مولا و سرپرست او است، خداوندا:

دوست بدار هر کس را که علی بن ابیطالب را دوست می دارد،

و دشمن بدار هر کس را که علی بن ابیطالب را دشمن می دارد،

یاری کن هر کس را که علی بن ابیطالب را یاری می کند،

و خوار کن هر کس را که می خواهد علی بن ابیطالب را خوار کند.^۱

این حدیث را یکی دیگر از بزرگان علمای اهل سنت به نام موفق بن احمد نیز

از ابو سعید خدری نقل نموده است «در کتاب فضائل علی علیه السلام»:^۲

قابل ذکر است که:

ابوالموید موفق بن احمد مکی خوارزمی که خطیب به نام خوارزم بوده کتابی

دارد به نام مناقب، و حدیثی را که ملاحظه فرمودید در این کتاب آمده است.

۱. تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۳۴۴.

۲. المیزان، جلد نهم، صفحه ۲۹۷ - ۲۹۹.

تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۵۶۹، حدیث ۱۸.

۳. یکی دیگر از علمای معروف اهل سنت به نام ابن مغزالی در کتاب خویش به نام «مناقب» از ابو هریره و او از پیامبر اکرم نقل می‌کند که هر کس روز هجدهم ذیحجه را روزه بگیرد خداوند متعال برای او شصت ماه روزه می‌نویسد. در ادامه حدیث آمده که:

در این روز که روز غدیر خم می‌باشد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دست علی بن ابیطالب علیه السلام را گرفته و به مردم فرمودند:

اَلَسْتُ اَوْلٰى بِالْمُؤْمِنِيْنَ مِنْ اَنْفُسِهِمْ، یعنی:

آیا من به مؤمنین از خودشان اولی تر نیستم «اولی به تصرف بودن پیامبر اکرم به مؤمنین یعنی تسلط و حقی که پیامبر اکرم به جان و مال مؤمنین دارد بیشتر است از حقی که خود مؤمنین به جان و مال خویش دارند، و به عبارت دیگر اختیاری که پیامبر اکرم به جان و مال مؤمنین دارد به مراتب بیشتر از اختیاری است که مؤمنین بر جان و مال خویش دارند، و این یعنی ولایت داشتن پیامبر اکرم به جان و مال مؤمنین»، همه حضار «هزاران نفر از حجاج بیت الله الحرام» عرض کردند:

بله یا رسول الله؛

سپس پیامبر اکرم فرمودند:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاَهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاَهُ،

اَللّٰهُمَّ وَاٰلٍ مِّنْ وَاٰلِهِ،

وَ عَادٍ مِّنْ عَادَاهُ،

اَللّٰهُمَّ اَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ،

وَ اَخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ، یعنی:

هر کس که من مولای او هستم علی بن ابیطالب مولای او است «هر کس که من بر او ولایت دارم علی بن ابیطالب علیه السلام بر او ولایت دارد، و چون پیامبر اکرم بر همه مخلوقات ولایت دارند لذا امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام نیز بعد از آن حضرت بر همه مخلوقات ولایت دارند و مطلبی که روز غدیر خم بیان شد در خصوص این ولایت می‌باشد، و اگر پیامبر اکرم فرمودند که آیا من از مؤمنین به خودشان اولی تر نیستم مقصود این نیست که

پیامبر اکرم فقط به مؤمنین ولایت دارند بلکه پیامبر اکرم و بعد از آن حضرت ائمه معصومین علیهم السّلام به همه مخلوقات ولایت دارند و حجّت خداوند متعال به همه مخلوقات هستند، لیکن این مطلب را فقط مؤمنین می فهمند و اجرا می کنند و غیر مؤمنین اعم از کفار و مشرکین و منافقین از پذیرفتن این حقیقت امتناع می کنند و نپذیرفتن این حقیقت یعنی ورود در جهنّم».

پس از پایان فرمایشات پیامبر اکرم و پس از نصب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام به امامت مسلمین، عمر بن خطّاب به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام عرض کرد «روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری در روز غدیر خم»: **بَخَّ بَخَّ يَا بَنِي أَبِي طَالِبٍ، أَصْبَحْتَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ،** یعنی: مرحبا، مرحبا ای پسر ابیطالب،

امروز تو مولای من و مولای همه مردان و زنان مسلمان شدی.

پس از این قضیه بود که خداوند متعال این آیه شریفه «الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ، فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ اخْشَوْنِ، الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اْتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِينًا - آیه سوّم سوره مائده» را نازل فرمودند.

در کتاب المراجعات «علامه سیّد شرف الدّین» آمده که اهل سنّت شش حدیث با اسناد مختلف در این زمینه از پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم نقل نموده اند «درباره اینکه بعد از نصب حضرت امیر علیه السّلام به امامت مسلمین، آیه سوّم سوره مائده نازل شد».^۱

«ولی = سرپرست، صاحب اختیار،

ولی دم کسی است که صاحب اختیار خون مقتول می باشد، مولا نیز مثل ولی است، یعنی سرپرست، صاحب اختیار».^۲

۱. المیزان، جلد نهم، صفحه ۳۰۰ - ۳۰۱.

تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۵۷۰، حدیث ۱۹.

تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۳۴۵.

۲. مجمع البیان، جلد هفتم، صفحه ۸۲ «ذیل آیه ۵۵ و ۵۶ سوره مائده».

آیه ۵ سوره مائده:

«وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ».

ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

هر کس به ایمان کُفر بورزد «هر کس ایمان را انکار کند» اعمال او تباه و باطل می گردد و در آخرت از زیانکاران است.^۱

شرح لغات و توضیحات:

کُفر = پوشاندن چیزی، پنهان کردن، ستر کردن، مثلاً:

شب را کافر می گویند زیرا اشخاص را مستور می کند و می پوشاند.

کُفران نعمت و کُفر نعمت نیز پوشاندن و پنهان کردن نعمت است به وسیله عدم

شکرگزاری، یعنی:

کسی که در برابر نعمات بیکران الهی شکرگزاری نمی کند در واقع نعمات خداوند

متعال را می پوشاند و آن ها را پنهان می کند و به این عمل گفته می شود کُفران نعمت

یا کُفر نعمت.

بزرگ ترین کُفر، انکار و حدائیت «یگانگی» خداوند متعال و یا انکار رسالت پیامبر

اکرم می باشد.

کسی که پیامبر اکرم را انکار نماید یعنی شریعت اسلام را انکار نموده، و کسی

که مُنکر اسلام شود کافر است، بنابراین:

کافر کسی است که خداوند متعال یا پیامبر اکرم و یا هر دو را مُنکر شود.

قبلاً نیز کراراً به عرض رسیده که:

کسی که:

خداوند متعال را به یگانگی بشناسد،

۱. المیزان، جلد دهم، صفحه ۳.

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۳۶۶.

و به رسالت پیامبر اکرم ایمان داشته باشد مسلمان است،
بنابراین:

کسانی که امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام را انکار می کنند،
و به ولایت و امامت آن ذوات مقدّسه ایمان نمی آورند،
در صورتی که به خدا و رسول ایمان داشته باشند مسلمان هستند و احکام اسلام
بر آنها انطباق دارد،

یعنی:

نجس نیستند،

ازدواج با آنها اشکالی شرعی ندارد،

ذبیحه آنها حلال است و...،

لیکن در آخرت با کفار و مشرکین محشور خواهند شد.

قابل ذکر است که:

کلمه کُفر معمولاً در مورد دین و کلمه کُفران بیشتر در مورد انکار نعمت و
ناسپاسی به کار می رود.

اگر واژه کافر به طور مطلق و بدون قید ذکر شود مقصود از آن کسی است که
وحدانیت خداوند متعال یا رسالت پیامبر اکرم یا هر دو را انکار نماید.

گاهی کافر در مورد کسی اطلاق می شود که از انجام فرائض و تکالیف دینی سر
باز می زند مانند:

۱. يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ «آیه ۸۳ سوره نحل»، یعنی:

آنها نعمت های خداوند متعال را می شناسند با این حال آن را انکار می کنند،
بیشتر آنها کافر می باشند.

ذیل این آیه شریفه توضیح داده شده است که:

مصدق اتمّ و اکمل منکرین نعمات الهی منکرین امامت و ولایت ائمه معصومین
علیهم السّلام می باشند.

اینکه چرا در آیه شریفه عنوان شده که بیشتر آنها «اکثر آنها» کافر می باشند ذیل
آیه شریفه توضیحات لازم به عرض رسیده است.

۲. وَ لِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا، وَ مَنْ كَفَرَ فَاِنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِيْنَ،

یعنی:

برای خدا بر مردم است «بدهی و دین الهی است و بر ذمه عموم مردم است» که آهنگ خانه خدا کنند «به حج مشرف شوند»، آنهایی که توانایی و استطاعت رفتن به سوی خانه خدا را دارند،

و هر کس کفر بورزد «هر کس حج را ترک کند» فقط به خودش ضرر زده است زیرا خداوند متعال از همه جهانیان بی نیاز است.

حَبِطٌ = تباه شدن، زایل شدن، نابود شدن، از بین رفتن؛

حَبِطَ عَمَلُهُ = عملش تباه شد، نتیجه کارش از بین رفت؛

مثلاً اگر یک کافر «کسی که به خداوند متعال یا پیامبر اکرم و یا به هر دو ایمان ندارد» از قبیل یهودی، نصرانی، مُشرکین و یا کسی که اصلاً خدا را نمی شناسد عمل صالحی انجام دهد «صله رحم - کمک به فقرا و نیازمندان، انجام کارهای عام‌المنفعه از قبیل ساختن بیمارستان، مدرسه و...» این اعمال صالح تباه خواهند شد و هیچ خاصیتی برای صاحب او نخواهند داشت، گویا که اصلاً عمل صالحی انجام نشده است، یعنی:

اگر یک کافر عمل صالحی نیز انجام دهد این عمل صالح حَبِطٌ خواهد شد و فایده‌ای برای صاحب آن نخواهد داشت.

عمل صالح فقط زمانی پذیرفته می شود که همراه با ایمان باشد، یعنی اگر کسی به خداوند متعال و به پیامبر اکرم ایمان داشته باشد «همچنین به ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السلام ایمان داشته باشد» و عمل صالح انجام دهد این اعمال صالح روز قیامت به حال صاحبش فایده خواهند داشت.

در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که عدم اعتقاد به امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام باعث حَبِطٌ اعمال خواهد شد.

عرض شد که شرط قبول شدن اعمال «مهم‌ترین شرط» داشتن ایمان می باشد، یعنی عمل صالح بدون ایمان ذره‌ای خاصیت نخواهد داشت، لذا در تمام آیات شریفه قرآن کریم ایمان مقدم بر عمل صالح دانسته شده و جلوتر از آن آمده است.

مثلاً در آیات ذیل آمده که:

وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ «آیه ۸۲ سوره بقره».
 وَ أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ «آیه ۵۷ سوره آل عمران».
 وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا
 أَبَدًا «آیه ۵۷ و ۱۲۲ سوره نساء».

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ «آیه ۹ سوره مائده».
 وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ «آیه ۷ سوره فاطر».
 إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا «آیه ۱۰۷ سوره
 كهف».

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ، ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ
 «آیه ۱۱ سوره بروج»، یعنی:

آن‌ها که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند آن‌ها اهل بهشت هستند و
 جاودانه در آن خواهند بود «آیه ۸۲ سوره بقره».

آن‌ها که ایمان آورده و اعمال صالح انجام دادند خداوند متعال پاداش آن‌ها را
 کامل خواهد داد «آیه ۵۷ سوره آل عمران».

کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح «کارهای شایسته» انجام دادند به زودی
 آن‌ها را وارد بهشت می‌کنیم «باغ‌های بهشت» که نهرها از زیر درختان آن‌ها جاری
 است و برای همیشه داخل آن خواهند ماند «آیه ۵۷ و ۱۲۲ سوره نساء».

خداوند متعال به آن‌هایی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند وعده
 آمرزش و وعده پاداش عظیم داده است «آیه ۹ سوره مائده».

آن‌هایی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام دادند آمرزش و پاداش بزرگ از آن
 آن‌ها است «آیه ۷ سوره فاطر».

کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح «کارهای خوب و شایسته» انجام دادند
 باغ‌های بهشت برین محل پذیرایی آن‌ها خواهد بود «آیه ۱۰۷ سوره كهف».

کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام دادند برای آن‌ها باغ‌های بهشتی
 است که نهرها از زیر درختانش جاری است و این است رستگاری عظیم «آیه ۱۱

سوره بروج».

در آیات شریفه‌ای که ملاحظه فرمودید همچنین در آیات فراوان دیگری از قبیل:

آیه ۲۳ سوره ابراهیم، آیه ۹ سوره اسراء، آیه ۱۴ سوره حج، آیه ۲۳ سوره حج، آیه ۵۰ سوره حج، آیه ۵۶ سوره حج، آیه ۵۵ سوره نور، آیه ۵۸ سوره عنکبوت، آیه ۸ سوره لقمان، آیه ۸ سوره فصلت، آیه ۲۲ سوره شوری و آیات فراوان دیگر خداوند متعال به کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند وعده بهشت و وعده پاداش عظیم داده و در تمام این آیات شریفه ابتدا کلمه ایمان ذکر شده و سپس اعمال صالح عنوان شده است، یعنی:

کسانی که ایمان داشته باشند و اعمال صالح انجام بدهند اعمال صالح آن‌ها خاصیت خواهد داشت در غیر این صورت اعمال صالح آن‌ها حَبْطٌ خواهد شد و ذره‌ای فایده برای صاحبان آن نخواهد داشت.

بدیهی است منظور از ایمان در این آیات شریفه ایمان کامل می‌باشد، یعنی: کسانی که به وحدانیت خداوند متعال و به رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و به امامت ائمه معصومین علیهم السلام ایمان داشته باشند و سپس اعمال صالح انجام بدهند مشمول این آیات شریفه شده و خداوند متعال آن‌ها را وارد بهشت می‌کند.

بنابراین:

کسانی که به خداوند متعال و یا به پیامبر اکرم و یا به ائمه معصومین علیهم السلام ایمان نداشته باشند «به یکی از آن‌ها معتقد نباشند و یا به هر سه بی‌اعتقاد باشند» چنانچه اعمال صالح هزاران نفر در پرونده عمل آن‌ها ثبت و ضبط باشد تمام آن اعمال حَبْطٌ خواهند شد به نحوی که گویا اصلاً عمل صالح در پرونده صاحبش نبوده است.

ذیل آیه ۲۳ سوره فرقان و آیه اوّل و هشتم و نهم سوره مبارکه محمد صلی الله علیه و آله و سلم در این رابطه مطالبی به عرض رسیده است.
از وجود مقدّس امام صادق علیه السلام نقل شده که:

۱. دشمن ما اهل بیت پیامبر نباید اهمیتی بدهد که نماز می خواند یا زنا می کند، زیرا جای او در آتش است.

۲. افرادی هستند که در حالی که نماز می خوانند لعنت می شوند، آن‌ها کسانی هستند که امامت و ولایت ما را انکار می کنند.

۳. عبدالرحمن کثیر می گوید خدمت امام صادق علیه السلام به حج رفتیم و آنجا خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم:

یا بن رسول الله:

آیا خداوند متعال دعای این جماعت را مُستجاب می فرماید.

وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمودند:

وای بر تو ای ابو سلیمان،

خداوند متعال شَرک به خود را نمی بخشد.

ای ابا سلیمان:

کسی که ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را انکار کند آمرزیده نمی شود.^۱

قابل ذکر است که:

انکار یکی از ائمه معصومین علیهم السلام مثل انکار همه آن ذوات مقدّسه می باشد.

ذیل آیات اوّل تا هفتم سوره غاشیه نیز در این رابطه مطالبی به عرض رسیده است «در رابطه با حبط اعمال».

در بعضی از آیات شریفه قرآن کریم ابتدا عمل صالح ذکر شده لیکن بلافاصله موضوع ایمان مطرح شده است.

در این رابطه به چند آیه شریفه اشاره می شود.

وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا «آیه ۱۱۲ سوره طه».

فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ «آیه ۹۴ سوره

انبیاء».

۱. «تفسیر برهان، جلد اوّل، باب دوّم، صفحه ۸۷ - ۸۸ مقدّمه بر تفسیر برهان توسط ابوالحسن عاملی فتونی».

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً ﴿٩٧﴾ سوره نحل.
 وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ، فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ
 حِسَابٍ ﴿آیه ۴۰ سوره مؤمن - غافر﴾، یعنی:

هر کس اعمال صالحی انجام دهد «چیزی از اعمال شایسته انجام دهد» در حالی که مومن باشد «به خداوند متعال و پیامبر اکرم و به ائمه معصومین علیهم السلام ایمان داشته باشد» نه از ظلمی می ترسد نه از نقصان حَقِّش «آیه ۱۱۲ سوره طه».

هر کس اعمال صالحی انجام دهد «چیزی از اعمال صالح انجام دهد» در حالی که مومن باشد «به خداوند متعال و به پیامبر اکرم و به ائمه معصومین علیهم السلام ایمان داشته باشد» تلاش و کوشش او مورد ناسپاسی قرار نخواهد گرفت و ما اعمال صالح او را قطعاً خواهیم نوشت «آیه ۹۴ سوره انبیاء».

هر کس عمل صالحی «کار نیکو و شایسته‌ای» انجام دهد خواه مرد باشد خواه زن، در حالی که مومن باشد «در حالی که به خداوند متعال و به پیامبر اکرم و به ائمه معصومین علیهم السلام ایمان داشته باشد» به او حیات طیبه می بخشیم «او را به حیاتی پاک زنده می داریم» «آیه ۹۷ سوره نحل».

هر کس عمل صالحی انجام دهد خواه مرد باشد خواه زن، در حالی که مومن باشد «در حالی که به خداوند متعال و به پیامبر اکرم و به ائمه معصومین علیهم السلام ایمان داشته باشد» وارد بهشت می شود «می شوند» و در بهشت به آن‌ها روزی بی حساب داده خواهد شد «آیه ۴۰ سوره مؤمن - غافر».

ملاحظه فرمودید که:

اگر کسانی به خداوند متعال و به پیامبر اکرم و به ائمه معصومین علیهم السلام ایمان داشته باشند و اعمال صالحی انجام دهند خداوند متعال با رحمت و فضل خویش آن‌ها را وارد بهشت می نماید، لیکن:

اگر کسی به خداوند متعال یا به پیامبر اکرم و یا ائمه معصومین علیهم السلام و یا به هر سه آن‌ها ایمان نداشته باشد هر قدر و هر اندازه عمل صالح و شایسته انجام دهد تمام اعمال او حَبْطٌ خواهد شد و ذره‌ای به صاحبش فایده نخواهد رساند، گویا اصلاً عملی انجام نشده است «مثل اینکه اصلاً عمل صالحی انجام نشده تا به آن

عمل صالح پاداشی تعلق بگیرد».

پس از ذکر این توضیحات «در رابطه با ایمان و عمل صالح و موضوع حَبْطِ اعمال» می‌پردازیم به این آیه شریفه «آیه پنجم سوره مائده».

خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید:

وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ = هر کس به ایمان کُفر بورزد «هر کس ایمان را انکار کند» عمل صالحی که انجام داده حَبْط می‌گردد، یعنی اگر کسی به وحدانیت خداوند متعال «یگانگی خداوند متعال» و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ایمان نداشته باشد اعمال صالحی که انجام داده «از قبیل صلّه رحم، کمک به فقرا و نیازمندان و...» حَبْط و نابود می‌شود، گویا اصلاً عملی انجام نشده است.

به عبارت دیگر اگر یک کافر «هر غیرمسلمانی اعم از یهود، نصاری و...» عمل صالحی انجام دهد این عمل صالح روز قیامت برای او هیچ فایده‌ای نخواهد داشت زیرا اعمال صالح او حَبْط شده‌اند، و در واقع کافر را عملی نیست که برای آن عمل استحقاق ثوابی داشته باشد.

بنابراین:

شرط لازم برای اینکه اعمال انسان روز قیامت مفید فایده باشد این است که صاحب عمل به خداوند متعال و به پیامبر اکرم ایمان داشته باشد، در غیر این صورت گویا عملی انجام نشده که به او پاداشی تعلق بگیرد.

انشاءالله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که شرط لازم دیگر برای قبولی اعمال ایمان داشتن به ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السلام می‌باشد، یعنی:

عدم اعتقاد به امامت و ولایت آن ذوات مقدّسه باعث حَبْط و تباه شدن اعمال شده و در نتیجه برای صاحب عمل فایده‌ای نخواهد داشت.

در ادامه آیه شریفه به سرنوشت این افراد در روز قیامت اشاره شده و آمده است که:

وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ = چنین شخصی در روز قیامت در زمره زیانکاران و هلاک‌شوندگان است، یعنی:

اگر کسی به خداوند متعال و به پیامبر اکرم و به ائمه معصومین علیهم السّلام و یا به یکی از آنها ایمان نداشته باشد همه اعمال صالحی که انجام داده حَبِط و تباه می‌شوند، و چون هیچ عمل صالحی در پرونده‌اش وجود ندارد لذا روز قیامت در زمره زیانکاران است،

و چه خُسران و زبانی از این بالاتر که انسان عُمر جاوید و سعادت ابدی جهان آخرت را با عمر هفتاد هشتاد ساله دنیا معاوضه نماید.

خُسران یعنی نقصان و کاستی در اصل سرمایه، بنابراین کسانی که به دلیل عدم اعتقاد به خدا و رسول و ائمه معصومین علیهم السّلام «یا عدم اعتقاد به یکی از آنها» اعمالشان حَبِط و تباه می‌شود روز قیامت خاسر و زیانکار هستند، یعنی همه سرمایه خودشان را از دست داده‌اند و به اصطلاح آه در بساط ندارند.^۱

توضیح:

در رابطه با حَبِط اعمال در آیات دیگری نیز سخن به میان آمده و تمام این آیات شریفه «که ذیلاً به آنها اشاره خواهد شد» مبین این مطلب می‌باشند که: اگر انسان به وحدانیت خداوند متعال و به رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و امامت ائمه معصومین علیهم السّلام و یا به یکی از آنها ایمان نداشته باشد، تمام اعمال صالحی که انجام داده حَبِط خواهد شد و چنین شخصی روز قیامت در زمره خاسرین و هلاک‌شوندگان خواهد بود.

خداوند متعال می‌فرماید:

الف: وَمَنْ يَزِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ، فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ «آیه ۲۱۷، سوره بقره»، یعنی:

هر کس از شما مسلمین مرتد شود و از دینش «اسلام» برگردد و در حال کُفر بمیرد تمام اعمال صالح او «اعمال نیک او» حَبِط شده و بر باد می‌رود، و چنین افرادی اهل جهنّم هستند و برای همیشه داخل جهنّم خواهند ماند.

ب: وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ «آیه ۸۸ سوره انعام»، یعنی:
 اگر آن‌ها مُشْرک می‌شدند تمام اعمال آن‌ها حَبِط و تباه می‌شد و بر باد می‌رفت.
 در تفسیر نمونه، جلد پنجم، صفحه ۴۱۳ و ۴۱۴، آمده که:
 این آیه شریفه اشاره به انبیاء گذشته می‌باشد و بیان می‌فرماید که اگر فرضاً این
 پیامبران با آن همه مقام و موقعیتی که داشتند مُشْرک می‌شدند تمام اعمالشان حَبِط
 می‌شد و بر باد می‌رفت، یعنی:
 پیامبران نیز مشمول قوانین الهی هستند که درباره دیگران اجرا می‌گردد و تبعیضی
 در کار نیست.

ج: وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ لِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ «آیه ۱۴۷ سوره اعراف»، یعنی:
 کسانی که آیات ما «آیات خداوند متعال» و دیدار رستاخیز را تکذیب و انکار
 کنند اعمالشان حَبِط و نابود می‌گردد.

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:
 مَا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ آيَةٌ هِيَ أَكْبَرُ مِنِّي، یعنی:
 خداوند متعال را آیه‌ای بزرگ‌تر از من نیست «بعد از وجود مقدّس پیامبر اکرم
 صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ»، لذا:
 تکذیب و انکار امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و
 دیگر ائمه معصومین علیهم السلام یعنی تکذیب و انکار بزرگترین آیات خداوند
 متعال، و تکذیب آیات خداوند متعال طبق آیه شریفه‌ای که ملاحظه فرمودید
 «آیه ۱۴۷ سوره اعراف» یعنی حَبِط شدن اعمال تکذیب‌کنندگان آیات خداوند
 متعال.

سه حدیث در اصول کافی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که طبق آن
 احادیث شریف ائمه معصومین علیهم السلام آیات خداوند متعال می‌باشند.^۱

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۹۶ - ۲۹۷، حدیث ۱ و ۲ و ۳ «حدیث ۵۲۸ - ۵۲۹ - ۵۳۰».

د: قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا «آیه ۱۰۳ سوره کهف».

الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا «آیه ۱۰۴ سوره کهف».

أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا «آیه ۱۰۵ سوره کهف»، یعنی:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

ای پیامبر به مردم بگو:

آیا به شما خبر بدهیم که زیانکارترین مردم در کارها چه کسانی هستند. زیانکارترین مردم کسانی هستند که تمام تلاش و کوشش های آنها در زندگی دنیا گم و نابود شده «اعمال آنها حَبِط شده»، با این حال خیال می کنند که کار نیک انجام می دهند.

خُسْران = نقصان و کاستی در اصلی سرمایه؛

خاسِر = زیانکار؛

أَخْسَر = زیانکارترین؛

خسران تنها این نیست که انسان منافعی را از دست بدهد، بلکه خسران واقعی این است که اصل سرمایه از دست برود.

ضلالت اعمال «اضلال اعمال» = باطل شدن اعمال، حَبِط شدن اعمال، نابود شدن اعمال^۱.

ه: أُولَئِكَ لَمْ يُولَمُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ «آیه ۱۹ سوره احزاب»، یعنی:

آنها ایمان نیاورده اند و به همین دلیل خداوند متعال اعمالشان را حَبِط و نابود کرده است.

این آیه شریفه «آیه ۱۹ سوره احزاب» و آیات قبل و بعد آن در رابطه با منافقینی

۱. تفسیر نمونه، جلد دوازدهم، صفحه ۶۰۴، ذیل آیه ۱۰۳ تا ۱۰۵ سوره کهف - تفسیر نمونه، جلد بیست و یکم،

صفحه ۴۱۰، ذیل آیه اول سوره مبارکه محمد صلی الله علیه و آله و سلم.

المیزان، جلد سی و ششم، صفحه ۴۵، ذیل آیه اول سوره مبارکه محمد صلی الله علیه و آله و سلم.

است که از میدان جنگ احزاب کناره گیری کرده و دیگران را نیز دعوت به کناره گیری می کردند.

دلیل این قضیه نیز این بود که منافقین یاد شده ایمان قلبی محکم و راسخی به خداوند متعال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نداشتند و به همین لحاظ خداوند متعال اعمال آنها را حَبَط و نابود می سازد.

و: الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ «آیه اول سوره مبارکه محمد صلی الله علیه و آله و سلم»، یعنی:
کسانی که کافر شدند و مردم را از راه خدا بازداشتند خداوند متعال اعمال آنها را حَبَط و نابود می کند.

ز: وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعَسَا لَهُمْ وَ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ «آیه ۸ سوره مبارکه محمد صلی الله علیه و آله و سلم».

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَخْبَطَ أَعْمَالَهُمْ «آیه ۹ سوره مبارکه محمد صلی الله علیه و آله و سلم»، یعنی:

کسانی که کافر شدند مرگ بر آنها و اعمالشان حَبَط و نابود باد.
حَبَط اعمال آنها به این خاطر است که:

از آنچه که خداوند متعال نازل نموده بود کراهت داشتند و بدشان می آمد و به همین جهت خداوند متعال اعمالشان را حَبَط و نابود کرده است.

مصدق اتم و اکمل افراد مدّ نظر این دو آیه شریفه «آیه هشتم و نهم سوره مبارکه محمد صلی الله علیه و آله و سلم» طبق حدیثی که از ناحیه وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام صادر شده افرادی هستند که:

از آنچه که در رابطه با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده بود «در رابطه با ولایت و امامت آن حضرت» کراهت داشتند و بدشان می آمد، یعنی:

مُنْكَرِينَ إِمَامَتِ وَ وَلايَةِ امير المؤمنين علي بن ابي طالب عليه السّلام و دیگر ائمه

معصومین علیهم السلام مصداق اتم و اکمل افراد مدّ نظر آیه هشتم و نهم سوره مبارکه محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستند که در این دو آیه شریفه کافر خطاب شده و اعمال آنها حَبْط و نابود خواهد شد که انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

ح: ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا اسَخَطَ اللَّهُ وَ كَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ «آیه ۲۸ سوره مبارکه محمد صلی الله علیه و آله و سلم»، یعنی:

این عذابی که منافقین هنگام مرگ خویش با آن مواجه می شوند به خاطر این است که آنها از آنچه که خداوند متعال را به خشم می آورد پیروی نمودند و از آنچه که موجب خشنودی و رضایت خداوند متعال بود کراهت داشتند و بدشان می آمد، و به همین جهت خداوند متعال اعمال آنها را حَبْط و نابود کرد.

ط: إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَ شَاقُّوا الرَّسُولَ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ لَن يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئاً وَ سَيَحْبِطُ أَعْمَالُهُمْ «آیه ۲۳، سوره محمد صلی الله علیه و آله و سلم»، یعنی:

کسانی که کافر شدند و مردم را از راه خدا بازداشتند و بعد از روشن شدن حق به مخالفت با پیامبر اکرم برخاستند، آنها هرگز زیانی به خدا نمی رسانند و خداوند متعال اعمال آنها را حَبْط و نابود می کند.

انشاءالله تعالی در بخش حدیث مصدیق اتم و اکمل افراد مدّ نظر این آیات شریفه را «کسانی که اعمالشان حَبْط و نابود می گردد» ملاحظه خواهید فرمود. قابل ذکر است که ترجمه و توضیح ذیل آیات شریفه از تفسیر نمونه می باشد.

حدیث:

۱. ابو حمزه می گوید:

از امام باقر علیه السلام درباره این آیه شریفه «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» سؤال کردم.

وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:

تفسیر این آیه شریفه در بطن قرآن کریم است و آن این است که:

وَمَنْ يَكْفُرْ بِلَايَةِ عَلِيٍّ، وَ عَلِيٌّ هُوَ الْإِيمَانُ، یعنی:

تاویل آیه شریفه و معنی باطنی آیه شریفه این است که:

هر کس به ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام کُفر بورزد و امامت آن حضرت را انکار نماید اعمالش حَبْطٌ و نابود می گردد و این شخص در آخرت از زیانکاران است زیرا علی بن ابیطالب علیه السّلام خود ایمان است.^۱

توضیح:

ملاحظه فرمودید که در این حدیث شریف وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام را مصداق اتم و اکمل ایمان دانسته و فرموده: هر کس به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام کُفر بورزد و از آن حضرت اعراض نماید و ولایت و امامت آن حضرت را انکار نماید تمام اعمالش حَبْطٌ و نابود می شود و چنین شخصی روز قیامت در زمره خاسرین و زیانکاران خواهد بود زیرا وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام خود ایمان است، لذا انکار آن حضرت و انکار ولایت آن حضرت یعنی انکار ایمان و انکار ایمان طبق آیه شریفه «آیه پنجم سوره مائده» یعنی حَبْطٌ شدن و نابود شدن اعمال، و کسی که تمام اعمالش حَبْطٌ و نابود شود روز قیامت در زمره خاسرین و زیانکاران است و جایگاه او جهنّم می باشد.

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم روز جنگ خندق وقتی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام را به میدان جنگ روانه نمود تا با عمرو بن عبدود بجنگد فرمود:

امروز همه ایمان به مبارزه همه کُفر رفت، لذا:

۱. المیزان، جلد دهم، صفحه ۲۹.

تفسیر صافی، جلد دوّم، صفحه ۳۷۲.

تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۵۸۲، حدیث ۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوّم، صفحه ۳۱۹، حدیث ۶۵ «حدیث ۲۶۲۵».

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام، همچنین دیگر ائمه معصومین علیهم السلام مصداق اتمّ و اکمل ایمان هستند چرا که حجّت خداوند متعال بر مخلوقات بوده و خلیفه الله می باشند «جانشین خداوند متعال بر روی زمین»، و به همین جهت اعراض از آن ذوات مقدّسه و انکار امامت و ولایت آن بزرگواران یعنی انکار تمام ایمان،

و کسی هم که مُنکر ایمان شود اعمالش حَبْطٌ و نابود خواهد شد و روز قیامت در زمره خاسرین است یعنی مثل کسی است که همه سرمایه اش را از دست داده است.^۱

۲. جابر می گوید:

از وجود مقدّس امام باقر علیه السلام سؤال کردم:

یا بن رسول الله، مقصود از کُفر ورزیدن به ایمان و انکار نمودن ایمان در این آیه شریفه «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» - آیه پنجم سوره مائده چیست.

وجود مقدّس امام باقر علیه السلام فرمودند:

مقصود از کُفر ورزیدن به ایمان در این آیه شریفه کُفر ورزیدن به ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و انکار امامت و ولایت آن حضرت می باشد،

و کسی که امامت و ولایت آن حضرت را انکار نماید اعمالش حَبْطٌ و نابود می شود و در آخرت از زیانکاران و خاسرین می باشد.^۲

۳. به دنبال درخواست و تقاضای مأمون از وجود مقدّس امام رضا صلوات الله و

سلامه علیه درباره اینکه اسلام خالص و ناب را برای او معرفی نماید،

امام رضا علیه السلام در پاسخ به درخواست مأمون نامه ای مرقوم فرموده و طی

۱. المیزان، جلد دهم، صفحه ۲۹.

۲. تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۵۸۳، حدیث ۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوّم، صفحه ۳۱۹، حدیث ۶۳ «حدیث ۲۶۲۳».

آن به مطالبی اشاره فرموده و دین خالص و اسلام ناب را معرفی فرمودند که فقط به قسمت‌هایی از فرمایشات آن حضرت که در رابطه با امامت و اهمیّت آن می‌باشد اشاره می‌شود، همچنین به قسمت‌هایی از فرمایشات آن حضرت اشاره می‌شود که مربوط به حَبْطِ اعمال منکرین امامت می‌باشد «موضوع مورد بحث ما یعنی آیه پنجم سوره مائده».

وجود مقدّس امام رضا سلام‌الله علیه در نامه خویش به مأمون ملعون، اسلام خالص و ناب را اینگونه معرفی فرمودند:

أَنَّ مَحْضَ الْإِسْلَامِ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ إِلَهًا وَاحِدًا أَحَدًا فَرْدًا صَمَدًا قَيُّومًا سَمِيعًا بَصِيرًا قَدِيرًا... یعنی:

اسلام محض و اسلام ناب و خالص شهادت دادن به یگانگی خداوندی است که:

نظیر ندارد، واحد و یگانه است، بی‌نیاز و ابدی است، قائم به ذات خود است، شنوا و بینا است، صاحب قدرت است، ازلی و سرمدی است، بی‌نیاز و غنی بالذات است و...

اسلام محض و اسلام ناب و خالص شهادت دادن به این است که: حضرت محمّد صلی‌الله علیه و آله و سلّم بنده خدا و رسول خدا و امین خدا و برگزیده خداوند متعال از میان خلق می‌باشد که سید المرسلین و خاتم النبیین و افضل العالمین می‌باشد،

و اینکه قرآن کریم حق است و در بر دارنده همه کُتبی است که قبل از آن نازل شده است،

و اینکه امام مؤمنین و سرپرست مسلمین و بیان‌کننده قرآن و عالم به احکام آن پس از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلّم امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام است که برادر، وصی و جانشین پیامبر اکرم است و وارث علم تمام انبیاء و مرسلین می‌باشد،

و پس از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام، حسن و حسین، سپس علی بن حسین زین‌العابدین، سپس محمّد بن علی الباقر، سپس جعفر بن محمّد الصادق،

سپس موسی بن جعفر الکاظم، سپس علی بن موسی الرضا، سپس محمد بن علی، سپس علی بن محمد، سپس حسن بن علی، سپس حجت القائم المنتظر صلوات الله علیهم اجمعین.

اسلام محض و اسلام خالص و ناب شهادت دادن به این است که این بزرگواران از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام تا حضرت حجت قائم منتظر وصی پیامبر اکرم و امام می باشند و حجت خداوند متعال هستند، و اینکه زمین هرگز از حجت خدا خالی نخواهد ماند و در هیچ عصر و روزگاری مردم بدون حجت نخواهند ماند،

این بزرگواران عُرْوَةُ الْوُثْقَى «دستاویز و دستگیره محکم»، امام هدایت و حجت بر اهل دنیا هستند تا روزی که دنیا به آخر برسد،

هر کس با اینها مخالفت نماید هم گمراه است و هم گمراه کننده، هر کس بمیرد و اینها را «دوازده امام معصوم علیهم السلام» نشناسد و عارف به آنها نباشد به مرگ جاهلی از دنیا رفته است «وَمَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْهُمْ مَاتَ مِثْلَهُ جَاهِلِيَّةً».

مقصود از مرگ جاهلی، یعنی مرگ زمان جاهلیت قبل از اسلام یعنی مُردن در حال کُفر و شرک و نفاق، و این موضوع دقیقاً عین فرمایش امام صادق علیه السلام است که وقتی از آن حضرت سؤال شد که اگر کسی شما را نشناسد و به امامت شما معتقد نباشد به مرگ جاهلیت از دنیا می رود، چه نوع مرگ جاهلیت مد نظر است. امام صادق علیه السلام در پاسخ فرمودند: جَاهِلِيَّةٌ كُفْرٍ وَ نِفَاقٍ وَ ضَلَالٍ یعنی مردن در جاهلیت کُفر و نفاق و ضلالت.^۱

اسلام محض و اسلام خالص و ناب بیزاری جستن از کسانی است که به آل محمد علیهم السلام ظلم کردند، همچنین:

بیزاری جستن از ناکثین و قاسطین و مارقین است که بیعت با امام را شکستند، با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام جنگیدند و شیعیان آن حضرت را به شهادت رساندند، «ناکثین یعنی طلحه و زبیر و یکی از همسران پیامبر اکرم که

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۰۷ - ۲۰۸، حدیث ۱ و ۲ و ۳ «حدیث ۹۶۹ - ۹۷۰ - ۹۷۱».

جنگ جَمَل را به راه انداختند، قاسطین یعنی معاویه و عمروعاص که جنگ صفین را ایجاد کردند، و مارقین یعنی خوارج که جنگ نهروان را به پا نمودند».

اسلام محض و اسلام خالص و ناب بیزاری جستن از کسانی است که در حق آل محمد علیهم السلام ظلم نموده و آنها را خانه نشین کردند، و بیزاری جستن از کسانی است که صحابه نیکوکار و باوفا را نفی بلد و تبعید نمودند و کسانی را که پیامبر اکرم طرد نموده بود به مرکز اسلام یعنی به مدینه بازگرداندند.

اسلام محض و اسلام خالص و ناب بیزاری جستن از کسانی است که افرادی مانند معاویه و عمروعاص را حاکم بخشی از مناطق اسلام نمودند. اسلام محض بیزاری جستن از اهل شورا و ابوموسی اشعری و یاران آنها می باشد.

صَلَّ سَعِيْهِمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ اَنْهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا، اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ بِوَلَايَةِ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لِقَائِهِ، كَفَرُوْا بِاَنْ لِّقَوْا اللّٰهَ بِغَيْرِ اِمَامَتِهِ فَحَبِطَتْ اَعْمَالُهُمْ فَلَا تُقِيْمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِرْثًا فَهُمْ كِلَابٌ اَهْلِ النَّارِ، یعنی:

این ها زیانکارترین مردم هستند زیرا تمام سعی و تلاش و کوشش آنها گم شد «اعمال آنها حَبِطُ و نابود شد» در حالی که خیال می کنند و خیال می کردند که کار نیک و عمل صالح انجام می دهند،

این ها کسانی هستند که:

به آیات خداوند متعال کُفر ورزیدند و آیات خداوند متعال را انکار نمودند یعنی ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را انکار نمودند،

این مُنکَرین ولایت و امامت می میرند و خداوند متعال را ملاقات می کنند «در قیامت محشور می شوند» بدون ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام، و چون اعتقادی به امامت و ولایت آن حضرت نداشتند تمام اعمال آنها حَبِطُ و نابود خواهد شد «فَحَبِطَتْ اَعْمَالُهُمْ»،

و روز قیامت ترازویی برای آنها به پا نخواهد شد تا اعمال صالح آنها سنجیده شود زیرا عمل صالح برای آنها باقی نمانده است چرا که همه اعمال صالح آنها

حَبِطٌ و نابود شده است «فَلَا تُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا»،

و این‌ها سگان اهل جهنّم می‌باشند «فَهُمْ كِلَابٌ أَهْلِ النَّارِ».

قابل ذکر است که نامه امام رضا سلام‌الله علیه به مأمون ملعون طولانی‌تر از این است که نقل شد، و فقط به قسمتی از این نامه نورانی و شریف اشاره شد که در رابطه با حَبِطُ اعمال مُنکرین ولایت و امامت ائمّه معصومین علیهم‌السّلام می‌باشد.^۱

توضیح:

الف: منظور از اهل شورا عثمان بن عفان، طلحه، زبیر، عبدالرحمن عوف و سعد بن ابی وقاص می‌باشند که پس از فوت عمر بن خطاب مسئولیت تعیین خلیفه بعدی به عهده آن‌ها محوّل شده بود، و این افراد را عمر بن خطاب برای تعیین خلیفه بعد از خودش تعیین نموده بود.

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه‌السّلام نیز از اعضاء شورا بود «شورای شش نفره».

قابل ذکر است که غیر از زبیر بقیّه اعضاء شورا تمایل به امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه‌السّلام نداشتند و از ابتدا مشخص بود که خلیفه منتخب این شورا قطعاً امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه‌السّلام نخواهد بود، لذا آن عده از اعضاء شورا که به امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه‌السّلام رأی ندادند و مانع شدند تا خلافت به آن حضرت برسد در زمره زیانکارترین انسان‌ها در روز قیامت می‌باشند، گرچه زبیر هم بعداً منحرف شد و با امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه‌السّلام مخالفت کرد.

ب: در جنگ صفّین وقتی کار به حکمیت منجر شد از طرف لشکر اسلام و سربازان امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه‌السّلام ابوموسی اشعری انتخاب شد «علیرغم میل امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه‌السّلام»، و از طرف سپاه معاویه

۱. عیون اخبار الرضا علیه‌السّلام، جلد دوم، باب ۳۵، حدیث ۱، صفحه ۲۶۱ تا ۲۸۰ «صفحات ۲۶۱ تا ۲۶۴ - ۲۷۵ و ۲۷۶»، نامه امام رضا صلوات‌الله و سلامه علیه به مأمون در خصوص اسلام محض و اسلام خاص و ناب. تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۳۱۸، «ذیل آیات ۱۰۳ تا ۱۰۵ سوره کهف». تفسیر نورالثقلین، جلد چهارم، صفحه ۶۳۷، حدیث ۲۴۸ «حدیث ۶۶۴۸»، «ذیل آیات ۱۰۳ تا ۱۰۵ سوره کهف».

عمر و عاص انتخاب شد تا نسبت به رفع مشکل مسلمین و انتخاب خلیفه اقدام کنند. پس از پایان حکمیت، جنگ صفین به پایان رسید و این جا بود که گروه خوارج پیدا شد.

ج: ممکن است سؤال شود مگر کفار و مشرکین و منافقین و مسلمانانی که به امامت ائمه معصومین علیهم السلام ایمان ندارند اعمال صالحی هم دارند که بخواهد روز قیامت حبط و نابود شود.

پاسخ این است که:

مقصود از اعمال صالح اعمالی هستند که اسلام به آنها صحه گذاشته است از قبیل:

صله رحم، نیکی به پدر و مادر، رسیدگی به فقرا و نیازمندان و... لذا: اگر کفار و مشرکین اعمال صالح فراوانی هم داشته باشند روز قیامت اعمال صالح آنها حبط و نابود خواهد شد و فایده‌ای به حالشان نخواهد داشت. بنابراین اگر شخصی به خداوند متعال و به پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام و یا به یکی از آنها معتقد نباشد تمام اعمال صالحش حبط و نابود خواهد شد و فایده‌ای به حال او نخواهد داشت.

غاصبین حقوق آل محمد علیهم السلام ظاهراً مسلمان بودند و ظاهراً به خداوند متعال و به پیامبر اکرم ایمان داشتند و ظاهراً مقید به احکام اسلام بوده و واجبات را انجام می دادند «به استثناء بعضی از قبیل یزید بن معاویه که علناً شراب می نوشید»، یعنی نماز می خواندند، روزه می گرفتند، حج به جای می آوردند، قرآن تلاوت می کردند، حتی گفته شده که بعضی از خوارج حافظ قرآن بوده و آیات الهی را با صوت و لحن زیبا تلاوت می کردند، لیکن:

همچنان که به عرض رسید و انشاء الله تعالی در احادیث بعد به عرض خواهد رسید اگر کسی به اندازه عمر نوح در خانه خدا مشغول عبادت باشد و روزها را روزه بدارد و آزارش به هیچ کس نرسد و در نامه عمل او عمل چند پیغمبر نیز اضافه شود اگر به امامت ائمه معصومین علیهم السلام ایمان نداشته باشد تمام اعمال

صالح چنین شخصی حَبْط و نابود خواهد شد و ذره‌ای به صاحب آن فایده نخواهد داشت.

دلیل این قضیه نیز کاملاً روشن است، یعنی:

چون امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم‌السلام را خداوند متعال به امامت مسلمین منصوب فرموده «دقیقاً مثل انبیاء الهی که منصوب از ناحیه خداوند متعال هستند»، لذا اگر کسی امامت آن ذوات مقدسه را انکار نماید از دستور خداوند متعال سرپیچی نموده است، و تمرّد و سرپیچی از دستور خداوند متعال یعنی خروج از دایره ایمان و خروج از دایره ایمان یعنی حَبْط شدن اعمال.

ابلیس فقط یک گناه مرتکب شد و آن نیز سجده نکردن به حضرت آدم بود «سجده خشوع و خضوع نه سجده پرستش» و همین یک گناه باعث شد تا از درگاه الهی رانده شود.

سجده نکردن ابلیس به حضرت آدم یعنی تمرّد و سرپیچی از دستور خداوند متعال و تمرّد و سرپیچی از دستور خداوند متعال یعنی خروج از دایره ایمان و گرفتار شدن به لعنت خداوند متعال همچنان که ابلیس گرفتار شد. گفته شده که ابلیس به مدت شش هزار سال خداوند متعال را عبادت نموده بود لیکن به علت تمرّد از دستور خداوند متعال از درگاه الهی رانده شد و اهل جهنّم گردید.

۴. وجود مقدّس امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

منظور از سبیل الله در این آیه شریفه «الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ - آیه اوّل سوره مبارکه محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم» ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام می باشد.^۱

توضیح:

الف: خداوند متعال در اولین آیه سوره مبارکه محمد صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ، یعنی:

کسانی که کافر شده و مردم را از راه خدا بازمی دارند «بازداشتند»، خداوند متعال اعمال آن‌ها را تباه و نابود می کند.^۱

ضلالت اعمال «اضلال اعمال» = حَبِطُ شدن اعمال، باطل شدن اعمال.^۲

بنابراین:

با توجه به حدیث شریفی که از وجود مقدس امام باقر علیه السلام نقل شد معنی این آیه شریفه «تأویل آیه اول سوره مبارکه محمد صلی الله علیه و آله و سلم» این می شود که:

کسانی که به ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام کُفر ورزیده و امامت آن حضرت را انکار نموده و دیگران را نیز از پذیرفتن امامت آن حضرت بازداشتند خداوند متعال همه اعمال آن‌ها را حَبِط و نابود می کند.

ب: علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خویش راجع به این آیه شریفه «الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ» - آیه اول سوره مبارکه محمد صلی الله علیه و آله و سلم می گوید:

این آیه شریفه درباره اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است که پس از رحلت آن حضرت مرتد شده و حقوق اهل بیت آن بزرگوار را غصب کرده و از پذیرفتن امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام امتناع نمودند و به همین جهت خداوند متعال نیز اعمال آن‌ها را حَبِط و نابود کرد.^۳

۱. تفسیر نمونه، جلد بیست و یکم، صفحه ۴۰۹.

۲. المیزان، جلد سی و ششم، صفحه ۴۴ - ۴۵.

تفسیر نمونه، جلد بیست و یکم، صفحه ۴۱۰.

۳. تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۳۴۵، حدیث ۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد هفتم، صفحه ۱۵، حدیث ۶، «حدیث ۱۰۳۸۹».

ج: ذیل آیه اول سوره مبارکه محمد صلی الله علیه و آله و سلم در این رابطه توضیحات لازم ارائه شده و حدیثی از امام باقر علیه السلام نقل شده که آن حضرت فرموده‌اند:

إِنَّ سَبِيلَ اللَّهِ عَلِيٌّ وَ ذُرِّيَّتُهُ، مَنْ قُتِلَ فِي وَلايَتِهِ قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ مَنْ مَاتَ فِي وَلايَتِهِ مَاتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، يَعْنِي:

سبیل الله «راه خدا» امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و ذریه آن حضرت می‌باشند «یعنی ائمه معصومین علیهم السلام»، لذا هر کس در راه ولایت این ذوات مقدسه کشته شود در راه خدا کشته شده است و هر کس در راه ولایت این ذوات مقدسه بمیرد، در راه خدا مرده است، و به همین لحاظ است که خداوند متعال اعمال منکرین امامت و ولایت آن ذوات مقدسه را حَبَط و نابود می‌کنند.

۵. وجود مقدس امام باقر علیه السلام درباره آیه هشتم و نهم سوره مبارکه محمد صلی الله علیه و آله و سلم «وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعَسَا لَهُمْ وَ اَصْلُ اَعْمَالِهِمْ، آیه ۸» «ذَلِكَ بِاَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا اَنْزَلَ اللَّهُ فَاحْبَطَ اَعْمَالَهُمْ، آیه ۹» فرمودند:

جبرئیل علیه السلام آیه نهم سوره مبارکه محمد صلی الله علیه و آله و سلم را اینگونه نازل نمود:

ذَلِكَ بِاَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا اَنْزَلَ اللَّهُ فِي عَلِيٍّ فَاحْبَطَ اَعْمَالَهُمْ، يَعْنِي:

هلاک آن‌ها و حَبَط اعمال آن‌ها «افراد مد نظر آیه هشتم» به این جهت بود که آن‌ها از آنچه که خداوند متعال در رابطه با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به پیامبر اکرم نازل فرموده بود «در رابطه با امامت آن حضرت» کراهت داشتند و از آن بدشان می‌آمد و به همین جهت خداوند متعال اعمال آن‌ها را حَبَط و نابود خواهد کرد.

این حدیث را ابی حمزه از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۱

۱. تفسیر صافی، جلد ششم، صفحه ۸۷.

تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۳۵۱، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد هفتم، صفحه ۲۵، حدیث ۲۱، «حدیث ۱۰۴۰۴».

توضیح:

الف: خداوند متعال در آیات هشتم و نهم سوره مبارکه محمد صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعَسَا لَهُمْ وَ أَضَلَّ أَعْمَالُهُمْ «آیه ۸».

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَخْبَطَ أَعْمَالَهُمْ «آیه ۹»، یعنی:

کسانی که کافر شدند بدا به حالشان «مرگ بر آن‌ها باد» و اعمال آن‌ها از بین می رود «اعمال آن‌ها نابود باد» «آیه ۸».

این هلاکت و نابودی و این از بین رفتن اعمال کافران به این جهت است که آن‌ها از آنچه که خداوند متعال به پیامبر اکرم نازل نموده «قرآن، دین، احکام و...» کراهت داشتند و از آن‌ها بدشان می آمد و به همین جهت خداوند متعال اعمال آن‌ها را خَبَط و نابود می کند «خَبَط و نابود کرد» «آیه ۹».

با توجه به حدیث شریفی که از وجود مقدس امام باقر علیه السلام نقل شد و در حدیث بعد نیز نقل خواهد شد تأویل آیه هشتم و نهم سوره مبارکه محمد صلی الله علیه و آله و سلم این می شود که:

کسانی که نسبت به ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام کُفر ورزیدند و آن را انکار کردند بدا به حالشان، و به خاطر همین کارشان اعمال آن‌ها خَبَط و نابود می شود «آیه ۸».

خَبَط شدن و نابود شدن اعمال آن‌ها «مُنکرین امامت ائمه معصومین علیهم السلام» به این خاطر است که:

آن‌ها نسبت به امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام که از جانب خداوند متعال به پیامبر اکرم نازل شده بود کراهت داشتند و از آن بدشان می آمد و به همین جهت خداوند متعال اعمال آن‌ها را خَبَط و نابود می کند. «آیه ۹»

ذیل آیه هشتم و نهم سوره مبارکه محمد صلی الله علیه و آله و سلم توضیحات لازم ارائه شده و به عرض رسیده که:

معنی حدیث شریف این نیست که کلمه «فی علی» در آیه نهم سوره مبارکه محمد صلی الله علیه و آله و سلم بوده و بعداً حذف یا تحریف شده است، بلکه این

حدیث شریف تأویل آیه شریفه و معنی باطنی آن را بیان می‌فرماید.

۶. وجود مقدّس امام باقر علیه‌السلام درباره آیه هشتم و نهم سوره مبارکه محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

افرادی که اعمال آنها حَبِط و نابود می‌شود به این دلیل است که آنها:

كِرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِي حَقِّ عَلِيٍّ، یعنی:

آنها از آنچه را که درباره امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام نازل شده بود (امامت و ولایت آن حضرت) کراهت داشتند و از آن بدشان می‌آمد.

این حدیث را جابر از وجود مقدّس امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.^۱

۷. امام باقر علیه‌السلام درباره آیه ۲۷ و ۲۸ سوره مبارکه محمد صلی الله علیه و آله و سلم «فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَ أَدْبَارَهُمْ - آیه ۲۷» «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهُ وَ كَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ - آیه ۲۸» فرمودند:

این آیات شریفه درباره کسانی است که از ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام کراهت داشتند و از آن بدشان می‌آمد.

این حدیث را جابر بن یزید از امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.^۲

۸. امام صادق علیه‌السلام درباره آیه ۲۷ و ۲۸ سوره مبارکه محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

این آیه شریفه درباره کسانی است که از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام

۱. مجمع‌البیان، جلد بیست و سوم، صفحه ۵۱.

المیزان، جلد سی و ششم، صفحه ۵۹.

تفسیر صافی، جلد ششم، صفحه ۸۷.

تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۳۵۱، حدیث ۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد هفتم، صفحه ۲۵، حدیث ۲۲، «حدیث ۱۰۴۰۵».

تفسیر نمونه، جلد بیست و یکم، صفحه ۴۴۷.

۲. تفسیر صافی، جلد ششم، صفحه ۹۹.

تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۳۷۲، حدیث ۷.

تفسیر نورالثقلین، جلد هفتم، صفحه ۴۹، حدیث ۷۰، «حدیث ۱۰۴۵۳».

بیزار بودند در حالی که آن حضرت مورد رضایت خداوند متعال و پیامبر اکرم بود.^۱

توضیح:

الف: خداوند متعال در آیات ۲۷ و ۲۸ سوره مبارکه محمد صلی الله علیه آله و سلم می فرماید:

«فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَ أَدْبَارَهُمْ» آیه ۲۷.

«ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَسْحَطَ اللَّهُ وَ كَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ» آیه ۲۸، یعنی:

حال آن‌ها «افراد بی دین اعم از کافر، مُشْرک، منافق و...» چگونه خواهد بود هنگامی که فرشتگان مرگ «ملائکه مأمور قبض روح» بر صورت و پشت آن‌ها می زنند و جان آن‌ها را می گیرند «آیه ۲۷».

این کار «زدن به پشت و صورت آن‌ها» به این خاطر است که آن‌ها از آنچه که خداوند متعال را به خشم می آورد پیروی کردند و از آنچه که موجب رضایت خداوند متعال بود کراهت داشتند و بدشان می آمد و به همین جهت خداوند متعال اعمال آن‌ها را حَبَط و نابود کرد «حَبَط و نابود می کند» آیه ۲۸.

با توجه به دو حدیث نورانی و شریف که از وجود مقدس امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل شد تأویل و معنی باطنی آیات ۲۷ و ۲۸ سوره مبارکه محمد صلی الله علیه آله و سلم این می شود که:

حال مُنکرین امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام هنگام مرگ چگونه خواهد بود در حالی که ملائکه مأمور قبض روح بر صورت و پشت آن‌ها می زنند و جان آن‌ها را می گیرند «در حال قبض روح آن‌ها را عذاب می کنند» «آیه ۲۷».

این کار «زدن به صورت و پشت مُنکرین امامت ائمه معصومین علیهم السلام هنگام قبض روحشان» به این خاطر است که:

مُنکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام از امامت و ولایت آن ذوات

۱. تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۳۷۱، حدیث ۶.

مقدّسه کراهت داشتند و بدشان می آمد در حالی که آن ذوات مقدّسه مورد رضایت خداوند متعال و پیامبر اکرم بودند.

ذیل آیات ۲۷ و ۲۸ سوره مبارکه محمّد صلی الله علیه آله و سلّم در این رابطه توضیحات لازم ارائه شده است.

ب: خداوند متعال در آیه ۳۲ سوره مبارکه محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ لَن يَصُفُّوا
اللَّهُ شَيْئًا وَسَيُحِبُّ أَعْمَالَهُمْ، یعنی:

کسانی که کافر شدند و مردم را از راه خدا بازداشتند و بعد از روشن شدن حق و هدایت باز به مخالفت با رسول خدا برخاستند هرگز ضرر و زیانی به خداوند متعال نمی رسانند و خداوند متعال اعمال آن ها را حَبِط و نابود خواهد کرد.

در حدیثی که از وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام نقل شده آن حضرت فرمودند: مقصود از شاقُّوا الرَّسُولَ موضوع ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام می باشد.

«شاقُّوا الرَّسُولَ = دشمنی و مخالفت با پیامبر اکرم».

این حدیث را ابوالورد از امام باقر علیه السّلام نقل نموده است.^۱

در حدیث چهارم ملاحظه فرمودید که:

منظور از سبیل الله در آیه اوّل سوره مبارکه محمّد صلی الله علیه آله و سلّم ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام می باشد.

بنابراین:

تاویل این آیه شریفه «آیه سی و دوّم سوره مبارکه محمّد صلی الله علیه آله و سلّم» این می شود که:

کسانی که نسبت به ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام کُفر ورزیدند و امامت آن حضرت را انکار کردند و دیگران را نیز از ایمان آوردن به امامت آن حضرت ممانعت نمودند و در رابطه با امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب

۱. تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۳۷۶، حدیث ۲.

علیه السَّلام به مخالفت و دشمنی با پیامبر برخاستند با این کار خویش هرگز ضرر و زیانی به خداوند متعال نمی‌رسانند و خداوند متعال به خاطر این کارشان اعمال آن‌ها را حَبَط و نابود خواهد کرد، یعنی اگر این افراد در طول عُمر خویش اعمال صالحی نیز انجام داده باشند خداوند متعال تمام آن اعمال صالح را حَبَط و نابود خواهد کرد.

۹. وجود مقدّس امام سجّاد علیه السَّلام فرمودند:

اگر کسی به اندازه عُمر حضرت نوح بین رکن و مقام «در بیت الله الحرام» خداوند متعال را عبادت کند، روزها را روزه بدارد و شب‌ها نماز به جای آورد لیکن خداوند متعال را به غیر ولایت ما ملاقات کند «روز قیامت محشور شود در حالی که امامت و ولایت ما را قبول نداشته» آن همه عبادت هیچ نفعی به حال او نخواهد داشت.^۱

توضیح:

خداوند متعال در آیه چهاردهم سوره عنکبوت می‌فرماید:
وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا، یعنی:
ما نوح را به سوی قومش فرستادیم و او میان آن‌ها نهصد و پنجاه سال درنگ کرد.
اکثر مفسّرین معتقدند که دوران رسالت حضرت نوح نهصد و پنجاه سال طول کشیده، لذا عمر حضرت نوح بیشتر از نهصد و پنجاه سال می‌باشد.

بنابراین:

حتّی اگر طول عمر حضرت نوح را نهصد و پنجاه سال در نظر بگیریم معنی حدیث شریفی که از وجود مقدّس امام سجّاد علیه السَّلام صادر شده این می‌شود که اگر شخصی به مدّت نهصد و پنجاه سال در خانه خدا مشغول عبادت و تهجّد و شب زنده‌داری باشد و تمام روزها نیز روزه باشد لیکن امامت و ولایت ما ائمّه معصومین علیهم السَّلام را نپذیرفته باشد این همه عبادت هیچ نفعی به حال او نخواهد داشت.

۱. مجمع‌البیان، جلد چهارم، صفحه ۱۷۳ «ذیل آیه ۹۶ و ۹۷ سوره آل عمران».

گرچه در این حدیث شریف کلمه حَبْطِ اعمال و یا ضلالت اعمال به کار نرفته لیکن همان معنا را می‌رساند، یعنی:

اگر کسی بدون اعتقاد به امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام خداوند متعال را در خانه خدا عبادت کند «به اندازه عُمر نوح و یا ده‌ها برابر عُمر نوح» و شب زنده‌داری نماید و روزها را روزه بگیرد، این اعمال هیچ فایده و نفعی برای صاحبش نخواهد داشت، زیرا اگر کسی معتقد به ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السّلام نباشد تمام اعمال صالحی که انجام داده حَبْط و نابود می‌شود و اساساً عملی باقی نمی‌ماند که به او اجر و پاداش تعلق بگیرد، ضمن اینکه در اوائل بحث احادیثی از وجود مقدّس امام صادق و امام کاظم علیهما السّلام به عرض رسید که فرمودند:

برای کسی که مخالف امامت ما باشد فرقی نمی‌کند که نماز بخواند یا زنا کند زیرا جای منکرین امامت ما جهنّم می‌باشد.
انشاءالله تعالی در احادیث بعد نیز به این موضوع اشاره خواهد شد «موضوع حَبْط شدن اعمال منکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام».

۱۰. امام باقر علیه السّلام فرمودند:

افرادی هستند که خداوند متعال اعمال آن‌ها را در روز قیامت هیچ و پوچ می‌کند و مانند گرد و غبار نابود می‌نماید «اعمال آن‌ها هباءً مَنثوراً می‌شود».
وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:
به خدا قسم این‌ها کسانی هستند که وقتی در دنیا فضائل و مناقب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام به آن‌ها گفته می‌شد آن را انکار می‌کردند.^۱

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۱۴ - ۱۵ «ذیل آیه ۲۳ سوره فرقان».

تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۶۴۹، حدیث ۳ «ذیل آیه ۲۳ فرقان».

تفسیر نورالقلین، جلد پنجم، صفحه ۳۶۳، حدیث ۳۲، «حدیث ۷۹۶۱»، «ذیل آیه ۲۳ سوره فرقان».

تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۷۷ - ۷۸ «ذیل آیه ۲۳ سوره فرقان».

۱۱. از وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام سؤال شد:

یا بن رسول الله:

اعمال چه کسانی در روز قیامت هَبَاءٌ مُّثْوَرًا می شود «اعمال چه کسانی در روز قیامت هیچ و پوچ و تباه می گردد».

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

اعمال دشمنان ما و اعمال دشمنان شیعیان ما.^۱

۱۲. امام سجّاد علیه السّلام از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم

نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

به خدا قسم اگر روز قیامت فردی با اعمال هفتاد پیغمبر محشور شود «عمل هفتاد پیغمبر در نامه عمل او باشد» خداوند متعال اعمال او را نمی پذیرد مگر اینکه ولایت من و ولایت اهل بیت من را قبول داشته باشد.^۲

توضیح:

ذیل آیه ۸۲ سوره طه و ذیل آیات اوّل تا هفتم سوره غاشیه احادیثی از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شده که طبق آن احادیث نورانی و شریف شرط لازم و اساسی برای قبولی اعمال پذیرش ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السّلام می باشد، یعنی:

اگر کسی امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام را انکار کند و به امامت و ولایت آن ذوات مقدّسه ایمان نداشته باشد تمام اعمالش حَبْطٌ و نابود خواهد شد و نفعی برای صاحب آن نخواهد داشت گویا که اصلاً عملی انجام نشده است. ذیل آیه ۸۲ سوره طه و ذیل آیات اوّل تا هفتم سوره غاشیه در این رابطه

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۱۵، «ذیل آیه ۲۳ سوره فرقان».

تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۶۵۰، حدیث ۴، «ذیل آیه ۲۳ سوره فرقان».

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۳۶۵، حدیث ۳۴، «حدیث ۷۹۶۳»، «ذیل آیه ۲۳ سوره فرقان».

۲. تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۶۵۶، حدیث ۸ «ذیل آیه ۲۳ سوره فرقان».

امالی شیخ طوسی، جلد اوّل، مجلس پنجم، صفحه ۳۰۳، حدیث ۴۲ «حدیث ۲۲۹».

توضیحات کامل و مبسوطی ارائه شده و ذیل این آیات شریفه احادیثی از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شده است.

صاحب تفسیر برهان ذیل این حدیث شریف «ذیل حدیث دوازدهم که از وجود مقدّس امام سجّاد علیه السّلام نقل شد» عنوان نموده که:

احادیثی که بیان‌کننده این هستند که پذیرش اعمال در گرو ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السّلام می‌باشد بیشتر از آن است که به شمار آید.

۱۳. در زیارت جامعه کبیره که از ناحیه وجود مقدّس امام هادی علیه السّلام صادر شده هنگام زیارت ائمه معصومین علیهم السّلام خدمت آن بزرگواران عرض می‌کنیم:

و بِمَوَالِئِكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ، یعنی:

به موالات شما طاعات و عبادات واجبه مورد قبول درگاه حق تعالی قرار می‌گیرد «طاعات واجبه یعنی نماز، روزه، حج، و...».

این فرمایش امام هادی سلام الله علیه صراحت دارد بر اینکه:

عمل بدون ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام مورد قبول حق نیست، یعنی شرط لازم برای قبولی اعمال پذیرش ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السّلام می‌باشد، در غیر این صورت اعمال صالح انسان حَبْط و نابود شده و فایده‌ای برای صاحبش نخواهد داشت.

در شرح زیارت جامعه کبیره تألیف آیت الله سیّد محمّد تقی نقوی و علامه سیّد حسین همدانی درودآبادی ذیل این فرمایش نورانی امام هادی علیه السّلام «و بِمَوَالِئِكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ» چند حدیث نقل شده که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود.

الف: وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

وقتی قیامت به پا می‌گردد پُل صراط بر روی جهنّم زده می‌شود و میزان عدل الهی نصب می‌شود تا به حساب مردم رسیدگی شود.

اگر کسی به ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السّلام ایمان نداشته باشد به قعر جهنّم سقوط خواهد کرد اگر چه در پرونده عمل او اعمال خیر هفتاد صدیق موجود باشد «بدون پذیرش امامت ائمه معصومین علیهم السّلام همه اعمال صالح

انسان حَبْط و نابود می شود ولو اینکه معادل اعمال صالح هفتاد پیغمبر باشد». این حدیث را ابن عباس از پیامبر اکرم نقل نموده است.

ب: وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: اگر بنده ای هزار سال در بین رکن و مقام «خانه خدا» عبادت کند لیکن خداوند متعال را بدون ولایت ما ملاقات کند «در حالی روز قیامت محشور شود که معتقد به امامت ائمه معصومین علیهم السلام نبوده است»، خداوند متعال او را با صورت به داخل جهنم پرتاب خواهد کرد «یعنی هزار سال عبادت در خانه خدا حَبْط و نابود خواهد شد و برای صاحب آن ذره ای فایده نخواهد داشت».

ج: وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند: بین رکن و مقام و بین قبر و منبر باغی است از باغ های بهشت «قبر مطهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم».

به خدا قسم اگر بنده ای هزار سال بین رکن و مقام «خانه خدا» و یا بین قبر و منبر «مسجد النبی در مدینه» خداوند متعال را عبادت کند، سپس در بستر خویش مظلومانه کشته شود آنگاه خداوند متعال را بدون ولایت ما ملاقات کند خداوند متعال او را با صورت به داخل جهنم خواهد انداخت. قابل ذکر است که:

مقصود از ملاقات خداوند متعال یعنی محشور شدن در صحرای قیامت جهت رسیدگی به اعمال، و چون در روز قیامت انسان ها رحمت و غضب خداوند متعال را به طور کامل و با وضوح خواهند دید لذا این مسئله به ملاقات خداوند متعال تعبیر شده است، بنابراین:

اگر کسی ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السلام را نپذیرفته باشد روز قیامت به داخل جهنم پرتاب خواهد شد اگر چه در دنیا هزار سال و یا بیشتر خداوند متعال را عبادت نموده باشد آن هم در خانه خدا و یا در مسجد النبی، زیرا اعمال در صورتی پذیرفته می شوند که صاحب آن به ولایت و امامت ائمه

معصومین ایمان داشته باشد در غیر این صورت تمام اعمال صالح انسان حَبْط و نابود خواهد شد و فایده‌ای برای صاحبش نخواهد داشت.
در این احادیث آمده که منکرین امامت و ولایت به داخل جهنم پرتاب خواهند شد و آن هم با صورت.

تعبیر به پرتاب شدن به داخل جهنم آن هم با صورت شدت غضب خداوند را به انسان بی‌ولایت بیان می‌کند و گرنه شاید تفاوتی نکند که انسان گنهکار با صورت به داخل آتش انداخته شود یا به پُشت و یا طریق دیگر، زیرا نهایتاً داخل آتش خواهد شد و آتش او را از هر جهت احاطه خواهد نمود.

د: ابو سعید خدری نقل می‌کند:

عده‌ای از اصحاب در محضر رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بودند و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام نیز در آن جا حضور داشت «در کنار پیامبر اکرم». وجود مقدس پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند:
هر کس لا إِلَهَ إِلَّا اللهُ بگوید داخل بهشت می‌شود «هر کس به وحدانیت خداوند متعال معتقد باشد و خداوند متعال را به یگانگی بشناسد».

دو نفر از اصحاب عرضه داشتند:

ما، لا إِلَهَ إِلَّا اللهُ می‌گوئیم «یعنی اهل بهشت می‌باشیم». در این هنگام وجود مقدس پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دست مبارک خویش را روی سر مولی‌الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام گذاشته و فرمودند:

خداوند متعال شهادت لا إِلَهَ إِلَّا اللهُ را از این شخص «علی بن ابیطالب علیه‌السلام» و از شیعیان این شخص می‌پذیرد.^۱

بنابراین:

نه تنها قبولی اعمال در گرو پذیرش ولایت و امامت اهل بیت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت‌الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۵۷۸ - ۵۷۹.
شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف علامه سید حسین همدانی درودآبادی، صفحه ۶۲۶ - ۶۲۷.

الله علیه و آله و سلم می باشد، بلکه:

صَحَّتْ اعتقادات ما نیز در گرو ولایت آن ذوات مقدسه می باشد، یعنی:

اگر کسی به امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام معتقد نباشد لیکن لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ را بر زبان جاری سازد «به یگانگی خداوند متعال شهادت بدهد»، خداوند متعال شهادت چنین شخصی را نمی پذیرد و او را در زمره موحدین قرار نمی دهد تا استحقاق رفتن به بهشت را داشته باشد، بنابراین:

پذیرش اصول دین و فروع دین «اعتقادات و اعمال صالح، و یا ایمان و عمل صالح» منوط به این است که انسان به امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام اعتقاد داشته باشد زیرا آن ذوات مقدسه منصوب از ناحیه خداوند متعال هستند و در واقع کسی که آن بزرگواران را رد می کند در حقیقت خداوند متعال را انکار می کند.

در زیارت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در روز عید سعید غدیر خم که از ناحیه امام عسکری علیه السلام صادر شده و آن بزرگوار نیز از امام هادی علیه السلام نقل نموده، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ،

مَا آمَنَ بِي مَنْ كَفَرَ بِكَ،

وَ لَا أَقْرَبُ بِاللَّهِ مَنْ جَحَدَكَ، یعنی:

قسم به خداوند متعال که مرا به رسالت مبعوث نمود «مرا به حق مبعوث نمود»:

به من ایمان نیاورده کسی که به تو کُفر می ورزد «کسی که امامت تو را انکار

می کند به رسالت و نبوت من ایمان نیاورده و آن را قبول ندارد»،

و اقرار به یگانگی خداوند متعال ننموده کسی که تو را انکار می کند «کسی که

امامت تو را انکار می کند به وحدانیت خداوند متعال ایمان نیاورده و خداوند متعال

را به یگانگی نمی شناسد»، و خلاصه کلام اینکه:

کسی که به امامت ائمه معصومین علیهم السلام ایمان ندارد این شخص حقیقتاً

نه به خداوند متعال اعتقاد دارد و نه به پیامبر اکرم، و به همین جهت است که اگر

هزار سال عبادت نماید و عمل هفتاد پیامبر در نامه عمل او باشد تمام آن اعمال حَبْط و نابود خواهند شد و به صاحب آن ذرّه‌ای فایده نخواهند داشت، زیرا اوّل باید اصول دین درست باشد تا فروع دین «نماز، روزه...» و سایر عبادات به حساب بیایند و مورد رسیدگی قرار بگیرند تا به آن‌ها پاداش تعلق بگیرد.

عین این حدیث «حدیث (د) که ابوسعید خدری از پیامبر اکرم نقل نموده» از وجود مقدّس امام رضا علیه‌السلام نیز صادر شده است.

وجود مقدّس امام رضا علیه‌السلام هنگام عزیمت از مدینه به خراسان در حضور تعداد کثیری از مسلمین «در نیشابور» فرمودند:

خداوند متعال می‌فرماید:

كَلِمَةٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي، یعنی:

توحید قلعه محکم من است، پس هر کس وارد این قلعه محکم من بشود از عذاب من در امان است «هر کس مرا به یگانگی بشناسد او را عذاب نخواهم کرد». وجود مقدّس امام رضا علیه‌السلام پس از مکث کوتاهی فرمودند:

بِشُرُوطِهَا،

وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا، یعنی:

به شروطی،

و من از آن شروط هستم، یعنی:

اعتقاد به وحدانیت خداوند متعال «خداوند متعال را به یگانگی شناختن» زمانی باعث نجات انسان می‌شود که همراه با اعتقاد به ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام باشد، و طبعاً کسی که به امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام ایمان دارد به رسالت و نبوت پیامبر اکرم نیز ایمان دارد زیرا این ذوات مقدّسه جانشینان آن حضرت می‌باشند، بنابراین:

اگر شخصی:

خداوند متعال را به یگانگی بشناسد «ایمان به توحید»،

به رسالت و نبوت پیامبر اکرم ایمان داشته باشد «نبوت»،

به امامت ائمه معصومین علیهم السّلام اعتقاد داشته باشد «امامت»، در این صورت اعمال صالح او مورد رسیدگی قرار گرفته و خداوند متعال با فضل خویش به آن‌ها اجر و پاداش می‌دهد، در غیر این صورت اعمال صالح شخص حَبْط و نابود می‌شود و از بین می‌رود و اساساً عملی نمی‌ماند که به آن عمل اجر و پاداش تعلق بگیرد.

۱۴. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری پس از پایان مناسک حج و هنگام بازگشت از مکه به مدینه در محلّ غدیر خم و در جمع هزاران نفر از حجّاج بیت‌الله الحرام خطبه مفصلی ایراد فرموده و پس از حمد و ثنای خداوند متعال قطره‌ای از دریای بیکران فضائل و مناقب مولی‌الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السّلام را بیان کرده و سپس به دستور خداوند متعال آن حضرت را به عنوان وصی و جانشین خویش و به عنوان امام مسلمین معرّفی و منصوب فرمودند.

وجود مقدّس پیامبر اکرم در قسمتی از بیانات خویش فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ،

فَمَنْ لَمْ يَأْتَمَّ بِهِ وَبِمَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ مِنْ وُلْدِي مَنْ صُلِبَ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالْعُرْضِ عَلَى اللَّهِ

عَزَّوَجَلَّ،

فَأُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ،

لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ، یعنی:

ای گروه مردم:

خداوند متعال دین شما را «دین اسلام را» به امامت او «امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب

علیه‌السّلام» کامل نمود، پس:

هر کس به علی بن ابیطالب و جانشینان او که از صُلب او و فرزندان من هستند «یعنی ائمه معصومین علیهم السّلام» اقتدا نکند و امامت آن‌ها را نپذیرد تا روز قیامت و تا روز رفتن به پیشگاه خداوند متعال چنین افرادی اعمالشان در دنیا حَبْط و نابود

خواهد شد و مخلّد در آتش جهنّم خواهند بود «برای همیشه داخل جهنّم خواهند ماند»،

و عذاب آنها هیچ گاه تخفیف نمی یابد و به آنها مهلت داده نمی شود «نظر لطف بر آنان افکنده نخواهد شد».

توضیح:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

الف: خداوند متعال دین شما را «دین اسلام را» به امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام کامل کرد.

این فرمایش پیامبر اکرم اشاره به آیه سوّم سوره مائده دارد که پس از انتصاب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به امامت مسلمین نازل شد.

خداوند متعال در این آیه شریفه فرمودند:

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا.

ذیل آیه سوّم مائده در این رابطه توضیحات لازم ارائه گردید.

ب: امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و یازده امام معصوم از نسل آن حضرت و فاطمه زهرا سلام الله علیها امام مسلمین هستند تا روز قیامت و تا روزی که همه مردم در صحرای محشر گرد هم آیند.

ج: هر کس به دوازده امام منصوب از ناحیه خداوند متعال اقتدا نکند و از آن ذوات مقدّسه تبعیت و پیروی ننماید اعمالش حَبِطٌ و نابود خواهد شد «گویا که اصلاً عملی انجام نداده است» و مخلّد در آتش جهنّم خواهد بود، یعنی، منکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام اعمالشان حَبِطٌ و نابود خواهد شد،

ضمن اینکه منکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام مخلّد در آتش جهنّم هستند یعنی جهنّم جایگاه ابدی و همیشگی آنها است.

قابل ذکر است که:

موضوع خلود در آتش جهنم در آیات مختلفی در قرآن کریم به کفّار و مشرکین وعده داده شده و وجود مقدّس پیامبر اکرم در این خطبه نورانی و شریف منکرین امامت ائمه معصومین علیهم السّلام را مخلّد در آتش جهنم بیان فرموده است.

د: به منکرین امامت ائمه معصومین علیهم السّلام تخفیف در عذاب جهنم داده نخواهد شد و آنها باید عذاب الیم و دردناک جهنم را بچشند.
وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در قسمت دیگری از فرمایشات خویش در رابطه با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ،
فَلَا تَحْسُدُوهُ فَتَحْبِطَ أَعْمَالُكُمْ وَ تَزِلَّ أَقْدَامُكُمْ، یعنی:

ای مردم:

ابلیس «شیطان» حضرت آدم را از طریق حسد از بهشت بیرون کرد، پس:

ای مردم:

مبادا به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام حسادت کنید که در این صورت اعمالتان حَبْط و نابود خواهد شد و قدم‌های شما خواهد لغزید و منحرف خواهید شد.

جمله فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا در آیه ۹۴ سوره نحل آمده و معنی آن سُست شدن و متزلزل شدن ایمان می باشد «انحراف از صراط مستقیم - منحرف شدن».

ذیل آیه ۹۴ سوره نحل در این رابطه توضیحات لازم به عرض رسیده است. بنابراین، اقتدا نمودن به ائمه معصومین علیهم السّلام و تبعیت نکردن از آن ذوات مقدّسه باعث حَبْط و نابودی اعمال انسان می شود، همچنین:

حسادت ورزیدن به ائمه معصومین علیهم السّلام و مقام و منزلت آن بزرگواران نیز باعث حَبْط و نابود شدن اعمال انسان می شود،

و کسانی که از آن ذوات مقدّسه تبعیت نکنند و از آن بزرگواران پیروی نمایند

گرفتار عذاب الیم و دردناک جهنم خواهند شد و مخلّد در آتش جهنم خواهند بود.^۱

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج پیامبر اکرم در غدیر خم، صفحه ۱۱۸ تا ۱۴۶ «صفحه ۱۳۲ و ۱۳۳»، حدیث ۳۲.
شرح خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۳۲۰ تا ۳۲۳ - ۳۴۰.

آیه ۳۵ سوره مائده

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ، وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»

ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید «ای مؤمنین»:

تقوا پیشه کنید «از خدا بترسید و مرتکب گناه نشوید»، برای تقرب به درگاه الهی وسیله‌ای بجوئید «با وسیله به درگاه خداوند متعال تقرب بجوئید»،
و در راه خداوند متعال جهاد کنید باشد که رستگار شوید.^۱

شرح لغات و توضیحات:

تقوا = پرهیز کردن، احتراز کردن، دوری جستن.

اتَّقُوا اللَّهَ = پرهیز کنید، احتراز کنید «از خدا بترسید و مرتکب گناه نشوید».

قابل ذکر است که:

اگر تقوا به خداوند متعال نسبت داده شود «یعنی گفته شود اتَّقُوا اللَّهَ»، در این صورت معنی آن دوری جستن از عذاب خداوند متعال است، بنابراین:
اتَّقُوا اللَّهَ = از عذاب خدا دور شوید - از عذاب خدا احتراز کنید.
دوری جستن از عذاب خدا زمانی محقق می‌شود که انسان راه رضایت و خشنودی خداوند متعال را طلب کند و راه جلب رضایت خداوند متعال نیز اطاعت از اوامر الهی است، یعنی:

انجام دادن چیزهایی که خداوند متعال امر به انجام آن‌ها داده و دور شدن از چیزهایی که خداوند متعال دستور ترک آن‌ها را صادر فرموده است، بنابراین:

اتَّقُوا اللَّهَ یعنی:

از خدا بترسید و مرتکب گناه نشوید «گناه یعنی ترک واجب و عمل به حرام» و

۱. تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۴۰۷.

مجمع‌البیان، جلد هفتم، صفحه ۲۱.

تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۴۶۳.

خلاصه کلام اینک:

اتَّقُوا اللَّهَ = اجتناب کنید از مخالفت کردن با دستورات خداوند متعال.
 وَسِيلَهُ = واسطه نزدیک شدن - واسطه تقرّب و نزدیک شدن.
 اِئْتِغَاءٍ = کوشش و تلاش در طلب کردن چیزی، طلب کردن.
 اِئْتِغَاؤًا = طلب کنید، بجوئید، کسب کنید.
 لَعَلَّ = شاید، امید است «اگر لَعَلَّ از جانب خداوند متعال باشد معنی لزوم را می‌رساند»^۱.

روی سخن در این آیه شریفه به مؤمنین است «به کسانی که ایمان دارند».
 قبلاً نیز کراراً به عرض رسیده که:

مقصود از مؤمنین کسانی هستند که ایمان کامل دارند، یعنی:

ایمان به وحدانیت خداوند متعال «ایمان به یگانگی خداوند متعال»،

ایمان به نبوت و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم،

و ایمان به امامت ائمه معصومین علیهم السلام.

بدیهی است تا زمانی که امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام از جانب خداوند متعال به عموم مردم ابلاغ نشده بود ایمان کامل همان ایمان به وحدانیت خداوند متعال بود و ایمان به نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم. قابل ذکر است که علامت و نشانه ایمان پیروی و تبعیت محض و بی چون و چرا از دستورات خداوند متعال است،

همچنین اطاعت و تبعیت محض و بی چون و چرا از پیامبر اکرم و پس از آن حضرت اطاعت محض و بی قید و شرط از ائمه معصومین علیهم السلام، زیرا آن ذوات مقدّسه نیز مانند پیامبر اکرم حجت خداوند متعال بر مخلوقات بوده و منصوب از ناحیه خداوند متعال هستند و اوصیاء و جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشند.

۱. مجمع‌البیان، جلد هفتم، صفحه ۲۲ - ۲۳.

المیزان، جلد ششم، صفحه ۲۷۷، «ذیل آیه ۱۰۲ سوره آل عمران».

مفردات راغب

تفسیر نمونه، جلد دوازدهم، صفحه ۱۸۷، «ذیل آیه ۵۷ سوره اسراء».

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه سی و پنجم سوره مائده» مؤمنین را مورد خطاب قرار داده و برای رستگار شدن آنها سه دستور صادر می‌فرماید.

خداوند متعال در اولین دستور خویش می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ = ای مؤمنین «ای کسانی که ایمان آورده‌اید»:

تقوا و پرهیزکاری پیشه کنید، یعنی:

از مخالفت کردن با دستورات خداوند متعال اجتناب کنید، یعنی:

ای مؤمنین:

مرتکب گناه نشوید «ارتکاب گناه یعنی تخلف از دستورات خداوند متعال، یعنی اگر کسی واجبات را ترک کند و به سراغ محرّمات برود مرتکب گناه شده است زیرا با دستور خداوند متعال مخالفت کرده است چرا که خداوند متعال امر به انجام واجبات فرموده و ترک محرّمات».

دومین دستور خداوند متعال به مؤمنین برای رستگار شدن آنها در ادامه آیه شریفه آمده و آن این است که:

وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ = برای تقرّب به درگاه الهی وسیله‌ای انتخاب کنید، یعنی واسطه و وسیله نزدیک شدن و تقرّب به خداوند متعال را پیدا کنید و از آن طریق به خدا نزدیک شوید، یعنی:

کاری کنید که سبب رضایت و خشنودی خداوند متعال شود و شما را به خداوند سبحان نزدیک نماید.

منظور از وسیله در این آیه شریفه چیست؟

وسیله در این آیه شریفه «آیه ۳۵ سوره مائده» معنی بسیار وسیعی دارد و شامل هر چیز و هر کاری می‌شود که انسان را به خداوند متعال نزدیک می‌کند که مهم‌ترین آنها ایمان به خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم‌السلام است و پس از آنها اعمال صالح می‌باشد، یعنی:

طاعات و عبادات و فرائض از قبیل نماز، روزه، خمس، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و... وسیله قُرب به درگاه الهی هستند.

به عبارت دیگر:

اعمال صالح وسیله بسیار مهمی برای تقرّب به درگاه الهی می باشند، یعنی: انسان با انجام دادن اعمال صالح «چه واجبات و چه مستحبات» موجبات رضایت و خشنودی خداوند متعال را فراهم می نماید، و جلب رضایت خداوند متعال یعنی تقرّب و نزدیک شدن به درگاه الهی.

مهم ترین و عالی ترین وسیله جهت تقرّب یافتن به درگاه خداوند متعال پس از ایمان به خداوند متعال و پیامبر اکرم موضوع ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السّلام می باشد.

گرچه اعمال صالح «اعم از واجبات و مستحبات» وسیله مهمی جهت قرب به درگاه الهی می باشند لیکن این وسائل تحت الشعاع وسیله مهم تر و عالی تری هستند که موضوع امامت می باشد.

ذیل آیات فراوانی از جمله ذیل آیه پنجم سوره مائده به عرض رسید که اگر انسان هزاران سال خداوند متعال را عبادت نماید و خطایی از او سر نزند و اعمال صالح هفتاد پیغمبر در نامه عمل او ثبت شود چنانچه این شخص امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام را نپذیرفته باشد تمام این اعمال صالحی که انجام شده حَبْط و نابود خواهند شد و ذره ای برای صاحبش فایده نخواهند داشت، بنابراین: طاعت و عبادات از قبیل نماز، روزه، خمس، حج، جهاد، انفاق به مساکین و نیازمندان و... وسیله قرب به درگاه الهی هستند و شکی در این موضوع نیست لیکن به شرطی که در معیت و همراهی عالی ترین وسیله قرب به درگاه الهی باشند که این وسیله اعلی وجود مقدّس ائمه معصومین علیهم السّلام می باشند که انشاء الله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

این ذوات مقدّسه:

خلفاء خداوند متعال «جانشینان خداوند متعال» بر روی زمین هستند، حجج خداوند متعال بر مخلوقات می باشند، مقرّب ترین مخلوقات در پیشگاه خداوند متعال هستند، افضل همه مخلوقات می باشند، علت غایی خلقت می باشند، یعنی خداوند متعال همه عالم را به خاطر این ذوات مقدّسه خلق فرموده است و به همین جهت:

این بزرگواران عالی‌ترین وسیله جهت قُرب به درگاه الهی می‌باشند و سایر وسائل «از قبیل نماز، روزه، خمس، جهاد و...» زمانی مفید فایده هستند که در ذیل این وسیله اعلیٰ «ائمه معصومین علیهم‌السلام» باشند.
بنابراین:

اعمال صالح وسیله قُرب به درگاه الهی هستند لیکن مهم‌ترین وسیله جهت قُرب به درگاه احدیّت وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السلام و ولایت آن بزرگواران می‌باشد، و اهمیّت این وسیله اعلیٰ «چهارده معصوم علیهم‌السلام» به حدّی است که اگر این وسیله نباشد سایر وسیله‌ها «نماز، روزه، و...» هیچ فایده‌ای نخواهند داشت.

ذیل آیات ۳۴، ۳۵ و ۳۷ سوره بقره در رابطه با اینکه وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السلام افضل مخلوقات و مقرب‌ترین مخلوقات در درگاه الهی هستند و علّت غایبی خلقت می‌باشند توضیحاتی ارائه شده و در این رابطه احادیثی از ائمه معصومین علیهم‌السلام نقل شده است.

سوّمین دستور خداوند متعال به مؤمنین برای رستگار شدن آن‌ها در ادامه آیه شریفه آمده و آن این است که:

وَ جَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ = در راه خداوند متعال جهاد نمائید، یعنی:

در راه دین خدا «دین اسلام» با دشمنان دین خدا «اعم از کفار و مشرکین» جهاد نمائید.

مقصود از جهاد در راه خدا می‌تواند مُطلق جهاد باشد که جهاد نَفْس را هم شامل می‌شود، لذا:

اگر مقصود از جهاد در راه خدا را مُطلق جهاد بدانیم در این صورت جهاد در راه خدا می‌تواند با دست، قلم، بیان و قلب صورت بگیرد، همچنین جهاد با شمشیر و سلاح.

بعضی از مفسّرین معتقدند که:

منظور از جهاد در این آیه شریفه جهاد به معنی خاص کلمه می‌باشد و معنی آن جهاد با کفار و مشرکین است و استناد به این موضوع نموده‌اند که مقید شدن

جهاد به سبیل خدا «جَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ - جَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ» تنها در آیاتی آمده که دستور جهاد و جنگ با کفار و مشرکین را می‌دهد، اما:

آیاتی که مطلق جهاد را بیان می‌کنند «اعم از جهاد با نفس، با زبان، قلم، و...» قید فی سَبِيلِ اللَّهِ و یا قید فی سَبِيلِهِ را به همراه ندارد، لذا:

موضوع جهاد در این آیات شریفه به نحو دیگری بیان شده است، مانند آیه ۶۹ سوره عنکبوت که خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید:

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا، یعنی:

کسانی که در راه ما «خداوند متعال» جهاد کنند ما آن‌ها را به راه‌های خودمان هدایت می‌کنیم.

هم تعبیر به جهاد در این آیه شریفه معنی وسیع و مطلق دارد، هم تعبیر «فینا»، لذا: جهاد در این آیه شریفه هر گونه جهاد «تلاش و کوشش» در راه خدا را شامل می‌شود، خواه این جهاد و کوشش در طریق کسب معرفت باشد، خواه جهاد با نَفْس، خواه جهاد با دشمن، و یا هر جهاد و کوششی در جهت جلب رضایت حق تعالی، و مقصود از سُبُل نیز راه‌های مختلفی است که به سوی خداوند متعال منتهی می‌شود مانند:

راه جهاد با نفس، راه مبارزه با دشمنان، راه کسب علم و معرفت دین و...

«سبیل = راه، جمع سبیل می‌شود سُبُل»

به هر حال:

جهاد در این آیه شریفه «آیه سی و پنجم سوره مائده» هم می‌تواند به معنی جهاد عام باشد هم جهاد به معنی خاص کلمه یعنی جنگ و جهاد با کفار و مشرکین، گرچه معنی دوّم «جنگ و جهاد با کفار و مشرکین» بهتر است. قابل ذکر است که:

ذیل این قسمت از آیه شریفه «وَاِتَّخِذُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» به عرض رسید که:

وسيله در این آیه شریفه معنی وسیعی دارد و شامل هر کار و هر چیزی می‌شود که انسان را به خداوند متعال نزدیک می‌سازد از قبیل: نماز، روزه، حج، جهاد، امر به معروف و...

بنابراین:

اگر جهاد فی سبیل الله «جنگ با کفار و مشرکین و دشمنان اسلام» به طور مستقل ذکر شده، با اینکه وَ ابْتَعُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ جهاد را نیز شامل می‌شود از باب ذکر خاص بعد از عام می‌باشد و اهمیّت جنگ و جهاد با کفار و مشرکین و دشمنان اسلام را بیان می‌فرماید.

بنابراین معنی آیه شریفه تا این جا این شد که:

خداوند متعال به مؤمنین دستور می‌فرماید که:

ای مؤمنین به این سه دستور عمل کنید، یعنی:

۱. اتَّقُوا اللَّهَ «تقوا پیشه کنید و از خدا بترسید و مرتکب گناه نشوید».

۲. وَ ابْتَعُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ «برای تقرب به درگاه الهی وسیله‌ای انتخاب کنید». اینکه مصداق اتم و اکمل این وسیله چه می‌باشد انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد.

۳. وَ جَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ «در راه خدا با کفار و مشرکین و دشمنان اسلام جنگ نمائید»،

تا:

لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ = باشد که رستگار شوید «شاید که رستگار شوید».

در بخش شرح لغات و توضیحات به عرض رسید که:

لَعَلَّ معنی شاید می‌دهد، لیکن:

اگر لَعَلَّ از جانب خداوند متعال باشد معنی لزوم را می‌رساند، و در این صورت معنی آیه شریفه این می‌شود که خداوند متعال به مؤمنین دستور می‌فرماید که ای مؤمنین:

به این سه دستور من عمل کنید تا رستگار شوید، یعنی وارد بهشت شوید و برای همیشه در آن مقیم باشید و از نعمات همیشگی و جاوید مادی و معنوی آن بهره‌مند گردید.^۱

۱. مجمع‌البیان، جلد هفتم، صفحه ۲۲ - ۲۳.

المیزان، جلد دهم، صفحه ۱۹۰.

تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۴۶۳ - ۴۶۴.

حدیث:

۱. وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند:

الْأئِمَّةُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ،
مَنْ أَطَاعَهُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ،
وَ مَنْ عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ،
هُمُ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى،
وَ هُمْ الْوَسِيلَةُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، یعنی:

ائمه معصومین علیهم السّلام از فرزندان امام حسین علیه السّلام می‌باشند، هر کس از آن ذوات مقدّسه «ائمه معصومین علیهم السّلام» اطاعت نماید خداوند متعال را اطاعت نموده است،

و هر کس از دستورات آن بزرگواران سرپیچی نماید از دستورات خداوند متعال سرپیچی نموده است.

آن ذوات مقدّسه عُرْوَةُ الْوُثْقَى هستند «دستاویز محکم الهی»، همچنین آن بزرگواران وسیله تقرّب به درگاه الهی می‌باشند.^۱

۲. از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شده که آن ذوات مقدّسه فرموده‌اند: به وسیله امام معصوم علیه السّلام به درگاه الهی تقرّب بجوئید.^۲

۳. وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام درباره این آیه شریفه «یا

۱. عیون اخبار الرضا علیه السّلام، جلد دوم، صفحه ۹۴ باب ۳۱ «اخبار مجموعه»، حدیث ۲۱۷.

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۴۰۷ - ۴۰۸.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۹۸، حدیث ۵ «ذیل آیه ۲۲ سوره لقمان».

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۳۸۷، حدیث ۱۷۶، «حدیث ۲۷۳۶».

۲. تفسیر قمی، جلد اول، صفحه ۴۹۶.

المیزان، جلد دهم، صفحه ۱۹۷ - ۱۹۸.

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۴۰۷.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۶۴۰، حدیث ۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۳۸۹، حدیث ۱۷۹، «حدیث ۲۷۳۹».

إِيَّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» فرمودند:
 أَنَا وَسَيْلَتُهُ، یعنی:

من وسیله خداوند متعال هستم «از طریق من می توانید به خداوند متعال تقرب حاصل کنید و به خداوند متعال نزدیک شوید»^۱.

۴. وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام درباره این آیه شریفه «قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ - آیه ۴۳، سوره رعد» فرمودند:
 من هستم که تمام علم کتاب «قرآن کریم» نزد او است،
 و من هستم که خداوند متعال مرا وسیله تقرب به درگاهش قرار داده و فرموده:
 «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ - آیه ۳۵، سوره مائده».
 این حدیث شریف را سلمان فارسی از وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نقل نموده است.^۲

۵. وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:
 همراه پدرم امام زین العابدین سیدالساجدین به زیارت جد بزرگوارم امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام رفتیم.
 پدرم نزد قبر مطهر امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام ایستاد و گریست و آنگاه عرض کرد:
 السَّلَامُ عَلَى أَبِي الْأَيْمَةِ وَ خَلِيلِ النَّبُوَّةِ، السَّلَامُ عَلَى يَعْسُوبِ الْإِيمَانِ، السَّلَامُ عَلَى صَالِحِ الْمُؤْمِنِينَ وَ...

سپس امام سجّاد علیه السلام به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام عرض کرد:
 أَنْتَ وَسَيْلَتِي إِلَى اللَّهِ وَ ذَرِيعَتِي، یعنی:
 تو وسیله و واسطه من به سوی خداوند متعال هستی «یعنی امیرالمؤمنین

۱. المیزان، جلد دهم، صفحه ۱۹۸.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۶۴۰، حدیث ۲.

۲. بصائر الدرجات، جلد اول، جزء پنجم، باب اول، حدیث ۱ «حدیث ۷۸۶».

المیزان، جلد دهم، صفحه ۱۹۸.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۶۴۰، حدیث ۳.

علی بن ابیطالب علیه السلام وسیله تقرّب مؤمنین به درگاه الهی می باشد». این زیارت شریف تحت عنوان زیارت چهارم «در بخش زیارت مطلقه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام» در مفاتیح الجنان آمده است.

۶. در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره که از ناحیه وجود مقدّس امام هادی علیه السلام صادر شده و در واقع منشور امام شناسی است هنگام زیارت هر کدام از ائمه معصومین علیهم السلام محضر آن ذوات مقدّسه عرض می کنیم:

مُسْتَشْفَعُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِكُمْ، وَ مَتَقَرَّبُ بِكُمْ إِلَيْهِ،

وَ مُقَدِّمُكُمْ أَمَامَ طَلِبَتِي وَ حَوَائِجِي وَ إِرَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَ أُمُورِي، یعنی:

شفاعت شما را «چهارده معصوم علیهم السلام را» در پیشگاه خداوند متعال طلب می کنم، و به وسیله شما به خداوند متعال تقرّب می جویم «اشاره به آیه ۳۵ سوره مائده»، زیرا:

شما «چهارده معصوم علیهم السلام» وسیله تقرّب به درگاه الهی هستید،

و شما را در جمیع احوال و امورم پیشاپیش حوائج و اراده ام قرار می دهم «در جمیع موارد شما را واسطه بین خودم و خداوند متعال قرار می دهم تا به خاطر شما حوائج و خواسته های من به اجابت برسند زیرا شما چهارده معصوم علیهم السلام هم وسیله تقرّب به درگاه الهی هستید، و هم واسطه فیض الهی بین خداوند متعال و مخلوقات می باشید».

وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السلام باب الله هستند «ذیل آیات فراوانی از جمله ذیل آیه ۱۸۹ سوره بقره در این رابطه توضیحاتی ارائه شده است»، لذا:

تقرّب به درگاه خداوند متعال و سیر الی الله جز از طریق این ذوات مقدّسه ممکن نیست، و در این رابطه در قسمت دیگری از این زیارت نورانی و شریف آمده که:

مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ، وَ مَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عَنُكُمْ، وَ مَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ، یعنی:

هر کس خدا را بخواهد «خداوند متعال را اراده کند» از شما شروع می کند،

هر کس خداوند متعال را به یگانگی بشناسد راه و طریقه توحیدش را از شما

می پذیرد،

و هر کس قصد خداوند متعال را بنماید از طریق شما به خداوند سبحان توجّه می‌کند.
 مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِدَأْ بِكُمْ، یعنی:

هر کس اراده خداوند متعال را بنماید و هر کس خدا را بخواند باید از شما چهارده معصوم علیهم السّلام شروع کند، یعنی:
 هر کس بخواند خداوند متعال را بشناسد و به خداوند متعال معرفت پیدا کند، همچنین:

هر کس بخواند قُرب به درگاه الهی پیدا کند باید از شما شروع کند و به وسیله شما و از طریق شما به مقصود خویش نائل شود، زیرا:
 شما مظهر اتمّ و اکمل اسماء و صفات خداوند متعال می‌باشید.
 وَ مَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عَنكُمْ، یعنی:

هر کس خداوند متعال را به یگانگی بشناسد راه و طریق توحیدش را از شما می‌پذیرد، یعنی:

شما چهارده معصوم علیهم السّلام بهتر از هر مخلوقی خداوند متعال را می‌شناسید زیرا مقرب‌ترین مخلوق الهی در درگاه خداوند متعال می‌باشید، لذا:
 هر کس بخواند خداوند متعال را بشناسد باید از طریق شما و به وسیله شما و با راهنمایی شما باشد چرا که دیگران هر چه درباره ذات و صفات خداوند متعال بگویند از پیش خود گفته‌اند لذا سخن آن‌ها مورد اعتماد نیست،
 لیکن فرمایشات شما مستند به وحی است یعنی هر چه بفرمائید عین حقیقت است، و به عبارت دیگر:

فرمایش شما فرمایش خداوند متعال است نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد.
 وَ مَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ، یعنی:

هر کس قصد خداوند متعال را بنماید از طریق شما به خداوند متعال توجّه می‌کند، یعنی:

هر کس بخواند قُرب به درگاه الهی پیدا کند و هر کس بخواند تقرّب به درگاه الهی پیدا کند و مقرب درگاه الهی شود باید از طریق شما و به وسیله شما چهارده معصوم علیهم السّلام باشد، زیرا شما عالی‌ترین وسیله و تنها وسیله قُرب به درگاه

خداوند متعال می‌باشید، لذا:

خداوند متعال در آیه سی و پنجم سوره مائده فرموده:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ... یعنی:

ای مؤمنین:

تقوا پیشه کنید «از خدا بترسید و مرتکب گناه نشوید»، و برای تقرّب به درگاه خداوند متعال وسیله‌ای بجوئید.

طبق احادیث شریفی که به عرض رسید:

وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السلام تنها وسیله قرب به درگاه خداوند متعال هستند، زیرا:

وسایل قرب دیگر از قبیل نماز، روزه، حج، جهاد، و سایر عبادات و اعمال صالح در گرو این وسیله می‌باشند.^۱

ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السلام عالی‌ترین وسیله جهت تقرّب به درگاه خداوند متعال می‌باشند،

و هر کس بخواهد به درگاه الهی تقرّب جوید باید از طریق این ذوات مقدّسه باشد، زیرا این ذوات مقدّسه:

وسيله الى الله هستند «اشاره به آیه ۳۵ سوره مائده»،

حَبْلِ اللَّهِ هستند «اشاره به آیه ۱۰۳ سوره آل عمران»،

عُرْوَةُ الْوُثْقَى هستند «اشاره به آیه ۲۵۶ سوره بقره»،

و خداوند متعال در این آیات شریفه «و احادیث ذیل آیات شریفه که معنی باطنی آیات شریفه را بیان می‌فرمایند» به مردم دستور می‌دهد که به وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السلام تمسک نموده و چنگ بزنند تا فائز و رستگار شوند.

ذیل آیه ۲۵۶ سوره بقره و ۱۰۳ سوره آل عمران و آیه ۳۵ سوره مائده در این رابطه توضیحات کاملی ارائه شده است.

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت‌الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۴۶۶ - ۴۶۷ - ۵۱۸ تا ۵۲۰.
شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف علامه سید حسین همدانی درودآبادی، صفحه ۵۴۵ - ۵۷۲ تا ۵۷۷.

آیه ۳۶ و ۳۷ سوره مائده:

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» آیه ۳۶.
 «يُرِيدُونَ أَنْ يُخْرِجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ» آیه ۳۷.

ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

آنان که کافر شدند اگر تمام آنچه که در روی زمین است و مثل آن مال آنها باشد و همه آن را برای نجات از عذاب روز قیامت بدهند از آنها پذیرفته نمی شود، و برای آنها عذابی الیم و دردناک است. آیه ۳۶.
 آنها «کافرین» پیوسته می خواهند از آتش جهنم خارج شوند لیکن نمی توانند از آن خارج شوند، و برای آنها عذابی همیشگی است. آیه ۳۷^۱

شرح لغات و توضیحات:

فدی، فدیّه = مالی که در برابر آزادی اسیران داده می شود.

اِفْتِدَاءٍ = برای آزادی خویش فدیّه دادن.

أَلَمٌ = درد سخت و شدید.

أَلِيمٌ = دردناک، دردآور.

مُّقِيمٌ = دائم، پایدار، پاینده، باقی.^۲

این دو آیه شریفه «آیه ۳۶ و ۳۷ سوره مائده» در رابطه با کفار بوده و سرنوشت آنها را در روز قیامت بیان می کند که گرفتار عذاب الیم و دردناک جهنم هستند و مخلد در آتش جهنم می باشند، یعنی جهنم جایگاه همیشگی و ابدی آنها است. خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۳۶ سوره مائده» می فرماید:

۱. مجمع البیان، جلد هفتم، صفحه ۲۱.

تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۴۷۳.

۲. مفردات راغب.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا = آنان که کافر شدند اگر تمام آنچه که در روی زمین است متعلق به آنها باشد.

وَمِثْلَهُ مَعَهُ = و همانند آن را داشته باشند، یعنی:

اگر تمام آنچه که در روی زمین است و معادل آن «دو برابر آنچه که در روی زمین است» را نیز داشته باشند.

لِيُتَفَتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ = تمام آن ثروت را برای نجات از عذاب روز قیامت بپردازند «فدیه بدهند».

مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ = از آنها پذیرفته نمی شود «از آنها قبول نمی شود».

و لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ = و برای آنها عذاب دردناکی است، یعنی:

مجازات کفار عذاب الیم و دردناک جهنم می باشد.

این آیه شریفه اوضاع و احوال کفار را در روز قیامت بیان می فرماید که چگونه گرفتار عذاب الیم و دردناک جهنم می باشند و راه نجاتی نیز برای آنها نیست و به هیچ طریقی نمی توانند از عذاب الیم جهنم خلاص شوند.

کفار در روز قیامت سرمایه و اندوخته‌ای ندارند که آن را فدیه بدهند «آن مال را بدهند تا خودشان را از عذاب جهنم آزاد کنند».

لیکن خداوند متعال می فرماید:

اگر «به فرض محال»:

هر کدام از کفار تمام کره زمین را صاحب باشد «اگر همه کره زمین با تمام ثروت و امکاناتش متعلق به هر کدام از کفار باشد» و معادل آن را نیز در تملک خویش داشته باشد و همه آنها را حاضر باشد بپردازد تا از عذاب جهنم خلاص شود از او پذیرفته نخواهد شد، یعنی:

اگر چندین برابر ثروت و مکنت تمام کره زمین متعلق به یک کافر باشد و این کافر بخواهد این همه ثروت عظیم را بدهد و در مقابل آن از عذاب جهنم خلاص شود از او پذیرفته نمی شود و او باید عذاب جهنم را تحمل کند.

این مثال در واقع تعلیق به محال می باشد، یعنی:

کافر که روز قیامت مال و ثروتی ندارد که بخواهد آن را معاوضه کند یعنی آن

مال و ثروت را بدهد و عذاب را از خودش دور نماید، بنابراین این آیه شریفه در بیان تاکید بر عذاب کافرین است و اینکه این عذاب با هیچ وسیله‌ای از کافرین دور نمی‌شود و قابل معاوضه نمی‌باشد، لذا می‌فرماید:

حتی اگر «به فرض محال» هر کافر معادل چندین برابر تمام امکانات و ثروت کره زمین را نیز در اختیار داشته باشد و حاضر باشد تمام آن ثروت عظیم را بپردازد و از آتش جهنم خلاص شود از او پذیرفته نمی‌شود، یعنی کفار محکوم به تحمّل آتش جهنم هستند و به هیچ طریق نمی‌توانند آتش جهنم را از خودشان دور کنند و از آتش جهنم خلاص و رها شوند.

بنابراین:

انسان مادامی که در دنیا است باید وسایلی فراهم کند تا روز قیامت باعث سعادت و رستگاری او شود، یعنی:

دنیا دار عمل است و آخرت سرای پاداش، لذا انسان گنهکار روز قیامت نمی‌تواند کاری کند که از عذاب الهی دور شود.

آیه بعد «آیه ۳۷ سوره مائده» به دوام و پایداری عذاب کافرین اشاره کرده و آرزو و تمنای کافرین را بیان می‌فرماید که:

يُرِيدُونَ أَنْ يُخْرِجُوا مِنَ النَّارِ = کفار اراده می‌کنند که از آتش جهنم خارج شوند.

کفار در روز قیامت و در داخل جهنم قدرتی ندارند که بخواهند اراده خروج از جهنم را داشته باشند، لذا:

اراده در این آیه شریفه معنی تمنا و آرزو و درخواست می‌دهد، یعنی:

کفاری که داخل جهنم هستند و عذاب می‌شوند تمنا و تقاضا و آرزو می‌کنند که از جهنم خارج شوند و از عذاب جهنم خلاص شوند، لیکن:

وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا = نمی‌توانند از جهنم خارج شوند، یعنی:

قدرت و توانایی خروج از جهنم را ندارند، یعنی:

کفار از جهنم بیرون نخواهند آمد و به آن‌ها اجازه داده نخواهد شد که از جهنم خارج شوند و امکان خروج از جهنم برای کفار وجود ندارد.

و لَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ = برای کفار عذابی همیشگی است، یعنی:

کَفَّارٍ مَّخْلُودٍ فِي آتَشٍ جَهَنَّمَ هَسْتَنْد و جَهَنَّمَ جَايْگَاهِ هَمِيْشْگِي و اَبْدِي اَن هَا اسْت.^۱

توضیح:

الف: ملاحظه فرمودید که:

آیات ۳۶ و ۳۷ سوره مبارکه مائده در رابطه با کَفَّار بود «کَفَّارٍ يَعْنِي كَسَانِي كِه بَه و حِدَانِيَّت و يِگَانْگِي خِداوَنْد مِتْعَال و يَا بَه نَبُوْت و رِسَالْت پِيَامْبِر اَكْرَم و يَا بَه هِر دَوِي اَن هَا اَعْتِقَاد نِدَارَنْد» و اَوْضَاع و اَحْوَال اَن هَا رَا دَر رُوْز قِيَامْت بِيَان مِي فِرْمُوْد كِه گِرْفْتَار عَذَابِ الْيَمِّ و دَر دِنَاك جَهَنَّمَ مِي بَاشَنْد و مَخْلُودٍ دَر آتَشِ جَهَنَّمَ هَسْتَنْد، يَعْنِي جَهَنَّمَ جَايْگَاهِ هَمِيْشْگِي و اَبْدِي اَن هَا اسْت.

اِنْشَاءَ اللّٰهِ تَعَالٰی دَر بَخْشِ حَدِيْثِ مَلَاخِظَه خَوَاهِيْد فِرْمُوْد كِه تَاوِيْل آيَه شَرِيْفَه دَر رَابِطَه بَا دَشْمَنْانِ امِيْر الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَام و دَشْمَنْانِ سَايِرِ اَنْمَه مَعْصُوْمِيْنَ عَلَيْهِمُ السَّلَام مِي بَاشَد كِه اَن هَا نِيْز مَانَنْد كَفَّارٍ گِرْفْتَارِ عَذَابِ الْيَمِّ و دَر دِنَاكِ جَهَنَّمَ مِي بَاشَنْد و مَخْلُودٍ دَر آتَشِ جَهَنَّمَ هَسْتَنْد و جَهَنَّمَ جَايْگَاهِ هَمِيْشْگِي و اَبْدِي اَن هَا اسْت.

ب: دَر آيَاتِ دِيْگَرِي نِيْز اَز مَخْلُودٍ بُوْدَنْ كَفَّارٍ دَر آتَشِ جَهَنَّمَ صَحْبَتِ شُدَه كِه بَه تَعْدَادِي اَز اَن هَا اِشَارَه مِي شُوْد.

«وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا اُولٰٓئِكَ اَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيْهَا خَالِدُونَ - آيَه ۳۹، سوره بقره».

«اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَنْ تُغْنِيَّ عَنْهُمْ اَمْوَالُهُمْ وَاَوْلَادُهُمْ مِّنْ اللّٰهِ شَيْئًا، وَاُولٰٓئِكَ اَصْحَابُ النَّارِ، هُمْ فِيْهَا خَالِدُونَ - آيَه ۱۱۶، سوره آل عمران».

«اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَ مَاتُوْا وَ هُمْ كُفَّارٌ اُولٰٓئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللّٰهِ وَ الْمَلٰٓئِكَةِ وَ النَّاسِ اَجْمَعِيْنَ - خَالِدِيْنَ فِيْهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَا هُمْ يُنظَرُونَ - آيَه ۱۶۱ و ۱۶۲ سوره بقره».

«وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا اُولٰٓئِكَ اَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِيْنَ فِيْهَا وَ بِئْسَ الْمَصِيْرُ - آيَه

۱. مجمع البيان، جلد هفتم، صفحه ۲۴ - ۲۵.

الميزان، جلد دهم، صفحه ۱۹۰ - ۱۹۱.

تفسير نمونه، جلد چهارم، صفحه ۴۷۳ - ۴۷۴.

۱۰، سوره تغابن».

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا، أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ - آیه ۶، سوره بینه» یعنی:

کسانی که کافر شدند و آیات ما را «خداوند متعال» تکذیب کردند اهل جهنم هستند و مخلد در آتش جهنم می‌باشند «برای همیشه داخل جهنم خواهند ماند و جهنم جایگاه همیشگی و ابدی آنها است». «آیه ۳۹ سوره بقره».

کسانی که کافر شدند هرگز نمی‌توانند در پناه اموال و فرزندانشان از مجازات خداوند متعال در امان بمانند، آنها اهل جهنم هستند و جاودانه در آن خواهند ماند یعنی مخلد در آتش جهنم هستند. «آیه ۱۱۶ سوره آل عمران».

کسانی که کافر شدند و در حال کفر از دنیا رفتند لعنت خداوند متعال و ملائکه و همه مردم بر آنها خواهد بود و برای همیشه در آن باقی می‌مانند «در جهنم»، نه در عذاب آنها تخفیف داده می‌شود و نه مهلتی خواهند داشت «آیه ۱۶۱ و ۱۶۲ سوره بقره».

کسانی که کافر شدند و آیات ما «خداوند متعال» را تکذیب کردند اصحاب دوزخند «اهل جهنم هستند» و مخلد در آتش جهنم می‌باشند «جاودانه در آن می‌مانند» و جهنم بد جایگاهی است «سرانجام بدی است». «آیه ۱۰، سوره تغابن». کافرین از اهل کتاب «یهود - نصاری» و مشرکین در آتش جهنم هستند و مخلد در آتش جهنم می‌باشند «جاودانه در آن خواهند ماند و جایگاه همیشگی و ابدی آنها جهنم است» و آنها بدترین مخلوقات می‌باشند «آیه ۶، سوره بینه».

طبق آیات شریفه‌ای که ملاحظه فرمودید کفار «غیرمسلمانان» اهل جهنم هستند و مخلد در آتش جهنم می‌باشند و جهنم جایگاه همیشگی و ابدی آنها است.

همچنین:

طبق آیه ششم سوره بینه که ملاحظه فرمودید مشرکین نیز اهل جهنم می‌باشند و مخلد در آتش جهنم هستند یعنی جهنم جایگاه همیشگی و ابدی آنها است.

همچنین:

طبق آیه ۶۸ سوره توبه که ذیلاً ملاحظه خواهید فرمود منافقین نیز اهل جهنم

هستند و مخلد در آتش جهنم می‌باشند، یعنی جهنم جایگاه همیشگی و ابدی آنها است.

قابل ذکر است که منافقین همان کفار هستند لیکن تظاهر به اسلام می‌کنند، یعنی: ظاهراً مسلمان هستند و اعمال مسلمان‌ها را به جای می‌آورند «تا بین مسلمین باقی بمانند و به اهداف شوم خویش نائل شوند» لیکن قلباً و باطناً به خداوند متعال و به پیامبر اکرم و به ائمه معصومین علیهم‌السلام ایمان ندارند.

«وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَ لَعْنَهُمُ اللَّهُ وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِمٌّ - آیه ۶۸، سوره توبه» یعنی:

خداوند متعال به مردان و زنان منافق و کفار وعده آتش جهنم داده که برای همیشه داخل جهنم خواهند ماند و همان برای آنها کافی است، و خداوند متعال آنها را لعنت کرده «از رحمت خود دور ساخته» و عذاب همیشگی و ابدی برای آنها است.

همچنین:

طبق احادیثی که ملاحظه خواهید فرمود مُنْكَرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام و دشمنان آن ذوات مقدسه نیز اهل جهنم هستند و مخلد در آتش جهنم می‌باشند یعنی جهنم جایگاه همیشگی و ابدی آنها است.

ج: در آیه ۳۶ سوره مائده ملاحظه فرمودید که:

اگر کفار «همچنین منافقین و مُشْرکین» معادل چند برابر تمام ثروت و مکنت کل زمین را دارا باشند و بخواهند آنها را بدهند تا از عذاب جهنم خلاص شوند از آنها پذیرفته نخواهد شد و گرفتار عذاب الیم و دردناک خواهند بود، و طبق آیه ۳۷ سوره مائده جایگاه همیشگی و ابدی این افراد جهنم می‌باشد که جاودانه در آن خواهند ماند.

در آیات دیگری نیز این موضوع بیان شده که به تعدادی از آنها اشاره می‌شود. «وَ لَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً وَ مِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ مِنْ سُوءِ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ بَدَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ - آیه ۴۷ سوره زمر».

«وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ أُولَئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبُئْسَ الْمِهَادُ - آیه ۱۸ سوره رعد».

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِلْءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَلَوْ افْتَدَى بِهِ، أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ - آیه ۹۱، سوره آل عمران»، یعنی:

اگر ظالمین تمام آنچه را که در روی زمین است مالک باشند و همانند آن نیز بر آن افزوده شود حاضر هستند همه آن‌ها را فدا کنند «فدیه بدهند» تا از عذاب جهنم رهایی یابند اما چنین چیزی ممکن نیست و ظالمین آن روز «روز قیامت» عذاب‌هایی را با چشم خود می‌بینند که هرگز به ذهن آن‌ها نیز خطور نمی‌کند «ظلم در این آیه شریفه معنی گسترده‌ای دارد که هم شرک را شامل می‌شود هم کُفر را و هم نفاق را، یعنی مصداق اتم و اکمل ظالمین، کافرین و مُشرکین و منافقین و دشمنان ائمه معصومین علیهم السّلام می‌باشند» (آیه ۴۷ سوره زمر).

کسانی که دعوت خداوند متعال را اجابت نکردند «به پیامبر اکرم ایمان نیاورده و اسلام اختیار نکرده و به راه باطل رفتند» روز قیامت آنچنان گرفتار عذاب الهی می‌شوند که حاضر می‌شوند تمام آنچه را که روی زمین است و معادل آن را «چند برابر تمام ثروت موجود در زمین» را فدیه بدهند تا از عذاب الهی خلاص شوند لیکن از آن‌ها پذیرفته نخواهد شد و آن‌ها دارای حساب سخت و بدی هستند «دقیقاً به حساب آن‌ها رسیدگی خواهد شد و هیچگونه گذشته‌ای شامل حال آن‌ها نخواهد شد» و جایگاه آن‌ها جهنم است و جهنم چه جایگاه بدی است «آیه ۱۸ سوره رعد».

کسانی که کافر شدند و در حال کُفر از دنیا رفتند اگر تمام روی زمین پر از طلا باشد «و کافرین صاحب و مالک آن طلاها باشند» و آن طلاها را به عنوان فدیه بپردازند تا از عذاب جهنم خلاص شوند از آن‌ها پذیرفته نخواهد شد و آن‌ها گرفتار عذاب الیم و دردناک هستند و یار و یابوری ندارند «آیه ۹۱ سوره آل عمران».

بنابراین:

روز قیامت روز فدیه دادن نیست که کافر چیزی بپردازد و از عذاب الهی خلاص

شود.

خداوند متعال در آیه پانزدهم سوره حدید می فرماید:
 فَأَلْيَوْمَ لَا يُؤَخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا، مَا وَأَكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ،

یعنی:

امروز «روز قیامت» نه از شما «منافقین» فدیة پذیرفته می شود و نه از کافران، و جایگاه شما جهنم است و مولا و سرپرست شما همان جهنم است و جهنم چه بد جایگاهی است «ذیل آیات ۱۲ تا ۱۵ سوره حدید توضیحات لازم ارائه شده و عنوان شده که مقصود از منافقین در این آیه شریفه منکرین امامت ائمه معصومین علیهم السّلام می باشند».

با توجه به توضیحاتی که ارائه شد و با عنایت به احادیثی که به عرض خواهد رسید معنی آیه ۳۶ و ۳۷ سوره مائده «اعم از تنزیل و تأویل آیات شریفه» این می شود که:

کفار، مُشْرکین، منافقین و مُنکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام و دشمنان آن ذوات مقدّسه اگر مالک و صاحب تمام ثروت و مکتب زمین باشند و چند برابر ثروت و مکتب کلّ زمین را مالک باشند و حاضر باشند «بخوانند» همه آن اموال را فدیة بدهند «فدیة یعنی دادن مال و ثروت جهت آزاد شدن و خلاص شدن از عذاب و از اسارت» تا از عذاب جهنم خلاص شوند از آن‌ها پذیرفته نخواهد شد و آن‌ها گرفتار عذاب الیم و دردناک جهنم خواهند بود «آیه ۳۶ سوره مائده».

آن‌ها «کافرین و مُشْرکین، منافقین، مُنکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام و دشمنان آن ذوات مقدّسه» پیوسته می خواهند که از جهنم خارج شوند «تمنّا و تقاضا می کنند که از جهنم خارج شوند» لیکن توانایی خروج از جهنم را ندارند و امکان خروج از جهنم برای آن‌ها وجود ندارد و برای آن‌ها عذابی همیشگی است و مخلّد در آتش جهنم می باشند «آیه ۳۷ سوره مائده».

حدیث:

۱. وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام درباره این آیه شریفه «يُرِيدُونَ أَن يُخْرِجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ - آیه ۳۷ سوره مائده» فرمودند:

عَدُوٌّ عَلِيٌّ بِنِ ابِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ هُمُ الْمُخَلَّدُونَ فِي النَّارِ، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «يُرِيدُونَ أَنْ يُخْرِجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ» - آیه ۳۷ سوره مائده». یعنی:

دشمنان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام مخلد در آتش جهنم بوده و برای همیشه داخل جهنم خواهند ماند، و خداوند متعال درباره دشمنان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می فرماید:

«يُرِيدُونَ أَنْ يُخْرِجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ».

این حدیث را ابو بصیر از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۱

۲. منصور بن حازم می گوید:

از وجود مقدس امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه «يُرِيدُونَ أَنْ يُخْرِجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ» - آیه ۳۷ سوره مبارکه مائده» سؤال کردم و پرسیدم که مقصود این آیه شریفه چه افرادی هستند.

وجود مقدس امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال من فرمودند:

أَعْدَاءُ عَلِيٍّ بِنِ ابِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ هُمُ الْمُخَلَّدُونَ فِي النَّارِ أَبَدَ الْأَبَدِينَ وَ دَهْرَ الدَّاهِرِينَ،

یعنی:

مقصود این آیه شریفه «آیه ۳۷ سوره مائده» دشمنان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام هستند که مخلد در آتش جهنم بوده و تا ابدیت و برای همیشه داخل جهنم خواهند بود.^۲

۱. المیزان، جلد دهم، صفحه ۱۹۸.

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۴۰۸.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۶۴۳، حدیث ۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۳۸۹، حدیث ۱۸۰، «حدیث ۲۷۴۰».

۲. تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۴۰۸.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۶۴۳، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۳۸۹، حدیث ۱۸۱، «حدیث ۲۷۴۱».

توضیح:

ملاحظه فرمودید که ظاهر این دو آیه شریفه «آیه ۳۶ و ۳۷ سوره مائده» و تنزیل آن‌ها در رابطه با کفار بود و اوضاع و احوال کافرین را در روز قیامت بیان می‌فرمود «بیان می‌فرماید» که چگونه گرفتار عذاب الیم و دردناک جهنم خواهند بود و راه خلاص و نجات ندارند و مخلد در آتش جهنم هستند، یعنی جهنم جایگاه همیشگی و ابدی آن‌ها است.

لیکن طبق تأویل این دو آیه شریفه «آیه ۳۶ و ۳۷ سوره مائده» که از لسان مبارک امام باقر و امام صادق علیهما السلام صادر شده و معنی باطنی آیات شریفه را بیان می‌فرمایند مُنکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام و دشمنان آن ذوات مقدسه نیز مشمول این دو آیه شریفه بوده و مخلد در آتش جهنم می‌باشند، یعنی جایگاه همیشگی و ابدی آن‌ها جهنم می‌باشد و برای همیشه داخل جهنم خواهند ماند.

ذیل آیات دیگری نیز به این موضوع اشاره شده و احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که مُنکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام مخلد در آتش جهنم بوده و جهنم جایگاه همیشگی و ابدی آن‌ها می‌باشد که انشاء الله تعالی به تعدادی از آن‌ها اشاره خواهد شد، ضمن اینکه در خطبه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر خم نیز موضوع مخلد بودن مُنکرین امامت ائمه معصومین علیهم السلام مطرح شده که به حول و قوه الهی به آن نیز اشاره خواهد شد.

۳. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم این آیه شریفه «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ، وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ، أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» - آیه ۲۵۷ سوره بقره را تلاوت می‌فرمودند که یکی از اصحاب به آن حضرت عرض کرد:

یا رسول الله:

مَنْ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ، یعنی:

اصحاب آتش «اهل جهنم» که مخلد در آتش جهنم هستند چه کسانی می باشند. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: اهل جهنم که مخلد در آتش جهنم می باشند کسانی هستند که پس از من با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام جنگ می کنند، این ها روز قیامت همنشین کفار می باشند، زیرا:

پس از آنکه حق به سوی آنها آمد آن را انکار کرده و از آن اعراض نمودند «انکار ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام»، همچنان که کفار نیز وقتی با حق مواجه شدند آن را انکار کرده و به آن کفر ورزیدند «ایمان نیاوردن کفار به نبوت و رسالت پیامبر اکرم»^۱.
ذیل آیه ۲۵۷ سوره بقره در این رابطه توضیحات کاملی ارائه شده است.

۴. وجود مقدس امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند: اِذَا جَدَّ اِمَامَةً اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَاُولَئِكَ اَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ، یعنی: هر کس امامت و ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام را انکار کند جایگاهش در جهنم است و مخلد در آتش جهنم خواهد بود «برای همیشه و برای ابد داخل جهنم خواهد ماند»^۲.

۵. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آیه ۸۱ سوره بقره «بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَّ اَحَاطَتْ بِهٖ حَظِيَّتُهُ، فَاُولَئِكَ اَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» را تلاوت می فرمودند که تعدادی از اصحاب از آن حضرت سؤال کردند: یا رسول الله:

این اهل آتش که مخلد در جهنم هستند چه کسانی می باشند.

۱. تفسیر نورالتقلین، جلد اول، صفحه ۵۸۱، حدیث ۱۰۷۱ «حدیث ۱۱۸۷» «ذیل آیه ۲۵۷ سوره بقره».

۲. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۳۰۴، حدیث ۸۲ «حدیث ۱۱۶۱».

المیزان، جلد اول، صفحه ۴۰۰ «ذیل آیه ۸۱ سوره بقره».

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۲۲۶ «ذیل آیه ۸۱ سوره بقره».

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۳۷۹، حدیث ۲ «ذیل آیه ۸۱ سوره بقره»

تفسیر نورالتقلین، جلد اول، صفحه ۲۱۵، حدیث ۲۵۸ «حدیث ۳۷۲»

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:
این‌ها کسانی هستند که پس از من با علی بن ابیطالب علیه‌السلام مخالفت کرده
و با او می‌جنگند.
وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در ادامه فرمایش خویش
فرمودند:

این‌ها «مخالفین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و مُنکرین امامت و ولایت آن
حضرت» به همراه کافرین اهل جهنّم می‌باشند زیرا وقتی حق به نزد آن‌ها آمد «حق
یعنی علی بن ابیطالب علیه‌السلام و امامت و ولایت آن بزرگوار» به او کُفر ورزیدند
«امامت او را نپذیرفتند».

سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم اصحاب را مورد خطاب قرار داده
و فرمودند:

بدانید و آگاه باشید که علی بن ابیطالب علیه‌السلام پاره تن من است، پس:
هرکس با او بجنگد با من جنگیده و پروردگار مرا به خشم آورده است.^۱

۶. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم روز هیجدهم ذیحجه سال
دهم هجری در محلّ غدیر خم و در حضور جمعیت کثیری از حجاج بیت‌الله‌الحرام
که تعداد آن‌ها تا یکصد و بیست هزار نفر نیز گفته شده خطبه مفصّلی ایراد فرموده
و گوشه‌ای از فضائل و مناقب مولی‌الموحدین علی بن ابیطالب علیه‌السلام را بیان
نموده و سپس به امر خداوند متعال آن حضرت را به عنوان وصی و جانشین
خویش و به عنوان امام مسلمین معرفی و منصوب فرمودند.
وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در قسمتی از بیانات خویش
فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ، وَلَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وَلَا يَتَّهَ، وَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُ، حَتَّمَا عَلَى اللَّهِ أَنْ
يَفْعَلَ ذَلِكَ مِمَّنْ خَالَفَ أَمْرَهُ فِيهِ، وَأَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا نُكْرًا أَبَدَ الْأَبَادِ وَدَهْرَ الدُّهُورِ، فَاحْذَرُوا أَنْ

۱. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۳۷۹، حدیث ۳ «ذیل آیه ۸۱ سوره بقره».

تُخَالِفُوهُ فَتَضَلُّوا نَاراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ، یعنی:

ای گروه مردم:

به درستی که علی بن ابیطالب علیه السلام از طرف خداوند متعال بر شما امام است «یعنی خداوند متعال آن حضرت را به عنوان امام مسلمین منصوب فرموده است»، هر کس ولایت و امامت او را انکار کند خداوند متعال هرگز توبه اش را نمی پذیرد و او را نمی آمرزد.

بر خداوند متعال حتم است که با منکر ولایت و امامت علی بن ابیطالب چنین معامله ای کند،

زیرا منکر ولایت آن حضرت با امر خداوند متعال درباره علی بن ابیطالب مخالفت کرده است،

و خداوند متعال منکر ولایت علی بن ابیطالب را عذاب خواهد کرد، عذابی سخت و همیشگی که انتها نداشته باشد،

پس:

ای مردم:

بترسید از مخالفت علی بن ابیطالب که در این صورت وارد آتش خواهید شد که هیزم آن مردم هستند «اهل جهنم»، و سنگ های جهنم، که خداوند متعال برای کافران مهیا نموده است «اهل جهنم و سنگ های جهنم هیزم جهنم هستند و می سوزند تا جهنم را گرم کنند و بر شدت حرارت آن بیفزایند». بنابراین:

جایگاه منکرین ولایت آن حضرت همچنین جایگاه منکرین امامت ائمه معصومین علیهم السلام همان جایگاه کافرین می باشد، یعنی:

منکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام و کافرین در جهنم کنار هم بوده و همنشین و ملازم یکدیگر هستند.

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمایشات خویش «در محل غدیر خم» فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

بِى وَاللّهِ بَشَرًا أَوْلُوْنَ مِنَ النَّبِيِّنَّ وَالْمُرْسَلِينَ،
 وَأَنَا خَاتَمُ (خَاتَمِ) الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ،
 وَالْحُجَّةُ عَلَى جَمِيعِ الْمَخْلُوقِينَ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ،
 فَمَنْ شَكَّ فِي ذَلِكَ فَهُوَ كَافِرٌ كُفْرَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى،
 وَمَنْ شَكَّ فِي شَيْءٍ مِنْ قَوْلِي هَذَا فَقَدْ شَكَّ فِي الْكُلِّ مِنْهُ،
 وَالشَّكَّ فِي الْكُلِّ فَلَهُ النَّارُ، یعنی:
 ای مردم:

به خدا قسم تمام انبیاء و رسولان گذشته «پیامبران قبل از من» به رسالت من
 بشارت داده‌اند،

و من خاتم پیامبران هستم،
 و حجّت خداوند متعال بر مخلوقات می‌باشم چه در آسمان‌ها و چه در زمین،
 پس:

هر کس در این مطلب شک کند کافر است همچون کفر دوران جاهلیت.
 هر کس در یکی از گفته‌های من شک کند به همه گفته‌های من شک نموده است،
 و هر کس به همه گفته‌های من شک کند جایگاهش آتش جهنم است.
 وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در قسمت دیگری از بیانات
 خویش «در غدیر خم» فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:
 إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ،
 فَمَنْ لَمْ يَأْتَمَّ بِهِ وَبِمَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ مِنْ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالْعَرْضِ عَلَى اللَّهِ
 عَزَّوَجَلَّ،

فَأُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ خَالِدُونَ،
 لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ، یعنی:

ای مردم:

خداوند متعال دین شما را «دین اسلام را» به امامت علی بن ابیطالب علیه السلام
 کامل کرد «اشاره به آیه سوّم سوره مائده که راجع به آن توضیحات مفصّلی ارائه

شد»، پس:

کسی که به علی بن ابیطالب و فرزندان من که از صُلب او هستند اقتدا نکند و از آن‌ها اطاعت و پیروی ننماید و امامت آن‌ها را نپذیرد، امامتی که تا روز قیامت ادامه دارد، اعمال چنین شخصی «مُنکرین امامت ائمه معصومین علیهم السّلام» حَبْط و نابود خواهد شد،

و عذاب او هرگز تخفیف داده نشده،
و نظر لطف بر آن‌ها افکنده نخواهد شد.^۱

توضیح:

الف) منکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام مخلّد در آتش جهنّم می‌باشند یعنی جهنّم جایگاه ابدی و همیشگی آن‌ها است.

ب) منکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام اگر در دنیا اعمال صالحی نیز انجام داده باشند «از قبیل نماز، روزه، حج، کمک به فقرا و...» تمام این اعمال صالح حَبْط و نابود خواهند شد و ذرّه‌ای به صاحبش فایده نخواهد داشت. راجع به موضوع حَبْط اعمال ذیل آیه پنجم سوره مائده توضیحات کاملی ارائه شده است.

ج) امامت یعنی اکمال دین و اتمام نعمت خداوند متعال به بندگانش، یعنی: با نصب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام به امامت مسلمین دین اسلام کامل شد و نعمت خداوند متعال بر بندگانش کامل گشت. ذیل آیه سوّم سوره مائده در این رابطه توضیحات کاملی به عرض رسیده است.

۷. وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

دشمنان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام مخلّد در آتش جهنّم هستند،

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج پیامبر اکرم در غدیر خم، صفحه ۱۱۸ تا ۱۴۶ «صفحه ۱۲۹ - ۱۳۲»، حدیث ۳۲. شرح خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم، تألیف آیت الله سیّد محمدتقی نقوی، صفحه ۱۷۲ تا ۱۷۴ - ۳۲۰ تا ۳۲۳.

حتی اگر در نهایت زهد و تقوا و عبادت باشند، و ایمان آورندگان به امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام برای ابد و برای همیشه داخل بهشت خواهند شد حتی اگر در عمل برخلاف گروه اول باشند «حتی اگر زهد و تقوا و عبادت خیلی زیادی هم نداشته باشند»^۱.

۸. وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:

إِنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيُهْدِيَهُمْ طَرِيقًا، إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا، وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا، یعنی:

کسانی که به آل محمد علیهم السلام ظلم کرده و حقوق آنها را غصب نمودند «غصب خلافت و غصب سایر حقوق اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم»

خداوند متعال هرگز آنها را نمی آمرزد،

و هرگز آنها را به راه راست و به راه بهشت هدایت نمی کند،

بلکه آنها را به طرف جهنم سوق خواهد داد و آنها را وارد جهنم خواهد نمود و آنها مخلد در آتش جهنم خواهند بود «جهنم جایگاه ابدی و همیشگی آنها خواهد بود».

و این کار «عذاب کردن ظلم کنندگان به آل محمد علیهم السلام» برای خداوند متعال آسان است.

این حدیث را ابی حمزه از وجود مقدس امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۲

۱. تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۴۹۷ «ذیل آیه ۲۵۷ سوره بقره».

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۷۸۹، حدیث ۱۵ «ذیل آیه ۲۵۷ سوره بقره».

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۵۷۹، حدیث ۱۰۶۷ «حدیث ۱۱۸۳» «ذیل آیه ۲۵۷ سوره بقره».

۲. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۹۵، حدیث ۵۹ «حدیث ۱۱۳۸».

المیزان، جلد نهم، صفحه ۲۲۶.

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۳۴۸ - ۳۴۹.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۵۱۴، حدیث ۱، ۲ و ۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۲۷۵، حدیث ۶۸۴ - ۶۸۵ «حدیث ۲۵۳۶ و ۲۵۳۷».

توضیح:

(الف) این حدیث شریف ذیل آیه ۱۶۸ و ۱۶۹ سوره نساء درج شده است.
 (ب) عین همین حدیث را ابی بصیر نیز از وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.

(ج) ذیل آیه ۱۶۸ و ۱۶۹ سوره نساء در رابطه با مخلّد بودن دشمنان آل محمّد علیهم السّلام در جهنّم توضیحاتی ارائه شده است.

۹. امام باقر علیه السّلام فرمودند:

دشمنان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام مخلّد در آتش جهنّم هستند «جایگاه ابدی و همیشگی آنها جهنّم است» و شفاعت شامل حال آنها نخواهد شد.

این حدیث را ابوبصیر از امام باقر علیه السّلام نقل کرده است.^۱

۱۰. وجود مقدّس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام در پاسخ به سؤال یک نفر که در رابطه با موت «مرگ» از آن حضرت پرسیده بود فرمودند:

مرگ یکی از سه امری است که بر آدمی وارد می شود، یعنی:
 مرگ:

یا بشارت و مژده به نعمات ابدی و همیشگی و جاویدان است،
 یا خبر دادن به عذاب ابدی و همیشگی جهنّم،
 و یا اندوهگین ساختن و ترساندن است.

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

کسی که مُحَبّ ما «دوستدار ما» و مطیع و پیرو ما باشد هنگام مرگ به نعمات ابدی و همیشگی بشارت داده می شود،

دشمنان ما عذاب ابدی در پیش خواهند داشت «یعنی ورود در جهنّم و مخلّد

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۲۱۷، حدیث ۶. «ذیل آیه ۱۰۵ تا ۱۰۸ سوره هود».

بودن در آتش جهنم»،

اما گروه سوم که وضعشان معلوم نیست و نمی‌دانند سرانجام کار آنها چه خواهد شد.

این گروه سوم مؤمنینی هستند «شیعیانی هستند» که به زیان خویش زیاده‌روی نموده‌اند «اسراف بر نفس و زیاده‌روی بر ضرر خویش نموده» یعنی: مرتکب گناهان زیادی شده‌اند،

و به همین جهت اخبار مبهم و ترسناکی به آنها می‌رسد و مشخص نیست که سرانجامشان به کجا خواهد کشید، لیکن خداوند متعال هرگز آنها را با دشمنان ما برابر نخواهد کرد و به شفاعت ما آنها را از جهنم بیرون خواهد آورد. وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

پس ای مؤمنین «ای شیعیان»:

اعمال صالح انجام دهید و از خداوند متعال اطاعت کنید و اطمینان خاطر نداشته باشید و عقوبت و سزای گناه را از سوی خداوند متعال ناچیز بشمارید، زیرا شفاعت شامل حال مُسرفین نخواهد شد مگر بعد از سیصد هزار سال.^۱

توضیح:

طبق این حدیث شریف انسان‌ها در حال احتضار و در حال جان دادن با سه حالت مواجه می‌شوند، و یا به عبارت دیگر: انسان‌ها در حال احتضار به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف) انسان‌هایی که در حال مرگ و در حال احتضار بشارت و مژده ورود به بهشت به آنها داده می‌شود، یعنی:

ملائکه الهی به آنها بشارت و مژده می‌دهند که پس از مرگ وارد بهشت شده «ابتدا بهشت برزخی و سپس بهشت موعود در قیامت» و برای همیشه داخل بهشت

۱. تفسیر نورالتقلین، جلد سوم، صفحه ۵۶۳، حدیث ۲۱۹ «حدیث ۴۸۲۴» «ذیل آیات ۱۰۳ تا ۱۰۹ سوره هود».

معانی الاخبار شیخ صدوق، جلد دوم، باب ۳۲۲، باب معنی مرگ، صفحه ۱۹۴، حدیث ۲.

خواهند ماند و از نعمات جاوید بهشتی بهره مند خواهند شد.

این افراد شیعیان دوازده امامی هستند که مطیع اوامر خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام بوده و واجبات الهی را انجام داده و از محرّمات اجتناب نموده‌اند.

این افراد مشمول شفاعت ائمه معصومین علیهم السّلام واقع شده و با فضل خداوند متعال وارد بهشت می‌شوند «مختصر گناهانی که این افراد داشته‌اند با شفاعت ائمه معصومین علیهم السّلام آمرزیده می‌شود، انشاءالله تعالی».

ب) انسان‌هایی که در حال احتضار و در حال مرگ خبر عذاب ابدی و همیشگی جهنّم و خلود در آتش جهنّم به آن‌ها داده می‌شود «توسّط ملائکه مأمور قبض روح».

این افراد کفّار و مشرکین و منافقین و دشمنان ائمه معصومین علیهم السّلام می‌باشند که پس از مرگ وارد جهنّم شده «ابتدا جهنّم برزخی و سپس جهنّم موعود قیامت» و مخلّد در آتش جهنّم خواهند بود، یعنی برای ابد و برای همیشه داخل جهنّم خواهند ماند.

ج) مؤمنینی که «شیعیانی که» مُسرف بوده‌اند یعنی اسراف و زیاده‌روی در گناهان داشته‌اند، یعنی:

مُرْتکب گناهان زیادی شده‌اند.

هنگام مرگ و هنگام احتضار این مؤمنین گنهکار «که مرتکب گناهان زیادی شده‌اند» اخبار ترسناک و هولناکی به آن‌ها داده می‌شود و آن‌ها نمی‌دانند که عاقبت و سرانجام کارشان چگونه خواهد بود، آیا به بهشت خواهند رفت «با وجود این همه گناه» یا به جهنّم وارد خواهند شد.

طبق فرمایش امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام این شیعیانی که در انجام گناه اسراف نموده و مرتکب گناهان فراوانی شده‌اند هرگز مانند کفّار و مشرکین و منافقین و دشمنان ائمه معصومین علیهم السّلام نخواهند بود «خداوند متعال آن‌ها را یکسان قرار نخواهد داد» و مخلّد در آتش جهنّم نخواهند بود، یعنی جهنّم جایگاه

ابدی و همیشگی آنها نیست و بالاخره پس از تحمّل عذاب جهنّم با شفاعت ائمه معصومین علیهم السّلام از جهنّم نجات خواهند یافت، لیکن پس از اینکه سیصد هزار سال تحمّل عذاب جهنّم را نمودند، یعنی:

شیعیانی که مرتکب گناهان فراوان شده و به زیان خویش اسراف و زیاده‌روی کرده باشند مانند دشمنان ائمه معصومین علیهم السّلام و مانند کفّار و مشرکین و منافقین مخلّد در آتش جهنّم نیستند یعنی برای ابد و برای همیشه داخل جهنّم نخواهند ماند،

زیرا مشمول شفاعت ائمه معصومین علیهم السّلام واقع خواهند شد و از جهنّم بیرون خواهند آمد، لیکن به این زودی شفاعت شامل حال آنها نخواهد شد بلکه پس از سیصد هزار سال «به تناسب گناهایی که مرتکب شده‌اند»، و این لطف و فضل خداوند متعال نیز فقط به این دلیل شامل حال آنها می‌شود که از نظر اعتقادی مشکل نداشته‌اند، یعنی:

مُنکر امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام نبوده و با آن ذوات مقدّسه دشمنی نداشته‌اند.

اسراف = زیاده‌روی؛

اسراف در گناه = زیاده‌روی در انجام گناه، فراوان مرتکب گناه شدن؛

مُسْرِفٌ = اسراف‌کار، اسراف‌کننده؛

مُسْرِفین در این حدیث شریف یعنی کسانی که اسراف در گناه می‌کنند «فراوان مرتکب گناه می‌شوند».

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام در پایان فرمایش به مؤمنین «شیعیان» هشدار می‌دهند که:

عقوبت و سزای گناه را از سوی خداوند متعال ناچیز و کوچک نپندارند «مجازات گناهان را کم و کوچک ندانند» و مطمئن نباشند «گمان نکنند که اگر هر قدر و هر اندازه گناه مرتکب شوند مشمول شفاعت خواهند شد و سزای گناهان خویش را نخواهند دید و اصلاً به جهنّم وارد نخواهند شد»، زیرا:

شفاعت ائمه معصومین علیهم السّلام شامل حال مُسْرِفین «شیعیانی که مرتکب

گناهان فراوانی می‌شوند» نخواهد شد مگر بعد از سیصد هزار سال. دشمنان ائمه معصومین علیهم‌السلام و کسانی که به امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام ایمان ندارند هرگز مشمول شفاعت واقع نخواهند شد و مخلد در آتش جهنم هستند ولو اینکه در نهایت تقوا و زهد باشند «مضمون حدیث هفتم که از امام صادق علیه‌السلام نقل شد».

۱۱. وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام درباره آیه ۲۷ و ۲۸ سوره فصلت «حم سجده» «فَلَنَذِقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ - ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءً بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ» فرمودند:

تاویل این آیات شریفه این است که خداوند متعال می‌فرماید: به کسانی که به ولایت و امامت علی بن ابیطالب علیه‌السلام کفر ورزیدند «امامت آن حضرت را نپذیرفتند» عذاب سخت و شدیدی خواهیم چشاند و آن‌ها را به خاطر بدترین عملی که انجام دادند «انکار ولایت و امامت علی بن ابیطالب علیه‌السلام» کیفر و مجازات خواهیم کرد.

این آتش جهنم کیفر و مجازات دشمنان خداوند متعال است «مُنْكَرِينَ وَوَلَايَةَ وَامَامَتِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامِ وَدِيْغَرَ اِئْمَةِ مَعْصُومِيْنَ عَلَيْهِمُ السَّلَامِ»، و جهنم جایگاه ابدی و همیشگی این افراد می‌باشد، و این عذاب شدید و ابدی برای این است که: آن‌ها آیات خداوند متعال را انکار کردند و مقصود از آیات خداوند متعال ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌باشند.

این حدیث را ابوبصیر از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.^۱ ذیل آیه ۲۷ و ۲۸ سوره فصلت «حم سجده» توضیحات لازم به عرض رسیده است.

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۹۱، حدیث ۴۵ «حدیث ۱۱۲۴».

تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۸۴، حدیث ۲.

۱۲. وجود مقدّس امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

مقصود از ظالمین در آیه ۴۴ سوره شوری «تَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ» ظالمین به حقّ آل محمّد علیهم‌السلام هستند که به آل محمّد علیهم‌السلام ظلم کرده و حقوق آنها را غصب نمودند.

این‌ها «ظلم‌کنندگان به آل محمّد علیهم‌السلام» در روز قیامت پس از مشاهده عذاب الهی آرزوی بازگشت به دنیا نموده و می‌گویند:

آیا راهی برای بازگشت به دنیا هست تا خطاهای خودمان را جبران کنیم و ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام را بپذیریم «آیا راهی برای بازگشت به دنیا و جبران گناهان و خطاها وجود دارد»،

و مقصود از ظالمین در آیه ۴۵ سوره شوری «أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ» نیز مُنکرین امامت و ولایت ما «ائمه معصومین علیهم‌السلام» و دشمنان ما می‌باشند که مخلّد در آتش جهنّم می‌باشند «یعنی برای ابد و برای همیشه داخل جهنّم خواهند ماند».

این حدیث را ابی حمزه از امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.^۱
ذیل این آیات شریفه توضیحات لازم ارائه شده است.

توضیح:

احادیث فراوانی از ائمه معصومین علیهم‌السلام صادر شده که طبق آن احادیث نورانی و شریف مُنکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام و دشمنان آن ذوات مقدّسه مخلّد در آتش جهنّم بوده و جایگاه ابدی و همیشگی آنها جهنّم می‌باشد، لیکن ما فقط به احادیثی اشاره کردیم که ناظر بر آیات شریفه قرآن کریم بوده و تأویل آنها را بیان فرموده و ذیل آن آیات شریفه آمده‌اند.

ذیل آیه ۲۵۷ سوره بقره نیز در این رابطه توضیحاتی ارائه شده است.

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۶۵۵ «ذیل آیه ۴۴ - ۴۵ سوره شوری».

تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۱۵۵ - ۱۵۶، حدیث ۲ و ۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۷۸۹، حدیث ۱۲۷ «حدیث ۱۰۱۲۷».

آیه ۵۴ سوره مائده:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ، فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ، أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ، أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ، يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ، ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ».

ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

ای مؤمنین «ای کسانی که ایمان آورده‌اید»:

هر کس از شما از دین خدا برگردد، خداوند متعال قومی را می آورد که آن‌ها را دوست دارد و آن‌ها نیز خداوند متعال را دوست دارند. این قوم در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سختگیر و سرسخت می باشند.

این قوم در راه خداوند متعال جهاد می کنند و از سرزنش و ملامت دیگران ترس و هراسی ندارند.

این فضل خداوند متعال است که به هر کس که بخواهد می دهد، و فضل و رحمت خداوند متعال وسیع و بیکران است، و خداوند متعال علیم و دانا است.^۱

شرح لغات و توضیحات:

اِرْتِدَاد = بازگشت از راه، و در اصطلاح به بازگشت از اسلام گفته می شود «ارتداد یعنی رجوع از اسلام و ایمان به کفر»؛

مُرْتَد = کسی که از اسلام برمی گردد «کسی که از اسلام اعراض نموده و کُفر را انتخاب می کند»؛

أَذِلَّةٌ = جمع ذَلُول یعنی رام، مطیع، منقاد، متواضع، فرمانبردار؛

۱. مجمع‌البیان، جلد هفتم، صفحه ۷۶.

تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۵۲۳.

اعزّه = جمع عزیز یعنی کسی که همواره غالب است و هیچ‌گاه مقهور و مغلوب نمی‌شود؛

در این آیه شریفه اعزّه یعنی سختگیر و نیرومند معنی می‌دهد که هنگام توضیح آیه شریفه به آن اشاره خواهد شد؛

خَوْف = ترس، بیم، هراس؛

لُؤْم = سرزنش، ملامت؛

لُؤْمَةٌ = سرزنش ملامت؛

لَائِمٌ = اسم فاعل است یعنی سرزنش‌کننده، ملامت‌کننده؛

عَلِيمٌ = دانا و آگاه بر هر چیز؛

وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ = اشاره به وسعت و احاطه علم و قدرت الهی دارد.^۱

آیات قبل در رابطه با منافقین بود و بیان فرمود که آن‌ها «منافقین» در انتظار وقوع حوادثی برای مؤمنین می‌باشند «بودند»، و دانسته شد که گروهی از آن‌ها مرتد خواهند شد و اکنون در این آیه شریفه «آیه ۵۴ سوره مائده» اعلام می‌فرماید که این مطلب حتمی است. بنابراین:

در ابتدای این آیه شریفه «آیه ۵۴ سوره مائده» سخن از مرتدانی است که طبق پیش‌بینی قرآن کریم بعدها از این آئین مقدّس روی برمی‌گردانند.

خداوند متعال به عنوان یک قانون کلی به همه مسلمانان اخطار می‌کند که:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا = ای کسانی که ایمان آورده‌اید.

مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ = هر کس از شما مؤمنین بعد از اظهار ایمان به کُفر بازگردد و کافر شود هرگز به دین خدا ضرری نمی‌زند، زیرا خداوند متعال دین خود را بی‌یار و یاور نخواهد گذاشت.

ارتداد از دین یعنی رجوع و بازگشت از آن، و در اصطلاح اهل دین رجوع از ایمان است به کفر.

۱. مجمع‌البیان، جلد هفتم، صفحه ۷۷.

المیزان، جلد دهم، صفحه ۲۷۰.

مفردات راغب.

ممکن است این آیه شریفه یک آیه مستقلی باشد و به آیات قبل ارتباطی نداشته باشد که در این صورت ارتداد در این آیه شریفه همان ارتداد اصطلاحی معنی می‌دهد که بیان شد «بازگشت از ایمان به کُفر».

اینکه این‌ها چه افرادی هستند که بعدها مُرتد خواهند شد انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد و به عرض خواهد رسید که:

بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تعداد کثیری از مسلمانان مرتد شده و به اهل بیت آن حضرت ظلم نموده و حقوق آن‌ها را غصب نمودند. قابل ذکر است که:

مسلمانانی که بعد از رحلت پیامبر اکرم مُرتد شده و مرتکب فجایع ناگواری شدند ظاهراً مسلمان بودند و فرائض و واجبات اسلام «از قبیل نماز، روزه، حج و...» را به جای می‌آوردند لیکن قلباً و باطناً ارتداد پیدا نموده بودند، و آیه شریفه «تأویل آیه شریفه» اشاره به چنین افرادی دارد که انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.^۱

ممکن است که این آیه شریفه در ارتباط با آیات قبل باشد که در این صورت منظور از ارتداد و برگشت از دین در این آیه شریفه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ - آیه ۵۴ سوره مائده» دوستی با یهود و نصاری می‌باشد، زیرا دوستی و مودت با یهود و نصاری و خضوع و خشوع در مقابل آنان که دشمن خدا هستند در واقع نوعی کُفر می‌باشد.

خداوند متعال در آیه ۵۱ سوره مائده مؤمنین را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید: يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ، بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ، وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ، إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ، یعنی: ای مؤمنین:

یهود و نصاری را به عنوان دوست و تکیه‌گاه خودتان انتخاب نکنید «نهی از

۱. مجمع‌البیان، جلد هفتم، صفحه ۷۷.

تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۵۲۳.

المیزان، جلد دهم، صفحه ۲۷۰.

محبت و مودت و دوستی با یهود و نصاری، زیرا این محبت باعث می شود تا مؤمنین هم‌رنگ و هم‌اخلاق یهود و نصاری بشوند، یعنی خلق و خوی آنها را پیدا کنند»، آنها «یهود و نصاری» مُحب و دوست یکدیگر می‌باشند.

پس، هر کس از شما مؤمنین «مسلمان‌ها» با یهود و نصاری طرح دوستی بریزد و آنها را دوست بدارد در زمره آنها محسوب خواهد شد «می‌شود». به درستی که خداوند متعال ظالمین و ستمکاران را هدایت نخواهد کرد، یعنی: اگر مسلمانان یهود و نصاری را دوست بدارند از آنها به حساب می‌آیند و در زمره آنها قرار می‌گیرند و از ظالمین محسوب می‌شوند، لذا ممکن است آیه ۵۴ سوره مائده در ارتباط با این آیه شریفه «آیه ۵۱ سوره مائده» باشد و در این صورت دوستی و مودت با یهود و نصاری که دشمن خدا و رسول می‌باشند ارتداد تلقی می‌شود.

هر دو احتمال درباره آیه ۵۴ سوره مائده متصور می‌باشد زیرا منافاتی با هم ندارند.^۱

خداوند متعال پس از اینکه مؤمنین «مسلمانان» را مورد خطاب قرار داده و به آنها فرموده که اگر از دین خدا «دین اسلام» برگردید و به کُفر رجوع کنید به خدا و دین خدا و جامعه مسلمین ضرری نمی‌توانید بزنید چرا که خداوند متعال دین خود را بی‌یار و یاور نخواهد گذاشت، زیرا در آینده قوم و گروهی را برمی‌انگیزد که دین خدا را یاری خواهند نمود. بنابراین، معنی آیه شریفه تا این جا این شد که: خداوند متعال می‌فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید «ای مسلمانان و ای مؤمنین»:

اگر هر کس از شما مسلمانان از دین خدا بازگردد «بعد از اظهار ایمان از اسلام به کُفر بازگردد و کافر شود» هرگز به خداوند متعال و دین خداوند متعال «دین

۱. المیزان، جلد دهم، صفحه ۲۵۲ - ۲۵۳ - ۲۵۶ - ۲۵۷ - ۲۵۸ «ذیل آیه ۵۱ سوره مائده».

المیزان، جلد دهم، صفحه ۲۷۰ تا ۲۷۲ - ۲۷۵ - ۲۸۹ «ذیل آیه ۵۴ سوره مائده».

اسلام» ضرری نمی‌زند، زیرا:

فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ = خداوند متعال به زودی قوم و گروهی را می‌آورد که این قوم و گروه دارای این صفات و ویژگی‌ها هستند.

۱. يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ = خداوند متعال آن‌ها را دوست دارد و آن‌ها نیز خداوند متعال را دوست دارند.

۲. أَدَلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ = نسبت به مؤمنین «مسلمانان» نرم و خاضع و مهربان هستند.

۳. أَعَزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ = نسبت به کافرین سرسخت، سختگیر، قدرتمند و انعطاف‌ناپذیر می‌باشند.

۴. يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ = همواره در راه خدا جهاد می‌کنند، یعنی:

برای اعلا‌ی دین اسلام و ترویج آن و عزت بخشیدن به آن جهاد می‌کنند و همواره در حال جهاد هستند.

۵. وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ = از ملامت و سرزنش هیچ ملامت‌کننده و سرزنش‌کننده‌ای

نمی‌ترسند، یعنی:

در راه اطاعت از فرمان خدا از هیچ ملامت‌کننده‌ای نمی‌ترسند.

جمله اخیر «لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» متعلق به تمام جمله‌های قبل است، یعنی:

این قوم و این گروه از اینکه خداوند متعال را دوست دارند و نسبت به مؤمنین خاضع و مهربان هستند و نسبت به کافرین سختگیر و سرسخت و همواره در راه خدا و جهت اعلا‌ی دین اسلام جهاد می‌کنند، از ملامت و سرزنش هیچ ملامت‌کننده و سرزنش‌کننده‌ای نمی‌هراسند و نمی‌ترسند، یعنی دارای آنچنان ایمانی هستند که تحت تأثیر افکار انحرافی و غوغای محیط و جو نامناسب اجتماعی و اکثریت منحرف واقع نشده و در راه راستی که در پیش گرفته‌اند ثابت‌قدم و استوار بوده و به جلو می‌روند.

خداوند متعال در ادامه آیه شریفه می‌فرماید:

ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ = این، فضل خداوند متعال است، یعنی:

این هم از فضل و رحمت و عنایت ویژه خداوند متعال به این قوم و گروه می‌باشد که آن‌ها دوستدار خداوند متعال هستند و نسبت به مؤمنین مهربان و خاضع

و نسبت به کافرین سرسخت، ضمن اینکه از ملامت ملامت‌کنندگان نیز ترس و واهمه‌ای ندارند.

به عبارت دیگر:

این امتیازات و ویژگی‌ها «پنج ویژگی که یاد شد» نیز ناشی از فضل و رحمت خاص خداوند متعال است که نصیب این قوم شده است.

يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ = که خداوند متعال به هر کس که بخواهد عطا می‌فرماید، یعنی: این فضل خداوند متعال شامل حال کسی خواهد شد که خداوند متعال بخواهد. به عبارت دیگر:

این امتیازات که نصیب این قوم شده ناشی از فضل خداوند متعال است و خداوند متعال به هر کس و به هر قومی که بخواهد و اراده بفرماید اعطا می‌کند. و در انتهای آیه شریفه آمده که:

وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ = خداوند متعال دارای رحمت بیکران است و نسبت به کسی که شایستگی این رحمت را دارد دانا و علیم می‌باشد. به عبارت دیگر:

دایره فضل و رحمت خداوند متعال وسیع است و خداوند متعال بخشنده‌ای است که بیم تمام شدن ندارد،

و خداوند متعال علیم و دانایی است که فضل و رحمت خویش را در جایی که حکمتش اقتضا کند به کار می‌برد، و جمله وَ اللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ در یک کلام اشاره به وسعت و احاطه علم و قدرت خداوند متعال دارد.^۱

حدیث:

۱. وجود مقدّس امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند: مقصود از قوم مورد اشاره در آیه ۵۴ سوره مائده «فَسَوْفَ يَأْتِي اللّٰهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ، أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ، يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ»

۱. مجمع‌البیان، جلد هفتم، صفحه ۷۷ - ۷۸ - ۸۰.

المیزان، جلد دهم، صفحه ۲۷۰ تا ۲۷۳ - ۲۷۵ - ۲۷۹ - ۲۸۹.

که خداوند متعال آن‌ها را دوست دارد و آن‌ها نیز خداوند متعال را دوست دارند و در برابر مؤمنان متواضع هستند و در برابر کافران سختگیر و سرسخت، و همواره در راه خداوند متعال جهاد نموده و از ملامت ملامت‌کنندگان ترس و هراسی ندارند، امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و خوبان از اصحاب آن حضرت می‌باشند که در راه خدا با ناکثین «طلحه و زبیر که پیمان‌شکنی نموده و نکت بیعت کردند» و قاسطین «معاویه و پیروانش» و مارقین «خوارج نهروان» جنگ کردند. قابل ذکر است که:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به مدت ۲۵ سال خانه‌نشین بود تا اینکه سال ۳۵ هجری «پس از کشته شدن عثمان» مردم با آن حضرت بیعت کردند و آن حضرت به خلافت رسید «خلافت ظاهری، زیرا آن حضرت را پیامبر اکرم به عنوان جانشین خویش انتخاب کرده بود و به امر خداوند متعال امام مسلمین بود».

آن حضرت پس از رسیدن به خلافت و در مدت پنج سال خلافت خویش با سه گروه جنگید که به ترتیب عبارتند از:

(الف) جنگ با ناکثین به سرکردگی طلحه و زبیر که به جنگ جمل معروف می‌باشد.
 (ب) جنگ با قاسطین به سرکردگی معاویه بن ابی سفیان که به جنگ صفین معروف می‌باشد.

(ج) جنگ با مارقین به سرکردگی تعدادی از خوارج که به جنگ نهروان معروف است.^۱

۱. مجمع‌البیان، جلد هفتم، صفحه ۷۸.

المیزان، جلد دهم، صفحه ۲۸۳.

تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۵۲۵.

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۴۲۷.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۶۷۴ - ۶۷۵، حدیث ۴ و ۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۴۲۱، حدیث ۲۵۰ «حدیث ۲۸۱۰».

توضیح:

وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را برای فتح خیبر و جنگ با یهودیان مستقر در قلعه خیبر مأمور فرمود حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام را به همان صفات و اوصافی توصیف نمودند که خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۵۴ سوره مائده» وصف فرموده است.

موضوع از این قرار بود که:

وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یهود بنی قریظه را شکست دادند به فکر جنگ با یهودیان خیبر بودند، زیرا:

یهودیان خیبر در مقام مخالفت و دشمنی با پیامبر اکرم بودند و به همین منظور احزاب و قبائل مختلف عرب را تحریک به جنگ با پیامبر اکرم نموده و به آنها کمک می کردند،

لذا پیامبر اکرم تصمیم گرفتند تا شرّ یهودیان خیبر را از سرّ مسلمین کوتاه کنند و به همین جهت لشکری را به فرماندهی ابوبکر بن ابی قحافه به طرف قلعه های خیبر روانه نمودند، لیکن ابوبکر کاری صورت نداد و بدون کسب نتیجه بازگشت.

پیامبر اکرم بار دوم لشکری را به فرماندهی عمر بن خطاب به سوی یهودیان خیبر گسیل فرمود، لیکن عمر بن خطاب نیز کاری از پیش نبرد و بدون نتیجه بازگشت.

در این هنگام بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

لَأُعْطِينَ الرَّايَةَ عَدَا رَجُلًا،

يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ،

وَ يُحِبُّهُ اللَّهَ وَرَسُولَهُ،

كَرَارًا غَيْرَ فَرَارٍ،

لَا يَرْجِعُ حَتَّى يَفْتَحَ اللَّهُ عَلَيَّ يَدِهِ، یعنی:

به خدا سوگند:

فردا پرچم و رایت جنگ را به دست مردی می سپارم که:

آن مرد خداوند متعال و پیامبرش را دوست دارد،

و خداوند متعال و پیامبرش نیز او را دوست دارند.
او کسی است که:

حملاتش پی در پی است «پی در پی به دشمن حمله می کند»، و هرگز از میدان جنگ و جهاد فرار نمی کند.

او از میدان جنگ باز نخواهد گشت تا آنکه خداوند متعال به دست او قلعه های خیبر را فتح کند و به دست او پیروزی را نصیب مسلمانان نماید.

صبح روز بعد وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پرچم و رایت جنگ را به دست امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام داده و لشکر اسلام را به فرماندهی آن حضرت روانه قلعه های خیبر نمودند.

وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بی درنگ عازم قلعه های خیبر شد و سرکرده و پهلوان یهودیان خیبر به نام مَرَحَب را به هلاکت رسانده و سپس درب قلعه خیبر را از جای کنده و بر یهودیان خیبر غلبه نموده و آنها را شکست داد،

و بدینگونه خداوند متعال به دست امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام قلعه های خیبر را گشود و فتح و پیروزی را نصیب مسلمانان فرمود.

همانطور که ملاحظه فرمودید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را همانطور و همانگونه وصف نمود که خداوند متعال در آیه ۵۴ سوره مائده آن حضرت را وصف فرموده که طبق فرمایش امام باقر و امام صادق علیهما السلام در شأن و مقام و فضیلت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و اصحاب خاص آن حضرت می باشد.^۱

۱. مجمع البیان، جلد هفتم، صفحه ۷۹.

المیزان، جلد دهم، صفحه ۲۸۳.

المیزان، جلد هفدهم، صفحه ۲۰۱ «ذیل آیات ۵۵ تا ۶۶ سوره انفال».

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۴۲۷.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۴۲۱، حدیث ۲۵۰ «حدیث ۲۸۱۰».

تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۵۲۵ - ۵۲۶.

اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۵۶، حدیث ۳ «حدیث ۷۵۹».

قابل ذکر است که:

این حدیث شریف در کتاب صحیح بخاری «یکی از شش کتاب معروف اهل تسنن» نیز آمده و ثعلبی نیز در تفسیر ثعلبی «از تفاسیر معروف اهل سنت» آن را ذکر کرده است.^۱

۲. وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در روز جنگ جمل و روز جنگ با ناکثین «طلحه و زبیر» فرمودند:
به خدا سوگند تا به امروز کسی با اهل این آیه «آیه ۵۴ سوره مائده» ننگیده بود، و سپس آن حضرت آیه ۵۴ سوره مائده را تلاوت فرمودند «یعنی ناکثین مشمول این آیه شریفه بوده و مرتد می باشند».^۲

توضیح:

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام طی پنج سال خلافت ظاهری خویش «سال ۳۵ تا ۴۰ هجری» با سه طایفه و سه گروه جنگید «ناکثین - قاسطین - مارقین» که هر سه گروه ظاهراً مسلمان بودند، و اعمال و فرائض دین از قبیل نماز، روزه، حج و... را به جای می آوردند، لیکن طبق احادیثی که ملاحظه فرمودید و ملاحظه خواهید فرمود تمام افرادی که با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام جنگیده و پس از رحلت پیامبر اکرم حق آن حضرت «یعنی علی علیه السلام» و اهل بیت پیامبر اکرم را غصب نمودند در زمره مرتدینی هستند که آیه ۵۴ سوره مائده به آن اشاره می فرماید.
ذیل آیه ۱۴۴ و ۱۴۵ سوره آل عمران و آیه ۲۵ و ۲۶ سوره مبارکه محمد صلی الله علیه و آله و سلم در رابطه با ارتداد مسلمانان پس از رحلت پیامبر اکرم صلی

۱. تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۵۲۶.

۲. مجمع البیان، جلد هفتم، صفحه ۷۹.

المیزان، جلد دهم، صفحه ۲۸۴.

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۴۲۸.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۶۷۵، حدیث ۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۴۲۱، حدیث ۲۴۸ «حدیث ۲۸۰۸».

الله علیه و آله و سلم توضیحات کاملی ارائه شده است.

همچنین ذیل آیه ۱۵۹ سوره انعام نیز به عرض رسیده که:

بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مسلمانان هفتاد و سه فرقه خواهند شد که هفتاد و دو فرقه اهل آتش هستند و فقط یک فرقه نجات پیدا می کند و رستگار می شود و وارد بهشت می گردد و آن فرقه نیز شیعیان اثنی عشری می باشند،

یعنی کسانی که امامت ائمه معصومین علیهم السلام را پذیرفته و از آن ذوات مقدسه تبعیت نمودند.

۳. وجود مقدس مولی الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در احتجاج خویش با ناکتین «پس از اینکه آن ها نکت بیعت نمودند» فرمودند:

أَطِيعُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ، فَهُوَ لَنَا أَهْلُ الْبَيْتِ،

خَاصَّةً دُونَ غَيْرِنَا،

فَأَنْقَلَبْتُمْ عَلَيَّ أَعْقَابِكُمْ،

وَارْتَدَدْتُمْ وَ نَقَضْتُمْ الْأَمْرَ،

وَ نَكَثْتُمْ الْعَهْدَ،

وَ لَمْ تَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئاً،

وَ قَدْ أَمَرَكُمُ اللَّهُ أَنْ تُرَدُّوا الْأَمْرَ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى رَسُولِهِ وَ إِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ الْمُسْتَنْبِطِينَ

لِلْعِلْمِ،

فَأَقْرَرْتُمْ ثُمَّ جَحَدْتُمْ، یعنی:

این آیه شریفه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ - آیه ۵۹، سوره نساء»

فقط مخصوص ما اهل بیت است نه غیر ما، لیکن:

شما به اعقاب خود بازگشتید «یعنی عقب گرد نموده و به دوران کفر و شرک

جاهلی بازگشتید - اشاره به آیه ۱۴۴ سوره آل عمران»،

مُرتد شدید و پیمان شکنی کردید و عهد و پیمان خود را زیر پا نهادید «اشاره به

بیعت مردم با آن حضرت در روز هجدهم ذیحجه سال دهم هجری در محل غدیر

خم، همچنین اشاره به بیعت مردم با آن حضرت پس از کشته شدن عثمان،
 اما بدانید که این کار شما هرگز به خداوند متعال زیان نمی‌رساند.
 خداوند متعال به شما دستور فرمود که به امر خدا و رسول و اُولی الامر روی
 بیاورید «از خداوند متعال و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و از اُولی الامر
 یعنی از ائمه معصومین علیهم السّلام که جانشینان پیامبر اکرم می‌باشند اطاعت و
 تبعیت نمائید»،
 همان‌هایی که مُستنبطِ عِلْم هستند «جامع همه فضائل و کمالات بوده و حقایق
 را می‌فهمند»،

شما ابتدا اعتراف و اقرار نمودید لیکن بعداً آن را انکار کردید «یعنی روز غدیر
 خم، همچنین پس از کشته شدن عثمان با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام
 بیعت نمودید و ولایت و امامت آن ذوات مقدّسه را پذیرفتید لیکن پس از مدّت
 کوتاهی ولایت و امامت آن بزرگواران را انکار نموده و از اطاعت دستورات آنها
 سرپیچی کرده و با آنها مخالفت کرده و به جنگ با آنها اقدام نمودید و حقوق
 آنها را غصب کردید»^۱.

۴. در زیارت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام در روز غدیر که از
 ناحیه وجود مقدّس امام هادی علیه السّلام صادر شده خدمت آن حضرت عرض
 می‌کنیم:

وَ لَقَدْ أَنْزَلَ اللهُ تَعَالَى فَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَ هُمْ كَارِهُونَ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ
 عَنْ دِينِهِ، فَسَوْفَ يَأْتِي اللهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ،
 يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ، ذَلِكَ فَضْلُ اللهِ، يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ، وَ اللهُ وَاسِعٌ
 عَلِيمٌ - آیه ۵۴، سوره مائده»، یعنی:

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۸۵۹، حدیث ۳۵۸ «حدیث ۱۷۳۰».

تفسیر نور الثقلین، جلد دوم، صفحه ۱۱۷، حدیث ۳۵۶ «حدیث ۲۲۰۹».

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۴۲۳، حدیث ۲۵۲ «حدیث ۲۸۱۲».

این حدیث در نورالثقلین ذیل آیه ۱۴۴ و ۱۴۵ سوره آل عمران، آیه ۵۹ سوره نساء، و آیه ۵۴ سوره مائده آمده است.
 احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام بر ناکثین، صفحه ۳۳۷-۳۳۸، حدیث ۶۶.

به محضر مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام عرضه می‌داریم که:
یا ابا الحسن:

خداوند متعال درباره تو آیه ۵۴ سوره مبارکه مائده را نازل فرمود در حالی که آن‌ها «منافقین امت اسلام» از این قضیه کراهت داشتند و از آن بدشان می‌آمد «منافقین امت اسلام یعنی آن‌هایی که از پذیرش امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام امتناع نمودند و از نزول آیات شریفه‌ای که فضائل و مناقب آن حضرت را بیان می‌فرمود ناراحت بودند و از آن بدشان می‌آمد، که یک نمونه آن همین آیه ۵۴ سوره مائده می‌باشد».

این زیارت نورانی و شریف در مفاتیح الجنان نیز آمده است.

۵. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

روز قیامت عده‌ای از اصحابم می‌خواهند تا کنار حوض کوثر به من ملحق شوند اما آن‌ها را از من دور می‌کنند و مانع می‌شوند تا آن‌ها نزد من بیایند «ملائکه الهی مانع می‌شوند تا این عده از اصحاب که خصوصیات آن‌ها بعداً ذکر خواهد شد کنار حوض کوثر به محضر مبارک پیامبر اکرم برسند».

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

در همان حال که اصحابم را از من دور نموده و مانع آمدن آن‌ها به نزد من می‌شوند به خداوند متعال عرض می‌کنم:

یا ربِّ:

أَصْحَابِي، أَصْحَابِي، يَعْنِي:

ای پروردگار من:

این‌ها اصحاب من هستند «یعنی چرا ملائکه مانع می‌شوند تا اصحاب من کنار حوض کوثر به من ملحق شوند».

در همین حال از جانب خداوند متعال به پیامبر اکرم گفته می‌شود:

إِنَّكَ لَا تَدْرِي بِمَا أَخَذْتُمْ مِنْ بَعْدِكَ، إِنَّهُمْ ارْتَدُّوا عَلَيَّ أَذْبَارِهِمُ الْقَهْقَرَى، يَعْنِي:

ای پیامبر:

تو نمی‌دانی که اصحاب تو بعد از رحلت تو چه کردند «تو نبودی که ببینی اصحاب تو بعد از رحلت تو با دین اسلام چه کردند و با اهل بیت تو چه معامله‌ای نمودند و چگونه آن‌ها را به شهادت رسانده و حقوق آن‌ها را غصب نمودند»،

اصحاب تو بعد از رحلت تو مُرتد شده و به قهقرا بازگشتند «از اسلام به کُفر جاهلیت بازگشته و مُرتد شدند».^۱

توضیح:

(الف) این حدیث را یکی از مفسرین معروف اهل سنت به نام ابو اسحاق ثعلبی نیز در تفسیر خویش «معروف به تفسیر ثعلبی» نقل نموده است.

(ب) قبلاً نیز ذیل آیات ۲۵۳ سوره بقره، آیه ۱۴۴ و ۱۴۵ سوره آل عمران، آیه ۲۵ و ۲۶ سوره مبارکه محمد صلی الله علیه و آله و سلم به عرض رسیده که: طبق احادیث شریف ذیل این آیات شریفه و روایات فراوانی که در کُتب روایی شیعه آمده اکثر مسلمانان پس از رحلت وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مُرتد شدند «به درجات مختلف، بعضی کمتر و بعضی در اعلا درجه کُفر و نفاق»، لیکن اینگونه نبود که بساط بُت‌پرستی دائر شود و مسلمانان از اداء فرائض مانند نماز، روزه، حج و سایر فرائض امتناع نمایند، بلکه مقصود این احادیث شریف این است که:

آن عده از اصحاب پیامبر اکرم که بعد از رحلت آن حضرت از پذیرش امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام امتناع نموده و از آن‌ها تبعیت نکرده و حقوق آن ذوات مقدسه را غصب نموده

۱. مجمع‌البیان، جلد هفتم، صفحه ۷۹.

المیزان، جلد دهم، صفحه ۲۸۴.

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۴۲۸.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۴۲۱، حدیث ۲۴۸ «حدیث ۲۸۰۸».

و اهل بیت پیامبر اکرم را بعد از رحلت آن حضرت قتل عام نمودند، روز قیامت مُلازم و همنشین کُفّار و مشرکین هستند، گرچه در زمان حیات خویش ظاهراً مسلمان بودند و فرائض و واجبات دین از قبیل نماز، روزه، حج و... به جای می‌آوردند. قابل ذکر است که اگر منکرین ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السّلام تمام عُمر خویش نیز مشغول عبادت باشند و از انجام کارهای خلاف امتناع نمایند تمام اعمال آن‌ها حَبْط و نابود خواهد شد و ذرّه‌ای به حال آن‌ها فایده نخواهد داشت. ذیل آیه پنجم سوره مبارکه مائده در این رابطه توضیحات کاملی ارائه شده است.

ج) طبق گفته صاحب مجمع‌البیان و دیگر مفسّرین، آیه ۵۴ سوره مبارکه مائده «وَمَنْ يَزِدْكُمْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ» عام است و شامل حال تمام کسانی می‌شود «تا روز قیامت» که این ویژگی را دارا باشند. ذیل آیات ۲۵۳ سوره بقره، ۱۴۴ و ۱۴۵ سوره آل عمران و ۲۵ و ۲۶ سوره محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم به تفصیل راجع به این موضوع بحث شده است. ذیل آیه ۳۶ و ۳۷ سوره مائده در رابطه با موضوع خلود در جهنّم توضیحاتی ارائه شده است.

د) این حدیث شریف از روایات مشهوری است که شیعه و سنّی آن را نقل کرده‌اند «ارتداد کثیری از مسلمین پس از رحلت پیامبر اکرم و ممانعت ملائکه الهی از رفتن آن‌ها به سوی پیامبر اکرم در کنار حوض کوثر». صحابه‌ای که این حدیث را نقل نموده‌اند عبارتند از: عبدالله بن مسعود، انس بن مالک، سهل بن ساعد، ابوسعید خدری، ابوهریره و... امّ سلمه و عایشه «همسران پیامبر اکرم» و اسماء نیز این حدیث را از پیامبر اکرم نقل نموده‌اند.

بسیاری از علمای معروف اهل سنّت در کتاب‌های خویش این حدیث شریف را نقل نموده‌اند که به عنوان نمونه به سه کتاب معروف اشاره می‌شود.

تفسیر ثعلبی ابو اسحاق ثعلبی،

صحیح بخاری،

صحیح مسلم.

قابل ذکر است که صحیح مسلم و صحیح بخاری دو کتاب از شش کتاب معروف اهل سنت هستند که به صحاح سته معروف می باشند.

صحیح مسلم و صحیح بخاری این حدیث نبوی را هم از طریق انس بن مالک نقل نموده اند هم از طریق ابو هریره.^۱

ذیل آیه ۱۵۹ سوره انعام «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيعَاءً...» نیز احادیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که آن حضرت فرمودند:

أَمَّتْ مِنْ بَعْدِ مَنْ «بعد از رحلت من» هفتاد و سه فرقه خواهند شد که همگی آنها اهل آتش می باشند «اهل جهنم» مگر یک فرقه که اهل نجات است و آن فرقه نیز فرقه ای است که از وصی و جانشین من علی بن ابیطالب علیه السلام تبعیت و پیروی می کند.

گرچه در این حدیث شریف نبوی کلمه ارتداد به کار برده نشده لیکن به سرنوشت امت اسلام اشاره شده که پس از رحلت پیامبر اکرم منحرف خواهند شد و راه ضلالت و گمراهی را خواهند پیمود و در آخرت نیز وارد جهنم خواهند شد «همان جایی که کفار و مرتدین وارد می شوند».

مگر آن دسته از امت اسلام که پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم امامت و ولایت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام را پذیرفته و از آن ذوات مقدسه تبعیت و پیروی نمودند،

و فقط همین گروه «شیعیان اثنی عشری» اهل نجات هستند و وارد بهشت می شوند «انشاء الله تعالی».^۲

۱. المیزان، جلد ششم، صفحه ۲۹۷ «بحث روایتی ذیل آیه ۱۰۲ تا ۱۱۰ سوره آل عمران».

۲. تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۶۵۰ «ذیل آیه ۱۵۹ سوره انعام».

المیزان، جلد ششم، صفحه ۲۹۵ - ۲۹۶ «ذیل آیه ۱۰۲ تا ۱۱۰ سوره آل عمران».

تفسیر نورالتقلین، جلد دوم، صفحه ۷۳۵، حدیث ۳۶۱ «حدیث ۳۳۷۰» «ذیل آیه ۱۵۹ سوره انعام».

تفسیر نمونه، جلد ششم، صفحه ۶۹ «ذیل آیه ۱۵۹ سوره انعام».

۶. در روایاتی که از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شده آمده است که: قسمت اول آیه ۵۴ سوره مائده «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ» خطاب به اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد که بعد از رحلت آن حضرت مُرتد شده و به آل محمّد علیهم السّلام ظلم کرده و حقوق آن ذوات مقدّسه را غصب نمودند،

و قسمت دوم آیه ۵۴ سوره مائده «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ، أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ، أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ، يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ...» درباره قائم آل محمّد علیهم السّلام «امام زمان علیه السّلام» و اصحاب آن حضرت می باشد.^۱

توضیح:

ملاحظه فرمودید که:

خداوند متعال در آیه ۵۴ سوره مبارکه مائده مؤمنین را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

ای مؤمنین:

هر کس از شما از دین خدا برگردد «از اسلام اعراض نموده و مُرتد و کافر گردد» هرگز به خدا و دین خدا ضرر نمی زند چرا که خداوند متعال دین خود را بی یار و یاور نخواهد گذاشت، زیرا خداوند متعال در آینده قوم و گروهی را برمی انگیزد که دین خدا را یاری خواهند نمود.

این قوم در برابر مؤمنان متواضع هستند و در برابر کافران سرسخت و سختگیر، و همواره در راه خدا جهاد می کنند و از ملامت هیچ ملامت کننده ای ترس و واهمه ندارند.

خداوند متعال این قوم و گروه را دوست دارد،
و این قوم نیز خداوند متعال را دوست می دارند.

۱. مجمع البیان، جلد هفتم، صفحه ۷۹.

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۴۲۸.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۶۷۵، حدیث ۷.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم صفحه ۴۲۱، حدیث ۲۴۷ «حدیث ۲۸۰۷».

ملاحظه فرمودید که:

مصدق این قوم وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و وجود مقدّس امام زمان علیه السلام می باشند، همچنین نیکان از اصحاب آن دو بزرگوار که به دلیل تبعیت و پیروی از آن دو امام معصوم مورد لطف و عنایت ویژه خداوند متعال واقع شده اند. مصداق اتمّ و اکمل مُرتدشدگان در این آیه شریفه «۵۴ سوره مائده» مُنکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام و دشمنان آن ذوات مقدّسه می باشند که روز قیامت مُلازم و همنشین کفّار بوده و جایگاه ابدی و همیشگی آنها جهنّم می باشد.

آیه ۵۵ سوره مائده:

«أَنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»

ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

به درستی که سرپرست و صاحب اختیار شما فقط و فقط خداوند متعال است و رسول خدا (پیامبر اکرم) و کسانی که به خدا و رسول ایمان آورده و نماز می خوانند و در حال رکوع زکات می دهند.^۱

شرح لغات و توضیحات:

ولی = سرپرست، صاحب اختیار، کسی که اطاعتش بر مردم واجب است؛ ولی زن کسی است که نکاحش به دست او است «پدر دختر یا جد پدری او»؛ ولی دم کسی است که صاحب اختیار خون مقتول می باشد، یعنی می تواند قصاص کند، یا عفو نماید، و یا خونبها «دیه» دریافت کند، بنابراین:

ولی مؤمنین یعنی صاحب اختیار مؤمنین، سرپرست مؤمنین.
مولی «مولا» نیز هم معنی ولی می باشد یعنی صاحب اختیار، سرپرست.
رکوع = حالت مخصوصی است که در نماز انجام می شود «خم شدن».^۲

شأن نزول آیه ولایت «آیه ۵۵ سوره مائده»

عبدالله بن عباس می گوید:

روزی کنار چاه زمزم نشسته بودم و برای حضار احادیث نبی مکرم اسلام را نقل می کردم، و در همین حال بود که مردی در حالی که عمامه ای بر سر داشت و صورت خود را نیز پوشانده بود وارد مجلس شد و در کنار مجلس نشست.

۱. مجمع البیان، جلد هفتم، صفحه ۸۱.

تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۵۳۰.

۲. مجمع البیان، جلد هفتم، صفحه ۸۲.

هر بار که من حدیثی نقل می‌کردم این شخص تازه‌وارد نیز با ذکر جمله «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ» حدیث دیگری را از پیامبر نقل می‌کرد.

ابن عباس می‌گوید:

شخص تازه‌وارد را قسم دادم که خودش را معرفی نماید و پس از سوگند دادن من شخص تازه‌وارد که صورت خودش را پوشانده بود صورتش را گشود و با صدای بلند اظهار داشت:

ای مردم:

هر کس مرا نمی‌شناسد بداند که من ابوذر غفاری هستم که با این دو چشمم جریانی را دیدم، و با این دو گوشم چیزی شنیدم که اگر دروغ بگویم هر دو گوشم کَر باد و هر دو چشمم کور.

ابوذر غفاری سپس گفت:

با این دو چشمم وجود مقدس پیامبر اکرم را دیدم و با دو گوشم از آن حضرت شنیدم که فرمودند:

عَلِيٌّ قَائِدُ الْبِرَّةِ،

وَ قَاتِلُ الْكُفْرِ،

مَنْصُورٌ مَنْ نَصَرَهُ،

مَخْذُولٌ مَنْ خَذَلَهُ، یعنی:

علی بن ابیطالب رهبر و زمامدار نیکان است،

علی بن ابیطالب قاتل کافران است،

هر کس علی بن ابیطالب را یاری کند خداوند متعال او را یاری می‌کند،

هر کس دست از یاری علی بن ابیطالب بردارد «آن حضرت را ترک کند»، خداوند

متعال دست از یاری او بر خواهد داشت و او را خوار خواهد نمود.

ابوذر غفاری سپس اضافه کرد که:

روزی با پیامبر اکرم در مسجد نماز می‌خواندم که سائلی وارد شد و از مردم

تقاضای کمک نمود لیکن کسی به او چیزی نداد، و در همین حال شخص سائل

دست به آسمان بلند کرد و گفت:

خدایا تو شاهد باش من در مسجد پیامبر تو از مردم تقاضای کمک نمودم لیکن هیچ کس به من کمک نکرد و چیزی به من نداد.

در همین حال علی بن ابیطالب علیه السلام که مشغول نماز بود و در حال رکوع بود با انگشت دست راست خویش که در آن انگشتر بود به سائل اشاره فرمود و سائل نیز به نزد آن حضرت رفته و انگشتر را از انگشت او خارج نمود.

پیامبر اکرم که در حال نماز بود این جریان را مشاهده فرمود و پس از اینکه از نماز فارغ شد سر به سوی آسمان بلند نمود و به خداوند متعال عرض کرد:
خداوندا:

برادرم موسی بن عمران از تو درخواست نمود تا به او شرح صدر بدهی، کارها را برای او آسان نمایی، گره از زبان او بگشایی تا مردم گفتارش را بفهمند و درک کنند، و نیز درخواست کرد تا برادرش هارون را وزیر و یاورش قرار دهی و به وسیله او نیرویش را زیاد کنی و در کارهایش شریک سازی «اشاره به آیات ۲۵ تا ۳۲ سوره طه».

خداوندا:

تو به موسی فرمودی:

ای موسی، به زودی به وسیله برادرت تو را در کار نبوت کمک می دهیم و برای شما سلطه و برتری قرار می دهیم «اشاره به آیه ۳۵ سوره قصص».
وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه سخنان خویش به خداوند متعال عرض نمود:

خداوندا:

من محمد پیامبر تو و برگزیده تو هستم «نبی و صفی تو هستم».

بار الها:

مرا نیز شرح صدر عطا کن،

کارها را بر من آسان نما،

از اهل بیتم علی بن ابیطالب را وزیر من قرار بده،...

و پشت مرا به او محکم کن.

ابوذر غفاری می گوید:

هنوز دعای پیامبر اکرم تمام نشده بود که جبرئیل نازل شد و این آیه شریفه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ - آیه ۵۵، سوره مائده» را نازل نمود.^۱

توضیح:

(الف) این شأن نزول از طرق مختلف نقل شده که گاهی در جزئیات با یکدیگر اندک تفاوتی دارند لیکن در اصل مطلب مشترک هستند و آن این است که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در حال نماز و در حال رکوع انگشتر خویش را به سائلی صدقه دادند و در این رابطه این آیه شریفه «آیه ۵۵ سوره مائده» نازل شد.

(ب) عین این شأن نزول و عین این حدیث را ابو اسحاق ثعلبی «از علمای اهل تسنن» در تفسیر خویش «تفسیر ثعلبی» آورده است.

(ج) حاکم ابوالقاسم حسکانی «از علمای اهل تسنن» نیز این شأن نزول را در کتاب خویش «شواهد التنزیل» نقل نموده است.^۲

نصرت = یاری، یاری کردن؛

خذلان = خواری، خوار کردن؛

وزیر = کسی که سنگینی کارهای فرمانده خویش را متحمل می شود، معاون.

در آیه ۵۹ سوره نساء ملاحظه فرمودید که خداوند متعال فرمودند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ، یعنی:

۱. مجمع البیان، جلد هفتم، صفحه ۸۳ تا ۸۵.

المیزان، جلد یازدهم، صفحه ۳۶ - ۳۷.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۶۸۱، حدیث ۱۰.

تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۵۳۰ تا ۵۳۲.

۲. مجمع البیان، جلد هفتم، صفحه ۸۵.

المیزان، جلد یازدهم، صفحه ۳۶.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۶۸۱، حدیث ۱۰.

تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۵۳۴ «پاورقی».

ای مؤمنین «ای کسانی که ایمان آورده‌اید»: از خداوند متعال و از پیامبر اکرم و از اُولی‌الأمر یعنی ائمه معصومین علیهم‌السَّلام اطاعت کنید.

در توضیحات ذیل آیه شریفه به عرض رسید که:

اطاعت مطلق و بی‌قید و شرط «آن هم در تمام امور اعم از امور دنیوی و اُخروی» از هر انسانی فقط در صورتی واجب می‌شود که آن انسان معصوم باشد و هیچ‌گاه دچار لغزش و خطا نشود، زیرا:

اگر او در معرض لغزش و خطا باشد پیروان او نیز که تابع دستورات او می‌باشند دچار خطا و لغزش خواهند شد و به بیراهه خواهند رفت و از صراط مستقیم خارج خواهند شد، لذا:

خداوند متعال هرگز به مردم اجاز نمی‌دهد از افرادی تبعیت کنند که خودشان در معرض گناه و خطا می‌باشند، بنابراین:

فقط و فقط کسانی واجب‌الاطاعه هستند و اطاعت مطلق و بی‌قید و شرط از آن‌ها واجب است که مقام عصمت داشته باشند و معصوم باشند و این امر نیز فقط و فقط منحصر به وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السَّلام می‌باشد و هیچ فرد دیگری غیر از این ذوات مقدّسه دارای این ویژگی و این صفت نمی‌باشد «مقام عصمت»، و به همین جهت است که خداوند متعال اطاعت از این بزرگواران را در این آیه شریفه «آیه ۵۹ سوره نساء» در ردیف اطاعت از خودش قرار داده است، آن هم اطاعت مطلق و بی‌قید و شرط در تمام موارد و در تمام امور اعم از امور دنیوی و اُخروی.

همچنین ذیل این آیه شریفه «آیه ۵۹ سوره نساء» به عرض رسید که اگر کسانی از طرف آن ذوات مقدّسه به مقامی منصوب شوند اطاعت از آن‌ها نیز واجب می‌باشد، لیکن نه به جهت اینکه آن‌ها اُولی‌الأمر هستند بلکه به این جهت که منصوب از ناحیه اُولی‌الأمر می‌باشند.

این آیه شریفه «آیه ۵۵ سوره مائده» که به آیه ولایت معروف می‌باشد» نیز در راستای آیه ۵۹ سوره نساء بوده و صاحبان ولایت را به مردم معرفی می‌کند که چه کسانی بر مردم ولایت دارند و اوامر آن‌ها در تمام موارد نافذ می‌باشد، چه در امور دنیوی و چه

در امور آخروی.

خداوند متعال در این آیه شریفه می فرماید:

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ = به درستی که ولی، سرپرست و صاحب اختیار شما خداوند متعال است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم.

وَالَّذِينَ آمَنُوا = و کسانی که ایمان آورده اند «ایمان به وحدانیت خداوند متعال و رسالت و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم.

در ادامه آیه شریفه خداوند متعال این مؤمنین را «ایمان آورندگان به خداوند متعال و پیامبر اکرم را» وصف کرده و می فرماید:

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ = آن مؤمنین که نماز می خوانند و در حال نماز خواندن و در حال رکوع نماز خویش زکات می دهند.

اینکه این مؤمنین واجب الاطاعه که به تمام مردم ولایت دارند و در حال نماز و در حال رکوع زکات می دهند چه کسی و یا چه کسانی می باشند انشاء الله تعالی به طور مبسوط در بخش حدیث به عرض خواهد رسید و ملاحظه خواهید فرمود که مقصود از مؤمنینی که در حال نماز و در حال رکوع زکات می دهند کسی نیست جز وجود مقدس مولی الموحدین امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام، و پس از آن حضرت سایر ائمه معصومین علیهم السلام در این مقام می باشند و به همه مخلوقات ولایت دارند.

این آیه شریفه با کلمه إِنَّمَا شروع شده و إِنَّمَا در لغت عربی انحصار را می رساند، یعنی حُکْم را به بعد از خودش اختصاص داده و از غیر آن سلب می نماید، مثلاً هر گاه گفته شود که:

إِنَّمَا الْفَصَاحَةُ لِلْجَاهِلِيَّةِ، مقصود این است که:

فصاحت فقط و فقط به دوران جاهلیت اختصاص داشته و زمانها و ادوار دیگر از فصاحت بهره ای ندارند.

همانطور که در بخش شرح لغات به عرض رسید ولی یعنی صاحب اختیار، یعنی سرپرست، یعنی کسی که اطاعت مطلق و بی قید و شرط از او بر مردم واجب است.

با این توضیحاتی که به عرض رسید معنی آیه شریفه این می شود که: ولی، سرپرست و صاحب اختیار شما فقط و فقط خداوند متعال است و پیامبر اکرم و کسی که در حال رکوع نمازش زکات «صدقه» می دهد. همانطور که در شأن نزول آیه شریفه ملاحظه فرمودید و در بخش حدیث نیز انشاءالله تعالی ملاحظه خواهید فرمود مقصود از کسی که در حال رکوع نماز خویش زکات «صدقه» داد وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد که طبق این آیه شریفه «آیه ۵۵ سوره مائده» ولایت آن حضرت در ردیف ولایت پیامبر اکرم و خداوند متعال قرار گرفته لذا اطاعت بی قید و شرط از آن حضرت بر تمام مخلوقات واجب می باشد.

قابل ذکر است که ولایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام در عرض ولایت خداوند متعال نیست، یعنی ولایت آن ذوات مقدسه را خداوند متعال مقرر فرموده و به امر خداوند متعال آن حضرات بر همه مخلوقات ولایت دارند و واجب الاطاعه می باشند.

بنابراین:

معنی آیه شریفه این می شود که:

ولی، سرپرست و صاحب اختیار شما فقط و فقط:

۱. خداوند متعال.

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم.

۳. امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشند،

و پس از آن حضرت سایر ائمه معصومین علیهم السلام «گرچه نزول این آیه شریفه اختصاص به وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام دارد».

قابل ذکر است که:

این آیه شریفه «آیه ۵۵ سوره مائده» یکی از واضح ترین و روشن ترین دلایلی است که امامت بلافصل امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را بعد از پیامبر اکرم اثبات می کند، زیرا:

همانطور که به عرض رسید و در بخش حدیث و همچنین در ادامه بحث

به عرض خواهد رسید مقصود از الَّذِينَ آمَنُوا در این آیه شریفه وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد، و مقصود از «ولی» در این آیه شریفه نیز کسی است که سرپرست و صاحب اختیار و مدبّر امور دین و دنیای مردم است و اطاعت مطلق و بی قید و شرط از او بر مردم واجب می باشد.

اینکه گفته می شود مصداق منحصر به فرد الَّذِينَ آمَنُوا وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد، روایاتی است که از طریق شیعه و سنی نقل شده که این آیه شریفه زمانی نازل شد که آن حضرت انگشتر خویش را در حالی که نماز می خواند و در حال رکوع بود به سائل بخشید و صدقه داد.

توضیح:

الف) در این آیه شریفه «آیه ۵۵ سوره مائده» کلمه «ولی» قطعاً به معنی دوست نمی باشد و ما نمی توانیم هدف آیه شریفه را بیان دوستی و محبت قلمداد کنیم، زیرا:

این آیه شریفه می فرماید:

وَلِيٍّ شَمَا فِقْطٍ وَ فِقْطٍ خِداوند متعال است و پیامبر اکرم و مؤمنینی که نماز می خوانند و هنگام نماز و در حال رکوع زکات می دهند «صدقه می دهند».

بدیهی است دوستی و محبت دینی مربوط به همه مؤمنین است و مؤمن باید همه مؤمنین را دوست داشته باشند نه اینکه فقط مؤمنینی را دوست داشته باشد که در حال نماز و در حال رکوع نماز زکات می دهند، یعنی:

مؤمن موظف است همه مؤمنین را دوست داشته باشد نه فقط مؤمنینی را که در رکوع نمازشان صدقه می دهند.

خداوند متعال در آیه ۷۱ سوره توبه می فرماید:

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ، یعنی:

زنان و مردان مؤمن دوست یکدیگر می باشند «تمام زنان و مردان مؤمن».

بنابراین:

کلمه «ولی» در آیه ۵۵ سوره مائده به طور قطع و یقین به معنی دوست نمی‌باشد چرا که در این صورت ما فقط و فقط «به جهت آمدن کلمه انما در اول آیه شریفه» باید مؤمنینی را دوست داشته باشیم که در حال رکوع نمازشان صدقه و زکات داده‌اند یا می‌دهند، در حالی که ملاک و معیار دوست داشتن، مؤمن بودن افراد و متعهد بودن آن‌ها به همه واجبات می‌باشد نه فقط به دادن صدقه آن هم در حال رکوع نماز،

ضمن اینکه بسیاری از مؤمنین استطاعت مالی ندارند و زکات دادن به آن‌ها واجب نیست، بلکه نیازمند بوده و مستحق دریافت زکات می‌باشند.

بنابراین، اگر کلمه «ولی» به معنی دوست باشد مؤمنین نمی‌توانند همه مؤمنین دیگر را دوست داشته باشند چرا که همه آن‌ها قادر به دادن صدقه «زکات» نیستند و چه بسا خودشان مستحق دریافت زکات باشند، و با این حساب مؤمن نباید مؤمنین نیازمند و مؤمنین مستمند را دوست داشته باشد که این امر با موازین شرعی اصلاً سازگاری ندارد، بنابراین:

کلمه «ولی» در این آیه شریفه به معنی سرپرست، صاحب اختیار و اولی به تصرف می‌باشد، و اولی به تصرف یعنی کسی که از خود ما به خودمان اختیار بیشتری دارد، چه در رابطه با جان ما و چه در رابطه با مال و اموالمان، لذا:

وَلِيٌّ فِي الدِّينِ الَّذِي يَدْعُوكَ إِلَى التَّقْوَةِ وَالْحَقِّ وَالْإِيمَانِ وَتَقْوَى اللَّهِ وَتَقْوَى رَجُلٍ مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَذَلِكُمْ الَّذِي نَبِئُوا بِكُم مِّنْ قَبْلِ هَذَا لَعَلَّكُمْ تُهْتَدُونَ (سوره مائده، آیه ۵۵) فقط و فقط خداوند متعال است و به اذن و فرمان خداوند متعال پیامبر اکرم و کسانی که خداوند متعال اطاعت محض و بی‌قید و شرط از آن‌ها را بر مردم واجب فرموده است یعنی ائمه معصومین علیهم‌السلام، گرچه مصداق خاص این آیه شریفه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام می‌باشد که هنگام نماز و در حال رکوع انگشتر خویش را به فقیر دادند و پس از این قضیه بود که خداوند متعال آیه ۵۵ سوره مائده را نازل نموده و فرمودند:

وَلِيٌّ شِمَا وَ سِرْپَرِسْتِ شِمَا وَ صَاحِبِ اِخْتِيَارِ شِمَا فَفَقَطِ خَدَاوَنْدِ مَتَعَالِ اِسْتِ وَ پِيَامْبِرِ اَكْرَمِ وَ كَسِيْ كِهْ دَرِ حَالِ رُكُوْعِ نَمَازِشْ زَكَاتِ دَادِ، يَعْنيْ وَجُوْدِ مَقْدَسِ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيِّ بْنِ اَبِيْطَالِبِ عَلَيْهِ السَّلَامِ.

و خلاصه کلام اینک:

وَلِيٌّ در این آیه شریفه «آیه ۵۵ سوره مائده» یعنی شخص واجب‌الاطاعه و مفترض‌الطاعه که غیر از خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم‌السلام شخص دیگری نیست، و فقط و فقط خداوند متعال واجب‌الاطاعه است و به امر خداوند متعال پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم‌السلام، آن هم اطاعت محض و بی‌قید و شرط در تمام موارد اعم از امور دنیوی و آخروی.

در بخش حدیث نیز انشاءالله تعالی حدیثی از امام صادق علیه‌السلام نقل خواهد شد که آن وجود مقدس فرموده‌اند:

منظور از «ولی» در این آیه شریفه «آیه ۵۵ سوره مائده» یعنی کسی که از شما به خودتان شایسته‌تر و اولی‌تر می‌باشد،

و منظور از «وَالَّذِينَ آمَنُوا» در این آیه شریفه «آیه ۵۵ سوره مائده» یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و ائمه معصومین علیهم‌السلام از نسل آن حضرت تا روز قیامت.

ب) در این آیه شریفه کلمه وَ الَّذِينَ آمَنُوا به کار رفته و جمع می‌باشد، در حالی که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام که مصداق خاص آن می‌باشد یک نفر است.

جواب این است که:

اهل لغت و ادبا گاهی از لفظ جمع اراده مفرد می‌کنند و این کار به منظور تعظیم و تجلیل به کار می‌رود و بین ادبای عرب امری است بسیار شایع و به قدری مشهور است که نیاز به اثبات ندارد و مورد قبول همه ادبا می‌باشد.

موارد فراوانی در قرآن کریم دیده می‌شود که از لفظ جمع استفاده شده در حالی که منظور و مقصود از آن یک نفر بوده است.

به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌شود.

در بسیاری از آیات شریفه قرآن کریم ضمیر جمع در مورد خداوند متعال به کار رفته است، و استفاده از ضمیر جمع برای خداوند احد و واحد برای تعظیم ذات

اقدس اله می باشد.

در آیه ۶۱ سوره آل عمران خداوند متعال به پیامبر اکرم می فرماید:

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ، فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لُغْنَةً لَإِلَهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ.

در این آیه شریفه که به آیه مباهله معروف می باشد کلمه نِسَاءَنَا به صورت جمع آمده در حالی که منظور از آن وجود مقدس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد، همچنین:

کلمه أَنْفُسَنَا به صورت جمع آمده در حالی که منظور از آن وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد.

ذیل این آیه شریفه توضیحات لازم به عرض رسیده و احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که منظور از نِسَاءَنَا در این آیه شریفه وجود مقدس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها است،

و منظور از أَنْفُسَنَا نیز وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد و شأن نزول هایی نیز که برای این آیه شریفه نقل شده همین مطلب را بیان می کند.

در آیات دیگری نیز ضمیر جمع به کار برده شده در حالی که مقصود از آن یک نفر بوده است از قبیل:

آیه ۱۷۳ سوره آل عمران، آیه ۵۲ سوره مائده، آیه اول سوره ممتحنه، آیه ۸ سوره تغابن، آیه ۲۱۵ و ۲۷۴ سوره بقره و...

استفاده از ضمیر جمع و اراده مفرد از آن در رابطه با ائمه معصومین علیهم السلام به منظور تعظیم و تجلیل از آن ذوات مقدسه بوده است لیکن در موارد دیگر یا به خاطر بیان اهمیّت موقعیّت آن فرد و نقش موثر او بوده، و یا اینکه مقصود این بوده که حکم در شکل کلیّ عرض شود گرچه مصداق آن یک نفر باشد. به هر حال نتیجه این می شود که:

استفاده کردن از ضمیر جمع و اراده مفرد نمودن از آن هم در قرآن کریم و هم در ادبیات عرب امری است رایج و متداول و به قدری مشهور است که مورد قبول

همگان می‌باشد و نیاز به استدلال ندارد.

ج) در این آیه شریفه «آیه ۵۵ سوره مائده» موضوع دادن زکات مطرح شده که لازم است راجع به آن قدری توضیح داده شود. معنی لغوی زکات اعم است از معنی مصطلح آن و صدقه را نیز شامل می‌شود. زکات به معنی خاص کلمه که مربوط به فروع دین می‌باشد به اموال خاصی تعلق می‌گیرد و شرایط خاص خودش را دارد که در کتب فقهی به آن پرداخته شده و مسائل آن تبیین شده است.

این زکات خاص مصطلح در فقه به ۹ چیز تعلق می‌گیرد که عبارتند از:
انعام ثلاثه یعنی گاو و گوسفند و شتر.
غلات اربعه یعنی گندم، جو، خرما، و کشمش
و نقدین یعنی طلا و نقره،

لیکن زکات در این آیه شریفه «آیه ۵۵ سوره مائده» اعم است، یعنی هم شامل زکات به معنی خاص مصطلح در فقه می‌باشد، هم شامل انواع صدقات می‌شود. در حقیقت وقتی زکات در مقابل نماز قرار می‌گیرد به معنی انفاق مال در راه خدا می‌باشد و شامل هر گونه انفاقی می‌شود.

در آیات شریفه‌ای که در مکه نازل شده‌اند نیز در خصوص زکات مطالبی عنوان شده است که مقصود از آن زکات مستحب می‌باشد «یعنی صدقات» زیرا زکات واجب «زکاتی که به ۹ چیز تعلق می‌گیرد» در مکه واجب نشده بود و پس از هجرت پیامبر اکرم به مدینه بود که وجوب زکات مطرح شده «زکات مصطلح که به ۹ چیز تعلق می‌گیرد»، بنابراین:

معنی دادن زکات در حال نماز و در حال رکوع نماز که در این آیه شریفه «آیه ۵۵ سوره مائده» به آن اشاره شده زکات به معنی اعم آن می‌باشد و صدقه را هم شامل می‌شود.

خداوند متعال در آیه ۱۰۳ سوره توبه به پیامبر اکرم می‌فرماید:

حَدْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا، یعنی:

از اموال آنها «مسلمانان» صدقه‌ای بگیر تا بدین وسیله آنها را پاک و پاکیزه سازی. این آیه شریفه دلالت دارد بر اینکه: زکات مصطلح یکی از مصادیق صدقه است و از این جهت آن را زکات گفته‌اند که صدقه است، چرا که: صدقه پاک‌کننده است و زکات هم از تزکیه می‌آید و به معنی پاک کردن است، لذا: عنوان کردن زکات به عنوان مطلق صدقه مانعی ندارد.^۱

حدیث:

۱. وجود مقدس امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند: این آیه شریفه «انَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» - آیه ۵۵، سوره مائده» هنگامی نازل شد که وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در حال رکوع انگشتر خویش را صدقه داد.^۲

۲. حسین بن ابی العلاء می‌گوید:

خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: عقیده ما نسبت به اوصیاء پیامبر اکرم «یعنی ائمه معصومین علیهم السلام» این است که:

اطاعت از آنها واجب است.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

آری، اطاعت از ائمه معصومین علیهم السلام واجب است و آنها کسانی هستند که خداوند متعال درباره آنها فرموده:

۱. مجمع البیان، جلد هفتم، صفحه ۸۷ تا ۸۹.

المیزان، جلد یازدهم، صفحه ۱۸ تا ۲۰.

تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۵۳۲ - ۵۳۳ - ۵۳۷ - ۵۳۸ - ۵۴۱.

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۴۲۹.

۲. مجمع البیان، جلد هفتم، صفحه ۸۵.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۶۸۳، حدیث ۱۱.

«أَطِيعُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ - آیه ۵۹، سوره نساء»، همچنان آن‌ها کسانی هستند که خداوند متعال درباره آن‌ها فرموده:

«أِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ - آیه ۵۵، سوره مائده»^۱.

۳. وجود مقدس امام باقر علیه‌السلام درباره آیه ۵۷ سوره بقره «وَ مَا ظَلَمْنَا وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» فرمودند:

خداوند متعال بزرگ‌تر، عزیزتر و جلیل‌تر از آن است که مورد ظلم واقع شود «خداوند متعال عزیزتر از آن است که کسی بتواند به او ظلم کند»، لیکن خداوند متعال خودش را در کنار ما قرار داده و با خودش ممزوج نموده و درآمیخته و ظلم به ما را ظلم به خودش دانسته و ولایت ما را ولایت خودش قرار داده و فرموده:

«أِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ - آیه ۵۵، سوره مائده»^۲.

این حدیث را زراره از امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.^۲
 «عزیز = شکست‌ناپذیر، همواره غالب، قاهر غیرمقهور، کسی که همواره پیروز است».

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۶۹، حدیث ۱۶ «حدیث ۴۸۹».

اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۶۴، حدیث ۷ «حدیث ۴۸۰».

المیزان، جلد یازدهم، صفحه ۳۶.

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۴۳۰.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۶۷۶ - ۶۸۰، حدیث ۳ و ۸.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۴۳۳، حدیث ۲۶۷ «حدیث ۲۸۲۸».

۲. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۰۰، حدیث ۱۱ «حدیث ۳۵۹».

اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۳۱۶، حدیث ۹۱ «حدیث ۱۱۷۰».

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۶۷۶، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۴۳۳، حدیث ۲۶۵ «حدیث ۲۸۲۶».

۴. امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ - آیه ۵۵، سوره مائده» فرمودند:

منظور از «وَلِيٍّ» در این آیه شریفه یعنی شایسته‌تر و اولی‌تر به شما. وَلِيٍّ در این آیه شریفه یعنی کسانی که به جان و مال و امور شما «تمام امور اعم از امور دنیوی و اخروی» از خودتان اولی‌تر و شایسته‌تر هستند و آنها عبارتند از:

خداوند متعال و پیامبر اکرم، همچنین کسانی که آیه شریفه می‌فرماید وَالَّذِينَ آمَنُوا،

و منظور از وَالَّذِينَ آمَنُوا در این آیه شریفه یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و ائمه معصومین از نسل آن حضرت تا روز قیامت که خداوند متعال در وصف آنان می‌فرماید:

«الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ».

این حدیث را احمد بن عیسی از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۱

۵. وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:

خداوند متعال پیامبر اکرم را به ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام امر نموده و این آیه شریفه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ - آیه ۵۵، سوره مائده» را نازل فرمودند.

این حدیث را ابی الجارود از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۲

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۴۶، حدیث ۳ «حدیث ۷۵۲».

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۶۷۷، حدیث ۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۴۲۵، حدیث ۲۵۷ «حدیث ۲۸۱۷».

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۴۲۹.

۲. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۴۷، حدیث ۴ «حدیث ۷۵۳».

المیزان، جلد یازدهم، صفحه ۲۸ - ۲۹.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۶۷۷، حدیث ۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۶۳۱، حدیث ۲۶۴ «حدیث ۲۸۲۵».

۶. وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

وقتی که این آیه شریفه «**أَنَا وَلِيُّكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ** - آیه ۵۵، سوره مائده»، نازل شد عده‌ای از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم در مسجد مدینه گرد هم جمع شده و به یکدیگر می‌گفتند:

شما درباره این آیه «آیه ۵۵ سوره مائده» چه می‌گوئید و نظرتان راجع به آن چیست؟

بعضی از آن‌ها گفتند:

اگر به این آیه کافر شویم «آن را نپذیریم» به آیات دیگر هم کافر شده‌ایم «آیات دیگر را نیز انکار کرده‌ایم»، و اگر آن را بپذیریم و به آن ایمان بیاوریم خوار می‌شویم و این کار باعث ذلّت ما است، زیرا علی بن ابیطالب بر ما مسلّط می‌گردد.

پس از این گفتگو نظر جمع حاضر این شد که:

ما می‌دانیم که حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم صادق است و هر چه می‌گوید راست است، بنابراین ما پیامبر اکرم را ولی خود دانسته و از او اطاعت می‌کنیم لیکن آنچه را که پیامبر اکرم درباره علی بن ابیطالب به ما امر کند این دستور و این امر پیامبر اکرم را اطاعت نخواهیم کرد.

امام صادق علیه السّلام سپس فرمودند:

پس از این ماجرا بود که خداوند متعال آیه ۸۳ سوره نحل را نازل نمود و فرمودند:

يَعْرِفُونَ نِعْمَةَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ، یعنی:

ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام را می‌شناسند لیکن به آن کُفر می‌ورزند و آن را انکار می‌کنند «یعنی می‌دانند که ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام از ناحیه خداوند متعال است و آن حضرت را خداوند متعال به امامت مسلمین منصوب فرموده است، لیکن آن را انکار کرده و آن را نمی‌پذیرند».

این حدیث شریف را احمد بن عیسی از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.^۱

توضیح:

(الف) ذیل آیه ۸۳ سوره نحل درباره انکار امامت علی بن ابیطالب علیه السّلام «پس از رحلت پیامبر اکرم» مطالبی عنوان شده است.

(ب) ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السّلام عالی ترین نعمت خداوند متعال است که از ناحیه خداوند متعال به بشریت اعطا شده است «پس از نعمت وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم».

ذیل آیات فراوانی از جمله ذیل آیه سوّم سوره مائده، آیه ۸۳ سوره نحل، و ذیل آیات سوره تکاثر در رابطه با نعماتی که خداوند متعال به انسانها اعطا فرموده مطالبی به عرض رسیده است.

۷. ابن ابی یعفور می گوید:

محضر امام صادق علیه السّلام عرض کردم:

یا بن رسول الله، اجازه می فرمائید فهم خودم را از دینی که خداوند متعال به ما اعطا فرموده خدمت شما عرضه بدارم.

امام صادق علیه السّلام فرمودند:

عرضه بدار.

محضر مبارک امام صادق علیه السّلام عرض کردم:

شهادت و گواهی می دهم که:

خدایی نیست جز خدای یگانه، و اینکه:

۱. اصول کافی، جلد دوّم، صفحه ۳۰۱، حدیث ۷۷ «حدیث ۱۱۵۶».

تفسیر صافی، جلد دوّم، صفحه ۴۲۹.

تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۶۷۵، حدیث ۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوّم، صفحه ۴۲۷، حدیث ۲۶۰ «حدیث ۲۸۲۰».

حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم رسول و فرستاده خداوند متعال است و آنچه را که آن حضرت از جانب خداوند متعال آورده قبول دارم.

ابن ابی یغفور می گوید:

سپس اوصاف ائمه معصومین علیهم السلام را بیان نمودم تا رسید به امام باقر علیه السلام، و سپس به امام صادق علیه السلام عرض کردم: یا بن رسول الله:

آنچه را که درباره ائمه معصومین علیهم السلام عرض نمودم «از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام تا امام باقر علیه السلام» درباره شما نیز عرض می کنم «یعنی شما نیز امام منصوب از ناحیه خداوند متعال می باشید».

ابن ابی یغفور می گوید:

سپس به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

گمان می کنم که ائمه معصومین علیهم السلام همان کسانی هستند که خداوند متعال درباره آنها می فرماید:

«أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ - آیه ۵۹، سوره نساء».

امام صادق علیه السلام به من «ابن ابی یغفور» فرمودند:

آیه دیگر را نیز تلاوت کن.

خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم:

کدام آیه شریفه را

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«أِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ

- آیه ۵۵، سوره مائده»^۱.

۸. وجود مقدس امام باقر علیه السلام درباره این آیه شریفه «أِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ

وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ - آیه ۵۵، سوره مائده».

فرمودند:

آنها ائمه معصومین علیهم السلام می باشند «یعنی، ولی و سرپرست و صاحب اختیار

۱. تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۶۸۵، حدیث ۱۵.

شما فقط و فقط خداوند متعال است و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام». این حدیث را فضیل از امام باقر علیه السّلام نقل نموده است.^۱

۹. وجود مقدّس امام هادی علیه السّلام در پاسخ به سؤالاتی در رابطه با موضوع جَبْر و تَفْوِیض به اهل اهواز نامه‌ای مرقوم فرمودند که در قسمتی از این نامه شریف آمده که:

همه امت اسلام اتّفاق نظر دارند و هیچ اختلافی در این زمینه بین آنها وجود ندارد که:

قرآن کریم حقّ است و هیچ شکّی در آن نیست «اشاره به آیه دوّم سوره بقره که می‌فرماید: ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ، یعنی قرآن کریم کتاب با عظمتی است که هیچگونه شکّ و تردید در آن راه ندارد»، لذا وقتی قرآن کریم خبری را تصدیق فرمود باید آن خبر را اخذ نمود و بر طبق آن عمل کرد، و اگر خبر دیگری معارض با این خبر شد نباید به آن اعتنا کرد، بنابراین:

اگر گروهی از مسلمین خبری را که قرآن کریم تصدیق فرموده آن را انکار کنند و یا با احادیث جعلی به مبارزه با آن خبر تصدیق شده قرآنی بپردازند کافر شده و گمراه می‌گردند.

در ادامه فرمایش امام هادی علیه السّلام در این نامه شریف آمده که: صحیح‌ترین خبری که قرآن کریم نیز صحّت آن را تأیید فرموده و تمام فِرَقِ مسلمین «فرقه‌های مختلف مسلمانان اعم از شیعه و سنی» اتّفاق نظر دارند که از ناحیه مقدّسه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم صادر شده این حدیث شریف است که پیامبر اکرم فرمودند:

إِنِّي مُسْتَخْلِفٌ فِيكُمْ خَلِيفَتَيْنِ:

كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي،

مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي،

وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ، یعنی:

۱. تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۶۸۷، حدیث ۱۹.

من پس از خودم دو جانشین را در میان شما بر جای می گذارم: کتاب خدا «قرآن کریم» و عترتم.

اگر شما بعد از من به این دو یادگار من تمسک نمائید و چنگ بزنید «دست به دامن آن دو چیز گرانبها بشوید» هرگز گمراه نخواهید شد، و این دو یادگار من «کتاب خدا و عترتم» هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا اینکه کنار حوض کوثر به من محلق شوند.

در ادامه فرمایش امام هادی علیه السلام آمده است که:
این حدیث شریف با لفظ دیگری نیز از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم صادر شده که طبق آن حدیث شریف پیامبر اکرم فرمودند:

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ:

کتاب الله و عترتی اهل بیتمی،
و اینها لن یفترقا حتی یردا علی الحوض،
ما ان تمسکتُم بهما لن تضلوا، یعنی:

من دو چیز گرانبها را در میان شما باقی می گذارم، کتاب خدا «قرآن کریم» و عترتم و اهل بیتم، این دو چیز گرانبها هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا اینکه کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

اگر به آن دو یادگار من «قرآن کریم و اهل بیتم» تمسک نمائید و چنگ بزنید هرگز گمراه نخواهید شد.

امام هادی علیه السلام در ادامه فرمایشات خویش در این نامه شریف به این آیه شریفه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» - آیه ۵۵، سوره مائده» اشاره نموده و فرمودند:

همه علما و اهل حدیث همه فرقی اسلامی اتفاق نظر دارند که مراد از الَّذِينَ آمَنُوا در این آیه شریفه فقط امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد که در حال رکوع نمازش انگشتر خویش را صدقه داد و خداوند متعال نیز به عنوان قدردانی از آن حضرت این آیه شریفه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ

يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ - آیه ۵۵، سوره مائده» را نازل فرمودند.

در ادامه فرمایش امام هادی علیه السلام آمده است که:

و در تأیید این مطلب می بینیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مورد علی بن ابیطالب علیه السلام به اصحابش فرمود:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ،

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ،

وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ، یعنی:

هر کس که من مولا و سرپرست او هستم علی بن ابیطالب مولا و سرپرست او می باشد،

پروردگارا:

دوست بدار هر کس را که علی بن ابیطالب را دوست می دارد،

و دشمن بدار هر کس را که علی بن ابیطالب را دشمن می دارد.

همچنین پیامبر اکرم در مورد امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

عَلِيٌّ يَقْضِي دِينِي،

وَ يُنْجِزُ مَوْعِدِي،

وَ هُوَ خَلِيفَتُكُمْ بَعْدِي، یعنی:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام:

دین مرا ادا می کند،

و عده مرا عمل می کند،

و بعد از من خلیفه من بر شما است «جانشین من است».

همچنین وقتی پیامبر اکرم عازم جنگ شد و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام

را به عنوان جانشین خویش در مدینه قرار داد، در پاسخ سؤال امیرالمؤمنین

علی بن ابیطالب علیه السلام و اظهار ناراحتی از اینکه در محضر پیامبر اکرم نیست به

آن حضرت «یعنی علی علیه السلام» فرمود:

أَمَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، یعنی:

علی جان:

آیا راضی و خشنود نیستی که نسبت تو به من مثل نسبت هارون به موسی باشد، با این تفاوت که پس از من دیگر پیامبری نخواهد بود «هارون، برادر حضرت موسی بن عمران و جانشین او بود».

در ادامه فرمایش امام هادی علیه السلام آمده است که:

بنابراین می فهمیم که قرآن کریم به صدق این اخبار شهادت داده و آن‌ها را تأیید نموده است، لذا بر امت اسلام واجب است که به آن اخبار اقتدا نموده و از آن‌ها تبعیت نمایند و گرنه اهل عناد و فساد هستند «جز اهل عناد و فساد کسی از اخبار موافق با قرآن کریم اعراض نمی کند»^۱.

۱۰. وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

منافقین «کسانی که ظاهراً به خدا و رسول ایمان داشتند لیکن قلباً و باطناً ذرّه‌ای ایمان نداشته و منتظر رحلت پیامبر اکرم بودند تا اسلام را از مسیر اصلی آن منحرف نمایند» به وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردند:

یا رسول الله:

آیا بعد از این واجباتی که تاکنون بیان فرموده‌اید «از قبیل نماز، روزه، حج، جهاد، و سایر واجبات» فریضه دیگری «واجب دیگری» باقی مانده تا برای ما بیان فرمایی تا خیال ما راحت شود که دیگر چیزی از احکام اسلام باقی نمانده است.

پس از این سؤال بود که خداوند متعال آیه ۴۶ سوره سبا را نازل نموده و فرمودند:

قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ يَعْنِي الْوَلَايَةَ، یعنی:

ای پیامبر:

به آن‌ها بگو من شما را فقط به یک چیز پند و اندرز می دهم و آن نیز ولایت است

«ولایت و امامت انتمه معصومین علیهم السلام»، آنگاه خداوند متعال فرمودند:

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ

۱. احتجاج طبرسی، جلد دوم، احتجاج امام هادی علیه السلام در مسائل توحیدی صفحه ۵۲۶ تا ۵۳۸ «۵۲۸ و ۵۲۹»، حدیث ۳۲۸.

المیزان، جلد یازدهم، صفحه ۳۳ تا ۳۵.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۶۸۷، حدیث ۲۰.

رَاكِعُونَ - آیه ۵۵، سوره مائده»، و میان امت هیچ اختلافی نیست که فقط یک نفر در حال رکوع نمازش زکات داد «صدقه داد»، و او نیز امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بود.^۱

توضیح:

الف) منظور منافقین امت اسلام از این سؤال «در رابطه با اینکه آیا احکامی از اسلام باقی مانده است یا نه» این بود که:

پیامبر اکرم بفرمایند همه احکام و فرائض بیان شده و چیزی باقی نمانده تا خیال منافقین از بابت امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام راحت شود و مطمئن شوند که آن حضرت بعد از پیامبر اکرم امامت مسلمین را بر عهده نخواهد داشت، گرچه پیامبر اکرم قبلاً بارها و بارها و به مناسبت‌های مختلف اعلام فرموده بود که بعد از خودش امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام امامت مسلمین را بر عهده خواهد داشت.

ب) ملاحظه فرمودید که خداوند متعال در آیه ۴۶ سوره سبا فرمودند:

قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفُرَادَى، یعنی:

ای پیامبر:

به مردم بگو:

من شما را فقط به یک چیز اندرز می‌دهم و آن این است که:

دو نفر دو نفر یا یک نفر یک نفر برای خدا قیام کنید.

مقصود از قیام در این آیه شریفه ایستادن روی دو پا نیست بلکه آمادگی برای

انجام کار است آن هم با انگیزه الهی.

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول «صفحه ۵۶۹»، حدیث ۱۳۷.

المیزان، جلد یازدهم، صفحه ۳۵.

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۴۳۰.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۶۸۸، حدیث ۲۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۴۲۷، حدیث ۲۵۸ «حدیث ۲۸۱۸».

اما تأویل آیه شریفه و معنی باطنی آیه شریفه که از لسان مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بیان شده این است که:
 خداوند متعال به پیامبر اکرم می فرماید:
 ای پیامبر:
 به مردم بگو که:

من شما را به یک چیز اندرز می دهم و آن هم موضوع ولایت است، یعنی:
 ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام مهم ترین سفارش خداوند و رسول به امت اسلام می باشد.

۱۱. وجود مقدس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در احتجاج خویش بر ابوبکر به او فرمود:

فَأَنْشِدُكَ بِاللَّهِ:
 أَلَيْ الْوَلَايَةُ مِنَ اللَّهِ مَعَ وِلَايَةِ رَسُولِهِ فِي آيَةِ الزَّكَاةِ بِالْخَاتَمِ، أَمْ لَكَ.
 قَالَ أَبُو بَكْرٍ: بَلْ لَكَ، يَعْنِي:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به ابوبکر فرمود:
 تو را به خدا سوگند:

آیا در آیه زکات «آیه ۵۵، سوره مائده» به دلیل صدقه دادن انگشتر، ولایت من قرین «کنار» ولایت خداوند متعال و پیامبر اکرم واقع شده یا تو.
 ابوبکر عرض کرد: البته برای شما.^۱

۱۲. وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در یک مجلس هفتاد فضیلت و منقبت خویش را بیان فرمودند که شصت و پنجمین منقبت آن حضرت که در این مجلس از زبان آن حضرت بیان شد این بود که:
 امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

۱. المیزان، جلد یازدهم، صفحه ۳۲ - ۳۳.

احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج حضرت امیر علیه السلام بر ابوبکر، صفحه ۲۶۱ تا ۲۷۴ «صفحه ۲۶۵»، حدیث ۵۳. تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۴۳۱، حدیث ۲۶۲ «حدیث ۲۸۲۲».

من در مسجد در حال نماز بودم که سائلی آمد و چیزی درخواست نمود و من نیز در حالی که مشغول نماز بودم انگشترم را به او دادم و متعاقب آن خداوند متعال این آیه شریفه را نازل فرمود: «أَتْمَا وَلِيكُمُ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ - آیه ۵۵، سوره مائده»^۱.

۱۳. وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در مسجد النبی و در حضور عدّه‌ای از مهاجرین و انصار «در زمان خلافت عثمان» فرمودند: وقتی که آیه ۵۹ سوره نساء و آیه ۵۵ سوره مائده نازل شد «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ - آیه ۵۹ سوره نساء» «أَتْمَا وَلِيكُمُ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ - آیه ۵۵ سوره مائده»، مردم از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدند: یا رسول الله:

آیا این آیات شریفه اختصاص به مؤمنین خاص و ویژه‌ای دارد. پس از این موضوع بود که خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دستور دادند تا وُلّات امر «صاحبان امر، یعنی ائمه معصومین علیهم السلام» را به آنان معرفی و اعلام فرماید و همانگونه که نماز و روزه و زکات و حج را برای مسلمانان تبیین فرموده بود مسئله ولایت را نیز برای آنان بیان نموده و اعلام نماید، و به همین جهت بود که وجود مقدّس پیامبر اکرم در روز غدیر خم مرا به امامت مسلمین منصوب فرمود.^۲

۱۴. وجود مقدّس امام باقر علیه السلام فرمودند: هنگامی که زمان وفات عمر بن خطّاب فرا رسید مسئله تعیین خلیفه بعد از خویش را به یک شورای شش نفره محوّل نمود که عبارت بودند از:

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۴۳۱، حدیث ۲۶۳ «حدیث ۲۸۲۳».
 خصال صدوق، جلد دوم، باب خصال چهل گانه و بیشتر، صفحه ۳۱۲ تا ۳۱۸ «صفحه ۳۶۷»، حدیث ۲۲، شماره ۶۵.
 ۲. احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج حضرت امیر علیه السلام بر مهاجرین و انصار، صفحه ۳۰۰ تا ۳۲۶ «صفحه ۳۰۵»، حدیث ۵۶.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام، عثمان بن عفّان، زبیر بن عوّام - طلحة بن عبیدالله - عبدالرحمن بن عوف - و سعد بن ابی وقاص.

عمر بن خطاب به این شش نفر گفت:

باید در یک اطاق نشسته و از بین خودشان یک نفر را به عنوان خلیفه مسلمین انتخاب کنند «بعد از فوت عمر بن خطاب» و از آن مکان خارج نشوند تا با فرد انتخاب شده بیعت نمایند، و هر گاه افرادی که در اقلیت واقع شده‌اند از بیعت کردن با فرد منتخب «انتخاب شده» امتناع نمودند باید کشته شوند.

بعد از وفات عمر بن خطاب این جلسه تشکیل شد و عثمان بن عفّان به عنوان خلیفه مسلمین انتخاب شد «قابل ذکر است که نتیجه جلسه این شورا از قبل معلوم بود زیرا فقط زبیر بن عوّام طرفدار امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بود و بقیه افراد طرفدار عثمان بودند، و همین زبیر نیز پس از کشته شدن عثمان در زمره مخالفین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام قرار گرفت و با همکاری طلحة بن عبیدالله و یکی از همسران پیامبر اکرم با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام جنگید که این جنگ به جنگ جمل معروف می‌باشد و این گروهی که با حضرت امیر علیه السلام جنگیدند به ناکثین شهرت دارند، یعنی نکث بیعت‌کنندگان و پیمان‌شکنان».

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام برای اینکه حقیقت روشن شود و حجّت بر اعضاء شورا تمام شود تا بعدها نگویند که ما از فضائل و مناقب شما «حضرت علی علیه السلام» بی‌خبر بودیم و از آن‌ها اطلاعی نداشتیم اعضاء شورا را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

سخنان مرا بشنوید، چنانچه سخنان من درست و به حق بود آن را بپذیرید و اگر باطل و نادرست بود آن را رد کنید.

سپس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام شروع به صحبت نموده و طیّ فرمایشات خویش بیش از نود فضیلت از فضائل بیکران خویش را بیان فرمودند که تماماً مورد قبول اعضاء واقع شد.

یکی از فضائل آن حضرت که در این جلسه از زبان مبارک او صادر شد این بود که: امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام اعضاء شورا را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

نَشَدْتُكُمْ بِاللَّهِ:

هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ نَزَلَتْ فِيهِ هَذِهِ الْآيَةُ «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» - آیه ۵۵، سوره مائده، یعنی: شما را به خدا سوگند:

آیا جز من کسی در میان شما هست که این آیه شریفه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» - آیه ۵۵، سوره مائده» درباره او نازل شده باشد.

قالوا: لا، یعنی:

اعضاء شورا در جواب حضرت امیر علیه السلام عرض کردند: خیر «یعنی آیه ۵۵ سوره مبارکه مائده فقط درباره شما نازل شده است»^۱.

۱۵. سُلَيْمِ بْنِ قَيْسٍ مِي گويد:

من در محضر مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بودم که یکی از اصحاب آن حضرت از او سؤال کرد:

یا ابا الحسن، مرا از بهترین مناقب خویش باخبر ساز.

حضرت امیر علیه السلام به او فرمود:

آنچه که در قرآن کریم آمده و فضائل مرا بیان می فرماید یا سایر فضائل.

آن مرد پرسید:

چه آیتی درباره شما نازل شده و فضائل شما را بیان می فرماید.

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام آیات شریفه ای از قرآن کریم را تلاوت فرمودند که یکی از آنها آیه ۵۹ سوره نساء بود و دیگری آیه ۵۵

۱. المیزان، جلد یازدهم، صفحه ۳۳.

احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج حضرت امیر علیه السلام بر اعضاء شورا، صفحه ۲۷۸ تا ۲۹۹ «صفحه ۲۷۸ و ۲۸۶»، حدیث ۵۵.

سوره مائده.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ - آیه ۵۹، سوره نساء».

«أِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ - آیه ۵۵، سوره مائده»^۱.

قابل ذکر است که این حدیث شریف و چند حدیث دیگر در انتهای مبحث احتجاج حضرت امیر علیه السلام بر مهاجرین و انصار درج شده است.

۱۶. وجود مقدس امام رضا سلام الله علیه در جلسه‌ای که مأمون ملعون نیز حاضر بود در رابطه با فضائل و مناقب اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مطالبی فرمودند که به گوشه‌هایی از آن اشاره می‌شود.

وجود مبارک امام رضا علیه السلام فرمودند:

اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم همان کسانی هستند که خداوند متعال این آیات شریفه را در شأن آن‌ها نازل فرموده است: «أِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً - آیه ۳۳، سوره احزاب که به آیه تطهیر معروف می‌باشد».

«فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ، فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاتِكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَائِكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لُغْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ - آیه ۶۱، سوره آل عمران معروف به آیه مباهله».

«وَ آتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ - آیه ۲۶ سوره اسراء».

«قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى - آیه ۲۳، سوره شوری».

«وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى - آیه ۴۱، سوره

انفال».

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ - آیه ۵۹، سوره نساء».

«أِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، صفحه ۳۳۵، حدیث ۶۵.

- آیه ۵۵، سوره مائده معروف به آیه ولایت».

وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام ضمن تلاوت این آیات شریفه و بیان این مطلب که این آیات شریفه در رابطه با اهل بیت پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام می‌باشند، پس از تلاوت هر آیه شریفه توضیحاتی پیرامون آن آیه شریفه بیان می‌فرمودند که به طور اختصار به دو نمونه آن اشاره می‌شود.

وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام پس از تلاوت آیه ۵۹ سوره نساء «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» فرمودند:

خداوند متعال در این آیه شریفه ابتدا از خود آغاز کرده و سپس پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت را ذکر فرموده و بدین ترتیب اطاعت از پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت را قرین «در ردیف» اطاعت خود قرار داده و اطاعت از آن‌ها را به همه مردم واجب فرموده است.

همچنین وجود مقدّس امام رضا صلوات‌الله و سلامه علیه پس از تلاوت آیه ولایت «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ - آیه ۵۵، سوره مائده» فرمودند:

خداوند متعال در این آیه شریفه نیز ابتدا موضوع ولایت خویش را مطرح فرموده و سپس ولایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن حضرت را ذکر فرموده و بدین ترتیب ولایت پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت را قرین ولایت خویش «در ردیف ولایت خویش» قرار داده است.^۱

۱۷. شخصی به نام عبدالله بن عطا می‌گوید:

روزی من خدمت امام باقر علیه السّلام بودم و کنار آن حضرت نشسته بودم که فردی به نام عبدالله بن سلام از کنار ما عبور کرد.

خدمت امام باقر علیه السّلام عرض کردم:

یا بن رسول الله:

۱. عیون اخبار الرضا علیه السّلام، جلد اول، باب ۲۳، فرق بین عترت و امت، صفحه ۴۶۸ تا ۴۹۶، حدیث ۱. تفسیر نورالتقلین، جلد دوم، صفحه ۴۳۵، حدیث ۲۶۸ «حدیث ۲۸۲۹».

این فرد «عبدالله بن سلام» پسر همان کسی است که گفته می‌شود علم قرآن را می‌داند «آیا پسر همان کسی است که علم کتاب نزد او است». وجود مقدس امام باقر علیه‌السلام فرمودند:
خیر، و سپس اضافه فرمودند:

کسی که تمام علم قرآن نزد او است امام شما امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام است که آیات شریفه فراوانی در رابطه با آن حضرت نازل شده است. وجود مقدس امام باقر علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش به چند آیه شریفه اشاره فرمودند که در شأن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام نازل شده است، از جمله: «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» - آیه ۴۳ سوره رعد».

«أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ» - آیه ۱۷ سوره هود».
«أِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» - آیه ۵۵ سوره مائده»^۱.

توضیح:

ذیل هر کدام از آیات شریفه‌ای که ملاحظه فرمودید «آیه ۳۳ سوره احزاب، آیه ۶۱ سوره آل عمران، آیه ۲۳ سوره شوری، آیه ۴۱ سوره انفال، آیه ۵۹ سوره نساء، آیه ۱۷ سوره هود و آیه ۴۳ سوره رعد» توضیحات کاملی ارائه شده است.

۱۸. هنگام زیارت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام در روز عید سعید غدیر به محضر آن حضرت عرض می‌کنیم:

«لَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَىٰ فِيكَ» «خداوند متعال درباره تو نازل فرموده»:
«أِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» - آیه ۵۵ سوره مائده».

۱. المیزان، جلد یازدهم، صفحه ۳۹.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۱۴۶، حدیث ۱۸ «ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۷۲، حدیث ۲۵ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

این زیات شریف و نورانی از ناحیه مقدسه امام هادی علیه السلام صادر شده و در مفاتیح الجنان نیز آمده است.

۱۹. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری «حَجَّةُ الْوُدَاعِ» و پس از پایان مناسک حج و هنگام مراجعت از مکه به مدینه در محل غدیر خم و در حضور انبوهی از حجاج بیت الله الحرام که تعداد آن‌ها تا یکصد و بیست هزار نفر نیز عنوان شده خطبه مفصلی ایراد فرموده و پس از حمد و ثنای خداوند متعال، قطره‌ای از دریای بیکران فضائل و مناقب مولی الموحدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را بیان فرموده و سپس آن حضرت را به دستور خداوند متعال به عنوان وصی و جانشین خویش و به عنوان امام مسلمین معرفی و منصوب فرمودند.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در قسمتی از فرمایشات خویش فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

فَأَوْحَى إِلَيَّ:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» فِي عَلِيٍّ، يَعْنِي فِي الْخِلَافَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ - آیه ۶۷ سوره مائده معروف به آیه ابلاغ».

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

مَا قَصَرْتُ فِي تَبْلِيغِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيَّ، وَأَنَا مُبَيِّنٌ لَكُمْ سَبَبَ نَزُولِ هَذِهِ الْآيَةِ، إِنَّ جِبْرَائِيلَ «عَلَيْهِ السَّلَامُ» هَبَطَ إِلَيَّ مَرَارًا ثَلَاثًا يَأْمُرُنِي عَنِ السَّلَامِ رَبِّي، وَهُوَ السَّلَامُ، أَنْ أَقُومَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَأَعْلَمَ كُلَّ أَبْيَضٍ وَأَسْوَدَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ:

أَخِي وَوَصِيِّ وَخَلِيفَتِي وَالْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي،
الَّذِي مَحَلُّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي،
وَهُوَ وَوَلِيُّكُمْ بَعْدَ اللَّهِ وَرَسُولُهُ،

وَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيَّ بِذَلِكَ آيَةً مِنْ كِتَابِهِ:

«أَنَا وَإِيَّكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ - آیه ۵۵ سوره مائده معروف به آیه ولایت»

وَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَهُوَ رَاكِعٌ يُرِيدُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ، يَعْنِي:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

ای گروه مردم:

خداوند متعال به من وحی نموده و فرموده که:

ای پیامبر:

آنچه را که درباره علی بن ابیطالب علیه السلام از جانب خداوند متعال به تو نازل شده به مردم برسان و به مردم ابلاغ نما و اگر این کار را نکنی و ولایت و امامت علی بن ابیطالب علیه السلام را به مردم اعلام نکنی امر رسالت را ناتمام گذاشته‌ای، و خداوند متعال تو را از شر مردم و از شر دشمنان اسلام حفظ می‌کند.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمایش خویش

فرمودند:

ای گروه مردم:

شاهد باشید که من در ابلاغ فرمان خداوند متعال و رساندن وحی الهی کوتاهی نکرده‌ام و گفتنی‌ها را حسب وظیفه‌ای که داشته و دارم برای شما گفته‌ام، و اکنون سبب و دلیل نزول این آیه شریفه «آیه ۶۷ سوره مائده» را برای شما بیان می‌کنم «تا تصوّر نکنید که این مطالب را از پیش خودم می‌گویم»، سپس پیامبر اکرم فرمودند:

جبرئیل سه مرتبه بر من نازل شد و سلام خداوند متعال را به من ابلاغ فرمود و پس از ابلاغ سلام خداوند متعال دستور خداوند متعال را به من ابلاغ کرد که خداوند متعال مرا مأمور فرموده تا در این مکان «یعنی محل غدیر خم» توقف نموده و در میان شما به پا خیزم و به همگان اعلام کنم که:

علی بن ابیطالب برادر من و وصی و جانشین من است و بعد از من امام است.

وجود مقدس پیامبر اکرم در ادامه بیانات نورانی خویش فرمودند:

نسبت او به من همانند هارون است به موسی با این تفاوت که بعد از من پیامبری

نخواهد بود «هارون، برادر موسی بن عمران و جانشین او بود»،
ای مردم:

علی بن ابیطالب پس از خداوند متعال و پس از من «پیامبر اکرم» ولی شما است و سرپرست و صاحب اختیار شما می باشد، و خداوند متعال در این مورد «اینکه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام پس از خداوند متعال و پس از پیامبر اکرم بر همه مردم ولایت دارد» در قرآن کریم آیه ای را بر من نازل نموده و فرموده: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ - آیه ۵۵، سوره مائده»، یعنی:

صاحب اختیار شما فقط و فقط خداوند متعال است و پیامبر اکرم و کسانی که به خدا و رسول ایمان آورده و نماز می خوانند و در حال رکوع نماز خویش زکات «صدقه» می دهند.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سپس فرمودند:
ای مردم:

این فرد علی بن ابیطالب می باشد که نماز را به پا داشت «اقامه نماز نمود» و در حال رکوع نمازش زکات داد «دادن انگشتر به فقیر»،
و این علی بن ابیطالب است که پیوسته و در همه حال متوجه خداوند متعال است و در تمام امور خداوند متعال را مد نظر دارد و به دنبال جلب رضایت خداوند متعال است.^۱
قابل ذکر است که:

مَعَاشِرٌ جَمْعُ مَعْشَرٍ مِی باشد و مَعْشَرٌ یعنی گروه.

عَلَّتْ اینکه در این خطبه نورانی کلمه معاشر آمده این است که در محل غدیر خم یک گروه خاص و ویژه حضور نداشت بلکه گروه های مختلفی از مردم حضور داشتند، یعنی سیاه، سفید، عرب، عجم و...، ضمن اینکه از اعراب هم قبایل و گروه های

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج پیامبر اکرم در غدیر خم، صفحه ۱۱۸ تا ۱۴۶ «صفحه ۱۲۷»، حدیث ۳۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۴۲۷، حدیث ۲۵۹ «حدیث ۲۸۱۹».

شرح خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی صفحه ۱۴۰ - ۱۴۲ - ۱۴۳ - ۱۴۸.

مختلفی حضور داشتند، لذا وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با به کار بردن کلمه معاشر «گروه‌ها» همه مردم را از هر طایفه و گروهی که هستند مورد خطاب قرار داده‌اند تا مردم بدانند خطاب متوجّه همه انسان‌ها است نه گروه خاصی، همچنین کلمه معاشر مبین این مطلب نیز می‌باشد که نسل‌های آینده نیز تا روز قیامت مخاطب فرمایش پیامبر اکرم هستند و این موضوع در سایر قسمت‌های خطبه شریف نیز به وضوح پیدا است.^۱

توضیح:

(الف) همانطور که عرض شد روایات متعدّدی از طریق شیعه و سنی نقل شده مبنی بر اینکه آیه ۵۵ سوره مائده «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» در شأن مولی‌الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام نازل شده در حالی که آن حضرت در رکوع نماز خویش انگشترش را به فقیر صدقه داده بودند.

این حدیث را افرادی از قبیل:

ابوذر غفاری، عمّار یاسر، جابر بن عبدالله انصاری، ابن عبّاس، عبدالله بن سلام، سلمه بن کهیل، انس بن مالک، عتبه بن حکیم، عبدالله بن اَبی، عبدالله بن غالب، ابی رافع، عمرو عاص و... نقل نموده‌اند.

در کتاب‌های فراوانی از اهل سنت نیز به این حدیث اشاره شده که تعدادی از آن‌ها را ذیلاً ملاحظه می‌فرمائید.

محبّ الدّین طبری	در	ذخائرالعقبی
علامه قاضی شوکانی	در	فتح‌القدیر و جامع‌الاصول
واحدی	در	اسباب‌النزول
سیوطی	در	لباب‌النقول
سبط بن جوزی	در	تذکره
شبلینجی	در	نورالابصار
ابن حجر عسقلانی	در	الکافی الشاف

۱. شرح خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم، تألیف آیت الله سیّد محمد تقی نقوی صفحه ۱۴۲ - ۱۴۳.

ابن مردويه	در	مسند
ابن الشَّيْخ	در	مسند
سمعانی	در	فضائل الصَّحابه
ابوبکر بیهقی	در	المصنف.

همچنین در صحیح نسایی و الجمع بین الصَّحاح السَّته و بسیاری از کتب دیگر اهل سنّت به این حدیث شریف اشاره شده که وقتی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلام در حال نماز و در حال رکوع نمازش انگشتر خویش را به فقیری صدقه دادند آیه ۵۵ سوره مائده در شأن آن حضرت نازل شد.

در تفاسیر اهل سنّت نیز این حدیث شریف نقل شده «ذیل آیه ۵۵ سوره مائده» که: امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلام در حال نماز و در رکوع نمازش انگشتر خویش را به یک فقیر صدقه دادند و متعاقب آن خداوند متعال آیه ۵۵ سوره مائده را در شأن آن حضرت نازل فرمودند.

ذیلاً اسامی تعدادی از تفاسیر اهل سنّت را که به این حدیث شریف اشاره نموده‌اند ملاحظه می‌فرمائید.

تفسیر طبری

تفسیر درالمنثور

تفسیر ثعلبی

تفسیر ماوردی

تفسیر قشیری

تفسیر مفاتیح الغیب «تفسیر کبیر».

قابل ذکر است که در کتاب غایة المرام بحرانی ۲۴ حدیث از طریق اهل سنّت و ۱۹ حدیث از طریق شیعه «در رابطه با صدقه دادن حضرت امیر علیه السَّلام در رکوع نماز و نزول آیه ۵۵ سوره مائده در شأن آن حضرت» نقل شده است.^۱

۱. میزان، جلد یازدهم، صفحه ۴۲ و ۴۳ «بحث روایتی ذیل آیه ۵۵ سوره مائده».

تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۶۹۰، شماره ۲۴.

تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۵۳۵ - ۵۳۶.

ب) از عمر بن خطاب نقل شده که او گفت:
به خدا قسم من در حال رکوع نمازم چهل انگشتر صدقه دادم تا در رابطه با من
نیز مانند علی بن ابیطالب «علیه السلام» آیه ای نازل شود لیکن چنین نشد.^۱

ج) در مناقب خطیب خوارزمی «از علمای معروف اهل تسنن» آمده است که:
معاویه بن ابی سفیان به عمرو عاص نامه ای نوشته و طی آن راجع به امیرالمؤمنین
علی بن ابیطالب علیه السلام مطالبی عنوان نموده بود. عمرو عاص در پاسخ به نامه
معاویه به او نوشت:

ای معاویه:

تو خودت خوب می دانی که آیات فراوانی در شأن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب
«علیه السلام» نازل شده و کسی در آن آیات با او شریک نیست که از جمله آن‌ها
این آیات شریفه می باشند:

«إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا - آیه پنجم سوره انسان «دهر» و
چندین آیه بعد».

«أَقَمْنَ كَانَ عَلَى بَيْتِهِ مَنْ رَبَّهُ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ - آیه ۱۷ سوره هود».

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا
بَدَّلُوا تَبْدِيلًا - آیه ۲۳ سوره احزاب».

«قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ - آیه ۲۳ سوره شوری».

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ -
آیه ۵۵ سوره مائده».^۲

ذیل آیات شریفه فوق الذکر توضیحات لازم ارائه شده است.

۱. تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۶۷۸، حدیث ۶

تفسیر نورالقلین، جلد دوم، صفحه ۴۳۵، حدیث ۲۶۹ «حدیث ۲۸۳۰».

امالی شیخ صدوق، مجلس بیست و ششم، صفحه ۱۹۹، حدیث ۴.

۲. المیزان، جلد یازدهم، صفحه ۳۹.

آیه ۵۶ سوره مائده:

«وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ».

ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

هر کس ولایت خداوند متعال و پیامبر او و افراد با ایمان را بپذیرد پیروز است، زیرا حزب خدا «حزب الله» پیروز است.^۱

شرح لغات و توضیحات:

وَلِيٌّ = سرپرست، صاحب اختیار، کسی که اطاعتش بر مردم واجب می باشد؛

وَلِيٌّ زَنْ كَسِيٍّ است که نکاحش به دست او است «پدر یا جد پدری»؛

وَلِيٌّ دَمٍ كَسِيٍّ است که صاحب اختیار خون مقتول می باشد، یعنی:

می تواند قصاص کند، یا عفو نماید، یا خونبها «دیه» دریافت کند.

بنابراین:

وَلِيٌّ مُؤْمِنِينَ یعنی صاحب اختیار مؤمنین - سرپرست مؤمنین، رهبری همه جانبه

مادی و معنوی مؤمنین، یعنی:

کسی که اختیارش به جان و مال و امور مؤمنین از خود مؤمنین به خودشان بیشتر

می باشد.

مولى نیز هم معنی وَلِيٌّ می باشد، یعنی سرپرست، صاحب اختیار.

تَوَلَّى = گرفتن وَلِيٌّ، انتخاب وَلِيٌّ و سرپرست؛

حِزْبٌ = گروه، جماعتی که در آن یک نوع تشکّل باشد؛

جمع حِزْبٌ می شود احزاب؛

حِزْبُ اللَّهِ = حزب خدا، گروه و جمعیت خدا؛

غَلَبَةٌ = غالب شدن، چیره شدن، پیروز شدن؛

غَالِبٌ = پیروز، غلبه کننده؛

۱. تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۵۳۰.

جمع غالب می شود غالبون؛

مَغْلُوب = شکست خورده، مقهور.^۱

در آیه قبل «آیه ۵۵ سوره مائده» ملاحظه فرمودید که خداوند متعال فرمودند: وَلِيٌّ وَصَاحِبِ اِخْتِيَارٍ شَمَا فِقْطٍ وَفِقْطٍ خِداوَنَدِ مِتْعَالِ اسْتِ وَ پِيَامِبِرِ اَكْرَمِ وَ كَسِي كِه بِه خِدا وَ رَسولِ اِيْمَانِ دَارْدِ وَ دَرِ حَالِ نِمَازِ وَ دَرِ رُكُوعِ نِمَازِشِ زَكَاتِ مِي دِهْدِ «صَدَقَه مِي دِهْدِ».

در توضیحات ذیل این آیه شریفه و مخصوصاً در بخش حدیث به عرض رسید که: مقصود از کسی که به خدا و رسول ایمان داشته و در حال نماز و در رکوع نمازش زکات می دهد «صَدَقَه مِي دِهْدِ» و جود مقدّس امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام می باشد، و پس از آن حضرت سایر ائمه معصومین هستند که بر مردم ولایت دارند.

بنابراین:

فِقْطٍ وَ فِقْطٍ خِداوَنَدِ مِتْعَالِ وَ پِيَامِبِرِ اَكْرَمِ وَ اِئْمَه مِعْصومِيْنَ عَلِيْهِمُ السَّلَامِ وَلِيٌّ مِرْدَمِ هِسْتَنْدِ وَ بَرِ مِرْدَمِ وَلايْتِ دَارَنْدِ وَ لاغِيرِ، يَعْنِي:

سرپرست و صاحب اختیار مردم و رهبر همه جانبه مادی و معنوی مردم فقط و فقط خداوند متعال است و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام، و اطاعت از این ها بر مردم واجب است آن هم اطاعت محض و بی قید و شرط در تمام امور اعم از امور دنیوی و اخروی «اعم از امور مادی و معنوی».

این آیه شریفه «آیه ۵۶ سوره مائده» نیز در ادامه آیه قبل بوده و مکمل آن می باشد، و در واقع هدف و مضمون آن را تاکید و تعقیب می نماید.

خداوند متعال در این آیه شریفه می فرماید:

وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللهُ وَ رَسولَهُ وَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا فَاِنَّ حِزْبَ اللهِ هُمُ الْغَالِبُونَ، يَعْنِي:

هر کس خدا و رسول خدا و اهل ایمان را «وَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا» را به عنوان ولی و

۱. مجمع البیان، جلد هفتم، صفحه ۸۲ «ذیل آیه ۵۵ و ۵۶ سوره مائده».

المیزان، جلد یازدهم، صفحه ۲۷.

مفردات راغب.

سرپرست و صاحب اختیار خویش انتخاب نماید «رهبری همه جانبه مادی و معنوی آن‌ها را بپذیرد» پیروز است، زیرا در این صورت در زمره حزب الله قرار می‌گیرد و حزب الله همواره پیروز است.

بنابراین:

طبق ظاهر آیه شریفه هر کس خداوند متعال و پیامبر اکرم و اهل ایمان را به عنوان ولی و سرپرست خویش انتخاب کند و ولایت آن‌ها را بپذیرد پیروز است. اگر آیه شریفه را طبق ظاهر آیه معنی کنیم این سؤال پیش می‌آید که: مگر یک فرد مؤمن شرعاً حق دارد که مؤمن دیگری را و یا چند مؤمن را به عنوان ولی و سرپرست خویش انتخاب کند و ولایت همه جانبه او را بپذیرد و خودش را ملزم به اطاعت از او بنماید.

در این صورت همه مؤمنین بر یکدیگر ولایت دارند و به همین لحاظ می‌توانند به یکدیگر امر و نهی نمایند و اطاعت از یکدیگر واجب می‌باشد، در حالی که شارع مقدس این اجازه را به مؤمنین نداده که هر مؤمنی را که دلشان خواست بتوانند به عنوان ولی و سرپرست خویش انتخاب نمایند، لذا مراد از الَّذِينَ آمَنُوا در این آیه شریفه همه افراد با ایمان نیستند، بلکه مؤمنین مطرح در این آیه شریفه افراد خاص و ویژه‌ای هستند که پس از خداوند متعال و پس از پیامبر اکرم به تمام مردم ولایت دارند و واجب‌الاطاعه می‌باشند.

با رجوع به دیگر آیات قرآن کریم «از قبیل آیه ۵۹ سوره نساء، آیه ۵۵ سوره مائده و...» و احادیث شریفی که از ناحیه ائمه معصومین علیهم السلام صادر شده معلوم می‌گردد که مقصود از وَالَّذِينَ آمَنُوا «کسانی که ایمان آورده‌اند - مؤمنین» در آیه ۵۶ سوره مائده وجود مقدس ائمه معصومین علیهم السلام می‌باشند.

وَالَّذِينَ آمَنُوا در این آیه شریفه «آیه ۵۶ سوره مائده» افاده عهد می‌کند یعنی اشاره می‌کند به مؤمنین معهود، یعنی به مؤمنینی که در آیه قبل «آیه ۵۵ سوره مائده» به توصیف آن‌ها پرداخته شد، یعنی:

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ

– آیه ۵۵ سوره مائده».

ذیل این آیه شریفه به عرض رسید که:

مقصود از وَ الَّذِينَ آمَنُوا «کسانی که ایمان آوردند» در آیه ۵۵ سوره مائده که نماز را به پا می‌دارند و در حال نماز و در حال رکوع نماز زکات می‌دهند و جود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام بود.

گرچه شأن نزول آیه شریفه در رابطه با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام بود لیکن بقیّه ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز همین مقام و جایگاه را دارند و این آیه شریفه شامل حال آن ذوات مقدّسه نیز می‌شود که ذیل آیه ۵۵ سوره مائده توضیحات لازم ارائه شد.

بنابراین:

وَ الَّذِينَ آمَنُوا در آیه ۵۶ سوره مائده می‌شود همان مؤمنین مورد اشاره در آیه ۵۵ سوره مائده «همان وَ الَّذِينَ آمَنُوا که در آیه ۵۵ به آن اشاره شده است»، یعنی وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و سایر ائمه معصومین علیهم‌السلام.

بنابراین:

معنی آیه شریفه «آیه ۵۶ سوره مائده» این می‌شود که:

کسانی که خدا و رسول خدا و اهل ایمان «وَ الَّذِينَ آمَنُوا» یعنی دوازده امام معصوم از حضرت علی علیه‌السلام تا امام زمان علیه‌السلام را به عنوان ولی و سرپرست و صاحب اختیار خویش انتخاب نمایند و ولایت آن‌ها را بپذیرند و مطیع محض اوامر و دستورات آن‌ها باشند غالب و پیروز هستند چرا که در زمره حزب الله قرار می‌گیرند و حزب الله «حزب خدا» نیز همواره پیروز است.

قابل ذکر است که:

جمله فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ در این آیه شریفه جزا در تقدیر می‌باشد تا علّت

حُكْم را بیان کند، یعنی:

تقدیر آیه شریفه این است که:

وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَهُوَ الْغَالِبُ، یعنی:

هر کس خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام را به عنوان ولی و سرپرست خویش انتخاب کند و ولایت آن‌ها را بپذیرد این شخص غالب و پیروز است،

برای اینکه لَانَّهُ مِنْ حِزْبِ اللَّهِ «برای اینکه او از حزب الله است»،
و حِزْبُ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ «حزب الله نیز همواره پیروز است».

بنابراین:

معنی آیه شریفه این می شود که:

هر کس خداوند متعال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السّلام را به عنوان ولی و سرپرست و صاحب اختیار خویش انتخاب نماید و ولایت آن‌ها را بپذیرد «مطیع محض آن‌ها باشد» غالب و پیروز است، زیرا:
این شخص با پذیرش ولایت خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام در زمره حزب الله قرار گرفته و از حزب الله شده، و حزب الله نیز همواره پیروز است.

ضمناً این آیه شریفه می خواهد بفرماید که:

غیر از این‌ها هر چه که باشد حزب شیطان است، یعنی:

هر کس ولایت خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام را بپذیرد از حزب الله است،
و هر کس ولایت آن‌ها را نپذیرد «ولایت هر سه آن‌ها یا یکی از آن‌ها» از حزب شیطان می باشد.^۱

توضیح:

خداوند متعال در آیه ۲۲ سوره مجادله نیز از حزب الله سخن به میان آورده و به آن‌ها وعده بهشت داده است.

خداوند متعال در این آیه شریفه می فرماید:

۱. المیزان، جلد یازدهم، صفحه ۲۷ - ۲۸.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۴۳۱.

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ
 أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ، أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ
 جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ، أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ،
 أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ، یعنی:

هیچ قوم و گروهی را که ایمان به خداوند متعال و روز قیامت دارند نمی‌یابی که
 با دشمنان خداوند متعال و دشمنان پیامبر اکرم دوستی کنند «کسی که به خداوند
 متعال و به روز قیامت ایمان داشته باشد با دشمنان خداوند متعال و دشمنان پیامبر
 اکرم طرح دوستی نمی‌ریزد و با آن‌ها دوست نمی‌شود»، هر چند پدران و یا فرزندان
 یا برادران و یا اقوام و خویشاوندان آن‌ها باشند.

آن‌ها «مؤمنینی که قلبشان مالا مال از عشق به خدا و رسول و اوصیاء رسول خدا
 است» کسانی هستند که خداوند متعال ایمان را بر صفحه دل و قلبشان نوشته و با
 روحی از ناحیه خودش آن‌ها را تقویت فرموده است.

خداوند متعال آن‌ها را وارد بهشت می‌کند که نهرها از زیر درختانش جاری است
 و جاودانه و برای همیشه داخل بهشت خواهند ماند.

خداوند متعال از آن‌ها راضی و خشنود است و آن‌ها نیز از خداوند متعال راضی
 و خشنود می‌باشند.

آن‌ها حزب الله هستند و بدانید که حزب الله پیروز و رستگار است.
 خداوند متعال در قرآن کریم در دو آیه شریفه از حزب الله صحبت به میان آورده است
 که یک مورد آن در آیه ۵۶ سوره مائده است و مورد دوم در آیه ۲۲ سوره مجادله.

در آیه ۵۶ سوره مائده آمده که:

وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا، فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ.

و در آیه ۲۲ سوره مجادله آمده که:

أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.

فلاح یعنی رستگاری، پیروزی، رسیدن به مطلوب،

و غالب نیز معنی پیروز می‌دهد، بنابراین:

هر دو آیه شریفه به یک معنی بازمی‌گردند و آن این است که:

حزبُ الله رستگار و پیروز است، با این قید که فلاح و رستگاری مفهومی عمیق‌تر از مفهوم غلبه و پیروزی دارد چرا که وصول به هدف را نیز مشخص می‌کند.

آیا منظور از پیروز بودن حزب الله و رستگار شدن آن‌ها فقط مربوط به جهان آخرت می‌باشد یا اینکه دنیا را نیز در بر می‌گیرد.

در اینکه حزب الله در جهان آخرت پیروز و رستگار است و متنعم به انواع نعمات جاوید بهشتی است شکی در آن نمی‌باشد و آیه ۲۲ سوره مجادله صراحتاً آن را بیان می‌فرماید.

اگر جمعیتی که جزء حزب الله می‌باشند اتحاد و همبستگی داشته باشند قطعاً در دنیا نیز غالب و پیروز خواهند بود.

اگر می‌بینیم مسلمان امروز به چنین پیروزی و موفقیتی دست نیافته‌اند دلیل آن کاملاً روشن است و آن این است که:

شرایط عضویت در حزب الله را که در آیه ۵۶ سوره مائده و آیه ۲۲ سوره مجادله آمده ندارند و به همین لحاظ پیروز نیستند.

طبق این دو آیه شریفه «آیه ۵۶ سوره مائده و آیه ۲۲ سوره مجادله» کسانی در زمره حزب الله هستند که:

الف) ولایت خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام را بپذیرند و آن‌ها را صاحب اختیار خودشان «ولّی خودشان» بدانند و مطیع محض و بی‌قید و شرط آن‌ها باشند «مفاد آیه ۵۶ سوره مائده».

ب) با دشمنان خداوند متعال و پیامبر اکرم و اوصیاء پیامبر اکرم طرح دوستی نریزند و آن‌ها را به عنوان دوست خویش انتخاب ننمایند «مفاد آیه ۲۲ سوره مجادله».

کسانی که ویژگی‌های فوق‌الاشاره را داشته باشند در زمره حزب الله قرار می‌گیرند و پیروز و رستگار می‌شوند و جایگاه ابدی آن‌ها بهشت می‌باشد،

و کسانی که این ویژگی‌ها را نداشته باشند در زمره حزب شیطان قرار می‌گیرند که خداوند متعال در آیات ۱۴ و ۱۹ سوره مجادله راجع به آن‌ها صحبت فرموده و

آن‌ها را به عذاب ابدی و همیشگی جهنم تهدید نموده و آن‌ها را به عنوان حزب شیطان نامیده و فرموده:

اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ، أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ (آیه ۱۹ سوره مجادله).

بنابراین:

پذیرش ولایت خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام و اطاعت محض و بی قید و شرط از آن‌ها یعنی وارد شدن در گروه حزب الله، همچنین:

عدم پذیرش ولایت خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام «یکی از آن‌ها یا هر سه» یعنی خروج از گروه حزب الله و ورود در حزب الشیطان. وجود مقدس سیدالشهداء سلام الله علیه در کربلا به سپاهیان عمر بن سعد فرمودند: عجب بندگان بدی هستید، اظهار اطاعت خدا و ایمان به پیامبر اکرم نمودید لیکن امروز به جنگ با اهل بیت و ذریه آن حضرت آمده‌اید و می‌خواهید آن‌ها را به قتل برسانید.

وجود مقدس سیدالشهداء سلام الله علیه در ادامه فرمایش خویش به کوفیان فرمودند:

لَقَدْ اسْتَحْوَذَ عَلَيْكُمُ الشَّيْطَانُ،

فَأَنسَاكُمْ ذِكْرَ اللَّهِ الْعَظِيمِ،

هُؤُلَاءِ قَوْمٌ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ، فَبَعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، یعنی:

شیطان بر شما غلبه کرده و چیره شده، و یاد خداوند بزرگ را از خاطر شما برده «شما را از یاد خدا فراموش ساخته»،

این‌ها «سپاهیان عمر سعد و کوفیان، و هر کس که با ائمه معصومین علیهم السلام مخالفت نماید» بعد از اینکه ایمان آوردند کافر شدند، پس از رحمت الهی دور باشند.^۱

۱. المیزان، جلد سی و هشتم، صفحه ۳۹ تا ۵۰ «ذیل آیه ۱۴ تا ۲۲ سوره مجادله».

تفسیر نمونه، جلد بیست و سوم، صفحه ۴۶۷ تا ۴۷۳ «ذیل آیه ۱۴ تا ۲۲ سوره مجادله».

تفسیر نورالثقلین، جلد هفتم، صفحه ۵۲۷، حدیث ۵۱ «حدیث ۱۱۳۸۵».

حدیث:

۱. وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند: منظور از وَ الَّذِينَ آمَنُوا در این آیه شریفه «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا، فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» آیه ۵۶، سوره مائده» ائمه معصومین علیهم السلام می باشند که حجت های خداوند متعال بر مردم هستند.^۱

توضیح:

با توجه به این حدیث شریف و احادیث دیگری که انشاءالله تعالی به عرض خواهد رسید معنی آیه شریفه «آیه ۵۶ سوره مائده» این می شود که: هر کس خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام را به عنوان ولی و سرپرست خویش انتخاب کند و ولایت آنها را بپذیرد در زمره حزب الله قرار می گیرد «از حزب الله می شود» و حزب الله همواره پیروز است.

۲. امام باقر علیه السلام فرمودند:

این آیه شریفه «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا، فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» آیه ۵۶ سوره مائده» در شأن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نازل شده است.^۲

۳. امام صادق علیه السلام فرمودند:

فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ در این آیه شریفه «آیه ۵۶ سوره مائده» در حق امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد.^۳

۴. امام صادق علیه السلام فرمودند:

نَحْنُ وَ شِيعَتُنَا حِزْبُ اللَّهِ، وَ حِزْبُ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ، یعنی:

۱. تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۴۳۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۴۳۷، حدیث ۲۷۰ «حدیث ۲۸۳۱».

احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج حضرت امیر علیه السلام بر زندق، صفحه ۵۲۹ تا ۵۷۸ «صفحه ۵۵۰»، حدیث ۱۳۷.

۲. تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۶۹۲، حدیث ۱.

۳. تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۶۹۲، حدیث ۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم صفحه ۴۳۷، حدیث ۲۷۲ «حدیث ۲۸۳۳».

ما «ائمه معصومین علیهم السلام» و شیعیانمان حزب الله هستیم و حزب الله همواره غالب و پیروز است.^۱

۵. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

یا عَلِيُّ:

شِيعَتُكَ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ،

فَمَنْ أَهَانَ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ أَهَانَكَ،

وَ مَنْ أَهَانَكَ فَقَدْ أَهَانَنِي،

وَ مَنْ أَهَانَنِي أَدْخَلَهُ اللَّهُ تَعَالَى نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا وَ بئْسَ الْمَصِيرُ،

یا عَلِيُّ:

أَنْتَ مِنِّي وَ أَنَا مِنْكَ،

رُوحُكَ مِنْ رُوحِي وَ طِينَتُكَ مِنْ طِينَتِي،

وَ شِيعَتُكَ خُلِقُوا مِنْ فَضْلِ طِينَتِنَا،

فَمَنْ أَحَبَّهُمْ فَقَدْ أَحَبَّنَا،

وَ مَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَانَا،

وَ مَنْ وَدَّاهُمْ فَقَدْ وَدَّنَا،

یا عَلِيُّ:

إِنَّ شِيعَتَكَ مَغْفُورٌ لَهُمْ عَلَيَّ مَا كَانَ فِيهِمْ مِنْ ذُنُوبٍ وَ عُيُوبٍ،

یا عَلِيُّ:

أَنَا الشَّفِيعُ لِشِيعَتِكَ غَدًا إِذَا قُمْتُ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ، فَبَشِّرْهُمْ بِذَلِكَ،

یا عَلِيُّ:

شِيعَتُكَ شِيعَةُ اللَّهِ،

أَنْصَارُكَ أَنْصَارُ اللَّهِ،

۱. تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۴۳۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۴۳۷، حدیث ۲۷۱ «حدیث ۲۸۳۲».

أُولِيَاءُكَ أُولِيَاءُ اللَّهِ،

حِزْبُكَ حِزْبُ اللَّهِ،

يَا عَلِيُّ:

سَعَدَ مَنْ تَوَلَّاكَ،

وَشَقِيَ مَنْ عَادَاكَ، یعنی:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیر المؤمنین علی بن ابیطالب

علیه السلام فرمودند:

یا علی:

شیعیان تو در روز قیامت همان رستگارانند «فقط شیعیان تو در روز قیامت فائز

و رستگار می باشند»، پس:

هر کس به یکی از شیعیان تو اهانت نماید به تو اهانت کرده است،

و هر کس به تو اهانت نماید به من اهانت کرده است،

و هر کس به من اهانت نماید خداوند متعال او را به جهنم داخل خواهد نمود و

مخلد در آتش جهنم خواهد بود و جهنم چه جایگاه بدی است.

یا علی:

تو از من هستی و من از تو،

روح تو از روح من است و طینت و سرشت تو از طینت و سرشت من،

و شیعیان تو از باقیمانده سرشت ما «گل ما» خلق شده اند، پس:

هر کس آن‌ها را «شیعیان تو را» دوست بدارد ما را دوست داشته،

و هر کس با آن‌ها دشمنی نماید با ما دشمنی نموده است،

هر کس با آن‌ها «شیعیان تو» کینه و عداوت داشته باشد با ما کینه و عداوت دارد،

و هر کس به آن‌ها محبت بورزد به ما محبت ورزیده است.

یا علی:

بی تردید شیعیان تو هر چه عیب و گناه داشته باشند آمرزیده خواهند شد.

یا علی:

من روز قیامت شفیع شیعیان تو خواهم بود آن هنگام که در مقام محمود

قرار می گیرم.

پس:

ای علی، به شیعیان این مژده و بشارت را بده،

یا علی:

شیعیان تو شیعیان خداوند متعال هستند،

انصار و یاران تو انصار و یاران خداوند متعال می باشند،

دوستانداران و محبین تو دوستانداران و محبین خداوند متعال هستند،

و حِزْب تو حِزْبُ الله می باشد «حِزْب تو حِزْب خدا می باشد».

یا علی:

سعادت مند است کسی که ولایت تو را «امامت تو را» بپذیرد و تو را دوست بدارد،

و شقاوتمند و بدبخت است کسی که با تو دشمنی نماید.

این حدیث شریف را ابن عباس از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

و سلم نقل نموده است.^۱

۶. سلمان فارسی به محضر مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام عرض

کرد:

یا ابا الحسن:

هر گاه من شرفیاب محضر مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می شدم

و شما نیز در آن جا حضور داشتید وجود مقدس پیامبر اکرم با دست مبارک خویش

به شانه من می زد و در حالی که به شما اشاره می کرد می فرمود:

یا سلمان:

هَذَا وَ حِزْبُهُ هُمُ الْمُفْلِحُونَ، یعنی:

ای سلمان:

این شخص «امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام» و حزیش همان رستگارانند

«فقط علی بن ابیطالب علیه السلام و حزیش فائز و رستگار می باشند».

۱. امالی شیخ صدوق، مجلس چهارم، صفحه ۳۱، حدیث ۸.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۹۱۹، حدیث ۸ «ذیل آیه ۷۹ سوره اسراء».

این حدیث را اهل تسنن نیز نقل نموده‌اند.^۱

۷. وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام فرمودند:
 اُمّت اسلام به هفتاد و سه فرقه تقسیم می‌شوند و از این هفتاد و سه فرقه تنها یک
 فرقه نجات پیدا می‌کند و اهل بهشت است و آن فرقه فرقه‌ای است که:

امامت مرا بپذیرد،

مطیع دستورات من باشد،

محبّ و دوستدار من باشد و دشمن دشمنان من.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:
 کسانی که امامت مرا پذیرفتند و حقّ مرا شناختند و وجوب اطاعت از مرا
 فهمیدند و در این رابطه شکّ و تردید به دلشان راه ندادند، خداوند متعال نیز به
 آن‌ها تفضّل نموده و مقام و منزلت ما را به آن‌ها شناساند و آن‌ها را در میان شیعیان
 ما قرار داد و آن‌ها به این حقیقت یقین پیدا کردند که:

من و اوصیاء من «ائمّه معصومین علیهم‌السلام» هادیانی هستیم که هدایت اُمّت
 را تا روز قیامت به عهده داریم و خداوند متعال در بسیاری از آیات قرآن کریم ما
 را قرین خویش و پیامبرش ساخته «یعنی پس از خودش و پیامبرش ما را یاد نموده
 مانند آیه ۵۹ سوره نساء و یا آیه ۵۵ و ۵۶ سوره مائده که بلافاصله پس از خداوند
 متعال و پیامبر اکرم ائمّه معصومین علیهم‌السلام مطرح شده‌اند»،

و ما را پاک و مطهّر و معصوم قرار داده و شاهد بر مخلوقاتش نموده است «اشاره
 به آیه ۳۳ سوره احزاب و آیه ۱۴۳ سوره بقره»،

و ما را حجّت خویش بر مخلوقاتش قرار داده،

و ما را قرین قرآن و قرآن را قرین ما ساخته که هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شویم
 تا اینکه روز قیامت و کنار حوض کوثر به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم
 ملحق شویم،

۱. تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۸۱۸، حدیث ۱۱ «ذیل آیه ۲۲ سوره مجادله».

تفسیر نمونه، جلد ۲۳، صفحه ۴۸۳ «ذیل آیه ۲۲ سوره مجادله».

فرقه‌ای که این اعتقادات را داشته باشد اهل نجات است و از تمام فتنه‌ها و ضلالت‌ها «گمراهی‌ها» در امان است و وارد بهشت می‌شود. وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام در ادامه بیانات نورانی خویش فرمودند:

تمام هفتاد و دو فرقه دیگر اهل جهنم هستند، زیرا: به دنبال باطل رفتند، دین شیطان را یاری کردند، از ابلیس و دوستانش کمک گرفتند و به همین لحاظ: آن‌ها دشمنان خداوند متعال و پیامبر اکرم می‌باشند و به علت برائت از خداوند متعال و پیامبر اکرم بدون حساب وارد جهنم می‌شوند.^۱

۸. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری و پس از پایان مراسم حج «در حَجَّةُ الْوَدَاعِ» در راه مراجعت از مکه به مدینه در بین راه در محلی به نام غدیر خم و در حضور جمعیت کثیری از حجاج بیت‌الله الحرام که تعداد آن‌ها تا یکصد و بیست هزار نفر نیز گفته شده خطبه بسیار مهم و مفصلی ایراد فرموده و پس از حمد و ثنای خداوند متعال گوشه‌ای از فضائل و مناقب مولی‌الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام را بیان نموده و سپس به دستور خداوند متعال آن حضرت را به عنوان وصی و جانشین خویش و به عنوان امام مسلمین معرفی و منصوب فرمودند. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در قسمتی از فرمایشات خویش فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ، ثُمَّ عَلِيٌّ مِنْ بَعْدِي، ثُمَّ وَوَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ، أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ. ثُمَّ قَرَأَ:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ، إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ، اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ، صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ.»

۱. تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۸۱۴، حدیث ۲ «ذیل آیه ۲۱ سوره مجادله».

ثُمَّ قَالَ:

فِي نَزَلَتْ وَفِيهِمْ نَزَلَتْ، وَلَهُمْ عَمَّتْ وَإِيَّاهُمْ خَصَّتْ،
أُولَئِكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا يَحْزَنُونَ، أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ، أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَ عَلِيٍّ
هُمُ أَهْلُ الشَّقَاقِ وَ النَّفَاقِ وَ الْحَادُونَ وَ هُمُ الْعَادُونَ وَ إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ، یعنی:
وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

ای گروه مردم:

من صراط مستقیم خداوند متعال هستم که خداوند متعال به شما دستور فرموده
تا از او اطاعت و پیروی نمائید، و بعد از من علی بن ابیطالب صراط مستقیم الهی
است، و سپس فرزندان من از صُلب او «یعنی ائمه معصومین علیهم السَّلام» صراط
مستقیم خداوند متعال هستند که ائمه هدایت می باشند و مردم را به سوی حق
هدایت می کنند.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سپس آیات شریفه سوره
مبارکه حَمْد را تلاوت نموده و فرمودند:

این سوره مبارکه «سوره حَمْد» درباره من و درباره ائمه معصومین علیهم السَّلام
نازل شده و همه آن‌ها را شامل می شود و مخصوص به آن‌ها است.
آن‌ها اولیاء خداوند متعال «دوستان خداوند متعال» هستند که نه بیم و ترس بر
آن‌ها است و نه اندوهگین می شوند «اشاره به آیه ۶۲ سوره یونس که توضیحات
لازم ذیل آن آیه شریفه به عرض رسیده است».

ای مردم:

بدانید که حزب خدا «حزب الله» غالب و پیروز است،

و بدانید که:

دشمنان علی بن ابیطالب علیه السَّلام «و دشمنان ائمه معصومین علیهم السَّلام» اهل
شقاق «تفرقه - اختلاف» و نفاق و دشمنی می باشند و برادران شیطان «إِخْوَانُ
الشَّيَاطِينِ» هستند.^۱

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج پیامبر اکرم در غدیر خم، صفحه ۱۱۸ تا ۱۴۶ «صفحه ۱۳۷»، حدیث ۳۲.
تفسیر نورالثقلین، جلد هفتم، صفحه ۵۳۱، حدیث ۵۶ «حدیث ۱۱۳۹۰» «ذیل آیه ۲۲ سوره مجادله».

توضیح:

نتیجه بحث ذیل آیه شریفه «آیه ۵۶ سوره مائده» و احادیث ذیل آن این می شود که:

الف) منظور از وَالَّذِينَ آمَنُوا در این آیه شریفه ائمه معصومین علیهم السّلام می باشند، لذا:

معنی این آیه شریفه این می شود که:

خداوند متعال می فرماید:

هر کس خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام را به عنوان ولی و سرپرست خویش انتخاب نماید و ولایت و رهبری آنها را بپذیرد در زمره حزب الله قرار می گیرد «از حزب الله می شود»، و حزب الله همواره پیروز است.

ب) شیعیان و پیروان ائمه معصومین علیهم السّلام حزب الله هستند، و جایگاه همیشگی و ابدی آنها بهشت است، و به عبارت دیگر:

حزب الله یعنی شیعیان و پیروان ائمه معصومین علیهم السّلام.

ج) منکرین و دشمنان ائمه معصومین علیهم السّلام یعنی حزب الشیطان، که از آنها به عنوان اخوان الشیاطین «برادران شیطان» نیز یاد شده و جایگاه ابدی و همیشگی آنها جهنّم می باشد.

عرض شد که شیعیان ائمه معصومین علیهم السّلام هم غالب و پیروز هستند، هم مُفْلِح و رستگار، یعنی:

تنها فرقه از بین فرّق مختلف اسلامی هستند که اهل نجات می باشند و وارد بهشت می شوند و متنعم به انواع نعمات بهشتی هستند.

قابل ذکر است که:

مقصود از پیروز بودن حزب الله در دنیا پیروزی ظاهری نیست بلکه پیروزی واقعی مدّ نظر می باشد، یعنی رسیدن به هدف مقدّسی که موجب جلب رضایت خداوند متعال می باشد و این خود بزرگترین پیروزی است، گرچه ممکن است حزب الله به پیروزی ظاهری هم برسند و در دنیا نیز بر دشمنان خویش فائق شوند،

لیکن پیروزی واقعی رسیدن به هدف مقدّسی است که رضایت خداوند متعال را به دنبال دارد.

کسانی که معنی واقعی غلبه و پیروزی را نفهمیده‌اند ممکن است این سؤال در ذهن آن‌ها خطور کند که اگر وعده پیروزی از جانب خداوند متعال حقیقت دارد، چرا ائمه معصومین علیهم‌السّلام به شهادت رسیدند و طعم پیروزی را نچشیدند،

و چرا امام حسین علیه‌السّلام در کربلا شکست خورد و تمام یاران آن حضرت به شهادت رسیدند.

پاسخ این است که:

هدف امام حسین علیه‌السّلام از قیام خویش این بود که:

اسلام را احیاء نماید،

بنی‌امیه را رسوا کرده و فساد بنی‌امیه را برملا سازد،

مکتب شهادت را زنده نماید و به همه آزادگان جهان درس آزادگی بدهد،

اسلام را زنده نموده و آن را بیمه نماید،

و می‌بینیم که وجود مقدّس سیدالشهداء سلام‌الله علیه پیروز این نبرد بودند گرچه

ظاهراً شکست خوردند، و به همین لحاظ است که گفته شده:

اَلْاِسْلَامُ نَبْوِيُّ الْاُحْدُوْثِ، وَ حُسَيْنِيُّ الْبُقَاءِ، یعنی:

اسلام را پیامبر عظیم‌الشّان اسلام بنیانگذاری نمود و امام حسین علیه‌السّلام با

خون مطهّر خویش آن را بقاء بخشید و آن را بیمه نمود.^۱

۱. تفسیر نمونه، جلد بیست و سوم، صفحه ۴۷۶ «ذیل آیات ۲۰ تا ۲۲ سوره مجادله».

آیه ۶۷ سوره مائده:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ، وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ، وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ».

ترجمه:

خداوند متعال به پیامبر اکرم می فرماید:

ای پیامبر، آنچه از طرف پروردگارت به تو نازل شده به مردم برسان و تبلیغ کن که اگر این کار را نکنی تبلیغ رسالت و اداءِ وظیفه نکرده‌ای، و خداوند متعال تو را از شرِّ مردم حفظ خواهد کرد، و خداوند متعال کافران را هدایت نمی کند «نخواهد کرد».^۱

شرح لغات و توضیحات:

رَسُول = فرستاده شده «جمع رسول می شود رُسُل»؛

مقصود از رسول در این آیه شریفه وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می باشد.

بلاغ = رساندن، آگاه کردن، تبلیغ، «ابلاغ نیز معنی رساندن می دهد»؛

بَلِّغْ = برسان، تبلیغ کن؛

«أَبْلِغْ» نیز هم معنی با «بَلِّغْ» می باشد، لیکن کلمه بَلِّغْ تأکید بیشتری را می رساند؛

عَصَمَ = نگهداشتن، حفظ کردن؛

عَاصِمٌ = حفظ کننده، نگهدارنده.^۲

در این آیه شریفه «آیه ۶۷، سوره مائده» سه نکته اساسی و بسیار مهم بیان شده است.

۱. دستوری است که خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم

۱. تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۴۴۰.

تفسیر نمونه، جلد پنجم، صفحه ۱۳.

۲. تفسیر نمونه، جلد پنجم، صفحه ۱۳.

مفردات راغب.

صادر فرموده «دستوری اکید و قاطع که پشت سر آن تهدید نهفته است» تا پیام بسیار مهم و تازه‌ای را از جانب خداوند متعال به مسلمانان ابلاغ فرماید.

۲. اهمیّت این پیام بسیار مهم و تازه به حدّی است که عدم تبلیغ آن یعنی عدم تبلیغ رسالت.

۳. وعده خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مبنی بر حفاظت آن حضرت از خطرات و حوادثی که ممکن است پس از ابلاغ این پیام بسیار مهم و تازه متوجّه او بشود.

جمله‌بندی‌های آیه شریفه، لحن خاص و تأکیدهای پی در پی، همچنین شروع شدن آیه شریفه با خطاب یا أَيُّهَا الرَّسُولُ «که فقط در دو آیه شریفه آمده» همچنین تهدید پیامبر اکرم مبنی بر اینکه چنانچه این پیام بسیار مهم و جدید را به مردم ابلاغ ننماید مثل این است که تبلیغ رسالت ننموده و اداء وظیفه نکرده است، همه و همه مبین این مطلب هستند که سخن از حادثه بسیار مهم و عظیمی است که نرساندن آن به مردم مساوی است با عدم تبلیغ رسالت.

اینکه این امر مهم و عظیم چه چیزی بوده که خداوند متعال به پیامبر اکرم فرموده که اگر آن را به مردم نرسانی و ابلاغ نکنی مثل این است که اصلاً تبلیغ رسالت ننموده‌ای انشاءالله به طور مبسوط در بخش حدیث به عرض خواهد رسید. خداوند متعال در این آیه شریفه پیامبر اکرم را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:

يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ = ای پیامبر:

آنچه که از طرف پروردگارت به تو نازل شده «وحی شده» به طور تمام و کمال به مردم برسان و مردم را از آن آگاه کن.

خداوند متعال در آیات مختلفی از جمله در آیه اول و بیست و هشتم و چهل و پنجم و پنجاه و نهم سوره احزاب، آیه اول سوره طلاق و آیه اول و نهم سوره تحریم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را با عنوان یا أَيُّهَا النَّبِيُّ مورد خطاب

قرار داده است، لیکن فقط در دو آیه شریفه آن حضرت را به عنوان یا أَيُّهَا الرَّسُولُ مورد خطاب قرار داده که یک مورد آن آیه ۴۱ سوره مائده می باشد و مورد دوّم همین آیه مورد بحث می باشد «آیه ۶۷ سوره مائده».

شاید به خاطر اهمّیت موضوع و ترس و واهمه‌ای که از دشمن بوده خداوند متعال پیامبر اکرم را با عنوان یا أَيُّهَا الرَّسُولُ مورد خطاب قرار داده تا بدین وسیله به آن حضرت اعلام فرماید که تو صاحب رسالت هستی آن هم رسالت از جانب ما «خداوند متعال»، لذا باید در بیان پیام بسیار مهم و جدید استقامت به خرج دهی. همچنین گفته شده که:

مخاطب واقع شدن آن حضرت به عنوان رسالت «یا أَيُّهَا الرَّسُولُ» ممکن است از این جهت باشد که:

در این آیه شریفه سخن از تبلیغ و رساندن پیام تازه و مهمی است، لذا مناسب ترین لقب و عنوان پیامبر اکرم در این مقام همان عنوان رسالت می باشد و بدین وسیله و جوب تبلیغ و رساندن پیام جدید را بیان می فرماید و اعلام می کند که:

رسول جز رساندن پیام و انجام رسالت کاری ندارد و بدین وسیله به مردم می فهماند که:

تمام دستورات و احکامی را که پیامبر اکرم به مردم ابلاغ می کند از جانب خداوند متعال می باشد و این پیام جدید از ناحیه خداوند متعال است.

دوّمین موضوع مطرح در این آیه شریفه این است که:

خداوند متعال به پیامبر اکرم فرموده:

بَلِّغْ و نفرموده اَبْلِغْ، و همین امر نیز به اهمّیت پیام جدید می افزاید زیرا بَلِّغْ تأکید بیشتری را می ساند.

سوّمین نکته آیه شریفه این است که:

این پیام و مطلبی که باید به مردم ابلاغ شود و به مردم رسانده شود به طور آشکار و صریح اسم برده نشده است تا به عظمت پیام اشاره شده باشد.

و نکته چهارم این آیه شریفه این است که:

این پیام و این مطلب از مسائل بسیار مهمی است که تا رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

و آله و سلم زنده است باید به زبان مبارک خودش به مردم ابلاغ نماید و برساند و کسی در ایفاء این وظیفه جای آن حضرت را نمی‌گیرد.

اکنون این سؤال پیش می‌آید که:

با توجه به تاریخ نزول این آیه شریفه «ذیحجه سال دهم هجری» که مصادف با آخرین ماه‌های عمر مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بوده، این پیام جدید الهی چه مطلب مهمی بوده که خداوند متعال اینگونه با تأکید فراوان پیامبر اکرم را مأمور می‌فرماید تا آن را به اطلاع عموم مسلمین برساند و حتی به آن حضرت می‌فرماید که اگر این پیام جدید را نرسانی و به مردم ابلاغ نکنی مثل این است امر رسالت را نرسانده‌ای و اصل و اساس دین را بیان نکرده‌ای و اصلاً اداء وظیفه ننموده‌ای و اسلام را معرفی نکرده‌ای.

آیا این پیام جدید و بسیار مهم در رابطه با توحید و شرک و بت‌پرستی بوده است،

آیا مربوط به فرائض و واجبات بوده است،

آیا مربوط به مبارزه با یهود و نصاری بوده است،

آیا مربوط به مشرکین بوده است و...

همه موارد فوق‌الاشاره قبل از نزول این آیه شریفه بیان شده بود و مسلمانان از آن‌ها اطلاع داشتند، لذا:

این پیام جدید جز تعیین جانشین برای پیامبر اکرم نمی‌تواند چیز دیگری باشد و ده‌ها حدیث و روایت که از ناحیه شیعه و سنی نقل شده موید این مطلب می‌باشد که انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

در ادامه آیه شریفه در تأکید بر ابلاغ این پیام بسیار مهم و جدید خداوند متعال به پیامبر اکرم دستور اکید همراه با تهدید داده و می‌فرماید:

وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ = یعنی:

ای پیامبر:

اگر از این کار خودداری کنی و این پیام بسیار مهم و اساسی را به مردم نرسانی رسالت خداوند متعال را تبلیغ نکرده‌ای، یعنی:

اگر این پیام جدید را ابلاغ نکنی و به مردم نرسانی اصلاً تبلیغ رسالت ننموده‌ای و اصل دین را بیان نکرده‌ای و اداءِ وظیفه ننموده‌ای.
خلاصه کلام این قسمت از آیه شریفه این می‌شود که:
خداوند متعال به پیامبر اکرم می‌فرماید:

اگر این پیام جدید و بسیار مهم «امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم‌السلام» را به مردم نرسانی و به مردم ابلاغ نکنی گویا در این مدت ۲۳ سال رسالت خویش هیچ کاری انجام نداده‌ای و اصلاً تبلیغ رسالت ننموده‌ای، زیرا:

این پیام جدید به حدی مهم است که تبلیغ نشدن آن یعنی تبلیغ نشدن همه دین با تمام احکامش.

گرچه ظاهر آیه شریفه تهدید را متوجه وجود مقدس پیامبر اکرم می‌نماید، لیکن حقیقت امر این است که آیه شریفه می‌خواهد اهمیت حکم جدید و پیام جدید را بیان بفرماید، و می‌خواهد بفهماند که:

این حکم جدید و این پیام جدید به حدی مهم است که اگر بیان نشود گویا هیچ چیزی از دین بیان نشده است و اساساً تبلیغ رسالت نشده است.
این قسمت از آیه شریفه «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» ظاهراً جمله شرطیه است، یعنی:

اگر این کار را نکنی «پیام و حکم جدید را به مردم نرسانی»،
گویا تبلیغ رسالت نکرده‌ای و اصل دین را بیان ننموده‌ای،
لیکن این قسمت از آیه شریفه حقیقتاً جمله شرطیه نیست، زیرا:
الف) خداوند متعال می‌داند و علم دارد که پیامبر اکرم این پیام جدید و این حکم جدید را «موضوع امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم‌السلام» به مردم ابلاغ خواهد نمود.

ب) وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مقام عصمت دارد و خداوند متعال به آن حضرت مقام عصمت بخشیده و او را به عنوان خلیفه خویش

برگزیده و به تمام انبیاء الهی برتری داده است، لذا:
ساحت مقدّس رسول الله صلی الله علیه و آله و سلّم منزّه است از اینکه خداوند
متعال به آن حضرت نسبت مخالفت و نافرمانی و ترک تبلیغ حکم جدید را بدهد
ولو به صورت شرطیه، بنابراین:

گرچه ظاهر آیه شریفه تهدید را می‌رساند که ای پیامبر:
اگر حُکم و پیام جدید را «امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام» ابلاغ
نکنی مثل این است که تبلیغ رسالت ننموده‌ای، لیکن:
حقیقت امر این است که:

آیه شریفه در مقام تهدید پیامبر اکرم نیست بلکه در مقام اعلام اهمّیت این حُکم
و پیام جدید است به همه مسلمانان، تا بدانند که اگر حُکم و پیام جدید را نپذیرند
مثل این است که اصلاً تمام اسلام و کُلّ دین را نپذیرفته‌اند و مثل این است که
اصلاً به خداوند متعال و پیامبر اکرم ایمان نیاورده‌اند.

خداوند متعال در ادامه آیه شریفه مجدّداً پیامبر اکرم را مورد خطاب قرار داده و
ضمن دلداری دادن به آن حضرت وعده حفاظت از شرّ مردم را به آن جناب داده
و می‌فرماید:

وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ = ای پیامبر:

در امر تبلیغ این حُکم و پیام جدید «ابلاغ امامت و ولایت امیرالمؤمنین
علی بن ابیطالب علیه السّلام» از مردم ترس و از آن‌ها ترس و واهمه نداشته باش
زیرا خداوند متعال تو را از شرّ آن‌ها حفظ خواهد فرمود.
قابل ذکر است که:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم ترس از جان خویش نداشت
و ترس نداشت از اینکه کشته شود، چرا که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام
و حتّی اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلّم در راه خداوند متعال و برای
پیشبرد اهداف عالیّه اسلام به راحتی از جان خویش می‌گذشتند،

و بالاتر از این یعنی مشتاق شهادت بودند، تا چه رسد به وجود نازنین پیامبر
اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم که اشرف مخلوقات است و مقام ایشان از مقام

همه انبیاء بالاتر می باشد.

خداوند متعال در آیه ۳۸ و ۳۹ سوره احزاب می فرماید:

مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا، «آیه ۳۸».

الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ، وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا، «آیه ۳۹»، یعنی:

در آنچه که خداوند متعال بر پیامبر اکرم واجب فرموده هیچگونه سختی و حرجی نیست،

خداوند متعال درباره پیامبر اکرم سنت و قانونی را مقرر فرموده که در باره همه انبیاء قبل نیز آن را مقرر و جاری فرموده است، دستور و فرمان خداوند متعال روی حساب و برنامه دقیقی است و باید به مرحله اجرا درآید. «آیه ۳۸».

همان انبیایی که تبلیغ رسالت الهی می نمودند و پیامهای خداوند متعال را به مردم می رساندند،

انبیاء الهی فقط از خداوند متعال می ترسیدند «می ترسند» و از احدی جز خداوند متعال ترس و واهمه ای نداشته و ندارند،

و بس است خداوند متعال برای حفظ آنها و پاداش به آنها «کفایت می کند خداوند متعال برای حفظ انبیاء و پاداش به آنها» «آیه ۳۹».

بنابراین:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از مردم نمی ترسید که مبادا پس از ابلاغ حکم جدید خداوند متعال او را به شهادت برسانند و یا اینکه آن حضرت را مورد اذیت و آزار قرار دهند، بلکه:

ترس و واهمه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از این بود که عده ای از مسلمانان فکر کنند که العیاذ بالله پیامبر اکرم این حکم و پیام جدید را «انتصاب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به عنوان امام مسلمین و جانشین خویش» از پیش خودش صادر نموده و دستور خداوند متعال نبوده است، و در این صورت

ممکن بود که به کُلّی از دین اسلام منصرف شده و روی برگردانند، یا اینکه حيله‌ای به کار ببرند تا این حکم جدید قبل از اینکه به مرحله اجرا برسد بی اثر و خنثی شود، لذا:

خداوند متعال به پیامبر اکرم می فرماید:

وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ، یعنی:

خداوند متعال تو را از شرّ مردم حفظ می کند، یعنی:

خداوند متعال آن‌ها را مطلق‌العنان نمی گذارد «آن‌ها را به حال خودشان وا نمی گذارد» تا هر کاری که می خواهند بکنند و هر لطمه‌ای که می خواهند به دین اسلام وارد کنند و نور حق را خاموش کنند. ملاحظه فرمودید که:

خداوند متعال به پیامبر اکرم فرمود:

خداوند متعال تو را از شرّ مردم «ناس» حفظ می کند و مانع می شود که آن‌ها نور حق را خاموش کنند.

مراد از ناس «مردم» جامعه مسلمین می باشد یعنی مسلمانان، زیرا در زمان نزول این آیه شریفه «آیه ۶۷ سوره مائده» یعنی در ماه‌های آخر حیات مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم «ذیحجه سال دهم هجری، یعنی حدود سه ماه قبل از رحلت پیامبر اکرم» یهود و نصاری خطری برای مسلمین به حساب نمی آمدند و بساط شرک نیز بر چیده شده بود لذا خطر فقط از جانب خود مسلمانان بود،

زیرا در بین این مسلمانان همه گونه انسان‌هایی یافت می شدند، از مؤمنین خالص و تمام‌عیار «گرچه تعداد آن‌ها زیاد نبود» تا منافقین و افراد بیمار دل و کفار بی‌نام و نشانی که در بین صفوف مسلمین بودند، لیکن قلباً اعتقاد به خدا و رسول نداشتند و یا اینکه اعتقاد آن‌ها بسیار ضعیف بود «این مطلب در خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم آمده که انشاءالله تعالی در انتهای بخش حدیث به عرض خواهد رسید».

در انتهای آیه شریفه خداوند متعال مُنکرین این حکم و پیام جدید را مورد تهدید قرار داده و می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ = خداوند متعال کافران را هدایت نمی کند «نخواهد کرد».

در واقع این قسمت از آیه شریفه به عنوان یک تهدید و مجازات است برای آن‌هایی که این رسالت مخصوص و این حکم جدید «امامت و ولایت مولی‌الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام» را انکار کنند و نسبت به آن کفر بورزند «از قبول و پذیرش حکم جدید امتناع نمایند». بعضی از مفسرین از جمله علامه طباطبائی در تفسیر این قسمت از آیه شریفه اظهار می کنند که:

مراد از هدایت در این قسمت از آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» هدایت به راه راست نیست،

بلکه مراد از هدایت در این آیه شریفه هدایت به مقصود شوم آن‌ها می باشد، و در این صورت معنی این قسمت از آیه شریفه این می شود که: خداوند متعال ابزار کار و اسباب موفقیت آنان را در دسترسشان قرار نمی دهد تا آن‌ها بتوانند دین اسلام را از بین ببرند و نور حق را خاموش کنند، و به عبارت دیگر:

خداوند متعال آن‌ها را مطلق العنان نمی گذارد تا هر لطمه‌ای که بخواهند به دین وارد کنند و نور حق را خاموش نمایند.

با توجه به توضیحاتی که ارائه شد و با توجه با احادیث شریفی که به عرض خواهد رسید معنی آیه ۶۷ سوره مائده این می شود که:

خداوند متعال پیامبر اکرم را مورد خطاب قرار داده و به آن حضرت می فرماید: ای پیامبر، و ای رسول الله:

آنچه که از طرف پروردگارت در رابطه با امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به تو نازل شده «وحی شده» به مردم برسان و به مردم ابلاغ نما که اگر این کار را نکنی تبلیغ رسالت و اداء وظیفه ننموده‌ای «اگر امر امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به مردم اعلام نشود گویا چیزی از دین اسلام بیان نشده و اساساً تبلیغ رسالت صورت نگرفته است»،

و خداوند متعال تو را از شرّ مردم حفظ می‌کند و آن‌ها را به حال خودشان وا نمی‌گذارد که چراغ دین و نور حق را خاموش کنند.^۱

حدیث:

۱. وجود مقدّس امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

خداوند متعال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم را مأمور نمود تا ولایت و امامت امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه‌السلام را به مردم اعلام فرماید.

وقتی این دستور از ناحیه خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم ابلاغ شد آن حضرت دلتنگ شد و ترسید از اینکه مردم از دین اسلام برگردند و او را تکذیب کنند «العیاذ بالله بگویند که پیامبر اکرم حضرت علی علیه‌السلام را از پیش خودش به عنوان جانشین خویش انتخاب نموده و دستور خداوند متعال نبوده است».

پس از این قضیه بود که خداوند متعال این آیه شریفه را «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ، وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ، وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ - آیه ۶۷، سوره مائده» به پیامبر اکرم نازل فرموده و به آن حضرت دستور فرمود تا ولایت و امامت امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه‌السلام را به همه مردم اعلام نماید، ضمن اینکه به آن حضرت وعده داد که او را از شرّ مردم حفظ خواهد نمود.

پس از این دستور خداوند متعال بود که پیامبر اکرم در غدیر خم «هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری» موضوع امامت و ولایت امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه‌السلام را به مردم اعلام نمود،

و پس از اعلام ولایت و امامت امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه‌السلام بود که خداوند متعال این آیه شریفه را «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا - آیه سوّم، سوره مائده» به پیامبر اکرم نازل فرمود.

۱. المیزان، جلد یازدهم، صفحه ۷۰ تا ۷۳ - ۷۶ - ۸۱ - ۸۳ - ۸۴ - ۸۷ تا ۹۰.

تفسیر نمونه، جلد پنجم، صفحه ۱۳ تا ۱۵.

تفسیر صافی، جلد دوّم، صفحه ۴۴۱.

وجود مقدّس امام باقر علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:
 واجبات خدا یکی پس از دیگری نازل می‌شد و امر ولایت آخرین آن‌ها بود که
 خداوند متعال پس از نازل نمودن امر ولایت فرمودند:
 واجبات را برای شما کامل کردم و بعد از این هیچ فریضه و واجبی را بر شما
 نازل نخواهم کرد «موضوع ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام
 آخرین فریضه‌ای بود که از جانب خداوند متعال به پیامبر اکرم نازل شد».
 این حدیث شریف را زراره، فضیل بن یسار، بُکَیْر بن اَعین، مُحَمَّد بن مُسلم و
 بُرَید بن معاویه از وجود مقدّس امام باقر علیه‌السلام نقل نموده‌اند.^۱

۲. در روایات مشهوری که از امام باقر و امام صادق علیهما‌السلام نقل شده آمده
 است که آن دو بزرگوار فرموده‌اند:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وحی نموده بود تا
 امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام را به عنوان وصی و جانشین خویش به
 مردم معرفی نماید،

لیکن پیامبر اکرم می‌ترسید از اینکه این کار بر گروهی از مردم گران آید «در نتیجه
 از دین برگردند»، تا اینکه این آیه شریفه «یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ، وَ
 إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ، وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ، آیه ۶۷ - سوره مائده» نازل شد
 و طی آن خداوند متعال به پیامبر اکرم دستور فرمود تا امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب
 علیه‌السلام را به عنوان وصی و جانشین خویش به مردم معرفی فرماید،
 و به آن حضرت فرمود که اگر این کار را انجام ندهی مثل این است که هیچ
 کاری نکرده‌ای و تبلیغ رسالت ننموده‌ای،

ضمن اینکه به آن حضرت وعده داد که او را از شر دشمنانش حفظ نماید.^۲

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۴۷ - ۴۸، حدیث ۴ «حدیث ۷۵۳».

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۴۴۲.

تفسیر نورالتقلین، جلد دوم، صفحه ۴۴۵، حدیث ۲۹۱، «حدیث ۲۸۵۲».

۲. مجمع البیان، جلد هفتم، صفحه ۱۱۸.

۳. امام باقر علیه السلام فرمودند:

پس از اینکه پیامبر اکرم از جانب خداوند متعال مأموریت یافت تا ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را اعلام نماید آن حضرت نگران بود که اگر موضوع امامت و ولایت پسر عموی خویش علی بن ابیطالب علیه السلام را اعلام نماید هر یک از مردم چیزی خواهند گفت و چون امت اسلام با زمان جاهلیت خویش «زمان کفر و شرک جاهلیت» فاصله زیادی ندارد ممکن است از دین اسلام برگردند.

پس از این ماجرا بود که خداوند متعال آیه ۶۷ سوره مائده «یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ، وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ، وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ» را نازل فرموده و به آن حضرت دستور داد تا موضوع امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را به مسلمانان اعلام فرماید، و ضمن دادن وعده حفظ آن حضرت از شر دشمنانش به او فرمود که اگر ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام اعلام نشود گویا تبلیغ رسالت صورت نگرفته است. پس از نزول این آیه شریفه «آیه ۶۷ سوره مائده» بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دست امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را گرفته و مسلمانان را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

ای مردم:

خداوند متعال همه پیامبران قبل از من را عمری معین مقرر فرمود و سپس آنها را به سوی خویش فرا خواند «همه پیامبران از دنیا رفتند»، و نزدیک است که مرا نیز فرا بخواند و اجابت کنم «یعنی زمان رحلت من نزدیک است».

ای مردم:

من مسئولیت دارم «ابلاغ پیام الهی به مردم به عنوان حجت و خلیفه خداوند متعال» و شما نیز مسئولیت دارید و مورد سؤال واقع خواهید شد.

ای مردم:

اکنون شما چه می گوئید:

مسلمانان حاضر در آن اجتماع عظیم اظهار داشتند:
ما شهادت می‌دهیم که تو تبلیغ رسالت نمودی و ما را نصیحت کرده و برای
ما خیر خواهی نمودی «صراط مستقیم و رسیدن به سعادت را به ما نشان دادی
و تبیین فرمودی».

آنگاه پیامبر اکرم به خداوند متعال عرض کرد:
خداوندا:

تو شاهد و گواه باش، و این کلام را آن حضرت سه بار تکرار نموده و سپس
مسلمانان را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:
ای مسلمانان:

این علی بن ابیطالب علیه السلام بعد از من ولی و صاحب اختیار شما است،
ولایت او ولایت من است و ولایت من ولایت پروردگار من است،
پس، ای مردم:

شما که حاضر هستید این مطلب را به غایبین نیز برسانید.
امام باقر علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:
به خدا سوگند:

امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام امین خداوند متعال بر خلق خدا بود.
امام باقر علیه السلام در ادامه بیانات نورانی خویش فرمودند:
امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نیز در اواخر عمر مبارک خویش فرزندان
خویش را به حضور طلبیده و به آنها فرمود:

حسن و حسین فرزندان رسول الله هستند و صاحب اختیار شما و ولی امر شما
و همه مردم می‌باشند، پس:

به دستورات آنها «حسن و حسین علیهما السلام» گوش کنید و از آنها اطاعت
نمائید، و امام حسن علیه السلام نیز در اواخر عمر مبارک خویش ودایع امامت را به
امام حسین علیه السلام سپرد،

و آن حضرت نیز به فرزندش علی بن حسین «امام سجاد علیه السلام» تحویل
فرمود.

این حدیث را ابی الجارود از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۱

۴. امام صادق علیه السلام فرمودند:

وقتی موضوع ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام از جانب خداوند متعال به پیامبر اکرم نازل شد «آیه ۶۷ سوره مائده»، وجود مقدس پیامبر اکرم به مسلمانان و مخصوصاً به ابوبکر و عمر فرمودند:

قُومًا فَسَلِّمًا عَلَيْهِ بِأَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ، یعنی:

برخیزید و به عنوان امیرالمؤمنین به علی بن ابیطالب سلام کنید.

ابوبکر و عمر به پیامبر اکرم عرض کردند:

اینکه علی بن ابیطالب امیرالمؤمنین است و باید او را امیرالمؤمنین بدانیم و به عنوان امیرالمؤمنین به او سلام کنیم دستور خداوند متعال است یا از جانب شما می باشد.

وجود مقدس پیامبر اکرم به ابوبکر و عمر فرمود:

این امر دستور خدا و رسول خدا می باشد.

این حدیث را زید بن جهم هلالی از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۲

۵. امام باقر علیه السلام فرمودند:

خداوند متعال در اواخر عمر مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به آن

حضرت وحی نمود و فرمود:

ای محمد «صلی الله علیه و آله و سلم»:

نبوتت را گذراندی «وظیفه نبوت و رسالت خویش را به خوبی انجام دادی» و

اکنون عمر تو رو به پایان است «زمان رحلت تو نزدیک است»،

پس:

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۴۹، حدیث ۶، «حدیث ۷۵۵».

المیزان، جلد یازدهم، صفحه ۹۱ - ۹۲.

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۴۴۲.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۷۰۱، حدیث ۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۴۴۵، حدیث ۲۹۰، «حدیث ۲۸۵۱».

۲. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۵۲، حدیث ۱ «حدیث ۷۵۷».

علومى را که نزد تو است، و ايمان و اسم اکبر «اسم اعظم»، و ميراث علم «خلافت کبرای الهیّه» و آثار علم نبوت را به علی بن ابیطالب تحویل بده، زیرا:
 من «خداوند متعال» هرگز علم و ايمان و اسم اکبر و ميراث علم و آثار علم نبوت را از نسل و ذریّه تو قطع نخواهم کرد، همچنان که از ذریّه‌های پیامبران دیگر قطع نکردم.

این حدیث را ابو حمزه ثمالی از وجود مقدّس امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.^۱

۶. امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

خداوند متعال به پیامبر اکرم فرمود:

ای محمّد:

فضائل و مناقب وصی و جانشین خودت را آشکار کن «به مسلمانان اعلام کن».

پیامبر اکرم به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

اعراب مردمی خشن هستند و اگر من فضیلت و منقبت اهل بیتم را به آنها بگویم به من ايمان نمی‌آورند.

خداوند متعال به پیامبر اکرم فرمود:

اندوهگین مباش.

پیامبر اکرم طبق دستور خداوند متعال اندکی از فضائل و مناقب وصی و جانشین خویش را بازگو فرمود و به همین خاطر در دل‌های آنها نفاق افتاد و پیامبر اکرم نیز از نفاق آنها اطلاع داشت و آن را می‌دانست.

خداوند متعال به پیامبر اکرم فرمود:

مُنکرین فضائل وصی و جانشین تو، تو را تکذیب نمی‌کنند بلکه آیات خداوند متعال را تکذیب می‌کنند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم طبق دستور خداوند متعال کراراً فضائل و

مناقب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را به مسلمانان گوشزد می کرد که یک نمونه آن در غدیر خم بود «هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری» که در حضور تعداد کثیری از مسلمانان فرمود:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ،

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ،

وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ، یعنی:

هر کس من مولا و سرپرست و صاحب اختیار او هستم علی بن ابیطالب مولا و سرپرست و صاحب اختیار او است، خداوندا:

دوستان و محبین علی بن ابیطالب را دوست بدار،

و با دشمنان او دشمن باش، و این جمله را سه بار تکرار فرمود.

پیامبر اکرم در موارد دیگری نیز فضائل و مناقب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را به مسلمانان بیان نموده و به مسلمانان می فرمودند:

عَلِيٌّ سَيِّدُ الْمُؤْمِنِينَ،

عَلِيٌّ عَمُودُ الدِّينِ،

الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ أَيْنَمَا مَالَ، یعنی:

علی بن ابیطالب سید و سرور و آقای مؤمنین است،

علی بن ابیطالب ستون دین است،

علی بن ابیطالب هر کجا که برود حق همراه او است «علی بن ابیطالب حق است

و منکرین و مخالفین او باطل»،

همچنین پیامبر اکرم بارها فرمودند:

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ، إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا:

كِتَابَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ عِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي،

فَلَا تَسْبِقُوهُمْ فَتَهْلِكُوا،

وَلَا تَعْلَمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ، یعنی:

من در میان شما دو چیز گرانبها به یادگار می گذارم که اگر به آنها پناه ببرید و

به آن‌ها تمسک نمائید هرگز گمراه و منحرف نخواهید شد، که یکی از آن‌ها کتاب خدا است «قرآن کریم» و دیگری اهل بیت من، بر ایشان سبقت و پیشی نگیرند «از آن‌ها جلو نیفتید» که هلاک می‌شوید، و به آن‌ها چیزی نیاموزید زیرا آن‌ها عالم‌تر از شما هستند. وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند: وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم همواره فضائل و مناقب اهل بیت خویش را به مسلمانان بیان می‌فرمود و آیاتی از قرآن کریم را که در رابطه با اهل بیتش بود به مسلمانان تبیین می‌نمود که یکی از آن‌ها آیه ۶۷ سوره مائده است که وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از حَجَّةُ الْوَدَاعِ بازمی‌گشت «مراجعت از مکه به مدینه پس از پایان مناسک حج در سال دهم هجری و ماه‌های آخر عمر مبارک پیامبر اکرم» از جانب خداوند متعال جبرئیل علیه‌السلام خدمت آن حضرت نازل شد و عرض کرد که خداوند متعال می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ، وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ، وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ، یعنی:

ای پیامبر، آنچه را که درباره ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام بر تو نازل شده به مردم ابلاغ کن و به مردم برسان که اگر این کار را نکنی گویا اداء وظیفه ننموده‌ای و تبلیغ رسالت نکرده‌ای، خداوند متعال تو را از شر مردم حفظ خواهد نمود و خداوند متعال کافران را هدایت نمی‌کند.

پس از نزول این آیه شریفه «آیه ۶۷ سوره مائده» و پس از این دستور خداوند متعال بود که پیامبر اکرم دستور فرمود تا همه مردم «حجج بیت الله الحرام که در حال مراجعت از مکه به مدینه و شهرهای خودشان بودند» گرد هم آیند و در یک جا جمع شوند «روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری در محل غدیر خم که بین مکه و مدینه واقع شده»، و سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم این مسلمانان را «۷۰ هزار نفر تا ۱۲۰ هزار نفر گفته شده» مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

أَيُّهَا النَّاسُ:

مَنْ وُلِّيَكُمْ وَ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ،

فَقَالُوا:

اللَّهُ وَرَسُولُهُ،

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْتِي مَوْلَاهُ،

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ،

فَوَقَعَتْ حَسَكَةَ التَّفَاقِ فِي قُلُوبِ الْقَوْمِ وَقَالُوا:

ما أَنْزَلَ اللَّهُ جَلَّ ذِكْرُهُ هَذَا عَلَيَّ مُحَمَّدٍ قَطُّ وَ مَا يُرِيدُ إِلَّا أَنْ يَرْفَعَ بِضَبْعِ ابْنِ عَمِّهِ،

یعنی: وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری پس از پایان مناسک حج در محل غدیر خم و در حضور حجج بیت الله الحرام که تعداد آنها بین هفتاد تا یکصد و بیست هزار نفر عنوان شده مسلمانان را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

ای مردم:

ولیی شما «سرپرست و صاحب اختیار شما» کیست و چه کسی اختیارش به جان و مال شما از خودتان بیشتر می باشد «اشاره به آیه ششم سوره احزاب که می فرماید: النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ، یعنی وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اختیارش به جان و مال و تمام امور مؤمنین از خود مؤمنین به خودشان بیشتر می باشد،

یعنی پیامبر اکرم صاحب اختیار جان و مال مؤمنین می باشد، و ذیل آیه ۵۵ و ۵۶ سوره مائده در این رابطه توضیحات لازم به عرض رسیده است».

مسلمانان و حجج حاضر در محل غدیر خم به پیامبر اکرم عرض کردند:

خداوند متعال و رسول خدا ولی ما و صاحب اختیار ما می باشد.

آنگاه پیامبر اکرم فرمودند:

هر کس که من مولا و سرپرست و صاحب اختیار او هستم علی بن ابیطالب مولا و سرپرست و صاحب اختیار او می باشد.

سپس پیامبر اکرم دست به دعا برداشته و به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

دوستان و محبین علی بن ابیطالب را دوست بدار،
و با دشمنان علی بن ابیطالب دشمن باش، و این جملات نورانی را پیامبر اکرم سه
بار تکرار نمود.

پس از این فرمایشات پیامبر اکرم بود که خار نفاق در دل آن مردم افتاد «کسانی که
ظاهراً مسلمان بودند و مراسم حج به جا آورده بودند لیکن قلباً ذرّه‌ای به خداوند متعال
و پیامبر اکرم ایمان نداشتند» و با خودشان گفتند «منافقین امت نه همه جمع حاضر»:
ولایت و امامت علی بن ابیطالب را هرگز خداوند متعال بر پیامبر اکرم نازل نفرموده
بلکه پیامبر اکرم از پیش خودش دست پسرعموی خویش یعنی علی بن ابیطالب را
بالا برده و بلند کرده و می‌خواهد او را امیر و رئیس ما نماید.
این حدیث را عبدالحمید بن ابی الدیلم از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.^۱

۷. وجود مقدّس امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

منظور از بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ در این آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ
إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ، وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي
الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ - آیه ۶۷، سوره مائده» ولایت می‌باشد، یعنی:

خداوند متعال به پیامبر اکرم دستور فرمود تا موضوع ولایت و امامت امیرالمؤمنین
علی بن ابیطالب علیه‌السلام را به مردم ابلاغ نماید و به مردم برساند.
این حدیث شریف را فضیل بن یسار از امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.^۲

۸. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به مولی‌الموحّدين
امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام فرمود:
لَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيَّ «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» يَعْنِي فِي وَلَايَتِكَ
يَا عَلِيُّ، يَعْنِي، يَا عَلِيُّ:

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۵۴ تا ۶۱ حدیث ۳ «حدیث ۷۵۹».

تفسیر نورالقلین - جلد دوم - صفحه ۴۷۷ - حدیث ۲۹۲ «حدیث ۲۸۵۳»

۲. تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۷۰۵، حدیث ۳.

المیزان، جلد یازدهم، صفحه ۹۲.

خداوند متعال این آیه شریفه را «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ، وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ...» - آیه ۶۷، سوره مائده» در مورد ولایت و امامت تو «علی علیه السلام» نازل فرموده است.

وجود مقدس پیامبر اکرم در ادامه فرمایش خویش به حضرت علی علیه السلام فرمود:

اگر موضوع ولایت و امامت تو به مردم رسانده نمی شد و به مردم ابلاغ نمی شد گویا تبلیغ رسالت نشده بود.

وجود مقدس پیامبر اکرم سپس فرمودند:

يَا عَلِيُّ:

مَنْ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ بِغَيْرِ وَلَايَتِكَ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ، یعنی:

هر کس خداوند متعال را به غیر ولایت تو ملاقات نماید اعمال او حبط و نابود خواهد شد «هر کس روز قیامت محشور شود در حالی که ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را نپذیرفته باشد و به آن ایمان نداشته باشد تمام اعمال صالح آن شخص حبط و نابود خواهد شد».

ذیل آیه پنجم سوره مائده در رابطه با حبط اعمال توضیحات لازم ارائه شده است.

پیامبر اکرم در پایان فرمایشات خویش به علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

هر چه درباره تو می گویم فرمایش خداوند متعال است که در حق تو به من نازل فرموده است.^۱

۹. امام باقر علیه السلام فرمودند:

جبرئیل علیه السلام خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رسید و این آیه شریفه را «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ، وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ، وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» - آیه ۶۷، سوره مائده» نازل نمود.

۱. تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۷۰۳، حدیث ۲.

تفسیر نورالتلکین، جلد دوم، صفحه ۴۴۹، حدیث ۲۹۶، «حدیث ۲۸۵۷».

امالی شیخ صدوق، مجلس هفتاد و چهارم، صفحه ۷۸۱ تا ۷۸۳، حدیث ۱۳.

پس از نزول این آیه شریفه بود که پیامبر اکرم در محلّ غدیر خم «روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری و در حَجَّةُ الْوَدَاعِ که آخرین ماه‌های عمر مبارک آن حضرت بود» مسلمانان را مورد خطاب قرار داده و فرمود:

مَنْ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ، یعنی:

چه کسی بر شما از خودتان سزاوارتر است «چه کسی از خود شما به شما اولویّت دارد، و یا اینکه چه کسی اختیارش به مال و جان شما از خود شما بیشتر است، و بالاخره اینکه صاحب اختیار شما چه کسی است».

هزاران نفر از حجاج بیت‌الله الحرام که در آنجا حضور داشتند با صدای بلند بانگ برآوردند و اظهار داشتند که:

سرپرست و صاحب اختیار ما خداوند متعال و پیامبر اکرم می‌باشد.
وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم سه مرتبه این سؤال را تکرار فرمودند و در هر سه مرتبه هزاران نفر از مسلمانان حاضر در غدیر خم با صدای بلند پاسخ دادند که:

خداوند متعال و پیامبر اکرم سرپرست و صاحب اختیار ما می‌باشند و اولی به تصرّف در امور ما هستند «اختیار خداوند متعال و پیامبر اکرم به جان و مال مردم از اختیار خود مردم به جان و مالشان بیشتر است».

پس از این پاسخ مسلمانان بود که وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم دست مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام را گرفته و دست آن حضرت را بلند کرده و فرمودند:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَعَلَيْ مَوْلَاً،

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ،

وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ،

عَلَيَّ مِنْنِي وَ أَنَا مِنْهُ، یعنی:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم دست مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام را گرفته و فرمودند:

هر کس من مولا و سرپرست و صاحب اختیار او هستم علی بن ابیطالب علیه‌السلام

مولا و صاحب اختیار او می باشد،

خداوندا:

دوست بدار دوستداران و محبّین علی بن ابیطالب را،

و دشمن بدار دشمنان علی بن ابیطالب را.

خداوندا:

نصرت و یاری فرما هر کس را که علی بن ابیطالب را یاری می کند،

و تنها بگذار «یاری نکن» هر کس را که علی بن ابیطالب را تنها می گذارد.

وجود مقدّس پیامبر اکرم در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

علی بن ابیطالب علیه السّلام از من است و من از علی بن ابیطالب،

نسبت علی بن ابیطالب به من مثل نسبت هارون است به موسی،

با این تفاوت که من خاتم پیامبران هستم و بعد از من پیامبر نخواهد آمد «هارون

برادر موسی بن عمران و جانشین او بود».

این حدیث را حنان بن سدیر از پدرش و او از امام باقر علیه السّلام نقل نموده

است.^۱

۱۰. امام صادق علیه السّلام فرمودند:

وقتی که خداوند متعال این آیه شریفه را «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ،

وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

– آیه ۶۷، سوره مائده» نازل فرموده و به پیامبر اکرم دستور دادند تا امیرالمومنین

علی بن ابیطالب علیه السّلام را به عنوان وصی و جانشین خویش و به عنوان امام

مسلمین معرفی و منصوب فرماید، پیامبر اکرم نیز طبق دستور خداوند متعال در

محلّ غدیر خم «روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری و هنگام بازگشت از

مکه به مدینه در حَجَّةُ الْوَدَاعِ که آخرین سال عمر مبارک پیامبر اکرم بود و حدود

سه ماه بعد نیز رحلت فرمود» در جمع هزاران نفر از مسلمانانی که پس از پایان

۱. المیزان، جلد یازدهم، صفحه ۹۰ - ۹۱.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۷۰۵، حدیث ۵.

مناسک حج از مکه مراجعت نموده بودند دست مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را گرفته و فرمودند:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، یعنی:

هر کس من مولا و سرپرست و صاحب اختیار او هستم علی بن ابیطالب علیه السلام مولا و سرپرست و صاحب اختیار او می باشد.

شیاطین از این قضیه «نصب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به امامت مسلمین» بسیار ناراحت و اندوهگین شده و نزد شیطان بزرگ یعنی ابلیس رفته و به او گفتند:

این مرد «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم» امروز گرهی را بست که تا قیامت هیچ چیز نمی تواند آن را باز کند «یعنی نصب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به امامت مسلمین، کفار و مشرکین را مأیوس و نومید کرد از اینکه پس از رحلت پیامبر اکرم بتوانند بساط شرک و بت پرستی را علناً دائر نمایند».

ابلیس که نگرانی و اضطراب اعوان و انصار خویش «سایر شیاطین» را دید به آنها گفت:

خاموش باشید «نگران نباشید»، زیرا:

آنان که اطراف این مرد را گرفته اند «منافقینی که اطراف پیامبر اکرم حضور دارند» وعده ای داده اند که هرگز از آن تخلف نخواهند کرد «در رابطه با غصب خلافت». این حدیث را ابن سنان از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۱

توضیح:

حدیث شریف غدیر از احادیث متواتری است که شیعه و سنی به طرق مختلف آن را نقل نموده اند، و خلاصه حدیث غدیر این است که:

پس از نزول آیه ۶۷ سوره مبارکه مائده «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ، وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ، وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» وجود مقدس پیامبر اکرم روز هجدهم ذیحجه سال دهم هجری هنگام بازگشت

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۴۵۹، حدیث ۳۰۱ «حدیث ۲۸۶۲».

از مکه به مدینه در بین راه مکه و مدینه در محلی به نام غدیر خم در حضور جمع کثیری از حجّاج بیت الله الحرام که در معیت آن حضرت بوده و از مکه عازم شهرهای خودشان بودند «تعداد مسلمانان هفتاد هزار نفر تا یکصد و بیست هزار نفر گفته شده است» مسلمانان را مورد خطاب قرار داده و به آن‌ها فرمود:

مَنْ وَآلِيكُمْ وَ مَنْ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ، یعنی:

ولی و سرپرست و صاحب اختیار شما چه کسی است.

در بعضی از روایات است که آن حضرت به مسلمانان فرمود:

اللَّسْتُ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ، یعنی:

آیا من نسبت به شما از خود شما سزاوارتر و صاحب اختیارتر نیستم «اشاره به آیه ششم سوره احزاب که می‌فرماید: النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ، یعنی پیامبر اکرم نسبت به مؤمنین از خودشان سزاوارتر و اختیاردارتر می‌باشد، یعنی اختیار پیامبر اکرم به جان و مال و امور مؤمنین از خود مؤمنین به خودشان بیشتر می‌باشد». وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم سه مرتبه این سؤال را از مسلمانان حاضر در غدیر خم پرسیدند و همه مسلمانان حاضر در غدیر خم سه بار با صدای بلند عرض کردند:

خداوند متعال و پیامبر اکرم مولا و سرپرست و صاحب اختیار ما می‌باشد. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم پس از اینکه از مسلمانان اعتراف و اقرار گرفت که خداوند متعال و پیامبر اکرم مولا و سرپرست و صاحب اختیار همه مردم هستند و اولی به تصرّف در امور آنان می‌باشند، دست مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را گرفت و با صدای بلند فرمود:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ،

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ،

وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ.

پس از این قضیه بود که حاضرین با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بیعت نموده و به آن حضرت تبریک می‌گفتند.

ابوبکر و عمر در زمره اولین نفراتی بودند که خدمت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب

علیه السلام رسیده و در حضور مردم و در حضور مسلمانان حاضر در غدیر خم به آن حضرت تبریک و تهنیت گفته و عرض کردند:

بَخَّ بَخَّ لَكَ يَا بَنَ أَبِي طَالِبٍ؛
أَصْبَحْتَ وَ أَمْسَيْتَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ، یعنی:
آفرین بر تو باد، آفرین بر تو باد ای پسر ابوطالب،

تو مولا و رهبر من و مولا و رهبر تمام مردان و زنان با ایمان شدی.

این قست از حدیث را که به حدیث تهنیت معروف شده است بسیاری از علمای بزرگ حدیث و تفسیر و تاریخ اهل تسنن به طرق متعدّد از جمعی از صحابه از قبیل: ابن عبّاس، ابو هریره، براء بن عازب، زید بن ارقم و... نقل نموده‌اند و مرحوم علامه امینی در الغدیر آن را از شصت نفر از علمای اهل تسنن نقل کرده است.^۱ حدیث شریف غدیر را که به طور خلاصه ملاحظه فرمودید بسیاری از علمای اهل تسنن نقل کرده‌اند «از طریق شیعه نیز فراوان نقل شده که فقط به تعداد کمی از آنها به عنوان نمونه اشاره شد و انشاء الله تعالی به چند حدیث دیگر نیز اشاره خواهد شد»، لذا این حدیث شریف از احادیث متواتر می‌باشد.

انشاء الله تعالی در پایان بخش حدیث اسامی تعدادی از علمای اهل تسنن و اسامی تعدادی از کُتب معروف اهل تسنن را که حدیث شریف غدیر را نقل نموده‌اند به عرض خواهیم رساند.

قابل ذکر است که:

فرمایشات پیامبر اکرم در روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری که در محلّ غدیر خم ایراد شده خطبه مفصّلی است که انشاء الله تعالی در پایان بخش حدیث به اهمّ مطالب این خطبه نورانی و شریف اشاره خواهد شد.

ضمناً ذیل آیه سوّم سوره مائده نیز در رابطه با نصب امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به امامت مسلمین مطالبی عنوان شده است.

۱. المیزان، جلد یازدهم، صفحه ۹۹.

تفسیر نمونه، جلد پنجم، صفحه ۲۰ تا ۲۵ - ۲۹.

تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۷۰۸ و ۷۰۹، حدیث ۹ و ۱۱.

۱۱. وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم حقّ امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه‌السلام غصب و ابوبکر به خلافت رسید و مسلمانان با او بیعت کردند «عده‌ای از روی ترس، عده‌ای از روی علاقه و...».

ابوبکر پس از اینکه به خلافت رسید نسبت به امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه‌السلام اظهار انبساط و خوشرویی می‌کرد «اوائل خلافت»، و از انقباض و گرفتگی آن حضرت ناراحت و نگران بود و به همین جهت بسیار مایل بود که با آن حضرت جلسه‌ای خصوصی برگزار نموده تا بلکه بتواند رضایت آن حضرت را جلب کند.

به هر حال جلسه مورد نظر تشکیل شد و طیّ آن ابوبکر اظهار داشت:

این کار «انتخاب من به عنوان خلیفه مسلمین» علیرغم میل من بود و من هیچ اعتمادی به خودم نداشتم که بتوانم از عهده این کار مهم برآیم.

امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه‌السلام به ابوبکر فرمود:

اگر به امر خلافت میل و رغبتی نداشتی به چه علت آن را پذیرفتی و برای خلافت مسلمین پیش قدم شدی.

ابوبکر عرض کرد:

به خاطر حدیثی که از پیامبر اکرم شنیده‌ام که آن حضرت فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ لَا يَجْمَعُ أُمَّتِي عَلَى ضَلَالٍ، یعنی:

خداوند متعال امت مرا بر گمراهی و خطا جمع نمی‌کند،

یعنی اگر همه امت بر امری اتفاق نظر داشته باشند تصمیم خلافی نمی‌گیرند و

دچار گمراهی و ضلالت نمی‌شوند.

ابوبکر سپس به سخنان خویش ادامه داد و گفت:

به همین خاطر «به خاطر همین فرمایش پیامبر اکرم» هرگز گمان نمی‌کردم که

اجتماع امت در یک امر خلاف هدایت باشد و در جهت گمراهی و ضلالت گام

بردارد، و به همین جهت تن به این تکلیف سپردم «خلافت را پذیرفتم»،

و اگر می‌دانستم حتی یک نفر هم از این امر «بیعت با من» امتناع خواهد ورزید

به طور مسلم از پذیرش خلافت خودداری می‌کردم.
 امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام به ابوبکر فرمود:
 در خصوص حدیث مذکور و اجماع امت در یک امر از تو سؤال می‌کنم که آیا
 من «حضرت علی علیه‌السلام» از افراد این امت هستم یا نه.
 ابوبکر به حضرت امیر علیه‌السلام عرض کرد:
 بله، شما از افراد این امت هستید.
 حضرت امیر علیه‌السلام به ابوبکر فرمود:
 افرادی مانند سلمان، مقداد، عمار و ابوذر و دیگران که با تو بیعت نکردند آیا از
 افراد این امت «امت اسلام» بودند یا نه.
 ابوبکر به حضرت امیر علیه‌السلام عرض کرد:
 آری، همه آنها از افراد امت اسلام بودند.
 وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام ابوبکر را مورد خطاب قرار
 داده و به او فرمود:

ای ابوبکر:

چگونه به حدیث اجماع احتجاج می‌کنی در حالی که این افراد با خلافت تو
 مخالف بودند و با تو بیعت نکردند، ضمن اینکه این افراد از افراد شایسته و صالح
 و پرهیزکار بودند و هستند و از اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم
 می‌باشند.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام مجدداً ابوبکر را مورد خطاب قرار داده
 و فرمودند:

ای ابوبکر:

انسان با داشتن چه شرایطی صلاحیت این را پیدا می‌کند که خلیفه مسلمین شود.
 ابوبکر عرض کرد:

شرایط و صفاتی از قبیل:

خیرخواهی، وفای به عهد، صراحت لهجه، عدالت، علم و آگاهی به کتاب و
 سنت، زهد در دنیا، طرفداری از مظلوم و ستمدیده و...

امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به ابوبکر فرمود:
ای ابوبکر:

تو را به خدا سوگند:

این صفات و ویژگی‌هایی را که نام بردی و عنوان کردی آیا در وجود خودت می‌بینی یا من.

ابوبکر به حضرت امیر علیه السلام عرض کرد:
البته در شما می‌بینم یا ابا الحسن،

وجود مقدس امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در این جلسه بیش از سی فضیلت و منقبت خویش را برشمرده و از ابوبکر سؤال می‌کرد که آیا تو این فضائل را دارا هستی یا من.

ابوبکر در تمام موارد حق را به امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام داده و به آن حضرت عرض می‌کرد که این فضائل متعلق به شما است.
ذیلاً به چند نمونه از این فضائل اشاره می‌شود که یک نمونه آن در رابطه با موضوع غدیر خم می‌باشد که موضوع بحث ما است.

حضرت امیر علیه السلام به ابوبکر فرمود:
ای ابوبکر:

تو را به خدا سوگند:

آیا در آیه ۵۵ سوره مائده «اتِّمَّاءُ وَلِيُّكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» ولایت من در ردیف ولایت خداوند متعال و ولایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قرار گرفته یا ولایت تو.

ابوبکر به حضرت امیر علیه السلام عرض کرد:
البته برای شما،

حضرت امیر علیه السلام به ابوبکر فرمود:

ای ابوبکر:

تو را به خدا سوگند، این فرمایش پیامبر اکرم «أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، یعنی نسبت توبه من مثل نسبت هارون است به موسی بن عمران با این تفاوت که بعد از من

پیغمبري نخواهد آمد» در رابطه با تو مي باشد يا در رابطه با من.

ابوبکر به حضرت امير عليه السّلام عرض کرد:

البتّه در رابطه با شما

حضرت امير عليه السّلام به ابوبکر فرمود:

ای ابوبکر:

تو را به خدا سوگند، آیا آیه تطهير «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا - آیه ۳۳، سوره احزاب» درباره من و اهل بيت من نازل شده است يا در رابطه با تو و خانواده تو.

ابوبکر به حضرت امير عليه السّلام عرض کرد:

البتّه در رابطه با شما و اهل بيت شما

حضرت امير عليه السّلام به ابوبکر فرمود:

ای ابوبکر:

تو را به خدا قسم:

آیا پیامبر اکرم صلی الله عليه و آله و سلم در زمان حیات خویش «روز عيد غدیر خم و پس از نصب اميرالمؤمنين علی بن ابیطالب عليه السّلام به امامت مسلمين» به اصحاب خویش فرمودند به من به عنوان اميرالمؤمنين سلام بدهند يا به تو

ابوبکر به حضرت امير عليه السّلام عرض کرد:

البتّه برای تو،

اميرالمؤمنين علی بن ابیطالب عليه السّلام به ابوبکر فرمود:

ای ابوبکر:

تورا به خدا سوگند، بنا به حدیث پیامبر اکرم در روز غدیر «هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری» آیا من مولا و صاحب اختیار تو و تمام مسلمين هستم يا تو «اشاره به فرمایش پیامبر اکرم که در روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری در محل غدیر خم و در حضور دهها هزار مسلمان فرمودند: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ».

ابوبکر به حضرت امير عليه السّلام عرض کرد:

البتّه شما.

خلاصه کلام اینکه، ابوبکر همه فضائل امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را پذیرفت لیکن خلافت را به آن حضرت واگذار نکرد.^۱

۱۲. امام باقر علیه السلام فرمودند:

هنگامی که زمان وفات عمر بن خطاب فرا رسید او به شورایی متشکل از شش نفر مأموریت داد تا در یک اطاق نشستند و پیرامون خلافت با یکدیگر مشاوره نموده و از بین خودشان یک نفر را به عنوان خلیفه مسلمین انتخاب نمایند و از آن مکان خارج نشوند تا با فردی که به عنوان خلیفه انتخاب شده بیعت نمایند، و چنانچه یک یا دو نفر که در اقلیت واقع شده‌اند از بیعت کردن با خلیفه‌ای که با رأی اکثریت به خلافت انتخاب شده خود داری کنند باید کشته شوند.

این شش نفر عبارت بودند از:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام،

زبیر بن عوّام «پسر عمّه پیامبر اکرم و حضرت علی علیهما السلام»،

طلحه بن عبیدالله،

عثمان بن عفّان،

عبد الرحمن بن عوف،

و سعد بن ابی وقاص.

شورای شش نفره پس از مرگ عمر بن خطاب تشکیل شد و نهایتاً عثمان بن عفّان به عنوان خلیفه مسلمین انتخاب شد «قابل ذکر است که فقط زبیر بن عوّام تمایل به خلافت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام داشت و بقیه طرفدار خلافت عثمان بودند».

هنگامی که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام تلاش جمع را در بیعت با عثمان دید برای اتمام حجّت و به منظور روشن شدن هر چه بیشتر حقایق و برای اینکه بعدها نگویند که از فضائل و مناقب آن حضرت اطلاع نداشتند به پا خاسته و جمع حاضر را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج حضرت امیر علیه السلام بر ابوبکر، صفحه ۲۶۱ تا ۲۷۴، حدیث ۵۳.

کلام مرا بشنوید، چنانچه حق بود بپذیرید و اگر باطل بود آن را انکار کنید و نپذیرید «حضرت امیر علیه السلام این بیانات نورانی را زمانی ایراد فرمودند که هنوز رأی گیری نشده بود و عثمان به عنوان خلیفه مسلمین انتخاب نشده بود».

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در جمع اعضاء شورا بیش از نود فضیلت از فضائل خویش را بیان فرمود که تماماً مورد قبول اعضاء واقع شد، لیکن علیرغم اقرار به این همه فضائل به عثمان بن عفان رأی دادند و او به عنوان خلیفه مسلمین انتخاب گردید.

ذیلاً به چند نمونه از این فضائل که بازگشت به امامت و ولایت آن حضرت دارد اشاره می شود، آنگاه به فضیلتی که مربوط به حادثه عظیم غدیر خم می باشد اشاره خواهد شد.

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام اعضاء شورا را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

شما را به خدا سوگند:

آیا غیر از من کسی در بین شما هست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره او فرموده باشد:

أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، یعنی:

تو در نزد من همچون هارون در نزد موسی می باشی، با این تفاوت که بعد از من پیامبری نخواهد آمد و من خاتم پیامبران هستم «قابل ذکر است که هارون برادر موسی بن عمران و جانشین او بود».

اعضاء شورا به حضرت امیر علیه السلام عرض کردند:

خیر، این فرمایش پیامبر اکرم راجع به شما بود.

توضیح:

وقتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عازم غزوه تبوک شدند امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را به عنوان جانشین خویش در مدینه قرار دادند.

حضرت امیر علیه السلام از اینکه در رکاب پیامبر اکرم نیست و در این جهاد

شرکت ندارد ناراحت بود و به همین لحاظ خدمت پیامبر اکرم شرفیاب شد و موضوع را به استحضار آن حضرت رساند.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

علی جان، آیا راضی نیستی که نسبت تو به من نسبت هارون باشد به موسی کلیم الله،

با این تفاوت که بعد از حضرت موسی پیامبرانی آمدند اما پس از من پیامبری نخواهد آمد و من خاتم پیامبران هستم.^۱

حضرت امیر علیه السلام به اعضاء شورا فرمود:
شما را به خدا سوگند:

آیا غیر از من کسی در بین شما هست که پیامبر اکرم درباره او به انس فرموده باشد:

أَوَّلُ طَالِعٍ يَطْلُعُ عَلَيْكُمْ مِنْ هَذَا الْبَابِ:

فَأَنَّهُ امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ،

وَ سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ،

وَ خَيْرُ الْوَصِيِّينَ،

وَ أَوْلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ، یعنی:

اولین کسی که از این درب بر شما وارد شود، آن شخص:

امیر المؤمنین است،

سید و سرور و آقای مؤمنین است،

بهترین اوصیاء من است،

و اولی به تصرف است نسبت به مؤمنین از خودشان «اختیارش به جان و مال

مؤمنین از خود مؤمنین بیشتر می باشد»

حضرت امیر علیه السلام به اعضاء شورا فرمود:

آیا اولین فردی که وارد آن مجلس شد من بودم یا شما.

اعضاء شورا به حضرت امیر علیه السلام عرض کردند:

۱. المیزان، جلد یازده، صفحه ۸۲، ذیل آیه ۶۷ سوره مائده.

شما بودید.

حضرت امیر علیه السلام به اعضاء شورا فرمود:

شما را به خدا سوگند:

آیا غیر از من کسی در بین شما هست که این آیه شریفه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ
وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ - آیه ۵۵، سوره مائده»
درباره او نازل شده باشد.

اعضاء شورا به حضرت امیر علیه السلام عرض کردند:

خیر، این آیه شریفه درباره شما نازل شده است.

«ذیل این آیه شریفه توضیحات لازم ارائه شده است».

حضرت امیر علیه السلام به اعضاء شورا فرمود:

شما را به خدا سوگند:

آیا غیر از من کسی در بین شما هست که پیامبر اکرم درباره او فرموده باشد:

أَنْتَ أَوْلَى النَّاسِ بِأُمَّتِي بَعْدِي، یعنی:

پس از من تو اولی به تصرف در امور امت هستی «اولی به تصرف یعنی کسی که
اختیارش به جان و مال و امور مسلمین از خود مسلمین بیشتر می باشد».

اعضاء شورا به حضرت امیر علیه السلام عرض کردند:

خیر، این کلام پیامبر اکرم درباره شما بود.

حضرت امیر علیه السلام به اعضاء شورا فرمود:

شما را به خدا سوگند:

آیا غیر از من کسی در بین شما هست که پیامبر اکرم به او فرموده باشد:

أَنْتَ كَنَفْسِي، حُبُّكَ حُبِّي وَبُغْضُكَ بُغْضِي، یعنی:

تو مانند خود من هستی و به منزله خود من باشی، دوستی با تو دوستی با من
است و دشمنی با تو دشمنی با من می باشد.

اعضاء شورا به حضرت امیر علیه السلام عرض کردند:

خیر، مخاطب کلام پیامبر اکرم شما بودید.

توضیح:

در آیه ۶۱ سوره آل عمران که معروف به آیه مباهله می باشد وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نفس و جان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دانسته شده است «ذیل این آیه شریفه توضیحات لازم ارائه شده است».

حضرت امیر علیه السلام به اعضاء شورا فرمود:

شما را به خدا سوگند:

آیا در بین شما غیر از من کسی هست که پیامبر در باره او فرموده باشد:

وَلَا يَتَّكُ كَوْلَايَتِي، عَهْدٌ عَهْدُهُ إِلَيَّ رَبِّي وَ أَمَرَنِي أَنْ أُبَلِّغُكُمْوَهُ، یعنی:

ولایت تو مانند ولایت من است، و این عهد و پیمانی است که خداوند متعال با من گذاشته و به من امر فرموده تا آن را ابلاغ کنم و به مردم برسانم.

اعضاء شورا به حضرت امیر علیه السلام عرض کردند:

خیر، این فرد شما بودید.

«وَلِيٌّ = سرپرست، صاحب اختیار. مولا نیز همین معنی را می دهد.»^۱

حضرت امیر علیه السلام به اعضاء شورا فرمود:

شما را به خدا سوگند:

آیا غیر از من کسی در بین شما هست که پیامبر اکرم درباره او فرموده باشد:

فَضْلُكَ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ كَفَضْلِ الشَّمْسِ عَلَى الْقَمَرِ، یعنی:

فضل و برتری تو به این امت مثل فضل و برتری خورشید است بر ماه.

اعضاء شورا به حضرت امیر علیه السلام عرض کردند:

خیر، این فرد شما بودید.

توضیح:

خورشید، مُتَبَرِّعٌ است یعنی از خودش نور دارد «نورش از خودش است»، و ماه، مُسْتَنْبِرٌ است یعنی نور را از خورشید می گیرد و آن را منعکس می کند و از خودش نوری ندارد.

۱. مجمع البیان، جلد هفتم، صفحه ۸۲، ذیل آیه ۵۵ و ۵۶ سوره مائده.

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام اعضاء شورا را مخاطب ساخته و به آنها فرمود:

نَشَدْتُكُمْ بِاللّٰهِ:

هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ أَخَذَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِيَدِهِ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ، فَرَفَعَهَا حَتَّى نَظَرَ النَّاسُ إِلَى بَيَاضِ إِبْطِيئِهِ وَهُوَ يَقُولُ: أَلَا إِنَّ هَذَا بَنُ عَمِّي وَوَزِيرِي، فَوَازِرُوهُ وَ نَاصِحُوهُ وَ صِدْقُوهُ، فَإِنَّهُ وَإِيَّتُكُمْ مِنْ بَعْدِي، يَعْنِي:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به اعضاء شورا فرمود:
شما را به خدا سوگند:

آیا غیر از من کسی در بین شما هست که وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر خم «هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری و حدود سه ماه قبل از رحلتشان» دست او را گرفته و بالا برده و فرمودند:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ، اَللّٰهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ و عَادِ مَنْ عَادَاهُ، و سپس فرمودند:
این شخص «علی بن ابیطالب» که دست او در دست من است،
پسرعموی من و وزیر من است، پس:

او را یاری کنید و او را تصدیق نمایید، زیرا:

او پس از من ولیّ شما است «سرپرست و صاحب اختیار شما است».

همه اعضاء شورا به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام عرض کردند:
خیر، این فرد شما بودید.

«ولیّ = سرپرست، صاحب اختیار»^۱

«وزیر = معاون، کسی که سنگینی کارهای فرمانده خویش را متحمّل می شود»^۲
ملاحظه فرمودید که وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فضائل و مناقب خویش را بیان می فرمود «از جمله موضوع مربوط به غدیر خم و نصب آن حضرت به امامت مسلمین که موضوع مورد بحث ما ذیل آیه ۶۷ سوره مائده می باشد» و اعضاء شورا نیز فرمایشات آن حضرت را تصدیق می نمودند.

۱. مجمع البیان، جلد هفتم، صفحه ۸۲، ذیل آیه ۵۵ و ۵۶ سوره مائده.

۲. مفردات راغب - تفسیر نمونه، جلد سیزدهم، صفحه ۲۱۳، ذیل آیه ۲۹ سوره طه.

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام پس از شمردن تعداد معدودی از فضائل و مناقب خویش رو به اعضاء شورا نموده و آن‌ها را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

در صورتی که همه آنچه را که بیان کردم مورد تصدیق شما است و به آن اقرار دارید، پس:

تقوای الهی را رعایت کنید «از خدا بترسید و از دستورات خداوند متعال سرپیچی نکنید» و از خشم و غضب خدا بترسید و از دستورات و سفارشات پیامبر اکرم تخلّف نکنید و حقوق الهی را رعایت نمائید و حق را به اهل آن واگذار کنید و خلافت را به کسی که سزاوار آن است تحویل دهید و واگذارید.

پس از بیانات نورانی امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام اعضاء شورا به شور و مشورت پرداخته و به خودشان این چنین گفتند که:

ما مراتب فضل و بزرگی علیّ بن ابیطالب را می دانیم و می دانیم که او از همه کس به خلافت شایسته تر است، لیکن:

علیّ بن ابیطالب مردی است که هیچ کس را بر دیگری تفضیل و برتری نمی دهد «پست و مقام و پول را به دوستان و آشنایان نمی دهد بلکه به کسی می دهد که شرعاً باید به او بدهد و استحقاق آن را دارد»، و اگر او را خلیفه نمائیم ما «اعضاء شورا» و دیگران را به یک چشم نگاه می کند،

لذا بهتر است که خلافت را به عثمان بن عفّان واگذار کنیم زیرا او همان است که ما می خواهیم «طبق خواسته ما رفتار خواهد کرد»، و به همین لحاظ بود که اعضاء شورا خلافت را به عثمان بن عفّان واگذار کرده و او را خلیفه مسلمین نمودند.^۱

این حدیث را حموی در فرائد السّمطین، ابن حاتم در درّ النّظیم، همچنین دار قطنی، ابن عقده، ابن ابی الحدید «در شرح نهج البلاغه» و خطیب خوارزمی در مناقب نقل نموده اند.^۲

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج حضرت امیر علیه السّلام بر اعضاء شورا، صفحه ۲۷۸ تا ۲۹۹، حدیث ۵۵.

۲. تفسیر نمونه، جلد پنجم، صفحه ۳۳.

۱۳. در زمان خلافت عثمان بن عفان گروهی از مهاجرین و انصار در مسجد النبی «شهر مدینه» نشسته بودند و هر کدام از آنها «مهاجر و انصار» از سوابق خویش و امتیازات خویش مطالبی بر زبان جاری می‌کرد و وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نیز در گوشه‌ای از مسجد النبی نشسته بود و ناظر به این قضایا بود.

جمعیت حاضر در مسجد «مهاجر و انصار» خدمت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام رفته و به آن حضرت عرض کردند:
یا اباالحسن:

چه چیزی شما را از سخن گفتن بازداشته است.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام مهاجرین و انصار را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

شما دو گروه مهاجر و انصار هر چه از فضائل خودتان خواستید گفتید، لیکن آیا به این قضیه توجه کرده‌اید که این همه فضائل که دارید و به آن رسیده‌اید فقط و فقط به خاطر ما اهل بیت پیامبر اکرم بوده است و لا غیر.

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام آنگاه شروع به صحبت نموده و طی آن به گوشه‌ای از فضائل خویش اشاره نمودند که از جمله آنها موضوع نصب آن حضرت به امامت مسلمین در روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری در محل غدیر خم بود.

ذیلاً به اهمّ فرمایشات آن حضرت در جمع مهاجر و انصار اشاره می‌شود.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

وقتی که خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دستور دادند تا ولات امر را معین فرماید و مسئله ولایت را برای مردم تفسیر و تبیین نماید آن حضرت در اجرای دستور خداوند متعال در غدیر خم «هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری» خطبه مفصلی ایراد فرموده و مردم را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

أَيُّهَا النَّاسُ:

أَتَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ مَوْلَايَ، وَأَنَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَأَنَا أَوْلَى بِهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ.

قالوا:

بَلَىٰ يَا رَسُولَ اللَّهِ
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:
 قُمْ يَا عَلِيُّ:
 فَتَقَمَّتْ

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:
 مَنْ كُنْتُ أَوْلَىٰ بِهِ مِنْ نَفْسِهِ فَعَلِيٌّ أَوْلَىٰ بِهِ مِنْ نَفْسِهِ،
 مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ،

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، یعنی:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هزاران نفر از مسلمانان
 حاضر در غدیر خم را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

ای مردم:

آیا تصدیق می کنید که خداوند عزوجل مولا و صاحب اختیار من است و من
 مولا و صاحب اختیار مؤمنین می باشم.

همه مسلمانان یک صدا بانگ برآوردند که:

بله یا رسول الله «خداوند متعال مولای شما است و شما نیز مولای تمام مؤمنین
 می باشید».

پس از این قضیه بود که پیامبر اکرم به من «یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب
 علیه السلام» فرمود:

یا علی برخیز،

و من نیز بلافاصله برخاستم،

آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

هر کس که من از خودش به خودش اولویت دارم علی بن ابیطالب نیز از آن
 شخص به خودش بیشتر اولویت دارد «هر کس که من صاحب اختیار او هستم و
 اختیار من به جان و مالش از خودش بیشتر می باشد علی بن ابیطالب صاحب اختیار
 او است و اختیار علی بن ابیطالب به جان و مال مؤمنین از اختیار خود مؤمنین به

جان و مالشان بیشتر می باشد»،

و هر کس که من مولا و سرپرست او هستم علی بن ابیطالب مولا و سرپرست او می باشد «مولا یعنی سرپرست - صاحب اختیار».

پیامبر اکرم سپس فرمودند:

ولایت علی بن ابیطالب مثل ولایت من است،

بنابراین هر کس که من از خودش به خودش اختیاردارتر هستم علی بن ابیطالب نیز به آن شخص از خودش به خودش اختیاردارتر می باشد «راجع به اولی بودن پیامبر اکرم به مؤمنین ذیل آیه ششم سوره احزاب توضیحات لازم ارائه شده است».

پس از این قضایا بود که خداوند متعال این آیه شریفه «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا - آیه سوّم سوره مائده» را نازل فرمودند و پیامبر اکرم نیز تکبیر فرستاده و فرمودند:

اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى تَمَامِ نُبُوتِي وَ تَمَامِ دِينِ اللَّهِ، وَ وِلَايَةِ عَلِيٍّ بَعْدِي، يَعْنِي:

الله اکبر بر کمال نبوت و دین خدا و کامل شدن دین خدا با اعلام ولایت و امامت

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام.

ابوبکر و عمر از جای خود بلند شده و به پیامبر اکرم عرض کردند:

یا رسول الله:

آیا این آیات شریفه «آیه سوّم و شصت و هفتم سوره مائده» فقط اختصاص به

علی بن ابیطالب دارد.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

آری، این آیات شریفه درباره علی بن ابیطالب و دیگر اوصیاء من می باشد تا روز

قیامت.

ابوبکر و عمر به پیامبر اکرم عرض کردند:

یا رسول الله:

آنها را برای ما بیان فرما «به ما بفرمائید که آنها چه کسانی هستند».

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

وصی من علی بن ابیطالب است که برادر من، وارث من، وصی و جانشین من در

اُمّتم می‌باشد، و پس از من، او «علیّ بن ابیطالب» مولا و صاحب اختیار تمام مؤمنین و مؤمنات می‌باشد، سپس فرزندش حسن، و سپس حسین، سپس نه نفر از فرزندان حسین یکی پس از دیگری که قرآن با ایشان است و ایشان با قرآن، نه این‌ها از قرآن جدا می‌شوند و نه قرآن از این‌ها جدا می‌شود تا اینکه کنار حوض کوثر به من ملحق شوند.

پس از اینکه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام موضوع غدیر و نصب خویش به امامت مسلمین و همچنین فرمایشات پیامبر اکرم در آن روز عظیم و تاریخی را «هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری» بیان فرمودند تمام مهاجر و انصار که در مسجدالنّبی در محضر آن حضرت بودند اظهار داشتند که ما همه این‌ها را از لسان مبارک پیامبر اکرم شنیدیم و در محلّ غدیر خم «روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری» شاهد این قضایا بودیم.

چند نفر از حاضرین از قبیل مقداد، ابوذر، عمّار، زید بن ارقم، براء بن عازب از جای خود بلند شده و اظهار داشتند:

یا اباالحسن:

شهادت می‌دهیم که پیامبر اکرم در غدیر خم این مطالب را فرمودند در حالی که شما «یعنی علی علیه‌السلام» در کنار آن حضرت بودید.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام جمعیت مهاجر و انصار را که در مسجدالنّبی در محضر آن حضرت بودند «در زمان خلافت عثمان بن عفّان» مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

آیا تصدیق می‌کنید و شهادت می‌دهید که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم خطبه‌ای ایراد نموده و فرمودند:

من دو چیز گرانها را بین شما به امانت و ودیعه می‌گذارم، یکی کتاب خدا و دیگر عترت و اهل بیت، که اگر به آن دو امانت من «قرآن - اهل بیت» تمسک نمائید هرگز دچار ضلالت و گمراهی نخواهید شد، زیرا خداوند متعال به من خبر داده که این دو «قرآن - اهل بیت من» هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا اینکه روز قیامت کنار حوض کوثر بر من وارد شوند «ملحق شوند».

عمر بن خطاب از جای خود بلند شد و در حالی که غضبناک بود به پیامبر اکرم عرض کرد:
یا رسول الله:

آیا منظور شما همه اهل بیت شما می باشند.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به عمر بن خطاب فرمود:
خیر، مقصود من، خلفاء «جانشینان» و اوصیاء من هستند که اول آن‌ها علی بن ابیطالب است که برادر من، وزیر من، خلیفه من بر ائمتم و ولی و صاحب اختیار هر مرد و زن مؤمن می باشد «وَأُولَهُمْ أَخِي وَ وَزِيرِي، وَ خَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي وَ وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ بَعْدِي».

پس از علی بن ابیطالب فرزندانم حسن و حسین، و سپس نه نفر از فرزندان حسین یکی پس از دیگری تا اینکه کنار حوض کوثر به من ملحق شوند.
آن‌ها اوصیاء من «اوصیاء جمع وصی یعنی جانشینان»، شهداء بر خلق «اشاره به آیه ۱۴۳ سوره بقره»، حجّت خداوند متعال بر مخلوقات، خزانه علم خداوند متعال و معدن حکمت خداوند متعال می باشند،

هر کس از آن‌ها اطاعت کند خداوند متعال را اطاعت نموده است،
و هر کس از دستورات آن‌ها سرپیچی کند از دستورات خداوند متعال سرپیچی کرده است.

تمام مهاجر و انصاری که در مسجد النبی در خدمت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بودند به حضرت امیر علیه السلام عرض کردند:
بله، ما شهادت می دهیم که پیامبر اکرم چنین فرمودند.
امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در ادامه فرمایش خویش در جمع مهاجرین و انصار «در زمان خلافت عثمان بن عفان» فرمودند:

قسم به خداوندی که ما اهل بیت را به نبوت و خلافت «امامت» گرامی داشته «پیامبر اکرم را به نبوت و اهل بیت آن حضرت را به امامت امت گرامی داشته است» خداوند متعال هیچ کس را در امر ولایت با ما شریک نکرده و خداوند متعال ما را پس از پیامبر اکرم خلفاء خویش در روی زمین و شاهدان بر خلقش قرار داده

و اطاعت از ما را در کتاب خود «قرآن کریم» واجب نموده و در چندین آیه ما را قرین خودش و پیامبرش «در کنار خودش و پیامبرش» قرار داده است «اشاره به آیه ۵۹ سوره نساء، آیه ۵۵ و ۵۶ سوره مائده و...».

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام سپس فرمودند:

خداوند متعال در قرآن کریم حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را رسول و نبی و ما را خلفاء آن حضرت «جانشینان آن حضرت» قرار داده و سپس خداوند متعال رسول خویش را مأمور رساندن آن به امت ساخته «اشاره به آیه ۶۷ سوره مائده که مورد بحث ما می باشد» و پیامبر اکرم نیز طبق دستور خداوند متعال آن را به مردم رسانده است «ابلاغ امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به مردم در روز هجدهم ذیحجه سال دهم هجری در محل غدیر خم».

حضرت امیر علیه السلام در ادامه فرمایش خویش در مسجد النبی فرمودند: وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در آخرین لحظات عمر مبارک خویش اسامی ائمه هدایت را که خداوند متعال اطاعت از آنها را تا روز قیامت بر همه مخلوقات واجب فرموده بیان نمودند که اول آنها نام من بود یعنی «علی بن ابیطالب علیه السلام»، سپس دو فرزندم حسن و حسین و سپس نه نفر از اولاد فرزندم حسین.

مقداد و ابوذر از جای خویش بلند شده و اعلام کردند که:

ما نیز این مطلب را از پیامبر اکرم شنیدیم.

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در پایان فرمایشات خویش در جمع مهاجرین و انصار «در مسجد النبی و در زمان خلافت عثمان بن عفان» همه جمع حاضر مخصوصاً طلحه بن عبیدالله را مورد خطاب قرار داده و فرمودند: بدانید که:

پس از عثمان بن عفان، معاویه و پسرش «یزید بن معاویه» به خلافت خواهند رسید و پس از آن دو نفر «معاویه و یزید» هفت نفر از فرزندان حکم بن ابی العاص «یعنی مروان بن حکم، عبدالملک بن مروان و تا برسد به آخرین آنها که به مروان حمار معروف می باشد» دوازده رهبر ضلالت و گمراهی هستند که یکی پس از

دیگری به حکومت خواهند رسید که ده نفر از آنها از بنی امیه هستند، و دو نفر دیگر همان‌هایی هستند که پایه و اساس این کار «غصب خلافت» را بنیانگذاری کرده و آن را بنا نهادند،

و گناه این دو نفر در روز قیامت برابر با گناهان همه آحاد این امت می‌باشد.^۱ قابل ذکر است که حموینی در فرائد السمطين آورده که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در زمان خلافت عثمان بن عفان در مسجدالنبی و در جمع مهاجرین و انصار به جریان غدیر و به حدیث شریف غدیر استدلال نموده است.^۲

۱۴. وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در زمان خلافت خویش «پس از کشته شدن عثمان بن عفان» نیز در مقاطع مختلف به حدیث شریف غدیر استناد فرموده است که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود. وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در میدان کوفه مردم را راجع به حدیث غدیر سوگند دادند که هر کس این حدیث شریف را از پیامبر اکرم شنیده به آن گواهی دهد.

همچنین آن حضرت در جنگ صفین «جنگ با معاویه» و جنگ جمل «جنگ با طلحه و زبیر و یکی از همسران پیامبر اکرم» از مردم خواست تا آن‌هایی که حدیث شریف غدیر را از پیامبر اکرم شنیده‌اند به آن شهادت و گواهی دهند که در هر سه مورد تعدادی از مسلمانان از جای خود بلند شده و شهادت دادند که حدیث شریف غدیر را در غدیر خم «هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری» از لسان مبارک پیامبر اکرم شنیده‌اند.^۳

قبلاً به عرض رسید که حدیث شریف غدیر از احادیث متواتری است که شیعه و سنی به طرق مختلف آن را نقل کرده‌اند و خلاصه این حدیث شریف

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج حضرت امیر علیه السلام بر مهاجرین و انصار، صفحه ۳۰۰ تا ۳۲۶، حدیث ۵۶.

۲. تفسیر نمونه، جلد پنجم، صفحه ۳۴.

۳. تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۵۶۶، حدیث ۱۷، «ذیل آیه سوم سوره مائده».

المیزان، جلد یازدهم، صفحه ۱۰۰.

تفسیر نمونه، جلد پنجم، صفحه ۳۴.

این است که:

پیامبر اکرم روز هجدهم ذیحجه سال دهم هجری در محل غدیر خم امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را به دستور خداوند متعال به امامت مسلمین منصوب فرمودند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مسلمانان حاضر در غدیر خم را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

مَنْ وِئِيكُمْ وَ مَنْ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ، یعنی:

ولی و سرپرست و صاحب اختیار شما چه کسی است و چه کسی اختیارش به شما از خود شما بیشتر می باشد.

در روایت دیگری است که وجود مقدس پیامبر اکرم در غدیر خم مسلمانان را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ، یعنی:

آیا من نسبت به شما از خود شما سزاوارتر و صاحب اختیارتر نیستم. همه مسلمانان با صدای بلند پاسخ دادند که:

خداوند متعال و پیامبر اکرم ولی و صاحب اختیار مؤمنین می باشند، و به پیامبر اکرم نیز عرض کردند که:

شما «پیامبر اکرم» از ما به خودمان سزاوارتر هستید.

پس از این اعتراف و اقرار مسلمانان بود که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دست مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را بلند کرده و فرمودند:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ،

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ،

وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ، یعنی:

هر کس من مولا و سرپرست و صاحب اختیار او هستم علی بن ابیطالب مولا و سرپرست و صاحب اختیار او می باشد.

آنگاه پیامبر اکرم دست به دعا برداشته و به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

دوست بدار هر کس را که علی بن ابیطالب علیه السلام را دوست می دارد،
و دشمن بدار هر کس را که علی بن ابیطالب علیه السلام را دشمن می دارد،
یاری کن هر کس را که علی بن ابیطالب علیه السلام را یاری می کند،
خوار کن هر کس را که علی بن ابیطالب علیه السلام را خوار می کند «یاری نکن
کسی را که علی بن ابیطالب علیه السلام را یاری نمی کند».

این خلاصه حدیث شریف غدیر بود که ملاحظه فرمودید «ذیل حدیث دهم نیز
به اختصار راجع به حدیث شریف غدیر توضیحاتی ارائه گردید».
همانطور که عرض شد حدیث شریف غدیر از احادیث متواتری است که شیعه
و سنی به آن اتفاق نظر داشته و آن را به طرق مختلف نقل نموده اند.
این حدیث شریف به بیش از صد طریق نقل شده و عدّه کثیری از صحابه آن را
نقل نموده اند که ذیلاً به اسامی تعدادی از آنها اشاره می شود.

براء بن عازب - زید بن ارقم - ابو ایوب انصاری - عمر بن خطاب - سلمان
فارسی - ابوذر غفاری - عمّار یاسر - بریده - سعد بن ابی وقاص - عبدالله بن عباس
- ابوهریره - جابر بن عبدالله انصاری - ابو سعید خدری - انس بن مالک - عمران
بن حصین - سعدانه و...

حدیث شریف غدیر در بسیاری از کُتب اهل سنت نیز آمده که به تعدادی از آنها
اشاره می شود.

خطیب خوارزمی	مناقب
حافظ ابو نعیم	نزول القرآن
حموینی	فرائد السّمطین
مالکی	فصول المهمّه
ابن حاتم	در النّظیم
واحدی	اسباب النّزول
ابن ابی الحدید	شرح نهج البلاغه
قاضی شوکانی	فتح القدیر
ابن ماجه	سُنن

قندوزی	ینابیع المودّه
احمد بن حنبل	مُسْنَد
حاکم حسکانی	شواهد التّنزیل
ثعلبی	تفسیر ثعلبی
فخر رازی	تفسیر کبیر
سیوطی	در المثنور
آلوسی و...	تفسیر روح المعانی

قابل ذکر است که:

دانشمندان و علمای معروف اهل سنت از قبیل:

حاکم، ذهبی و ابن حجر با تمام شهرت و تعصّبی که دارند به صحیح بودن بسیاری از طرق حدیث شریف غدیر اقرار و اعتراف نموده‌اند.

علامه امینی در الغدیر حدیث شریف غدیر را از ۱۱۰ نفر از صحابه و یاران پیامبر اکرم و از ۸۴ نفر از تابعین و از ۳۶۰ دانشمند و کتاب معروف اسلامی نقل نموده و همه این‌ها مبین این مطلب است که:

حدیث شریف غدیر یکی از قطعی‌ترین روایات متواتر است و اگر کسی در تواتر این حدیث شریف «حدیث غدیر» شک و تردید کند باید گفت که این شخص هیچ روایت متواتری را نمی‌تواند بپذیرد.^۱

۱۵. هنگام زیارت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام در روز غدیر که از ناحیه وجود مقدّس امام هادی علیه‌السلام صادر شده خدمت آن حضرت عرض می‌کنیم.

أَوْحَى إِلَيْهِ رَبُّ الْعَالَمِينَ:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ، وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ، وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ - آیه ۶۷، سوره مائده».

۱. المیزان، جلد یازدهم، صفحه ۹۸ تا ۱۰۱.

تفسیر نمونه، جلد پنجم، صفحه ۱۶ - ۱۷ - ۱۹ - ۳۲ تا ۳۵.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۵۷۱، حدیث ۲۱ و ۲۲ «ذیل آیه سوم سوره مائده».

فَوَضَعَ عَلَى نَفْسِهِ أَوْزَارَ الْمَسِيرِ، وَ نَهَضَ فِي رَمْضَاءِ الْهَجِيرِ،
فَخَطَبَ وَ أَسْمَعَ وَ نَادَى فَابْلَغَ، ثُمَّ سَأَلَهُمْ أَجْمَعًا،
فَقَالَ:

هَلْ بَلَغْتُ:

فَقَالُوا اللَّهُمَّ بَلَى،

فَقَالَ:

اللَّهُمَّ أَشْهَدُ

ثُمَّ قَالَ:

أَلَسْتُ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ

فَقَالُوا بَلَى

فَأَخَذَ بِيَدِكَ وَ قَالَ:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ،

وَ انصُرْ مَنْ نصرَهُ، وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ،

فَمَا آمَنَ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيكَ عَلَى نَبِيِّهِ إِلَّا قَلِيلٌ، وَ لَا زَادَ أَكْثَرَهُمْ غَيْرَ تَخْسِيرٍ، يَعْنِي:

خداوند متعال به پیامبر اکرم وحی نمود و به آن حضرت فرمود:

ای پیامبر:

آنچه که از سوی پروردگارت به تو نازل شده «در رابطه با نصب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به امامت مسلمین» به مردم برسان و آن را به مردم ابلاغ کن که اگر این کار را نکنی تبلیغ رسالت نکرده‌ای و خداوند متعال تو را از شر مردم حفظ خواهد نمود.

پس از این دستور خداوند متعال بود که پیامبر اکرم رنج سفر را به خود هموار کرد «حرکت از مدینه به سوی مکه در سال دهم هجری که آخرین سال عمر مبارک پیامبر اکرم بود» و در نیمه روز سوزان آن بیابان «ظهر روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری در محل غدیر خم» به پا خاست و خطبه‌ای ایراد فرموده و دستور خداوند متعال را به مردم ابلاغ نمود و سپس از مردم حاضر در آنجا سؤال کرد که:

آیا دستور خداوند متعال را ابلاغ کردم و آن را به شما رساندم؟
همه حاضرین عرض کردند:

بله،

آنگاه پیامبر اکرم به خداوند متعال عرض کرد:
خداوندا:

شاهد و گواه باش «که دستور تو را به مردم ابلاغ کردم»، و سپس پیامبر اکرم
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مسلمانان حاضر در محلّ غدیر خم را مورد خطاب قرار
داده و فرمودند:

أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ، یعنی:

آیا من به مؤمنین از خودشان سزاوارتر و صاحب اختیارتر نیستم.
همه مسلمانان عرض کردند:

آری،

سپس پیامبر اکرم دست تو را «یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام»
گرفت و فرمود:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ،

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ،

وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذِلْ مَنْ خَذَلَهُ، یعنی:

هر کس که من مولا و صاحب اختیار او هستم این علی «این علی بن ابیطالب که
دست او در دست من است» مولا و صاحب اختیار او است.

خداوندا:

دوست بدار هر کس را که علی بن ابیطالب دوست می‌دارد،

و دشمن بدار هر کس را که علی بن ابیطالب را دشمن می‌دارد،

یاری کن هر کس را که علی بن ابیطالب را یاری می‌کند،

و خوار کن هر کس را که دست از یاری علی بن ابیطالب برمی‌دارد.

اما به آنچه که خداوند متعال در رابطه با تو «یعنی علی علیه السلام» به پیامبر اکرم
نازل فرموده بود «امامت حضرت امیر علیه السلام» جز اندکی از مردم ایمان نیاوردند،

و نیزود بیشترشان را جز زیانکاری «عده قلیلی از مسلمین به امامت علی علیه السلام ایمان آوردند، لیکن اکثریت آنها ایمان نیاوردند و لذا دچار خسران و زیان شدیدی شدند».

این زیارت شریف در مفاتیح الجنان آمده است.

«گزیده‌ای از فرمایشات پیامبر اکرم در غدیر خم»

وجود مقدس امام باقر صلوات الله و سلامه علیه فرمودند:
وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در موسم حج از مدینه عازم مکه بودند «ذیقعه سال دهم هجری» که جبرئیل علیه السلام خدمت آن حضرت نازل شد و به پیامبر اکرم عرض کرد:

ای محمد «صلی الله علیه و آله و سلم»:

خداوند متعال به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید:

من هیچ پیامبری از پیامبران گذشته را قبض روح نکرده‌ام مگر بعد از کامل کردن دین خودم و پس از استوار نمودن حجّت بر خلق، زیرا من تا به حال زمین را خالی از حجّت قرار نداده‌ام و هرگز خالی نخواهم گذاشت.

در این هنگام مُنادی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مردمان را ندا داد که: پیامبر اکرم قصد حج دارند و متعاقب آن هزاران نفر برای انجام حج اجتماع نمودند.

وجود مقدس پیامبر اکرم با هزاران نفر از مدینه عازم مکه شدند تا حج به جای بیاورند.

پس از طی مسافتی جبرئیل به محضر پیامبر اکرم نازل شد و به پیامبر اکرم عرض کرد:

ای محمد «صلی الله علیه و آله و سلم»:

خداوند عزوجلّ به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید:

زمان وفات تو نزدیک شده و مدت حیات تو سررسیده است، پس: آنچه از علوم نزد تو است و آنچه از دانش و میراث انبیاء پیشین نزد تو می‌باشد،

و آنچه که از آیات و نشانه‌های انبیاء گذشته را داری همه را به وصی خودت و خلیفه خودت «جانشین خودت» و حجّت بالغه من بر خَلقم علی بن ابیطالب بسپار و به او تسلیم نما،

و علی بن ابیطالب را همچون عَلم و نشانه برای مردم بر پا کن «او را کاملاً برای مردم معرفی کن و بشناسان»، و برای او از مردم عهد و پیمان بگیر و عهد و پیمان من در رابطه با ولایت علی بن ابیطالب را به مردم یادآوری کن.

مردم باید بدانند که من «خداوند متعال» هیچ‌گاه زمین را خالی از ولی «سرپرست - صاحب اختیار» قرار نمی‌دهم تا حجّت من بر مخلوقاتم باشد.

علی بن ابیطالب بنده من، جانشین پیامبر من و خلیفه پس از او است و حجّت بالغه من می‌باشد که اطاعت از او اطاعت از محمد است که نبی من است، و اطاعت از نبی من محمد اطاعت از من است.

هر کس از علی بن ابیطالب اطاعت کند از من «خداوند متعال» اطاعت کرده است،

و هر کس از دستورات او سرپیچی کند «از او نافرمانی کند» از دستورات من سرپیچی کرده است.

من «خداوند متعال» علی بن ابیطالب را عَلم و نشانه بین خودم و خَلقم قرار دادم «تا مردم راه را از بیراهه تشخیص دهند و راه هدایت را از راه ضلالت و گمراهی تمیز دهند»،

مَنْ عَرَفَهُ كَانَ مُؤْمِنًا،

وَمَنْ أَنْكَرَهُ كَانَ كَافِرًا، یعنی:

هر کس علی بن ابیطالب را بشناسد «به عنوان امام مسلمین و وصی بلافصل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم» مومن است،

و هر کس علی بن ابیطالب را انکار کند «امامت ولایت آن حضرت را انکار نماید» کافر است،

هر کس با داشتن ولایت علی بن ابیطالب به دیدار من «خداوند متعال» بیاید وارد بهشت می‌شود،

و هر کس به دیدار من بیاید «در روز قیامت محشور شود» در حالی که با علی بن ابیطالب دشمن بوده وارد جهنم خواهد شد،

پس:

ای محمد:

علی بن ابیطالب را علم و راهنما قرار بده «تا مردم راه راست را از راه ضلالت تشخیص داده و به وسیله او به صراط مستقیم هدایت شوند».

ای محمد:

برای علی بن ابیطالب از مردم بیعت بگیر زیرا به زودی تو را به سوی خودم فرا می خوانم «به زودی از دنیا رحلت خواهی کرد».

چون پیامبر اکرم نسبت به قوم خود «امت اسلام» و مخصوصاً از منافقین امت خائف و ترسان بود که مبادا پراکنده شده و به دوران کفر جاهلیت بازگردند «ترس پیامبر اکرم از این بود که مسلمانان خیال کنند العیاذ بالله پیامبر اکرم از پیش خود علی بن ابیطالب را به عنوان جانشین خویش انتخاب نموده و دستور خداوند متعال در کار نبوده و در نتیجه از دین اسلام برگشته و مرتد شوند»،

همچنین:

چون پیامبر اکرم از عداوت و بغض درونی آنها نسبت به علی بن ابیطالب علیه السلام آگاه بود لذا از جبرئیل خواست تا از خداوند متعال بخواهد که او را «پیامبر اکرم را» از شرّ و کید و مکر منافقین امت حفظ فرماید «مقصود از منافقین امت کسانی هستند که ظاهراً مسلمان بودند و فرائض و واجبات را انجام می دادند لیکن قلباً به خدا و رسول ایمان نداشته و مترصد فرصتی بودند تا با تظاهر به اسلام قدرت را به دست بگیرند».

به همین جهت اعلام ولایت و امامت علی بن ابیطالب علیه السلام به تأخیر افتاد تا اینکه پیامبر اکرم و مسلمانان همراه آن حضرت به مسجد خیف رسیدند «مسجد خیف در منی واقع شده است و حجّاج روز دهم و یازدهم و دوازدهم ذیحجه در منی بیتوته می کنند».

فاصله بین مکه تا مدینه حدود چهارصد کیلومتر می باشد و در آن زمان حدود ده

روز طول می کشیده تا این مسافت طی شود.

گفته شده که پیامبر اکرم و مسلمانان همراه آن حضرت پنج روز مانده به پایان ذیقعدۀ از مدینه عازم مکه شدند و پنجم ذیحجه وارد مکه شده و اعمال حج را به جای آورده و روز دهم ذیحجه در منی قربانی نمودند.

اینکه عرض شد تا زمان اقامت آن حضرت در منی و مسجد خیف ولایت و امامت علی بن ابیطالب علیه السلام به طور علنی اعلام نشد یعنی تا تاریخ دوازدهم ذیحجه که حجج در منی بودند امامت حضرت علی علیه السلام به مردم ابلاغ نشده بود.

جبرئیل در مسجد خیف خدمت پیامبر اکرم نازل شد و موضوع ولایت و امامت علی بن ابیطالب علیه السلام را متذکر شد و از آن حضرت خواست تا امامت علی بن ابیطالب علیه السلام را به مسلمانان اعلام فرماید، لیکن در رابطه با حفظ پیامبر اکرم از شر دشمنان خبری از جانب خداوند متعال با خودش نیاورده بود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که مناسک و اعمال حج را به جای آورده بود از مکه خارج شده و عازم مدینه گردید تا اینکه به کراع الغمیم رسید «عرض شد که فاصله بین مکه و مدینه حدود چهارصد کیلومتر است و غدیر خم تقریباً وسط مکه و مدینه واقع شده و کراع الغمیم نیز تقریباً وسط مکه و غدیر خم قرار دارد، یعنی وقتی از مکه خارج شده و عازم مدینه می شویم ابتدا به کراع الغمیم می رسیم، سپس به غدیر خم، سپس به عقبه ای به نام عقبه هرشی، سپس به ابواء و آنگاه به مدینه می رسیم».

در کراع الغمیم بار دیگر جبرئیل خدمت پیامبر اکرم نازل شد و موضوع معرفی و نصب امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را مطرح کرد لیکن باز هم در رابطه با درخواست پیامبر اکرم مبنی بر حفظ آن حضرت از شر مردم خبری نیاورده بود.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به جبرئیل فرمود:

ای جبرئیل:

می ترسم مردم مرا تکذیب کنند و سخنم را درباره علی بن ابیطالب نپذیرند «و در نتیجه از دین اسلام برگردند و علناً اظهار کفر نمایند».

پیامبر اکرم و مسلمانان همراه آن حضرت از کراع الغمیم راه افتاده و عازم مدینه شدند، لیکن وقتی به غدیر خم رسیدند بار دیگر جبرئیل خدمت آن حضرت نازل شد و به آن حضرت عرض کرد:

یا محمد «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»:

خداوند متعال به تو سلام رسانده و می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» فِي عَلِيٍّ «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ - آیه ۶۷، سوره مائده» یعنی:
ای محمد:

خداوند متعال به تو سلام رسانده و می فرماید:

ای پیامبر، آنچه که از جانب پروردگارت در رابطه با امامت و ولایت علی بن ابیطالب به تو نازل شده به مردم برسان و آن را به مردم ابلاغ کن که اگر این کار را نکنی تبلیغ رسالت نکرده‌ای و اداء وظیفه ننموده‌ای،

ای پیامبر، خداوند متعال تو را از فتنه مردم و از شرّ مردم حفظ می کند.

پس از این دستور اکید خداوند متعال بود که پیامبر اکرم دستور دادند تا آن‌هایی که جلو رفته‌اند بازگردند و آن‌هایی که نرسیده‌اند برسند «به غدیر خم».

وقتی همه مسلمانان در محلّ غدیر خم جمع شدند «روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری» پیامبر اکرم دستور دادند تا سنگ‌ها را روی هم گذاشته و از آن‌ها منبری درست کنند تا آن حضرت بالای آن سنگ‌ها رفته و به همه اشراف داشته باشد.

وجود مقدّس پیامبر اکرم روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری در محلّ غدیر خم و در حضور هزاران مسلمان «که تعداد آن‌ها بین هفتاد هزار نفر تا یکصد و بیست هزار نفر عنوان شده» بر روی سنگ‌هایی که مانند منبر درست شده بود رفتند و پس از حمد و ثنای خداوند متعال و ذکر صفات جلال و جمال خداوند متعال فرمودند:

خداوند متعال به من فرموده که:

اگر آنچه را که به من نازل فرموده به مردم نرسانم و به مردم ابلاغ نکنم وظیفه

رسالتش را انجام نداده‌ام و تبلیغ رسالت نکرده‌ام،

خداوند متعال ایمنی از شرّ و فتنه مردم را برای من تضمین فرموده و اینگونه به

من وحی نموده که:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» فِي عَلِيٍّ يَعْنِي فِي الْخَلِيفَةِ لِعَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ
«وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ، وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ - آیه ۶۷ سوره مائده»، یعنی:

ای پیامبر:

آنچه را که از جانب پروردگارت در رابطه با خلافت «جانشینی» و امامت علی بن ابیطالب بر تو نازل شده به مردم برسان و ابلاغ کن که اگر این کار را نکنی تبلیغ رسالت نکرده‌ای و انجام وظیفه ننموده‌ای، و خداوند متعال تو را از آسیب و فتنه و شرّ مردم حفظ خواهد کرد «از شرّ منافقینی که در صفوف مسلمین هستند و تظاهر به اسلام می‌کنند».

وجود مقدّس پیامبر اکرم سپس فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ «ای گروه مردم»:

جبرئیل در این سفر «حرکت از مدینه به مکه و خروج از مکه پس از انجام مناسک حج و رسیدن به غدیر خم، یعنی پنج روز مانده به آخر ذیقعد که از مدینه حرکت آغاز شد تا رفتن به مکه و بازگشت از مکه و رسیدن به محلّ غدیر خم در تاریخ هیجدهم ذیحجه» سه بار بر من نازل شد، و پس از ابلاغ سلام خداوند متعال به من دستور خداوند متعال را به من ابلاغ نمود که در مقابل همگان به مردم اعلام کنم که:

أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي وَ الْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي،

الَّذِي مَحَلُّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي،

وَ هُوَ وَبِكُمْ بَعْدَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيَّ آيَةً مِنْ كِتَابِهِ:

«أِنَّمَا وَبِكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ

- آیه ۵۵، سوره مائده»،

وَ عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ هُوَ رَاكِعٌ يُرِيدُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ، یعنی:

پیامبر اکرم فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ «ای گروه مردم»:

خداوند متعال به من وحی نموده و به من دستور داده تا به همه مردم اعلام کنم که:

علی بن ابیطالب، برادر من، وصی من، خلیفه من «جانشین من» و امام بعد از من است،

و جایگاه او نسبت به من مانند جایگاه هارون است به موسی «موسی بن عمران» جز اینکه بعد از من پیامبری نخواهد آمد «هارون برادر حضرت موسی و جانشین او بود»،

علی بن ابیطالب ولی و صاحب اختیار شما بعد از خدا و رسولش می باشد و خداوند متعال در این مورد آیه ای بر من نازل فرموده «آیه ۵۵ سوره مائده» است که خداوند متعال در آن آیه شریفه می فرماید:

همانا و به تحقیق ولی و صاحب اختیار شما فقط و فقط خداوند متعال است و پیامبر اکرم و کسی که به خدا و رسول ایمان آورده و نماز را به پا می دارد و در حال رکوع نمازش زکات و صدقه می دهد،

و این شخص علی بن ابیطالب است که نماز را به پا داشت و در حال رکوع نمازش صدقه داد، و علی بن ابیطالب کسی است که همیشه و در هر حال متوجه خداوند متعال می باشد «ذیل آیه ۵۵ سوره مائده توضیحات کاملی ارائه شده است».

پیامبر اکرم در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

ای مردم:

من در ابتدای امر از جبرئیل خواستم تا از خداوند متعال بخواهد که مرا از ابلاغ این مهم «ابلاغ امامت حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام» معاف بدارد، زیرا:

می دانستم که تعداد مؤمنین کم است و تعداد منافقین زیاد و نیرنگ و فساد گنهکاران و مسخره کنندگان اسلام فراوان است «منافق کسی است که تظاهر به اسلام می نماید و اعمال و فرائض مسلمین را به جا می آورد لیکن قلباً اعتقادی به خدا و رسول نداشته و مترصد فرصتی است تا حد اکثر بهره برداری را بنماید و به قدرت برسد».

پیامبر اکرم سپس فرمودند:

اگر بخواهم می توانم نام تک تک آن‌ها را ببرم «منافقین را» و می توانم به شخص آن‌ها اشاره کنم لیکن من با آن‌ها با بزرگواری رفتار می کنم «نام آن‌ها را نمی برم و آن‌ها را به مردم معرفی نمی کنم»، و فقط آنچه را می گویم که خداوند متعال درباره علی بن ابیطالب به من فرموده و این آیه شریفه را به من نازل فرموده که آن را به شما ابلاغ کنم،

و در این آیه شریفه خداوند متعال به من دستور داده که:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ، وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ، وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ

مِنَ النَّاسِ - آیه ۶۷، سوره مائده»، یعنی:

فقط آنچه را می گویم که خداوند متعال درباره علی بن ابیطالب فرموده و آن این

است که خداوند متعال به من فرمود:

ای پیامبر:

آنچه را که از جانب پروردگارت در رابطه با امامت و ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام بر تو نازل شده به مردم برسان و به مردم ابلاغ کن که اگر این کار را نکنی و موضوع امامت علی بن ابیطالب را به مردم نگویی و نرسانی اصلاً تبلیغ رسالت ننموده‌ای و گویا اصلاً هیچ کاری نکرده‌ای، و خداوند متعال تو را از شرّ و فتنه مردم «منافقین امت» حفظ خواهد فرمود.

پیامبر اکرم در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ:

أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَ إِمَامًا مَفْتَرَضًا طَاعَتُهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ، وَ عَلَى الْبَادِي وَالْحَاضِرِ، وَ عَلَى الْأَعْجَمِيِّ وَالْعَرَبِيِّ، وَالْحُرِّ وَالْمَمْلُوكِ، وَالصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ، وَ عَلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ، وَ عَلَى كُلِّ مُوَحَّدٍ مَاضٍ حُكْمُهُ جَائِزٌ قَوْلُهُ نَافِذٌ أَمْرُهُ، مَلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ، مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ، وَ مَنْ صَدَّقَهُ فَقَدْ عَفَّرَ اللَّهُ لَهُ وَ لِمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَ أَطَاعَ لَهُ،

یعنی:

پیامبر اکرم فرمودند:

ای مردم بدانید که:

خداوند متعال علی بن ابیطالب را ولی و صاحب اختیار شما و امام بر شما قرار

داده است «خداوند متعال او را به امامت مسلمین نصب فرموده است»،
و اطاعت از علی بن ابیطالب را بر تمام مهاجرین و انصار، بر هر حاضر و غائب،
بر هر عرب و عجم و کوچک و بزرگ و عبّد و آزاد و هر فرد موحد و خداشناس
واجب فرموده است «اطاعت از علی بن ابیطالب را خداوند متعال به همه انسانها
واجب فرموده است»،

فرمان و دستور علی بن ابیطالب قابل اجرا، سخنش مقبول، و امرش نافذ است،
هر کس با علی بن ابیطالب مخالفت کند ملعون است،
و هر کس از او تبعیت و پیروی نماید مشمول رحمت الهی است،
هر کس علی بن ابیطالب را تصدیق کند «امامت آن حضرت را بپذیرد»، و به
دستورات او گوش کند و از آن حضرت اطاعت نماید مشمول غفران و آمرزش
الهی واقع می شود.

پیامبر اکرم فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ هُوَ مَوْلَاكُمْ وَاللَّهُمَّ، ثُمَّ مِنْ دُونِهِ مُحَمَّدٌ وَلِيِّكُمْ الْقَائِمُ الْمُخَاطَبُ لَكُمْ، ثُمَّ مِنْ
بَعْدِي عَلِيٌّ وَلِيِّكُمْ وَ إِمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ، ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وَلَدِهِ إِلَى يَوْمٍ تَلْقَوْنَ اللَّهَ
عَزَّ وَجَلَّ وَ رَسُولَهُ، يَعْنِي:

پیامبر اکرم فرمودند:

ای گروه مردم:

خداوند مولا و صاحب اختیار شما و معبود شما است،
پس از خداوند متعال فرستاده و رسولش محمد که هم اکنون در مقابل شما
ایستاده و شما را مخاطب ساخته مولا و صاحب اختیار شما است،
و پس از من به دستور خداوند متعال علی بن ابیطالب صاحب اختیار شما و امام
شما است،

و بعد از علی بن ابیطالب امامت در نسل من از فرزندان او است تا روزی که خدا
و رسولش را ملاقات نمائید «تا روز قیامت».

پیامبر اکرم فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِيَّ،
وَكُلُّ عِلْمٍ عُلِّمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ،
وَمَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا عَلَّمْتُهُ عَلِيًّا وَهُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ، يَعْنِي:
پیامبر اکرم فرمودند:

ای گروه مردم:

هیچ علمی نیست مگر اینکه خداوند متعال آن را در من جمع کرده است «به من آموخته است»،

هر علمی را که آموخته‌ام «هر علمی را که خداوند متعال به من تعلیم فرموده» من آن علم را به علی بن ابیطالب آموخته‌ام که او امام متقین است،
هیچ علمی نیست مگر اینکه من آن علم را به علی بن ابیطالب آموخته‌ام که او امام مبین است «اشاره به آیه دوازده سوره مبارکه یس که خداوند متعال می‌فرماید:

وَ كُلِّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ، يَعْنِي:

ما همه چیز را در امام مبین احصاء کرده‌ایم.

ذیل این آیه شریفه توضیحات لازم ارائه شده و احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که مقصود از امام مبین وجود مقدس مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می‌باشد».

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

فَضَّلُوهُ فَقَدْ فَضَّلَهُ اللَّهُ، وَأَقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللَّهُ،

إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ،

وَلَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وَلَا يَتَّهَى، وَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُ،

حَتَّمَا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ فِيهِ وَ أَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا نَكْرًا أَبَدًا الْأَبَادِ وَ دَهْرَ

الدَّهْرِ،

فَاخْذَرُوا أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَصِلُوا نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ، يَعْنِي:

پیامبر اکرم فرمودند:

ای گروه مردم:

علی بن ابیطالب را بر دیگران برتری دهید که خداوند متعال آن حضرت را به دیگران برتری داده است،

و امامت او را بپذیرید که خداوند متعال او را به این مقام نصب فرموده است،

ای گروه مردم:

علی بن ابیطالب از طرف خداوند متعال امام است «خداوند متعال او را به امامت مسلمین منصوب فرموده است»،

بر خداوند متعال حتم است که با مُنکرین امامت و ولایت علی بن ابیطالب چنین معامله ای بکند،

و آن‌ها را به سختی عذاب نماید، عذابی شدید و همیشگی که انتها نداشته باشد،

ای مردم:

پرهیزید و بر حذر باشید از اینکه با علی بن ابیطالب مخالفت کنید که در این صورت وارد آتشی خواهید شد که هیمة و هیزم آن آتش خود مردم هستند «یعنی اهل جهنم» و سنگ‌های جهنم «اهل جهنم و سنگ‌های جهنم هیزم و هیمة جهنم می‌باشند» که خداوند متعال برای کافرین مهیا نموده است «مُنکرین امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام داخل آتش خواهند بود، و آن آتش آتشی است که خداوند متعال برای کافران مهیا نموده است».

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

فَضَّلُوا عَلِيًّا،

فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى، یعنی:

پیامبر اکرم فرمودند:

ای گروه مردم:

علی بن ابیطالب را به همه انسان‌ها فضیلت و برتری بدهید «آن حضرت را از همه انسان‌ها برتر و بالاتر بدانید» چرا که آن حضرت بعد از من افضل همه انسان‌ها

است، خواه مرد خواه زن.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَ أَفْهَمُوا آيَاتِهِ، وَ انظُرُوا إِلَى مُحْكَمَاتِهِ وَلَا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهُ،
فَوَاللَّهِ لَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ وَلَنْ يُوَضِّحَ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا الَّذِي أَنَا آخِذٌ بِيَدِهِ، وَ مُضْعِدُهُ إِلَيَّ
وَ شَائِلٌ بِعَضُدِهِ وَ مُعَلِّمُكُمْ أَنْ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، وَ هُوَ عَلِيٌّ بَنُ أَبِيطَالِبٍ أَخِي وَ
وَ صِيَّتِي، وَ مَوَالَاتُهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْزَلَهَا عَلَيَّ، یعنی:

پیامبر اکرم فرمودند:

ای گروه مردم:

در قرآن کریم «آیات شریفه قرآن کریم» تدبّر نمائید و آیات شریفه آن را بفهمید
و در مُحْكَمَاتِ آیات شریفه قرآن کریم نظر کنید و به دنبال متشابه آن نروید «ذیل
آیه هفتم سوره آل عمران راجع به مُحْكَمَاتِ و مُتَشَابِهَاتِ توضیحات نسبتاً کاملی
به عرض رسیده است»،

به خدا قسم:

هیچ کس نمی تواند باطن قرآن و حقایق و دقایق قرآن کریم را برای شما تفسیر
نموده و بیان کند مگر همین علی بن ابیطالب که من دست او را گرفته و او را بر روی
دست بلند کرده ام، و به شما اعلام می کنم که:

هر کس من مولا و صاحب اختیار او هستم این علی بن ابیطالب که دست او در
دست من می باشد مولا و صاحب اختیار اوست «تا فردا نگویند که مقصود پیامبر
اکرم علی بن ابیطالب دیگری بوده است»،

این علی بن ابیطالب که مولا و صاحب اختیار همه می باشد برادر من و وصی و
جانشین من می باشد، و ولایت او را «ولایت یعنی صاحب اختیار بودن - سرپرست
مردم بودن - رهبری تمام عیار و همه جانبه مادی و معنوی تمام انسان ها» خداوند
متعال بر من نازل فرموده است.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

إِنَّ عَلِيًّا وَالطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي هُمُ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ، وَالْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ، فَكُلُّ وَاحِدٍ مُنْبِئٌ عَنِ صَاحِبِهِ وَ مُوَافِقٌ لَهُ، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ، هُمْ أَمَنَاءُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ حُكْمَائِهِ فِي أَرْضِهِ، يَعْنِي:

پیامبر اکرم فرمودند:

ای گروه مردم:

علی بن ابیطالب و پاکان از فرزندانم از نسل او ثقل اصغر هستند و قرآن کریم ثقل اکبر که هر یک از این دو از دیگری خبر می دهد و موافق با او است «هر دو موید یکدیگرند».

آن‌ها «قرآن و اهل بیت من» هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا اینکه روز قیامت کنار حوض کوثر به من ملحق شوند.

بدانید که علی بن ابیطالب و اولاد طاهرینش «ائمّه علیهم السّلام» امین های خداوند متعال و حکام خداوند متعال «حاکمان خداوند متعال» در روی زمین هستند «فقط علی بن ابیطالب علیه السّلام و ائمّه معصومین علیهم السّلام حاکمان الهی هستند و حق حکومت بر مردم دارند، و غیر از آن ذوات مقدّسه حاکمان ظلم و جور می باشند».

پیامبر اکرم فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

أَلَا وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَالَ وَ أَنَا قُلْتُ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ،
أَلَا إِنَّهُ لَيْسَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرَ آخِي هَذَا، وَ لَا تَحِلُّ أَمْرَةُ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي لِأَحَدٍ غَيْرِهِ.
ثُمَّ ضَرَبَ بِيَدِهِ إِلَى عَضُدِهِ فَرَفَعَهُ، ثُمَّ قَالَ:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

هَذَا عَلِيُّ آخِي وَ وَصِيِّ وَ وَا عِي عَلِمِي وَ خَلِيفَتِي عَلَيَّ أُمَّتِي،
خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، يَعْنِي:

پیامبر اکرم فرمودند:

ای گروه مردم:

بدانید، هر چه که من گفتم همه و همه کلام خداوند متعال بود و من از جانب خداوند متعال گفتم و می گویم.

ای مردم بدانید که امیرالمؤمنین جز برادرم علی بن ابیطالب نیست که هم اکنون دست او در دست من است،

ای مردم جائز نیست به کسی جز علی بن ابیطالب امیرالمؤمنین گفته شود «غیر از علی بن ابیطالب که امیرالمؤمنین می باشد حرام است کسی خودش را امیرالمؤمنین بداند، یعنی هیچ کس جز آن حضرت نمی تواند خودش را امیرالمؤمنین بداند. انشاءالله تعالی در پایان خطبه شریفه پیامبر اکرم به عرض خواهد رسید که لقب امیرالمؤمنین از جانب خداوند متعال به علی بن ابیطالب علیه السلام اعطا شده است و غیر از آن حضرت هیچ کس حق ندارد لقب امیرالمؤمنین را برای خودش انتخاب نماید»،

سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دست مبارک خویش را دراز کرده و بازوی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را گرفته و فرمودند:
ای گروه مردم:

این علی بن ابیطالب «که هم اکنون دست او در دست من می باشد» برادر من، وصی من، دارنده و حافظ علم من و جانشین من بر اتمم می باشد.
علی بن ابیطالب خلیفه رسول الله است «جانشین و قائم مقام رسول الله است» و امیرالمؤمنین می باشد.

و جود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ،

إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ،

فَمَنْ لَمْ يَأْتَمْ بِهِ وَبِمَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ مِنْ وُلْدِي مَنْ صُلِّيَ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالْعَرْضِ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، فَأُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِهِمْ خَالِدُونَ، لَا يَخَفُّ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ، یعنی:

پیامبر اکرم فرمودند:

ای گروه مردم:

خداوند متعال دین شما را «دین اسلام را» با امامت علی بن ابیطالب کامل کرد «اشاره به آیه سوره مائده که ذیل آن آیه شریفه توضیحات لازم به عرض

رسیده است»، پس:

هر کس به علی بن ابیطالب و به جانشینان او که فرزندان من از صُلب او هستند «یعنی ائمه معصومین علیهم السّلام» اقتدا نکند و از آنها تبعیت و پیروی ننماید عملش حَبْطٌ و نابود خواهد شد و مخلّد در آتش جهنّم خواهد بود، یعنی جایگاه ابدی و همیشگی او جهنّم خواهد بود و هیچگونه تخفیفی در عذاب او داده نخواهد شد و به او نظر لطف افکنده نخواهد شد.

«ذیل آیه پنجم سوره مائده در رابطه با حَبْطِ اعمال، و ذیل آیه ۳۶ و ۳۷ سوره مائده در رابطه با موضوع خلود در جهنّم توضیحات کاملی ارائه شده است».

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ،

فَلَا تَحْسُدُوهُ فَتَحْبِطَ أَعْمَالُكُمْ وَتَزِلَّ أَقْدَامُكُمْ،

فَإِنَّ آدَمَ أَهْبَطَ إِلَى الْأَرْضِ بِخَطِيئَةٍ وَاحِدَةٍ، وَهُوَ صَفْوَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ،

فَكَيْفَ بِكُمْ وَأَنْتُمْ أَنْتُمْ، وَ مِنْكُمْ أَعْدَاءُ اللَّهِ، یعنی:

پیامبر اکرم فرمودند:

ای گروه مردم:

ابلیس، آدم را با حسد از بهشت بیرون کرد، بنابراین:

مبادا به علی بن ابیطالب حسادت بورزید که در این صورت اعمال شما حَبْطٌ و نابود خواهد شد و قدم‌های شما خواهد لغزید، یعنی از صراط مستقیم خارج خواهید شد و منحرف و گمراه خواهید گشت.

حضرت آدم به خاطر یک خطا از بهشت هبوط کرد «رانده شد» با اینکه برگزیده خدا بود تا چه رسد به شما که گروهی عبادالله هستید و گروهی اعداءالله می‌باشید.

ذیل آیه ۳۴ و ۳۵ و ۳۷ سوره بقره در رابطه با حضرت آدم و حوّا و نزدیک شدن آنها به شجره ممنوعه و خوردن از میوه شجره ممنوعه و هبوط از آنها از بهشت توضیحات کامل و مبسوطی ارائه شده است.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَ وِرَاثَةً فِي عَقْبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ،
وَقَدْ بَلَغْتُ مَا أُمِرْتُ بِتَنْبِيلِهِ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَغَائِبٍ، وَ عَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْلَمَ
يَشْهَدُ، وَوُلِدَ أَوْلَمَ يُوَلِّدُ، فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ، وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ،
وَسَيَجْعَلُونَهَا مُلْكًا وَ اغْتِصَابًا،

أَلَا لَعَنَ اللَّهُ الْغَاصِبِينَ الْمُغْتَصِبِينَ، یعنی:

پیامبر اکرم فرمودند:

ای گروه مردم:

من امامت را در ذریّه و نسل خودم تا روز قیامت در میان شما به امانت و وراثت باقی می گذارم «امامت را در اهل بیت خودم قرار دادم، و امامت ارث و امانت من است که به ذریّه ام داده ام».

من ابلاغ کردم آنچه را که مأمور به ابلاغ آن بودم تا حجّت باشد بر هر حاضر و غائبی و بر هر شاهد و غیرشاهدی «من هر آنچه گفتنی بود گفتم و مأموریتم را کاملاً به انجام رساندم تا برای هیچ کس چه حاضر چه غائب، چه آن ها که متولد شده اند و چه آیندگان، جای هیچ عذر و بهانه ای باقی نماند»، پس:
سفارشات مرا از الآن تا روز قیامت حاضرین به غائبین و پدران به فرزندان خویش برسانند و ابلاغ کنند.

بعد از من و به زودی عده ای امامت را ظالمانه غصب کرده و آن را به صورت سلطنت در خواهند آورد،

ای مردم بدانید که خداوند متعال غاصبین خلافت و امامت و کسانی را که به این عمل راضی باشند لعنت می کند «لعنت خدا بر غاصبین خلافت و امامت، و لعنت خدا بر کسانی که به غصب خلافت رضایت دهند».

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ، الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ، ثُمَّ عَلَيَّ مِنْ بَعْدِي، ثُمَّ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ أَيْمَةً

يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعدِلُونَ، یعنی:

پیامبر اکرم فرمودند:

ای گروه مردم:

من صراط مستقیم خداوند متعال هستم که خداوند متعال شما را به پیروی از آن امر فرموده است،

و بعد از من علی بن ابیطالب و پس از علی بن ابیطالب فرزندان من که از صُلب او هستند صراط مستقیم می باشند که امامان هدایت می باشند و مردم را به سوی حق دعوت می کنند «ذیل آیه ششم و هفتم سوره حمد در رابطه با صراط مستقیم توضیحات لازم ارائه شده است».

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

مَعاشِرَ النَّاسِ:

إِنِّي نَبِيٌّ وَ عَلِيٌّ وَصِيِّي،

أَلَا إِنَّ خَاتِمَ الْأَيِّمَةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ،

أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَي الدِّينِ،

أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ،

أَلَا إِنَّهُ الْمُدْرِكُ بِكُلِّ ثَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ،

أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِدينِ اللَّهِ،

أَلَا إِنَّهُ خَيْرَةُ اللَّهِ وَ مُخْتَارُهُ،

أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَ الْمُحِيطُ بِهِ،

أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً وَ لَا حُجَّةَ بَعْدَهُ، وَ لَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ، وَ لَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ،

أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَ لَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ،

أَلَا إِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حَكْمُهُ فِي خَلْقِهِ وَ أَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ، یعنی:

پیامبر اکرم فرمودند:

ای گروه مردم:

من نبی هستم «پیامبر خدا هستم» و علی بن ابیطالب وصی و جانشین من است، بدانید و آگاه باشید که خاتم امامان «آخرین امام معصوم» که حضرت مهدی قائم

می باشد از ما است «از فرزندان من است»،

بدانید و آگاه باشید که حضرت مهدی بر همه ادیان غلبه می کند و پیروز می شود، بدانید و آگاه باشید که حضرت مهدی از ظالمین انتقام خواهد گرفت «از همه ظالمین مخصوصاً کسانی که بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به اهل بیت آن حضرت ظلم نمودند»،

بدانید و آگاه باشید که حضرت مهدی علیه السلام انتقام خون اولیاء الله «دوستان خداوند متعال» را خواهد گرفت «ذیل آیه ۶۲ و ۶۳ و ۶۴ سوره یونس راجع به اولیاء الله توضیحات لازم ارائه شده است»،

بدانید و آگاه باشید که حضرت مهدی علیه السلام ناصر و یاور «یاری کننده» دین خداوند متعال است،

بدانید و آگاه باشید که حضرت مهدی علیه السلام برگزیده خداوند متعال و مَنَّخَب «انتخاب شده» خداوند متعال است،

بدانید و آگاه باشید که حضرت مهدی علیه السلام وارث علوم است «علم انبیاء و همه علوم دیگر» و محیط بر آنها است «بر آنها احاطه دارد»،

بدانید و آگاه باشید که حضرت مهدی علیه السلام حجت باقی خداوند متعال است و پس از او حجتی نیست «حضرت مهدی علیه السلام خاتم الاوصیاء می باشد و آخرین امام معصوم و آخرین حجت خداوند متعال است»،

حق تنها با حضرت مهدی علیه السلام است «در زیارت جامعه کبیره آمده که: الْحَقُّ مَعَكُمْ وَ فِيكُمْ وَ مِنْكُمْ وَ إِلَيْكُمْ، یعنی حق همراه شما، در شما، از شما و به سوی شما است، یعنی شما ذوات مقدسه معصومین علیهم السلام حق هستید و به هیچ وجه باطل در شما راه ندارد، چه در قول شما و چه در فعل شما زیرا حجت خداوند متعال و خلیفه خداوند متعال بر مخلوقات هستید و خداوند متعال مقام عصمت به شما اعطا فرموده، لذا باطل در قول و فعل شما راه ندارد، و به همین جهت است که امر شما امر خداوند متعال است و نهی شما نهی خداوند متعال، نه يك كلمه کم و نه يك كلمه زیاد، و به همین جهت است که اطاعت از شما اطاعت از خداوند متعال است و سرپیچی از دستورات شما

سرپیچی از دستورات خداوند متعال»،

و نور تنها نزد حضرت مهدی علیه السلام است «ائمّه علیه السلام انوار الهی هستند و همه آن ذوات مقدّسه از یک نور واحد می باشند، و چون حضرت مهدی علیه السلام خاتم اوصیاء می باشد و عدل و قسط را در تمام مناطق کره زمین بسط خواهد داد و ظلم و جور را ریشه کن خواهد نمود، لذا ممکن است ظهور نور الهی در آن حضرت کامل تر و روشن تر باشد»،

بدانید و آگاه باشید که حضرت مهدی علیه السلام همواره غالب و پیروز است و هیچ کس نمی تواند بر آن حضرت غلبه کند و او را شکست دهد،

بدانید و آگاه باشید که حضرت مهدی علیه السلام ولی خداوند متعال در زمین است و حاکم خداوند متعال در میان بندگان خدا می باشد، و خداوند متعال حضرت مهدی علیه السلام را به اسرار آفرینش خود آگاه ساخته است «ولی یعنی سرپرست و صاحب اختیار، لذا حضرت مهدی علیه السلام به امر خداوند متعال بر مردم ولایت دارد یعنی سرپرست و صاحب اختیار مردم می باشد و این ولایت را خداوند متعال به ذوات مقدّسه معصومین علیهم السلام اعطا فرموده است، و حکم بودن حضرت مهدی علیه السلام از ناحیه خداوند متعال است لذا آن حضرت هر چه حکم بفرمایند حکم خداوند متعال است و اقتضای حکمیت همین است».

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

أَلَا وَ إِنِّي عِنْدَ انْقِضَاءِ خُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ إِلَى مُصَافَقَتِي عَلَى بَيْعَتِهِ وَ الْإِقْرَارِ بِهِ، ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ

بَعْدِي،

أَلَا وَ إِنِّي قَدْ بَايَعْتُ اللَّهَ، وَ عَلَيَّ قَدْ بَايَعَنِي وَ أَنَا آخِذُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ، عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ:

فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ - «آیه دهم سوره فتح»، یعنی:

پیامبر اکرم فرمودند:

ای گروه مردم:

من پس از پایان خطبه ام شما را دعوت خواهم نمود تا به دست من با علی بن ابیطالب بیعت کنید (با من دست بدهید به عنوان بیعت با علی بن ابیطالب، و به عنوان اقرار

به امامت آن حضرت با من بیعت کنید»،

سپس همگی با علی بن ابیطالب دست بدهید و مستقیماً با او بیعت کنید و بیعت خویش را تکرار کنید «یعنی دوباره با علی بن ابیطالب علیه السلام بیعت کنید»، طبق آیه ۶۱ سوره آل عمران که به آیه مباهله معروف است علی بن ابیطالب به منزله نفس و جان پیامبر اکرم می باشد و در واقع به منزله خود پیامبر اکرم می باشد، و در حقیقت این دو حجّت خدا از یک نور واحد می باشند، گویا یک روح می باشند در دو بدن، لذا پیامبر اکرم فرمودند «به مسلمانانی که در غدیر خم بودند»: یک بار با دست من با علی بن ابیطالب بیعت کنید و عملاً به امامت آن حضرت اقرار نمائید، و یک بار نیز مستقیماً با علی بن ابیطالب دست بدهید و به طور مستقیم با آن حضرت بیعت نمائید.

سپس پیامبر اکرم فرمودند:

بدانید و آگاه باشید که:

من با خداوند متعال بیعت کرده ام «بیعت با خداوند متعال یعنی تعهّد اطاعت از خداوند متعال»،

و علی بن ابیطالب با من بیعت کرده است «تعهّد اطاعت از پیامبر اکرم»، و من از جانب خداوند متعال برای علی بن ابیطالب از شما مسلمانان بیعت می گیرم «تعهّد گرفتن از مسلمانان جهت اطاعت محض و بی قید شرط از علی بن ابیطالب علیه السلام به عنوان امام مسلمین»، و سپس پیامبر اکرم آیه دهم سوره مبارکه فتح را تلاوت فرمودند که خداوند متعال می فرماید:

هر کس نکث بیعت کند «پیمان شکنی نماید و به بیعت خویش با حجج خداوند متعال پایبند نباشد» به ضرر و زیان خودش پیمان شکنی و نقض عهد نموده است زیرا با این عمل خویش خودش را اهل جهنّم نموده است.

در رابطه با اینکه امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نفس و جان پیامبر اکرم می باشد و به منزله خود پیامبر اکرم است ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران توضیحاتی ارائه شده است، همچنین ذیل آیه دهم و هیجدهم سوره فتح در رابطه با موضوع بیعت مطالبی به عرض رسیده است.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

فَأَمَرْتُ أَنْ أَخَذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَالصَّفَقَةَ لَكُمْ بِقَبُولِ مَا جِئْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي عَلِيٍّ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْإِثْمَةَ مِنْ بَعْدِهِ... الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَ مِنْهُ أَيْمَةٌ قَائِمُهُمُ الْمَهْدِيُّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ
الَّذِي يَقْضَى بِالْحَقِّ، يَعْنِي:

پیامبر اکرم فرمودند:

ای گروه مردم:

من از جانب خداوند متعال مأمور شده‌ام تا از شما برای علی بن ابیطالب و امامان
پس از علی بن ابیطالب بیعت بگیرم، آن‌ها فرزندان من هستند از صُلب علی بن ابیطالب،
و آن‌ها تا روز قیامت امام هستند، و قائم آل محمد علیهم السّلام حضرت مهدی
آخرین آن‌ها است که در میان مردم به حق حُکم خواهد نمود.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ،
أَلَا وَ إِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ: أَنْ تَنْتَهَوْا إِلَى قَوْلِي وَتُبَلِّغُوهُ مَنْ لَمْ يَحْضُرْ،
وَ تَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ وَ تَنْهَوهُ عَنِ مُخَالَفَتِهِ، فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ مِنِّي، وَ لَا أَمْرَ بِمَعْرُوفٍ وَ لَا
نَهْيَ عَنِ مُنْكَرٍ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ مَعْصُومٍ، يَعْنِي:

پیامبر اکرم فرمودند:

ای گروه مردم:

اقامه نماز کنید «نماز را به پا دارید»،

زکات را بپردازید «زکات مال خود را بپردازید»،

امر به معروف کنید،

و نهی از منکر نمایید،

ای مردم:

بدانید و آگاه باشید که:

بالاترین امر به معروف «در رأس امر به معروف» آن است که:

سخنان مرا بفهمید و به آن توجّه نمائید و آن‌ها را به دیگران منتقل کنید «به کسانی که حاضر نیستند برسائید»،

و مردم را به قبول کردن و پذیرفتن سخنان من تشویق و ترغیب نمائید و آن‌ها را از مخالفت با سخنان من بر حذر دارید «با توجّه به اینکه محور فرمایشات پیامبر اکرم موضوع امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام بود لذا بالاترین امر به معروف یعنی رساندن فرمایشات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به مردم در رابطه با ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السلام، و به عبارت دیگر:

بالاترین امر به معروف تبلیغ و ترویج ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و یازده امام معصوم از نسل آن بزرگوار می باشد، همچنین بر حذر داشتن مردم از مخالفت با امامت و ولایت آن ذوات مقدّسه»، زیرا:

آنچه که به شما گفتم فرمایش خداوند متعال و دستور من است، و بدانید که امر به معروف و نهی از منکر بدون حضور امام معصوم تحقق نخواهد یافت «حکومتی که در رأس آن امام معصوم نباشد آن حکومت خودش مُنکر می باشد و بلکه در رأس منکرات می باشد، و در این صورت آیا حکومت مُنکر می تواند امر به معروف نماید، و آیا حکومتی که خودش منکر می باشد می تواند نهی از منکر نماید».

اگر حکومت مُنکر «حکومتی که در رأس آن غیر معصوم قرار گرفته» بخواهد امر به معروف نماید باید حکومت را به امام معصوم تحویل دهد که طبق فرمایش پیامبر اکرم بالاترین معروف می باشد،

و اگر حکومت مُنکر «حکومتی که امام معصوم در رأس آن نیست» بخواهد نهی از منکر نماید باید خودش را از حکومت عزل نماید چون خودش در رأس منکرات می باشد، بنابراین در جامعه‌ای که امام معصوم در رأس آن باشد ولو اینکه آن امام معصوم از نظرها غایب باشد، در چنین جامعه‌ای «جامعه معتقد به امامت امام معصوم» امر به معروف و نهی از منکر صورت می گیرد گرچه ممکن است کاملاً تحقق پیدا نکند.

با توجّه به اینکه امر به معروف و نهی از منکر از احکام لازم الاجراء دین مبین

اسلام است و از واجبات می‌باشد و ترک آن به هیچ‌وجه جایز نیست، و از طرف دیگر چون امر به معروف و نهی از منکر بدون حضور امام معصوم محقق نمی‌شود لذا این فرمایش پیامبر اکرم تأکید مجددی است بر حضور امام معصوم در رأس حکومت «و در زمان غیبت، فقیه جامع‌الشرايط به نیابت از ناحیه امام معصوم». وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

إِنَّكُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُصَافِقُونِي بِكَفٍّ وَاحِدَةٍ،

وَ قَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ أَخَذَ مِنَ السِّنِّتِكُمْ الْأَقْرَارَ بِمَا عَقَدْتُ لِعَلِّيٍّ مِنْ أَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ مَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَيْمَةِ مِنِّي وَ مِنْهُ عَلِيٌّ مَا أَعْلَمْتُمْكُمْ أَنْ ذُرِّيَّتِي مِنْ صَلْبِهِ، فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ: إِنَّا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُتَقَادُونَ لِمَا بَلَّغْتَ عَنْ رَبِّنَا وَ رَبِّكَ فِي أَمْرِ عَلِيٍّ وَ أَمْرِ وُلْدِهِ مِنْ صَلْبِهِ مِنَ الْأَيْمَةِ نُبَايَعُكَ عَلَى ذَلِكَ بِقُلُوبِنَا وَ أَنْفُسِنَا وَ السِّنِّتِنَا وَ أَيْدِينَا، عَلَى ذَلِكَ نُحْيِي وَ نَمُوتُ وَ نُبْعَثُ، وَ لَا نُغَيِّرُ وَ لَا نُبَدِّلُ وَ لَا نَشْكُ وَ لَا نَزْتَابُ وَ لَا نَرْجِعُ عَنْ عَهْدٍ وَ لَا نَنْقُضُ الْمِيثَاقَ وَ نُطِيعُ اللَّهَ وَ نُطِيعُكَ وَ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ وُلْدَهُ الْأَيْمَةَ الَّذِينَ ذَكَرْتَهُمْ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ صَلْبِهِ بَعْدَ الْحَسَنِ وَ الْخُسَيْنِ، يَعْنِي:

پیامبر اکرم فرمودند:

ای گروه مردم:

جمعیت شما بیش از آن است که بتوانید با من دست بدهید و بیعت کنید «بین هفتاد هزار تا یکصد و بیست هزار نفر مسلمان در غدیر خم در محضر مبارک پیامبر اکرم بودند و امکان نداشت که تک تک مسلمانان با آن حضرت دست بدهند و بدین طریق بیعت کنند»، لذا:

خداوند متعال به من دستور فرموده و مرا مأمور نموده تا از شما درباره امارت «امارت یعنی فرمانروایی، فرماندهی، امیر شدن، ولایت» و ولایت علی بن ابیطالب و امامان پس از او که فرزندان من و از صلب علی بن ابیطالب هستند اقرار زبانی بگیرم «اقرار و اعتراف زبانی به امامت علی بن ابیطالب علیه السلام و یازده امام معصوم از نسل آن حضرت».

سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ده‌ها هزار مسلمان حاضر در محلّ

غدیر خم را مورد خطاب قرار داده «روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری که آخرین سال و آخرین ماه‌های عمر مبارک پیامبر اکرم بود» و فرمودند:

همگی بگوئید:

یا رسول الله:

ما مسلمانان سخنان شما را شنیدیم،

همه ما گوش به فرمان و مطیع و منقاد و راضی به رضای خدا و رسول خدا هستیم،

و به آنچه از طرف خداوند متعال درباره علی بن ابیطالب به ما ابلاغ فرمودی و آن حضرت و اولاد آن حضرت را به امر خداوند متعال به امامت مسلمین منصوب فرمودی رضایت داریم و در این رابطه با قلب و جان و زبان و دست خویش با تو بیعت می‌کنیم، و با این عقیده «اعتقاد به امامت علی بن ابیطالب علیه‌السلام و یازده امام معصوم از نسل آن حضرت» زندگی می‌کنیم، می‌میریم، و روز قیامت با آن محشور می‌شویم،

و هیچگونه تغییر و تبدیلی در آن نخواهیم داد،

و هیچگونه شک و شبهه‌ای در ما به وجود نخواهد آمد،

و هرگز از عهد و پیمانی که امروز با خدا و رسول خدا بستیم «در رابطه با پذیرش امامت و ولایت علی بن ابیطالب علیه‌السلام و یازده امام معصوم از نسل آن حضرت» بر نخواهیم گشت،

و برای همیشه مطیع و فرمانبردار خداوند متعال و شما «پیامبر اکرم» و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و حسن و حسین و دیگر ائمه که از فرزندان تو و از صلب علی بن ابیطالب هستند خواهیم بود «برای همیشه مطیع و فرمانبردار خداوند متعال و پیامبر اکرم و علی بن ابیطالب و یازده امام معصوم از نسل آن دو بزرگوار خواهیم بود».

پس از این اعتراف و اقرار مسلمانان و پس از این بیعت زبانی مسلمانان، پیامبر اکرم فرمودند:

الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ،

وَ اتَّهَمَا الْاِمَامَانِ بَعْدَ اَبِيهِمَا عَلِيًّا،
وَ اَنَا اَبُوهُمَا قَبْلَهُ، يَعْنِي:

حسن و حسین سیّد و سرور جوانان اهل بهشت هستند،
حسن و حسین پس از پدرشان علی بن ابیطالب امام هستند،
و قبل از علی بن ابیطالب، من «پیامبر اکرم» پدر حسن و حسین می باشم «بارها
و بارها پیامبر اکرم فرموده اند: حسن و حسین فرزندان من هستند از صُلب
علی بن ابیطالب، همچنین بارها و بارها فرموده اند که: ذریه و نسل هر پیامبری از
صُلبش می باشد اما ذریه و نسل من از صُلب علی بن ابیطالب است».
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم مجدداً دهها هزار مسلمان حاضر در محلّ
غدیر خم را در این روز تاریخی و سرنوشت ساز «روز هیجدهم ذیحجه سال دهم
هجری هنگام مراجعت از مکه به مدینه» مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

قُولُوا:

اَطَعْنَا اللَّهَ بِذَلِكَ وَ اِيَّاكَ وَ عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْاَيْمَةَ الَّذِيْنَ ذَكَرْتَ عَهْدًا وَ مِيثَاقًا
مَأْخُوذًا لِاِمْرِئِ الْمُؤْمِنِيْنَ مِنْ قُلُوْبِنَا وَ اَنْفُسِنَا وَ السِّنِّيْنَا وَ مُصَافَقَةً اَيْدِيْنَا،
وَ لَا نَنْتَعِيْ بِذَلِكَ بَدَلًا وَ لَا نَرَى مِنْ اَنْفُسِنَا عَنْهُ حَوْلًا اَبَدًا،
اَشْهَدُنَا اللَّهَ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا، يَعْنِي:

پیامبر اکرم فرمودند:

ای مسلمانان بگوئید:

اطاعت می کنیم خدا و رسول خدا و علی بن ابیطالب و حسن و حسین و امامان
بعد از علی و بعد از حسن و حسین را که برای ما بیان فرمودی،
و با قلب و جان و زبان و دست خودمان بر این عهد و پیمان استوار هستیم و
هرگز آن را تغییر نخواهیم داد و هیچگونه کراهت و ناراحتی در دل نداریم،
و خداوند متعال را بر این امر شاهد می گیریم، و خداوند متعال برای شاهد بودن
کافی است.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ كُلَّ صَوْتٍ وَخَافِيَةٍ كُلِّ نَفْسٍ، «فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ، وَمَنْ ضَلَّٰ فَاِنَّمَا يَضِلُّ عَلَیْهَا - آیه ۴۱ سوره زمر»،

وَمَنْ بَايَعَ فَاِنَّمَا يُبَايِعُ اللَّهَ، «يُدَاللهِ فَوْقَ اَيْدِيهِمْ - آیه ۱۰ سوره فتح»، یعنی:
پیامبر اکرم فرمودند:

ای مردم:

خداوند متعال از آنچه که بر قلب و زبان شما می گذرد آگاه است «این فرمایش پیامبر اکرم به این خاطر بود تا منافقینی که بین امت اسلام بودند و در محل غدیر خم نیز حضور داشتند و فرائض و واجبات را نیز انجام می دادند و به سفر حج نیز می رفتند لیکن باطناً به خدا و رسول اعتقادی نداشتند و مترصد فرصتی بودند تا قدرت را به دست بگیرند، خیال نکنند که خداوند متعال از قلوب آنها خبر ندارد»،

سپس پیامبر اکرم آیه ۴۱ سوره زمر را تلاوت کردند که می فرماید:

هر کس راه هدایت را در پیش بگیرد نفعش به خود او خواهد رسید، و هر کس قدم در راه ضلالت و گمراهی بگذارد ضرر و زیانش فقط به خود او خواهد رسید «هر کس امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و یازده امام معصوم از نسل آن بزرگوار را بپذیرد و از آن ذوات مقدسه پیروی و تبعیت نماید نفعش به خود او خواهد رسید یعنی وارد بهشت خواهد شد و متنعم به انواع نعمات بهشتی خواهد شد، و هر کس از پذیرش امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام امتناع نماید ضرر و زیانش فقط به خود او خواهد رسید، یعنی وارد جهنم خواهد شد و جهنم جایگاه ابدی او خواهد بود».

سپس پیامبر اکرم فرمودند:

هر کس بیعت نماید مانند آن است که با خداوند متعال بیعت نموده است «هر کس با علی بن ابیطالب علیه السلام بیعت نماید مانند آن است که با خداوند متعال بیعت نموده است»، آنگاه پیامبر اکرم آیه دهم سوره فتح را تلاوت فرمودند که می فرماید:

دست خداوند متعال «کنایه از قدرت خداوند متعال» بالای تمام دستها می باشد.

إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ...، یعنی:

ای پیامبر:

هر کس با تو بیعت کند در حقیقت با خداوند متعال بیعت نموده است.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَبَايِعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحُسَيْنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْإِمَّةَ كَلِمَةً طَيِّبَةً بَاقِيَةً،

يُهْلِكُ اللَّهُ مَنْ عَدَرَ، وَيَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ وَفَى، یعنی:

پیامبر اکرم فرمودند:

ای گروه مردم:

تقوا پیشه کنید و از خدا بترسید «بترسید از خدا از اینکه امامت علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام را انکار کنید و با آن ذوات مقدّسه مخالفت نمائید»،

ای گروه مردم:

با علی بن ابیطالب که امیرالمؤمنین است «امیر = فرمانده، فرمانروا، حاکم» و با حسن و حسین و امامان بعد از آنها که کلمه طیبه باقیه هستند بیعت نمائید «به عنوان ائمه ای که امامت تا روز قیامت در نسل آن بزرگواران باقی است»،

و بدانید که خداوند متعال پیمان شکنان را هلاک می کند،

و وفاداران را «کسانی که به بیعت خویش با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام وفادار بمانند و پیمان شکنی نکنند» مشمول رحمت و اسعه خویش قرار می دهد.

قابل ذکر است که در قرآن کریم کلمه به انبیاء الهی اطلاق شده و از آنها به عنوان کلمه یاد شده است نه اینکه مقصود از کلمه در تمام آیات شریفه قرآن کریم انبیاء می باشند».

مثلاً در آیه ۴۵ سوره آل عمران خداوند متعال می فرماید:

إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ...،

یعنی:

ملائکه به حضرت مریم گفتند:

ای مریم، خداوند متعال تو را به کلمه‌ای «وجود با عظمتی» از طرف خودش بشارت می‌دهد که نام او عیسی بن مریم می‌باشد، لذا:
 ائمه معصومین علیهم السّلام کلمه‌الله می‌باشند، و مقصود از کلمه طیبه در این فرمایش پیامبر اکرم که ملاحظه فرمودید ائمه معصومین علیهم السّلام هستند که تا روز قیامت امامت دارند و بر همه مردم ولایت دارند.
 ذیل آیه سی و هفتم سوره بقره در رابطه کلمه و کلمات مطالبی به عرض رسیده است.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

سَلِّمُوا عَلَيَّ بِأَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ،

وَ قَوْلُوا،

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ - آیه ۴۳ سوره اعراف»

یعنی:

پیامبر اکرم فرمودند:

ای مردم:

۱. به علی بن ابیطالب به عنوان امیرالمؤمنین «حاکم مؤمنین - فرمانروای مومنین»

سلام بدهید؛

۲. تسلیم محض علی بن ابیطالب باشید و مطیع دستورات او باشید زیرا

علی بن ابیطالب امیرالمؤمنین است «هر دو معنی فوق برای جمله سَلِّمُوا عَلَيَّ بِأَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ درست می‌باشد و علما هر دو را ذکر کرده‌اند»

پیامبر اکرم فرمودند:

ای مردم، بگوئید:

حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که ما را به این راه راست و به این صراط مستقیم هدایت فرمود «هدایت به طرف پذیرش نعمت امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام» که متضمّن سعادت دنیا و آخرت ما می‌باشد، و اگر

خداوند متعال ما را به این راه راست هدایت نمی فرمود هرگز هدایت نمی شدیم.
ذیل آیه ۴۳ سوره اعراف توضیحاتی در این رابطه به عرض رسیده است.
انشاءالله تعالی در پایان خطبه نورانی غدیریّه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به عرض خواهد رسید که:

لقب امیرالمؤمنین مختص به علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد و این لقب را خداوند متعال فقط و فقط به علی بن ابیطالب علیه السلام اختصاص داده است و برای هیچ کس از زمان حیات پیامبر اکرم تا روز قیامت جایز نیست که لقب امیرالمؤمنین را برای خودش انتخاب نماید حتی ائمه معصومین علیهم السلام «از امام مجتبی سلام الله علیه تا امام زمان علیه السلام»،

حتی وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که اشرف انبیاء و مرسلین می باشد به عنوان امیرالمؤمنین و با لقب امیرالمؤمنین مخاطب واقع نشده اند و لقب امیرالمؤمنین به آن بزرگوار اطلاق نشده است،

گرچه آن ذوات مقدّسه نیز بر تمام مردم امامت و ولایت داشته و فرمانروا و حاکم انسان ها بوده اند و اطاعت از آن ها بر همه مردم واجب بوده است، لیکن لفظ امیرالمؤمنین و لقب امیرالمؤمنین فقط و فقط اختصاص به وجود مقدّس علی بن ابیطالب علیه السلام دارد و لاغیر.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

إِنَّ فُضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ قَدْ أَنْزَلَهَا فِي الْقُرْآنِ أَكْثَرَ مِنْ أَنْ أُحْصِيهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَمَنْ أَنْبَأَكُمْ بِهَا وَ عَرَفَهَا فَصَدِّقُوهُ،

پیامبر اکرم فرمودند:

ای گروه مردم:

فضائل و مناقب علی بن ابیطالب «علیه السلام» که خداوند متعال در قرآن کریم به آن ها اشاره فرموده بیش از آن است که من بتوانم در یک جلسه و یک مجلس برای شما بیان کنم، بنابراین:

هر کس شما را از آن فضائل آگاه سازد و آن را بشناسد او را تصدیق نمائید «هر

کس شما را از فضائل علی بن ابیطالب که در قرآن کریم آمده آشنا نماید و آن فضائل را برای شما بیان کند سخنان او را قبول کنید و بپذیرید».

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

مَنْ يُطِيعُ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ عَلِيًّا وَ الْاِئِمَّةَ الَّذِيْنَ ذَكَرْتَهُمْ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيْمًا، يَعْنِي:

پیامبر اکرم فرمودند:

ای مردم:

هر کس از خدا و رسول خدا «خداوند متعال و پیامبر اکرم» و علی بن ابیطالب و ائمه ای که ذکر کردم و بیان نمودم «یعنی امام حسن و امام حسین و نه امام معصوم از فرزندان امام حسین علیهم السلام که آخرین آنها قائم آل محمد حضرت مهدی علیه السلام می باشد» اطاعت و پیروی نماید به فوز عظیم «رستگاری و کامیابی بزرگ» نائل شده است «این فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اشاره به آیه ۵۹ سوره نساء دارد که خداوند متعال می فرماید: أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ اُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ».

ذیل این آیه شریفه توضیحات کاملی راجع به اُولی الْأَمْرِ ارائه شده است.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

السَّابِقُونَ اِلَى مُبَايَعَتِهِ وَ مُوَالَاتِهِ وَ التَّسْلِيمِ عَلَيْهِ بِاَمْرَةِ الْمُؤْمِنِيْنَ، اُولَيْكَ هُمُ الْفَائِزُونَ فِي

جَنَاتِ النَّعِيْمِ، يَعْنِي:

پیامبر اکرم فرمودند:

ای مردم:

سبقت گیرندگان به بیعت با علی بن ابیطالب و سبقت گیرندگان در پذیرش امامت و ولایت آن حضرت و تسلیم شوندگان «اطاعت کنندگان» به آن حضرت به این سبب که او امیر المؤمنین می باشد فائز و رستگارانند «آنها همان رستگارانند، یعنی فقط آنها رستگار هستند» و در بهشت از نعمات جاوید بهشتی بهره مند می شوند. ذیل آیه بیستم سوره حشر حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به

عرض رسیده که آن حضرت با دست مبارک خویش به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام اشاره نموده و فرمودند:

وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ هَذَا وَشِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، يَعْنِي:

قسم به خداوندی که جانم در دست او است این مرد «علی بن ابیطالب» و شیعیانش در روز قیامت فائز و رستگار می باشند.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در انتهای فرمایشات خویش و در پایان این خطبه نورانی فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

قُولُوا مَا يَرْضَى اللَّهُ بِهِ عَنْكُمْ مِنَ الْقَوْلِ، فَإِنَّ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهُ شَيْئًا،

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ اغْضِبْ عَلَى الْكَافِرِينَ،

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، يَعْنِي:

پیامبر اکرم فرمودند:

ای مردم:

بگوئید آنچه را که رضای خداوند متعال در آن است «سخنی بگوئید که خداوند متعال به خاطر آن از شما راضی و خشنود شود»،

و اگر شما و همه مردم روی زمین کافر شوند و از دستورات خداوند متعال سرپیچی کنند به خداوند متعال ضرر و زیانی نمی رسانند بلکه ضرر و زیان آن به خودشان بازمی گردد «اگر از دستورات خداوند متعال در رابطه با امامت و ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام و امام حسن و امام حسین و نه امام معصوم از فرزندان امام حسین علیهم السلام سرپیچی کنند و از پذیرش امامت آن ذوات مقدسه که پیامبر اکرم آن را ابلاغ فرموده امتناع نمایند با این کفران خویش و با این عمل خویش به خداوند متعال ضرر و زیانی نمی رسانند بلکه ضرر و زیان آن به خودشان بازمی گردد».

آنگاه پیامبر اکرم به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

مؤمنین را ببخش و پیامرز مومنین یعنی کسانی که خداوند متعال را به یگانگی می‌شناسند و به نبوت و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و به امامت دوازده امام معصوم که اول آنها علی بن ابیطالب و آخرین آنها حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد ایمان دارند و از آن ذوات مقدسه تبعیت و پیروی می‌کنند»،

و بر کافران غضب کن و به آنها خشم بگیر،

و حمد و سپاس و ستایش مخصوص خداوند عالم می‌باشد.

پس از پایان فرمایشات پیامبر اکرم و پس از پایان این خطبه شریف که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری و هنگام مراجعت از مکه به مدینه در محل غدیر خم و در حضور هزاران نفر از مسلمانان «تعداد مسلمان حاضر در غدیر خم هفتاد هزار تا یکصد و بیست هزار نفر عنوان شده است» ایراد فرمودند همه جمعیت یکصدا بانگ برآوردند که:

سَمِعْنَا وَ اطَّعْنَا عَلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ وَ أَمْرِ رَسُولِهِ بِقُلُوبِنَا وَ أَلْسِنَتِنَا، وَ تَدَاكُؤًا عَلَىٰ رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلَىٰ عَلِيٍّ فَصَافَقُوا بِأَيْدِيهِمْ،

فَكَانَ أَوَّلَ مَنْ صَافَقَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، الْأَوَّلَ وَ الثَّانِي وَ الثَّلَاثَ وَ باقی الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارَ وَ باقی النَّاسِ،

وَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ يَقُولُ كُلَّمَا بَايَعَ قَوْمٌ:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَىٰ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ، یعنی:

همه جمعیت یکصدا بانگ برآوردند که :

یا رسول الله:

فرمایشات شما را شنیدیم،

و با قلب و جان و دست‌هایمان از خدا و رسولش اطاعت خواهیم نمود،
 آنگاه جمعیت به طرف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام هجوم آورده و با آن دو بزرگوار دست داده و بیعت نمودند.

اولین کسی که بیعت کرد ابوبکر بود،

بعد از ابوبکر، عمر بن خطاب بیعت نمود،

و بعد از عمر بن خطاب، عثمان بن عفان بیت کرد،
و پس از آن‌ها نوبت به مهاجرین و انصار رسید،
و سپس سایر مسلمانان با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام بیعت نمودند.
بیعت مسلمانان با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام در محلّ غدیر خم
سه روز ادامه داشت و طیّ آن مسلمانان با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام
دست داده و با آن حضرت بیعت می‌کردند، و هر بار که عده‌ای خدمت امیرالمؤمنین
علی بن ابیطالب علیه‌السلام آمده و با آن حضرت بیعت می‌کردند پیامبر اکرم صلی
الله علیه و آله و سلم می‌فرمود:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى جَمِيعِ الْعَالَمِينَ، یعنی:

حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که ما را «وجود مقدّس چهارده معصوم
علیهم‌السلام» به تمام مردم عالم فضیلت و برتری داد.^۱

توضیح:

الف) وقتی که امر امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام از
جانب خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد آن حضرت
به ابوبکر و عمر فرمود:

قُومًا وَ سَلَمًا عَلَى عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ بِأَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ، یعنی:

برخیزید و با عنوان امیرالمؤمنین به علی بن ابیطالب علیه‌السلام سلام کنید «به
عنوان اینکه علی بن ابیطالب علیه‌السلام امیر و حاکم مؤمنین است و به همه مؤمنین
ولایت دارد به آن حضرت سلام کنید و با او به عنوان امام مسلمین و امیر مؤمنین
بیعت نمایید».

ابوبکر و عمر به پیامبر اکرم عرض کردند:

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج پیامبر اکرم در غدیر خم، صفحه ۱۱۸ تا ۱۴۶، حدیث ۳۲.

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۴۴۲ تا ۴۵۷.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۵۴۲ تا ۵۶۲، حدیث ۹، «ذیل آیه سوم سوره مائده».

شرح خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم، تألیف آیت‌الله سیّد محمدتقی نقوی

خطابه غدیر، تألیف محمدباقر انصاری.

یا رسول الله:

أَمِنَ اللَّهُ أَوْ مِنْ رَسُولِهِ، یعنی:

یا رسول الله:

اینکه به علی بن ابیطالب به عنوان امیرالمؤمنین سلام بدهیم آیا این موضوع دستور خداوند متعال است یا از جانب خود شما است.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به ابوبکر و عمر فرمود:
مِنَ اللَّهِ وَ مِنْ رَسُولِهِ، یعنی:

از جانب خداوند متعال و رسولش «پیامبر اکرم» می باشد، یعنی:

موضوع امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و لزوم سلام کردن مردم به آن حضرت به عنوان امام مسلمین و امیر مؤمنین دستور خداوند متعال است که پیامبر اکرم آن را به مردم ابلاغ می فرماید، لذا:

هر آنچه که پیامبر اکرم می فرماید امر و دستور خداوند متعال است و به همین جهت است که امر آن حضرت امر خداوند متعال است و نهی آن حضرت نهی خداوند متعال می باشد، و به همین لحاظ:

اطاعت از آن حضرت اطاعت از خداوند متعال است، و سرپیچی از دستورات آن حضرت سرپیچی از دستورات خداوند متعال می باشد.

ائمه معصومین علیهم السلام نیز دقیقاً همین وضع را دارند زیرا حجت خداوند متعال بر مخلوقات بوده و منصوب از ناحیه خداوند متعال هستند، لذا هنگام زیارت هر کدام از آن ذوات مقدسه در زیارت جامعه کبیره که از ناحیه وجود مقدس امام هادی علیه السلام صادر شده به محضر آن بزرگواران عرض می کنیم:

مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ،

وَ مَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، یعنی:

هر کس از شما اطاعت نماید از خداوند متعال اطاعت نموده است،

و هر کس از شما نافرمانی کند «از دستورات شما سرپیچی کند» از خداوند متعال

نافرمانی نموده است «از دستورات خداوند متعال سرپیچی نموده است».

پس از این سؤال ابوبکر و عمر از پیامبر اکرم و پس از بیعت آنها با امیرالمؤمنین

علی بن ابیطالب علیه السلام بود که خداوند متعال آیه ۹۱ سوره نحل را نازل نموده و فرمودند:

وَ أَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ، وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا، وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا، إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ، یعنی:

هنگامی که با خداوند متعال عهد و پیمانی بستند به عهد و پیمان خویش وفا کنید،

و سوگندهای خودتان را بعد از تأکید نقض نکنید در حالی که به نام خدا سوگند یاد کرده‌اید و خداوند متعال را کفیل و ضامن سوگند خودتان قرار داده‌اید، به درستی که خداوند متعال از تمام اعمال شما آگاه است. ذیل آیه ۹۱، ۹۲، ۹۳ و ۹۴ سوره نحل توضیحات کاملی ارائه شده است.^۱

ب) اختصاص داشتن لقب امیرالمؤمنین به علی بن ابیطالب علیه السلام ملاحظه فرمودید که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روز هجدهم ذیحجه سال دهم هجری و در محل غدیر خم به دستور خداوند متعال امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را به عنوان وصی و جانشین خویش و به عنوان امام مسلمین معرفی و منصوب فرمودند. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در قسمتی از بیانات نورانی خویش فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

أَلَا وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَالَ وَ أَنَا قُلْتُ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ:

أَلَا إِنَّهُ لَيْسَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرَ أَخِي هَذَا:

وَ لَا تَحِلُّ أَمْرَةُ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي لِأَحَدٍ غَيْرِهِ، یعنی:

ای مردم:

بدانید و آگاه باشید که:

خداوند متعال می فرماید و من از جانب خداوند متعال می گویم:

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۵۲ و ۵۳، حدیث ۱ «حدیث ۷۵۷».

امیرالمؤمنینی غیر از برادر م علی بن ابیطالب نیست و جایز نیست به کسی جز علی بن ابیطالب امیرالمؤمنین گفته شود، همچنین:

امارت بر مؤمنین «حکومت بر مؤمنین و امامت بر مؤمنین» بعد از من بر هیچ کس جایز نیست مگر بر علی بن ابیطالب علیه السلام، و سپس در ادامه فرمایشات خویش فرمودند:

هَذَا عَلِيٌّ أَخِي وَوَصِيِّ وَوَعِيِّ عِلْمِي وَخَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي، خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَامِيرُ الْمُؤْمِنِينَ. ملاحظه فرمودید که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این بیان نورانی خویش تصریح فرمودند که:

لقب امیرالمؤمنین فقط و فقط مختص به وجود مبارک علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد و لاغیر، چه در زمان حیات پیامبر اکرم و چه بعد از رحلت آن بزرگوار تا روز قیامت، و این لقب را «لقب امیرالمؤمنین را» خداوند متعال به علی بن ابیطالب علیه السلام اختصاص داده است.

مرحوم محدث بحرانی اعلی الله مقامه الشریف در کتاب غایة المرام سی و هشت حدیث از طریق شیعه و چهل و دو حدیث از طریق اهل سنت نقل نموده که لقب امیرالمؤمنین از جانب خداوند متعال به علی بن ابیطالب علیه السلام اختصاص یافته و مختص به آن حضرت می باشد، و وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در زمان حیات خویش به مردم امر فرمودند تا علی بن ابیطالب علیه السلام را با لقب امیرالمؤمنین صدا بزنند.^۱

فقط به یک حدیث شریف که از ناحیه وجود مقدس امام صادق علیه السلام صادر شده اشاره می شود.

مردی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد که آیا به امام قائم حضرت مهدی علیه السلام به عنوان امیرالمؤمنین و با لقب امیرالمؤمنین سلام داده می شود. وجود مقدس امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال آن مرد فرمودند: خیر، زیرا:

خداوند متعال لقب امیرالمؤمنین را فقط و فقط به علی بن ابیطالب علیه السلام

۱. شرح خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۲۲۳ تا ۲۳۴.

اختصاص داده است، و سپس امام صادق علیه السلام در رابطه با اختصاص یافتن لقب امیرالمؤمنین به وجود مبارک علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

لَمْ يُسَمَّ بِهِ أَحَدٌ قَبْلَهُ وَلَا يُتَسَمَّى بِهِ بَعْدَهُ إِلَّا كَافِرٌ، یعنی:

قبل از علی بن ابیطالب علیه السلام کسی امیرالمؤمنین نامیده نشده و این لقب را نداشته، و بعد از علی بن ابیطالب علیه السلام نیز هیچ کس لقب امیرالمؤمنین را بر خودش نخواهد گذاشت مگر اینکه آن شخص کافر باشد «یعنی غیر از علی بن ابیطالب علیه السلام هر کس لقب امیرالمؤمنین را برای خودش انتخاب نماید کافر است گرچه ظاهراً مسلمان باشد و شهادتین را بر زبان خویش جاری سازد». فرد سؤال کننده به امام صادق علیه السلام عرض کرد:

یا بن رسول الله:

پس به امام قائم «امام زمان سلام الله علیه» چگونه باید سلام داد.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

به امام قائم علیه السلام اینگونه سلام داده می شود:

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ.

ذیل آیه ۸۶ سوره هود در این رابطه توضیحاتی ارائه شده است.^۱

ج) وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

هنگامی که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری در محل غدیر خم وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را به دستور خداوند متعال به جانشینی خویش و به امامت مسلمین منصوب نموده و فرمودند:

«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ، یعنی: هر کس که من مولا و سرپرست و صاحب

اختیار او هستم امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام مولا و سرپرست و صاحب اختیار او می باشد»،

چیزی نگذشت که این خبر در همه شهرها و بلاد پخش و منتشر شد.

۱. اصول کافی، جلد دوم، باب نادر، صفحه ۲۷۵، حدیث ۲ «حدیث ۱۰۷۷».

فردی به نام نعمان بن حارث فهري که این خبر را شنیده بود خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شرفیاب شد و به آن حضرت عرض کرد:
یا رسول الله:

به ما دستور دادی که لا إله إلا الله بگوئیم «شهادت دادن به یگانگی خداوند متعال»
ما اطاعت کردیم و پذیرفتیم،

به ما دستور دادی که به نبوت و رسالت تو ایمان بیاوریم و شهادت دهیم که تو
رسول خدا هستی ما اطاعت کردیم و پذیرفتیم،

به ما دستور جهاد، حج، نماز، روزه و زکات دادی ما اطاعت کردیم و پذیرفتیم،
ما تمام دستورات تو را اطاعت کردیم لیکن شما به اینها راضی نشدی «به
اینها بسنده نکردی» تا اینکه این جوان را «اشاره به وجود مبارک امیرالمؤمنین
علی بن ابیطالب علیه السلام که در آن زمان یعنی زمانی که در غدیر خم به امامت
مسلمین منصوب شدند حدود سی و سه سال سن داشتند» به جانشینی خودت
منصوب کرده و فرمودی:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ.

نعمان بن حارث فهري در ادامه صحبت خویش به پیامبر اکرم عرض کرد:
یا رسول الله:

آیا انتصاب علی بن ابیطالب به عنوان وصی و جانشین خودت از جانب خداوند
متعال می باشد و دستور خداوند متعال است یا از ناحیه خود شما می باشد.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:
قسم به خدایی که جز او خدایی نیست این کار از طرف خداوند متعال می باشد
و به دستور خداوند متعال صورت گرفت.

نعمان بن حارث فهري پس از شنیدن فرمایشات پیامبر اکرم از آن حضرت روی
برگردانده و این چنین گفت:

اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ، فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَابَةً مِنَ السَّمَاءِ، يَعْنِي:

خداوندا:

اگر این سخن حق است و از ناحیه تو می باشد «انتصاب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب

علیه السلام به عنوان وصی و جانشین پیامبر اکرم» سنگی از آسمان بر ما باران. همین که سخن نعمان بن حارث فهری به پایان رسید بلافاصله به دستور خداوند متعال سنگی از آسمان بر سرش فرود آمد و او را فوراً به هلاکت رساند و در همین جا بود که خداوند متعال آیات سوره معارج را نازل نموده و فرمود:

سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَقَعِ «آیه ۱»، یعنی:

فردی از خداوند متعال تقاضای عذاب کرد و عذاب نیز نازل شد.

لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ «آیه ۲»، یعنی:

این عذاب مخصوص کافرین است و هیچ کس نمی تواند آن را دفع کند.

مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ «آیه ۳»، یعنی:

این عذاب از سوی خداوند صاحب مقامات و درجات می باشد.

قابل ذکر است که سی نفر از علمای معروف اهل تسنن این قضیه را در کتاب های خویش ذکر نموده اند.

ذیل آیات اول تا سوم سوره معارج در این رابطه توضیحات بیشتری به عرض رسیده است.^۱

د) وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قبل از غدیر خم «روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری» نیز موضوع جانشینی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و خلافت بلافصل آن حضرت و امامت آن بزرگوار را بارها و بارها اعلام فرموده بود که ذیلاً به نمونه هایی از آنها اشاره می شود.

قابل ذکر است که اعلام و ابلاغ ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در روز غدیر «هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری» چند ویژگی و

۱. مجمع البیان، جلد بیست و پنجم، صفحه ۲۹۸ - ۲۹۹.

المیزان، جلد سی و نهم، صفحه ۱۳۶، ۱۳۷ «ذیل آیات سوره معارج».

المیزان، جلد یازدهم، صفحه ۹۸ «بحث روایتی ذیل آیه ۶۷ سوره مائده».

تفسیر نمونه، جلد بیست و پنجم، صفحه ۱۷ و ۱۸.

تفسیر برهان، جلد نهم، صفحه ۱۹۸ - ۲۰۰ - ۲۰۱، حدیث ۷ و ۱۰ و ۱۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد هفتم، صفحه ۸۳۹، حدیث ۴ «حدیث ۱۲۰۱۱».

خصوصیت داشت که ملاحظه می‌فرمائید.

یکی از ویژگی‌ها این است که:

ابلاغ امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام در محل غدیر خم در حضور ده‌ها هزار نفر صورت گرفت «تا یکصد و بیست هزار نفر نیز گفته شده».

دومین ویژگی این است که:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در محل غدیر خم خطبه مفصلی ایراد فرموده و ضمن بیان فضائل و مناقب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام آن حضرت را به امامت مسلمین منصوب فرمودند.

ویژگی دیگر اینکه این واقعه مهم و عظیم در آخرین ماه‌های عمر مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم صورت گرفته است، ویژگی آخر اینکه این بار پیامبر اکرم پس از ابلاغ امامت حضرت امیر علیه‌السلام به مسلمانان دستور دادند تا با آن حضرت بیعت کنند.

همانطور که عرض شد پیامبر اکرم قبل از واقعه غدیر خم نیز بارها و بارها موضوع امامت و خلافت بلافصل امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام را به مسلمانان اعلام فرموده بود که به تعدادی از آنها اشاره می‌شود

۱. وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

وقتی که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام طفل دو سه روزه‌ای بودند در آغوش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به پیامبر اکرم اینگونه سلام دادند:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام پس از عرض سلام خدمت پیامبر اکرم، شروع به تلاوت آیات شریفه سوره مؤمنون نموده و این آیات شریفه را تلاوت نمودند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ «آیه ۱».

الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ «آیه ۲».

وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مَعْرُضُونَ «آیه ۳» تا آیه یازدهم این سوره که می‌فرماید:

الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ «آیه ۱۱».

پس از اینکه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام این آیات شریفه را در محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تلاوت نمودند، وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام که در آن زمان طفل دو سه روزه‌ای بود فرمودند:

يا عَلِيُّ:

قَدْ أَفْلَحُوا بِكَ،

أَنْتَ وَاللَّهِ أَمِيرُهُمْ،

أَنْتَ وَاللَّهِ دَلِيلُهُمْ،

بِكَ يَهْتَدُونَ، یعنی:

ای علی:

مؤمنین به وسیله تو و با پذیرش امامت و ولایت تو رستگار و سعادت‌مند می‌شوند.

یا علی:

به خدا قسم تو امیر مؤمنین هستی «امیر = حاکم، فرمانروا، فرمانده»

به خدا قسم تو هادی و راهنمای مؤمنین هستی،

به خدا قسم مؤمنین به وسیله تو و با پذیرش امامت و ولایت تو به راه راست

هدایت می‌شوند «ذیل این آیات شریفه توضیحات لازم به عرض رسیده است».^۱

۲. وقتی که آیه ۲۱۴ سوره شعراء نازل شد «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» و خداوند

متعال به پیامبر اکرم دستور داد تا خویشاوندان نزدیکش را به اسلام دعوت نماید،

پیامبر اکرم حدود چهل نفر از بستگان نزدیک خویش از جمله عباس، حمزه،

ابولهب «عموهای پیامبر اکرم» و... را به میهمانی دعوت نمود تا آن‌ها را به اسلام

دعوت نماید.

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام که این حدیث شریف از

آن حضرت نقل شده می‌فرماید:

۱. تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۴۸۵، حدیث ۹.

وقتی خویشان نزدیک پیامبر اکرم در میهمانی حاضر شدند وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

من خیر دنیا و آخرت را برای شما آورده‌ام، و خداوند متعال به من دستور داده تا شما را به پرستش خدای یگانه دعوت کنم.

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمایشات خویش جمع حاضر را «که همه از خویشاوندان نزدیک آن حضرت بودند» مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

کدام یک از شما مرا در این کار یاری خواهد نمود تا برادر، وصی، وزیر و جانشین من باشد.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می فرماید:
همه حاضرین سکوت کردند غیر از من که سنّ من از همه آنها کمتر بود
«حضرت امیر علیه السلام در آن زمان حدود سیزده سال سن داشتند».

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می فرماید:
من از جای خود بلند شده و به پیامبر اکرم عرض کردم:
من در این راه یار و یاور شما هستم،
و متعاقب آن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دست مرا گرفت و فرمود:
إِنَّ هَذَا أَخِي وَ وَصِيِّي وَ وَزِيرِي وَ خَلِيفَتِي فِيكُمْ، فَاسْمَعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوهُ، یعنی:
این علی بن ابیطالب، برادر من، وصی من، وزیر من، خلیفه و جانشین من در بین
شما است، پس:

سخنان او را بشنوید و فرمائش را اطاعت کنید.
جمعیت از جای خود برخاسته و در حالی که خنده تمسخرآمیز بر لب داشتند
به ابوطالب گفتند:

گوش به فرمان پسرت باش و از او اطاعت کن.
این حدیث شریف به چند طریق از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نقل
شده است.

ذیل این آیه شریفه توضیحات لازم به عرض رسیده است.^۱

۳. بریده نقل می کند که:

من همراه علی بن ابیطالب علیه السلام در جنگ یمن شرکت داشتم و در یمن از علی بن ابیطالب «علیه السلام» جفایی دیدم «حجّت خداوند متعال و کسی که خداوند متعال به او مقام عصمت اعطا فرموده هرگز به کسی جفا نمی کند، این جفاکاران هستند که به حجّت خداوند متعال چنین نسبتی می دهند».

بریده می گوید:

پس از بازگشت به مدینه خدمت پیامبر اکرم شرفیاب شده و نزد آن حضرت از علی بن ابیطالب «علیه السلام» بدگویی کرده و عیب گرفتم.

بریده می گوید:

پس از سخنان من رنگ چهره پیامبر اکرم دگرگون شد و به من فرمود:
یا بریده:

أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ، یعنی:

ای بریده:

آیا من نسبت به مؤمنین از خود آنها به خودشان اولی نبودم و نیستم.
«آیا نسبت به مؤمنین از خود مؤمنین به خودشان صاحب اختیارتر نیستم».

بریده می گوید که به پیامبر اکرم عرض کردم:

بله یا رسول الله:

سپس پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به من «بریده» فرمود:
مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، یعنی:

هر کس که من «پیامبر اکرم» مولا و صاحب اختیار او هستم علی بن ابیطالب مولا

۱. مجمع البیان، جلد هیجدهم، صفحه ۶۶، ۶۷.

المیزان، جلد سی ام، صفحه ۲۳۸.

تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۳۹۹.

تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۷۵۳، حدیث ۲ و ۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۴۹۱، حدیث ۸۹، «حدیث ۸۱۶۵».

و صاحب اختیار او است «اُولی = صاحب اختیارتر، اختیاردارتر».
 «مولا = سرپرست، صاحب اختیار».

ذیل آیه ششم سوره احزاب توضیحات کاملی به عرض رسیده است.^۱

۴. حدیث منزلت

تعداد زیادی از صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده اند که وقتی پیامبر اکرم عازم تبوک شدند امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را در مدینه به جای خودشان قرار دادند.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به پیامبر اکرم عرض کرد:
 یا رسول الله:

آیا مرا در میان کودکان و زنان می گذاری «اجازه نمی فرمایی تا در محضر شما باشم و در جهاد شرکت کنم».

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

أَلَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، يَعْنِي:

آیا راضی نیستی که نسبت به من همانند هارون نسبت به موسی باشی،

جز اینکه بعد از من پیامبری نخواهد بود «هارون برادر موسی بن عمران و وصی و جانشین او بود».

همچنین نقل شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود

يَا عَلِيُّ، أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، يَعْنِي:

یا علی، نسبت تو و جایگاه تو نسبت به من مثل نسبت و جایگاه هارون است به

موسی، با این تفاوت که بعد از من پیامبری نخواهد بود،

و معنی این حدیث این است که:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین حضرت علی بن ابیطالب

۱. المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۱۲۴ - ۱۳۳.

علیه السلام می فرماید:

یا علی، تو وصی، وزیر و خلیفه و جانشین بلا فصل من هستی همچنان که هارون جانشین وزیر و وصی بلا فصل حضرت موسی کلیم بود. نسبت و جایگاه هارون نسبت به حضرت موسی در آیه ۱۴۲ سوره اعراف و آیات ۲۹ تا ۳۲ سوره طه مشخص شده است.

وقتی که حضرت موسی به میقات رفت تا الواح تورات را دریافت نماید در غیاب خویش برادرش هارون را به عنوان وصی و جانشین خویش در میان بنی اسرائیل قرار داد و خودش عازم میقات شد.

حضرت موسی هنگام عزیمت به میقات به برادرش هارون فرمود:

«وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ أَخْلُفْنِي فِي قَوْمِي ... - آیه ۱۴۲، سوره اعراف» یعنی:

موسی به برادرش هارون گفت:

جانشین من در میان قومم باش.

همچنین وقتی که خداوند متعال به حضرت موسی امر فرمود تا به سوی فرعون برود «جهت دعوت فرعون به پرستش خدای یگانه و اصلاح محیط فاسدی که فرعون مسبب آن بود»،

حضرت موسی برای اینکه در این مأموریت الهی پیروز شود به خداوند متعال عرض کرد:

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي «آیه ۲۵ سوره طه»، یعنی:

خداوندا به من سعه صدر اعطا بفرما.

وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي «آیه ۲۶ سوره طه»، یعنی:

کار مرا آسان گردان.

وَ اخْلُ عُنُقَدَةً مِنْ لِسَانِي «آیه ۲۷ سوره طه»،

گره از زبانهم بگشای.

يَفْقَهُوا قَوْلِي «آیه ۲۸ سوره طه»،

تا سخنان مرا بفهمند.

وَ اجْعَلْ لِي وَزِيْرًا مِنْ اَهْلِي «آیه ۲۹ سوره طه»، یعنی:

وزیر و معاونی از خاندانم برای من قرار بده.

هارونَ آخى «آیه ۳۰ سوره طه»، یعنی:

برادرم هارون را «برادرم هارون را وزیر و معاون من قرار بده».

أشدُّ بهِ أزرى «آیه ۳۱ سوره طه»، یعنی:

پُشتم را با او محکم کن «نیروی مرا با او افزایش بده».

وَ أَشْرِكُهُ فى أُمْرِى «آیه ۳۲ سوره طه»، یعنی:

هارون را در کار من شریک گردان.

«وزیر = معاون، کسی که سنگینی کارهای فرمانده خویش را متحمل می‌شود.»^۱

نسبت و جایگاه هارون نسبت به برادرش موسی بن عمران را در این آیات

شریفه «آیه ۱۴۲ سوره اعراف و آیات ۲۹ تا ۳۲ سوره طه»، ملاحظه فرمودید، که:

هارون برادر حضرت موسی بود،

هارون وزیر و معاون حضرت موسی بود،

هارون جانشین حضرت موسی بود «جانشین بلافصل حضرت موسی»،

هارون باعث افزایش نیروی موسی بود «پُشت موسی بود، یعنی کمک او بود»،

هارون شریک در کار و مأموریت حضرت موسی بود،

و نتیجه کلام اینکه:

طبق حدیث شریف منزلت که از ناحیه وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه

و آله و سلم صادر شده نسبت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به وجود

مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مثل نسبت هارون به حضرت موسی

می‌باشد، با این تفاوت که پیامبر اکرم خاتم الانبیاء می‌باشد و بعد از آن حضرت

پیامبری نخواهد آمد.

حدیث منزلت را بسیاری از علمای اهل سنت در کتاب‌های خویش نقل نموده‌اند

که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود.

صحیح بخاری،

صحیح مسلم،

سُنن ابن ماجه،
 سُنن ترمذی،
 مُسند احمد حنبل،
 خصائص نصایی،
 مستدرک حاکم،
 تاریخ الخلفاء سیوطی،
 صواعق المحرقه ابن حجر،
 سیره ابن هشام،
 سیره حلبی،
 ذخائرالعقبی محبّ الدّین طبری
 تاریخ بغداد ابوبکر بغدادی
 ینابیع المودّه قندوزی و ...

حدیث منزلت را بیش از بیست نفر از صحابه نقل نموده‌اند که به اسامی تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود:

جابر بن عبدالله انصاری، ابو سعید خدری، ابن عباس، عبدالله بن مسعود، انس بن مالک، زید بن ارقم، ابو ایوب انصاری، اسماء بنت عمیس، امّ سلمه، معاویه بن ابی سفیان، عمر بن خطاب، سعد بن ابی وقاص و

در کتاب صحیح مسلم از سعد بن ابی وقاص نقل شده که وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، یعنی:

تو نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی هستی جز اینکه بعد از من پیامبری نخواهد آمد.

حدیث فوق را صحیح بخاری نیز نقل نموده است.

در سُنن ترمذی آمده که:

روزی معاویه بن ابی سفیان به سعد بن ابی وقاص گفت:

چرا به ابوتراب «علی بن ابیطالب علیه السلام» دشنام نمی‌دهی و ناسزا نمی‌گویی.

سعد بن ابی وقاص به معاویه گفت:

من سه مطلب را به خاطر دارم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره علی بن ابیطالب علیه السلام فرموده و هر وقت به یاد این سه مطلب می افتم نمی توانم به او ناسزا بگویم، و سپس به موضوع جنگ تبوک اشاره کرد که پیامبر اکرم عازم جنگ شد و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را در مدینه به جای خویش گذاشت و به او فرمود:

أَلَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي.

محبّ الدین طبری در کتاب ذخائرالعقبی نقل می کند که:

روزی مردی نزد معاویه بن ابی سفیان رفت و از او سؤال پرسید.
معاویه به آن مرد گفت:

این مسئله را از علی بن ابیطالب «علیه السلام» بپرس زیرا او بهتر می داند.
آن مرد به معاویه گفت:

ای امیر مؤمنان «منظورش معاویه بود»، جواب تو در این باره از جواب علی بن ابیطالب «علیه السلام» برای من بهتر و خوش تر است.
معاویه به آن مرد گفت:

سخن بدی گفتمی، و سپس در ادامه صحبتش به آن مرد گفت:

پیامبر اکرم در حقّ علی بن ابیطالب فرمود که:

أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي.

این موضوع را ابن حجر نیز در صواعق المحرقة نقل نموده است.

معاویه بن ابی سفیان در ادامه صحبت خویش به آن مرد گفت:

عمر بن خطاب هر گاه با مشکلی مواجه می شد و با مطلب سخت و مشکلی برخورد می کرد آن را از علی بن ابیطالب «علیه السلام» می پرسید.

ابوبکر بغدادی در تاریخ بغداد می نویسد:

روزی عمر بن خطاب مردی را دید که به علی بن ابیطالب «علیه السلام» ناسزا می گوید.

عمر بن خطاب وقتی این صحنه را مشاهده کرد به آن مرد گفت:

تو آدم منافقی هستی، زیرا من از پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» شنیدم که در رابطه با علی بن ابیطالب «علیه السلام» می فرمود:
 اِنَّمَا عَلِيٌّ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى اِلَّا اَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، یعنی:
 به درستی که نسبت علی بن ابیطالب به من «یعنی پیامبر اکرم» مثل نسبت هارون است به موسی بن عمران، با این تفاوت که بعد از من پیامبری نخواهد آمد.
 قابل ذکر است که:

حدیث شریف منزلت فقط مربوط به جنگ تبوک و روز غدیر خم نیست، بلکه پیامبر اکرم در چند مورد دیگر نیز همین جمله را درباره علی بن ابیطالب علیه السلام فرموده که به تعدادی از آن‌ها اشاره می شود.

(الف) يَوْمَ الْمُوَاخَاةِ اَوَّلًا، یعنی نخستین باری که پیامبر اکرم در شهر مکه میان اصحاب خویش پیمان برادری بست و طی آن علی بن ابیطالب علیه السلام را برادر خودش قرار داد به او فرمود:

اَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى اِلَّا اَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي.

(ب) يَوْمَ الْمُوَاخَاةِ ثَانِيَةً، یعنی دومین باری که پیامبر اکرم در شهر مدینه میان اصحاب خویش پیمان برادری برقرار ساخت و طی آن علی بن ابیطالب علیه السلام را به عنوان برادر خویش انتخاب نموده و به او فرمود:

اَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى اِلَّا اَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَ اَنْتَ اَخِي وَ وَاْرَثِي، یعنی:
 نسبت تو به من مثل نسبت هارون است به موسی، با این تفاوت که بعد از من پیامبری نخواهد آمد.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمایش خویش به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

اَنْتَ اَخِي وَ وَاْرَثِي، یعنی:

تو برادر و وارث من هستی.

(ج) از ام سلمه «همسر پیامبر اکرم» و ام سلیم «کسی که پدرش و برادرش در

میدان جهاد به شهادت رسیدند» نقل شده که این دو بانوی بزرگوار می فرمودند:
 ما از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شنیدیم که در رابطه با
 امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می فرمود:
 اِنَّ عَلِيًّا لَّحُمُّهُ مِنْ لَحْمِي وَ دَمُهُ مِنْ دَمِي، هُوَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، یعنی:
 گوشت علی بن ابیطالب از گوشت من است، و خون او از خون من، و نسبت او
 به من مثل نسبت هارون است به موسی بن عمران.

(د) ابن عباس می گوید:

روزی عمر بن خطاب گفت:

از علی بن ابیطالب «علیه السلام» به بدی یاد نکنید و به او ناسزا نگوئید زیرا من
 از پیامبر اکرم در رابطه با علی بن ابیطالب سه جمله شنیده‌ام که اگر یکی از آنها را
 داشتم از آنچه که آفتاب بر آن می تابد «از تمام دنیا» محبوب تر بود.
 عمر بن خطاب در ادامه سخنان خویش گفت:

روزی من و ابوبکر و ابو عبیده جراح و جمعی از اصحاب پیامبر اکرم خدمت
 آن حضرت بودیم، و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در حالی که به
 علی بن ابیطالب «علیه السلام» تکیه نموده بود دست مبارک خویش را روی شانه
 علی بن ابیطالب قرار داده و به او فرمود:

أَنْتَ يَا عَلِيُّ أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا وَ أَوْلُهُمْ إِسْلَامًا ثُمَّ قَالَ:

أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، یعنی:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام
 فرمود:

یا علی:

تو نخستین مردی هستی که به خدا و رسول خدا ایمان آوردی،

و تو اولین مردی هستی که اسلام را پذیرفتی،

یا علی:

نسبت تو به من مثل هارون است به موسی بن عمران.

ه) نسائی در کتاب خصائص نقل می‌کند:

روزی علی بن ابیطالب «علیه السلام» و جعفر و زید درباره سرپرستی فرزند حضرت حمزه «عموی پیامبر اکرم که در غزوه أُحُد به شهادت رسید» با یکدیگر گفتگو می‌کردند و هر کدام از آن سه نفر می‌خواست تا سرپرستی فرزند حمزه به او سپرده شود و در همین حال بود که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به علی بن ابیطالب «علیه السلام» فرمود:

أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي.

و) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دستور فرمود تا درب همه منازلی که به مسجد النبی «در شهر مدینه» باز می‌شد بسته شود و فقط درب خانه علی بن ابیطالب علیه السلام که به مسجد النبی باز می‌شد بسته نشد.

جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند که در آن روز «روزی که درب منازلی که به مسجد النبی باز می‌شد بسته شد، غیر از درب منزل علی بن ابیطالب علیه السلام» پیامبر اکرم به علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

أَنَّه يَجَلُّ لَكَ مِنَ الْمَسْجِدِ مَا يَجَلُّ لِي،

وَ إِنَّكَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، یعنی:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

آنچه از مسجد برای من مجاز است برای تو نیز مجاز است، زیرا:

نسبت تو به من مثل نسبت هارون است به موسی، با این تفاوت که من خاتم پیامبران هستم و بعد از من پیامبری نخواهد آمد.

قابل ذکر است که:

موارد شش‌گانه فوق که از کتب معتبر و معروف اهل سنت نقل شد غیر از جریان غزوه تبوک و غیر از خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم می‌باشد، و از طریق شیعه نیز روایات فراوانی در این زمینه نقل شده است که پیامبر اکرم این جمله را در رابطه با علی بن ابیطالب علیه السلام فرموده است، و از مجموع این‌ها به خوبی

استفاده می شود که:

حدیث شریف منزلت موضوعی نبوده است که اختصاص به داستان تبوک داشته باشد، بلکه یک حُکم و فرمان عمومی بوده که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ در رابطه با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلَام صادر فرموده است و معنی آن این است که:

علی بن ابیطالب علیه السَّلَام برادر پیامبر اکرم است همانگونه که هارون برادر حضرت موسی بود،

علی بن ابیطالب علیه السَّلَام وزیر و معاون پیامبر اکرم است همانگونه که هارون وزیر و معاون حضرت موسی بود،

علی بن ابیطالب علیه السَّلَام جانشین بلافصل پیامبر اکرم است همانگونه که هارون جانشین بلافصل موسی بود،

علی بن ابیطالب علیه السَّلَام پشتیبان پیامبر اکرم و شریک پیامبر اکرم در امر رهبری آن حضرت است همانگونه که هارون پشتیبان و شریک در مأموریت حضرت موسی بود،

علی بن ابیطالب علیه السَّلَام افضل اُمَّت و برترین فرد اُمَّت است «پس از وجود مقدس پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ» و شایسته ترین فرد برای جانشینی پیامبر اکرم است و خداوند متعال آن حضرت را به عنوان جانشین بلافصل پیامبر اکرم و امامت مسلمین انتصاب فرموده است همانگونه که هارون افضل اُمَّت و برترین فرد اُمَّت بود «پس از حضرت موسی» و شایسته ترین فرد برای جانشینی حضرت موسی بود، و نتیجه کلام این می شود که:

حدیث شریف منزلت که از نظر سند از محکم ترین احادیث می باشد و بدون استثناء در تمام کُتب فِرَق مختلف اسلام آمده دال بر این است که:

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب با فضیلت ترین و برترین فرد اُمَّت اسلام می باشد «پس از وجود مبارک پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ که اشرف مخلوقات می باشد» و جانشین بلافصل پیامبر اکرم است.

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلَام در موارد متعددی با استناد

به حدیث شریف منزلت «و ده‌ها فضیلت دیگر» حَقَائِیت خویش را استدلال نموده و بیان فرموده که خلیفه رسول الله و جانشین بلا فصل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد.

از مواردی که وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام با استناد به حدیث شریف منزلت احتجاج فرموده احتجاج آن حضرت بر ابوبکر، احتجاج بر اعضاء شورا، احتجاج بر مهاجرین و انصار، احتجاج بر جمعی از مسلمانان «که چرا با ابوبکر و عمر نجنگید لیکن با ناکثین و قاسطین و مارقین جنگید»، و احتجاج بر زندیق می‌باشد که در احتجاج طبرسی آمده، و در تمام مواردی که عرض شد امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام آن‌ها را «ابوبکر، اعضاء شورا، مهاجرین و انصار و ...» مورد خطاب قرار داده و به آن‌ها فرمود:

آیا غیر از من کسی هست که پیامبر اکرم در رابطه با او فرموده باشد:

أَنْتَ مِنْنِي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي،

و آن‌ها تصدیق کردند که این فرمایش پیامبر اکرم «حدیث منزلت» فقط و فقط در رابطه با علی بن ابیطالب علیه السلام بوده است و لا غیر.^۱

نگاهی اجمالی به حوادث پس از غدیر:

پس از معرفی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به عنوان امام مسلمین و وصی بلا فصل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در غدیر خم «روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری» عده‌ای از اصحاب که ظاهراً مسلمان بودند لیکن قلباً ذره‌ای به خداوند متعال و پیامبر اکرم ایمان نداشتند تصمیم گرفتند تا پیامبر اکرم را به شهادت برسانند.

۱. تفسیر نمونه، جلد ششم، صفحه ۴۰۹ تا ۴۱۷ - ۴۲۰ «ذیل آیه ۱۴۲ سوره اعراف».

احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج حضرت امیر علیه السلام بر ابوبکر، صفحه ۲۶۵، حدیث ۵۳.

احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج حضرت امیر علیه السلام بر اعضاء شورا، صفحه ۲۸۱، حدیث ۵۵.

احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج حضرت امیر علیه السلام بر مهاجرین و انصار، صفحه ۳۱۰ و ۳۱۴، حدیث ۵۶.

احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج حضرت امیر علیه السلام بر جمعی از مسلمانان، صفحه ۴۱۴، حدیث ۱۰۳.

احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج حضرت امیر علیه السلام بر زندیق، صفحه ۵۷۱، حدیث ۱۳۷.

این منافقین که تعداد آن‌ها چهارده نفر بود قرار گذاشتند که وقتی پیامبر اکرم از غدیر خم به طرف مدینه حرکت نمود در بین راه آن حضرت را به شهادت برسانند. این چهارده منافق قرار گذاشتند تا در عقبه هرّشی «در فاصله چند کیلومتری غدیر خم به طرف مدینه» کمین نمایند و وقتی شتر حامل پیامبر اکرم به عقبه هرّشی رسید شتر حامل پیامبر اکرم را رم داده و سپس به آن حضرت حمله نموده و او را به شهادت برسانند.

در همین حال جبرئیل خدمت پیامبر اکرم شرفیاب شده و موضوع نقشه منافقین را به استحضار آن حضرت رساند.

پیامبر اکرم که از طریق وحی از نقشه خائنانه منافقین امت اسلام اطلاع حاصل نموده بود به چند نفر از خواص اصحاب خویش از جمله به حذیفه بن یمان و عمّاریاسر مأموریت داد تا مراقب اوضاع باشند.

وقتی شتر حامل پیامبر اکرم شب هنگام به عقبه هرّشی نزدیک شد منافقین امت که از قبل در آن جا کمین نموده بودند اشیاء و وسائلی را که آماده نموده بودند به مقابل شتر حامل پیامبر اکرم پرتاب نمودند تا بدین وسیله شتر رم کرده و راکب خویش یعنی رسول الله را به زمین بزند و آنگاه منافقین به پیامبر اکرم حمله نموده و آن حضرت را به شهادت برسانند، لیکن چون تعدادی از خواص از اصحاب پیامبر اکرم از جمله حذیفه بن یمان و عمّاریاسر زمام ناچه را در دست داشتند و مراقب اوضاع بودند نقشه منافقین عملی نشد.

منافقین وقتی چنین دیدند از کمینگاه بیرون آمده و با شمشیرهای خویش به محافظین پیامبر اکرم حمله نمودند لیکن چون آن‌ها از قبل آماده بودند و اراده و مشیت حق تعالی بر این قرار گرفته بود که به وجود مقدّس پیامبر اکرم و محافظین آن حضرت آسیبی نرسد لذا منافقین کاری از پیش نبرده و متواری شدند.

حذیفه بن یمان و عمّاریاسر به پیامبر اکرم عرض کردند:

یا رسول الله، این‌ها چه کسانی هستند.

پیامبر اکرم فرمودند:

این‌ها منافقین در دنیا و آخرت هستند و آنگاه به امر پیامبر اکرم رعد و برقی

در گرفت و محوطه روشن شد و در نتیجه حذیفه و عمّار آن‌ها را شناختند که اسامی آن‌ها بدین قرار است.

فلانی و فلانی و فلانی، معاویه، عمروعاص، طلحه، سعد بن ابی وقاص، عبدالرحمن بن عوف، ابی عبیده جراح، ابو موسی اشعری، ابو هریره، مغیره بن شعبه، معاذ بن جبل و سالم غلام ابی حذیفه «اندک اختلافی در اسامی این چهارده منافق در تواریخ مشاهده می‌شود، لیکن نام دوازده نفر از آن‌ها یعنی از نفر اول تا مغیره بن شعبه تقریباً در تمام کتب اسلامی دیده می‌شود، از قبیل:

کشف‌الیقین علامه حلّی، ارشادالقلوب دیلمی، بحارالانوار مجلسی و...».

پس از اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به خواست خداوند متعال به سلامت به مدینه مراجعت فرمودند به منزل یکی از همسران خویش به نام امّ سلمه وارد شده و دستور دادند تا همسران دیگر آن حضرت نیز در منزل امّ سلمه جمع شوند.

پس از اینکه همه همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در منزل امّ سلمه جمع شدند وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آن‌ها را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

بدانید و آگاه باشید که:

علی بن ابیطالب وصی من و جانشین من است و بر شما واجب است تا از او اطاعت نمائید، زیرا:

اطاعت از علی بن ابیطالب اطاعت از من است،

و مخالفت با علی بن ابیطالب مخالفت با من می‌باشد.

سپس وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

ای علی:

اختیار همسران من بعد از رحلت من با تو است، چنانچه با دستورات تو مخالفت کردند می‌توانی آن‌ها را طلاق دهی «در این صورت افتخار امّ المؤمنین بودن از آن‌ها سلب می‌شد».

همه همسران پیامبر اکرم سکوت کردند غیر از یک نفر از آنها که به پیامبر اکرم عرض کرد:

یا رسول الله:

هیچ گاه با دستورات شما مخالفت نکرده‌ایم و بعد از این هم مخالفت نخواهیم نمود «یعنی با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام مخالفت نخواهیم کرد».

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به او فرمود:

تو با من مخالفت کرده‌ای و بعد از من نیز با علی بن ابیطالب مخالفت خواهی نمود و می‌بینم که از خانه خودت در مدینه خارج شده و در حالی که عده‌ای از اوباش اطراف تو را گرفته‌اند در مقابل علی بن ابیطالب صف‌آرایی خواهی نمود و با او جنگ خواهی کرد «اشاره به جنگ جمل که در سال سی و ششم هجری واقع شد، یعنی بعد از بیست و شش سال از رحلت پیامبر اکرم فرمایش پیامبر اکرم محقق شد و او و طلحه و زبیر جنگ جمل را به پا کردند، و این گروه به ناکثین معروف می‌باشند»، و در آن حال تو ظالم و عاصی خواهی بود.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمایش خویش به او فرمود:

علامت و نشانه صف‌آرایی و جنگ تو با علی بن ابیطالب علیه السلام این است که سگان حوئب تو را در بر می‌گیرند، و سپس پیامبر اکرم به این مطلب تأکید فرمودند بدان آنچه که می‌گویم قطعی است و حتماً محقق خواهد شد، و مطلب همانگونه شد که آن حضرت فرموده بود.^۱

رحلت پیامبر اکرم و وقایع پس از آن:

حدود هفتاد روز پس از واقعه غدیر خم و نصب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به امامت مسلمین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رحلت فرمود

۱. شرح خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم تألیف آیت‌الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۴۸۸ تا ۴۹۱.

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۴۵۹ - ۴۶۰.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۴۵۱ تا ۴۵۷، حدیث ۲۹۹ «حدیث ۲۸۶۰».

خطابه غدیر، تألیف محمدباقر انصاری، صفحه ۲۲ - ۲۳.

«بیست و هشتم صفر سال یازدهم هجری».

بلافاصله پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و در حالی که مولی‌الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب و تنی چند از اصحاب خاص آن حضرت مشغول غسل دادن بدن مطهر پیامبر اکرم بودند سران مهاجر و انصار در سقیفه بنی ساعده «زیر سایبانی که برای محفوظ ماندن از گرمای خورشید به پا شده بود» گرد آمده و نهایتاً ابوبکر به عنوان خلیفه مسلمین انتخاب شد «حدود هفتاد روز پس از آن روز تاریخی و سرنوشت‌ساز غدیر خم».

پس از اینکه امر خلافت ابوبکر تثبیت شد ابو عبیده جراح به همراه عده‌ای از همفکران خویش به هر کس که می‌رسیدند بدون اینکه فکر کنند که آیا حاضر به بیعت با ابوبکر هست یا نه او را کشان کشان به نزد ابوبکر آورده و دست او را به عنوان بیعت در دست ابوبکر می‌گذاشتند.^۱

وقتی که از مردم بیعت گرفته شد به فکر بیعت گرفتن با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام افتادند «در حالی که حدود هفتاد روز قبل به عنوان امیرالمؤمنین با آن حضرت بیعت کرده بودند، آن هم در حضور وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم»، و به همین منظور قرار شد اولی به مسجد رفته و مردم را به مسجد فرا خواند، و متعاقب آن افرادی را به سوی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام روانه نموده و آن حضرت را به حضور در مسجد دعوت نموده آنگاه از او بیعت بگیرند و چنانچه آن حضرت از آمدن به مسجد امتناع نماید به وسیله مردی به نام قُنْفُذ که مردی خشن، تندخو و در عین حال متهور و جسور بود حضرت امیر علیه‌السلام را با جبر و زور به مسجد بیاورند.

چون وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام برای بیعت با ابوبکر در مسجد حضور نیافت لذا طبق نقشه قبلی قُنْفُذ به همراه عده‌ای از اعوان و انصار خویش به درب منزل امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام آمده و دقّ الباب نمودند. وجود مبارک صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها به پشت درب آمده و عتّ آمدن قُنْفُذ و همراهانش را جو یا شد.

۱. به نقل از شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، جلد اول، صفحه ۱۷۳.

آن‌ها اجازه ورود خواستند لیکن حضرت صدیقه سلام‌الله علیها اجازه ورود به منزل را ندادند، و در این هنگام دوّمی فریاد زد بیرون آئید و گرنه خانه را بر سرتان به آتش خواهیم کشید.^۱

وجود مبارک صدیقه کُبری فاطمه زهرا سلام‌الله علیها پاسخ دادند که:
مگر چه شده است.

دوّمی گفت:

علی بن ابیطالب و سایر افراد بنی هاشم که داخل منزل هستند باید به مسجد بیایند و با خلیفه بیعت کنند.

وجود مقدّس صدیقه کُبری فاطمه زهرا سلام‌الله علیها فرمودند:
کدام خلیفه، امام مسلمین یعنی حضرت امیر علیه‌السّلام هم اکنون داخل منزل است.
دوّمی گفت:

در حال حاضر ابوبکر امام مسلمین است که مردم با او در سقیفه بنی ساعده بیعت نموده‌اند.

صدیقه کُبری فاطمه زهرا سلام‌الله علیها فرمودند:

اگر علی بن ابیطالب به مسجد نیاید چه.

دوّمی گفت:

در این صورت خانه را با ساکنانش به آتش می‌کشیم.

فاطمه زهرا سلام‌الله علیها به دوّمی فرمود:

آیا می‌خواهی خانه ما را آتش بزنی،

دوّمی گفت:

آری^۲،

۱. به نقل از: مروج‌الذهب مسعودی جلد دوّم، صفحه ۱۹۴ - تاریخ یعقوبی، جلد دوّم، صفحه ۱۹۵ -

منهاج‌السنه ابن تیمیه، جلد چهارم، صفحه ۲۲۰ - شرح نهج‌البلاغه، ابن ابی‌الحدید، جلد اوّل، صفحه ۱۳۰.

۲. به نقل از: تاریخ الامم و الملوک طبری جلد دوّم، صفحه ۴۴۳.

العقدالفرید ابن عبد ربّه، جلد پنجم، صفحه ۱۲.

انساب‌الاشراف بلاذری، جلد اوّل، صفحه ۵۸۶.

شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید جلد اوّل، صفحه ۱۳۴ و جلد دوّم، صفحه ۱۹.

الامامه و السیاسة ابن قتیبّه، صفحه ۱۲ و ۲۰.

پس از این صحبت بود که دوّمی با شکستن درب منزل وارد خانه شد و با غلاف شمشیر خویش به پهلوی فاطمه زهرا سلام الله علیها زد و در آن حال حضرت زهرا سلام الله علیها پدر بزرگوارش رسول الله صلی الله علیه و آله و سلّم را صدا نمود و در حالی که فرزندش محسن سقط شده بود به زمین افتاد و در همان حال فضّه را صدا کرد و به او فرمود:

ای فضّه مرا دریاب، به خدا سوگند فرزندی که در شکم داشتم شهید شد.^۱

خطبه غدیر از زبان آمار:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری و پس از پایان مراسم و مناسک حج و هنگام مراجعت از مکه به مدینه در محلّ غدیر خم خطبه بسیار مهم و مفصّلی ایراد فرموده «در حضور حجّاج بیت الله الحرام که در معیت آن حضرت بودند و تعداد آنها بین هفتاد هزار تا یکصد و بیست هزار نفر عنوان شده است» و پس از حمد و ثنای خداوند متعال قطره‌ای از دریای بیکران فضائل و مناقب مولی الموحّدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام را بیان نموده و آن حضرت را به دستور خداوند متعال به عنوان وصی و جانشین خویش و به عنوان امام مسلمین معرفی و منصوب فرمودند و به تمام مسلمانان حاضر در محلّ غدیر خم دستور دادند تا با علی بن ابیطالب علیه السّلام به عنوان امیرالمؤمنین و به عنوان جانشین پیامبر و به عنوان امام مسلمین بیعت نمایند که اینگونه نیز شد.

بخشی از موضوعاتی که در این خطبه نورانی و شریف توسط وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم مطرح شده به قرار ذیل می‌باشد «با ذکر تعداد موارد».

صفات خداوند متعال حدود ۱۱۰ مورد.

مقام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم حدود ۱۰ مورد.

۱. شرح خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم، تألیف آیت الله سیّد محمدتقی نقوی، صفحه ۴۹۵ تا ۵۰۵.
به نقل از: مروج الذهب مسعودی، جلد دوّم، صفحه ۳۰۸ - ملل و نحل شهرستانی، جلد دوّم، صفحه ۸۳.

ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام حدود ۵۰ مورد.
 ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السلام حدود ۱۰ مورد.
 فضائل و مناقب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام حدود ۲۰ مورد.
 در رابطه با حضرت مهدی علیه السلام حدود ۲۰ مورد.
 در رابطه با شیعیان ائمه معصومین علیهم السلام و دشمنان آنها حدود ۲۵ مورد.
 در رابطه با بیعت ائمه معصومین علیهم السلام حدود ۱۰ مورد.
 وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این خطبه نورانی نام
 مبارک علی بن ابیطالب علیه السلام و حضرت مهدی علیه السلام را ذکر فرموده و
 کلمه ائمه علیهم السلام را بر زبان مبارک خویش جاری نموده که ذیلاً به تعداد
 آنها اشاره می شود.

نام مبارک علی بن ابیطالب علیه السلام حدود ۴۰ مرتبه.

کلمه امیرالمؤمنین حدود ۶ مرتبه،

کلمه ائمه علیهم السلام حدود ۱۰ مرتبه،

نام مبارک امام زمان علیه السلام به عنوان مهدی حدود ۴ مرتبه.

قابل ذکر است که اکثر مطالب این خطبه شریف درباره امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب
 علیه السلام و ائمه معصومین علیهم السلام می باشد که به صورت ضمیر یا اشاره
 آمده است.

استشهاد به آیات شریفه قرآن کریم یکی از نکات شاخص خطبه شریف غدیر
 می باشد.

آیات شریفه ای که در خطبه نورانی غدیر به عنوان شاهد و یا تفسیر آمده حدود
 ۵۰ مورد می باشد.

تفسیر ۲۵ آیه قرآن کریم به اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و
 ۱۵ آیه به دشمنان اهل بیت پیامبر اکرم در متن این خطبه شریف از نکات بسیار
 مهم می باشد.

شاهد گرفتن خداوند متعال بر تبلیغ خویش، همچنین شاهد گرفتن مسلمانان
 حاضر در غدیر خم بر این تبلیغ، و تأکید بر امامت دوازده امام معصوم بعد از

خویش از دیگر نکات بارز فرمایشات پیامبر اکرم در این خطبه شریف می‌باشد. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در این خطبه نورانی و شریف حدود ۲۰ مرتبه به انحاء مختلف اعلام فرمودند که علی بن ابیطالب را خداوند متعال به امامت مسلمین منصوب فرموده و او را بر دیگران فضیلت داده و او را امین بر خلقش قرار داده است، و من «یعنی پیامبر اکرم» از جانب خداوند متعال مأموریت دارم تا از شما برای علی بن ابیطالب بیعت بگیرم. قابل ذکر است که:

مجموعه موارد فوق حدود ۲۰ مورد می‌باشد و تمام این‌ها مبین این مطلب است که آنچه وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در این خطبه شریف در رابطه با علی بن ابیطالب علیه السلام فرموده‌اند از جانب خداوند متعال بوده است، گرچه تمام فرمایشات پیامبر اکرم در تمام موارد از ناحیه خداوند متعال می‌باشد و در این رابطه ذیل آیات اول تا چهارم سوره نجم توضیحات لازم به عرض رسیده است.

همچنین وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در خطبه شریف غدیر وجود مقدّس امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را به عنوان برادر خویش «أَخِي»، وصی خویش «وَصِيِّ»، جانشین خویش «خَلِيفَتِي»، امام بعد از خویش «وَالْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي»، و أَفْضَلُ مَرْدَمٍ و برترین مردم بعد از خویش «أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُتِيَ» یاد نموده و به مردم و مسلمانان نیز فرموده که علی بن ابیطالب علیه السلام بعد از خدا و رسول خدا ولیّ شما «وَأَوْلِيَّكُمْ» و امام شما «إِمَامُكُمْ» می‌باشد که ذیلاً به تعداد آن‌ها اشاره می‌شود.

پیامبر اکرم در رابطه با امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در خطبه شریف غدیر فرمودند که علی بن ابیطالب علیه السلام:

سه مرتبه.	«برادر من»
چهار مرتبه.	«وصی من»
سه مرتبه.	«جانشین من»
دو مرتبه.	«امام بعد از من»

وَلِيُّكُمْ «صاحب اختیار شما مسلمانان» چهار مرتبه.

إِمَامُكُمْ «امام شما مسلمین» دو مرتبه.

و یک بار نیز آن حضرت را به عنوان أَفْضَلُ همه مردم عالم دانسته و فرموده:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

فَضَّلُوا عَلَيَّ، فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى، یعنی:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

ای مردم:

علی بن ابیطالب علیه السلام را به دیگران برتری بدهید «برتر و بالاتر از همه بدانید» چرا که آن حضرت بعد از من أَفْضَلُ بر تمام مردم جهان می باشد «أَفْضَلُ النَّاسِ» اعم از زن و مرد، یعنی برترین مخلوقات پس از پیامبر اکرم و به عنوان دوّمین شخصیت جهان خلقت.

بحث های علمی درباره سَنَد و متن حدیث شریف غدیر را علما و فقهای نامدار شیعه از قبیل شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی، سید مرتضی، علامه حلی، علامه مجلسی، علامه میرحامدحسین هندی، علامه امینی و... به طور مفصل در کتاب های خویش نگاشته اند.

حدیث شریف غدیر در نه کتاب از کتب معتبر شیعه آمده که ذیلاً ملاحظه می فرمائید.

احتجاج	طبرسی
روضه الواعظین	فتال نیشابوری
الیقین	سید بن طاووس
نزهة الكرام	محمد بن حسین رازی
العدد القویه	علی بن یوسف حلی
التحصین	سید بن طاووس
الصراط المستقیم	علی بن یوسف بیاضی
نهج الايمان	علی بن حسین بن جبر
اقبال	سید بن طاووس

قابل ذکر است که حدیث شریف غدیر «و مباحث مربوط به سند حدیث غدیر» علاوه بر کتب فوق‌الاشاره در چند کتاب معتبر دیگر شیعه نیز آمده که ذیلاً ملاحظه می‌فرمائید.

عِبَقَاتِ الْاَنْوَارِ	میرحامد حسین ہندی
الغدیر	علامہ امینی
نَفْحَاتِ الْاَزْهَارِ فِی خِلَاصَةِ عِبَقَاتِ الْاَنْوَارِ	علامہ سید علی میلانی
عَوَالِمِ الْعُلُومِ	شیخ عبداللہ بحرانی
بِحَارِ الْاَنْوَارِ	علامہ مجلسی
اَثْبَاتِ الْهِدَاةِ	شیخ حرّ عاملی
كَشْفِ الْمَهْمِ فِي طَرِيقِ خَبَرِ غَدِيرِ خَم	سید ہاشم بحرانی
الطَّرَائِفِ	سید بن طاووس ^۱

۱. خطابه غدیر، تألیف محمدباقر انصاری، صفحه ۲۴ تا ۲۹.

آیه ۱۱۹ سوره مائده:

«قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ، لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ، ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ».

ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

امروز «روز قیامت» روزی است که راستی راستگویان به آنها سود می بخشد «روز قیامت روزی است که صادقان و راستگویان از راستی و صداقت خویش بهره مند می شوند»،

برای آنها بهشت‌هایی است که از زیر درختان آنها نهرها جاری است، و آنها برای ابد و برای همیشه داخل آن بهشت‌ها خواهند بود، خداوند متعال از آنها راضی و خشنود است و آنها نیز از خداوند متعال راضی و خشنود هستند، و این است رستگاری بزرگ و فوز عظیم.^۱

شرح لغات و توضیحات:

یَوْمٌ = روز، مقصود از یَوْمٌ در این آیه شریفه روز قیامت می باشد «جمع یَوْمٌ می شود ایام»؛

صِدْقٌ = راست گفتن، مطابقت داشتن گفتار با اعتقادات صاحب گفتار؛

صَادِقٌ = راستگو؛

فَوْزٌ = نجات، رستگاری؛

فَائِزٌ = رستگار، نجات یافته؛^۲

آیات قبل در رابطه با گفتگوی خداوند متعال با حضرت عیسی در روز قیامت می باشد.

۱. تفسیر نمونه، جلد پنجم، صفحه ۱۷۵.

۲. مفردات راغب.

در این آیات شریفه «آیه ۱۱۶ تا ۱۱۸ سوره مائده» آمده که:
 خداوند متعال روز قیامت به حضرت عیسی علیه السلام می فرماید:
 ای عیسی:

آیا تو به مردم گفتی که تو و مادرت را پرستند «یعنی تو زمانی که در دنیا بودی
 آیا به مردم می گفتی که مردم تو و مادرت حضرت مریم را علاوه بر خداوند متعال
 معبود خودشان بدانند و پرستش کنند».

یقیناً حضرت عیسی به امت خویش نفرموده که او و مادرش حضرت مریم را
 پرستند، بلکه همواره مردم را به توحید و پرستش خدای یگانه دعوت می نموده
 است، بنابراین:

منظور از این سؤال اقرار گرفتن از حضرت عیسی می باشد که او امر خداوند متعال
 را به امتش ابلاغ نموده، و از طرف دیگر هدف از این سؤال بیان محکومیت امت
 حضرت عیسی است که چگونه به راه باطل رفته و بر خلاف دستورات حضرت
 عیسی او و مادرش حضرت مریم را به عنوان معبود خویش انتخاب نموده اند.
 در واقع امت حضرت عیسی با شنیدن این پرسش و پاسخ خداوند متعال و
 حضرت عیسی متوجه می شوند که در راه ضلالت و گمراهی گام برداشته اند و باید
 آماده عذاب الهی باشند، و به عبارت دیگر:

سؤال و پرسش خداوند متعال از حضرت عیسی «که آیا تو به امت خویش گفتی
 که تو و مادرت مریم را پرستند» در واقع محاکمه امت حضرت عیسی می باشد و
 بیان محکومیت آنها است.

حضرت عیسی علیه السلام در پاسخ به فرمایش خداوند متعال به خداوند سبحان
 عرض می کند:

خداوندا:

تو پاک و منزّه هستی از اینکه شریک داشته باشی،

خداوندا:

چگونه ممکن است من چیزی بگویم که شایسته من نیست «شایسته نیست
 که حجّت خداوند متعال حرف خلاف واقع بزند زیرا این امر با عصمت انبیاء

سازگاری ندارد»،

خداوندا:

تو از روح و جان من و از تمام اسرار پنهانی من آگاهی و اگر چنین چیزی را من به اتمم گفته بودم تو از آن آگاه می شدی،

خداوندا:

تو می دانی که من فقط مأمور به اجرا و ابلاغ فرامین تو بودم و همواره به آنها می گفتم که خداوند یگانه‌ای را بپرستند که پروردگار من و شما می باشد.

به دنبال این قضیه خداوند متعال می فرماید:

قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ = خداوند متعال پس از این گفتگو چنین می فرماید که:

امروز «روز قیامت» روزی است که راستی راستگویان به آنها سود می بخشد، یعنی: روز قیامت روزی است که:

صادقان و راستگویان از صداقت و راست گفتن خویش بهره مند می شوند و سود می برند.

بدیهی است منظور از صدق و راستی در این آیه شریفه صدق و راستی در دنیا می باشد نه صدق و راستی در آخرت، ضمن اینکه مقصود از صدق و راستی صدق و راستگویی در قول و فعل می باشد «صدق و راستگویی در حرف و عمل و اصطلاحاً صدق و راستگویی در گفتار و کردار».

عرض شد که:

مقصود از صدق و راستگویی در این آیه شریفه صدق و راستگویی است در گفتار و کردار آن هم در دنیا، زیرا:

قیامت و آخرت محلّ تکلیف و روز تکلیف نیست که راست گفتن در آن روز فایده‌ای داشته باشد، ضمن اینکه در روز قیامت کسی نمی تواند دروغ بگوید، حتی گنهکاران و مجرمین به امر خداوند متعال لب به سخن گشوده و به گناهان خویش اعتراف می کنند، بنابراین در روز قیامت دروغ گفتن معنا ندارد زیرا کسی نمی تواند دروغ بگوید.

بنابراین معنی آیه شریفه این شد که:

کسانی که در دنیا در گفتار و کردار خویش «قول و فعل خویش» اهل صداقت و راستگویی باشند نتیجه و نفع این صداقت و راستی در گفتار و کردار خویش را در روز قیامت می بینند «یعنی دنیا سرای عمل است نه پاداش و آخرت سرای پاداش است نه عمل».

ادامه آیه شریفه به پاداش صادقان «صادقان در گفتار و کردار» اشاره نموده و می فرماید:

لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا = پاداش کسانی که در دنیا در گفتار و کردار خویش اهل صدق و راستی بوده اند بهشت است «باغ های بهشتی است» که از زیر درختان آنها نهرها جاری است، و اینها «صادقین در گفتار و کردار» مخلّد در بهشت هستند یعنی جایگاه ابدی و همیشگی آنها بهشت است و برای همیشه از انواع نعمات مادی و معنوی بهشت بهره مند خواهند شد، و مهم تر از همه نعمات بهشتی اینک:

رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ = خداوند متعال از آنها راضی و خشنود است و آنها نیز از خداوند متعال راضی و خشنود می باشند.

خداوند متعال از آنها راضی است به خاطر اینکه در دنیا اهل صداقت بوده اند «صداقت در قول و فعل»،

و آنها از خداوند متعال راضی هستند به خاطر اینکه خداوند متعال پاداش عظیمی به آنها اعطا فرموده است.

ملاحظه می فرمائید که خداوند متعال در این آیه شریفه رضایت خویش را مربوط به خود بندگان اهل صداقت دانسته است نه به صداقت آنها، یعنی:

این آیه شریفه دلالت بر این دارد که:

خداوند متعال نه تنها از صداقت صادقین راضی و خشنود است بلکه از خود آنها نیز راضی و خشنود است،

و رضایت و خشنودی خداوند متعال وقتی به آنان تعلق می گیرد که غرض از خلقت خداوند متعال حاصل شده باشد، و غرض از خلقت انسان نیز همانا عبودیت و بندگی انسان است نسبت به خالق متعال، و در ادامه آیه شریفه آمده که:

ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ = این است رستگاری بزرگ و فوز عظیم، یعنی:

جمع میان موهبت‌ها و نعمات مادی و معنوی خداوند متعال رستگاری بزرگ و فوز عظیم می‌باشد.^۱
ملاحظه فرمودید که:

خداوند متعال روز قیامت با حضرت عیسی علیه‌السلام گفتگو نموده و از حضرت عیسی سؤال می‌فرماید که آیا او به اَمّتش گفته که او و مادرش «عیسی و حضرت مریم» را پرستند.

شک نیست که حضرت عیسی چنین مطلبی را به اَمّتش نفرموده زیرا انبیاء الهی و اوصیاء آن‌ها مقام عصمت دارند و هرگز مرتکب گناه نمی‌شوند تا چه رسد به اینکه مرتکب گناهی به این بزرگی بشوند که اَمّت خویش را به شرک دعوت نمایند. با عنایت به اینکه خداوند متعال که از اسرار و نهران انسان‌ها آگاهی دارد به خوبی می‌داند که حضرت عیسی همواره اَمّت خویش را به پرستش خدای یگانه دعوت نموده است، بنابراین:

منظور از این استفهام و منظور از این پرسش خداوند متعال از حضرت عیسی اقرار گرفتن از حضرت عیسی در مقابل اَمّتش می‌باشد که در مقابل خداوند متعال و در حضور اَمّت خویش اعتراف و اقرار نماید که دستورات خداوند متعال را به مردم ابلاغ نموده و آن‌ها را به پرستش خداوند یگانه دعوت نموده است، لیکن این انسان‌ها به جای پرستش خدای یگانه راه شرک را در پیش گرفته و از صراط مستقیم خارج شده‌اند.

این گفتگو در واقع به منظور تنبیه و تهدید و سرزنش و توبیخ گنهکاران است و بیان محکومیت آنها، و به بیان دیگر:

این پرسش خداوند متعال از حضرت عیسی در روز قیامت به منظور تشدید خوف و ترس و حزن گنهکاران می‌باشد تا بدانند که چه گناه عظیمی مرتکب

۱. المیزان، جلد دوازدهم، صفحه ۹۷ تا ۹۹.

مجمع‌البیان، جلد هفتم، صفحه ۲۵۱.

تفسیر نمونه، جلد پنجم، صفحه ۱۷۰ تا ۱۷۳، ۱۷۵ تا ۱۷۷.

شده‌اند و چه عذاب سختی در انتظار آنها است.

انشاءالله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که روز قیامت خداوند متعال با وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز گفتگو نموده و از آن حضرت سؤال خواهد فرمود که آیا وصی و جانشین خویش را به امتش معرفی نموده یا نه،

همچنین از تک تک ائمه معصومین علیهم السلام چنین سؤالی را خواهد فرمود که آیا وصی و جانشین خودشان را به امت اسلام معرفی نموده‌اند یا نه. با عنایت به اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام اوصیاء خویش را معرفی نموده‌اند و مردم را به تبعیت از آن بزرگواران سفارش کرده‌اند و خداوند متعال نیز از این قضایا آگاه می‌باشد، لذا این سؤال در واقع محاکمه منکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام می‌باشد که چرا دستورات آن بزرگواران را اطاعت نکرده و از جانشین آن ذوات مقدسه تبعیت ننموده‌اند.

بدیهی است اولین تهدید متوجه کسانی است که سفارشات مکرر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را درباره وصی و جانشین آن حضرت یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نادیده گرفته و پس از رحلت پیامبر اکرم حق آن بزرگوار را غصب نمودند.

اعتراف و اقرار پیامبر اکرم به ابلاغ امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در روز قیامت و در پیشگاه خداوند متعال و در حضور امت اسلام در واقع محاکمه افرادی است که امامت آن حضرت را انکار نمودند، و این محاکمه برای سرزنش و توبیخ و تشدید خوف و حُزن کسانی است که فرمایشات پیامبر اکرم را درباره امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بارها و بارها از لسان مبارک آن حضرت شنیدند لیکن بلافاصله پس از رحلت آن حضرت دقیقاً خلاف آن عمل نمودند.

حدیث:

وجود مقدّس امام باقر علیه‌السلام درباره این آیه شریفه «قالَ اللهُ هَذَا يَوْمَ يَنْفَعُ الصّادِقِينَ صِدْقُهُمْ...» آیه ۱۱۹، سوره مائده» فرمودند:

وقتی که قیامت فرا می‌رسد و مردم برای حسابرسی برانگیخته شده و محشور می‌شوند نخستین کسی که از جانب خداوند متعال صدا زده می‌شود وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می‌باشد. این صدا را همه خلایق می‌شنوند «همه کسانی که در صحرای محشر حاضر شده‌اند»،

و متعاقب آن وجود مقدّس محمّد بن عبدالله «پیامبر اکرم» به ندای حق تعالی لَبَّیک گفته و به امر خداوند متعال در طرف راست عرش مستقر می‌شود. سپس از جانب خداوند متعال وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام دعوت می‌شود و آن حضرت نیز به ندای حق تعالی لَبَّیک گفته و در طرف چپ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم مستقر می‌شود، و سپس به دستور خداوند متعال امّت حضرت محمّد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلّم در طرف چپ امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام استقرار پیدا می‌کنند، و آنگاه همه انبیاء از اوّل تا آخر با امّت‌های خویش دعوت می‌شوند و آن‌ها در طرف چپ عرش مستقر می‌شوند.

وجود مقدّس امام باقر علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند: نخستین کسی که به پرسش فرا خوانده می‌شود وجود مقدّس محمّد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلّم می‌باشد، و خداوند متعال آن حضرت را آنچنان به خویش نزدیک می‌کند که هیچ مخلوقی به چنین قُربی نرسیده است، و آنگاه خداوند متعال به پیامبر اکرم می‌فرماید:

ای محمّد:

آیا جبرئیل پیام و علم و حکمت مرا به تو رساند.
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به خداوند متعال عرض می‌کند:
بله ای پروردگار من،

تمام آنچه را که به جبرئیل وحی فرموده بودی به من رساند و کتاب و علم و حکمت تو را به من انتقال داد و ابلاغ کرد.
خداوند متعال به پیامبر اکرم می‌فرماید:
ای محمّد:

کتاب و علم و حکمت مرا که جبرئیل به تو رساند به امتت ابلاغ نمودی.
پیامبر اکرم به خداوند متعال عرض می‌کند:
بله ای پروردگار من،

هر آنچه که از علم و کتاب و حکمت به من وحی فرمودی به امتم ابلاغ نمودم
و در این راه بسیار مجاهده و تلاش کردم.
خداوند متعال به پیامبر اکرم می‌فرماید:
شاهد تو کیست «چه کسی شهادت می‌دهد که تو پیام مرا به امتت ابلاغ نمودی»
پیامبر اکرم به خداوند متعال عرض می‌کند:
پروردگارا:

تو خود شاهد و گواه هستی که من رسالت تو را تبلیغ کردم و پیام تو را به امتم
ابلاغ نمودم،

و ملائکه تو و ابرار امت من «نیکان امت من» نیز بر این امر شاهد و گواه هستند،
و تو خود برای شهادت کفایت می‌کنی «خداوندا، همین که خودت شاهد و گواه
هستی که من پیام تو را به امتم ابلاغ کردم کفایت می‌کند، چرا که تو بهترین شاهد
و بهترین گواه هستی».

سپس به دستور خداوند متعال ملائکه الهی دعوت می‌شوند و تمام ملائکه به
صدق گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شهادت و گواهی می‌دهند،
آنگاه به دستور خداوند متعال امت حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم
دعوت می‌شوند و خداوند متعال از آنها سؤال می‌فرماید که:

آیا حضرت محمّد بن عبدالله رسالت و کتاب و علم و حکمت مرا به شما ابلاغ
نمود.

امت پیامبر اکرم به خداوند متعال عرض می‌کنند:

بله، پیامبر اکرم پیام تو را به ما ابلاغ فرمود.
در این هنگام خداوند متعال وجود مقدّس پیامبر اکرم را مخاطب ساخته و به آن
حضرت می‌فرماید:

ای محمّد:

آیا خلیفه و جانشین خودت را برای امتّ معرفی و منصوب کردی تا بعد از
تو حکمت و علم مرا زنده نگه دارد و کتاب مرا برای آنها تفسیر نماید و موارد
اختلاف را برایشان توضیح دهد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به خداوند متعال عرض می‌کند:
بله ای پروردگار من،

برادر خودم، وزیر خودم، وصیّ خودم و بهترین فرد از امتّ یعنی علیّ بن ابیطالب
را در بین امتّ به جانشینی خود گذاشتم،
و در زمان حیاتم او را عَلم و نشانه قرار دادم «راهنما و مُعرفّ دین و هادی و
راهنمای مردم»،

و امتّ را به اطاعت از او فراخواندم، و او را خلیفه خودم «جانشین خودم» در میان
امتّ قرار دادم تا امام مردم باشد و امامی باشد که مردم به او اقتدا کنند تا روز قیامت.
سپس خداوند متعال امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام را دعوت نموده و
به او می‌فرماید:

آیا حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم تو را وصی و جانشین خودش در
بین امتّش قرار داد، و آیا تو به وظیفه خلافت «جانشینی» رسول الله اقدام نمودی.
امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام به خداوند متعال عرض می‌کند:
بله، ای پروردگارم،

حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم مرا وصی و جانشین خودش در بین
امتّش قرار داد لیکن پس از رحلت پیامبر اکرم امتّ آن حضرت مرا تکذیب و انکار
نموده «امامت مرا نپذیرفتند» و مرا خانه‌نشین کردند و از من اطاعت ننمودند.

آنگاه خداوند متعال به امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام می‌فرماید:
آیا تو کسی را برای بعد از خودت وصی و جانشین قرار دادی تا بندگان مرا به

دین من و راه من دعوت نماید.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به خداوند متعال عرض می کند:
بله، ای پروردگارم،

پسرم و پسر دختر پیامبرت حسن را جانشین خودم قرار دادم.
آنگاه از جانب خداوند متعال حسن بن علی علیهما السلام «امام مجتبی علیه السلام»
دعوت شده و آنچه که از علی بن ابیطالب علیه السلام سؤال شده بود از امام مجتبی
علیه السلام پرسیده می شود «که آیا برای خودش وصی و جانشین انتخاب نموده
است یا خیر»،

و به همین صورت تک تک ائمه معصومین علیهم السلام دعوت شده و در رابطه
با تعیین جانشین خویش و اینکه برای خودشان وصی و جانشین انتخاب نموده اند
یا نه مورد سؤال قرار می گیرند، و همه این بزرگواران اظهار می کنند که وصی و
جانشین خویش را به مردم معرفی کرده اند و این قضیه تا آخرین امام «امام زمان
علیه السلام» ادامه می یابد،

و خداوند متعال نیز دلائل آن بزرگواران را پذیرفته «خداوند متعال می پذیرد و
گواهی می دهد که ائمه معصومین علیهم السلام وصی و جانشین خودشان را به
مسلمانان معرفی نموده اند، و اگر کسانی به آن ذوات مقدسه ایمان نیاورده اند فقط
و فقط خودشان مقصّر و گنهگار می باشند چرا که پیامبر اکرم و ائمه معصومین
علیهم السلام وصی و جانشین خویش را معرفی و منصوب نموده اند تا مسلمانان
بلا تکلیف و سرگردان نمانند»،

و سپس خداوند متعال می فرماید:

هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ «آیه ۱۱۹، سوره مائده»^۱

۱. تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۵۱۱ - ۵۱۲.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۷۷۸ تا ۷۸۱، حدیث ۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۵۳۳ تا ۵۳۷، حدیث ۴۴۶ «حدیث ۳۰۰۷».

«سوره انعام»

آیه ۱۰۸ سوره انعام:

«وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ، فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ»

ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

به معبود کسانی که غیر خدا را می خوانند دشنام ندهید «به بت های مشرکین دشنام ندهید و به آن ها ناسزا نگوئید»، مبدا آن ها نیز از روی ظلم و از روی جهالت و نادانی به خداوند متعال ناسزا بگویند و دشنام دهند.^۱

شرح لغات و توضیحات:

سَبَّ = فحش دادن، ناسزا گفتن، دشنام دادن؛

عَدُوٌّ = ظلم، عداوت و دشمنی؛^۲

این آیه شریفه «آیه ۱۰۸ سوره انعام» یکی از ادب های دینی را خاطر نشان می سازد که در صورت رعایت آن مقدّسات جامعه دینی محفوظ مانده و دستخوش اهانت و ناسزا و مسخره دیگران نمی شود، چرا که هر کس با هر عقیده ای «اعم

۱. تفسیر نمونه، جلد پنجم، صفحه ۴۸۶.

المیزان، جلد چهاردهم، صفحه ۱۶۲.

۲. مجمع البیان، جلد هشتم، صفحه ۲۲۱.

المیزان، جلد چهاردهم، صفحه ۱۶۷.

از اینکه حق باشد یا باطل» معمولاً از مقدّسات خودش دفاع می‌کند و با کسانی که به حریم مقدّسات او تجاوز کند به مقابله برمی‌خیزد و بعضاً به علّت شدّت خشم و غضب طرف مقابل را به فحش و ناسزا می‌گیرد، و چون احتمال داشت که مسلمانان به منظور دفاع از حریم خداوند متعال به معبود مشرکین «به بت‌های آن‌ها» دشنام و ناسزا بگویند و مشرکین نیز از روی جهالت و نادانی و به خاطر دشمنی و عداوت خویش با مسلمانان مقابله به مثل نموده و به معبود مسلمانان یعنی به ذات اقدس‌اله و یا به وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم که رسول و فرستاده خداوند متعال می‌باشد اهانت نموده و ناسزا بگویند، لذا خداوند متعال این آیه شریفه را نازل فرموده و مسلمانان را از ناسزا گفتن و دشنام دادن به معبود مشرکین بر حذر می‌دارد.

خداوند متعال در این آیه شریفه به مسلمانان دستور می‌دهد که:

وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ = هیچ‌گاه به معبود مشرکین و به بت‌های مشرکین دشنام ندهید و به آن‌ها ناسزا نگوئید.

در واقع خداوند متعال به مؤمنین و مسلمانان دستور می‌دهد که به جای فحش و ناسزا گفتن به کفّار و مشرکین «و هر غیر موحدی» آن‌ها را با دلیل و منطق به اسلام دعوت نمایند، زیرا اگر ما مسلمان‌ها به مقدّسات غیرمسلمان‌ها فحش بدهیم و ناسزا بگوئیم، آن‌ها نه تنها مسلمان نمی‌شوند بلکه ممکن است متقابلاً به مقدّسات مسلمین اهانت کنند و دشنام بدهند که در این صورت ما نیز در گناه آن‌ها شریک می‌باشیم «گرچه گناه آن‌ها به مراتب سنگین‌تر می‌باشد».

در ادامه آیه شریفه بیان شده که اگر شما به معبود مشرکین فحش بدهید و ناسزا بگوئید ممکن است که:

فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ = آن‌ها نیز از روی جهالت و نادانی و از روی ظلم و ستم و عداوت با شما به ساحت قدّس خداوند متعال ناسزا بگویند.

منع کردن مسلمین از ناسزا گفتن به مقدّسات غیرمسلمین «اعم از کفّار و مشرکین و...» نه به این جهت است که آن‌ها ارزش و اعتباری در پیشگاه خداوند متعال دارند تا ما موظّف باشیم به آن‌ها دشنام ندهیم، بلکه ادب و نزاکت دینی حکم می‌کند که

به جای فحش دادن و ناسزا گفتن با استدلال و منطق برخورد نموده و عقائد باطل آن‌ها را گوشزد نموده و سپس آن‌ها را به سوی اسلام دعوت نمائیم. و از طرف دیگر چنانچه ما به آن‌ها و مقدّسات آن‌ها اهانت نمائیم و دشنام دهیم آن‌ها نیز ممکن است به مقدّسات ما اهانت نمایند که در این صورت ما نیز در جرم آن‌ها شریک می‌شویم «حتّی اگر مقدار آن ناچیز باشد»، زیرا ما باعث جسارت و اهانت آن‌ها شده‌ایم.

در جریان جنگ صفّین «جنگ امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام با معاویه بن ابی سفیان» جمعی از اصحاب حضرت امیر علیه‌السلام به پیروان معاویه دشنام دادند و وقتی حضرت امیر علیه‌السلام از این قضیه اطلاع پیدا کرد به اصحاب خویش فرمود: من خوش ندارم که شما فحاش باشید زیرا اگر به جای دشنام دادن اعمال و حالات آن‌ها را متذکّر شوید «روی اعمالشان تجزیه و تحلیل نمائید و باطل بودن راهشان را با دلیل و منطق بیان نمائید» به حق نزدیک‌تر است و برای اتمام حجّت بهتر «نه اینکه منطق و دلیل باعث بیدار شدن سپاهیان معاویه می‌شد بلکه این عمل برای اتمام حجّت بهتر بود، ضمن اینکه باعث نمی‌شد که آن‌ها نیز به وجود مقدّس مولی‌الموحّدین امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام اهانت نمایند و آن حضرت را سبّ نموده و ناسزا بگویند، گرچه آن کفّار به ظاهر مسلمان ده‌ها سال وجود مقدّس امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام را در نمازهای جمعه و بالای منابر سبّ نموده و به آن حضرت ناسزا می‌گفتند، حتّی بعضی از آن مسلمان نماها در قنوت نماز خویش حضرت امیر علیه‌السلام را سبّ می‌نمودند»^۱.

حدیث:

۱. از امام صادق علیه‌السلام درباره این آیه شریفه «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ، فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ - آیه ۱۰۸، سوره انعام» سوال شد، و امام صادق علیه‌السلام در پاسخ به سؤال عمر طیالسی به او فرمود:

۱. المیزان، جلد چهاردهم، صفحه ۱۶۷.

مجمع‌البیان، جلد هشتم، صفحه ۲۲۲.

تفسیر نمونه، جلد پنجم، صفحه ۴۸۶ تا ۴۸۹.

ای عمر:

آیا تاکنون کسی را دیده‌ای که خداوند متعال را سبّ نموده و به خداوند متعال دشنام دهد.

عمر طیالسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد:

خیر، چگونه این امر محقق می‌شود

امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس و لئی خدا و حجّت خداوند متعال را سبّ نماید و دشنام دهد خداوند متعال را سبّ نموده و به خداوند متعال دشنام داده است.^۱

۲. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب

علیه السلام فرمود:

یا علی:

هر کس تو را سبّ کند «دشنام دهد و ناسزا بگوید» مرا سبّ کرده است،

و هر کس مرا سبّ کند خداوند متعال را سبّ کرده است،

و هر کس خداوند متعال را سبّ نماید خداوند متعال او را با صورت «به رو» به

داخل جهنّم پرتاب خواهد کرد.^۲

۳. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

مَنْ سَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ سَبَّنِي،

وَ مَنْ سَبَّنِي فَقَدْ سَبَّ اللَّهَ، یعنی:

پیامبر اکرم فرمودند:

هر کس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را سبّ نماید «به آن حضرت

۱. المیزان، جلد چهاردهم، صفحه ۱۸۱.

تفسیر صافی، جلد دوّم، صفحه ۵۹۷ - ۵۹۸.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۱۲۷، حدیث ۳.

تفسیر نورالتقلین، جلد دوّم، صفحه ۶۷۵، حدیث ۲۳۷ «حدیث ۳۲۴۶».

۲. تفسیر صافی، جلد دوّم، صفحه ۵۹۸.

ناسزا بگویند» مرا سَبَّ نموده است،

و هر کس مرا سَبَّ نماید خداوند متعال را سَبَّ نموده است.^۱

۴. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

حُرِّمَتِ الْجَنَّةُ عَلَى مَنْ ظَلَمَ أَهْلَ بَيْتِي، وَ عَلَى مَنْ سَبَّهُمْ، أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ، وَ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ، وَ لَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ لَا يُزَكِّيهِمْ، وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ، یعنی:

پیامبر اکرم فرمودند:

بهشت حرام است بر کسانی که به اهل بیت من ظلم نمایند و آن‌ها را سَبَّ کنند «کسانی که به اهل بیت پیامبر اکرم ظلم کنند و به آن ذوات مقدّسه ناسزا گفته و آن‌ها را سَبَّ نمایند هرگز وارد بهشت نخواهند شد»،

این‌ها «ظلم‌کنندگان به اهل بیت پیامبر اکرم و سَبَّ‌کنندگان آن بزرگواران» هیچ بهره و نصیب خیری در آخرت نخواهند داشت،

خداوند متعال با این‌ها صحبت نخواهد کرد «به این‌ها توجّه نخواهد کرد»،

خداوند متعال نظر رحمت به این‌ها نخواهد نمود،

خداوند متعال این‌ها را از گناهان پاک نخواهد کرد «گناهان آن‌ها را نخواهد بخشید»،

و برای این‌ها عذاب دردناکی خواهد بود «گرفتار عذاب الیم و دردناک جهنّم خواهند بود».^۲

۵. عدّه‌ای از اصحاب امام صادق علیه‌السلام که در محضر آن حضرت بودند به

آن بزرگوار عرض نمودند:

یا بن رسول الله:

ما در مسجد «مسجد النبی یا یک مسجد دیگر در شهر مدینه» مردمی را می‌بینیم

که به طور علنی و آشکار دشمنان شما را سَبَّ نموده و به آن‌ها ناسزا می‌گویند.

وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام فرمود:

۱. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، جلد دوم، باب ۳۱، اخبار مجموعه، صفحه ۱۲۱، حدیث ۳۰۹.

۲. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، جلد دوم، باب ۳۱، اخبار مجموعه، صفحه ۲۸، حدیث ۶۵.

خداوند او را لعنت کند،

او اجر و پاداشی ندارد، زیرا:

او در واقع متعرض ما شده و ما را در معرض سب دشمنان ما قرار داده است
 «این عمل او باعث می شود تا دشمنان ما نیز ما را علناً سب نمایند».

آنگاه امام صادق علیه السلام این آیه شریفه را « وَ لَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ، فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ - آیه ۱۰۸ سوره انعام» تلاوت نموده و در تفسیر این آیه شریفه فرمودند:

آن‌ها را «دشمنان ما را» سب نکنید و به آن‌ها دشنام ندهید زیرا آن‌ها نیز به شما سب خواهند نمود و به شما ناسزا خواهند گفت.

وجود مقدس امام صادق علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

هر کس ولی خدا و حجت خدا را سب نماید و به او ناسزا بگوید به تحقیق خداوند متعال را سب نموده و به خداوند متعال ناسزا گفته است.^۱

قابل ذکر است که اگر شخصی خدای ناکرده به یکی از چهارده معصوم علیهم السلام دشنام بدهد و به آن ذوات مقدسه اهانت نماید بلافاصله نجس می شود «یعنی نجس العین مثل سگ و خوک و کافر».

این مطلب در رساله های عملیه «توضیح المسائل» در بخش نجاسات و ذیل عنوان کافر درج شده است.

توضیح:

طبق احادیث شریفی که به عرض رسید:

سب ذوات مقدسه معصومین علیهم السلام «چهارده معصوم علیهم السلام» یعنی سب خداوند متعال،

و سب خداوند متعال یعنی خروج از دایره ایمان و ورود به وادی کفر و الحاد،
 لذا:

لازم است شیعیان از سب و ناسزا گفتن به دشمنان خویش در مجامع عمومی

احتراز نمایند،

زیرا ممکن است دشمنان شیعیان نیز مقابله به مثل نموده و خدای ناکرده به ائمه معصومین علیهم السّلام ناسزا بگویند که در این صورت ما مقصّر و گنهکار می‌باشیم،

گرچه گناه اصلی بر دوش سَبّ کنندگان می‌باشد که با این عمل خویش خودشان را مستحقّ عذاب دردناک جهنّم نموده‌اند.

این سخن به این معنی نیست که دشمنان ائمه معصومین علیهم السّلام نیز اندکی ارزش و اعتبار دارند که نباید مورد اهانت قرار بگیرند،

بلکه لعن نکردن دشمنان ائمه معصومین علیهم السّلام در کوچه و بازار به این خاطر است که مبدا آنها نیز مقابله به مثل نمایند، بنابراین:

دشمنان ائمه معصومین علیهم السّلام استحقاق این را دارند که همیشه و در همه حال مورد لعن قرار بگیرند، لذا:

ملاحظه می‌فرمائید که در زیارتنامه‌هایی که از ناحیه ائمه معصومین علیهم السّلام صادر شده «مثل زیارت عاشورا» دشمنان آن ذوات مقدّسه مورد لعن قرار گرفته‌اند،

و خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام آنها را «دشمنان ائمه معصومین علیهم السّلام» لعنت نموده‌اند و به شیعیان نیز دستور فرموده‌اند تا این ادعیه و زیارتنامه‌ها را خوانده و از دشمنان آن ذوات مقدّسه اعلام برائت نمایند.

به عنوان حُسن ختام این بحث به یک حدیث شریف اشاره می‌شود.

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

بر شما است که در جایی که دشمنان خدا نمی‌شنوند آنان را سَبّ نمائید تا آنها

به خداوند متعال ناسزا نگویند، یعنی:

دشمنان خداوند متعال را «یعنی دشمنان ائمه معصومین علیهم السّلام را» در

کوچه و بازار سبّ و لعنت نکنید،

زیرا:

ممکن است مقابله به مثل شده و به ائمه معصومین علیهم السّلام اهانت شود.^۱

۱. تفسیر نورالتّقلین، جلد دوّم، صفحه ۶۷۵، حدیث ۲۳۸ «حدیث ۳۲۴۷».

آیه ۱۲۲ سوره انعام:

«أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا...»

ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

آیا کسی که مرده بود «غرق در جهالت و ضلالت بود» و ما او را زنده کردیم و به او نوری دادیم «ایمان و هدایت» تا به کمک آن نور در میان مردم راه برود مانند کسی است که در تاریکی‌ها و ظلمات فرو رفته «ظلمت کفر و بی دینی» و نمی تواند از آن‌ها خارج شود.^۱

شرح لغات و توضیحات:

مَيِّتٌ = مرده؛

مَيِّتٌ = مرده؛

حَيٌّ، حَيَاةٌ = زندگی، حیات؛

مَشَى = راه رفتن، با قصد و اراده حرکت کردن و از مکانی به مکان دیگر رفتن؛

ظلمت = تاریکی «عدم نور».

از ظلمت به جهل و شرک و کُفر تعبیر می شود، همچنان که از نور به ضدّ آن‌ها

تعبیر می گردد، «یعنی علم، حکمت، ایمان، یگانه پرستی، دین و...».^۲

شأن نزول آیه شریفه:

گفته شده که این آیه شریفه درباره حمزه «عموی پیامبر اکرم» و ابوجهل نازل شده است.

ابوجهل از دشمنان سرسخت پیامبر اکرم بود و مرتّب پیامبر اکرم را آزار می داد

۱. تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۶۰۷.

۲. مفردات راغب.

و آن حضرت را اذیت می‌کرد.

یک روز ابوجهل وجود مقدس پیامبر اکرم را بسیار آزار داد و باعث ناراحتی آن حضرت شد به نحوی که حضرت حمزه که هنوز مسلمان نشده بود از این قضیه متأثر شد و به همین جهت به سراغ ابوجهل رفته و او را مورد ضرب و شتم قرار داد و سپس خدمت برادرزاده خود یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شرفیاب شده و اسلام را پذیرفته و مسلمان شد و تا آخرین لحظه عمر خویش به پیامبر اکرم وفادار ماند تا اینکه در جنگ اُحُد «سال سوّم هجری» به شهادت رسید.

این آیه شریفه در این رابطه نازل شده و به اوضاع و احوال حضرت حمزه و ایمان آوردن او به پیامبر اکرم اشاره دارد، همچنین آیه شریفه اشاره به کُفر و شرک ابوجهل دارد که تعبیر به ظلمت و تاریکی شده است.

در بعضی از تفاسیر نیز عنوان شده که این آیه شریفه در رابطه با ایمان آوردن عمّاریاسر و کُفر و شرک ابوجهل می‌باشد.

به هر حال شأن نزول آیه شریفه هر کدام از دو مورد فوق که باشد مانع عمومیت داشتن آیه شریفه نمی‌شود، یعنی:

این آیه شریفه مانند سایر آیات شریفه قرآن کریم فقط به مورد نزول خود اختصاص ندارد بلکه دارای مفهوم وسیع و گسترده‌ای است که در مورد هر مؤمن راستین و هر فرد بی‌ایمانی صادق می‌باشد.^۱

خداوند متعال در این آیه شریفه درباره دو فرقه و دو گروه سخن می‌گوید، یعنی فرقه مؤمنین و فرقه غیرمؤمنین «اعم از کفار و مشرکین و غیریکتاپرستان» و تفاوت‌های آن‌ها را بیان می‌فرماید.

أَوْ مَنْ كَانَ مُبْتَلًّیًا فَآخِیْبُنَا وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا یَمْشِی بِهِ فِی النَّاسِ، كَمَنْ مَثَلُهُ فِی الظُّلُمَاتِ لَیْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا = آیا آن مرده‌ای که ما حیاتش بخشیدیم و برای او نوری قرار دادیم تا به کمک آن نور در میان مردم راه برود «راه می‌رود» مثل کسی است که گرفتار ظلمت و تاریکی شده و نمی‌تواند از آن ظلمت خارج شود.

۱. مجمع‌البیان، جلد هشتم، صفحه ۲۵۵ - ۲۵۶.

تفسیر نمونه، جلد پنجم، صفحه ۵۲۳ - ۵۲۴.

خداوند متعال در این آیه شریفه کُفر و شرک و بی‌دینی را به مرگ، و ایمان را به حیات تشبیه فرموده است، یعنی:

کافر و مُشرک و بی‌دین میّت است، و مؤمن زنده و حیّ. مقصود از نور در این آیه شریفه ایمان می‌باشد که باعث می‌شود فرد کافر و مُشرک «که به مرده تشبیه شده» زنده شود یعنی مؤمن شود، و مقصود از ظلمت و تاریکی کُفر و شرک و بی‌دینی است. خلاصه کلام اینک:

کافر و مُشرک و هر فرد غیر موحد میّت و مرده‌ای است که از نعمت حیات و زندگی محروم است، لیکن پس از اینکه ایمان آورد این فرد مانند کسی می‌شود که خداوند متعال او را زنده کرده و به او نوری بخشیده که با آن نور می‌تواند هر جا که بخواهد برود و در پرتو آن نور راه را از چاه، خیر را از شر و همچنین نفعش را از ضررش تمیز دهد، و در نتیجه منافع و خیرات را بگیرد و از ضرر و شر احتراز نماید. عرض شد که:

ایمان باعث می‌شود که فرد کافر و مُشرک که به میّت تشبیه شده زنده شود و حیات پیدا کند یعنی مؤمن شود.

بدیهی است مقصود از این ایمان که مرده را به زنده تبدیل می‌کند «میّت را به حیّ تبدیل می‌کند» ایمان کامل می‌باشد، یعنی:

ایمان به وحدانیت خداوند متعال و ایمان به رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ایمان به امامت ائمه معصومین علیهم السّلام باعث می‌شود که انسان از ظلمات و تاریکی‌ها نجات یافته و از ضلالت و گمراهی به صراط مستقیم هدایت شود، لذا:

ایمان به خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام یعنی حیات، و چنین شخصی زنده و حیّ است یعنی مؤمن می‌باشد، همچنین: عدم اعتقاد به خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام «عدم اعتقاد به یکی از آنها یا عدم اعتقاد به هر سه» یعنی موت و مرگ، و چنین شخص میّت و مرده می‌باشد یعنی یا کافر است یا مُشرک و یا بی‌دین، به هر حال چنین شخصی در زمره مؤمنین قرار نخواهد داشت.

انشاء الله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که مقصود از نور در این آیه شریفه ائمه معصومین علیهم السلام و حُجج خداوند متعال می باشند که تمسک به آن ذوات مقدسه و تبعیت از آن بزرگواران باعث می شود تا میت به حی تبدیل شود یعنی غیرمؤمن، مؤمن شود.

توضیح:

الف) خداوند متعال در آیات دیگری نیز این مثال را زده تا مردم این حقیقت را کاملاً متوجه شوند.

خداوند متعال در آیات ۱۹ تا ۲۲ سوره فاطر می فرماید:

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ ﴿١٩﴾، یعنی:

هرگز نابینا و بینا یکسان نیستند.

وَلَا الظُّلُمَاتِ وَلَا النُّورُ ﴿٢٠﴾، یعنی:

هرگز ظلمات «تاریکی‌ها» و نور یکسان نیستند.

وَلَا الظِّلُّ وَلَا الحُرُّورُ ﴿٢١﴾، یعنی:

هرگز سایه آرام‌بخش و باد داغ و سوزان یکسان نیستند.

وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْواتُ ﴿٢٢﴾، یعنی:

هرگز مردگان و زندگان یکسان نیستند.

خداوند متعال در این آیات شریفه «آیات ۱۹ تا ۲۲ سوره فاطر» چهار مثال برای مؤمن و کافر «غیرمؤمن» ذکر می کند.

در آیه ۱۹ سوره فاطر، مؤمن به بینا و کافر به نابینا تشبیه شده است.

در آیه ۲۰ سوره فاطر، مؤمن به نور و کافر به ظلمات تشبیه شده است.

در آیه ۲۱ سوره فاطر، مؤمن به سایه آرام‌بخش و غیرمؤمن «اعم از کافر و مُشرك

و ...» به باد داغ و سوزان تشبیه شده است.

در آیه ۲۲ سوره فاطر، مؤمن به انسان‌های زنده «زندگان» و غیرمؤمن به اموات

«مرده‌ها» تشبیه شده است.

در آیه ۲۷ سوره آل عمران آمده که:

تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ تُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ، یعنی:
بارالها:

تو، زنده را از مرده بیرون می کنی و مرده را از زنده، یعنی:
خداوندا:

تو، مؤمن را از صُلب کافر و کافر را از صُلب مؤمن خارج می کنی.
در این آیه شریفه نیز مؤمن به حیّ «زنده» و کافر به میّت تشبیه شده است،
البته این آیه شریفه پیدایش حیات از مواد بی جان را نیز بیان می فرماید.^۱

ب) در آیه ۱۲۲ سوره انعام و در آیه بیستم سوره فاطر ظلمات با صیغه جمع
آمده و نور با صیغه مفرد، زیرا:

ظلمت شُعب فراوانی دارد، یعنی کُفر و شرک و نفاق و الحاد شعبه‌های فراوانی
دارند، و به عبارت دیگر:

راه‌های ضلالت و گمراهی که منجر به کُفر و شرک شده و به جهنم منتهی
می شود فراوان است، لیکن:

ایمان که به نور تشبیه شده یک راه بیشتر نیست و آن هم راه محمّد و آل محمّد
علیهم السّلام می باشد، یعنی:

کسانی که از وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام تبعیت و پیروی نموده
و امامت و ولایت آن ذوات مقدّسه را بپذیرند دارای ایمان کامل هستند و مؤمن
واقعی می باشند و در آخرت فائز و رستگار می باشند،

و اگر افرادی در غیر این طریق گام بردارند و از اشخاص دیگری غیر از این
ذوات مقدّسه تبعیت نمایند در راه ضلالت و گمراهی گام برداشته‌اند و جایگاه آن‌ها
جهنم می باشد.

ذیل آیه ۱۵۹ سوره انعام «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيعًا...» حدیثی از وجود
مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نقل شده که آن حضرت فرمودند:

۱. تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۶۱۰.

اصول کافی، جلد سوم، صفحه ۵، حدیث ۷، «حدیث ۱۴۴۷».

سَتَفَرِّقُ أُمَّتِي عَلَى ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً، كُلُّهَا فِي النَّارِ إِلَّا وَاحِدَةً وَ هِيَ الَّتِي تَتَّبِعُ وَصِيَّ عَلِيًّا، يَعْنِي:

پیامبر اکرم فرمودند:

اُمّت من بعد از رحلت من هفتاد و سه فرقه خواهند شد که همگی در آتش هستند مگر یک فرقه که اهل نجات می باشد،
و آن فرقه نجات یابنده فرقه ای است که از وصی و جانشین من یعنی علی بن ابیطالب علیه السلام پیروی و تبعیت نماید.^۱

حدیث:

۱. امام باقر علیه السلام درباره این آیه شریفه «أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَآخِيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا...» - آیه ۱۲۲، سوره انعام» فرمودند:

«نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ» يَعْنِي «إِمَامًا يُؤْتَمُّ بِهِ»، وَ

«كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا» يَعْنِي «الَّذِي لَا يَعْرِفُ الْإِمَامَ»، يَعْنِي:

وجود مقدّس امام باقر علیه السلام فرمودند:

مقصود از نور در این آیه شریفه امام معصوم و حجّت خداوند متعال است که مردم به او اقتدا کرده و از او تبعیت نموده و به همین جهت رستگار می شوند، و مقصود از کسی که در ظلمات و تاریکی ها است و راهی برای خروج از ظلمات و تاریکی ها پیدا نمی کند کسی است که امام معصوم و حجّت خداوند متعال را نمی شناسد و از او تبعیت نمی کند.^۲

۱. مجمع البیان، جلد هشتم، صفحه ۲۵۶ - ۲۵۷.

المیزان، جلد چهارم، صفحه ۲۰۰ - ۲۰۱.

تفسیر نمونه، جلد پنجم، صفحه ۵۲۵ تا ۵۲۷.

۲. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۶۲، حدیث ۱۳ «حدیث ۴۷۲».

المیزان، جلد چهاردهم، صفحه ۲۱۶ - ۲۱۷.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۱۳۹، حدیث ۱.

تفسیر نورالقلین، جلد دوم، صفحه ۶۹۱، حدیث ۲۷۰، «حدیث ۳۲۷۹».

صافی، جلد دوم، صفحه ۶۰۹ و ۶۱۰.

۲. بُرِيدِ عَجَلِي مِي گويد:

از وجود مقدّس امام باقر عليه السلام درباره اين آيه شريفه «أَوْمَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا...» آيه ۱۲۲ سوره انعام» سؤال كردم، و آن حضرت در پاسخ به سؤال من فرمود:

ميت کسی است که امامت ما را نشناسد،

و مقصود از نور در اين آيه شريفه امامی است که مردم بايد به او اقتدا نمايند

يعنی علی بن ابيطالب عليه السلام «و ديگر ائمه معصومين عليهم السلام»،

و مقصود از كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا، مردمی هستند که چیزی را

نمی شناسند «امر امامت ما را نمی شناسند»،

و سپس وجود مقدّس امام باقر عليه السلام با دست مبارک خویش به آن ها اشاره

نمود «به افرادی که معتقد به امامت ائمه معصومين عليهم السلام نبودند».^۱

۳. وجود مقدّس امام صادق عليه السلام درباره اين آيه شريفه «أَوْمَنْ كَانَ مَيِّتًا

فَأَحْيَيْنَاهُ ...» آيه ۱۲۲، سوره انعام» فرمودند:

اين ها کسانی بودند که بدون ولايت ما مرده بودند و به واسطه ما زنده شدند « با

نداشتن ولايت ما مثل مرده و ميت بودند و با پذيرش ولايت ما زنده شدند».^۲

توضیح:

الف) طبق اين احاديث نورانی و شريف کسانی که ولايت و امامت ائمه معصومين

عليهم السلام را قبول ندارند مانند مرده و ميت می باشند،

و خداوند متعال کسانی را که ولايت و امامت ائمه معصومين عليهم السلام را

می پذيرند آن ها را به خاطر اين موضوع «پذيرش امامت ائمه معصومين عليهم السلام»

۱. تفسير صافی، جلد دوم، صفحه ۶۱۰.

تفسير برهان، جلد چهارم، صفحه ۱۴۰، حديث ۴.

تفسير نورالقلین، جلد دوم، صفحه ۶۹۱، حديث ۲۷۲، «حديث ۳۲۸۱».

۲. تفسير صافی، جلد دوم، صفحه ۶۱۰.

تفسير نورالقلین، جلد دوم، صفحه ۶۹۳، حديث ۲۷۳، «حديث ۳۲۸۲».

زنده کرده و آن‌ها را هدایت می‌فرماید، بنابراین:

کافر که به میت تشبیه شده و همواره در ظلمات و تاریکی‌ها می‌باشد و نمی‌تواند از آن خارج شود کسی است که ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و یازده امام معصوم از نسل آن حضرت را قبول ندارد، و مؤمن که به زنده «حَیّ» تشبیه شده و همواره با نور ولایت و امامت راه را از چاه و خیر را از شر تشخیص داده و به صراط مستقیم هدایت شده کسی است که به ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و یازده امام معصوم از نسل آن حضرت ایمان دارد و از آن ذوات مقدسه تبعیت می‌کند، و معنی فرمایش امام صادق علیه‌السلام در این حدیث شریف این است که: ولایت و امامت ما «ائمه معصومین علیهم‌السلام» باعث زنده شدن و حیات انسان‌ها است، و بدون ولایت و امامت ما مردم در ظلمت و تاریکی بوده و به منزله میت می‌باشند.

ب) ملاحظه فرمودید که منظور از نور در این آیه شریفه «آیه ۱۲۲ سوره انعام»، که مردم با کمک آن نور در بین مردم راه می‌روند و نفع و ضرر خویش را تشخیص می‌دهند امام معصوم و حجّت خداوند متعال می‌باشد که مردم با پذیرش امامت آن ذوات مقدسه به راه راست هدایت شده و سعادت‌مند می‌شوند. در آیات دیگری نیز نور به ائمه معصومین علیهم‌السلام تأویل شده که ذیلاً به تعدادی از این آیات شریفه اشاره می‌شود.

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا - آیه ۱۷۴، سوره نساء.»
 «فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّوْهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ، أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ - آیه ۱۵۷، سوره اعراف.»

«فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ - آیه هشتم، سوره تغابن.»

ذیل این آیات شریفه توضیحات لازم به عرض رسیده است.

ج) ذیل آیه ۲۵۷ سوره بقره «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ، وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شد که آن حضرت فرمودند:
 منظور از نور در این آیه شریفه آل محمد علیهم السلام می باشند،
 و منظور از ظلمات دشمنان آن ذوات مقدسه هستند.

آیه ۱۴۹ سوره انعام:

«قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ، فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ».

ترجمه:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

ای پیامبر:

به مشرکان «همچنین به همه انسانها» بگو:

دلیل و حجّت رسا از آن خداوند متعال است «دلیل و حجّتی که برای هیچ کس

جای عذر و بهانه باقی نماند»،

و اگر خداوند متعال بخواهد و اراده بفرماید همه شما را به اجبار هدایت می کند

«اگر خداوند متعال می خواست همه شما را اجباراً هدایت می کرد ولی اینگونه

نخواست است».^۱

شرح لغات و توضیحات:

حُجَّت = برهان، بینه، دلیل روشن و آشکار؛

بالغه = رسا؛

حجّت بالغه = دلیل و برهان آشکار و رسا، دلیل و برهانی که هر کس به آن

متوسّل شود هر گونه شک و شبهه‌ای ریشه کن می شود.^۲

در آیات قبل آمده که:

مُشْرِکِینَ می گفتند و دلیل می آوردند که:

اگر خداوند متعال می خواست و اراده می فرمود ما و پدران ما مُشْرِکِینَ نمی شدیم،

یعنی:

۱. مجمع البیان، جلد نهم، صفحه ۳.

تفسیر نمونه، جلد ششم، صفحه ۳۵.

۲. مجمع البیان، جلد نهم، صفحه ۵.

تفسیر نمونه، جلد ششم، صفحه ۳۸.

مفردات راغب.

مُشْرکین دلیل می‌آورند که:

اگر آن‌ها مُشْرک هستند این موضوع خواسته و مشیّت خداوند متعال می‌باشد. در واقع آن‌ها «مُشْرکین» معتقد به اصل جَبْر بودند و می‌گفتند هر کاری که ما می‌کنیم اراده و مشیّت خداوند متعال است و ما از خودمان اختیار نداریم و اگر خداوند متعال نمی‌خواست چنین اعمالی از ما سر نمی‌زد.

در واقع مُشْرکین می‌خواستند به بهانه جَبْر اعمال خودشان را توجیه کنند و گرنه هر آدم عاقلی می‌داند که انسان در اعمال خویش آزاد است نه مجبور، یعنی انسان می‌تواند آزادانه و با اختیار خویش کار خوب انجام دهد یا کار بد، و به همین لحاظ اگر انسان کار خوب انجام دهد خداوند متعال به او پاداش می‌دهد و اگر کار بد انجام بدهد خداوند متعال او را مجازات می‌کند،

در حالی که اگر انسان اختیاری در انجام کارهای خودش نداشته باشد و مجبور به انجام دادن آن‌ها باشد «چه کار خوب و چه کار بد» در این صورت نه برای کار خوب او پاداشی تعلّق می‌گیرد و نه برای کار بد او مجازات، زیرا در هر دو صورت او مجبور به انجام دادن آن کارها بوده است، در حالی که خداوند متعال روز قیامت به نیکوکاران پاداش خواهد داد و بدکاران را به جهنّم خواهد فرستاد چرا که انسان‌ها در دنیا مختار و آزاد می‌باشند و قدرت این را دارند که کار خوب انجام بدهند و یا کار بد، لذا چون به اختیار خود و با آزادی تمام این کارها را انجام داده‌اند به همین جهت به کار خوب آن‌ها پاداش داده می‌شود و به کار بد آن‌ها مجازات در نظر گرفته خواهد شد.

خداوند متعال به پیامبر اکرم می‌فرماید:

ای پیامبر:

به مُشْرکین بگو که شما از ظنّ و گمان و خیالات خام خویش تبعیّت می‌کنید و این حرف‌ها را می‌زنید، زیرا:

خداوند متعال بندگان خویش را مجبور به ایمان نمی‌کند «به نحوی که نتوانند ایمان نیاورند» تا چه رسد به اینکه انسان‌ها را مجبور به کُفر نماید.

خداوند متعال به بندگان خویش در رابطه با انجام کارها اعم از کارهای نیک و

بد قدرت داده و این همان اختیار است که اساس تکلیف می‌باشد، و برای اینکه مردم تکلیف خودشان را بدانند خداوند متعال پیامبرانی را فرستاده تا راه راست را به مردم نشان بدهد،

و در واقع خداوند متعال با فرستادن انبیاء انسان‌ها را در معرض تکلیف قرار داده تا چنانچه انسان‌ها به تکلیف خویش عمل کردند خداوند متعال به آن‌ها پاداش بدهد و اگر به تکلیف خویش عمل نکردند آن‌ها را مجازات نماید. خلاصه کلام این شد که:

خداوند متعال به پیامبر اکرم می‌فرماید ای پیامبر: به مُشرکان بگو که شما در آنچه که می‌گوئید و دلیل می‌آورید پیرو حدس و گمان غلط هستید و دلیل شما حدس و ظنّ باطل است، چرا که خداوند متعال هرگز خواهان کُفر و معصیت بندگان خویش نیست و ارسال رُسل و فرستادن پیامبران دعوت به یکتاپرستی و ترک گناه می‌باشد. خداوند متعال سپس به پیامبر اکرم می‌فرماید:

ای پیامبر:

قُلْ = به مُشرکان بگو.

فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ = دلیل آشکار و صحیح و حُجَّت رسا و روشن نزد خداوند متعال است و آن دلیل و حجتی است که هر کس به آن متوسّل شود هر گونه شک و شبهه‌ای را از بین می‌برد.

در واقع خداوند متعال به پیامبر اکرم می‌فرماید که ای پیامبر به مُشرکان بگو: خداوند متعال دلایل صحیح و روشن را چه در باب توحید و یگانگی خدا و چه در رابطه با احکام دین «حرام‌ها و حلال‌ها» بیان فرموده است، هم به وسیله انبیاء الهی هم به وسیله عقل، تا برای هیچ کس عذر و بهانه‌ای باقی نماند. خداوند متعال در ادامه آیه شریفه می‌فرماید:

فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ = اگر خداوند متعال می‌خواست و اراده می‌فرمود «اگر بخواهد» که مردم را به امری اجبار کند و اختیار را از آن‌ها سلب نماید قطعاً شما مردم را اجبار می‌کرد که همگی ایمان بیاورید، یعنی:

اگر اراده و مشیّت خداوند متعال به این تعلق می‌گرفت که همه انسان‌ها باید مؤمن باشند قطعاً چنین می‌شد، لیکن:

خداوند متعال چنین چیزی را نخواست و انسان‌ها را تکویناً مؤمن و کافر خلق نفرموده که مؤمن مجبور به ایمان آوردن باشد و کافر و مُشْرک مجبور به کُفر و شِرک گردد.

این قسمت از فرمایش خداوند متعال پاسخ به مشرکین است که می‌گفتند که اگر خداوند متعال نمی‌خواست ما مشرک نمی‌شدیم، یعنی اگر الآن مُشْرک هستیم مشیّت و خواسته خداوند متعال است.

در حقیقت خداوند متعال به مُشْرکین اینگونه تفهیم می‌فرماید که:

خداوند متعال انسان‌ها را آزاد و مختار خلق فرموده و آن‌ها را مجبور به انجام کار خوب و بد و یا مجبور به ایمان و کُفر ننموده است، و به فرض محال اگر هم خداوند متعال اراده می‌فرمود و می‌خواست که انسان‌ها را مجبور کند قطعاً آن‌ها را مجبور به ایمان می‌نمود و اجباراً آن‌ها را به راه راست هدایت می‌کرد نه به راه ضلالت و گمراهی و کُفر و شِرک.

اینکه این حجّت‌های بالغه خداوند متعال «دلایل آشکار و صحیح و روشن» چه می‌باشند که خداوند سبحان به وسیله آن‌ها مسائل مربوط به توحید و یگانگی خویش و مسائل مربوط به احکام «حلال و حرام» را بیان فرموده انشاءالله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود.^۱

حدیث:

۱. وجود مقدّس امام کاظم علیه‌السلام فرمودند:

إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ،
حُجَّةَ ظَاهِرَةً وَ حُجَّةَ بَاطِنَةً،
فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْإِمَّةُ،

۱. مجمع‌البیان، جلد نهم، صفحه ۴ - ۵.

المیزان، جلد چهاردهم، صفحه ۲۴۵ - ۱۴۶.

تفسیر نمونه، جلد ششم، صفحه ۳۶ تا ۳۹.

وَأَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ، یعنی:

امام کاظم علیه السلام فرمودند:

خداوند متعال بر مردم دو حجت دارد، حجت ظاهری و آشکار، و حجت باطنی و پنهان.

حجت آشکار و ظاهری، رسولان و پیامبران و ائمه معصومین علیهم السلام هستند، و حجت پنهان و باطنی، عقول «عقل‌ها» می‌باشند.^۱

۲. وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:

نَحْنُ خَزَانُ عِلْمِ اللَّهِ،

نَحْنُ تَرَاجِمَةُ وَحْيِ اللَّهِ،

نَحْنُ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ عَلَى مَنْ دُونَ السَّمَاءِ وَ مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ، یعنی:

ما خزانة دار علم خداوند متعال هستیم،

ما مترجم وحی خداوند متعال می‌باشیم،

ما حجت بالغه و حجت رسای خداوند متعال هستیم بر هر کس که زیر آسمان

و روی زمین می‌باشد «حجت خداوند متعال بر تمام مخلوقات».

این حدیث را سدیدر از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۲

۳. امام صادق علیه السلام فرمودند:

نَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ فِي عِبَادِهِ وَ خَزَائِنُهُ عَلَى عِلْمِهِ، یعنی:

ما حجت‌های خداوند متعال در میان بندگانش هستیم،

و ما خزانة دار علم خداوند متعال می‌باشیم.

۱. تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۶۳۸.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۷۱۹، حدیث ۳۳۱ «حدیث ۳۳۴۰».

تفسیر نمونه، جلد ششم، صفحه ۳۹ - ۴۰.

۲. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۷۴، حدیث ۳ «حدیث ۵۰۲».

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۶۳۸.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۱۶۷، حدیث ۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۷۲۱، حدیث ۳۳۳ «حدیث ۳۳۴۲».

این حدیث را ابن ابی یعفور از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.^۱

۴. وجود مقدّس امام کاظم و امام رضا سلام‌الله علیهما فرمودند:

إِنَّ الْحُجَّةَ لَا تَقُومُ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَّا بِإِمَامٍ حَتَّى يُعْرَفَ، یعنی:

حجّت خداوند متعال برای شناخته شدنش «برای شناخته شدن خداوند متعال»

بر خلق تمام نشود مگر به وجود امام معصوم،

یعنی خداوند متعال ائمه معصومین علیهم‌السلام را به عنوان حجّت خویش در میان بندگانش انتخاب می‌کند و برمی‌گزیند تا این ذوات مقدّسه خداوند متعال را به مردم بشناسانند،

و خداوند متعال به وسیله حُجج خویش یعنی ائمه معصومین علیهم‌السلام بر مخلوقاتش اتمام حجّت می‌نماید و حجّت را برای مردم تمام می‌کند تا روز قیامت برای مردم عذر و بهانه‌ای باقی نماند که بگویند کسی نبود ما را به راه راست هدایت نماید، و به همین لحاظ است که حجّت خداوند متعال قبل از همه مخلوقات خلق شده و بعد از همه آنها از دنیا می‌رود تا زمین از حجّت خدا خالی نباشد تا کفّار و مشرکین و افراد بی‌دین عذر و بهانه‌ای نداشته باشند که بگویند کسی نبود ما را موّحد و خداشناس نماید و خداوند متعال را برای ما معرفی و توصیف نماید. این حدیث را داود رقی از امام کاظم علیه‌السلام و حسن بن علی و شاء و محمّد بن عماره از امام رضا علیه‌السلام نقل نموده‌اند.^۲

۵. وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَ مَعَ الْخَلْقِ وَ بَعْدَ الْخَلْقِ، یعنی:

حجّت خداوند متعال قبل از همه مخلوقات بوده،

همراه و همزمان با مخلوقات است،

و بعد از همه مخلوقات می‌باشد «تا برای هیچ کس عذر و بهانه‌ای باقی نماند که

۱. اصول کافی، جلد اوّل صفحه ۲۷۴، حدیث ۵، «حدیث ۵۰۴».

۲. اصول کافی، جلد اوّل، صفحه ۲۵۰، حدیث ۱، ۲ و ۳، «حدیث ۴۳۸ - ۴۳۹ - ۴۴۰».

تفسیر نورالثقلین، جلد دوّم، صفحه ۷۱۹، حدیث ۳۳۲ «حدیث ۳۳۴۱».

بگویند حجت خدا در بین ما نبود تا ما را به راه راست هدایت نماید». این حدیث را ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۱

توضیح:

(الف) بیش از بیست حدیث در اصول کافی^۲، از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که آن ذوات مقدسه فرموده‌اند «خلاصه‌ای از این احادیث شریف»: زمین هیچ‌گاه خالی از حجت نبوده و نخواهد بود، خداوند متعال بزرگ‌تر از آن است که زمین را بدون امام عادل «معصوم» واگذارد، از زمانی که خداوند متعال حضرت آدم را قبض روح نمود هیچ‌گاه زمین خالی از حجت خداوند متعال نبوده است و نخواهد بود، اگر در روی زمین فقط دو نفر باقی بماند یکی از آن دو نفر امام و حجت خداوند متعال است،

آخرین انسانی که از دنیا می‌رود امام معصوم و حجت خداوند متعال است تا هیچ کس به خداوند متعال احتجاج نکند که او را بدون حجت و بدون امام معصوم واگذاشته است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن حضرت یعنی ائمه معصومین علیهم السلام حجت خداوند متعال بر تمام مخلوقات می‌باشند، و مؤمن نیست کسی مگر اینکه به خداوند متعال و به پیامبر اکرم و به ائمه معصومین علیهم السلام ایمان داشته باشد و تسلیم دستورات آنها باشد.

(ب) در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره که از ناحیه وجود مقدس امام هادی علیه السلام صادر شده و یک دوره کامل امام‌شناسی است و بلکه کامل‌ترین و جامع‌ترین دوره امام‌شناسی است هنگام زیارت هر کدام از ائمه معصومین علیهم السلام «هر یک از چهارده معصوم علیهم السلام» خدمت آن ذوات مقدسه عرض می‌کنیم:

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۵۰، حدیث ۴ «حدیث ۴۴۱».

۲. جلد اول، صفحه ۲۵۰ تا ۲۵۷، حدیث ۴۴۲ تا ۴۶۴.

السَّلَامُ عَلَىٰ أَيْمَةِ الْهُدَىٰ، ... وَ حُجِّجِ اللَّهُ عَلَىٰ أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأُولَىٰ، وَ حُجَّتِهِ وَ صِرَاطِهِ ... وَ حُجِّجًا عَلَىٰ بَرِّيَّتِهِ.

اما، بخش اول یعنی حُجِّجِ اللَّهُ عَلَىٰ أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأُولَىٰ، یعنی: سلام بر ائمه ای که هدایت کننده خلق به سوی حق می باشند، سلام بر شما ائمه معصومین علیهم السَّلَام که حجت خداوند متعال بر همه مخلوقات می باشید، هم در عالم ذر، هم در دنیا و هم در آخرت، یعنی: وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السَّلَام حجت خداوند متعال هستند در دنیا بر تمام مخلوقات و موجودات نه فقط بر انسانها، چرا که اگر مقصود فقط انسانها بودند نباید می فرمود عَلَىٰ أَهْلِ الدُّنْيَا، بلکه در این صورت باید می فرمود عَلَى النَّاسِ.

همچنین وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السَّلَام حجت خداوند متعال هستند در آخرت به همه اهل آخرت.

و مقصود از اُولَىٰ نیز عالم ذر می باشد، لذا:

وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السَّلَام در هر سه عالم «عالم ذر، عالم دنیا، عالم آخرت» حجت خداوند متعال هستند بر تمام مخلوقات «یعنی تمام موجودات»،

یعنی از اُولِ مخلوق تا آخر مخلوق و استثنایی در کار نیست. قابل ذکر است که حجت به معنای دلالت آشکار برای صاحب حجت است، لذا: وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السَّلَام دلیل و برهان وجوب وجود صانع می باشند.

بخش دوم:

وَ حُجَّتِهِ وَ صِرَاطِهِ، یعنی:

سلام بر شما ائمه معصومین علیهم السَّلَام که حجت خداوند متعال و صراط مستقیم او هستید.

از کلمه حُجَّتِهِ استفاده می شود که:

وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السَّلَام حجت بر جمیع ماسوی الله هستند نه

فقط حَجَّتْ خداوند متعال بر انسان‌ها، زیرا نفرموده حُجَّتِهِ عَلَى النَّاسِ، لذا:

اطلاق در لفظ حُجَّتِهِ دلالت بر این دارد که:

حَجِّيَّت وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام مقید به گروه و طایفه خاصی از مخلوق نمی‌باشد بلکه عمومیت داشته و همه مخلوق و همه عوالم وجود را شامل می‌شود.

بین این عبارت یعنی حُجَّتِهِ، و عبارت قبلی یعنی حُجَجِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأُولَى می‌توان فرق گذاشت، یعنی:

در عبارت حُجَجِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأُولَى، حَجِّيَّت وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام بر اهل دنیا و آخرت و عالم ذر ثابت شد، لیکن: در عبارت حُجَّتِهِ، مقام حَجِّيَّت این ذوات مقدّسه به طور مطلق ثابت می‌شود تا شامل تمام عوالم هستی بشود.

بخش سوم:

و حُجَجاً عَلَى بَرِيَّتِهِ، یعنی:

شما چهارده معصوم علیهم السّلام حَجَّتْ خداوند متعال بر خلق می‌باشید، یعنی حَجَّتْ خداوند متعال بر همه کسانی که دارای نَفْس «جان - روح» هستند مانند انسان‌ها، ملائکه و اجنه.

بعضی‌ها معتقدند که بریّه از بَرِيّ مشتق شده به معنی خاک، و چون انسان از خاک خلق شده لذا حُجَجاً عَلَى بَرِيَّتِهِ را حَجَّتْ خداوند متعال بر انسان‌ها معنی نموده‌اند.

بعضی نیز معتقدند که بَرِيّه از بَرَأ گرفته شده «بَرَأ = آفرید، خلق کرد»، لذا حُجَجاً عَلَى بَرِيَّتِهِ یعنی حَجَّتْ خداوند متعال بر تمام مخلوقات «جنبنده و غیر جنبنده»،

و خلاصه کلام اینکه وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام: در جمله اوّل «حُجَجِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأُولَى»، حَجَّتْ خداوند متعال بر تمام موجودات هستند بدون استثناء، در دنیا و آخرت و عالم ذر «حَجَّتْ به همه موجودات در هر سه عالم، یعنی عالم ذر، عالم دنیا، و عالم آخرت».

در جمله دوّم «وَحُجَّتِهِ وَصِرَاطِهِ»، حَجَّت خداوند متعال هستند بر جمیع ماسوی الله، یعنی حَجَّت خداوند متعال بر همه عوالم هستی و همه عوالم وجود.

در جمله سوّم «حُجَجًا عَلٰی بَرِيَّتِهِ»، حَجَّت خداوند متعال هستند بر انسانها، یا بر انسانها و ملائکه و اجنه، و یا بر تمام جنبندگان و غیر جنبندگان «بر اساس اینکه بَرِيَّة را چگونه معنی نمائیم».

قابل ذکر است که هر کدام از تعبیر سه گانه فوق لطف مخصوص به خود را دارند، ضمن اینکه در مقام تأکید بر حَجِّت وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام بر تمام عوالم وجود می باشند اعم از جاندار و بی جان.^۱

ج) عرض شد که حَجَّت خداوند متعال قبل از مخلوق و همراه مخلوق و بعد از مخلوق می باشد، یعنی:

اولین مخلوق خداوند متعال حَجَّت خداوند متعال است،
و آخرین مخلوقی نیز که از دنیا می رود حَجَّت خداوند متعال می باشد که هر دو اینها از چهارده معصوم علیهم السّلام می باشند.

در زیارت شریف و نورانی جامعه کبیره هنگام زیارت هر کدام از چهارده معصوم علیهم السّلام به محضر آن ذوات مقدّسه عرض می کنیم:

بِكُمْ فَتَحَّ اللهُ، وَ بِكُمْ يَخْتِمُ، یعنی:

خداوند متعال به سبب وجود شما و به واسطه شما ابتدا نمود خلقت را و به شما هم ختم خواهد شد.

مراد از کلمه فَتَح در این جا به قرینه مقابل آن که يَخْتِمُ است باید ابتدا باشد، یعنی:

ابتدا و ختم «شروع و پایان» به وجود شما است.

به عبارت دیگر:

اولین مخلوق عالم وجود شما بودید و آخرین مخلوق عالم نیز شما خواهید

بود، زیرا:

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۱۵۰ تا ۱۵۴، ۲۲۶، ۲۶۰.
شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف علامه سیدحسین همدانی درودآبادی، صفحه ۲۳۴، ۲۳۵، ۳۴۶، ۳۴۷.

شما چهارده معصوم علیهم السّلام حجّت بالغه و حجّت رسای خداوند متعال بر تمام مخلوقات می‌باشید و چون عالم وجود نباید بدون حجّت خدا باشد، لذا: اولین مخلوق در عالم ایجاد نور مطهر شما بود، و ختم آن نیز ایضاً به وجود شما خواهد بود، و این معنای همان حدیث شریفی است که از وجود مقدّس امام صادق علیه‌السّلام نقل شد «حدیث شماره ۵» که آن حضرت فرمودند:

الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَ مَعَ الْخَلْقِ وَ بَعْدَ الْخَلْقِ، یعنی:

حجّت خداوند متعال قبل از همه مخلوقات بوده «قبل از همه مخلوقات خلق شده است»،

حجّت خداوند متعال همراه و همزمان با مخلوقات بوده «تا برای مخلوقات عذر و بهانه‌ای نباشد که بگویند ما هادی و راهنما نداشتیم»، و بعد از همه مخلوقات خواهد بود «آخرین فردی که از دنیا می‌رود حجّت خداوند متعال است، برای اینکه حتی یک نفر برای یک لحظه هم که شده بدون حجّت نباشد».

روایت مشهوری است که وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرموده‌اند:

أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي، یعنی:

اولین چیزی که خداوند متعال خلق فرمود نور من بود، و در حدیث دیگری آمده که وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرموده‌اند:

أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ رُوحِي، یعنی:

اولین چیزی که خداوند متعال خلق فرمود روح من بود، در حدیث دیگری آمده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرموده‌اند:

أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنَ الرُّوحَانِيِّينَ الْعَقْلَ، یعنی:

اولین عنصر روحانی که خداوند متعال خلق فرمود عقل بود، و چون وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم عقل کل می‌باشد، لذا:

نتیجه این سه حدیث شریف نبوی این می‌شود که:
 نور مطهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اولین مخلوق خداوند متعال می‌باشد، و سپس خداوند متعال سایر مخلوقات را خلق فرموده است، بنابراین:
 وجود مبارک پیامبر اکرم حجّت بالغه خداوند متعال است که خداوند متعال قبل از همه مخلوقات خلق فرموده است، ضمن اینکه:
 آن حضرت و اهل بیت آن حضرت عدّت غایی خلقت نیز می‌باشند، و حدیث مشهور
 لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ در شأن آن حضرت می‌باشد، یعنی:
 خداوند متعال به پیامبر اکرم می‌فرماید:
 اگر به خاطر تو نبود کائنات را خلق نمی‌کردم،
 «ذیل آیه ۳۴ و ۳۵ و ۳۷ سوره بقره در این رابطه توضیحاتی ارائه شده است».
 و مقصود از بِكُمْ يَخْتِمُ، یعنی:
 ختم و پایان عالم هستی و عالم وجود، شما چهارده معصوم علیهم السلام هستید،
 همچنان که ابتدا و آغاز عالم به شما بود.
 معنای این جمله این است که:
 آخرین انسانی که از دنیا می‌رود حجّت خداوند متعال است تا مخلوق بدون
 حجّت باقی نماند لذا بعد از حجّت خدا مخلوقی نخواهد بود، یعنی:
 عالم هستی با مرگ حجّت خدا پایان می‌یابد «در دنیا»،
 همچنان که به سبب حجّت خدا عالم هستی ایجاد شده بود، بنابراین:
 وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که حجّت بالغه و حجّت
 رسای خداوند متعال می‌باشد اولین مخلوق خداوند متعال است،
 و آخرین انسانی هم که از دنیا می‌رود حجّت خداوند متعال می‌باشد «امام
 زمان علیه السلام یا یکی از ائمه معصومین علیهم السلام که پس از رجعت از دنیا
 می‌رود»،

یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السلام حجّت بالغه خداوند متعال به
 همه مخلوقات می‌باشند، چه در عالم ذر، چه در دنیا، و چه در آخرت.^۱

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۵۲۵ تا ۵۳۳.

۶. وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمودند:

كَانَ امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ بِنَ ابِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَابَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُؤْتَى إِلَّا مِنْهُ، وَ سَبِيلُهُ الَّذِي مَنْ سَلَكَ بَغَيْرِهِ هَلَكَ، وَ كَذَلِكَ يَجْرِي الْأَيْمَةُ الْهُدَى وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ جَعَلَهُمُ اللَّهُ أَرْكَانَ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا، وَ حُجَّتُهُ الْبَالِغَةُ عَلَيَّ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ وَ مَنْ تَحْتَ الثَّرَى، يَعْنِي:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام:

باب الله است که جز از طریق آن حضرت راهی به سوی خداوند متعال نیست، و راه به سوی خداوند متعال می باشد، راهی که هر کس غیر از آن راه را بجوید هلاک می شود،

و این امتیازات برای ائمه معصومین علیهم السلام یکی پس از دیگری جاری می باشد «تمام ائمه معصومین علیهم السلام باب الله هستند و هر کس غیر از این راه را انتخاب کند هلاک می شود».

خداوند متعال ائمه معصومین علیهم السلام را ارکان زمین «ستونهای زمین - استوانه های زمین» قرار داده تا مبدا زمین بر اهلش بلرزد.

خداوند متعال ائمه معصومین علیهم السلام را حجّت بالغه و حجّت رسای خویش بر مردم قرار داده است، چه آنهایی که روی زمین هستند و چه آنهایی که در زیر خاک می باشند.

این حدیث شریف را مفضّل بن عمر از وجود مقدّس امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۱

توضیح:

الف) عین این حدیث شریف را سعید أعرج و سلیمان بن خالد نیز از وجود مقدّس امام صادق علیه السلام نقل نموده اند، و ابی الصّامت حُلوانی نیز عین این حدیث را از وجود مقدّس امام باقر علیه السلام نقل نموده که این دو امام بزرگوار فرمودند:

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۸۰، حدیث ۱، «حدیث ۵۱۵».

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۷۲۱، حدیث ۳۳۴ «حدیث ۳۳۴».

ائمه معصومین علیهم السّلام حجّت بالغه خداوند متعال هستند به تمام کسانی که روی زمین هستند و کسانی که زیر خاک قرار گرفته‌اند.^۱

ب) در باب فضیلت و صفات امام معصوم علیه السّلام حدیث بسیار ارزشمند و گرانسنگی از وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام در اصول کافی آمده است و توصیه می‌شود که حتماً این حدیث شریف را که حدیث نسبتاً مفصّلی است مطالعه بفرمائید «حدیث ۵۱۸ که اوّلین حدیث باب نادر می‌باشد».^۲

۱. اصول کافی، جلد اوّل، صفحه ۲۸۱، حدیث ۲ «حدیث ۵۱۶».

اصول کافی، جلد اوّل، صفحه ۲۸۲، حدیث ۳ «حدیث ۵۱۷».

۲. اصول کافی، جلد اوّل، صفحه ۲۸۳، باب نادر و جامع در فضیلت و صفت امام، حدیث ۱ «حدیث ۵۱۸».

آیه ۱۵۳ سوره انعام:

«وَأَنَّ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ...».

ترجمه:

این است راه راست من، این راه را دنبال کنید «از این راه تبعیت و پیروی نمائید»، و راه‌های دیگر را دنبال نکنید «به راه‌های دیگر نروید»، که شما را از راه خدا «از طریق حق» جدا می‌کند.^۱

شرح لغات و توضیحات:

صراط = راه، راه واضح و آشکار.

کلمه صراط به صورت مفرد به کار می‌رود و جمع ندارد.^۲

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۱۵۳ سوره انعام» و دو آیه قبل «یعنی آیات ۱۵۱ و ۱۵۲ سوره انعام» محرماتی را بیان فرموده و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دستور می‌دهد تا آن‌ها را به مشرکین «و البته به تمام انسان‌ها» اعلام نماید.

این محرمات عبارتند از:

شِرک به خداوند متعال،

ترک احسان به پدر و مادر،

ارتکاب قتل،

تجاوز به مال یتیم،

کم‌فروشی و...

و بالاخره پیروی کردن از راه باطل «پیروی کردن از غیر راه خدا» و ایجاد تفرقه در دین.

موضوع آخر «پیروی کردن از غیر راه خدا و ایجاد تفرقه در دین که به عنوان یکی از محرمات مطرح شده» مربوط به آیه ۱۵۳ سوره انعام می‌باشد که مورد بحث

۱. مجمع‌البیان، جلد نهم، صفحه ۱۲.

تفسیر نمونه، جلد ششم، صفحه ۴۴.

۲. مفردات راغب.

ما است و انشاء الله تعالى راجع به آن توضیحات بیشتری ارائه خواهد شد. این سه آیه شریفه «آیه ۱۵۱ و ۱۵۲ و ۱۵۳ سوره انعام» محرّماتی را بیان می‌فرمایند که اختصاص به شریعت و دین معینی از ادیان الهی ندارد، یعنی: محرّماتی که در این سه آیه شریفه آمده اختصاص به دین اسلام ندارد بلکه در سایر ادیان الهی «از قبیل دین حضرت موسی، حضرت عیسی، حضرت نوح و ...» نیز حرام بوده است.

یکی از این محرّمات پیروی کردن از غیر راه خدا می‌باشد که باعث ایجاد تفرقه و اختلاف در دین خدا می‌شود که موضوع آیه ۱۵۳ سوره انعام می‌باشد و در آیات دیگری نیز به آن اشاره شده است.

خداوند متعال در آیه سیزدهم سوره شوری وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و امت آن حضرت را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا، وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ، وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ، یعنی:

خداوند متعال دین و آئینی را برای شما تشریح کرد و بیان فرمود که به حضرت نوح توصیه و سفارش کرده بود،

و آنچه که به تو «پیامبر اکرم» و به ابراهیم و موسی و عیسی توصیه و سفارش کردیم «و به امت‌های این پیامبران» این بود که:

دین را اقامه کنید و به پا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید، بنابراین: پیروی از غیر راه خدا که منجر به ایجاد تفرقه در دین می‌شود در تمام ادیان الهی در زمره بزرگ‌ترین محرّمات بوده و خداوند متعال به مردم دستور می‌دهد تا از غیر راه خدا تبعیت و پیروی نکنند.

تبعیت و پیروی از انبیاء الهی و اوصیاء آنها تبعیت از راه خداوند متعال است، و تبعیت از غیر این بزرگواران تبعیت از غیر راه خدا می‌باشد که نتیجه آن ایجاد اختلاف و تفرقه در دین خدا می‌باشد.^۱

۱. المیزان، جلد چهاردهم، صفحه ۲۵۴ - ۲۵۵ - ۲۶۲ «ذیل آیه ۱۵۱ تا ۱۵۳ سوره انعام». تفسیر نمونه، جلد ششم، صفحه ۴۴ تا ۴۶ - ۵۶ «ذیل آیه ۱۵۱ تا ۱۵۴ سوره انعام».

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۱۵۳ سوره انعام» به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید که ای پیامبر به مردم بگو:
 وَ اِنَّ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاتَّبِعُوهُ = این است صراط مستقیم و راه راست و خالی از انحراف من، پس:

ای مردم:

این صراط مستقیم و این راه راست خالی از انحراف را دنبال کنید و از آن تبعیت نمائید، یعنی:

آنچه را که حلال است حلال بشمارید،

و آنچه را که حرام است حرام بدانید و یقین داشته باشید که تمام دستوراتی که به شما داده شده صحیح و درست است و هیچ اشکال و ایراد و انحرافی ندارد.

خداوند متعال در این آیه شریفه دین خودش را که به وسیله پیامبر اکرم به مردم ابلاغ شده صراط مستقیمی خوانده که به هیچ وجه اختلاف در آن راه ندارد،

چرا که خداوند متعال آن را برای هدایت بشر وضع فرموده و منطبق بر اساس فطرت و آفرینش می‌باشد و معلوم است که در خلقت خداوند متعال اختلاف و تغییر راه ندارد.

خداوند متعال در ادامه آیه شریفه به مردم دستور می‌دهد که غیر از راه خدا و صراط مستقیم الهی «که همان دین خدا می‌باشد» به راه‌های دیگر نروند.

وَ لَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفْرَقَ بَیْكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ = به راه‌های دیگر نروید که شما را از راه خدا و از صراط مستقیم الهی جدا می‌کند و باعث انحراف شما می‌شود و تخم اختلاف و نفاق را در میان شما می‌پاشد.

به عبارت دیگر این قسمت از آیه شریفه می‌فرماید که ای مردم:

راه غیرخدا یعنی راه کُفر و شرک و بدعت و شبهات را دنبال نکنید که شما را از صراط مستقیم الهی و از راهی که خداوند متعال برای شما پسندیده و انتخاب فرموده جدا می‌کند و منحرفتان می‌نماید.

ملاحظه فرمودید که خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۱۵۳ سوره انعام» دین خودش را «دین اسلام را» صراط مستقیم خودش خوانده که هیچگونه انحراف و

اشکالی در آن راه ندارد، زیرا خداوند متعال آن را بر اساس فطرت و آفرینش وضع فرموده و بدیهی است که در خلقت خداوند متعال هیچگونه انحراف و اختلاف و تفرقه و تغییر راه ندارد.

بدیهی است غیر از این صراط مستقیم خداوند متعال و غیر از این دین خداوند متعال تمام راه‌های دیگر باعث تفرقه و اختلاف می‌باشند زیرا از هواهای نفسانی و هواهای شیطانی نشأت می‌گیرند که تحت یک ضابطه کلی و قانونمند نیستند و به همین جهت هرگز دو نفر آدم هواپرست را پیدا نخواهیم کرد که با یکدیگر هم‌مسیر شوند و تا آخر راه با هم باشند،

یعنی قطعاً این همراهی به مقصد نهایی و به انتها نخواهد رسید، لذا می‌بینیم که خداوند متعال غیر راه خودش را یکی ندانسته و آن را متعدّد شمرده است، و نتیجه کلام اینکه:

راه حق و صراط مستقیم الهی که همان دین خداوند متعال می‌باشد یک راه و یک صراط بیشتر نمی‌باشد و آن نیز راهی است که وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام نشان می‌دهند و بیان می‌فرمایند و این راه تنها راه سعادت و کامیابی انسان‌ها است،

و غیر از این راهی که عرض شد تمام راه‌های دیگر دچار اختلاف و تفرقه می‌باشند و هیچکدام آن‌ها باعث سعادت انسان نمی‌شوند زیرا منشأ و اساس آن‌ها هواهای نفسانی و شیطانی می‌باشد.

خلاصه کلام اینکه:

غرض و مقصود این آیه شریفه «آیه ۱۵۳ سوره انعام» نهی از تفرّق و اختلاف در دین و نهی از پیمودن راه‌های غیر خدایی است، و اینکه:

پیش گرفتن این راه‌ها با راه خدا و صراط مستقیم الهی سازگاری ندارد و تقوای دینی جز با اجتناب از این راه‌ها حاصل نمی‌شود، و به عبارت دیگر:

قسمت اول آیه شریفه «أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ» که امر به اتّباع و تبعیت از صراط مستقیم خداوند متعال می‌باشد زمینه‌چینی و مقدمه است برای قسمت دوم آیه شریفه «وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ» که نهی از اتّباع و تبعیت از

صراط‌های دیگر می‌باشد.

توضیح:

ظاهراً مقصود از صراطی «راه من» در این آیه شریفه راه و صراط وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می‌باشد «و پس از آن حضرت راه و صراط ائمه معصومین علیهم السّلام است»، زیرا:

وجود مبارک پیامبر اکرم «و ائمه معصومین علیهم السّلام» از طرف خداوند متعال مأمور شده تا این تکالیف را «تکالیف دینی و حلال و حرام الهی» را به مردم برسانند. اگر کسی شبهه نماید که صراط متعلّق به خداوند متعال و از آن خداوند متعال می‌باشد نه از آن پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام، جواب این است که:

هیچ مانعی ندارد تا صراط که از آن خداوند متعال است به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و ائمه معصومین علیهم السّلام نیز نسبت داده شود همچنان که در آیه ششم و هفتم سوره حمد و آیه ۶۹ سوره نساء صراط به جمعی از بندگان شایسته الهی نسبت داده شده است.

در آیه ششم و هفتم سوره مبارکه حمد آمده که:

إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ، یعنی:

خداوندا ما را به صراط مستقیم «راه راست» هدایت کن.

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ، یعنی:

صراط کسانی که «راه کسانی که» آن‌ها را مشمول انواع نعمات خود قرار داده‌ای.

این افرادی که مشمول انواع نعمات الهی شده و خداوند متعال انواع نعمات را به آن‌ها اعطا فرموده در آیه ۶۹ سوره نساء مشخص شده است.

خداوند متعال در آیه ۶۹ سوره نساء می‌فرماید:

وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصّٰدِقِينَ وَ

الشُّهَدَاءِ وَ الصّٰلِحِينَ، یعنی:

کسی که خداوند متعال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را اطاعت نماید در آخرت همنشین کسانی خواهد بود که خداوند متعال به آنها انواع نعمات را اعطا فرموده است و این افراد عبارتند از: پیامبران، صدیقین، شهیدان و صالحین.

بنابراین معنی آیه ششم و هفتم سوره مبارکه حمد این می شود که: خداوندا ما را به صراط مستقیم «راه راست» هدایت کن، صراط کسانی که «راه کسانی که» به آنها انواع نعمات را اعطا فرموده‌ای، یعنی انبیاء، صدیقین، شهدا و صالحین. ملاحظه فرمودید که:

اگر کسی از خداوند متعال و پیامبر اکرم «و ائمه معصومین علیهم السلام که طبق آیه ۵۹ سوره نساء اطاعت از آن ذوات مقدسه در ردیف اطاعت از خداوند متعال و پیامبر اکرم آمده» اطاعت نماید روز قیامت همنشین انبیاء صدیقین، شهدا و صالحین خواهد بود.

وقتی که صراط به این چهار گروه «انبیاء، صدیقین، شهدا، صالحین» نسبت داده شود به طریق اولی نسبت دادن صراط مستقیم خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن حضرت «یعنی وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام» هیچ مانعی ندارد و بلکه عین صواب است و انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.^۱

توضیح:

ذیل آیه ششم و هفتم سوره حمد و آیه ۷۳ و ۷۴ سوره مؤمنون در رابطه با صراط مستقیم توضیحاتی ارائه شده و ذیل این آیات شریفه احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که مقصود از صراط مستقیم وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام می باشند.

۱. المیزان، جلد چهاردهم، صفحه ۲۶۲ تا ۲۶۸.

مجمع البیان، جلد نهم، صفحه ۱۵ - ۱۶.

تفسیر نمونه، جلد ششم، صفحه ۴۶.

انشاء الله تعالی در بخش حدیث ذیل این آیه شریفه «آیه ۱۵۳ سوره انعام» نیز احادیثی در این رابطه به عرض خواهد رسید که وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام صراط مستقیم هستند، لذا هر کس از آن ذوات مقدّسه تبعیت و پیروی نماید بر صراط مستقیم است و الا در صراط شیطان و هوای نفس می باشد.

حدیث:

۱. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری پس از انجام مناسک حج «در حَجَّة الوداع که آخرین سال عمر مبارک پیامبر اکرم بود» و هنگام مراجعت از مکه به مدینه در محلّ غدیر خم و در حضور دهها هزار نفر از حجاج بیت الله الحرام که در معیت آن حضرت بودند و در غدیر خم حضور داشتند «تعداد جمعیت تا یکصد و بیست هزار نفر نیز گفته شده است» خطبه مفصّل و بسیار مهمی ایراد فرموده و پس از حمد و ثنای خداوند متعال گوشه ای از فضائل و مناقب مولی الموحّدين علی بن ابیطالب علیه السّلام را بیان فرموده و سپس به دستور خداوند متعال آن حضرت را به عنوان وصی و جانشین خویش و به عنوان امام مسلمین معرفی و منصوب فرمودند.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در قسمتی از بیانات نورانی خویش فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ، ثُمَّ عَلِيٌّ مِنْ بَعْدِي، ثُمَّ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ، یعنی:

پیامبر اکرم فرمودند:

ای مردم:

من همان صراط مستقیم خداوند متعال هستم که خداوند متعال به شما امر فرموده که از آن پیروی کنید،

و بعد از من علی بن ابیطالب صراط مستقیم الهی است،

و پس از علی بن ابیطالب فرزندان من که از صُلب علی بن ابیطالب هستند صراط

مستقیم خداوند متعال می‌باشند «یعنی معصومین علیهم‌السلام»، همان امامانی که مردم را به سوی حق هدایت می‌کنند. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در قسمت دیگری از بیانات نورانی خویش فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي وَنَهَانِي، وَقَدْ أَمَرْتُ عَلِيًّا وَنَهَيْتُهُ، فَعَلِمَ الْأَمْرَ وَالنَّهْيَ مِنْ رَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ، فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسْلَمُوا، وَاطِيعُوهُ تَهْتَدُوا، وَانْتَهُوا لِنَهْيِهِ تَرْشُدُوا، وَصَبِرُوا إِلَى مُرَادِهِ وَلا تَتَفَرَّقُوا بِكُمْ السُّبُلُ عَنْ سَبِيلِهِ، یعنی:

پیامبر اکرم فرمودند:

ای مردم:

خداوند متعال مرا امر و نهی فرموده است «خداوند متعال مرا مأمور به اموری نموده و از امور دیگری نهی فرموده است، یعنی احکام خمسسه تکلیفیّه را که شامل واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح می‌باشد به من تعلیم فرموده و امر فرموده تا بعضی از آنها را انجام دهم و بعضی دیگر را ترک کنم، و این است معنی امر و نهی خداوند متعال به پیامبر اکرم»،

و من نیز به دستور خداوند متعال علی بن ابیطالب را به اموری امر کردم و از اموری نهی نمودم،

ای مردم:

علی بن ابیطالب به امر و نهی الهی آگاه است و به آنها علم دارد و آنها را از پروردگارش آموخته است «علی بن ابیطالب علم به احکام دین را از خداوند متعال آموخته و به آنها آگاه است»،

بنابراین:

ای مردم:

او امر علی بن ابیطالب را گوش کنید و به آنها عمل نمائید تا سلامت بمانید «تا

دچار ضلالت و گمراهی نشوید»،

و از علی بن ابیطالب اطاعت کنید تا به راه راست هدایت شوید،
و از نواهی علی بن ابیطالب بپرهیزید تا به راه راست بیفتید «این دو قسمت اخیر
یعنی اینکه اوامر و نواهی علی بن ابیطالب را به کار ببندید تا هدایت شوید، یعنی:
شما را به هر چیزی که امر فرمود اجرا کنید و از هر چیزی که نهی نمود آن را
ترک نمائید تا به راه راست هدایت شوید و گرنه گمراه خواهید شد».
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در پایان این قسمت از فرمایش خویش
فرمودند:

وَ صِيروُا إِلَى مُرَادِهِ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا بِكُمْ السَّبِيلُ عَنْ سَبِيلِهِ، یعنی:

مطابق میل علی بن ابیطالب حرکت کنید و همواره در راهی که او می رود حرکت
نمائید «همواره دنباله رو علی بن ابیطالب باشید» تا مبدا راه‌های مختلف شما را از راه
او باز داشته و در نتیجه متفرق و پراکنده شوید»، و به عبارت دیگر:
معنی این قسمت از فرمایش پیامبر اکرم این است که:
علی بن ابیطالب صراط مستقیم الهی و راه راست خداوند متعال است،
پس ای مردم:

دنباله رو آن حضرت باشید و همان راهی را بروید که آن حضرت طی می کند تا
مبدا راه‌های انحرافی شما را از راه علی بن ابیطالب که صراط مستقیم خداوند متعال
است جدا کند که در این صورت دچار تفرقه خواهید شد.^۱

۲. وجود مقدس امام باقر علیه السلام درباره این آیه شریفه «أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا
فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ - آیه ۱۵۳، سوره انعام» فرمودند:
ما همان صراط مستقیمی هستیم که خداوند متعال به مردم دستور فرموده تا از
آن تبعیت نمایند،

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج پیامبر اکرم در غدیر خم، صفحه ۱۱۸ تا ۱۴۶ «صفحه ۱۳۶ - ۱۳۷»، حدیث ۳۲.

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۶۴۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۷۲۷، حدیث ۳۴۸ «حدیث ۳۳۵۷».

و هر کس این را نپذیرد این او و این راه‌های دیگر، لیکن باید بداند که اگر راه خدا را نرود کافر می‌شود.

این حدیث را ابی بصیر از امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.^۱

۳. امام صادق علیه‌السلام درباره این آیه شریفه «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ - آیه ۱۵۳، سوره انعام» فرمودند:

به خدا قسم صراط مستقیم همان علی بن ابیطالب است،

به خدا قسم علی بن ابیطالب صراط مستقیم و میزان است.

این حدیث را ابو حمزه ثمالی از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.^۲

۴. امام باقر علیه‌السلام درباره این آیه شریفه «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ - آیه ۱۵۳ سوره انعام» فرمودند:

آل محمد علیهم‌السلام همان صراط مستقیم هستند که مردم به سوی آن دلالت و راهنمایی شده‌اند.

این حدیث را سعد از امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.^۳

۵. امام باقر علیه‌السلام درباره این آیه شریفه «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ - آیه ۱۵۳ سوره انعام» فرمودند:

منظور از صراط مستقیم در این آیه شریفه که مردم موظف به تبعیت و پیروی از آن شده‌اند راه ولایت و امامت است،

و منظور از سُبُل «راه‌ها» که مردم از تبعیت آن‌ها نهی شده‌اند راه‌های دیگر

۱. میزان، جلد چهاردهم، صفحه ۲۷۳.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۱۷۹، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۷۲۷، حدیث ۳۴۷ «حدیث ۳۳۵۶».

۲. تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۱۷۹، حدیث ۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۷۲۷، حدیث ۳۴۶ «حدیث ۳۳۵۵».

۳. تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۱۷۹، حدیث ۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۷۲۵، حدیث ۳۴۴ «حدیث ۳۳۵۳».

می باشد «راه‌های دیگر غیر از راه امامت».

این حدیث را ابو بصیر از امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.^۱

۶. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در جایی نشسته بودند در حالی که وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام روبروی آن حضرت و یک نفر در طرف راست و یک نفر هم در طرف چپ آن حضرت نشسته بود، و در همین حال وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند: طرف راست و چپ موجب گمراهی است و راه درست همان راه راست و صراط مستقیم می باشد، و سپس با دست مبارک خویش به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام اشاره نموده و فرمودند:

وَ أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ، یعنی:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام راه راست و صراط مستقیم است،

پس بر شما واجب است که از او تبعیت و پیروی نمائید.

این حدیث را ابن عباس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نقل نموده

است.^۲

۷. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در حضور تعدادی از اصحاب خویش با دست مبارکشان به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام اشاره نموده و فرمودند:

وَ أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ، یعنی:

وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام راه راست و صراط مستقیم خداوند متعال است و به همین جهت به شما مردم واجب است که از علی بن ابیطالب علیه‌السلام تبعیت و پیروی نمائید و دنباله‌رو آن حضرت باشید و از افراد دیگر تبعیت نکنید و دنباله‌رو آن‌ها نباشید که شما را از راه خدا و از صراط مستقیم الهی دور می کنند و باعث انحراف شما شده و تخم نفاق و اختلاف را در میان شما می پاشند.

۱. تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۱۸۰، حدیث ۷.

۲. تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۱۸۰، حدیث ۹.

این حدیث را جابر بن عبدالله انصاری از وجود مبارک پیامبر اکرم نقل نموده است.^۱

توضیح:

ملاحظه فرمودید که مقصود از صراط مستقیم در این آیه شریفه «آیه ۱۵۳ سوره انعام» وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد «همچنین دیگر ائمه معصومین علیهم السلام». در توضیحات ذیل آیه شریفه به عرض رسید که:

هیچ مانعی ندارد تا صراط که از آن خداوند متعال می باشد به حُجج خداوند متعال یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السلام نیز نسبت داده شود، همچنان که در آیه ششم و هفتم سوره حمد و آیه ۶۹ سوره نساء صراط به جمعی از بندگان شایسته خداوند متعال نسبت داده شده است، بنابراین:

اگر کسی از وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السلام تبعیت نماید و دنباله رو آن ها نباشد از صراط مستقیم الهی خارج شده و چنین شخصی منحرف و گمراه است.

ملاحظه فرمودید که وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام صراط مستقیم الهی است، و مقصود از صراط در آیه ۱۵۳ سوره انعام علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد «احادیث اوّل و ششم و هفتم که از پیامبر اکرم نقل شد»، یعنی:

هر کس از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام تبعیت و پیروی نماید و دنباله رو آن حضرت باشد بر صراط مستقیم است و جایگاه او بهشت می باشد، و هر کس امامت و ولایت آن حضرت را نپذیرد و از آن بزرگوار تبعیت و پیروی ننماید از صراط مستقیم الهی خارج شده و راه انحراف و ضلالت و گمراهی را طی می نماید و جایگاه ابدی و همیشگی چنین شخصی جهنّم است. در این رابطه به یک حدیث شریف از نبی مکرم اسلام اشاره می شود.

۱. تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۱۸۱، حدیث ۱۰.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به عمّاریاسر فرمودند:

یا عمّارُ:

فَإِنْ سَلَكَ النَّاسُ كُلَّهُمْ وَاذِيًا وَسَلَكَ عَلِيٌّ وَاذِيًا فَاسْلُكْ وَاذِيَّ عَلِيٌّ وَخَلَّ عَنِ النَّاسِ.

یا عمّارُ:

طَاعَةٌ عَلِيٌّ طَاعَتِي،

وَ طَاعَتِي طَاعَةٌ لِلَّهِ، يَعْنِي:

پیامبر اکرم به عمّاریاسر فرمودند:

ای عمّار:

اگر همه مردم از یکسو بروند و علی بن ابیطالب از سوی دیگر، تو به دنبال علی بن ابیطالب برو و مردم را ترک کن «دنبال مردم نرو».

ای عمّار:

اطاعت از علی بن ابیطالب اطاعت از من است،

و اطاعت از من اطاعت از خداوند متعال است.

این حدیث را ابو ایوب انصاری از وجود مبارک پیامبر اکرم نقل نموده است.^۱

۸. امام باقر علیه السلام به بُرَیدِ عَجَلی فرمود:

ای برید:

آیا می دانید منظور از صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا این آیه شریفه «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا

فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ - آیه ۱۵۳ سوره انعام» چیست؟

بُرَید می گوید که خدمت امام باقر علیه السلام عرض کردم، خیر نمی دانم.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

مقصود از صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا در این آیه شریفه ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب

علیه السلام و اوصیاء آن حضرت می باشد.

امام باقر علیه السلام مجدداً به بُرَیدِ فرمود:

آیا می دانی منظور از فَاتَّبِعُوهُ در این آیه شریفه چیست «مَعْنَى لَعْوَى لُعْوَى فَاتَّبِعُوهُ يَعْنِي

۱. مجمع البیان، جلد دهم، صفحه ۱۹۴ «ذیل آیه ۲۵ سوره انفال».

از او اطاعت کنید، اما اینکه مقصود از او چه شخصی است که خداوند متعال امر به اطاعت از او نموده در فرمایش امام باقر علیه السلام است که بیان خواهد شد.»

بُرید می گوید که خدمت امام باقر علیه السلام عرض کردم:

خیر نمی دانم معنی فَاتَّبِعُوهُ چیست،

امام باقر علیه السلام فرمودند:

مقصود امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد که خداوند متعال اطاعت از آن حضرت را واجب فرموده است.

امام باقر علیه السلام به بُرید فرمود:

ای برید:

آیا می دانی مقصود از وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ در این آیه شریفه چیست؟

بُرید می گوید که خدمت امام باقر علیه السلام عرض کردم، خیر نمی دانم.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

به خدا قسم مقصود از سُبُل در این آیه شریفه ولایت فلانی و فلانی است «آن دو

نفر و سایر خلفای غاصب»، یعنی:

منظور از وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ در این آیه شریفه این است که خداوند متعال می فرماید از

آن دو نفر و سایر خلفای غاصب تبعیت و پیروی نکنید که شما را از صراط مستقیم الهی خارج می کنند.

امام باقر علیه السلام بار دیگر بُرید عجلی را مورد خطاب قرار داده و به او فرمودند:

آیا می دانی مقصود از سَبِيلَه در این آیه شریفه فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ چیست؟

بُرید می گوید که خدمت امام باقر علیه السلام عرض کردم، خیر نمی دانم.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

مقصود از سَبِيل (راه) «در فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ، سبیل و راه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب

علیه السلام می باشد.^۱

۱. تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۶۴۴.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۱۷۹، حدیث ۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۷۲۵، حدیث ۳۴۳ «حدیث ۳۳۵۲».

طبق این حدیث شریف که از وجود مقدّس امام باقر علیه‌السلام نقل شد معنی آیه ۱۵۳ سوره انعام «تأویل آیه شریفه» این می‌شود که: وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام صراط مستقیم خداوند متعال می‌باشد، پس ای مردم:

از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام تبعیت و پیروی نمائید و به راه‌های متفرقه دیگر نروید و از خلفای غاصب اطاعت نکنید که شما را از راه علی بن ابیطالب که راه خداوند متعال می‌باشد جدا می‌کنند و باعث انحراف شما شده و شما را دچار اختلاف و تفرقه می‌نمایند.

۹. هنگام زیارت مولی‌الوحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام در روز عید سعید غدیر که از ناحیه وجود مقدّس امام هادی علیه‌السلام صادر شده خدمت آن حضرت عرض می‌کنیم:

أَشْهَدُ أَنَّكَ الْمَعْنَى بِقَوْلِ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ:

«وَ أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ»، ضَلَّ وَ اللَّهُ وَ أَضَلَّ مَنْ اتَّبَعَ سِوَاكَ، وَ عِنْدَ عَنِ الْحَقِّ مَنْ عَادَاكَ، اللَّهُمَّ سَمِعْنَا لِأَمْرِكَ وَ أَطَعْنَا، وَ اتَّبَعْنَا صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ، یعنی:

یا امیرالمؤمنین:

شهادت می‌دهم که مقصود از فرمایش خداوند متعال در آیه ۱۵۳ سوره انعام وجود مقدّس شما می‌باشد.

به خدا قسم هر کس از فرد دیگری غیر از شما اطاعت کند هم خودش گمراه است و هم باعث گمراهی دیگران می‌شود «کسی که از علی بن ابیطالب علیه‌السلام اطاعت و پیروی نکند هم خودش گمراه است و هم باعث گمراهی دیگران می‌شود».

هر کس با تو دشمنی نماید معاند و دشمن حق است «دشمن تو دشمن خداوند متعال است».

خداوندا:

فرمان تو را شنیدیم و اطاعت کردیم،
و از علی بن ابیطالب که صراط مستقیم تو می باشد تبعیت و پیروی نمودیم
این زیارت شریف در مفاتیح الجنان آمده است.

آیه ۱۵۹ سوره انعام:

«إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا، لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ، إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ، ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ»

ترجمه:

خداوند متعال به پیامبر اکرم می فرماید:

ای پیامبر:

آنهایی که دین و آئین خودشان را پراکنده کرده و گروه گروه و فرقه فرقه شدند (به مذاهب مختلف تقسیم شدند) تو هیچگونه رابطه‌ای با آنها نداری، سر و کار آنها با خداست «خداوند متعال آنها را به سزای اعمالشان خواهد رساند»،

و روز قیامت آنها را از آنچه که انجام داده‌اند باخبر خواهد ساخت.^۱

شرح لغات و توضیحات:

فَرَّقُوا = جدا کردن؛

شِيعٌ = فرقه‌ها، گروه‌ها، دسته‌ها، فرقه‌هایی که در عین اختلاف در پاره‌ای از امور اتفاق نظر دارند؛

يُنَبِّئُهُمْ = آنها را باخبر می کند؛

نَبَأٌ فُلَانًا بِالْخَبَرِ = أَنْبَأَ فُلَانًا بِالْخَبَرِ = آن خبر را به فلانی داد.

قابل ذکر است که نَبَأٌ بلیغ‌تر و رساتر از أَنْبَأَ می باشد.^۲

در آیات قبل «آیه ۱۵۱، ۱۵۲ و ۱۵۳ سوره انعام» خداوند متعال محرماتی را بیان فرموده بود و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دستور داده بود تا آنها را به مردم اعلام نماید تا مردم از ارتکاب آنها خودداری نمایند.

۱. مجمع‌البیان، جلد نهم، صفحه ۳۰.

تفسیر نمونه، جلد ششم، صفحه ۶۶.

۲. مجمع‌البیان، جلد نهم، صفحه ۲۹.

مفردات راغب.

آخرین آن محرّمات موضوع پیروی کردن از غیر راه خدا و ایجاد تفرقه در دین خدا بود که ذیل آیه ۱۵۳ سوره انعام راجع به آن توضیحات لازم ارائه شد.

ذیل آیه ۱۵۳ سوره انعام به عرض رسید که:

خداوند متعال به پیامبر اکرم دستور فرمود تا آن حضرت دستور خداوند متعال را به مردم ابلاغ فرماید که:

خداوند متعال به مردم دستور می‌فرماید که:

مردم باید صراط مستقیم خداوند متعال را دنبال کنند و از صراط مستقیم خداوند متعال تبعیت و پیروی نمایند و از پیمودن راه‌های انحرافی خودداری نمایند که نتیجه این کار ایجاد تفرقه و اختلاف در دین خدا خواهد شد.

همچنین در بخش حدیث ذیل آیه ۱۵۳ سوره انعام ملاحظه فرمودید که محمّد و آل محمّد علیهم‌السلام صراط مستقیم خداوند متعال هستند و خداوند متعال به همه مردم دستور داده تا از آن ذوات مقدّسه تبعیت نموده و پیروی نمایند و دنباله‌رو آن بزرگواران باشند زیرا آن ذوات مقدّسه صراط مستقیم خداوند متعال هستند، و هر کس از آن ذوات مقدّسه تبعیت ننماید و دنباله‌رو آن بزرگواران نباشد غیر راه خدا را پیموده و در دین خداوند متعال اختلاف و تفرقه ایجاد نموده است.

آیه ۱۵۹ سوره انعام که مورد بحث ما می‌باشد در واقع تأکید و توضیح و تفسیر همین مطلب می‌باشد «امر به پیمودن صراط مستقیم خداوند متعال و نهی از ایجاد اختلاف و تفرقه در دین».

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۱۵۹ سوره انعام» می‌فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا = کسانی که در اثر اختلاف کلمه دین خودشان را متفرّق و پراکنده ساختند و در دین تفرقه ایجاد نموده و فرقه فرقه و گروه گروه شدند.

همچنان که در بخش حدیث به عرض خواهد رسید این آیه شریفه و این قسمت از آیه شریفه که ملاحظه فرمودید اشاره به افرادی دارد که پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در دین اسلام اختلاف و تفرقه ایجاد نمودند و به جای پیروی از صراط مستقیم خداوند متعال یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب

علیه السّلام و ائمه معصومین علیهم السّلام راه‌های انحرافی و راه‌های غیر راه خدا را پیمودند و نتیجه آن این شد که در دین اسلام تفرقه و اختلاف پیش بیاید و اسلام به فرقه‌های مختلف و شعبه‌های زیادی تقسیم شود و یک مذهب واحد و نیرومند به چندین مذهب با آراء و عقائد مختلف تبدیل شود.

قابل ذکر است که:

کلمه فَرَّقُوا گرچه صیغه ماضی است لیکن مربوط به اقوام گذشته نمی‌باشد بلکه تنها برای اصل تحقّق است چه در گذشته چه در حال و چه در آینده «فرقه فرقه شدن یهود و نصاری در گذشته، و فرقه فرقه شدن مسلمانان پس از نزول آیه شریفه و پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم».

در ادامه آیه شریفه خطاب متوجّه وجود مقدّس پیامبر اکرم شده و خداوند متعال آن حضرت را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:

لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ = ای پیامبر، تو از آنها نیستی و هیچگونه رابطه‌ای با تفرقه‌افکنان در دین خدا نداری.

این قسمت از آیه شریفه بار دیگر این حقیقت را با تأکید هر چه تمام‌تر بیان می‌فرماید که:

دین اسلام آئین وحدت و یگانگی است و از هر گونه تفرقه و نفاق و اختلاف و پراکندگی بیزار است و به وضوح و روشنی اعلام می‌فرماید که پیامبر اکرم هیچ ارتباطی با تفرقه‌افکنان در دین اسلام ندارد و از آنها بیزار است و بدین وسیله از آنها برائت می‌جوید.

در ادامه آیه شریفه خداوند متعال تفرقه‌افکنان در دین را مورد تهدید قرار داده و می‌فرماید:

إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ = سر و کار تفرقه‌افکنان در دین اسلام با خداوند متعال می‌باشد و خداوند منتقم قهار از آنها به سختی انتقام خواهد گرفت و آنها را مجازات خواهد نمود.

ثُمَّ يَنْبِئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ = خداوند متعال روز قیامت آنها را از کردارشان آگاه خواهد نمود، یعنی:

خداوند متعال روز قیامت عاقبت شوم اعمال تفرقه‌افکنان در دین اسلام را به آن‌ها نشان خواهد داد.

همانطور که عرض شد این آیه شریفه «آیه ۱۵۹ سوره انعام» برائت و بیزاری پیامبر اکرم را از تفرقه‌افکنان در دین اسلام و از بدعت‌گزاران و مذهب‌تراشان اُمت اسلام اعلام می‌دارد تا این گروه‌های منحرف تکلیف خودشان را بدانند و خودشان را منتسب به اسلام و پیامبر اسلام نکنند، چرا که خداوند متعال صریحاً در این آیه شریفه بیزاری و برائت پیامبر اکرم را از تفرقه‌افکنان در دین اسلام اعلام می‌فرماید و احادیث ذیل این آیه شریفه نیز که انشاءالله تعالی به عرض خواهد رسید دقیقاً مبین این مطلب می‌باشند.^۱

حدیث:

۱. وجود مقدس پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند:
سَتُفَرَّقُ أُمَّتِي عَلَى ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً، كُلُّهَا فِي النَّارِ إِلَّا وَاحِدَةً، وَ هِيَ الَّتِي تَتَّبِعُ وَصِيَّيَّ عَلِيًّا،
یعنی:

پیامبر اکرم فرمودند:

اُمت من بعد از من هفتاد و سه فرقه خواهند شد که همگی آن‌ها اهل آتش «اهل جهنم» هستند مگر یک فرقه که اهل نجات می‌باشد و آن فرقه ناجیه «فرقه نجات‌یابنده» فرقه‌ای است که از وصی و جانشین من یعنی علی بن ابیطالب علیه‌السلام پیروی نماید «یعنی فقط شیعیان اثنی عشری اهل نجات می‌باشند و بقیه فرقه‌های اسلامی جایگاهشان جهنم است».^۲

توضیح:

الف) علامه طباطبایی در تفسیر المیزان «بحث روایتی ذیل آیات ۱۰۲ تا ۱۱۰

۱. مجمع‌البیان، جلد نهم، صفحه ۲۹، ۳۰.

المیزان، جلد چهاردهم، صفحه ۲۸۰، ۲۸۱.

تفسیر نمونه، جلد ششم، صفحه ۶۶ تا ۶۹.

۲. تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۶۵۰.

سوره آل عمران» این حدیث را به طرق مختلف از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده که آن حضرت فرمودند:

أُمَّتُ مُوسَى بَعْدَ مِنْهُ أَوْ هَفْتَادٍ وَ يَكُ فِرْقَهُ شَدِيدًا فَفَقَطَّ يَكُ فِرْقَهُ أَنْ أَهْلَ نَجَاتٍ
 است و بقیه آنها اهل آتش می‌باشند.

أُمَّتُ عِيسَى بَعْدَ مِنْهُ أَوْ هَفْتَادٍ وَ دَوَّ فِرْقَهُ شَدِيدًا فَفَقَطَّ يَكُ فِرْقَهُ أَنْ أَهْلَ نَجَاتٍ
 است و بقیه آنها اهل آتش می‌باشند.

أُمَّتٌ مِنْ بَعْدِ مِنْ هَفْتَادٍ وَ سَهْ فِرْقَهُ خَوَاهِنْدُ شَدِيدًا فَفَقَطَّ يَكُ فِرْقَهُ أَنْ أَهْلَ نَجَاتٍ
 می‌باشد و آن هم فرقه‌ای است که از وصی و جانشین من یعنی علی بن ابیطالب
 علیه السلام تبعیت و پیروی نماید و بقیه فرقه‌ها اهل آتش می‌باشند.

عَلَامَةُ طَبَاطِبَائِي ذِيْلُ اِيْنِ حَدِيْثِ شَرِيْفِ عِنْوَانِ نَمُوْدَةُ كِهْ:
 این حدیث و این روایت «که ملاحظه فرمودید» از مشهورات روایات می‌باشد و در
 کتاب‌های خصال «شیخ صدوق»، معانی الاخبار «شیخ صدوق»، احتجاج «طبرسی»،
 امالی، کتاب سلیم بن قیس، تفسیر صافی، تفسیر عیاشی و... آمده است.

ب) وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:

خداوند متعال می‌دانست که اُمت اسلام پس از رحلت پیامبر اکرم متفرق خواهند
 شد و دچار اختلاف خواهند گردید، و به همین جهت اُمت اسلام را از تفرقه نهی
 فرموده و به آنها دستور داد تا پیرامون محور ولایت و امامت آل محمد علیهم السلام
 گرد آمده و به ولایت آل محمد علیهم السلام چنگ زده و متفرق نشوند.^۱

ج) ذیل آیه ۲۵۳ سوره بقره، آیه ۱۴۴ و ۱۴۵ سوره آل عمران، آیه ۵۴ سوره
 مائده، آیه ۲۵ و ۲۶ سوره محمد صلی الله علیه و آله و سلم در رابطه با مرتد شدن
 مسلمانان پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم توضیحات کاملی

۱. تفسیر قمی، جلد اول، صفحه ۳۱۸، ۳۱۹ «ذیل آیه ۱۰۳، سوره آل عمران».

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۶۸ «ذیل آیه ۱۰۳، سوره آل عمران».

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۱۳۱، حدیث ۱۱ «ذیل آیه ۱۰۳، سوره آل عمران».

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۸۱۱، حدیث ۳۰۸ «حدیث ۱۶۵۳».

ارائه شده است،

همچنین ذیل آیه ۲۵ سوره انفال توضیحاتی ارائه شده و احادیثی از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شده که مقصود از گرفتار شدن مردم در فتنه «پس از رحلت پیامبر اکرم» ترک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و انکار امامت آن حضرت و رجوع به دیگران می باشد.

۲. وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند:

امّت اسلام به هفتاد و سه فرقه تقسیم می شوند و از این هفتاد و سه فرقه تنها یک فرقه نجات پیدا می کند و اهل بهشت است و آن فرقه فرقه ای است که: امامت مرا بپذیرد،

مطیع دستورات من باشد،

محبّ و دوستدار من باشد و دشمن دشمنان من.

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

کسانی که امامت مرا پذیرفتند و حقّ مرا شناختند و وجوب اطاعت از مرا فهمیدند و در این رابطه شکّ و تردید به دلشان راه ندادند خداوند متعال نیز به آنها تفضّل نموده و مقام و منزلت ما را به آنها شناساند و آنها را در میان شیعیان ما قرار داد و آنها به این حقیقت یقین پیدا کردند که:

من و اوصیاء من «ائمه معصومین علیهم السّلام» هادیانی هستیم که هدایت امّت را تا روز قیامت به عهده داریم و خداوند متعال در بسیاری از آیات قرآن کریم ما را قرین خودش و پیامبرش ساخته «یعنی پس از خودش و پیامبرش ما را یاد نموده، مانند آیه ۵۹ سوره نساء که خداوند متعال می فرماید: أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ، و یا آیه ۵۵ و ۵۶ سوره مائده که بلافاصله پس از خداوند متعال و پیامبر اکرم، ائمه معصومین علیهم السّلام مطرح شده اند»،

و ما را پاک و مطهّر و معصوم قرار داده و شاهد و گواه بر مخلوقاتش نموده است «اشاره به آیه ۳۳ سوره احزاب و آیه ۱۴۳ سوره بقره که توضیحات لازم ذیل

آن آیات شریفه به عرض رسیده است»،

و ما را حُجَّت خویش بر مخلوقاتش قرار داده «اشاره به آیه ۱۴۹ سوره انعام»،
و ما را قرین قرآن و قرآن را قرین ما ساخته که هرگز از یکدیگر جدا نمی شویم
تا اینکه روز قیامت و کنار حوض کوثر به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم
ملحق شویم «اشاره به حدیث ثَقَلَيْن».

حضرت امیر علیه السلام سپس فرمودند:

فرقه ای که این اعتقادات را داشته باشد اهل نجات است و از تمام فتنه ها و
ضلالت ها «گمراهی ها» در امان است و وارد بهشت می شود.
وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در ادامه بیانات نورانی
خویش فرمودند:

تمام هفتاد و دو فرقه دیگر اهل جهنم هستند، زیرا:

به دنبال باطل رفتند و دین شیطان را یاری کردند و از ابلیس و دوستانش کمک
گرفتند، و به همین جهت:

آن ها «هفتاد و دو فرقه دیگر» دشمنان خداوند متعال و دشمنان پیامبر اکرم
می باشند و به علت براءت از خداوند متعال و براءت از پیامبر اکرم بدون حساب
وارد جهنم می شوند.^۱

۳. وجود مقدس امام باقر علیه السلام درباره این آیه شریفه «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِيَنَهُمْ
وَ كَانُوا شِيَعًا لَسْتَ مِنْهُمْ... - آیه ۱۵۹، سوره انعام» فرمودند:

این آیه شریفه اشاره به کسانی است که از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام
جدا شده «امامت آن حضرت را نپذیرفتند» و گروه گروه و فرقه فرقه شدند و به
دستجات مختلف تقسیم گردیدند.^۲

۱. تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۸۱۴، حدیث ۲ «ذیل آیه ۲۱ سوره مجادله».

۲. تفسیر نمونه، جلد ششم، صفحه ۶۹.

آیه ۱۶۰ سوره انعام:

«مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا، وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ».

ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

هر کس کار نیکی انجام دهد ده برابر به او پاداش داده می شود،
و هر کس کار بدی انجام دهد جز به همان مقدار کیفر داده نمی شود،
و به آن‌ها «کسانی که کار بدی انجام داده‌اند» هیچگونه ستمی نخواهد شد (یعنی
تنها به مقدار عمل بد خویش کیفر می بینند).^۱

شرح لغات و توضیحات:

حَسَنَةٌ = کار نیک، عمل خیر، جمع حَسَنَةٌ می شود حسنات، مقصود از حسنه عمل واجب یا مستحب می باشد.
سَيِّئَةٌ = کار بد، عمل قبیح، گناه «عمل بر خلاف دستورات شرعی»،
ضد حَسَنَةٌ، سَيِّئَةٌ می باشد «جمع سَيِّئَةٌ می شود سیئات»، مقصود از سَيِّئَةٌ گناه و معصیت می باشد یعنی عمل حرام.
خداوند متعال در این آیه شریفه یکی از مَنّت‌های خویش را بر بندگانش اعلام می فرماید «مَنّت خداوند متعال بر بندگان یعنی اعطا و بخشش نعمات سنگین و ثقیل به بندگان».

خداوند متعال در ابتدای این آیه شریفه می فرماید:

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا = هر کس کار نیکی انجام دهد خداوند متعال ده برابر به او پاداش می دهد، یعنی:

هر کس طاعت خدا را انجام دهد و عمل صالحی به جای بیاورد «اعم از واجبات یا مستحبات» خداوند متعال به او ده برابر ثواب و پاداش می دهد، یعنی:
خداوند متعال به بندگانش تفضّل نموده و با فضل و کرم خویش پاداش و ثواب

۱. تفسیر نمونه، جلد ششم، صفحه ۶۶ - ۶۷.

را بیشتر از اندازه استحقاق می دهد.

قابل ذکر است که:

عدل یعنی دادن پاداش به اندازه عمل «چه برای عمل خوب و چه برای عمل بد»، و فضل یعنی دادن پاداش و ثواب چند برابر به عمل خوب و نیکو. دادن پاداش ده برابر به یک عمل خوب کمترین چیزی است که خداوند متعال به بندگانش وعده داده است، زیرا در آیات دیگری پاداش هفتصد برابر و پاداش بی اندازه به مؤمنین وعده داده شده که به عنوان نمونه به بعضی از آن‌ها اشاره می شود.

خداوند متعال در آیه ۲۴۵ و ۲۶۱ سوره بقره و آیه دهم سوره زمر می فرماید: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً - آیه ۲۴۵ سوره بقره»، یعنی:

کیست که به خداوند متعال وام نیکویی بدهد «اموال خودش را در راه خدا انفاق کند» تا خداوند متعال آن را برای او چندین برابر نماید.

«مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ... - آیه ۲۶۱، سوره بقره»، یعنی:

مثل کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند همانند بذری است که هفت خوشه برویاند و در هر خوشه یکصد دانه باشد، یعنی یک دانه به هفتصد دانه تبدیل می شود.

«إِنَّمَا يُوقَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ - آیه ۱۰، سوره زمر»، یعنی: خداوند متعال به صابران اجر و پاداش بی حساب و بی اندازه و بی حد و مرز اعطا می فرماید.

این فضل و کرم خداوند متعال است که پاداش و اجر را بیشتر از استحقاق اعطا می فرماید، از ده برابر تا بی نهایت، یعنی:

اگر مؤمن یک عمل صالح و یک عمل نیک انجام دهد خداوند متعال به او ده برابر یا هفتصد برابر و یا بی نهایت اجر و پاداش می دهید، لیکن برای یک عمل بد فقط به اندازه همان عمل «نه بیشتر» کیفر می دهد که در ادامه آیه شریفه به آن اشاره

خواهد شد.

وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا = هر کس کار بدی انجام دهد جز به همان مقدار کیفر داده نمی‌شود، یعنی:

اگر فردی گناهی مرتکب شود خداوند متعال فقط به اندازه همان گناه او را مجازات می‌کند و نه بیشتر، و این یعنی عدل.

وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ = به گنهکاران هیچگونه ستمی نخواهد شد و فقط به مقدار عملشان کیفر می‌بینند، یعنی:

خداوند متعال هیچ کس را بیش از اندازه‌ای که استحقاق دارد مجازات نمی‌کند. به عنوان حُسن ختام این بحث به یک حدیث نورانی اشاره می‌شود. از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و از امام صادق علیه السلام نقل شده که آن دو بزرگوار فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَالَ:

الْحَسَنَةُ عَشْرٌ أَوْ زَيْدٌ، وَالسَّيِّئَةُ وَاحِدَةٌ أَوْ أَغْفَرُ، فَالْوَيْلُ لِمَنْ غَلَبَتْ آحَادُهُ أَغْشَارَهُ، یعنی: خداوند متعال می‌فرماید: من کارهای نیک و حسنات را ده برابر و یا بیشتر پاداش می‌دهم، و گناهان و سیئات را فقط یک برابر کیفر می‌دهم و یا اینکه می‌بخشم، پس:

وای بر حال آن کس که آحادش «گناهانش» از عشراتش «طاعتش» پیشی بگیرد.^۱

حدیث:

۱. از وجود مقدّس امام باقر علیه السلام سؤال شد که آیا این آیه شریفه «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا - آیه ۱۶۰، سوره انعام» درباره همه مسلمانان است.

وجود مبارک امام باقر علیه السلام فرمودند:

کسانی که ولایت و امامت ما را نپذیرفته‌اند اگر حَسَنه و عمل نیکی انجام دهند در

۱. مجمع البیان، جلد نهم، صفحه ۳۲، ۳۳.

المیزان، جلد چهاردهم، صفحه ۲۸۱.

تفسیر نمونه، جلد ششم، صفحه ۶۷، ۷۵ تا ۷۷.

تفسیر نورالتقلین، جلد دوم، صفحه ۷۳۹، حدیث ۳۷۲ «حدیث ۳۳۸۱».

همین دنیا پاداش آن‌ها داده می‌شود لیکن در آخرت سهم و پاداشی نخواهند داشت، و سپس امام باقر علیه‌السلام این آیه شریفه را «وَمَالُهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ، یعنی در آخرت هیچ نصیب و بهره‌ای ندارند - آیه ۲۰۰، سوره بقره» تلاوت فرمودند.^۱

توضیح:

ذیل آیه پنجم سوره مائده «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ» در رابطه با حَبِطُ اعمال «تباه شدن و نابود شدن اعمال نیک انسان» توضیحات کاملی ارائه شده و به عرض رسیده است که:

اگر انسان یک عمر مشغول عبادت خداوند متعال باشد و اعمال نیک به جای بیاورد لیکن ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام را نپذیرفته باشد این اعمال حَبِطُ خواهند شد و فایده‌ای برای صاحبش نخواهد داشت و جایگاه چنین شخصی جهنم می‌باشد.

۲. از وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام سؤال شد که آیا این آیه شریفه «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا - آیه ۱۶۰، سوره انعام» درباره کسانی که به ولایت و امامت شما ایمان ندارند نیز صدق می‌کند.

وجود مبارک امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

این آیه شریفه فقط مخصوص مؤمنین است.

این حدیث را زراره از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.^۲

توضیح:

مقصود از مؤمنین در احادیث و روایات شیعیان اثنی عشری می‌باشند.

۳. وجود مقدس امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

مقصود از حَسَنَه ولایت و امامت ما اهل بیت پیامبر اکرم می‌باشد،

۱. تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۶۵۱.

۲. تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۱۸۶، حدیث ۴.

و مقصود از سیئه دشمنی با ما اهل بیت است.^۱

توضیح:

ذیل آیه ۲۳ سوره شوری در رابطه با حَسَنه توضیحاتی ارائه شده است.

۴. امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا - آیه ۱۶۰، سوره انعام» فرمودند:
هر کس ائمه ظلم و جور را یاد کند و هر صبح به آنها لعنت بفرستد خداوند متعال:

برای او هفتاد حَسَنه می نویسد،

و ده سیئه «گناه» او را پاک می کند،

و او را ده درجه بالا می برد.

این حدیث را زراره از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۲

۱. تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۱۸۹، حدیث ۱۲.

۲. تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۱۹۰، حدیث ۱۵.

«سوره اعراف»

آیه ۴۳ سوره اعراف:

«قَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ».

ترجمه:

مؤمنینی که وارد بهشت شده‌اند می‌گویند:
حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که ما را به این همه نعمت رساند «اشاره
به نعمت‌هایی است که خداوند متعال در بهشت به مؤمنین اعطا فرموده است»،
و اگر خداوند متعال ما را راهنمایی و هدایت نمی‌فرمود ما هرگز هدایت
نمی‌شدیم و به این نعمات نمی‌رسیدیم.^۱

شرح لغات و توضیحات:

همانطور که قبلاً نیز به عرض رسانده‌ایم قرآن کریم برای تبیین هر چه بیشتر یک
موضوع و برای تأکید آن، گروه‌های مختلف و سرنوشت آن‌ها را در برابر یکدیگر
قرار داده و آن‌ها را با یکدیگر مقایسه می‌کند تا همگان مطلب را بفهمند و از آن
عبرت بگیرند.

آیات قبل «آیه ۴۱ و آیات قبل از آن» در رابطه با مُنکران آیات خداوند متعال بود

۱. مجمع‌البیان، جلد نهم، صفحه ۱۰۶.

تفسیر نمونه، جلد ششم، صفحه ۲۱۳.

و در این آیات شریفه بیان شده بود که این مُنکرین «منکرین آیات خداوند متعال» در روز قیامت گرفتار عذاب الیم و دردناک جهنم خواهند شد و جهنم جایگاه ابدی و همیشگی آنها خواهد بود یعنی مخلد در آتش جهنم می‌باشند «آیه ۳۶ تا ۴۱ سوره اعراف».

خداوند متعال پس از بیان اوضاع و احوال مُنکرین آیات خویش به اوضاع و احوال مؤمنین اشاره فرموده که چگونه در بهشت متنعم به انواع نعمات بهشتی می‌باشند.

خداوند متعال در این آیات شریفه «آیه ۴۲ و ۴۳ سوره اعراف» به این موضوع اشاره نموده و می‌فرماید:

کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند «یعنی مؤمنین» اهل بهشت می‌باشند و وارد بهشت می‌شوند و مخلد در بهشت هستند «یعنی برای ابد و برای همیشه داخل بهشت خواهند ماند» و از نعمات عظیم مادی و معنوی بهشت بهره‌مند خواهند شد،

و این در حالی است که غرق در شادی و سُرور هستند و هیچگونه غم و اندوه و نگرانی ندارند و در امنیت کامل به سر می‌برند.

مؤمنینی که با فضل خداوند متعال وارد بهشت شده‌اند جهت ابراز رضایت و خشنودی خویش لب به سخن باز کرده و می‌گویند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا = حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که ما را به این همه نعمت رهنمون شد، یعنی:

خداوند متعال را حمد و ستایش می‌کنیم که ما را در دنیا به ایمان و عملی راهنمایی فرمود که مستوجب چنین پاداش عظیمی در آخرت شده‌ایم،

و البته این قضیه حاکی از فضل خداوند متعال است، زیرا:

وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ = ما هرگز هدایت نمی‌شدیم

لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ = اگر خداوند متعال ما را هدایت نمی‌فرمود.

معنی آیه شریفه این شد که:

مؤمنینی که با لطف و فضل خداوند متعال وارد بهشت شده‌اند پس از حمد و

ثنای خداوند متعال و شکرگزاری از نعمات عظیمی که خداوند متعال در بهشت به آنها اعطا فرموده اعتراف می‌کنند که:

اگر فضل و عنایت خداوند متعال شامل حال آنها نمی‌شد و خداوند متعال آنها را در دنیا به صراط مستقیم هدایت نمی‌فرمود هرگز به چنین سعادت نائل نمی‌شدند که وارد بهشت شوند و از انواع نعمات بهشتی بهره‌مند گردند. قابل ذکر است که:

این اعتراف و اقرار مؤمنین در بهشت و قدردانی آنها از الطاف بیکران خداوند متعال از باب شکرگزاری است نه از باب انجام تکلیف، زیرا:

قیامت جای تکلیف نیست و در روز قیامت تکلیفی وجود ندارد که انسانها موظف به انجام آنها باشند، بلکه:

تکلیف و انجام وظیفه مربوط به دنیا است و آخرت محلّ پاداش دادن به این تکالیف دنیوی است،

و به عبارت دیگر:

دنیا سرای عمل و تکلیف است،

و آخرت سرای پاداش «پاداش اعمال و تکالیف دنیوی»، لذا:

حمد و سپاس مؤمنین در بهشت از خداوند متعال به منظور شکرگزاری و قدردانی از فضل و کرم و رحمت خداوند متعال می‌باشد که آنها را در دنیا به صراط مستقیم هدایت فرمود و در آخرت نیز آنها را وارد بهشت کرد.

اینکه این مؤمنین چه کسانی هستند که در بهشت متنعم به انواع نعمات خداوند متعال بوده و از باب شکرگزاری به خداوند متعال عرض می‌کنند:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ» انشاء الله تعالی در بخش

حدیث بیان خواهد شد^۱

۱. مجمع‌البیان، جلد نهم، صفحه ۱۰۸، ۱۰۹.

تفسیر نمونه، جلد ششم، صفحه ۲۱۳ تا ۲۱۷.

توضیح:

به عرض رسید که:

آیه ۳۶ تا ۴۱ سوره اعراف در رابطه با مُنکرین آیات خداوند متعال می باشد که در آخرت گرفتار عذاب الیم و دردناک جهنّم خواهند بود و مخلّد در آتش جهنّم می باشند و آیه ۳۶ سوره اعراف خلود در جهنّم مُنکرین آیات الهی را صریحاً بیان می فرماید.

لازم به ذکر است که مصداق اتمّ و اکمل مُنکرین آیات خداوند متعال مُنکرین امامت و ولایت ائمّه معصومین علیهم السّلام می باشند، یعنی ائمّه ظلم و جور و ائمّه ضلالت و گمراهی و پیروان آنها،

زیرا ائمّه معصومین علیهم السّلام آیات عظمای خداوند متعال می باشند.^۱
قابل ذکر است که:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری پس از نصب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام به عنوان وصی و جانشین خویش و به عنوان امام مسلمین، درباره دشمنان اهل بیت خویش و دشمنان ائمّه معصومین علیهم السّلام و مُنکرین امامت و ولایت آن ذوات مقدّسه این آیه شریفه را تلاوت فرمودند:

«كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّىٰ إِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأَوْلَاهُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٌ وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ - آیه ۳۸ سوره اعراف»، یعنی:

هر دسته و گروهی که وارد جهنّم می شود به دیگری لعن و نفرین می کند و او را مسئول بدبختی خویش می داند «این دو گروه عبارتند از رهبران ضلالت و گمراهی و پیروان آنها».

هنگامی که این دو گروه در جهنّم به هم می رسند، پیروان «فریب خوردگان» لب

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۹۷، حدیث ۳ «حدیث ۵۳۰».

مجمع البیان، جلد نهم، صفحه ۱۰۱ «ذیل آیه ۳۸ و ۳۹ سوره اعراف».

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۲۳۹، حدیث ۳ «ذیل آیه ۳۸ و ۳۹ سوره اعراف».

تفسیر نورالتقلین، جلد دوم، صفحه ۸۰۵، حدیث ۱۰۹ «حدیث ۳۵۰۴».

به شکایت گشوده و به خداوند متعال عرض می‌کنند:

پروردگارا، این اغواگران و رهبران ضلالت و گمراهی بودند که ما را در دنیا گمراه نموده و از صراط مستقیم خارج نمودند، پس خداوندا عذاب آن‌ها را دو برابر نما،

هم به خاطر گمراه بودن خودشان و هم به خاطر اینکه ما را گمراه نمودند.

و خداوند متعال به آن‌ها «پیروان رهبران ضلالت و گمراهی» می‌فرماید:

مجازات و عذاب هر دو گروه از شما مضاعف است، یعنی:

عذاب هر دو شما را دو چندان خواهم نمود، ولی نمی‌دانید چرا،

برای اینکه رهبران ضلالت و گمراهی بدون شما «پیروان رهبران ضلالت»

نمی‌توانستند به اهداف شوم و پلید خویش برسند.^۱

حدیث:

۱. وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام درباره آیه شریفه «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا

وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ - آیه ۴۳ سوره اعراف» فرمودند:

وقتی که قیامت می‌شود و روز قیامت فرا می‌رسد وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و یازده امام معصوم از نسل آن حضرت دعوت می‌شوند و در جایگاه مخصوص خویش قرار می‌گیرند «جهت شفاعت شیعیان و رسیدگی به اعمال مردم».

وقتی که شیعیان «شیعیان اثنی عشری» وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم‌السلام را می‌بینند همگی می‌گویند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، يَعْنِي هَدَانَا اللَّهُ فِي وِلَايَةِ
 أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْإِثْمَةِ مِنْ وُلْدِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَام، یعنی:

حمد و سپاس می‌گوئیم خداوند متعال را که ما را به ولایت و امامت امیر المؤمنین

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج پیامبر اکرم در غدیر خم، صفحه ۱۱۸ تا ۱۴۶ «صفحه ۱۳۸»، حدیث ۳۲.

تفسیر نمونه، جلد ششم، صفحه ۲۰۵ تا ۲۰۸ «ذیل آیه ۳۸ و ۳۹ سوره اعراف».

علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام از نسل آن حضرت هدایت فرمود «که نتیجه آن سعادت اخروی و ورود به بهشت است که ما به آن نائل شده ایم»^۱.

۲. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری پس از پایان مناسک حج و هنگام مراجعت از مکه به مدینه در بین راه مکه و مدینه در محلی به نام غدیر خم در حضور جمع کثیری از حجاج بیت الله الحرام که تعداد آن‌ها تا یکصد و بیست هزار نفر نیز گفته شده خطبه بسیار مهم و مفصلی ایراد فرموده و پس از حمد و ثنای خداوند متعال قطره‌ای از دریای بیکران فضائل و مناقب مولی الموحّدين علی بن ابیطالب علیه السلام را بیان فرموده و سپس به دستور خداوند متعال آن حضرت را به عنوان وصی و جانشین خویش و به عنوان امام مسلمین معرفی و منصوب فرمودند.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در قسمتی از بیانات نورانی خویش فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ بَايعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَيْمَةَ كَلِمَةً بَاقِيَةً، يَهْلِكُ اللَّهُ مَنْ غَدَرَ وَ يَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ وَفَى، یعنی:

پیامبر اکرم فرمودند:

ای مردم:

از خداوند متعال بترسید و مرتکب گناه نشوید.

ای مردم:

با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و با امام حسن و امام حسین و با امامان بعد از آن‌ها که کلمه طیبه باقیه هستند بیعت کنید «اشاره به آیه بیست و هشتم سوره

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۸۶، حدیث ۳۳ «حدیث ۱۱۱۲».

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۳۶.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۲۴۵، حدیث ۸.

تفسیر نورالیقین، جلد دوم، صفحه ۸۰۹، حدیث ۱۱۷، «حدیث ۳۵۱۲».

زخرف می باشد که مقصود از کلمه در این آیه شریفه امامت می باشد»،
و بدانید که خداوند متعال پیمان شکنان را هلاک می کند و وفاکنندگان به عهد را
مورد رحمت و اسعه خویش قرار می دهد.
وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در قسمت دیگری از فرمایشات
خویش فرمودند:

قُولُوا الَّذِي قُلْتُمْ لَكُمْ، وَ سَلِّمُوا عَلَيَّ بِأَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ قُولُوا:
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، يَعْنِي:
پیامبر اکرم فرمودند:

ای مردم:

آنچه را که در مورد علی بن ابیطالب به شما گفتم برای دیگران که در این مجلس
حضور ندارند بازگو کنید «درباره امامت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام».

ای مردم:

در برابر امیر المؤمنین علی بن ابیطالب تسلیم باشید و از او اطاعت کنید و با او
مخالفت ننمائید و مقام و منصبی را که خداوند متعال به او اعطا فرموده «مقام امامت
مسلمین» از او دریغ مدارید و همگی با هم بگوئید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ - آیه ۴۳ سوره اعراف»،

یعنی:

حمد و سپاس مخصوص خداوند متعال است که ما را به امامت و ولایت
امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام هدایت فرمود که اگر لطف و فضل خداوند
متعال شامل حال ما نمی شد و اگر خداوند متعال ما را به این راه راست و این صراط
مستقیم هدایت نمی فرمود هرگز هدایت نمی شدیم.^۱

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج پیامبر اکرم در غدیر خم، صفحه ۱۱۸ تا ۱۴۶ «صفحه ۱۴۴»، حدیث ۳۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۸۰۹، حدیث ۱۱۸ «حدیث ۳۵۱۳».

شرح خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۴۶۸ تا ۴۷۱.

توضیح:

شیعیان اثنی عشری باید شاکر و سپاگزار باشند که خداوند متعال نعمت امامت و ولایت دوازده امام معصوم علیهم السّلام به آنها ارزانی داشته و به آنها این توفیق را اعطا فرموده که شیعه و پیرو آن ذوات مقدّسه باشند و اینگونه نیز هست، یعنی شیعیان دوازده امامی همواره در دنیا می گویند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، یعنی:

خداوند متعال را حمد و ستایش می کنیم «حمد و سپاس مخصوص خداوند متعال است» که ما را مورد لطف و رحمت خویش قرار داد و ما را به عنوان شیعه و پیرو چهارده معصوم علیهم السّلام برگزید.

شیعیان دوازده امامی روز قیامت نیز وقتی چهارده معصوم علیه السّلام را در عالی ترین جایگاه مشاهده می کنند و به عین الیقین می رسند که تنها فرقه ناجیه هستند و تنها فرقه ای هستند که مورد شفاعت آن ذوات مقدّسه واقع شده و وارد بهشت می شوند و از نعمات بی شمار مادی و معنوی بهشت بهره مند می شوند آنجا نیز لب به سخن گشوده و به محضر ذات اقدس اله عرض می کنند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، یعنی:

خداوند متعال را حمد و سپاس می گوئیم «حمد و سپاس مخصوص خداوند متعال است» که ما را به این همه نعمت رهنمون شد و این همه نعمت به ما اعطا فرمود «نعمت ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السّلام، و این همه نعمات فراوان مادی و معنوی در بهشت» که اگر فضل و کرم خداوند متعال شامل حال ما نمی شد هرگز هدایت نمی شدیم و به این نعمات نمی رسیدیم.

ذیل آیه ۱۵۹ سوره انعام «الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا» به عرض رسید که تنها فرقه ناجیه شیعیان اثنی عشری می باشند و بقیه فرقه ها اهل آتش هستند.

آیه ۴۴ و ۴۵ سوره اعراف:

«وَنَادَى أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا، فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا، قَالُوا نَعَمْ، فَادِّعْ مُؤَدِّعَ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ» آیه ۴۴.
 «الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ» آیه ۴۵.

ترجمه:

وقتی که اهل بهشت در بهشت استقرار یافتند و اهل جهنم نیز وارد جهنم شدند، اهل بهشت اهل جهنم را مورد خطاب قرار داده و به آنها می‌گویند: ما آنچه را که پروردگاران به ما وعده داده بود همه را حق یافتیم، آیا شما هم آنچه را که پروردگارتان به شما وعده داده بود حق یافتید. اهل جهنم در پاسخ به سؤال اهل بهشت به آنها می‌گویند: بله، ما هم وعده‌های خداوند متعال را حق یافتیم. در همین حال مؤدّعی «ندادهنده‌ای» در میان آنها ندا می‌دهد که: لعنت خدا بر ظالمین و ستمگران باد «آیه ۴۴».

این ظالمین و ستمگران همان‌هایی هستند که مردم را از راه خدا بازمی‌دارند، «بازمی‌داشتند» و صراط مستقیم خداوند متعال را کج و معوج نشان داده و مردم را از صراط مستقیم منحرف می‌نمایند «منحرف می‌کردند»، و به آخرت نیز ایمان نداشتند «آیه ۴۵».^۱

شرح لغات و توضیحات:

ندا = بلند کردن صدا، آشکار کردن صدا، صدا کردن، صدا زدن؛
 نادئ = صدا کرد، صدا زد «نادئ فعل ماضی است»؛
 مُنادئ = صداکننده، نداکننده، آوازدهنده، جارزننده، جارچی؛
 وَجَدَ = یافتن، رسیدن، دست یافتن؛

۱. مجمع‌البیان، جلد نهم، صفحه ۱۱۰.

تفسیر نمونه، جلد ششم، صفحه ۲۱۹، ۲۲۱.

اِذْنٌ، اَذَانٌ = آنچه شنیده شود؛

مُؤَذِّنٌ = کسی که چیزی را اعلام می کند و آن را به آگاهی مردم می رساند، اعلام کننده، ندا دهنده، منادی؛

صَدَّ = منع کردن، باز داشتن، منصرف کردن؛

صَدَّعَنَ سَبِيلَ اللَّهِ = بازداشتن مردم از راه خدا، منع کردن مردم از راه خدا؛

بَغْيٌ = فزون طلبی، زیاده خواهی؛

گاهی فزون طلبی و زیاده خواهی در جهت مثبت است مانند عبور و تجاوز از عدل به احسان، و یا عبور و تجاوز از واجب به مستحب،

و گاهی فزون خواهی در جهت منفی است مانند تجاوز از حق به باطل.

عَوَجٌ = کجی، خمیدگی، انحراف، انحراف از راه دین؛

اعوجاجٌ = انحراف، کجی؛

يَبْغُونَهَا عِوَجًا = يَطْلُبُونَهَا عِوَجًا = می خواهند راه راست را راه کج و انحرافی نشان دهند.^۱

آیات قبل در رابطه با مُنْكَرِينَ آیات خداوند متعال بود که جایگاه ابدی و همیشگی آنها جهنم است، همچنین در رابطه با مؤمنینی بود که جایگاه ابدی و همیشگی آنها بهشت می باشد.

ذیل آیه ۴۳ سوره اعراف به عرض رسید که:

آیات ۳۶ تا ۴۱ سوره اعراف در رابطه با مُنْكَرِينَ آیات خداوند متعال می باشد که جایگاه ابدی و همیشگی آنها جهنم است، و مصداق اتم و اکمل مُنْكَرِينَ آیات خداوند متعال مُنْكَرِينَ امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام می باشند، یعنی:

ائمه ظلم و جور و رهبران ضلالت و گمراهی که حقوق آل محمد علیهم السّلام را غصب نمودند مصداق اتم و اکمل مُنْكَرِينَ آیات خداوند متعال می باشند که در

۱. مجمع البیان، جلد نهم، صفحه ۱۱۱.

تفسیر نمونه، جلد ششم، صفحه ۲۲۱ «پاورقی».

مفردات راغب.

آیات ۳۶ تا ۴۱ سوره اعراف به سرنوشت آن‌ها در روز قیامت اشاره شده که گرفتار عذاب الیم و دردناک جهنم می‌باشند و مخلّد در آتش هستند.

آیات ۴۲ و ۴۳ سوره اعراف درباره مؤمنینی است که وارد بهشت شده و شاکر و سپاسگزار از خداوند متعال هستند که آن‌ها را به این همه نعمت رهنمون شده است.

این مؤمنین شیعیان اثنی عشری هستند که به جهت تبعیّت و پیروی از ائمه معصومین علیهم السّلام مشمول فضل و رحمت واسعه خداوند متعال واقع شده و وارد بهشت می‌شوند.

آیات ۴۴ و ۴۵ سوره اعراف که مورد بحث ما می‌باشد در ادامه آیات قبل بوده «آیه ۳۶ تا ۴۳» و به گفتگوی این دو گروه اشاره می‌کند که چگونه با یکدیگر صحبت می‌کنند «گروه مؤمنین که همان شیعیان اثنی عشری هستند و گروه غیر مؤمن اعم از کفّار و مشرکین و مُنکرین امامت ائمه معصومین علیهم السّلام».

در این آیه شریفه «آیه ۴۴ سوره اعراف» آمده که:

وَ نَادَى أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا، فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا = وقتی که مؤمنین «شیعیان اثنی عشری» در بهشت استقرار یافتند و جهنمیان «اعم از کفّار و مشرکین و منافقین و مُنکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام» وارد جهنم شدند، بهشتیان اهل جهنم را مورد خطاب قرار داده و به آن‌ها می‌گویند:

ما وعده‌های خداوند متعال را حق یافتیم،

آیا شما هم وعده‌های خداوند متعال را حق یافتید، یعنی:

بهشتیان به جهنمیان می‌گویند:

خداوند متعال در دنیا به ما وعده داده بود که اگر به خدا و رسول و اوصیاء رسول‌الله ایمان بیاوریم و به تکالیف شرعی خویش عمل نمائیم «انجام واجبات، ترک محرّمات»، در این صورت ما را وارد بهشت خواهد نمود و انواع نعمات بهشتی را به ما اعطا خواهد فرمود، و ما الآن وعده‌های خداوند متعال را حق یافته‌ایم یعنی همه آن نعمات وعده داده شد به ما اعطا شده است،

آیا شما جهنمیان نیز همه وعده‌های خداوند متعال را حق یافتید، یعنی انواع عذاب‌هایی را که خداوند متعال به کفار و مشرکین و منافقین و منکرین امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام وعده داده بود آیا آن عذاب‌ها را الآن می‌بینید.

قالوا نَعَمْ = اهل جهنم به بهشتیان می‌گویند:

بله، ما هم وعده‌های عذاب خدا را الآن می‌بینیم و آن‌ها را می‌چشیم.
معنی آیه شریفه تا این جا این شد که:

وقتی که بهشتیان در بهشت استقرار یافتند و جهنمیان وارد جهنم شدند، اهل بهشت اهل جهنم را مورد خطاب قرار داده و به آن‌ها می‌گویند:
ما وعده‌های خداوند متعال را الآن می‌بینیم «در رابطه با دادن پاداش به ایمان و عمل صالح ما» و غرق در نعمات الهی هستیم،
آیا شما نیز وعده‌های عذاب خدا را می‌بینید «وعده عذاب به افراد بی‌ایمان و بدکاران».

جهنمیان به اهل بهشت می‌گویند:

بله، ما هم وعده‌های عذاب الهی را می‌بینیم و غرق در انواع عذاب‌ها هستیم.
فَاذِّنْ مُؤَدِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ = در همین حال که اهل بهشت و اهل جهنم با یکدیگر صحبت می‌کنند یک منادی «نداکننده، صداکننده» که صدای او را همه اهل بهشت و اهل جهنم می‌شنوند اعلام می‌کند که:

لعنت و غضب خداوند متعال بر ظالمین و ستمگران باد، یعنی:
لعنت خدا بر اهل جهنم باد.

اینکه این منادی و این ندادهنده چه کسی است که صدای او را همه اهل بهشت و جهنم می‌شنوند و در حقیقت سیطره نفوقی «تسلط و تفوق و برتری» بر همه آن‌ها دارد انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد.

آیه بعد «آیه ۴۵ سوره اعراف» این ظالمین و ستمگران را معرفی می‌کند که:
الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ = این ظالمین و ستمگرانی که منادی حق آن‌ها را لعنت می‌کند کسانی هستند که در دنیا مردم را از راه خدا باز می‌داشتند.

بازداشتن مردم و مانع شدن مردم از ایمان آوردن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و بازداشتن مردم از ایمان آوردن به امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام آشکارترین و بارزترین مصداق صَدَعَنْ سَبِيلَ اللَّهِ می باشد «بازداشتن از راه خدا».

دوّمین ویژگی این ظالمین و ستمکاران که موذّن الهی آن‌ها را لعنت می کند این است که:

وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا = این‌ها کسانی بودند و کسانی هستند که صراط مستقیم الهی را کج و معوج نشان می دادند، یعنی:

با تبلیغات مسموم و زهر آگین خویش در ایمان و اعتقاد مردم شک و تردید ایجاد کرده و آن‌ها را از صراط مستقیم الهی خارج می نمودند.

منحرف نمودن مردم از امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام و سوق دادن آن‌ها به اطاعت از دیگران مصداق بارز و آشکار ایجاد انحراف در صراط مستقیم الهی می باشد. *يَبْغُونَهَا عِوَجًا* به معنی *يَطْلُبُونَهَا عِوَجًا* می باشد،

یعنی آن‌ها تلاش می کنند با القای شبهات راه راست را راه منحرف نشان دهند.

سوّمین ویژگی این ظالمین و ستمکاران این است که:

وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ = این‌ها کسانی هستند که به آخرت ایمان ندارند.

از این آیه شریفه استفاده می شود که:

همه انحرافات و مفسد در مفهوم ظلم و ستم جمع است، و ظالم مفهوم وسیع و گسترده‌ای دارد که تمام گنهکاران را در بر می گیرد، مخصوصاً گنهکارانی که دیگران را نیز گمراه کرده و از صراط مستقیم الهی خارج می کنند.

توضیح:

(الف) در آیه ۴۴ سوره اعراف آمده که:

نَادَى أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ...

نادی فعل ماضی است لیکن معنی مضارع می دهد و اینگونه تعبیر در آیات شریفه

قرآن کریم فراوان است و حتمی بودن و قطعی بودن را می رساند، یعنی:

تأکید در وقوع را بیان می‌کند، یعنی:

این امر به حدی قطعی و یقینی است که گویی در گذشته اتفاق افتاده است.

ب) اهل بهشت که غرق در شادی و سُرور هستند و غرق در نعمات الهی می‌باشند به خوبی می‌دانند که اهل جهنم گرفتار انواع عذاب‌ها هستند، لذا این سؤال پیش می‌آید که پرسش اهل بهشت از اهل جهنم به چه منظور می‌باشد که آن‌ها می‌پرسند که آیا شما وعده‌های خداوند متعال را درباره بدکاران حق یافتید یا نه «وعده‌های خداوند محقق شد یا نه».

جواب این است که:

این سؤال و پرسش اهل بهشت از اهل جهنم از روی خوشحالی اهل بهشت می‌باشد و در واقع بهشتیان اهل جهنم را با این سؤال خویش مورد ملامت و سرزنش و شماتت قرار می‌دهند و با جهنمیان که دشمن خدا و رسول و اوصیاء رسول الله می‌باشند اینگونه سخن می‌گویند تا آن‌ها بیشتر حسرت و اندوه بخورند و عذابشان زیادتر شود.

خلاصه کلام اینکه:

اهل بهشت بدین وسیله شادی و سُرور خویش را ابراز می‌دارند و جهنمیان را شماتت می‌کنند تا به حزن و اندوه و حسرت آن‌ها افزوده شود چرا که این ستم‌پیشگان مادامی که در دنیا بودند به هر طریقی که می‌توانستند مؤمنین و اولیاء خداوند متعال را اذیت کرده و مورد آزار قرار می‌دادند و آن‌ها را مسخره می‌کردند. در آیات دیگری نیز به این قضیه اشاره شده که فقط به یک نمونه آن اشاره می‌شود.

در آیات شریفه سوره مطففین «آیه ۲۹ به بعد» آمده که غیر مؤمنین مادامی که در دنیا بودند مؤمنین را مسخره کرده و به آن‌ها می‌خندیدند، لیکن در قیامت اوضاع برعکس می‌شود، یعنی:

مؤمنین در حالی که در بهشت بر روی تخت نشسته‌اند و غرق در انواع نعمات بهشتی هستند به اهل جهنم نگاه کرده و به آن‌ها می‌خندند.

در سوره صافات «آیه ۵۵، ۵۶ و ۵۷» نیز آمده که:

اهل بهشت گهگاه می‌توانند از مقام خود سر برآورده و به اهل جهنم نگاه کنند و احياناً با آنها سخن بگویند تا هم سرور خوشحالی خودشان را بروز بدهند و هم اهل جهنم را مورد ملامت و سرزنش قرار دهند و بدین وسیله عذاب آنها را زیاد کنند.

ج) انشاءالله تعالی ذیل آیه ۴۶ سوره اعراف «و آیات بعد از آن» به عرض خواهد رسید که:

بین بهشت و جهنم حجاب و حائلی وجود دارد به نام اعراف که مانع می‌شود تا اهل بهشت و جهنم همدیگر را ببینند، مگر در مواقع خاصی که آنها می‌توانند یکدیگر را ببینند و با هم صحبت کنند.

د) ذیل آیه ششم و هفتم سوره حمد، آیه ۱۵۳ سوره انعام، آیه ۷۳ و ۷۴ سوره مؤمنون به عرض رسید که:

ائمه معصومین علیهم السلام فرموده‌اند ما صراط مستقیم الهی هستیم، همچنین: ذیل آیه ۱۵۷ و ۱۵۸ سوره آل عمران به عرض رسید که:

ائمه معصومین علیهم السلام مصداق اتم و اکمل سبیل الله می‌باشند، لذا: اگر فرد یا افرادی از این بزرگواران اعراض نمایند و به جای تبعیت از این ذوات مقدسه از دیگران تبعیت کنند از صراط مستقیم الهی خارج شده و انحراف در دین ایجاد نموده‌اند، همچنین:

اگر فرد یا افرادی مانع ایمان آوردن مردم به این ذوات مقدسه بشوند در این صورت صدّ عن سبیل الله نموده‌اند و مشمول آیه ۴۵ سوره اعراف می‌شوند، و این‌ها همان ظالمینی هستند که روز قیامت مورد لعنت مُنادی و مؤذن الهی قرار خواهند گرفت.^۱

۱. مجمع البیان، جلد نهم، صفحه ۱۱۱ - ۱۱۲.

المیزان، جلد پانزدهم، صفحه ۱۶۴ - ۱۶۵ - ۱۶۷.

تفسیر نمونه، جلد ششم، صفحه ۲۱۹ تا ۲۲۱ - ۲۲۶.

حدیث:

۱. وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام درباره این آیه شریفه «فَاذَنْ مُؤَدَّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ - آیه ۴۴، سوره اعراف» فرمودند: اَنَا ذَلِكَ الْمُؤَدَّنُ، یعنی:

آن مؤدّن من هستم «آن کسی که روز قیامت ندا در می دهد که أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ، آن کس من هستم».

این حدیث را محمّد حنفیه از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نقل نموده است.^۱

۲. وجود مقدّس امام رضا علیه السلام فرمودند:

مؤدّن در این آیه شریفه «فَاذَنْ مُؤَدَّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ - آیه ۴۴ سوره اعراف» وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد. این حدیث را محمّد بن فضیل از امام رضا علیه السلام نقل نموده است.^۲

۳. عمر حلال می گوید:

از حضرت ابوالحسن علیه السلام سؤال کردم:

یابن رسول الله:

مقصود از مؤدّن در این آیه شریفه «فَاذَنْ مُؤَدَّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ - آیه ۴۴، سوره اعراف»، چه کسی است.

۱. مجمع البیان، جلد نهم، صفحه ۱۱۳.

المیزان، جلد پانزدهم، صفحه ۱۹۳.

تفسیر نمونه، جلد ششم، صفحه ۲۲۱ - ۲۲۲.

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۳۷ - ۳۸.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۲۴۶، حدیث ۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۸۱۱، حدیث ۱۲۳ «حدیث ۳۵۱۸».

۲. مجمع البیان، جلد نهم، صفحه ۱۱۲ - ۱۱۳.

المیزان، جلد پانزدهم، صفحه ۱۹۳.

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۳۷.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۲۴۶، حدیث ۴.

وجود مبارک حضرت ابوالحسن علیه السلام فرمودند:
منظور از مؤذّن «منادی - نداکننده» در این آیه شریفه وجود مقدّس امیرالمؤمنین
علیّ بن ابیطالب علیه السلام می باشد.^۱

۴. وجود مقدّس امام کاظم علیه السلام فرمودند:
مؤذّن «ندادهنده، منادی، اعلام کننده» در این آیه شریفه «فَأَذِّنْ مُؤذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ
اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ - آیه ۴۴، سوره اعراف» وجود مبارک امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب
علیه السلام می باشد، و اذان و ندای آن بزرگوار به حدی است و به نحوی است که
همه خلایق «همه اهل بهشت و همه اهل جهنّم» آن ندا را می شنوند.^۲

۵. وجود مقدّس امام باقر علیه السلام فرمودند:
امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السلام پس از خاتمه جنگ نهروان «جنگ باخوارج
که در سال سی و نهم هجری به وقوع پیوست» به کوفه مراجعت فرمودند.
وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السلام مطلع شدند که معاویه بن
ابی سفیان به آن حضرت ناسزا گفته و تعدادی از اصحاب آن حضرت را به شهادت
رسانده است.

وجود مبارک امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السلام پس از اطلاع از این قضیه
خطبه ای ایراد فرموده و پس از حمد و ثنای خداوند متعال فرمودند:

ای مردم:

عمر من به پایان رسیده و پیک اجل به من نزدیک شده است.

ای مردم:

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۹۸، حدیث ۷۰ «حدیث ۱۱۴۹».

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۳۷.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۲۴۶، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۸۱۱، حدیث ۱۲۲ «حدیث ۳۵۱۷».

۲. تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۳۷.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۲۴۵، حدیث ۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۸۱۱، حدیث ۱۲۵ «حدیث ۳۵۲۰».

من شما را ترک می‌کنم «من از دنیا می‌روم» و آنچه را که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای شما به یادگار گذاشت برای شما به یادگار می‌گذارم: یکی قرآن کریم، و دیگری اهل بیت و عترتم که اهل بیت و عترت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشند.

ای مردم:

من برادر و پسرعموی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشم و کسی هستم که هر گاه روباه‌صفتان از اطراف پیامبر اکرم می‌گریختند و آن حضرت را تنها می‌گذاشتند «مثل جنگ اُحد و...» یک تنه میدان گسترده جنگ را در اختیار می‌گرفتم و سر ماجراجویان و بدخواهان آن حضرت را در فضا پرتاب می‌کردم «سر از تن مخالفین جدا می‌کردم».

ای مردم:

من در مقابل هیچ پهلوان و قهرمانی زانوی عجز بر زمین نازم بلکه با یورش‌های برق‌آسا آن‌ها را از مرکب حیات به زیر انداختم و هر کس را که به خداوند رحمان کُفر می‌ورزید به هلاکت رساندم.

ای مردم:

من داماد بهترین مخلوق خدا هستم «داماد اشرف مخلوقات و خیرالانام یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم»،

من سیدالاصیاء هستم،

من وصی و جانشین خیرالانبیاء و سیدالانبیاء هستم،

من خزانة دار علم رسول الله و وارث آن حضرت می‌باشم،

من همسر حبیبه حبیب الله و ریحانه رسول الله یعنی همسر بتول عذرا هستم که

سیده نساء العالمین است «سرور و بانوی بانوان دنیا و آخرت»،

ای مردم:

أَنَا الْمُؤَدِّنُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ:

«فَأَذِّنْ مُؤَدِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ - آیه ۴۴ سوره اعراف»،

وَ اَنَا ذَلِكَ الْمُؤَدِّنُ، قَالَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ:

وَ اَذَانٌ مِّنَ اللهِ وَ رَسُوْلِهِ اِلَى النَّاسِ «آیه سوّم سوره توبه»، یعنی:

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند:

من مؤدّن در دنیا و آخرت هستم که خداوند متعال در این آیات شریفه «آیه ۴۴

سوره اعراف و آیه سوّم سوره توبه» به آن اشاره فرموده است.

این حدیث را جابر جعفی از امام باقر علیه السّلام نقل نموده است.^۱

توضیح:

خداوند متعال در آیه سوّم سوره توبه «سوره برائت» می فرماید:

وَ اَذَانٌ مِّنَ اللهِ وَ رَسُوْلِهِ اِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْاَكْبَرِ اَنَّ اللهَ بَرِءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِيْنَ وَ رَسُوْلُهُ...،

یعنی:

و این اعلامی است از جانب خدا و رسولش به تمام مردم، که:

همانا خداوند متعال و پیامبر اکرم از مشرکین بیزار می باشند.

ذیل این آیه شریفه «آیه سوّم سوره توبه» به عرض رسیده است که:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم، وجود مبارک امیرالمؤمنین

علیّ بن ابیطالب علیه السّلام را در موسم حج «سال نهم هجری» به سوی مکه اعزام

فرمود تا سوره برائت را برای مردم بخواند «اعلام برائت خداوند متعال و رسول

خدا از مشرکین».

مؤدّن «اعلام کننده» و منادی این دستور خداوند متعال «اعلام برائت از مشرکین»

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام بودند، لذا:

وجود مبارک امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام مؤدّن در دنیا هستند چرا

۱. معانی الاخبار شیخ صدوق، جلد اول، باب ۲۸ «معنی اسامی مبارک محمّد، علی، فاطمه، حسن، حسین، و سایر

ائمّه معصومین علیهم السّلام»، صفحه ۱۳۲ تا ۱۴۳، حدیث ۹.

المیزان، جلد پانزدهم، صفحه ۱۹۳.

تفسیر صافی، جلد سوّم، صفحه ۳۷ - ۳۸.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۲۴۶، حدیث ۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوّم، صفحه ۸۱۱، حدیث ۱۲۴ «حدیث ۳۵۱۸».

تفسیر نمونه، جلد ششم، صفحه ۲۲۲.

که به دستور خداوند متعال سوره براءت را که اعلام براءت خدا و رسول خدا از مُشرکین می باشد در موسم حج برای مردم خواندند، همچنین:
وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام موذن در آخرت هستند
چرا که زمانی که اهل بهشت و جهنم با یکدیگر صحبت می کنند آن حضرت با
صدای بلند ندا درمی دهد که:

أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ «آیه ۴۴ سوره اعراف»،

و این اعلام به نحوی است که همه اهل بهشت و جهنم آن را می شنوند.
ذیل آیات اول تا سوم سوره توبه «براءت» نیز توضیحاتی به عرض رسیده است.

۶. ابن عباس روایت می کند که:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در قرآن کریم نامهایی دارد که مردم از
آن اطلاعی ندارند که یکی از آن نامها موذن می باشد،
و موذن در این آیه شریفه «فَأَذِّنْ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ - آیه ۴۴ سوره
اعراف» وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب است که روز قیامت این ندا را سر
داده و می فرماید:

أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الَّذِينَ كَذَبُوا بِوِلَايَتِي وَاسْتَحَفُّوا بِحَقِّي، یعنی:

خدا لعنت کند کسانی را که امامت و ولایت مرا تکذیب کرده و آن را انکار
نمودند و حق مرا کوچک شمرده و حقم را پایمال کردند.

این روایت را حاکم حسکانی «از علمای اهل تسنن» نیز در شواهدالتنزیل نقل کرده
است.^۱

۷. وجود مقدس امام باقر علیه السلام این آیه شریفه را «وَ نَادَى أَصْحَابُ الْجَنَّةِ
أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا، فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا، قَالُوا نَعَمْ،

۱. مجمعالبیان، جلد نهم، صفحه ۱۱۳.

المیزان، جلد پانزدهم، صفحه ۱۹۳.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۲۴۶، حدیث ۶.

تفسیر نمونه، جلد ششم، صفحه ۲۲۲.

فَإِذَنْ مُّوَدَّنُ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ - آیه ۴۴ سوره اعراف» تلاوت نموده و فرمودند:

موذن در این آیه شریفه وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد که روز قیامت ندا در می دهد «أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ»^۱ با توجه به احادیثی که ملاحظه فرمودید معنی آیه ۴۴ سوره اعراف این می شود که:

وقتی روز قیامت به حساب مردم رسیدگی شد و بهشتیان در بهشت و جهنمیان در جهنم قرار گرفتند، اهل بهشت اهل جهنم را مورد خطاب قرار داده و به آنها می گویند:

ما وعده های خداوند متعال را حق یافته و آنها را الآن می بینیم و غرق در انواع نعمات بهشتی هستیم. «دادن وعده پاداش به اعمال نیک مؤمنین که خداوند متعال در آیات فراوانی به آنها اشاره فرموده است».

اهل بهشت در ادامه صحبت خویش با اهل جهنم به آنها می گویند: آیا شما هم وعده های خداوند متعال را حق یافتید و الآن آنها را می بینید «وعده عذاب به عقائد باطل و اعمال خلاف غیر مؤمنین».

اهل جهنم پاسخ می دهند:

بله، ما هم وعده هایی را که خداوند متعال به غیر مؤمنین و بدکاران داده بود می بینیم و غرق در انواع عذاب ها می باشیم.

در همین حال که اهل بهشت و جهنم با یکدیگر صحبت می کنند وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام با صدای بلندی که همه اهل بهشت و همه اهل جهنم آن را می شنوند ندا در می دهد که:

خدا لعنت کند ظالمین را،

خدا لعنت کند شما جهنمیان را،

خدا لعنت کند کسانی را که ولایت و امامت مرا تکذیب کرده و آن را انکار نمودند و حق مرا پایمال کردند.

۱. تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۲۴۷، حدیث ۷.

آیات ۴۶ و ۴۷ و ۴۸ و ۴۹ سوره اعراف:

«وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ، وَ نَادَوْا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ، لَمْ يَدْخُلُوهَا وَ هُمْ يَطْمَعُونَ» آیه ۴۶.

«وَ إِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ، قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» آیه ۴۷.

«وَ نَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ قَالُوا مَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَ مَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ» آیه ۴۸.

«أَهْؤَلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يِنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ، ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَ لَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ» آیه ۴۹.

ترجمه:

میان اهل بهشت و جهنم حائل و حجابی است که آن را اعراف می گویند «قسمت بالا و مرتفع حجاب را اعراف می گویند».

و بر اعراف مردانی هستند که همه اهل بهشت و همه اهل جهنم «همه اهل محشر» را از چهره آنها می شناسند.

رجالی که بر اعراف هستند اهل بهشت را صدا می کنند و به آنها می گویند: سلام بر شما.

رجالی که بر اعراف هستند در حالی به اهل بهشت سلام می کنند که اهل بهشت هنوز وارد بهشت نشده اند لیکن امیدوار هستند که وارد بهشت شوند. «آیه ۴۶».

هنگامی که چشم اهل بهشت به جهنمیان می افتد «وقتی بهشتیان به جهنمیان نگاه می کنند» به خداوند متعال عرض می کنند:

خداوندا ما را با قوم ظالمین «این جهنمیان» قرار مده «ما را با اهل جهنم در جهنم جمع مکن» «آیه ۴۷».

رجال اعراف اهل جهنم را که از چهره و سیمای آنها می شناسند صدا کرده و به آنها می گویند:

دیدید که جمع آوری شما «از قبیل مال و ثروت و فرزندان» و تکبرهای شما به شما سودی نبخشید. «آیه ۴۸».

رجال اعراف در ادامه صحبت خویش با اهل جهنّم به آن‌ها می‌گویند:
 آیا این اهل بهشت همان کسانی هستند که شما سوگند می‌خوردید که رحمت
 خداوند متعال به آن‌ها نخواهد رسید و از این راهی که انتخاب کرده‌اند «راه
 عبودیت خداوند متعال» خیری نخواهند دید.
 رجال اعراف به بهشتیان که هنوز وارد بهشت نشده‌اند دستور می‌دهند که وارد
 بهشت شوید که داخل بهشت نه ترس و خوفی بر شما هست و نه غم و اندوهی.
 «آیه ۴۹»^۱.

شرح لغات و توضیحات:

حِجَاب = حائل، ساتری که بین دو چیز حائل می‌شود؛
 مقصود از حجاب در این آیه شریفه «آیه ۴۶» حائلی است بین بهشت و جهنّم از
 قبیل تپّه یا دیوار، و خلاصه کلام اینکه:
 مقصود از حجاب در این آیه شریفه مکان مرتفعی است بین بهشت و جهنّم، و
 به عبارت دیگر:

مقصود از حجاب در این آیه شریفه مکان مرتفعی است بین اهل بهشت و
 جهنّم که مانع می‌شود تا اهل بهشت «بهشتیان» و اهل جهنّم «جهنّمیان» همدیگر را
 ببینند و یا با یکدیگر صحبت کنند، مگر در مواقع خاصی که اراده خداوند متعال
 تعلق می‌گیرد که اهل بهشت و اهل جهنّم می‌توانند همدیگر را ببینند و با یکدیگر
 صحبت نمایند.

عُرْفٌ = محلّ مرتفع و بلند «جمع عُرْفٌ می‌شود اعراف».
 مقصود از اعراف در این آیه شریفه «آیه ۴۶ سوره اعراف» قسمت‌های بالای
 حجاب می‌باشد، یعنی:

بین بهشت و جهنّم «بین بهشتیان و جهنّمیان» مکان مرتفعی وجود دارد که
 حجاب و حائل بین اهل بهشت و اهل جهنّم می‌باشد و به قسمت‌های بالای این
 مکان مرتفع «مثلاً تپّه یا دیوار یا کوه» اعراف گفته می‌شود.

۱. المیزان، جلد پانزدهم، صفحه ۱۶۹-۱۷۲ - ۱۷۹ تا ۱۸۲.

سیما = علامت، نشان؛

صَرْفٌ = گرداندن؛

أَبْصَارٌ = جمع بَصَرٌ به معنی دیدگان، چشم‌ها؛

تَلْقَاءٌ = روبرو، جهت مقابل؛

إِذَا صُرِّفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ = وقتی که چشم‌های اهل بهشت به طرف اهل جهنم گردانیده می‌شود «وقتی که اهل بهشت چشمشان به اهل جهنم می‌افتد».

ندا = صدای بلند، صدا کردن با صدای بلند؛

نَيْلٌ = رسیدن، واصل شدن، نائل شدن؛

نَالَ مَطْلُوبَهُ = به خواسته خودش رسید، به مطلوب خود رسید.^۱

آیات قبل «آیه ۴۳، ۴۴ و ۴۵ سوره اعراف» در رابطه با اهل بهشت و اهل جهنم بود و به سرنوشت آن‌ها در آخرت اشاره می‌فرمود.

این آیات شریفه «آیه ۴۶، ۴۷، ۴۸ و ۴۹ سوره اعراف» نیز در رابطه با اهل بهشت و اهل جهنم می‌باشد، ضمن اینکه در این آیات شریفه صحبت از رجالی است که بر اعراف مستقر بوده و همه اهل بهشت و جهنم را از چهره و سیمای آن‌ها می‌شناسند و حاکم و مسلط بر آن‌ها می‌باشند و احکام و اوامر خداوند متعال را درباره اهل بهشت و اهل جهنم جاری می‌کنند.

اینکه این رجال اعراف «رجالی که بر اعراف یعنی بر بالاترین نقطه حجاب مستقر شده‌اند» و این مقرب‌ترین مخلوقات الهی چه افرادی هستند انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد.

در ابتدای این آیه شریفه «آیه ۴۶ سوره اعراف» آمده که:

وَيَبْنِيهِمَا حِجَابٌ = میان بهشت و جهنم حائل و دیواری است که مانع می‌شود تا اهل بهشت و اهل جهنم یکدیگر را ببینند و با یکدیگر صحبت کنند مگر در مواقع خاصی که اراده خداوند متعال تعلق می‌گیرد و اهل بهشت و جهنم می‌توانند با

۱. مجمع‌البیان، جلد نهم، صفحه ۱۱۵ - ۱۲۰.

المیزان، جلد پانزدهم، صفحه ۱۶۹ - ۱۸۱.

تفسیر نمونه، جلد ششم، صفحه ۲۲۷.

مفردات راغب.

یکدیگر صحبت کنند و همدیگر را ببینند.

بنابراین، بین بهشت و جهنم و به تبع آن بین بهشتیان و جهنمیان مکان بلند و مرتفی مانند تپه و کوه حائل شده و آن دو گروه را از یکدیگر جدا نموده به نحوی که جز در موارد خاص و استثنایی این دو گروه «بهشتیان و جهنمیان» نمی‌توانند همدیگر را ببینند و با یکدیگر صحبت کنند.

به قسمت‌های بالای این حجاب «مکان مرتفع بین بهشت و جهنم» اعراف گفته می‌شود که در ادامه آیه شریفه به آن اشاره خواهد شد.

وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ = بر روی اعراف رجالی هستند «مردانی هستند» که اهل بهشت و جهنم را از چهره و قیافه آن‌ها می‌شناسند، یعنی: رجالی که روی اعراف مستقر می‌باشند مُشرف به بهشت و جهنم می‌باشند «مُشرف به جمیع اهل محشر»، و وقتی به صورت و چهره اهل محشر نگاه می‌کنند می‌فهمند که این‌ها اهل بهشت هستند و به بهشت خواهند رفت و یا اهل جهنم هستند و داخل آتش خواهند شد.

این قسمت از آیه شریفه این معنا را افاده می‌کند که:

رجال اعراف «مردانی که بر اعراف مستقر می‌باشند» مقرب‌ترین مخلوق خداوند متعال هستند و متمایز از دو گروه فوق‌الاشاره می‌باشند «یعنی متمایز از بهشتیان و جهنمیان هستند».

در حقیقت اهل محشر سه طایفه هستند:

۱. رجال اعراف که بر روی اعراف استقرار یافته و مُشرف به بهشت و جهنم هستند و اهل محشر را از چهره و قیافه آن‌ها می‌شناسند و می‌دانند که چه کسی اهل بهشت است و چه کسی اهل جهنم، و این امر حاکی از مقام و منزلت والای رجال اعراف می‌باشد.

۲. اهل بهشت «بهشتیان».

۳. اهل جهنم «جهنمیان».

قابل ذکر است که:

تعبیر به رجال آن هم به صورت نکره «بدون الف و لام» به حسب عُرف لغت

حاکمی از مقام و جایگاه ویژه و استثنایی این افراد می‌باشد و دلالت بر احترام و اعتنا به شأن افرادی دارد که بر روی اعراف مستقر می‌باشند، و به عبارت دیگر: از افرادی که بر روی اعراف استقرار یافته‌اند و مُشرف به تمام صحنه مَحْشَر می‌باشند تعبیر به رجال شده است که حاکمی از عنایت ویژه خداوند متعال به آنها می‌باشد.

در آیات دیگری نیز در رابطه با بعضی از اولیاءِ خداوند متعال تعبیر به رجال شده که به عنوان نمونه به تعدادی از آنها اشاره می‌شود.

خداوند متعال در آیه ۳۶ و ۳۷ سوره نور می‌فرماید:

فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ، يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ (آیه ۳۶).
رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ... (آیه ۳۷)، یعنی:

این مصباح و این چراغ هدایت «که در آیه ۳۵ سوره نور راجع به آن صحبت به میان آمده» در خانه‌هایی قرار دارد که خداوند متعال اذن و اجازه داده و مقرر فرموده تا رفیع شده و برافراشته شوند و در آن خانه‌ها نام خداوند متعال برده شود، و اهل آن خانه‌ها صبح و شام «پیوسته و مدام» تسبیح خداوند متعال را می‌گویند «آیه ۳۶».

در این خانه‌ها رجالی هستند «مردانی هستند» که هیچ تجارت و معامله‌ای آنها را از یاد خداوند متعال غافل نمی‌کند «آیه ۳۷».

ذیل این دو آیه شریفه به عرض رسیده است که:

منظور از بیوت در این دو آیه شریفه بیوت انبیاءِ الهی است، و مقصود از رجالی که در این بیوت هستند انبیاءِ می‌باشند.

بالاخر از بیوت انبیاءِ الهی بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و بیت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و بیوت یازده امام معصوم از نسل آن دو بزرگوار می‌باشد،

و مقصود از رجالی که صبح و شام تسبیح خداوند متعال را می‌گویند وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام می‌باشند «احادیث ذیل این دو آیه شریفه صریحاً این مطلب را بیان فرموده‌اند».

قابل ذکر است که اگر در میان آنان افرادی از طایفه نسوان باشند از باب تغلیب، لفظ رجال در مورد این افراد به کار برده می‌شود.

خداوند متعال در آیه ۲۳ سوره احزاب می‌فرماید:

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ، فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا «آیه ۲۳»، یعنی:

در میان مؤمنان رجالی هستند «مردانی هستند» که بر سر عهد و پیمانی که با خداوند متعال بسته‌اند صادقانه ایستاده‌اند.

بعضی از این مؤمنین و بعضی از این رجال به عهد خویش وفا نموده و پیمان خودشان با خداوند متعال را به پایان بردند «به شهادت رسیدند».

بعضی از این مؤمنین و بعضی از این رجال نیز در انتظار هستند «تا به عهد و پیمان خویش عمل نموده و پیمان خودشان با خداوند متعال را به پایان برسانند».

این عده‌ای که در انتظار هستند عهد و پیمانی را که با خداوند متعال بسته‌اند تغییر نداده‌اند «انحراف و تزلزلی پیدا نکرده‌اند».

ذیل این آیه شریفه به عرض رسیده است که:

مصدق ائمه و اکمل این آیه شریفه و رجال مورد نظر آن ائمه معصومین علیهم السلام می‌باشند، و به دنبال آن ذوات مقدسه شیعیان آن بزرگواران نیز مشمول این آیه شریفه قرار می‌گیرند آن هم به جهت پذیرش ولایت و امامت آن بزرگواران. بنابراین:

مراد از رجال افرادی هستند که در عبودیت خویش به سر حد کمال رسیده‌اند، و تعبیر به رجال نیز «آن هم به طور نکره و بدون الف و لام» حاکی از شأن و مقام والای آن‌ها می‌باشد.

انشاءالله تعالی در بخش حدیث «ذیل آیات ۴۶ تا ۴۹ سوره اعراف که مورد بحث ما می‌باشد» به عرض خواهد رسید که مقصود از رجال اعراف «رجالی که بر روی اعراف مستقر هستند» وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام می‌باشند.

ویژگی‌های رجال اعراف:

۱. در بالاترین قسمت حجاب «مکان مرتفع بین بهشت و جهنم» که اعراف نام دارد مستقر می‌باشند، لذا مُشرف به بهشت و جهنم و مُشرف به اهل بهشت و جهنم هستند، و به عبارت دیگر:

رجال اعراف مُشرف به جمیع اهل محشر می‌باشند.

۲. اهل بهشت و اهل جهنم را از روی چهره و قیافه آن‌ها می‌شناسند.

۳. رجال اعراف هم با اهل بهشت صحبت می‌کنند و هم با اهل جهنم، و با این صحبت خویش به اهل بهشت سلام و درود می‌فرستند و آن‌ها را خوشحال می‌کنند.

و اهل جهنم را شماتت و سرزنش می‌نمایند.

۴. رجال اعراف از جانب خداوند متعال مجاز می‌باشند که هر حرفی که می‌خواهند بزنند «با اهل بهشت و جهنم» و با هر کسی که می‌خواهند حرف بزنند.

۵. دعای رجال اعراف مستجاب است.

۶. رجال اعراف مقام شفاعت دارند، لذا هر کس را که اراده بفرمایند می‌توانند ایمنی داده و به بهشت ببرند و این مقام و جایگاه را خداوند متعال به رجال اعراف که محمد و آل محمد علیهم السّلام می‌باشند اعطا فرموده است.

ذیل آیه ۲۵۵ سوره بقره «مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ» راجع به شفاعت توضیحاتی ارائه شده است.

۷. رجال اعراف از اعمال تک تک انسان‌ها مطلع می‌باشند و می‌دانند که انسان‌ها «تک تک انسان‌ها» در دنیا چه اعمالی انجام داده‌اند، اعم از اعمال صالح و نیک و یا اعمال بد و معاصی، لذا رجال اعراف گواهان و شاهدان اعمال انسان‌ها می‌باشند.

ذیل آیه ۱۴۳ سوره بقره «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ...»

در رابطه با گواهان و شاهدان اعمال انسان‌ها در روز قیامت توضیحات کاملی ارائه شده است.

۸. رجال اعراف در بالاترین نقطه حجاب «مکان و محل مرتفع بین بهشت و جهنم» مستقر می‌باشند و مسلط به همه جا هستند. گرچه این حجاب و این اعراف مرتبط با دو طرف خود می‌باشد «یعنی بهشت و جهنم» لیکن از حکم دو طرف خود خارج می‌باشد، یعنی: حاکم و مسلط بر آن دو می‌باشد و به آن دو تسلط و سیطره دارد.

۹. رجال اعراف به امر خداوند متعال حاکم مطلق مَحْشَر می‌باشند و احکام و اوامر خداوند متعال را درباره اهل بهشت و اهل جهنم به اجرا درمی‌آورند. ذیل آیه ۲۵ و ۲۶ سوره غاشیه «إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ - ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ» در رابطه با رسیدگی به اعمال انسان‌ها در روز قیامت توضیحاتی به عرض رسیده است. انشاءالله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که رجال اعراف محمد و آل محمد علیهم السّلام می‌باشند، یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن حضرت.

قابل ذکر است که کلمه اعراف فقط دو بار در قرآن کریم آمده است، یک بار در آیه ۴۶ سوره اعراف و بار دوم در آیه ۴۸ همین سوره مبارکه.

معنی آیه شریفه «آیه ۴۶ سوره اعراف» تا این جا به طور خلاصه این می‌شود که: میان بهشت و جهنم حائل و حجابی است «مکان مرتفعی بین بهشت و جهنم» که مانع می‌شود تا اهل بهشت و جهنم بتوانند یکدیگر را ببینند و با هم صحبت کنند مگر در مواقع خاصی که به اذن خداوند متعال یکدیگر را می‌بینند و با هم صحبت می‌کنند.

قسمت بالای حجاب «مکان مرتفع بین بهشت و جهنم» اعراف نام دارد و بر روی اعراف رجالی مستقر هستند «همان رجال اعراف» که همه اهل بهشت و اهل جهنم از روی چهره و قیافه آن‌ها می‌شناسند.

رجال اعراف در بالاترین قسمت حجاب مستقر بوده و مُشرف به جمیع اهل

محشر می‌باشند و احکام و اوامر خداوند متعال را درباره اهل بهشت و اهل جهنم به اجرا درمی‌آورند.

در ادامه آیه شریفه آمده که:

وَ نَادَوْا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ = رجال اعراف اهل بهشت را صدا کرده و به آن‌ها می‌گویند:

سلام بر شما؛

رجال اعراف زمانی به اهل بهشت سلام و درود می‌فرستند که اهل بهشت هنوز وارد بهشت نشده‌اند.

لَمْ يَدْخُلُوهَا وَ هُمْ يَطْمَعُونَ = در حالی که هنوز وارد بهشت نشده‌اند ولی ناامید هم نیستند و امیدوارند که با شفاعت رجال اعراف وارد بهشت شوند.

بنابراین معنی این قسمت از آیه شریفه این می‌شود که:

رجال اعراف اهل بهشت را صدا کرده و به آن‌ها سلام و درود فرستاده و بدین وسیله به اهل بهشت تبریک و تهنیت می‌گویند به خاطر نعمتی که خداوند متعال به آن‌ها اعطا فرموده و به زودی وارد بهشت خواهند شد.

زمانی که رجال اعراف به اهل بهشت سلام و درود می‌فرستند هنوز اهل بهشت وارد بهشت نشده‌اند، گرچه تمایل فراوانی دارند که به بهشت بروند و امیدوارند که با شفاعت رجال اعراف وارد بهشت شوند.

در آیه بعد «آیه ۴۷ سوره اعراف» نیز صحبت از اهل بهشت است و آن هم مربوط به زمانی که چشم آن‌ها به اهل جهنم می‌افتد.

وَ إِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ = هنگامی که چشم اهل بهشت به جهنمیان «اهل جهنم» می‌افتد.

ملاحظه می‌فرمائید که نگاه کردن اهل بهشت به اهل جهنم تعبیر به صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ شده است که گویا این تعبیر به این جهت به کار برده شده تا به ما اعلام کند که:

چون انسان معمولاً به اختیار خود تمایل چندانی ندارد به چیزی نگاه کند که از او تنفر دارد، همچنین تمایل ندارد به چیزی نگاه کند که ممکن است باعث ناراحتی

او بشود «آن هم نگاه کردن به آتش جهنم که دارای انواع عذاب‌ها است»، لذا در چنین مواقعی ممکن است انسان بدون اختیار گوشه چشمی به آن مناظر هولناک باز کند و این باز کردن چشم آنقدر بی‌اختیار است که گویی شخص دیگری چشم انسان را به طرف آن مناظر وحشتناک باز کرده است، و لذا در این آیه شریفه نمی‌فرماید که وقتی اهل بهشت به اهل جهنم نگاه می‌کنند چرا که در این صورت باید می‌فرمود *إِذَا نَظَرُوا*، و به همین جهت فرموده: *إِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ*، یعنی:

زمانی که چشم‌های اهل بهشت به طرف اهل جهنم گردانیده می‌شود. به هر حال معنی آیه شریفه تا این جا این شد که:

زمانی که اهل بهشت به ناگاه چشمشان به اهل جهنم می‌افتد به خداوند متعال عرض می‌کنند:

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ = خداوندا ما را با گروه ظالمین و ستمگران «اهل جهنم» قرار مده، یعنی:
خداوندا:

ما را با اهل جهنم ملازم و همنشین نکن و ما را با اهل جهنم جمع نکن، یعنی: خداوندا ما را به جهنم داخل نکن و با ظالمین و ستمکاران که همان اهل جهنم هستند ملازم و همنشین نفرما.

آیه بعد «آیه ۴۸ سوره اعراف» درباره اصحاب اعراف و صحبت آن‌ها با اهل جهنم می‌باشد.

در این آیه شریفه آمده که:

وَ نَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ = اصحاب اعراف اهل جهنم را «جهنمیان را» که از روی چهره و قیافه آن‌ها می‌شناسند مورد ملامت و سرزنش قرار داده و به آن‌ها می‌گویند:

قَالُوا = اصحاب اعراف «رجال اعراف» به جهنمیان می‌گویند: «آن‌ها را ملامت و سرزنش می‌کنند»:

مَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَ مَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ = دیدید که گردآوری اموال و نفرت

و تکبر ورزیدن از پذیرش حق به شما سودی نداد،

یعنی شما در دنیا همواره در فکر جمع‌آوری مال و ثروت بودید و نفرات خودتان را زیاد می‌کردید «زیاد کردن زن و فرزند و پیروان خودتان» و از پذیرش حق نیز امتناع می‌نمودید و الآن می‌بینید که هیچکدام از آنها برای شما سودی ندارد و باید در آتش جهنم بسوزید.

برخی از مفسرین می‌گویند که این خطاب و ندای رجال اعراف متوجه ائمه ظلم و جور و رهبران ضلالت و گمراهی می‌باشد که نه تنها خودشان ایمان نمی‌آوردند بلکه مانع ایمان آوردن دیگران نیز می‌شدند.

به هر حال سرنوشت همه ظالمین و ستمکاران آتش جهنم می‌باشد، خواه رهبران ضلالت و گمراهی و ائمه ظلم و جور خواه پیروان آنها.

اصحاب اعراف «رجال اعراف» در ادامه صحبت خویش با اهل جهنم به آنها می‌گویند:

أَهْوَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ = این بهشتیان همان کسانی هستند که شما سوگند می‌خوردید و به طور جزم می‌گفتید که هیچ‌گاه مشمول رحمت خداوند متعال نخواهند شد.

به عبارت دیگر:

اصحاب اعراف «رجال اعراف» به اهل جهنم می‌گویند:

این مؤمنینی که الآن در آستانه ورود به بهشت هستند و به زودی وارد بهشت خواهند شد همان کسانی هستند که شما آنها را در دنیا مسخره می‌کردید و به آنها می‌گفتند که از این راهی که انتخاب کرده‌اید «عبودیت خداوند متعال» خیری نخواهید دید.

چون غیرمؤمنین «اعم از کفار و مشرکین و منافقین و منکرین امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام» در دنیا مؤمنین را مسخره می‌کردند و به آنها می‌گفتند که این راه عبودیتی که انتخاب کرده‌اید خیری برای شما نخواهد داشت، لذا رجال اعراف روز قیامت به آنها که داخل جهنم هستند می‌گویند:

این مؤمنینی که الآن در آستانه ورود به بهشت هستند و به زودی وارد بهشت

خواهند شد همان‌هایی هستند که شما آن‌ها را در دنیا مسخره می‌کردید و به آن‌ها می‌گفتید هرگز مشمول رحمت خدا واقع نخواهید شد.

در ادامه آیه شریفه آمده که رجال اعراف اهل بهشت را که هنوز وارد بهشت نشده‌اند مورد خطاب قرار داده و به آن‌ها می‌گویند:

أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ = داخل بهشت شوید.

لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ = خوف و ترسی برای شما نیست.

وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ = در بهشت غم و اندوهی نخواهید داشت.

معنی این قسمت از آیه شریفه این شد که:

اصحاب اعراف اهل بهشت را که هنوز وارد بهشت نشده‌اند مورد خطاب قرار داده و به آن‌ها امر می‌کنند که:

داخل بهشت شوید و از نعمات جاوید بهشتی بهره‌مند شوید و خوشحال و آسوده باشید چرا که در بهشت نه خوف و ترسی برای شما وجود دارد و نه حزن و اندوهی، زیرا بهشت محلّ امن مؤمنین است و انواع نعمات مادی و معنوی برای آن‌ها مهیا شده است.^۱

توضیح:

الف) همانطور که قبلاً به عرض رسید «ذیل آیه ۴۴ و ۴۵، همچنین ذیل آیه ۴۶ تا ۴۹ سوره اعراف»، بین بهشت و جهنّم حجاب و حائلی وجود دارد و این حجاب و حائل مانع این می‌شود که اهل بهشت و اهل جهنّم بتوانند یکدیگر را ببینند و یا با هم صحبت نمایند، لیکن گاهی اوقات به امر خداوند متعال این امکان حاصل می‌شود که اهل بهشت و جهنّم یکدیگر را ببینند و با هم صحبت نمایند، و این دیدن و صحبت کردن از یک طرف خوشحالی و سرور اهل بهشت را مضاعف می‌کند «چرا که آن‌ها ذلّت دشمنان خدا و رسول را در جهنّم، و عزّت اولیاء خدا را در بهشت می‌بینند» و از طرف دیگر حُزن و اندوه و حسرت اهل جهنّم نیز مضاعف می‌شود زیرا می‌فهمند و متوجّه می‌شوند که اگر در دنیا به خدا و رسول

۱. المیزان، جلد پانزدهم، صفحه ۱۶۹ - ۱۷۰ - ۱۷۲ - ۱۷۳ - ۱۷۹ تا ۱۸۳.

و اوصیاء رسول الله ایمان آورده بودند و به تکالیف شرعی خویش عمل کرده بودند
الآن «جهان آخرت» آنها نیز بهشتی می شدند و مانند اهل بهشت از انواع نعمات
بهشتی بهره مند می شدند.

ذیل آیات ۴۴ تا ۴۹ سوره اعراف به قسمتی از صحبت های اهل بهشت و جهنم
اشاره شد و در آیات دیگری نیز این قضیه مطرح شده است که به عنوان نمونه فقط
به یک آیه دیگر نیز اشاره می شود.

در آیه ۵۰ سوره اعراف آمده که:

وَنَادَى أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ،
قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ، یعنی:

وقتی جهنمیان در آتش می سوزند و در وضع بسیار ناگواری به سر می برند و
تشنگی و گرسنگی نیز به عذاب آنها افزوده می شود، در همین حال اهل جهنم
بهشتیان را مورد خطاب قرار داده و به آنها می گویند:

مقداری آب و مقداری از آن چیزهایی که خداوند متعال به شما اعطا فرموده به
ما نیز بدهید.

اهل بهشت در پاسخ به درخواست اهل جهنم به آنها می گویند:

خداوند متعال اینها را «نعمات بهشتی را» برای کافران «اهل جهنم» تحریم نموده
است.

ب) تعبیراتی که در این آیات شریفه و یا دیگر آیات شریفه قرآن کریم درباره
قیامت و جهان آخرت به کار برده شده هیچ گاه نمی تواند مبین تمام خصوصیات
آن جهان باشد بلکه این تعبیرات جنبه تشبیه و مثال دارند و در واقع تنها شَبَحی
از جهان آخرت را نشان می دهند، زیرا افق جهان آخرت چه از نظر کمی و چه از
نظر کیفی در سطح بسیار وسیع تری نسبت به دنیا قرار گرفته لذا خصوصیات و
ویژگی های جهان آخرت «چه نعمات آن در بهشت و چه عذاب های آن در جهنم»
را نمی توان با کلمات بیان نمود بنابراین:

این تشبیهات جهت تقریب به ذهن می باشد تا حدی که درک آن برای بشر میسر

می باشد انسان آن‌ها را درک کند و بفهمد، و به همین جهت در بعضی از احادیث آمده است که:

در بهشت نعمت‌هایی هست که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و به فکر هیچ انسانی خطور ننموده است، و راجع به جهنم و عذاب‌های جهنم نیز این قضیه صدق می‌کند.

ج) ذیل آیه ۴۴ تا ۴۹ سوره اعراف به عرض رسید که:

مردم روز قیامت سه گروه هستند:

۱. اهل بهشت «بهشتیان».
۲. اهل جهنم «جهنمیان».
۳. رجال اعراف «اصحاب اعراف».

ذیل آیات هفتم تا دوازدهم سوره واقعه نیز به عرض رسید که مردم روز قیامت سه گروه می‌باشند.

۱. اصحابُ الْمِیْمَنَةِ که اصحاب الیمین نیز به آن‌ها گفته می‌شود.

اصحاب میمنه «اصحاب یمین» اصحاب سعادت و خوشبختی هستند و نامه عمل آن‌ها روز قیامت به دست راست آن‌ها داده می‌شود و این قضیه علامت نجات می‌باشد و مبین این مطلب است که آن‌ها اهل بهشت هستند.

۲. اصحابُ الْمَشْأَمَةِ که اصحاب الشمال نیز به آن‌ها گفته می‌شود.

اصحاب مشأمه «اصحاب شمال» اصحاب بدبختی و شقاوت هستند و نامه عمل آن‌ها روز قیامت به دست چپ آن‌ها داده می‌شود و این قضیه علامت گناهکاران بودن و مجرم بودن آن‌ها می‌باشد و مبین این مطلب است که آن‌ها اهل جهنم هستند.

۳. الْأَسَاقِیُوتُ که همان مقربون هستند.

گروه سابقون «گروه مقربون» مقرب‌ترین مخلوق خداوند متعال می‌باشند و قرب آن‌ها به درگاه خداوند متعال در بالاترین مراتب می‌باشد لذا عالی‌ترین درجات بهشت نیز متعلق به این گروه می‌باشد.

ذیل آیات هفتم تا دوازدهم سوره واقعه به عرض رسید که:
مقصود از سابقون «مقربون» محمد و آل محمد علیهم السلام می باشند، یعنی وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام.

ذیل آیات ۲۲ تا ۲۸ سوره مطفین نیز به عرض رسیده که
رحیق مختوم شراب مخصوص ابرار است که مقدار کمی از شراب تسنیم به آن اضافه می کنند تا لذیذتر و گواراتر شود، لیکن:

شراب تسنیم که عالی ترین شراب بهشت است اختصاص به مقربون دارد و خداوند متعال در آیه ۲۸ سوره مطفین در باره شراب تسنیم می فرماید:
عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ، یعنی:

شراب تسنیم از چشمه ای است که خاص مقربون است و فقط مقربون به طور خالص از آن می نوشند.

ذیل آیات ۲۲ تا ۲۸ سوره مطفین به عرض رسیده است که:
مقصود از مقربون که همان سابقون می باشند محمد و آل محمد علیهم السلام هستند و شراب تسنیم به طور خالص اختصاص به آن ذوات مقدسه دارد و لاغیر.

انشاء الله تعالی در بخش حدیث ذیل آیات شریفه مورد بحث «آیات ۴۶ تا ۴۹ سوره اعراف» ملاحظه خواهید فرمود که:

مقصود از رجال اعراف «اصحاب اعراف» محمد و آل محمد علیهم السلام می باشند، یعنی وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام.
بنابراین:

رجال اعراف «اصحاب اعراف» همان مقربون «سابقون» می باشند یعنی محمد و آل محمد علیهم السلام، یعنی وجود مقدس و مبارک چهارده معصوم علیهم السلام.

حدیث:

۱. وجود مقدس امام باقر علیه السلام درباره اینکه مراد از اصحاب اعراف و رجال اعراف در این آیه شریفه «وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ - آیه ۴۶

سوره اعراف» چه کسانی هستند فرمودند:

هُم آلُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَهُمْ وَعَرَفُوهُ، وَلَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ وَأَنْكَرُوهُ، يَعْنِي:

اصحاب اعراف و رجال اعراف که بر اعراف مستقر می‌باشند و اهل محشر را از روی چهره و صورت آن‌ها می‌شناسند آل محمد علیهم السلام می‌باشند «یعنی اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام».

امام باقر علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

هر کس آل محمد علیهم السلام را بشناسد «امامت آن ذوات مقدسه را پذیرفته باشد» و آل محمد علیهم السلام نیز او را بشناسند «به عنوان شیعه و پیرو خویش» وارد بهشت می‌شود،

و هر کس آل محمد علیهم السلام را انکار کند «امامت و ولایت آن ذوات مقدسه را انکار نماید و آن را نپذیرد» و آل محمد علیهم السلام نیز او را انکار نمایند «او را به عنوان شیعه خویش نشناسد» وارد جهنم می‌شود.

این حدیث را راویان متعددی نقل نموده‌اند که سعید بن طریف یکی از آن‌ها می‌باشد.^۱

۲. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

یا علی:

گویی تو را در روز قیامت می‌بینم که عصایی در دست داری و قومی را به بهشت

۱. مجمع البیان، جلد نهم، صفحه ۱۱۶.

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۳۹ - ۴۰.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۲۵۰، حدیث ۷.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۲۵۶، حدیث ۱۹.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۲۵۷، حدیث ۲۲.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۲۵۸، حدیث ۲۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد چهارم، صفحه ۸۱۵، حدیث ۱۳۳، «حدیث ۳۵۲۸».

و قومی را به جهنم می فرستی.^۱

۳. وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

نَحْنُ أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ،

لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفْنَا وَ عَرَفْنَا،

وَ لَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرْنَا وَ أَنْكَرْنَا، یعنی:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

ما هستیم اصحاب اعراف،

هیچ کس وارد بهشت نمی شود مگر اینکه ما را شناخته باشد (به عنوان امام معصوم و حجت خداوند متعال) و ما نیز او را بشناسیم «به عنوان شیعه خودمان»، و کسی وارد جهنم نمی شود مگر اینکه منکر ما بوده «امامت ما را انکار می نمود» و ما نیز او را انکار کنیم «یعنی شیعیان ائمه معصومین علیهم السلام به بهشت می روند و منکرین امامت آن ذوات مقدسه به جهنم».^۲

توضیح:

این حدیث شریف را حاکم حسکانی «از علمای معروف اهل تسنن» نیز از وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نقل نموده که ذیلاً ملاحظه می فرمائید.

أَصْبَغُ بْنُ نُبَاتَةَ مَيَّ كَوَيْد:

روزی در محضر مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بودم که فردی به نام ابن الكوّاء وارد شد و از آن حضرت درباره این آیه شریفه «وَيَبَيِّنُهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى

۱. مجمع البیان، جلد نهم، صفحه ۱۱۷.

۲. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۶۰، حدیث ۹، «حدیث ۴۶۸».

احتجاج طبرسی، جلد اول، صفحه ۵۰۸ - ۵۰۹، حدیث ۱۲۹.

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۳۹.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۲۴۸، حدیث ۱.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۲۵۵، حدیث ۱۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۸۱۳، صفحه ۱۲۸ «حدیث ۳۵۲۳».

الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ - آیه ۴۶ سوره اعراف» سؤال نمود.
وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در رابطه با این آیه شریفه
«آیه ۴۶ سوره اعراف» فرمودند:

يا بَنَ الْكَوّاءِ:

نَحْنُ نَقِفُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ،
فَمَنْ يَنْصُرُنَا عَرَفْنَا بِسِيمَاهُ فَأَدْخَلْنَاهُ الْجَنَّةَ،
وَ مَنْ أَبْغَضَنَا عَرَفْنَا بِسِيمَاهُ فَأَدْخَلْنَاهُ النَّارَ، یعنی:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام درباره آیه چهل و ششم سوره اعراف به
ابن کوّاء فرمود:

ما «ائمه معصومین علیهم السلام» روز قیامت بین بهشت و جهنّم می ایستیم «یعنی
بر روی اعراف»، پس:

هر کس ما را یاری و نصرت کرده باشد او را از چهره اش شناخته و او را به
بهشت داخل می کنیم،
و هر کس با من دشمنی نموده باشد او را از چهره اش شناخته و او را وارد جهنّم
می کنیم.^۱

۴. وجود مقدّس امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه «وَعَلَى الْأَعْرَافِ
رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ - آیه ۴۶ سوره اعراف» فرمودند:

اصحاب اعراف ما هستیم «ائمه معصومین علیهم السلام»،
هر کس ما را بشناسد «امامت ما را بپذیرد» جایگاه او بهشت است «سرانجام او
بهشت است»،

و هر کس ما را نشناسد «معتقد به امامت ما نباشد» جایگاه او جهنّم است
«سرانجام او جهنّم است».

۱. مجمع البیان، جلد نهم، صفحه ۱۱۷.

المیزان، جلد پانزدهم، صفحه ۲۰۰ - ۲۰۱.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۲۵۷، حدیث ۲۱.

این حدیث را ابی بصیر از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۱

۵. سلمان فارسی می گوید:

بیش از ده بار از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

یا علی:

تو و اوصیاء تو «یعنی ائمه معصومین علیهم السلام» اصحاب اعراف هستید، کسی وارد بهشت نمی شود مگر اینکه شما را شناخته باشد «امامت شما را پذیرفته باشد» و شما نیز او را شناخته باشید «به عنوان شیعه و پیرو خودتان»، و کسی وارد جهنم نمی شود مگر اینکه شما را انکار نموده باشد «امامت شما را نپذیرفته باشد» و شما نیز او را انکار کرده باشید «به عنوان شیعه خودتان شناخته باشید».^۲

۶. امام باقر و امام صادق علیهما السلام درباره این آیه شریفه «وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ - آیه ۴۶ سوره اعراف» فرمودند:

اصحاب اعراف ائمه معصومین علیهم السلام می باشند.

این حدیث شریف را ابی حمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام، و اسحاق بن عمّار از امام صادق علیه السلام نقل نموده اند.^۳

۷. وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

أَنَا يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ،

۱. المیزان، جلد پانزدهم، صفحه ۱۹۹.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۲۵۵، حدیث ۱۷.

۲. تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۳۹.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۲۵۳، حدیث ۱۲.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۲۵۸، حدیث ۲۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۱۳۲، «حدیث ۳۵۲۷».

۳. تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۲۵۰، حدیث ۶.

أَنَا أَوَّلُ السَّابِقِينَ وَ خَلِيفَةُ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،

أَنَا قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ،

وَ أَنَا صَاحِبُ الْأَعْرَافِ، يَعْنِي:

امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

من رئیس و رهبر مؤمنین هستم،

من نخستین سابقون «سبقت گیرندگان» هستم و خلیفه رسول الله می باشم «جانشین

رسول الله»،

من تقسیم کننده بهشت و جهنم هستم،

من صاحب اعراف می باشم.

این حدیث را مسعده بن صدقه از امام صادق علیه السلام، و آن حضرت نیز از

جد بزرگوارشان امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نقل نموده است.^۱

توضیح:

الف) مقصود از فرمایش امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در رابطه با اینکه

من أَوَّلُ السَّابِقِينَ هستم احتمالاً اشاره به این دارد که آن حضرت اولین فردی بود

که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آورد «در بین مردان»، و در بین

بانوان خدیجه کبری سلام الله علیها اولین فردی بود که به پیامبر اکرم ایمان آورد،

همچنین:

این فرمایش حضرت امیر علیه السلام مبنی بر اینکه من از سابقون هستم «اول

سابقون» شاید اشاره ای نیز باشد به آیات دهم و یازدهم سوره مبارکه واقعه که خداوند

متعال می فرماید:

السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ «آیه ۱۰ سوره واقعه».

أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ «آیه ۱۱ سوره واقعه».

قابل ذکر است که:

۱. تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۲۵۷، حدیث ۲۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۸۱۳، حدیث ۱۳۰ «حدیث ۳۵۲۵».

ذیل آیات هفتم تا دوازدهم سوره واقعه در رابطه با اصحاب یمین و اصحاب شمال و همچنین در رابطه با سابقون توضیحات کاملی ارائه شده است.

ب) مقصود از فرمایش امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام مبنی بر اینکه من تقسیم کننده بهشت و جهنم هستم احتمالاً به این موضوع اشاره می فرماید که آن حضرت روز قیامت اهل بهشت را به بهشت و اهل جهنم را به جهنم داخل می کند و حدیث شماره دو که از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شد دقیقاً همین مطلب را بیان می فرماید.

همچنین قبلاً به عرض رسیده که:

کسانی به بهشت می روند که امامت و ولایت سیدالاصیاء یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام «و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام» را پذیرفته باشند،

و کسانی که امامت و ولایت سیدالاصیاء یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام «و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام» را نپذیرفته باشند وارد جهنم می شوند، یعنی:

پذیرش ولایت و امامت آن حضرت «و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام» جواز ورود به بهشت است،

و انکار ولایت و امامت آن حضرت «و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام» عامل رفتن به جهنم می باشد، و این خود یعنی قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ بودن وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام. ذیل آیه ۲۴ سوره صافات نیز در این رابطه توضیحاتی ارائه شده است.

۸. امام صادق علیه السلام فرمودند:

هر امتی را امام زمان خودش حسابرسی می کند «رسیدگی به اعمال مردم در روز قیامت توسط امام معصومی صورت می گیرد که مردم در زمان آن امام معصوم زندگی می کرده اند».

ائمه معصومین علیهم السّلام دوستان و دشمنان خودشان را در روز قیامت از روی قیافه و چهره آنها می‌شناسند و این همان فرمایش خداوند متعال است که می‌فرماید:

«وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ - آیه ۴۶ سوره اعراف».

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند: ائمه معصومین علیهم السّلام در روز قیامت نامه اعمال دوستان و محبّین خودشان را به دست راست آنها می‌دهند و آنها بدون حساب رهسپار بهشت می‌شوند، و نامه عمل دشمنان خویش را به دست چپ آنها می‌دهند و آنها بدون حساب رهسپار جهنّم می‌گردند.^۱

۹. وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند: اوصیاء پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله و سلّم «یعنی ائمه معصومین علیهم السّلام» میان بهشت و جهنّم استقرار دارند «یعنی روی اعراف»، فقط کسی وارد بهشت می‌شود که اوصیاء پیامبر اکرم را بشناسد «به امامت آن ذوات مقدّسه ایمان داشته باشد» و آن ذوات مقدّسه نیز او را بشناسند، و کسی وارد جهنّم می‌شود که مُنکر اوصیاء پیامبر اکرم باشد «امامت ائمه معصومین علیهم السّلام را نپذیرفته باشد» و اوصیاء پیامبر اکرم نیز او را نشناسند «به عنوان شیعه و پیرو خویش»، زیرا:

خداوند متعال بندگان خویش را به آن ذوات مقدّسه شناسانده و فرموده: «وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ - آیه ۴۶ سوره اعراف».

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند: اوصیاء پیامبر اکرم «ائمه معصومین علیهم السّلام» گواهان و شاهدان بر مردم هستند و خداوند متعال از مردم پیمان و میثاق گرفته تا از آن بزرگواران اطاعت کنند.^۲

۱. تفسیر صافی، جلد سوّم، صفحه ۴۰.

تفسیر نور الثقلین، جلد دوّم، صفحه ۸۱۳، حدیث ۱۲۶ «حدیث ۳۵۲۱».

۲. تفسیر نورالثقلین، جلد دوّم، صفحه ۸۱۳، حدیث ۱۲۹ «حدیث ۳۵۲۴».

قابل ذکر است که:

مراد و مقصود از شناختن و نشناختن ائمه معصومین علیهم السلام پذیرش و یا عدم پذیرش امامت و ولایت آن ذوات مقدسه می باشد.

آیه ۱۲۸ سوره اعراف:

«... إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ، وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ».

ترجمه:

خداوند سبحان می فرماید:

زمین از آن خداوند متعال است و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می دهد «واگذار می کند»، و حُسن عاقبت از آن متَّقین و پرهیزکاران می باشد.^۱

شرح لغات و توضیحات:

ورث، وراثت، ارث = منتقل شدن مال از کسی به کسی دیگر بدون اینکه آن مال را خریده باشد، و به عبارت دیگر:

ارث به معنی مالی است که بدون تجارت و معامله از کسی به کسی برسد اعم از اینکه از مردگان باشد یا از زندگان، به همین جهت مالی را که از میت به وراثت می رسد ارث، میراث، و ثراث می گویند.

وارث = ارث برنده، میراث بر؛

گاهی اوقات خداوند متعال به عنوان وارث توصیف شده است مثل آیه ۲۳ سوره حجر و آیه ۱۸۰ سوره آل عمران، و این بدان جهت است که تنها مالک حقیقی خداوند متعال است.

إِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِي وَ نُمِيتُ وَ نَحْنُ الْوَارِثُونَ - آیه ۲۳، سوره حجر، یعنی:

خداوند متعال می فرماید:

ما هستیم که زنده می کنیم و ما هستیم که می میرانیم، و ما وارث همه جهان هستیم.

وَ لِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ - آیه ۱۸۰، سوره آل عمران، یعنی:

میراث آسمان ها و زمین «همه جهان» از آن خداوند متعال است.

عُقُب = عاقبت، سرانجام؛

عاقِبَة = پایان، سرانجام، عاقبت.^۱

این آیه شریفه «آیه ۱۲۸ سوره اعراف» بیان صحبت موسی بن عمران با قوم خویش می‌باشد و در حقیقت حضرت موسی علیه‌السلام برای مقابله با تهدیدهای فرعون و به منظور پیروز شدن به فرعون به بنی اسرائیل پیشنهاد می‌کند که:

۱. اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ، یعنی:

از خداوند متعال یاری جوئید و از خداوند متعال کمک بخواهید تا شرّ فرعون را کوتاه گردانند.

۲. وَاصْبِرُوا، یعنی:

در راه دیتان اگر ستم‌هایی از جانب فرعون به شما روا می‌شود صبر پیشه کنید و از میدان بیرون نروید و از دشمن نهراسید و بدانید که:

إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ = تمام زمین از آن خداوند متعال است و مالک و فرمانروای مطلق آن خداوند متعال می‌باشد،

يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ = به هر کس از بندگانش که بخواهد آن را منتقل می‌نماید، یعنی سرانجام فرعون هلاک خواهد شد و این سرزمین به شما «بنی اسرائیل» خواهد رسید. این قسمت از آیه شریفه می‌خواهد بفرماید که:

مالک مطلق تمام هستی «از جمله زمین» خداوند متعال است و تمام هستی بالاصاله متعلق به خداوند متعال می‌باشد و خداوند متعال به هر کس از بندگانش که بخواهد آن را اعطا می‌فرماید.

وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ = سرانجام نیک و عاقبت پیروزمندانه از آن متّقین می‌باشد، یعنی:

حُسن عاقبت در دنیا و آخرت نصیب اهل تقوی است.

انشاءالله تعالی در بخش حدیث به عرض خواهد رسید که زمین متعلق به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌باشد که خلیفه خداوند متعال «جانشین خداوند متعال» بر روی زمین هستند و خداوند متعال زمین

۱. تفسیر نمونه، جلد ششم، صفحه ۳۹۲ - ۳۹۳ «ذیل آیه ۱۳۷ سوره اعراف».
مفردات راغب.

را به آن ذوات مقدّسه واگذار فرموده است.^۱

حدیث:

۱. امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

در کتاب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام «که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم املاء فرموده و حضرت امیر علیه‌السلام آن‌ها را نوشته است» در رابطه با این آیه شریفه «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ - آیه ۱۲۸ سوره اعراف» آمده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

أَنَا وَ أَهْلُ بَيْتِي الَّذِينَ أَوْزَنَّا اللَّهُ الْأَرْضَ وَ نَحْنُ الْمُتَّقُونَ، وَ الْأَرْضُ كُلُّهَا لَنَا، یعنی:

من و اهل بیتم همان کسانی هستیم که خداوند متعال زمین را به آن‌ها واگذار فرموده است،

و منظور از متّقین ما هستیم، و همه زمین از آن ما می‌باشد.

این حدیث را ابو خالد کابلی از امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.^۲

۲. امام صادق علیه‌السلام درباره این آیه شریفه «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ، وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ - آیه ۱۲۸ سوره اعراف» فرمودند:

آنچه که متعلّق به خداوند متعال است و از آن خداوند متعال می‌باشد از آن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم است،

و آنچه که از آن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم می‌باشد از آن امام پس از رسول خدا است « یعنی ائمه معصومین علیهم‌السلام ».

۱. مجمع‌البیان، جلد نهم، صفحه ۲۱۸ - ۲۱۹.

تفسیر نمونه، جلد ششم، صفحه ۳۷۰ - ۳۷۱.

۲. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۶۶، حدیث ۱ «حدیث ۱۰۶۳».

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۹۴.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۲۸۸، حدیث ۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۸۶۹، حدیث ۲۲۲ «حدیث ۳۶۱۷».

تفسیر نمونه، جلد ششم، صفحه ۳۷۳.

این حدیث را عَمَّار سَابَاطِی از امام صادق علیه السَّلَام نقل نموده است.^۱

۳. احمد بن محمّد بن عبدالله از ائمه معصومین علیهم السَّلَام نقل نموده که آن ذوات مقدّسه فرموده‌اند:

الذُّنُبَا وَمَا فِيهَا لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَلِرَسُولِهِ وَ لَنَا، یعنی:

تمام دنیا و آنچه در آن است از آنِ خداوند متعال و از آنِ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم و از آنِ ما «ائمه معصومین علیهم السَّلَام» می‌باشد.^۲

۴. عمر بن یزید می‌گوید:

ابا سیّار را در مدینه دیدم که وجهی را «پولی را» خدمت امام صادق علیه السَّلَام برده بود و آن حضرت نپذیرفته بودند.

عمر بن یزید می‌گوید:

به ابا سیّار گفتم:

چرا امام صادق علیه السَّلَام وجهی را که به آن حضرت تقدیم نمودی نپذیرفت و به تو بازگرداند.

ابا سیّار گفت:

وقتی آن وجوه را خدمت امام صادق علیه السَّلَام تقدیم نمودم به آن حضرت عرض کردم:

یابن رسول الله:

غَوَاصِي دَرِيَايِ بَحْرِيْنِ بِهٖ مِنْ وَاكْذَارِ شَدِهٖ وَ مِنْ چَهَارِ صَدِّ هَزَارِ دَرِهْمِ اسْتَفَادَهٗ كَرْدِهَامِ وَ حُمْسِ اَنْ رَا كِهٖ هَشْتَادِ هَزَارِ دَرِهْمِ مِي شُوْدِ خَدْمَتِ شِمَا اَوْرَدِهَامِ وَ نَخْوَا سْتَمِ اَنْ رَا تَصْرَفِ كُنْمِ وَ اَزِ شِمَا بَا زْدَارْمِ زِيْرَا حَقِّ شِمَا اسْتِ كِهٖ خَدَاوَنْدِ مَتَعَالِ دَرِ اَمْوَالِ مَا قَرَارِ دَا دِهٖ اسْتِ.

۱. تفسیر صافی، جلد سوّم، صفحه ۹۳.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۲۹۰ - حدیث ۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوّم، صفحه ۸۶۷، حدیث ۲۲۱ «حدیث ۳۶۱۶».

۲. اصول کافی، جلد دوّم، صفحه ۲۶۸، حدیث ۲ «حدیث ۱۰۶۴».

ابا سیّار می گوید:

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام به من فرمود:

ای ابا سیّار:

مگر ما از زمین و آنچه که از زمین بیرون آورده می شود «ذخایر زیرزمینی و آنچه که از زمین و دریا استخراج می شود» حقّی جز خمس نداریم.

ابا سیّار می گوید:

امام صادق علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش به من فرمود:

ای ابا سیّار:

إِنَّ الْأَرْضَ كُلَّهَا لَنَا، فَمَا أَخْرَجَ اللَّهُ مِنْهَا مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ لَنَا، یعنی:

امام صادق علیه السّلام فرمود:

ای ابا سیّار:

همه زمین از آن ما است «متعلّق به ما است» و آنچه را که خداوند متعال از زمین بیرون می آورد «آنچه که از زمین و دریا استخراج می شود» از آن ما است.

ابا سیّار می گوید:

خدمت امام صادق علیه السّلام عرض کردم:

بقیّه وجوه را نیز خدمت شما تقدیم خواهم نمود «سیصد و بیست هزار درهم باقیمانده».

امام صادق علیه السّلام به من فرمودند:

ای ابا سیّار:

ما آن را برای تو روا ساختیم و حلال نمودیم «بقیّه اموال نزد خودت بماند»، این را هم برای تو حلال نمودیم، مالت را بردار «یعنی همه چهارصد هزار درهم را برای تو حلال نمودیم و آن را به تو بخشیدم».

امام صادق علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

هر زمینی که دست شیعیان ما است برای آن ها حلال است تا زمانی که قائم ما «امام زمان علیه السّلام» قیام نماید که در آن صورت خراج آنچه را که در دست آن ها است بگیرد و زمین را در دست آن ها باقی بگذارد،

لیکن زمین‌هایی که در دست غیرشیعیان است برای آن‌ها حرام است. «خراج = مالیات، مالیات زمین، سهمیه محصول و غله که حاکم شرع از صاحب زمین می‌گیرد»^۱.

۵. ابو بصیر می‌گوید:

محضر مبارک امام صادق علیه‌السلام عرض کردم:

یابن رسول الله:

آیا به امام معصوم نیز زکات واجب است.

امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

ای ابا بصیر:

مگر نمی‌دانی که دنیا و آخرت از آن امام است «متعلق به امام است»

و امام معصوم به هر کس که بخواهد آن را می‌دهد و این حق را خداوند متعال به

امام معصوم اعطا فرموده است.^۲

توضیح:

از این حدیث شریف و دیگر احادیث نظیر این حدیث نورانی استفاده می‌شود که:

خداوند متعال تمام دنیا را به امام معصوم علیه‌السلام «ائمّه معصومین علیهم‌السلام» بخشیده و او را مالک آن ساخته و اختیار آخرت را نیز به امام معصوم «ائمّه معصومین علیهم‌السلام» تفویض و واگذار فرموده است «ذیل آیات فراوانی از جمله ذیل آیه ۲۵ و ۲۶ سوره غاشیه در این رابطه توضیحاتی ارائه شده است»، لذا:

اگر پرداختن زکات به امام معصوم واجب باشد در این صورت مالی که به عنوان زکات پرداخته می‌شود در عین اینکه متعلق به امام معصوم می‌باشد به فقرا نیز تعلق دارد، و این امر محال است که یک مال در یک زمان معین هم از آن امام باشد و هم از آن فقرا.

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۶۸، حدیث ۳ «حدیث ۱۰۶۵».

۲. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۶۹، حدیث ۴ «حدیث ۱۰۶۶».

بنابراین:

تمام دنیا متعلق به ائمه معصومین علیهم السلام می باشد و خداوند متعال تمام دنیا را به آن ذوات مقدسه اعطا فرموده و به آن بزرگواران اختیار داده تا آن را به هر کس که می خواهند ببخشند و اعطا نمایند، و لذا آن ذوات مقدسه زمین را به شیعیان خویش بخشیده اند «به شرط ادای حقوق واجبه»، لیکن مالک اصلی زمین ائمه معصومین علیهم السلام هستند و خداوند متعال آن بزرگواران را مالک تمام زمین و تمام دنیا قرار داده است، لذا:

اگر ائمه معصومین علیهم السلام از اموال خویش به عنوان زکات پرداخت نموده اند «اگر معلوم شود که به این عنوان پرداخت نموده اند» در این صورت نیز اعطاء آنها برای رعایت حال فقرا و نیازمندان و از باب احسان و اکرام به فقرا بوده است نه از باب اینکه پرداختن زکات به ائمه معصومین علیهم السلام واجب می باشد. قابل ذکر است که توضیح ذیل این حدیث شریف مربوط به آقای سید جواد مصطفوی است که اصول کافی را ترجمه نموده و بعضاً توضیحاتی نیز ذیل احادیث شریف ارائه نموده است.

۶. امام باقر علیه السلام فرمودند:

خداوند متعال حضرت آدم را خلق فرمود و دنیا را به او داد «دنیا را به او واگذار کرد»،

و آنچه که از آن حضرت آدم بود متعلق به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد،

و آنچه که از آن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد متعلق به ائمه معصومین از آل محمد علیهم السلام است.

این حدیث را جابر از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۱

توضیح:

طبق این حدیث شریف و دهها حدیث دیگر که با همین مضامین از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده، ائمه معصومین علیهم السلام مالک دنیا و آخرت هستند و تمام دنیا متعلق به آنهاست که خداوند متعال به آن ذوات مقدسه اعطا فرموده است «حدیث شماره پنج که ملاحظه فرمودید».

اگر حضرت آدم مالک همه دنیا بود و خداوند متعال تمام دنیا را به او واگذار فرموده بود به این جهت بود که حضرت آدم خلیفه خداوند متعال «جانشین خداوند متعال» بود، و خداوند متعال قبل از خلقت حضرت آدم به ملائکه فرمود:

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ﴿آیه ۳۰ سوره بقره﴾ یعنی:

به خاطر بیاور هنگامی که پروردگارت به ملائکه فرمود:

من در روی زمین خلیفه‌ای «جانشینی، نماینده‌ای» قرار خواهم داد.

چون حضرت آدم خلیفه خداوند متعال می‌باشد «خلیفه خداوند متعال بود» و خداوند متعال او را به عنوان خلیفه خویش برگزیده بود لذا تمام دنیا نیز متعلق به او بود «چون تمام دنیا متعلق به خداوند متعال است لذا به خلیفه خداوند متعال نیز تعلق می‌گیرد با این تفاوت که مالکیت خداوند متعال به تمام دنیا و تمام هستی بالاصاله و بالاستقلال است لیکن مالکیت خلفاء خداوند متعال اعطایی از جانب خداوند متعال می‌باشد، لذا مالک حقیقی و مالک مطلق دنیا و آخرت و تمام هستی فقط و فقط خداوند متعال است و بس، و خداوند متعال به هر کس و به هر مقدار که صلاح بداند این مالکیت را اعطا می‌فرماید».

حضرت آدم خلیفه خداوند متعال بود و خداوند متعال نیز تمام دنیا را به او بخشیده

بود،

همه انبیاء الهی خلفاء خداوند متعال بودند، لذا تمام دنیا در زمان آن حضرات به آنها تعلق داشت،

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن حضرت یعنی وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام که اشرف مخلوقات بوده و علت غایی خلقت هستند،

و خلیفه و حجت خداوند متعال بر تمام مخلوقات می باشند به طریق اولی به تمام دنیا و آخرت مالکیت دارند و این مالکیت را خداوند متعال به آن ذوات مقدسه اعطا فرموده است.

ذیل آیات ۳۴، ۳۵، ۳۷ و ۱۲۴ سوره بقره به عرض رسیده است که:
وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام علت غایی خلقت می باشند و افضل بر تمام انبیاء هستند، یعنی مقام و منزلت آنها از همه انبیاء برتر و بالاتر می باشد.
همچنین ذیل آیه ۱۴۹ سوره انعام به عرض رسیده است که:
وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام حجت خداوند متعال بر تمام مخلوقات می باشند.

در رابطه با اینکه ائمه معصومین علیهم السلام خلفاء خداوند متعال هستند احادیث فراوانی از ناحیه آن ذوات مقدسه صادر شده که به عنوان نمونه فقط به یک حدیث شریف که از ناحیه وجود مقدس امام رضا علیه السلام صادر شده اشاره می شود.

وجود مقدس امام رضا علیه السلام فرمودند:

الْأئِمَّةُ خُلَفَاءُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي أَرْضِهِ، یعنی:

ائمه معصومین علیهم السلام خلفای خداوند متعال «جانشینان خداوند متعال» در زمییش هستند.^۱

۷. محمد بن ریان می گوید:

به امام عسکری علیه السلام عرض کردم:

یابن رسول الله:

برای ما روایت کرده اند «نقل کرده اند» که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا جز خمس حقی ندارد.

وجود مقدس امام عسکری علیه السلام فرمودند:

إِنَّ الدُّنْيَا وَمَا عَلَيْهَا لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، یعنی:

دنیا و آنچه بر آن است متعلق به رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می باشد.^۲

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۷۵، حدیث ۱ «حدیث ۵۰۶».

۲. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۷۱، حدیث ۶ «حدیث ۱۰۶۸».

آیه ۱۴۳ سوره اعراف:

«وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ، قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ، قَالَ لَنْ تَرَانِي وَلَكِنْ أَنْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي، فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا، فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ».

ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

هنگامی که حضرت موسی به میعادگاه ما آمد و پروردگارش با او سخن گفت،

حضرت موسی به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

خودت را به من نشان بده تا تو را ببینم.

خداوند متعال به حضرت موسی فرمود:

هرگز مرا نخواهی دید، ولی به کوه نگاه کن اگر کوه در جای خودش ثابت ماند

مرا خواهی دید.

هنگامی که خداوند متعال به کوه طور تجلی کرد کوه را متلاشی نمود «با خاک

یکسان کرد» و حضرت موسی بیهوش شد.

هنگامی که حضرت موسی به هوش آمد به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

منزهی تو «از اینکه با چشم دیده شوی»

من به سوی تو باز می گردم و توبه می کنم،

و من اولین مؤمنانم.^۱

شرح لغات و توضیحات:

مِیقَاتٌ = از ماده وقت است و به معنی وقت و زمانی است که برای انجام کاری

تعیین شده است و معمولاً برای زمان به کار می رود، اما گاهی به مکان نیز اطلاق

۱. مجمع البیان، جلد دهم، صفحه ۴۳.

تفسیر نمونه، جلد ششم، صفحه ۴۲۱.

می‌شود «مکانی که باید کاری در آن‌جا صورت بگیرد، مثل مسجد شجره که میقات حج است و حجاج بیت‌الله الحرام باید در آن‌جا مُحَرَّم شوند یعنی احرام ببندند»، بنابراین:

میقات، هم برای زمان به کار می‌رود «زمانی که برای انجام کاری تعیین شده»،
و هم برای مکان «مکانی که برای انجام کاری تعیین شده».

لَنْ، نفی اَبَد را می‌رساند، لذا:

لَنْ تَرَانِي، یعنی هرگز مرا نخواهی دید «هیچ‌گاه مرا نخواهی دید».
أَنْظُرُ = نگاه کن؛

جَبَلٌ = کوه؛

تَجَلَّى = ظهور، بروز «اعم از اینکه به دلالت باشد یا آشکار شدن».

تَجَلَّى گاهی به ذات است مانند آیه دوّم سوره لَيْل که می‌فرماید:

وَ النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى، یعنی قسم به روز هنگامی که آشکار و ظاهر گردد،

و گاهی نیز تَجَلَّى به امر و فعل است مانند آیه ۱۴۳ سوره اعراف که می‌فرماید:

فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ، که مقصود ظهور امر و فعل و آیات و نشانه‌های خداوند

متعال است نه ذات خداوند سبحان.

ذات = وجود؛

دَكَّ = کوبیدن، ویران کردن، هموار کردن پستی و بلندی زمین؛

دَكَّ الْأَرْضَ = یعنی زمین را درهم کوبید و پستی و بلندی آن را از بین برد و آن

را صاف کرد؛

خُرُورٌ = سقوط، افتادن؛

خَرَّ = سقوط کرد، افتاد؛

إِقَاءٌ = ۱- ملاقات کردن، دیدار کردن؛ ۲- ملاقات، دیدار؛

صَعِقًا = از صَعِقَ می‌آید، یعنی بیهوش شدن، از کار افتادن حواس انسان؛

إِفَاقَهُ = به هوش آمدن، بازگشتن فهم و ادراک انسان بعد از بیهوشی،

إِفَاقَهُ به معنی بازگشت صِحَّت و سلامت بعد از بیماری نیز آمده است؛

فَلَمَّا أَفَاقَ = هنگامی که به هوش آمد.^۱

این آیه شریفه «آیه ۱۴۳ سوره اعراف» و چند آیه قبل و بعد این آیه شریفه در رابطه با بنی اسرائیل بوده و صحنه‌های عبرت انگیزی از زندگی بنی اسرائیل را بیان می‌فرماید که به طور خلاصه و فشرده به آن اشاره می‌شود.

پس از اینکه خداوند متعال حضرت موسی را به رسالت مبعوث فرمود و حضرت موسی قوم بنی اسرائیل از چنگال فرعون نجات داد، قوم بنی اسرائیل به جای اینکه شکر این همه نعمت را به جای بیاورند به حضرت موسی علیه‌السلام گفتند که باید خدا را به ما نشان بدهی،

و به آن حضرت گفتند تا خدا را مشاهده نکنیم به تو ایمان نمی‌آوریم.

حضرت موسی علیه‌السلام از میان بنی اسرائیل هفتاد نفر را انتخاب کرد و به همراه خود به میعادگاه برد «کوه طور»، و در میعادگاه «یعنی در میقات که همان کوه طور باشد» تقاضای قوم بنی اسرائیل را به درگاه خداوند متعال عرضه داشت که انشاءالله تعالی در توضیح ذیل آیه شریفه «آیه ۱۴۳ سوره اعراف» به عرض خواهد رسید.

در ابتدای این آیه شریفه خداوند متعال می‌فرماید:

وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ = وقتی که حضرت موسی به میقات ما آمد «به میعادگاه ما آمد» و پروردگارش با او تکلم فرمود «سخن گفت».

بدیهی است خداوند متعال جسم نیست که مثلاً با زبان خودش با کسی صحبت نماید بلکه خداوند متعال خلق صوت نموده و با حضرت موسی تکلم فرمود.

هنگامی که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به معراج رفت آنجا نیز خداوند متعال با پیامبر اکرم تکلم فرمود و با آن حضرت صحبت نمود.

قابل ذکر است که خداوند متعال با صوت و صدای امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب

علیه‌السلام با پیامبر اکرم صحبت می‌فرمود.

۱. مجمع‌البیان، جلد دهم، صفحه ۴۴.

المیزان، جلد شانزدهم، صفحه ۷۹.

مفردات راغب.

خلاصه کلام اینکه:

نحوه تکلم خداوند متعال با پیامبر اکرم و حضرت موسی از طریق خلق صوت می باشد که ممکن است این صوت و این صدا در فضا طنین افکن شود، و یا اینکه این صدا از کوه یا از درخت و یا از جسم دیگری به گوش برسد. به هر حال خالق آن صوت و آن صدا خداوند متعال است که با بنده اش صحبت می کند.

قال = حضرت موسی به خداوند متعال عرض کرد:

رَبِّ اَرْنِي اَنْظُرُ اَيْتِكَ = خداوندا خودت را به من نشان بده تا تو را ببینم.

حضرت موسی که پیامبر اولوالعزم می باشد به خوبی می داند که خداوند متعال جسم نیست که قابل رؤیت باشد «می دانست که خداوند متعال جسم نیست»، بنابراین این سؤال ممکن است مطرح شود که چرا حضرت موسی از خداوند متعال درخواست نمود تا خودش را نشان بدهد تا او ببیند.

پاسخ این است که:

حضرت موسی برای خودش درخواست رؤیت «دیدن» ننمود، بلکه این درخواست و تقاضای حضرت موسی از زبان قومش بود «قوم بنی اسرائیل»، زیرا: قوم بنی اسرائیل به حضرت موسی علیه السلام گفتند تا خدا را به صورت آشکار ببینیم به تو ایمان نمی آوریم، لذا درخواست حضرت موسی از خداوند متعال برای اینکه خودش را نشان بدهد انتقال درخواست قوم بنی اسرائیل بود نه درخواست و تقاضای شخص حضرت موسی، چرا که چنین تقاضا و درخواستی در حدّ یک انسان عادی نیست تا چه رسد به پیامبر اولوالعزم.

در آیه ۱۵۳ سوره نساء این درخواست عجیب قوم بنی اسرائیل صراحتاً آمده است که قوم بنی اسرائیل به حضرت موسی می گفتند:

اَرِنَا اللّٰهَ جَهْرَةً، یعنی:

ای موسی:

خدا را آشکارا به ما نشان بده.

برخی از مفسرین گفته اند که:

گرچه این درخواست حضرت موسی از خداوند متعال درخواست قومش بود «درخواست از خداوند متعال تا خودش را نشان بدهد»، لیکن چنانچه این درخواست از ناحیه شخص حضرت موسی صورت گرفته باشد ابداً به این منظور نبوده که خداوند متعال خودش را نشان بدهد تا حضرت موسی با همین دو چشم «چشم سر» خداوند متعال را ببیند، بلکه درخواست حضرت موسی به این منظور بوده که خداوند متعال بعضی از آیات و نشانه‌های خویش و نشانه‌های آخرت را به حضرت موسی نشان بدهد تا معرفت حضرت موسی به خداوند متعال کامل گردد، و به عبارت دیگر:

اگر به راستی حضرت موسی برای خودش این تقاضا را نموده تا خداوند متعال را ببیند و مشاهده نماید منظور حضرت موسی از این رؤیت و مشاهده رؤیت و مشاهده با چشم نبوده است، زیرا لازمه اینگونه رؤیت و مشاهده این است که نعوذ بالله خداوند متعال جسم باشد و اینگونه درخواست از یک مؤمن عادی بعید است تا چه رسد به پیامبر اولوالعزم، لذا:

منظور حضرت موسی از رؤیت و مشاهده خداوند متعال رؤیت و مشاهده باطنی بوده است یعنی یک رؤیت و شهود کامل روحی و فکری و باطنی آن هم از طریق دیدن بعضی از آیات و نشانه‌های خداوند متعال.

مفسرینی که این احتمال را داده‌اند «که ممکن است درخواست رؤیت و شهود باطنی خداوند متعال از ناحیه شخص حضرت موسی نیز باشد ضمن اینکه درخواست قومش نیز بوده، لیکن تفاوت این دو درخواست این است که درخواست حضرت موسی رؤیت و شهود قلبی و باطنی بوده، در حالی که درخواست قوم بنی اسرائیل رؤیت با دو چشم «چشم سر» بوده است» عنوان می‌کنند که:

نظیر این سؤال را حضرت ابراهیم علیه‌السلام نیز از خداوند متعال مطرح نموده که در آیه ۲۶۰ سوره بقره به آن اشاره شده است.

در این آیه شریفه آمده که:

وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى، قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِنْ، قَالَ بَلَىٰ وَ لَكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي، یعنی:

به خاطر بیاور هنگامی را که حضرت ابراهیم به خداوند متعال عرض کرد:
خداوندا:

به من نشان بده چگونه مرده‌ها را زنده می‌کنی.
خداوند متعال به حضرت ابراهیم فرمود:

ای ابراهیم مگر ایمان نیاورده‌ای «به علم خدا، به قدرت خدا و اینکه خداوند متعال مرده‌ها را زنده می‌کند».

حضرت ابراهیم به خداوند متعال عرض کرد:

آری ایمان آورده‌ام ولی می‌خواهم قلبم آرامش پیدا کند.

حضرت ابراهیم علیه‌السلام پیامبر اولوالعزم است و در اعلی درجه به خداوند متعال و علم و قدرت خداوند متعال ایمان دارد و با صراحت به نمرود می‌گوید:

«رَبِّي الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ - آیه ۲۵۹ سوره بقره» یعنی:

پروردگار من کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند، بنابراین:

درخواست حضرت ابراهیم از خداوند متعال درباره چگونگی زنده نمودن مرده‌ها و رؤیت و مشاهده این عمل صرفاً برای این بوده که ایمان و معرفت خودش را قوی‌تر نماید، زیرا آنچه عقل و دل را سیراب می‌کند و باعث آرامش قلب می‌شود شهود عینی است «نه شهود عینی خود خداوند متعال، بلکه شهود عینی آیات و نشانه‌های خداوند متعال».

پس از اینکه حضرت موسی به خداوند متعال عرض کرد:

رَبِّ ارْنِي أَنْظُرُ إِلَيْكَ «خداوندا خودت را به من نشان بده تا تو را ببینم»،

قَالَ = خداوند متعال به حضرت موسی فرمود:

لَنْ تَرَانِي = هرگز مرا نخواهی دید.

لَنْ در ادبیات عرب نفی اَبَد را می‌رساند،

لذا وقتی خداوند متعال به حضرت موسی می‌فرماید لَنْ تَرَانِي، یعنی:

ای موسی هرگز و هیچ‌گاه مرا نخواهی دید، چه در دنیا و چه در آخرت.

با توجه به اینکه لَنْ نفی اَبَد را می‌رساند و از طرفی نفی رؤیت خداوند متعال در

این آیه شریفه بدون هیچ قید و شرطی آمده لذا نتیجه این می‌شود که:

خداوند متعال در هیچ زمان و در هیچ شرایطی قابل رؤیت و دیده شدن نیست چه در دنیا و چه در آخرت.

بنابراین:

اگر در بعضی از احادیث و در بعضی از آیات شریفه قرآن کریم «از قبیل: آیه ۳۱ و ۱۴۵ سوره انعام، آیه ۱۰ سوره سجده، آیه ۵۴ سوره فصلت، آیه ۲ سوره رعد، آیه ۱۱۰ سوره کهف، آیه ۵ سوره عنکبوت، آیه ۸ سوره روم، آیه ۷ و ۱۵ و ۴۵ سوره یونس و ...» تعبیر لقاءِ خداوند متعال آمده منظور مشاهده باطنی خداوند متعال با چشم دل و بصیرت درون است،

و به عبارت دیگر مراد به این رویت، قطعی ترین و روشن ترین مراحل علم است و تعبیر آن به رویت برای مبالغه در روشنی و قطعیت آن است.

گرچه اینگونه مشاهده «مشاهده باطنی» در دنیا نیز برای اولیاءِ خداوند متعال امکان پذیر می باشد لیکن این مطلب در قیامت جنبه همگانی و عمومی پیدا می کند، لذا موضوع لقاءِ خداوند متعال در آیات شریفه قرآن کریم معمولاً در مورد روز قیامت به کار برده شده است.^۱

در ادامه آیه شریفه خداوند متعال به حضرت موسی می فرماید:

وَلَكِنْ أَنْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنَّ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي = یعنی:

ای موسی:

هرگز مرا نخواهی دید «چه در دنیا و چه در آخرت»، لیکن:

به این کوه نگاه کن که من به او تجلی خواهم کرد،

اگر بعد از تجلی من بر کوه، کوه تاب دیدار مرا داشت و بر جای خود محکم و

استوار باقی ماند در آن صورت تو می توانی مرا ببینی.

در واقع خداوند متعال به حضرت موسی فرمود:

شرط رؤیت من محکم و پایدار ماندن کوه است «بعد از تجلی خداوند متعال

بر کوه»، یعنی:

اگر پس از تجلی من بر کوه، کوه محکم و استوار باقی ماند می توانی مرا ببینی،

۱. تفسیر نمونه، جلد دوازدهم، صفحه ۶۲۳، ذیل آیه ۱۱۰ سوره کهف.

و اگر کوه در جای خودش محکم و استوار باقی نماند تو نمی‌توانی مرا ببینی، و از آن‌جا که کوه پس از تجلی خداوند متعال متلاشی شد و نتوانست مقاومت نماید معلوم می‌شود که دیدن خداوند متعال محال است و امکان رؤیت خداوند متعال وجود نداشته و نخواهد داشت چه در دنیا و چه در آخرت. رسم بر این است که:

اگر بخواهند چیزی را بعید و غیرممکن بشمارند آن را مشروط به چیزی می‌کنند که تحقق آن غیرممکن باشد و این تعبیر در آیات شریفه قرآن کریم نیز به کار رفته است، مثلاً در آیه ۴۰ سوره اعراف درباره کفار و تکذیب‌کنندگان آیات الهی آمده که:

لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ، یعنی:

کفار و تکذیب‌کنندگان آیات خداوند متعال داخل بهشت نخواهند شد مگر اینکه شتر از سوراخ سوزن عبور نماید.

این قضیه در واقع تعلیق به محال است، یعنی:

همچنان‌که عبور شتر از سوراخ سوزن محال می‌باشد ورود کفار به بهشت نیز امری محال است.

در ادامه آیه شریفه آمده که:

فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا = همین که خداوند متعال در کوه تجلی نمود کوه متلاشی شد و با خاک یکسان شد «به تلی از خاک تبدیل شد و صاف و مسطح گردید».

منظور از تجلی نمودن خداوند متعال به کوه ظهور آیات و نشانه‌های خداوند متعال به کوه می‌باشد، یعنی:

هر گاه خداوند متعال نشانه‌ای از قدرت خود را در معرض دید مردم قرار دهد مثل این است که خودش برای مردم تجلی و ظهور کرده است. تجلی و ظهور خداوند متعال یعنی تجلی و ظهور آیات و نشانه‌های قدرت خداوند متعال، لذا:

مقصود از تجلی و ظهور خداوند متعال به کوه این است که:

وقتی خداوند متعال گوشه‌ای از قدرت خود را به کوه ظاهر نمود کوه متلاشی شد و به تلی از خاک تبدیل گردید.

به هر حال مقصود این است که:

خداوند متعال آیه‌ای از آیات و نشانه‌های خویش و پرتوی از یکی از مخلوقات خویش را بر کوه ظاهر نمود تا کسانی که با موسی در کنار کوه بودند یقین پیدا کنند که دیدن خداوند متعال محال است.

پس از اینکه خداوند متعال بر کوه تجلی کرد کوه متلاشی شد و:

خَرَّ مُوسَى صَعِقًا = حضرت موسی بیهوش شد و به زمین افتاد و آن هفتاد نفری که همراه حضرت موسی بودند جان سپرده و مردند.

فَلَمَّا أَفَاقَ = پس از اینکه حضرت موسی به هوش آمد و ملاحظه کرد که هفتاد نفر از پیروانش «از قوم بنی اسرائیل» مرده‌اند به خداوند متعال عرض کرد:
خداوندا:

من پس از مراجعت به بنی اسرائیل چه بگویم «اگر از من سؤال کردند که هفتاد نفر را به مناجات با خدا برده بودی در حالی که آن‌ها را به کشتن دادی».

پس از این درخواست حضرت موسی بود که خداوند متعال آن هفتاد نفر را زنده نمود، و آیه ۵۶ سوره بقره اشاره به این موضوع دارد که خداوند متعال می‌فرماید:
ثُمَّ بَعَثْنَاكُم مِّن بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ، یعنی:

سپس شما را پس از مرگتان حیات بخشیدیم شاید شکر نعمات الهی را به جا بیاورید.

آیه ۱۵۵ سوره اعراف نیز در رابطه با میقات رفتن حضرت موسی به همراه هفتاد نفر از پیروان خویش «از قوم بنی اسرائیل» مطالبی بیان فرموده است.
«وَاخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا...».

به هر حال حضرت موسی پس از به هوش آمدن مطالبی را به خداوند متعال عرضه داشت که قسمتی از آن بیان شد و قسمت دیگر نیز در ادامه آیه شریفه بیان خواهد شد.

قَالَ = حضرت موسی پس از اینکه به هوش آمد به خداوند متعال عرض کرد:

سُبْحَانِكَ = خداوندا تو از هر عیب و نقص مبرا هستی.

برخی گفته‌اند مقصود این است که:

خداوندا تو از هر چیزی که شایسته شأن و مقام تو نیست منزّه هستی،
و یا به عبارت دیگر:

خداوندا، تو منزّه هستی از اینکه بندگان بتوانند تو را با چشم «چشم سر» ببینند
و رؤیت کنند.

تُبْتُكَ إِلَيْكَ = حضرت موسی در ادامه عرایض خویش به خداوند متعال «پس از به
هوش آمدن» عرضه داشت:

خداوندا، من به درگاه تو توبه می‌کنم.
قابل ذکر است که:

اگر درخواست حضرت موسی از خداوند متعال «به منظور رؤیت خداوند متعال،
آن هم رؤیت و شهود باطنی نه رؤیت و شهود با دو چشم سر» برای تقویت ایمان
و افزایش معرفت خویش نسبت به حق تعالی باشد کار خلافی نبوده که لازمه آن
توبه و استغفار به درگاه الهی باشد، لذا:

چون درخواست رؤیت خداوند متعال را حضرت موسی از طرف بنی اسرائیل و
به نمایندگی از آنها انجام داده لذا درخواست توبه حضرت موسی نیز به نمایندگی
از قوم بنی اسرائیل می‌باشد، یعنی:

مأموریت حضرت موسی این بود که درخواست قوم بنی اسرائیل را به خداوند
متعال عرضه بدارد «درخواست قوم بنی اسرائیل این بود که خداوند متعال را به طور
آشکار ببینند»، لذا:

حضرت موسی به نمایندگی از قوم خویش این موضوع را به پیشگاه خداوند
متعال عرضه نمود، و پس از جریان تجلی خداوند متعال به کوه و متلاشی شدن
کوه و اثبات اینکه دیدن و رؤیت خداوند متعال با چشم سر محال باشد، باز به
نمایندگی از قوم خویش به درگاه خداوند متعال توبه نمود و استغفار کرد «توبه و
استغفار برای قوم خویش».

حتی اگر توبه حضرت موسی از ناحیه خودش و برای خودش باشد لازم نیست

که این توبه و استغفار حتماً پس از انجام معصیت و گناه باشد، بلکه معنای آن بازگشت به خداوند متعال است که ممکن است از کوچک‌ترین شائبه دوری از خدا بوده باشد نه نعوذ بالله ارتکاب گناه و معصیت، چرا که انبیاء الهی مقام عصمت دارند و هرگز فکر گناه نیز به مغز آنها خطور نمی‌کند تا چه رسد به اینکه مرتکب گناه بشوند ولو گناه صغیره، لذا حضرت موسی بلافاصله پس از جمله تَبَّتْ اِلَيْكَ به خداوند متعال عرض می‌کند:

وَ اَنَا اَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ، یعنی:

من در میان قوم خودم اولین کسی هستم که به عدم امکان رؤیت تو ایمان آورده‌اند،

و به عبارت دیگر:

من در میان قوم خودم اولین کسی هستم که به این موضوع ایمان آورده‌ام که تو را «خداوند متعال» هرگز با چشم سر نخواهم دید و تو هرگز دیده نخواهی شد چه در دنیا و چه در آخرت «عدم رؤیت و شهود با چشم سر نه عدم رؤیت و شهود باطنی و قلبی، چرا که شهود باطنی نفی نشده است»^۱.

توضیح:

الف) از مجموع قرائن موجود در آیات شریفه قرآن کریم و احادیثی که از ناحیه وجود مقدس ائمه معصومین علیهم السلام صادر شده بیشتر چنین به نظر می‌رسد که حضرت موسی علیه السلام تنها یک میقات داشته «در کوه طور» که آن هم به اتفاق هفتاد نفر از برگزیدگان بنی اسرائیل بوده است.

در همین میقات بود که:

خداوند متعال الواح تورات را نازل فرمود،

۱. مجمع البیان، جلد دهم، صفحه ۴۴ تا ۴۸.

المیزان، جلد شانزدهم، صفحه ۷۹، ۸۲، ۸۳، ۸۹.

تفسیر نمونه، جلد ششم، صفحه ۴۲۱ تا ۴۲۸.

تفسیر نمونه، جلد دوازدهم، صفحه ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۲۳ «ذیل آیه ۱۰۵ و ۱۱۰ سوره کهف».

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۱۰۲، ۱۰۳.

در همین میقات بود که:

خداوند متعال با حضرت موسی سخن گفت،

در همین میقات بود که:

بنی اسرائیل از حضرت موسی علیه‌السلام درخواست نمودند تا او از خداوند

متعال تقاضا نماید تا خودش را نشان بدهد،

در همین میقات بود که:

خداوند متعال بر کوه تجلی فرمود و طی آن حضرت موسی بیهوش شد و هفتاد

نفر از پیروانش نیز مردند «و مجدداً خداوند متعال آن‌ها را زنده کرد».

اینکه این تجلی خداوند متعال بر کوه چگونه بود، یعنی خداوند متعال چه

آیت و نشانه‌ای از آیات خویش را بر کوه ظاهر فرمود که کوه متلاشی شد

انشاءً الله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد و به گوشه‌ای از فرمایشات

خداوند متعال به حضرت موسی و سخنان حضرت موسی با خداوند متعال اشاره

خواهد گردید.^۱

ب) تعبیر به لقاء الله کراراً در قرآن کریم آمده و همه به معنی حضور در صحنه قیامت

می‌باشد.

بدیهی است منظور از لقاء خداوند متعال «ملاقات با خداوند متعال»، ملاقات

حسی مانند ملاقات افراد بشر با یکدیگر نیست، زیرا خداوند متعال جسم نیست

که حجم و رنگ داشته باشد و در مکان خاصی مستقر باشد و با چشم ظاهر «دو

چشم سر» دیده شود، بلکه:

منظور از لقاء خداوند متعال مشاهده آثار قدرت خداوند متعال در صحنه قیامت،

همچنین پاداش‌ها و کیفرهای خداوند سبحان «نعمت‌ها و عذاب‌ها» در روز قیامت

می‌باشد که هر مؤمن و هر کافری آثار قدرت خداوند متعال را در این روز عظیم

به وضوح می‌بیند و آن را مشاهده می‌کند،

و یا اینکه منظور از لقاء خداوند متعال یک نوع شهود باطنی و قلبی است «دیدن

۱. تفسیر نمونه، جلد ششم، صفحه ۴۵۹ «ذیل آیه ۱۵۵ و ۱۵۶ سوره اعراف».

خداوند متعال با چشم دل و بصیرت درون»، زیرا:

بعضی از انسان‌ها گاهی به جایی می‌رسند که گویی خداوند متعال را با چشم دل می‌بینند و خداوند سبحان را در مقابل خود مشاهده می‌کنند «با چشم دل نه با چشم ظاهر»، و این شهود به نحوی است که برای صاحب آن هیچگونه شک و تردیدی باقی نمی‌گذارد، که البته این موضوع در اعلا درجه آن در حجج خداوند متعال دیده می‌شود یعنی در وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام.
در نهج البلاغه آمده است که:

یکی از اصحاب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام از آن حضرت سؤال کرد که:

یا اباالحسن:

هَلْ رَأَيْتَ رَبَّكَ، یعنی:

آیا خداوند متعال «خدای خودت را» را دیده‌ای

و وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند:

أَفَاعْبُدُ مَا لَا أَرَى، یعنی:

آیا خدایی را که نمی‌بینم پرستش کنم؟

وقتی که آن فرد از حضرت امیر علیه السّلام توضیح بیشتری خواست،

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمود:

لَا تُدْرِكُهُ الْعُيُونُ بِمُشَاهَدَةِ الْعَيَانِ، وَ لَكِنْ تُدْرِكُهُ الْقُلُوبُ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ، یعنی:

چشم‌های ظاهر هرگز خداوند متعال را مشاهده نمی‌کنند «با چشم ظاهر نمی‌توان

خداوند متعال را دید»،

بلکه قلب‌ها به وسیله نور ایمان خداوند متعال را درک می‌کنند «با چشم دل

می‌توان خدا را دید».

این حالت یعنی این شهود باطنی و قلبی در روز قیامت برای همگان پیدا می‌شود،

چه اهل بهشت باشد و چه اهل جهنم، زیرا:

آثار عظمت و قدرت خداوند متعال در روز قیامت آنچنان آشکار است که هر

کوردلی هم ایمان قطعی پیدا می‌کند و شک و تردید او به یقین کامل تبدیل می‌شود،

لیکن ایمان آوردن در آن روز هیچ فایده‌ای ندارد.^۱

حدیث:

۱. امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

کَرَوْبِیَانِ قَوْمِیْ از شیعیان ما هستند از خلقت نخستین «خَلَقَ اَوَّلَ»، که خداوند متعال آن‌ها را پُشت عرش خویش قرار داده است و اگر نور یکی از آن‌ها به مردم روی زمین برسد برای همه مردم کافی خواهد بود «همه اهل زمین صاحب نور می‌شوند».

امام صادق علیه‌السلام سپس در ادامه فرمایشات خویش فرمودند:

هنگامی که حضرت موسی علیه‌السلام درخواست خویش را به خداوند متعال عرضه داشت «درخواست حضرت موسی از خداوند متعال این بود که خداوند متعال خودش را نشان بدهد تا حضرت موسی خداوند سبحان را ببیند، که ذیل آیه ۱۴۳ سوره اعراف راجع به آن توضیحات لازم به عرض رسید»، خداوند متعال به یکی از کَرَوْبِیَانِ دستور فرمود تا به کوه تجلی نماید، که طبق دستور خداوند متعال یکی از کَرَوْبِیَانِ به کوه تجلی نمود و طئی آن کوه متلاشی شد و به تلی از خاک مبدل گردید.^۲

توضیح:

از این حدیث شریف استفاده می‌شود که:

تجلی خداوند متعال نیز مانند سایر اموری که منسوب به خداوند متعال می‌باشد و در ید قدرت او است «مانند قبض ارواح، زنده کردن مرده‌ها، رزق و روزی دادن

۱. تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۱۰۷.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۲۶۲، ۲۶۳ «ذیل آیات ۴۴ تا ۴۶ سوره بقره».

المیزان، جلد شانزدهم، صفحه ۱۲۲، ۱۲۴.

۲. المیزان، جلد شانزدهم، صفحه ۱۱۷.

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۱۰۶.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۳۱۲، حدیث ۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۸۸۳، حدیث ۲۴۵ «حدیث ۳۶۴۰».

به موجودات، فرستادن وحی به انبیاء و...» قابل وساطت می‌باشد، یعنی:
همانطور که خداوند متعال:

قبض ارواح را به وسیله ملک‌الموت انجام می‌دهد،
زنده کردن مرده‌ها را به وسیله صاحب‌صور «ملکی که در صور می‌دمد» انجام
می‌دهد،

رزق و روزی مردم را به وسیله میکائیل می‌دهد،
وحی را به وسیله جبرئیل به انبیاء نازل می‌فرماید،
به همین نحو تجلی را نیز به وسیله یکی از کروبیان صورت می‌دهد.^۱

۲. امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

حضرت موسی علیه‌السلام در حال مناجات با خداوند متعال بود که خداوند
سبحان به حضرت موسی فرمود:

ای موسی:

من نماز کسی را قبول نمی‌کنم مگر اینکه:

به خاطر عظمت من به من تواضع کند،

قلباً از من بترسد،

روزش را با ذکر من به پایان برساند،

به گناهان اصرار نرزد،

و حقّ اولیاء و احبّاء «دوستان» مرا بشناسد.

حضرت موسی علیه‌السلام به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

منظور تو از اولیاء و احبّاء خودت حضرت ابراهیم و اسحاق و یعقوب می‌باشد.

خداوند متعال به حضرت موسی فرمود:

ابراهیم و اسحاق و یعقوب از اولیاء و احبّاء من هستند، لیکن منظور من کسی

است که به خاطر او آدم و حوا را خلق کردم و بهشت و جهنم را آفریدم.

حضرت موسی به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

آن شخص کیست.

خداوند متعال به موسی فرمود:

آن شخص محمد است، آن شخص احمد است که من نام او را از نام خودم

مشتق نمودم،

چون نام من محمود است نام او را محمد گذاردم.

حضرت موسی به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

مرا از امت محمد قرار بده.

خداوند متعال به حضرت موسی فرمود:

أَنْتَ مِنْ أُمَّتِهِ، إِذَا عَرَفْتَ مَنْزِلَتَهُ وَ مَنْزِلَةَ أَهْلِ بَيْتِهِ، یعنی:

ای موسی:

اگر تو مقام و منزلت محمد و مقام و منزلت اهل بیت او را بشناسی در زمره امت

محمد خواهی بود.

خداوند متعال سپس به حضرت موسی فرمود:

ای موسی:

هر کس محمد و آل محمد «محمد و اهل بیت او» را بشناسد و به حقوق آنها

آگاه باشد من به آن شخص:

هنگام جاهل بودن علم می‌دهم،

و هنگام تاریکی نور،

و قبل از اینکه از من چیزی بخواهد حاجتش را روا می‌کنم،

و قبل از اینکه سؤال کند هر چه لازم دارد به او اعطا می‌کنم.^۱

۱. کلیات حدیث قدسی «ترجمه کتاب جواهر السنیه»، تألیف شیخ حرّ عاملی، باب هفتم. احادیث مربوط به حضرت موسی علیه‌السلام، صفحه ۱۰۱ تا ۱۰۳، حدیث ۸۸ - ۴۸.

توضیح:

مجمع البیان نیز حدیثی را از ابو حمزه ثمالی نقل نموده که وقتی حضرت موسی علیه السلام الواح تورات را در میقات «کوه طور» از خداوند متعال دریافت نمود و اوصاف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امت آن حضرت را در آن الواح ملاحظه کرد از خداوند متعال درخواست نمود تا او را از امت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم قرار دهد.^۱

۱. مجمع البیان، جلد دهم، صفحه ۸۷ «ذیل آیه ۱۵۹ و ۱۶۰ سوره اعراف».

آیه ۱۵۶ سوره اعراف:

«وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ».

ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

رحمت من همه چیز را فرا گرفته «رحمت من همه موجودات را فرا گرفته»،
و البته آن را «رحمتم را» برای کسانی که تقوا پیشه کنند و زکات را بپردازند و به
آیات ما ایمان می آورند حتم و لازم خواهم داشت «مقرر خواهم نمود».^۱

شرح لغات و توضیحات:

رَحْمَةٌ = ۱- بخشش، مهربانی، آمرزش؛

۲- بخشیدن، مهربانی کردن، آمرزیدن، احسان کردن؛

رحمت از ناحیه خداوند متعال به انسان‌ها یعنی انعام و افضال از ناحیه خداوند
متعال.

انعام = ۱- نعمت دادن، احسان کردن، نیکی کردن؛ ۲- بخشش، احسان؛

افضال = نیکی کردن، بخشش؛

سَعَهُ = وسعت و فراخی، خواه در رابطه با مکان باشد مانند اِنَّ اَرْضِيْ وَاَسِعَتْهُ،

خواه در رابطه با حال و وضع مانند لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ، یعنی آن‌ها که امکانات
وسعی دارند «امکانات فراوانی دارند» باید از امکانات وسیع و فراوان خود انفاق
نمایند «آیه ۵۶ سوره عنکبوت و آیه ۷ سوره طلاق».^۲

این آیه شریفه «آیه ۱۵۶ سوره اعراف» در رابطه با رحمت و اسعه الهی است که در
دنیا شامل حال همه انسان‌ها است، لیکن این رحمت و اسعه الهی در آخرت شامل
همه نمی شود بلکه عدّه خاصّی مشمول رحمت و اسعه خداوند متعال می شوند.

۱. تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۱۱۷.

تفسیر نمونه، جلد ششم، صفحه ۴۵۸.

۲. مفردات راغب.

انشاء الله تعالی توضیحات ذیل آیه شریفه، همچنین حدیث صادره از ناحیه ائمه معصومین علیهم السلام «که در بخش حدیث نقل خواهد شد» مشخص خواهند کرد که چه افرادی روز قیامت و در جهان آخرت مشمول رحمت خداوند متعال خواهند شد و وارد بهشت خواهند گردید.

در ابتدای این قسمت از آیه شریفه خداوند متعال می فرماید:

وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ = رحمت من وسعت پیدا کرده و همه چیز را در دنیا در بر گرفته است، یعنی:

رحمت خداوند متعال در دنیا همه انسانها را در بر گرفته و شامل حال همه انسانها شده است اعم از اینکه خوب باشند یا بد، کافر باشند یا مسلمان، و به عبارت دیگر:

رحمت واسعه الهی در دنیا شامل همه انسانها می شود چه کافر باشند، چه مسلمان، چه خوب باشند و چه بد.

ممکن است این رحمت واسعه خداوند متعال اشاره به نعمتها و برکات دنیوی باشد که همگان را در بر گرفته و برّ و فاجر و کافر و مسلمان از آن بهره می برند «انواع نعمات مادی خداوند متعال در دنیا شامل حال همه انسانها است و همه انسانها از آن بهره می برند، مثلاً همه انسانها از نور خورشید، باران، اکسیژن، منابع زیرزمینی و... بهره می برند و اختصاص به گروه خاصی از انسانها ندارد».

ممکن است این رحمت واسعه خداوند متعال اشاره به تمام رحمت‌های مادی و معنوی باشد، زیرا:

رحمت‌های معنوی و نعمت‌های معنوی خداوند متعال اختصاص به گروه و قوم خاصی ندارد و همگان می توانند از آن بهره مند شوند،

مثلاً خداوند متعال انبیاء را برای هدایت همه انسانها فرستاده و همه انسانها می توانند از این رحمت و نعمت عظیم خداوند متعال بهره مند شده و به راه راست و صراط مستقیم هدایت شوند، گرچه فقط عده خاصی از این نعمت بهره برده و سعادت‌مند می شوند.

و خلاصه کلام اینکه:

رحمت خداوند متعال در دنیا همه انسان‌ها را در بر گرفته و در رب رحمت الهی به روی همگان باز است و همه انسان‌ها می‌توانند از این رحمت الهی بهره‌مند شوند.

اگر مقصود از رحمت خداوند متعال در دنیا را نعمات مادی و دنیوی بدانیم «از قبیل نور خورشید، باران، اکسیژن، سلامت جسم و...» این نعمات الهی همه انسان‌ها را در بر گرفته و همه انسان‌ها از آن بهره‌مند هستند، اعم از اینکه موحد و خداشناس باشند یا ملحد و بی‌دین، لیکن:

رحمت خداوند متعال در آخرت فقط شامل حال مؤمنین می‌شود که انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد که چه افرادی هستند. قابل ذکر است که:

اگر غیرمؤمنین در روز قیامت مشمول رحمت خداوند متعال نمی‌شوند فقط تقصیر خود آن‌ها است نه محدود بودن رحمت خداوند متعال، زیرا غیرمؤمنین با انحراف از صراط مستقیم الهی و ارتکاب معاصی و گناهان خودشان را از رحمت خداوند متعال دور نموده و خودشان را گرفتار خشم و غضب الهی نموده و خودشان را جهنمی کرده‌اند.

بنابراین:

رحمت الهی در دنیا همه انسان‌ها را فرا گرفته اعم از کافر و مسلمان، لیکن رحمت خداوند متعال در آخرت شامل انسان‌هایی است که ادامه آیه شریفه بیان می‌فرماید.

فَسَا كُتِبَ عَلَيْهَا لِلَّذِينَ = خداوند متعال می‌فرماید:

من رحمتم را به زودی برای کسانی می‌نویسم که این خصوصیات را داشته باشند «که در ادامه آیه شریفه بیان خواهد شد».

به عبارت دیگر:

خداوند متعال می‌فرماید:

روز قیامت و در جهان آخرت رحمت من شامل حال انسان‌هایی خواهد شد

که:

۱. يَتَّقُونَ = کسانی که تقوا پیشه می کنند، یعنی:

کسانی که از گناهان و معاصی احتراز نموده و مرتکب گناه نمی شوند.

بنابراین:

اولین ویژگی و خصوصیت انسان‌هایی که روز قیامت مشمول رحمت واسعه الهی می شوند این است که:

از گناهان و معاصی دوری نموده و مرتکب گناه نمی شوند.

قابل ذکر است که این قسمت از آیه شریفه تأویلی نیز دارد که انشاء الله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد و بیان خواهد گردید که مقصود از متّقین «کسانی که تقوا پیشه می نمایند و از گناهان دوری می کنند» کسانی هستند که از اطاعت غیر معصوم خودداری کرده و ولایت غیر معصوم را نپذیرفته اند.

دومین ویژگی انسان‌هایی که روز قیامت مشمول رحمت واسعه خداوند متعال می شوند این است که:

۲. وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ = زکات مال خویش را می پردازند.

این زکات هم می تواند زکات مصطلحی باشد که در کتب فقهی به آن اشاره شده که به ۹ چیز تعلق می گیرد، و هم می تواند مطلق انفاق باشد.

اگر در میان واجبات به زکات اشاره شده به خاطر اهمیتی است که زکات در عدالت اجتماعی دارد.

سومین ویژگی انسان‌هایی که روز قیامت مشمول رحمت واسعه الهی می شوند و در این آیه شریفه به آن اشاره شده این است که:

۳. وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ = کسانی که به آیات ما ایمان می آورند.

ایمان آوردن به آیات خداوند متعال به معنی تسلیم بودن در برابر هر آیه و نشانه‌ای است که از ناحیه خداوند متعال رسیده باشد.

یکی از آن آیات الهی معجزاتی است که از انبیاء الهی صادر شده است، مانند

معجزات حضرت موسی و حضرت عیسی و معجزات وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم.

یکی دیگر از آیات خداوند متعال احکام آسمانی است، مانند:

شرایع و احکام دین موسی و عیسی و سایر انبیاء الهی و در رأس همه آنها شرایع و احکام دین مُبین اسلام.

یکی دیگر از آیات الهی علامت و نشانه‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد که در تورات و انجیل به آن اشاره شده است.

خود انبیاء و اوصیاء آنها از آیات خداوند متعال هستند و شاید بزرگ‌ترین آیت خداوند متعال باشند،

و چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اشرف انبیاء و سید المرسلین «سید و آقای پیامبران» می‌باشد لذا آن حضرت و اهل بیت آن حضرت یعنی ائمه معصومین علیهم السلام اعظم آیات خداوند متعال می‌باشد، لذا:

بر همگان واجب است که در برابر آیات خداوند متعال و مخصوصاً در برابر اعظم آیات الهی یعنی پیامبر اکرم و اوصیاء آن حضرت تسلیم محض باشند، و همانطور که به عرض رسید ایمان آوردن به آیات خداوند متعال یعنی تسلیم بودن در برابر آنها، که اگر فرد در برابر آیات الهی تسلیم بود مشمول رحمت و اسعه خداوند متعال خواهد شد و گرنه در زمره مغضوبین «غضب‌شدگان» قرار خواهد گرفت.

امام باقر علیه السلام از وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نقل نموده که آن حضرت فرمودند:

مَا لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ آيَةٌ هِيَ أَكْبَرُ مِنِّي، یعنی:

خداوند متعال را آیه‌ای بزرگ‌تر از من نیست.^۱

قابل ذکر است که وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام وصی و جانشین بلافصل وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد، و لذا بعد از وجود مبارک پیامبر اکرم آن حضرت بزرگ‌ترین آیت خداوند متعال در

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۹۷، حدیث ۳ «حدیث ۵۳۰».

عالم خلقت می باشد.

ملاحظه فرمودید که:

خداوند متعال فرمودند:

فَسَاكُنْتُمْهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَ يُوْتُونَ الزَّكَاةَ وَ الَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ، یعنی:

من رحمتم را برای کسانی می نویسم که:

۱. از انجام گناهان و معاصی دوری می کنند «یعنی کسانی که واجبات را انجام داده و از محرّمات اجتناب می کنند».

۲. زکات مال خویش را می پردازند.

عرض شد که اگر زکات در بین واجبات به طور ویژه ذکر شده به خاطر اهمیت خاص آن می باشد.

۳. به آیات خداوند متعال ایمان می آورند.

کسانی که این سه ویژگی را داشته باشند روز قیامت مشمول رحمت واسعه خداوند متعال خواهند شد.

در این آیه شریفه خداوند متعال فرموده:

فَسَاكُنْتُمْهَا لِلَّذِينَ...، یعنی:

به زودی رحمت خودم را می نویسم «واجب می کنم» برای کسانی که این ویژگی ها را داشته باشند.

اگر خداوند متعال تعبیر به کتابت «نوشتن» فرموده برای این بوده که حتمی بودن آن را بهتر برساند، زیرا کتابت ثبوت و وجوب بیشتری را افاده می کند.^۱

حدیث:

وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:

الْإِنْسَانُ مُخْتَلِفُونَ فِي إِصَابَةِ الْقَوْلِ وَ كُلُّهُمْ هَالِكٌ، إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ، وَ لِذَلِكَ خَلَقَهُمْ يَعْنِي

۱. مجمع البیان، جلد دهم، صفحه ۷۵-۷۶.

المیزان، جلد شانزدهم، صفحه ۱۴۵-۱۴۶.

تفسیر نمونه، جلد ششم، صفحه ۴۶۴ تا ۴۶۶.

لِطَاعَةِ الْإِمَامِ الرَّحْمَةِ، یعنی:

مردم در رسیدن به قول حق مختلف هستند «مردم عقائد مختلفی دارند» و همه آن‌ها در هلاکت می‌باشند «گمراه هستند و به جهنم می‌روند» مگر کسانی که مشمول رحمت خداوند متعال هستند و خداوند متعال آن‌ها را به همین منظور آفریده است،

برای اینکه از امام رحمت اطاعت کرده و مشمول رحمت الهی شوند.

راوی این حدیث شریف که ابی عبیده حذّاء می‌باشد می‌گوید:

به امام باقر علیه‌السلام عرض کردم:

یابن رسول الله:

مقصود از کسانی که مشمول رحمت خداوند متعال می‌باشند چه کسانی هستند.

امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

هُمْ شِيعَتُنَا وَ لِرَحْمَتِهِ خَلَقَهُمْ، یعنی:

کسانی که مشمول رحمت خداوند متعال هستند «در روز قیامت مشمول رحمت خداوند متعال خواهند بود» شیعیان ما می‌باشند و خداوند متعال آن‌ها را به همین منظور آفریده است که از امام معصوم اطاعت کنند و مشمول رحمت خداوند متعال واقع شوند.

امام باقر علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

مقصود از فرمایش خداوند متعال که می‌فرماید:

فَسَاكُنْتُمْهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ - آیه ۱۵۶ سوره اعراف، یعنی: «رحمت خودم را روز قیامت

برای کسانی قرار می‌دهم که از گناهان دوری می‌نمایند» این است که:

خداوند متعال می‌فرماید:

رحمت خودم را روز قیامت برای کسانی قرار می‌دهم،

و کسانی را روز قیامت مشمول رحمت خویش قرار می‌دهم که:

ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام را پذیرفته و از آنها اطاعت کرده‌اند.^۱

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۳۰۴ و ۳۰۵، حدیث ۸۳ «حدیث ۱۱۶۲».

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۳۲۸، حدیث ۲.

تفسیر نورالتقلین، جلد دوم، صفحه ۹۱۳، حدیث ۲۸۸ «حدیث ۳۶۸۴».

آیه ۱۵۷ سوره اعراف:

«الَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ».

ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:
 کسانی که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ایمان بیاورند،
 و مقام او را بزرگ شمرده و او را گرامی بدانند،
 و آن حضرت را در ابلاغ رسالتش یاری کنند،
 و از نوری که به او نازل شده «نوری که با او نازل شده یعنی قرآن کریم» تبعیت
 و پیروی نمایند بدون شک چنین افرادی رستگار می باشند.^۱

شرح لغات و توضیحات:

عَزَّرُوهُ = از مصدر تعزیر می آید؛
 تَعَزَّرَ = یاری کردن توأم با تعظیم و تکریم و احترام، یاری نمودن آمیخته با احترام؛
 نَصَرَ، نَصْرَتٌ = یاری کردن، کمک کردن؛
 تَبِعْتٌ = پیروی، اطاعت؛
 تَبِعْتٌ کردن = پیروی کردن، اطاعت کردن، فرمانبرداری کردن؛
 فَلَاحٌ = رستگاری، پیروزی، رسیدن به مطلوب؛^۲
 این آیه شریفه شرایط و ویژگی های لازم برای رستگار شدن انسانها را بیان
 می فرماید.

خداوند متعال در این آیه شریفه می فرماید:
 الَّذِينَ آمَنُوا بِهِ = کسانی که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ایمان بیاورند،
 یعنی:

۱. مجمع البیان، جلد دهم، صفحه ۷۷.

تفسیر نمونه، جلد ششم، صفحه ۴۷۰ - ۴۷۱.

۲. المیزان، جلد شانزدهم، صفحه ۱۵۴.

مفردات راغب.

ایمان بیاورند که وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم رسول و فرستاده خداوند یگانه است که مبعوث به رسالت شده تا مردم را از ظلمت به نور راهنمایی نماید، یعنی مردم را از ضلالت و گمراهی نجات داده و به صراط مستقیم هدایت فرماید.

بدیهی است ایمان آوردن به پیامبر اکرم زمانی محقّق می‌شود که انسان به تمام آنچه که پیامبر اکرم از جانب خداوند متعال آورده ایمان بیاورد، لذا اگر کسی به بعضی از آنها ایمان بیاورد «احکام الهی» و به بعضی دیگر کُفر بورزد چنین شخصی مؤمن نیست و به پیامبر اکرم ایمان نیاورده است، زیرا: مؤمن واقعی کسی است که به تمام آنچه که به پیامبر اکرم نازل شده ایمان بیاورد و به آنها عمل نماید نه اینکه به بعضی از آنها ایمان بیاورد و به بعضی دیگر کُفر بورزد «ایمان نیاورد».

در ادامه آیه شریفه آمده که:

وَعَزَّوهُ وَنَصْرُوهُ = پیامبر اکرم را گرامی داشته و آن حضرت را یاری نمایند، یعنی: به رسالت پیامبر اکرم و تمام آنچه که آن حضرت از جانب خداوند متعال آورده ایمان بیاورند،

و آن حضرت را یاری نمایند در حالی که نهایت ادب و احترام را به آن حضرت قائل هستند.

یاری کردن پیامبر اکرم یعنی یاری کردن آن حضرت در ابلاغ رسالتش، و خلاصه کلام اینکه:

کسانی اهل فلاح و رستگاری هستند که با جان و مال خویش در خدمت پیامبر اکرم باشند و با تمام توان و با تمام امکانات خویش آن حضرت را یاری نمایند، و این نصرت و یاری باید توأم با احترام به آن حضرت باشد یعنی: شاکر و سپاسگزار به درگاه خداوند متعال باشند که توفیق خدمت و توفیق نصرت پیامبر اکرم را خداوند متعال نصیب آنها فرموده است.

در ادامه آیه شریفه آمده که:

وَ اتَّبِعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ = اهل فلاح کسانی هستند که از نوری که به پیامبر

اکرم نازل شده تبعیت و پیروی می کنند، و یا:
 از نوری که با پیامبر اکرم نازل شده تبعیت و پیروی می نمایند.
 به هر حال نتیجه کلام این است که:
 کسانی رستگار شده و به پیروزی و سعادت می رسند و به بهشت می روند که:
 از نوری که به پیامبر اکرم نازل شده «با پیامبر اکرم نازل شده» تبعیت و پیروی
 نمایند و مطیع و فرمانبردار او باشند.
 طبق ظاهر آیه شریفه که تمام مفسرین آن را بیان می کنند مقصود از این نور که
 مسلمانان موظف به اطاعت از او هستند قرآن کریم است،
 لیکن طبق تأویل آیه شریفه که از لسان مبارک ائمه معصومین علیهم السلام
 صادر شده مقصود از نور در این آیه شریفه که مسلمانان موظف به اطاعت از آن
 می باشند وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و ائمه معصومین
 علیهم السلام می باشند که انشاء الله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد
 شد.

توضیح:

ملاحظه فرمودید که:

در این آیه شریفه به جای **أُنزِلَ إِلَيْهِ** «به او نازل شد» آمده **أُنزِلَ مَعَهُ** «با او نازل
 شد»، یعنی:

در این آیه شریفه آمده که:

کسانی رستگار می شوند که:

از نوری که با پیامبر اکرم **صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ** نازل شده است تبعیت و
 پیروی کنند، در حالی که می دانیم شخص پیامبر اکرم از آسمان نزول نفرموده که
 قرآن کریم همراه با آن حضرت نزول کرده باشد،
 لیکن چون رسالت و نبوت پیامبر اکرم همراه قرآن کریم از طرف خداوند متعال
 نازل شده لذا تعبیر به **مَعَهُ** شده است،

و در این صورت معنی این قسمت از آیه شریفه این می شود که:

کسانی رستگار می‌شوند که:

تبعیت و پیروی کنند از قرآن کریم که همراه با رسالت و نبوت پیامبر اکرم از جانب خداوند متعال به آن حضرت نازل شده است.

بعضی از مفسرین نیز اظهار می‌دارند که:

گاهی اوقات مع جایگزین علی می‌شود و در این صورت معنی این قسمت از آیه شریفه این می‌شود که:

کسانی رستگار می‌شوند که:

تبعیت و پیروی کنند از قرآن کریم که بر پیامبر اکرم نازل شده است. در انتهای آیه شریفه آمده است که:

أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ = آن‌ها همان رستگارانند، یعنی:

کسانی که این ویژگی‌ها را داشته باشند «که بیان شد» اهل فلاح و رستگاری می‌باشند و جایگاه آن‌ها بهشت است.

بنابراین معنی آیه شریفه این شد که:

کسانی اهل فلاح و رستگاری هستند و به بهشت می‌روند که:

۱. به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ایمان بیاروند «به عنوان پیامبر خاتم

و به عنوان آخرین فرستاده خداوند متعال»

۲. پیامبر اکرم را گرامی داشته «مقامش را بزرگ بشمارند» و آن حضرت را در

ابلاغ رسالتش یاری نمایند.

۳. و از نوری که به آن حضرت نازل شده «یعنی قرآن کریم» تبعیت و پیروی

نمایند، و یا:

از نوری که «قرآن کریم» که همراه با رسالت و نبوت پیامبر اکرم به آن حضرت

نازل شده تبعیت و پیروی نمایند.

ملاحظه فرمودید که مقصود از نور طبق ظاهر آیه شریفه قرآن کریم می‌باشد،

لیکن طبق تأویل آیه شریفه که از لسان مبارک ائمه معصومین علیهم السلام صادر

شده و انشاءالله تعالی در بخش حدیث به عرض خواهد رسید مقصود از نور در این

آیه شریفه وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و ائمه معصومین

عليهم السّلام می‌باشند.^۱

توضیح:

این آیه شریفه «آیه ۱۵۷ سوره اعراف» مکمل آیه قبل «آیه ۱۵۶ سوره اعراف» می‌باشد و این دو آیه شریفه صفاتی را بیان می‌فرمایند که اگر انسان‌ها این صفات و ویژگی‌ها را داشته باشند روز قیامت مشمول رحمت و اسعه خداوند متعال واقع خواهند شد و اهل فلاح و رستگاری خواهند بود یعنی از اهل بهشت خواهند شد، و اگر این صفات را نداشته باشند از دایره رحمت خداوند متعال خارج شده‌اند و جایگاه چنین افرادی جهنّم می‌باشد.

این صفات و ویژگی‌ها که در آیات ۱۵۶ و ۱۵۷ سوره اعراف آمده این است که: روز قیامت کسانی اهل فلاح و رستگاری خواهند شد و کسانی مشمول رحمت و اسعه خداوند متعال واقع خواهند شد که:

۱. يَتَّقُونَ، یعنی:

تقوا پیشه نموده و از گناهان و معاصی احتراز می‌نمایند.

ذیل آیه ۱۵۶ سوره اعراف به عرض رسید که مقصود از يَتَّقُونَ «تأویل آیه شریفه» کسانی هستند که از اطاعت غیر معصوم احتراز نموده و ولایت غیر معصوم را نپذیرفته‌اند.

۲. يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ، یعنی:

زکات اموال خویش را می‌پردازند.

۳. وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ، یعنی:

به آیات خداوند متعال ایمان می‌آورند.

ذیل آیه ۱۵۶ سوره اعراف راجع به موارد سه‌گانه فوق‌الذکر توضیحات لازم

۱. مجمع‌البیان، جلد دهم، صفحه ۸۱.

المیزان، جلد شانزدهم، صفحه ۱۵۴.

تفسیر نمونه، جلد ششم، صفحه ۴۷۰ - ۴۷۱.

ارائه شد.

۴. الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ (ابتدای آیه ۱۵۷ سوره اعراف)،
و قَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ (انتهای آیه ۱۵۷ سوره اعراف) یعنی:
کسانی که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و رسالت و نبوت آن حضرت
ایمان می آورند و از آن حضرت تبعیت و پیروی می کنند،
یعنی مطیع آن حضرت بوده و تمام دستورات آن حضرت را «بدون استثناء»
بی چون و چرا اجراء می نمایند.

۵. پیامبر اکرم را گرمی داشته و آن حضرت را در ابلاغ رسالتش یاری می کند.

۶. از نوری که به آن حضرت نازل شده «از نوری که همراه با رسالت و نبوت آن
حضرت از جانب خداوند متعال نازل شده» تبعیت و پیروی می کنند، یعنی:
از قرآن کریم و از ائمه معصومین علیهم السلام تبعیت و پیروی می نمایند و از
آن ها اطاعت می کنند، و خلاصه کلام اینکه:
کسانی که این شش ویژگی را داشته باشند روز قیامت مشمول رحمت واسعه
خداوند متعال واقع شده و به رستگاری و فلاح و سعادت خواهند رسید و وارد
بهشت خواهند شد.

حدیث:

۱. وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:
مقصود از نور در این آیه شریفه «الَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ
الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ - آیه ۱۵۷، سوره اعراف» وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب
علیه السلام و ائمه معصومین علیهم السلام می باشند.^۱

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۷۷، حدیث ۲، «حدیث ۵۱۰».

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۱۲۱.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۳۲۷، حدیث ۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۹۲۳، حدیث ۳۰۰ «حدیث ۳۶۹۶».

توضیح:

در کتاب شریف اصول کافی شش حدیث از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که آن ذوات مقدسه نور خداوند متعال هستند.^۱

۲. وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:

مقصود از نور در این آیه شریفه «الَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَرُوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ - آیه ۱۵۷ سوره اعراف» وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد.

این حدیث را ابو بصیر از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۲

توضیح:

با توجه به احادیث شریفی که ملاحظه فرمودید معنی آیه ۱۵۷ سوره اعراف «تأویل آیه شریفه» این می شود که:

کسانی که به رسالت و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ایمان بیاورند، آن حضرت را گرمی داشته و او را در ابلاغ رسالتش یاری کنند، و از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و یازده امام معصوم از نسل آن بزرگوار تبعیت و پیروی نمایند، بدون شک چنین افرادی روز قیامت فائز و رستگار خواهند بود و وارد بهشت خواهند شد.

قابل ذکر است که:

ذیل آیه ۲۵۷ سوره بقره، آیه ۱۲۲ سوره انعام، آیه ۳۵ سوره نور، آیه ۸ سوره تغابن، آیه ۱۲ سوره حدید، همچنین ذیل آیه ۱۷۴ سوره نساء احادیثی از ائمه معصومین

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۷۶ تا ۲۷۹.

«بَابُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ نُورُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ».

«اینکه ائمه علیهم السلام نور خداوند عزوجل می باشند»، حدیث ۱ تا ۶ «حدیث ۵۰۹ تا ۵۱۴».

۲. تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۱۲۱.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۳۳۰، حدیث ۶.

تفسیر نور الثقلین، جلد دوم، صفحه ۹۲۵، حدیث ۳۰۴ «حدیث ۳۷۰۰».

علیهم السّلام نقل شده که مقصود از نور در این آیات شریفه وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام می باشند.

آیه ۱۸۰ سوره اعراف:

«وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ».

ترجمه:

برای خدا اسماء نیکویی است «خدا را نام‌های نیکو و خوبی است»، پس: خدا را به آن اسامی و نام‌های نیک بخوانید و کسانی را که در اسماء خدا تحریف می‌کنند رها سازید، آن‌ها به زودی کیفر اعمال خویش را خواهند دید.^۱

شرح لغات و توضیحات:

حَسَنٌ = خوب، نیکو؛

أَحْسَنٌ = نیکوتر، خوب‌تر، نیکوترین، خوب‌ترین؛

مَوْنٌ أَحْسَنٌ می‌شود حُسْنی؛

حُسْنی = نیکوتر، خوب‌تر، نیکوترین، خوب‌ترین؛

دعاء = درخواست کردن، خواندن، از درگاه خداوند متعال چیزی خواستن؛

اسم = کلمه‌ای است که دلالت بر معنی نماید،

یا لفظی که حکایت از معنی موجود در چیزی بنماید،

اسم کلمه‌ای است که معرف ذات یک چیز می‌باشد یعنی آن را توصیف می‌کند؛

جمع اسم می‌شود اسماء «نام‌ها»؛

اسماء حُسْنی = نام‌های نیکو، نیکوترین نام‌ها، خوب‌ترین نام‌ها؛

ذَرُوا الَّذِينَ = ترک کنید آن‌هایی را که، واگذارید آن‌هایی را که؛

لِحد، الحد = عدول و انحراف از حدّ وسط، انحراف از راه راست؛

الْحَدَّ فَلَانٌ = فلانی از حق منحرف شد؛

۱. مجمع‌البیان، جلد دهم، صفحه ۱۱۸.

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۳۰.

الحاد در اسماء خدا = انحراف در اسماء خدا = صفت خدا را به غیر خدا نسبت دادن و صفت غیر خدا را به خدا نسبت دادن.^۱
این آیه شریفه در رابطه با اسماء الحُسنی می باشد و خداوند متعال به مردم دستور می دهد تا او را با اسماء حُسنی بخوانند و او را عبادت کنند که در ادامه بحث به آن اشاره خواهد شد.

خداوند متعال در این آیه شریفه می فرماید:

وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى = برای خداوند متعال نام های نیکویی هست،

یعنی خداوند متعال دارای بهترین و نیکوترین نام ها است.

عَلَّتْ حُسْنَى بودن «نیکو بودن» اسماء خداوند متعال «نام های خداوند متعال» این است که این اسماء مبارک متضمّن و در بر دارنده معانی زیبا و نیکویی می باشند. در واقع منظور از اسماء حُسنی صفات مختلف خداوند متعال است که همگی نیک و همگی حُسنی می باشند، مانند:

جواد «سَخِي، بخشنده»، رحیم «بخشاینده، عفوکننده»، رحمان «مهربان، بخشاینده»، رزاق «رزق دهنده»، کریم «بخشنده، سخی، نیکوکار»، عالم، قادر و ...
قابل ذکر است که:

صفات خداوند متعال قابل شمارش نیست، زیرا:

کمالات خداوند متعال نامتناهی است و برای هر کمالی از کمالات خداوند متعال می توان اسم و صفتی انتخاب نمود، لیکن آنطور که از بعضی از احادیث استفاده می شود از میان صفات بی شمار خداوند متعال بعضی دارای اهمیّت بیشتری است، و شاید اسماء حُسنی که در این آیه شریفه «آیه ۱۸۰ سوره اعراف» آمده اشاره به همین گروه ممتازتر می باشد.

در بسیاری از احادیث آمده که خداوند متعال نود و نه «۹۹» اسم دارد، و در بعضی از روایات آمده که خداوند متعال هزار اسم دارد.

۱. مجمع البیان، جلد دهم، صفحه ۱۱۹.

المیزان، جلد شانزدهم، صفحه ۲۵۰ - ۲۵۴.

مفردات راغب.

این روایات منافاتی با هم ندارند زیرا همانطور که عرض شد صفات خداوند متعال قابل شمارش نیست و چون منظور از اسماءِ حُسنی نیز صفات خداوند متعال می باشد لذا اسماءِ حُسنی نیز قابل شمارش نیستند و حدّ و حصری ندارند و همه اسماءِ خداوند متعال نیکو و حُسنی می باشند،

بنابراین اگر در بسیاری از احادیث به ۹۹ اسم خداوند متعال و در بعضی از روایات به هزار اسم خداوند متعال اشاره شده شاید اشاره به اسماءِ حُسنایی است که اهمیّت بیشتری دارند، و گرنه اسماءِ خداوند متعال که همان صفات کمال خداوند متعال می باشند نامتناهی است و همه آنها حُسنی می باشند.

لازمه اینکه اسمی از اسماءِ خداوند متعال از بهترین اسماءِ باشد این است که بر یک کمال دلالت کند که همراه با نقص نباشد.

قابل ذکر است که:

اسماءِ حُسنی تنها برای خداوند متعال است و حقیقت هر اسم حُسنی «که همان صفات و کمالات نامتناهی خداوند متعال می باشد» تنها و تنها از آن خداوند متعال است و اَحَدی در آنها با خداوند متعال شریک نیست مگر به همان مقداری که خداوند متعال با اراده و مشیّت خویش به دیگران اعطا فرموده است، و در همان حال نیز صاحب اصلی آن خداوند متعال است، یعنی:

حقیقت اسماءِ حُسنی و صفات کمال فقط و فقط برای خداوند متعال است و خداوند متعال به هر مقدار که صلاح بداند به دیگران تملیک می کند.

قابل ذکر است که صفات کمال خداوند متعال که نامتناهی می باشد عین ذات خداوند متعال است.

عرض شد که اسماءِ حُسنی و حقیقت هر اسم حُسنی فقط و فقط برای خداوند متعال است و کسی در آنها با خداوند متعال شرکت ندارد مگر به همان مقدار که خداوند متعال تملیک فرموده باشد.

در آیات شریفه دیگری نیز که صحبت از اسماءِ حُسنی به میان آمده و خداوند متعال ذکر از اسماء خود نموده صریحاً به این مطلب اشاره شده که اسماءِ حُسنی فقط برای خداوند متعال است «حقیقت صفات کمال فقط از آن

خداوند متعال می باشد».

ذیلاً به چند آیه شریفه اشاره می شود.

خداوند متعال در آیه ۱۱۰ سوره اسراء می فرماید:

«قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا، فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى» یعنی:

ای پیامبر بگو:

الله را بخوانید یا رحمان را، هر کدام را بخوانید، اسماءِ حُسنی برای خداوند متعال

است، یعنی:

اسماءِ حُسنی فقط برای خدا است «حقیقت هر اسم حُسنی بالاصاله از آن خداوند

متعال است».

خداوند متعال در آیه هشتم سوره طه می فرماید:

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، یعنی:

او خداوندی است که معبودی جز او نیست «غیر از الله معبودی نیست»،

و اسماءِ حُسنی از آن خداوند متعال است.

خداوند متعال در آیه ۲۴ سوره حشر می فرماید:

هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ، لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، یعنی:

او خداوندی است خالق، آفریننده‌ای بی سابقه و صورتگری بی نظیر «الله خالق

است و مخلوقات را بدون شبیهی از قبل ایجاد و خلق فرموده و به هر مخلوقی

صورت خاصی بخشیده»،

و اسماءِ حُسنی از آن خداوند متعال می باشد.

انشاءالله تعالی در پایان این بخش «قبل از بخش حدیث» نیز در رابطه با اسماءِ و

صفات خداوند متعال مطالبی به عرض خواهد رسید.

خداوند متعال پس از اینکه فرمود:

وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى «برای خداوند است اسماءِ حُسنی»، در ادامه آیه شریفه به مردم

دستور می فرماید که:

فَادْعُوهُ بِهَا = خداوند متعال را با اسماءِ حُسنی بخوانید «خداوند متعال دارای بهترین

نامها است، پس خداوند متعال را با آن نامهای نیکو بخوانید».

عرض شد که اسماءِ حسِنای خداوند متعال صفات کمال نامتناهی خداوند متعال می‌باشند که همگی نیک و همگی حُسنی می‌باشند و خداوند متعال امر فرموده تا مردم خداوند متعال را با آن نام‌های نیک «اسماءِ حُسنی» دعوت کنند و بخوانند.

دعوت به اسماءِ حُسنی «خواندن خدا با این نام‌ها» یعنی چه؟

۱. ممکن است معنی دعوت ندا باشد «دعوت به معنی ندا باشد»، و در این صورت معنی این قسمت از آیه شریفه این می‌شود که:
خداوند متعال را با اسماءِ حسِنایش ندا کنید، یعنی بگوئید:
یا اللهُ، یا رَحْمَنُ، یا رَحِيمُ، یا عَلِيُّ، یا غَفُورٌ و...
مثلاً یک نیازمند وقتی بی‌نیازی را از خداوند متعال مسئلت می‌نماید به خداوند متعال عرض می‌کند:

یا اللهُ، یا غَنِيُّ، یا عَزِيزُ، یا قَادِرٌ و...

یک بیمار خداوند متعال را اینگونه صدا می‌کند که:

یا اللهُ، یا شَافِي، یا رَحْمَنُ، یا رَوْفُ، یا رَحِيمٌ و...

یک گنهکار جهت آمرزش گناهان خویش به خداوند متعال عرض می‌کند:

یا اللهُ، یا غَفُورٌ، یا عَفُوٌّ، یا غَفَّارٌ و...

احادیث فراوانی از ائمه معصومین علیهم‌السلام نقل شده که آن ذوات مقدسه فرموده‌اند.

إِنَّ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ تِسْعَةً وَ تِسْعِينَ اسْمًا، مَنْ دَعَا اللَّهَ بِهَا اسْتَجَابَ لَهُ وَ مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ،

یعنی:

خداوند عزَّوَجَلَّ نود و نه اسم دارد و هر کس خداوند متعال را با آن اسماءِ «با آن نود و نه اسم» بخواند و صدا کند دعای او مستجاب است، و هر کس آن اسماءِ مبارک را «نود و نه اسم را» احصاء و شمارش نماید «بر زبان جاری نماید» وارد بهشت می‌شود.

منظور از خواندن خداوند متعال به این نود و نه اسم و صدا کردن خداوند متعال با این اسماءِ مبارک و احصاء و شمارش کردن این اسماءِ حُسنی «این نود و نه

اسم» فقط این نیست که «احتمالاً این نیست که» هر کس این اسماءِ حسنی «این نود و نه اسم» را بر زبان جاری نماید و بدون توجه به محتوا و مفاهیم این اسماءِ مبارک فقط الفاظی را بگوید دعای او مستجاب می شود و از اهل بهشت می گردد «گرچه صرف خواندن این اسماءِ مبارک نیز قطعاً فواید بی شماری به همراه دارد»، بلکه هدف این است که:

انسان به این اسماء و صفات خداوند متعال ایمان پیدا کند، و یا اینکه ایمان خویش را تقویت نماید و سپس سعی کند و بکوشد تا پرتو و شعاعی از این اسماء مبارک و حسنی را «از قبیل غفور، غنی، رازق، رحیم و ...» در وجود خود منعکس سازد، و به عبارت دیگر متخلّق به این صفات بشود که در این صورت انشاءالله تعالی هم دعایش مستجاب است و هم از اهل بهشت خواهد شد.

و خلاصه کلام اینک:

منظور از خواندن خداوند متعال و صدا کردن خداوند متعال با اسماءِ حسنی «نود و نه اسم خداوند متعال» و منظور از احصاء و شمارش این اسماء مبارک و این اسماءِ حسنی تخلّق به این اسماء مبارک و تخلّق به این صفات کمال می باشد نه صرفاً خواندن این الفاظ مبارک، گرچه خواندن صرف این اسماء نورانی و بر زبان جاری نمودن آنها نیز قطعاً فواید بی شماری دارد لیکن هدف اصلی تخلّق به این اسماء و صفات حسنی و مبارک می باشد.

وجود مقدّس امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش و آن بزرگواران از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و آن حضرت نیز از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

برای خداوند تبارک و تعالی نود و نه اسم است «اسماءِ حسنی خداوند متعال» که هر کس آنها را بشمارد «بر زبان خویش جاری سازد» اهل بهشت می شود و وارد بهشت می گردد، و آن اسماءِ حسنی و مبارک عبارتند از:

«الله، اله، واحد، احد، صمد، اول، آخر، سمیع، بصیر، قدیر، قادر، علی، باقی، بدیع، باری، اکرم، باطن، حی، حکیم، علیم، حلیم، حفیظ، حق، حسیب، حمید، حفی، رب، رحمان،

رحیم، ذاری، رازق، رقیب، رئوف، رائی، سلام، مؤمن، مُهَیْمِن، عزیز، جَبَّار، مِتْکَبِّر، سَیِّد، سُبُّوح، شَهِید، صادق، صانع، ظاهر، عَدْل، عَفُو، غَنّی، غیاث، فاطر، فرد، فَتَّاح، فَالِق، قدیم، مَلِک، قُدُّوس، قَوّی، قَرِیب، قَیُّوم، قَابِض، بَاسِط، قَاضِی الْحَاجَات، مجید، مولی، مَنّان، محیط، مُبِین، مَغِیْث، مُصَوِّر، کریم، کبیر، کافی، کَاشِفُ الضُّرِّ، وَثَر، نور، وَهَّاب، ناصر، واسع، ودود، هادی، وَفّی، وکیل، وارث، بَرّ، باعث، تَوَّاب، جلیل، جواد، خبیر، خالق، خیرالناصرین، دِیّان، شکور، عظیم، لطیف، شافی».

شاید مقصود از شمردن و به زبان آوردن این اسماءِ حُسنی این باشد که شخصی که این اسماءِ مبارک را بر زبان خویش جاری می‌نماید اعتقاد و ایمان قلبی و راسخ به این مطلب بیاورد که:

خداوند متعال مُتَّصِف به جمیع صفاتی است که این اسماءِ مبارک به آن‌ها دلالت دارند آن هم به طور مطلق و بالاصاله.

بدیهی است وقتی انسان به خداوند یگانه‌ای که صفات کمال فراوانی دارد «که این نود و نه اسم و صفت بخشی از آن‌ها می‌باشد» ایمان بیاورد و خداوند متعال با این اوصاف را تنها معبود خویش بداند به طور طبیعی در صدد این برمی‌آید که خودش را متخلّق به این صفات بنماید و در این صورت است که انشاء الله تعالی دعای چنین شخصی مستجاب می‌شود و با لطف خداوند متعال وارد بهشت می‌شود.

۲. ممکن است معنی دعوت به اسماءِ حُسنی عبادت باشد، یعنی دعوت به معنی عبادت است، که در این صورت معنی این قسمت از آیه شریفه «فَادْعُوهُ بِهَا» این می‌شود که:

خداوند متعال را عبادت کنید با اعتقاد به این مطلب که:

خداوند متعال مُتَّصِف به اوصافِ أَحْسَن و معانی زیبا و نیکویی است که این اسماءِ حُسنی بر آن دلالت دارند «خداوند متعال را عبادت کنید که دارای اسماءِ حُسنی می‌باشد و دارای جمیع صفاتی است که این اسماءِ مبارک دلالت بر آن دارند».

هر دو احتمال برای معنی دعوت به اسماءِ حُسنی می‌تواند درست باشد چرا که منافاتی با هم ندارند.

مَجْدَدًا مُتَذَكِّرٌ مِيْ غَرْدَدِ كِه:

اسماءِ حُسْنایِ خدائند متعال بی شمار است و قابل شمارش نیست و صفات خدائند متعال نیز قابل شمارش نمی باشد، زیرا کمالات خدائند متعال نامتناهی است، لذا اگر برای خدائند متعال نود و نه اسم و یا هزار اسم عنوان شده اشاره به اسماءِ مبارکی است که دارای اهمیت بیشتری می باشند.

قابل ذکر است که:

الله نامی است که به همه صفات خدائند متعال اشاره دارد و جامع جمیع صفات خدائند متعال می باشد و جامع ترین نام خدائند متعال است.

بنابراین:

معنی آیه شریفه تا این جا این شد که:

برای خدائند متعال اسماءِ حُسْنایی است «خدائند متعال دارای بهترین و نیکوترین

نامها است»، پس:

خدائند متعال را با این اسماءِ حُسْنی «نود و نه اسم» بخوانید و صدا کنید، و یا

اینکه:

خدائند متعال را عبادت کنید با اعتقاد به این مطلب که:

خدائند متعال دارای اسماءِ حُسْنایی است که دارای نیکوترین و زیباترین معانی

می باشند. در واقع معنی این قسمت اینگونه می شود که:

خدائند متعال را عبادت کنید با اعتقاد به این مطلب که:

خدائند متعال مَتَّصِف به اوصافِ أَحْسَنی است که این اسماءِ حُسْنی دلالت بر

آن دارند.

خدائند متعال در ادامه آیه شریفه می فرماید:

وَذَرُوا الَّذِیْنَ یُلْحِدُونَ فِیْ اَسْمَائِهِ = ترک کنید کسانی را که در اسماءِ خدائند متعال

انحراف ایجاد می کنند.

در واقع خدائند متعال به مؤمنین دستور می فرماید که از کسانی که در اسماءِ

خدائند متعال انحراف ایجاد می کنند دوری کنند و آنها را ترک نموده و آنها را

رها سازند.

الحاد در اسماءِ خداوند متعال یعنی ایجاد انحراف در اسماءِ خداوند متعال، و ایجاد انحراف در اسماءِ خداوند متعال یعنی:
صفت خداوند متعال را به غیر خدا نسبت دادن،
و صفت غیر خدا را به خدا نسبت دادن.

صفت خداوند متعال را به غیر خدا نسبت دادن یعنی چه؟

خداوند متعال را صفات کمالی است و همانطور که عرض شد بالاصاله مربوط به خداوند متعال است و دیگران به تبع او دارند، مثل:
صفت خالق بودن، صفت رازق بودن، صفت جواد بودن، صفت کریم بودن، صفت رئوف بودن، و دیگر صفاتی که در صفحات قبل به آن‌ها اشاره شد «یعنی نود و نه اسم که اسماءِ حسناى خداوند متعال هستند و دلالت بر صفات کمال خداوند متعال دارند».

بنابراین:

وقتی دهریون و مادّی‌گراها آفریدن و خلق کردن، زنده کردن و میراندن «مرگ و زندگی» را کار مادّه و طبیعت عنوان می‌کنند در واقع این صفات خداوند متعال را به غیر خدا نسبت می‌دهند، چرا که خالق همه مخلوقات خداوند متعال است، رازق همه موجودات خداوند متعال است، و به همین نحو سایر صفات کمال خداوند متعال که عین ذات خداوند سبحان می‌باشند.

صفت غیر خدا را به خدا نسبت دادن یعنی چه؟

وقتی کسانی خداوند متعال را جسم می‌پندارند در واقع صفت نیاز و احتیاج را که از صفات مخلوقات می‌باشد به خداوند متعال نسبت می‌دهند، زیرا هر جسمی نیاز به مکان دارد، لذا وقتی العیاذ بالله خداوند متعال را جسم بدانیم در واقع خداوند متعال را نیازمند و محتاج به مکان دانسته‌ایم و در این صورت صفت نیاز را که از صفات مخلوقات می‌باشد به خداوند متعال نسبت داده‌ایم، بنابراین:
کسانی که صفت خداوند متعال را به غیر خدا نسبت می‌دهند،

همچنین کسانی که صفت غیر خدا را به خداوند متعال نسبت می دهند این ها در اسماءِ خداوند متعال انحراف ایجاد نموده اند، و لذا خداوند متعال در این قسمت از آیه شریفه به مؤمنین دستور می فرماید تا از این افراد «که در اسماءِ خداوند متعال انحراف ایجاد نموده اند» دوری نموده و آن ها را ترک کنند.

در انتهای آیه شریفه آمده که:

سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ = این افرادی که انحراف در اسماءِ خداوند متعال ایجاد می کنند به زودی نتیجه عمل خویش را خواهند دید، یعنی:

افرادی که در اسماءِ خداوند متعال انحراف ایجاد می کنند در روز قیامت به سزای اعمال خویش خواهند رسید و گرفتار عذاب الهی خواهند شد.^۱

نکاتی پیرامون اسماء و صفات خداوند متعال:

در بسیاری از روایات برای خداوند متعال نود و نه اسم عنوان شده و در بعضی دیگر از روایات تعداد اسمی خداوند متعال به عدد هزار نیز رسیده است.

این تفاوت اعداد منافاتی با هم ندارند، زیرا:

هر یک از اسماءِ خداوند متعال و هر اسم خداوند متعال دلالت بر یکی از کمالات خداوند متعال نموده و یک صفت کمال خداوند متعال را بیان می فرماید، و چون صفات کمال خداوند متعال و کمالات ذات اقدس اله حدّ و حصر ندارند لذا اسماء و صفات خداوند متعال نیز حدّ و حصر نداشته و قابل شمارش نمی باشند.

بنابراین:

اگر در بحث اسماءِ حُسنی به نود و نه اسم مبارک خداوند متعال اشاره شده شاید به این دلیل باشد که این نود و نه اسم اهمّیت بیشتری دارند و ممتازتر از بقیّه اسماء می باشند،

و شاید اسماءِ حُسنی که در این آیه شریفه «آیه ۱۸۰ سوره اعراف» آمده و مطرح شده اشاره به همین موضوع باشد.

۱. مجمع البیان، جلد دهم، صفحه ۱۲۱، ۱۲۲.

المیزان، جلد شانزدهم، صفحه ۲۴۷ تا ۲۴۹، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۷۲، ۲۷۵ و ۲۷۶.

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۳۵ تا ۴۰.

منظور از اَسْمَاءِ الْحُسْنَى صفات مختلف خداوند متعال می باشد که همگی حُسْنی می باشند «یعنی نیکوترین اسامی هستند».

لازمه اینکه اسماء خداوند متعال «نام های خداوند متعال» بهترین اسماء باشند این است که این اسماء به یک صفت کمالی دلالت کنند که مخلوط با عدم و مخلوط با نقص نباشد، پس:

هر اسمی و هر صفتی که در معنای آن احتیاج یا عدم یا نقص یا فقدان وجود داشته باشد اطلاقش بر ذات خداوند متعال صحیح نیست، زیرا ذات خداوند متعال «وجود خداوند متعال» منزّه و مبرّا از هر نقص و عیب و نیاز می باشد.

اسماء و صفات خداوند متعال که بیانگر کمالات حق تعالی می باشند اصالتاً مربوط به خداوند متعال می باشند، یعنی:

معانی این اسماء مبارک را خداوند متعال بالاصاله دارا می باشد «معانی این اسماء را خداوند متعال به نحو اصالت دارا می باشد»، و اَحَدی در آن با خداوند متعال شریک نیست.

بنابراین:

معانی اسماء حُسْنی را خداوند متعال به نحو اصالت دارا می باشد و مالک و صاحب حقیقی این اسماء و صفات فقط و فقط خداوند متعال است و بس، و هر قدر و هر اندازه که اراده بفرماید آن را به دیگران تملیک می فرماید «اعطا می فرماید».

خداوند متعال در آیه ۱۶۵ سوره بقره، آیه ۱۳۹ سوره نساء، آیه ۶۵ سوره یونس، آیه ۱۰ سوره فاطر، آیه ۱۵ سوره فاطر، آیه ۲۳۱ سوره بقره و... می فرماید:

أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا «آیه ۱۶۵ سوره بقره»، یعنی:

تمام قدرت از آن خداوند متعال است «یعنی قادر مطلق خداوند متعال است».

إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا «آیه ۱۳۹ سوره نساء، آیه ۶۵ سوره یونس، آیه ۱۰ سوره فاطر»،

یعنی:

تمام عزّت از آن خداوند متعال است «یعنی عزیز مطلق خداوند متعال است».

يَا أَيُّهَا النَّاسُ، أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ، وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ «آیه ۱۵ سوره فاطر»، یعنی:

ای مردم، شما همگی نیازمند به خداوند متعال هستید و فقط خداوند متعال است که غنی و بی‌نیاز است و شایسته هر گونه حمد و ستایش می‌باشد «یعنی غنی مطلق خداوند متعال است».

وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ «آیه ۳۸، سوره محمد صلی الله علیه و آله و سلم»، یعنی: خداوند متعال غنی و بی‌نیاز است و شما همگی نیازمند هستید.
 أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ «آیه ۲۳۱ سوره بقره، آیه ۲۸۲ سوره بقره، آیه ۹۷ سوره مائده و...»، یعنی:

خداوند متعال به هر چیزی علیم و آگاه است «یعنی عالم مطلق خداوند متعال است».

قَوِي، قُوَّةٌ = ۱- قدرت، نیرو، توان؛ ۲- قدرتمند، نیرومند، توانا؛
 عزیز = شکست‌ناپذیر، غالب غیرمغلوب، کسی که همواره غالب و پیروز است و هیچ‌گاه مغلوب و مقهور نمی‌گردد؛

غَنِي = بی‌نیاز مطلق، که فقط در مورد خداوند متعال صادق است؛
 عَلِيمٌ = دانا و آگاه بر هر چیز «معنی لغات از مفردات راغب می‌باشد».
 بنابراین:

عَالِمٌ مطلق، عزیز مطلق، قَوِي مطلق و غَنِي مطلق خداوند متعال است و بس،
 و سایر اسماءِ حُسْنی نیز به همین نحو، یعنی:
 اسماءِ حُسْنی که دلالت بر صفات کمال خداوند متعال می‌نمایند فقط و فقط از آن خداوند متعال هستند و بس، و به همین جهت در قرآن کریم هر جا ذکری از اسماءِ حُسْنی به میان آمده آن را فقط برای خداوند متعال دانسته است مانند:
 آیه هشتم سوره طه، آیه ۱۱۰ سوره اسراء و آیه ۲۴ سوره حشر که در این آیات شریفه آمده:

لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، یعنی:

اسماءِ حُسْنی «هر اسم حُسْنی» حقیقتش فقط و فقط برای خداوند متعال است و بس و کسی در آن‌ها با خدا شریک نیست مگر به همان اندازه که خداوند متعال تملیک فرموده باشد.

اگر خداوند متعال بعضی از این معانی را به غیر خودش نسبت می‌دهد و غیر خودش را عالم، قادر، حَیّ، رحیم و... می‌داند مقصود این است که: حقیقت این اسماء و صفات «یعنی عالم، قادر، حَیّ، رحیم و...» فقط و فقط از آن خداوند متعال است و به هر کس و به هر مقدار که اراده بفرماید اعطا می‌فرماید. بنابراین:

اگر افرادی عِلْم دارند، عَزّت دارند، قدرت دارند، همه این‌ها از ناحیه خداوند متعال به آن‌ها اعطا شده است «یعنی انسان‌ها بالاصاله آن‌ها را ندارند بلکه خداوند متعال به آن‌ها اعطا فرموده است»، و در واقع این افراد «افرادی که به آن‌ها عِلْم و عَزّت و قدرت و... اعطا شده».

مَظْهَرِ عِلْمِ خِداوندِ متعالِ هستند،

مَظْهَرِ قِدرتِ خِداوندِ متعالِ هستند،

مَظْهَرِ عَزّتِ خِداوندِ متعالِ هستند، و به همین نحو سایر صفات.

با توجّه به اینکه مقدار و میزان اعطاء عِلْم و عَزّت و قدرت و... خداوند متعال به افراد مختلف تفاوت دارد، لذا:

هر فرد در یک درجه‌ای مَظْهَرِ یک یا چند اسم از اسماء و صفات خداوند متعال می‌باشد «یعنی درجه مَظْهَرِ افراد متفاوت می‌باشد».

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و اهل بیت آن حضرت یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام عالی‌ترین مَظْهَرِ اسماء و صفات خداوند متعال هستند، و به عبارت دیگر:

وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام مَظْهَرِ اتمّ و اکمل اسماء الحُسنی «مَظْهَرِ اتمّ و اکمل اسماء و صفات خداوند متعال» هستند، و به همین جهت است که آن ذوات مقدّسه فرموده‌اند:

نَحْنُ وَ اللهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنَى، یعنی:

به خدا قسم ما هستیم اسماء الحُسنی «ما اسماء حُسنای خداوند متعال هستیم».

مَظْهَر = محلّ ظهور، تجلّی‌گاه، جلوه‌گاه «جمع مَظْهَر می‌شود مَظْاهِر»؛

ظهور = آشکار شدن، نمایان شدن؛

خداوند متعال عالم مطلق است و هر کسی که علم دارد آن علم را خداوند متعال به او اعطا فرموده است، بنابراین:

هر کس به هر میزان که علم دارد به همان میزان مظهر علم خداوند متعال می باشد. وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام مظهر اتمّ و اکمل علم خداوند متعال هستند، همچنین مظهر اتمّ و اکمل سایر اسماء و صفات خداوند متعال.

ذیل آیه ۴۳ سوره رعد در رابطه با علم و قدرت وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام مطالبی به عرض رسیده است که خداوند متعال علم و قدرتی به آن ذوات مقدّسه اعطا فرموده که به احدی اعطا نفرموده است «در حدّ و اندازه‌ای که به آن ذوات مقدّسه اعطا فرموده».

قابل ذکر است که:

بعد از اعطاء نیز خداوند متعال مالک و صاحب اصلی و حقیقی معانی اسماء الحُسنی می باشد، چرا که همه مردم و تمام مخلوقات همواره تحت سیطره و قدرت خداوند متعال می باشند و لذا هر لحظه که اراده و مشیّت خداوند سبحان تعلق بگیرد می تواند هر آنچه را که به مخلوقات خویش اعطا فرموده از آن‌ها بگیرد، و خلاصه کلام اینک:

معانی اسماء الحُسنی را خداوند متعال به نحو اصالت دارا می باشد و اگر دیگران نیز دارند به تبع او دارند، یعنی خداوند متعال به آن‌ها اعطا فرموده است.

تقسیم‌بندی اسماء و صفات خداوند متعال:

علمای دین اسماء و صفات خداوند متعال را از جنبه‌های مختلف و از حیث‌های مختلف تقسیم‌بندی کرده و برای هر دسته نیز نامی انتخاب کرده‌اند تا معانی این اسماء حُسنی به خوبی درک شود «تا حدّی که درک آن برای انسان مقدور می باشد»، به قرار ذیل:

۱. اسمائی که مربوط به صفات ذات می باشند «صفات ذات» مانند:

عالم، قادر، سمیع، بصیر، حیّ و...

قابل ذکر است که:

تمام صفات خداوند متعال عین ذات او هستند، لیکن بعضی از صفات خداوند متعال زمانی ظهور می‌کنند که مخلوقی باشد تا آن صفت ظهور نماید، یعنی:

خداوند متعال عالم و قادر و سمیع و بصیر و حی است می‌خواهد مخلوقی باشد یا نباشد.

۲. اسمائی که مربوط به صفات فعل می‌باشد «صفات فعل» مانند: خالق، رازق، غفور، رحمان، رحیم. صفات فعل خداوند متعال حکایت از یکی از افعال خداوند سبحان را می‌نمایند، یعنی:

باید مخلوقی باشد تا صفات فعل خداوند متعال ظهور و بروز نمایند، به عبارت دیگر:

صفات فعل خداوند متعال نیز مانند سایر صفات الهی در ذات خداوند متعال هستند و عین ذات او می‌باشند، لیکن باید مخلوقی باشد تا این صفات «صفات فعل» ظهور و بروز نمایند.

۳. اسمائی که مربوط به صفات جلال می‌باشند «صفات جلال»، مانند: عزیز، قهار، جبار و متکبر و... صفات جلال خداوند متعال مظهر هیبت و قدرت و غضب خداوند متعال می‌باشند.

۴. اسمائی که مربوط به صفات جمال می‌باشند «صفات جمال»، مانند: رحمان، رحیم، رئوف، لطیف و... صفات جمال خداوند متعال مظهر رحمت خداوند متعال هستند. علمای دین از حیث دیگری نیز اسماء و صفات خداوند متعال را مورد بررسی قرار داده و طی آن اسماء و صفات خداوند متعال را به دو دسته تقسیم نموده‌اند «به قرار ذیل»:

۱. صفات ثبوتیه:

همه صفاتی که کمالات خداوند متعال را بیان فرموده و اثبات می‌کنند در زمره صفات ثبوتیه هستند مانند عالم، قادر و... «صفات ثبوتی صفاتی هستند که معنای ثبوتی را افاده می‌کنند و مشتمل بر معنای کمال هستند، مانند صفت علم و حیات و قدرت و...».

۲. صفات سلبیه:

صفات سلبیه هر نوع صفات نقص را از خداوند متعال نفی و سلب می‌کنند مانند سُبُوح، قُدُّوس و... «صفات سلبیه صفاتی هستند که معنای سلبی را افاده می‌کنند و هر نوع نقص و عیب را از خداوند متعال نفی می‌کنند».

عالم، علیم = دانا، آگاه «دانا و آگاه بر هر چیز»؛

قادر، قدیر = توانا، قدرتمند «این صفت در مورد خداوند متعال به معنی توانایی و قدرت مطلق و نفی هر گونه عجز و ناتوانی از ذات خداوند سبحان می‌باشد، و به معنای فاعلی یعنی اینکه خداوند متعال به مقتضای حکمت خویش قادر به انجام هر کاری است و هر چه بخواهد و اراده بفرماید انجام می‌دهد»؛

سمیع = شنوا؛

بصیر = بینا؛

حَیّ، حیات = زندگی، دارای حیات، زنده «حیات در مورد خداوند متعال به معنی علم و قدرت بالذات می‌باشد که هیچگونه شائبه زوال و فنا در او راه ندارد»؛

خالِق = خلق‌کننده، آفریننده، به وجودآورنده، ایجادکننده؛

رازِق = روزی‌دهند، رزق‌دهند؛

عَفُور = آمرزنده، بخشنده «عُفْران و مغفرت خداوند متعال یعنی بخشیدن و

آمرزیدن گناهان بندگان و مصون داشتن آنها از عذاب»؛

قَهْر = غلبه کردن، چیره شدن؛

قاهر = غالب، چیره؛

قَهَّار = بسیار غالب، بسیار چیره؛

جَبَّار = مسلط، قاهر، قدرتمند «خداوند متعال جَبَّار نامیده می‌شود زیرا همه

مخلوقات مقهور و مغلوب اراده و مشیت خداوند سبحان می باشند؛
 کِبْر = حالتی است در انسان که خود را نسبت به دیگران برتر و ممتازتر بداند؛
 تَكْبُر = به تکلف اظهار بزرگی کردن؛
 متکبر = خودبزرگ‌بین، کسی که خودش را از دیگران برتر و بزرگ‌تر بداند «چون
 در بزرگی و عظمت خداوند متعال تصنع و تکلف نیست بلکه ذاتش عظمت و
 بزرگی و کبریای مطلق است، لذا به خداوند متعال متکبر گفته می‌شود که در آیه ۲۳
 سوره حشر آمده است»؛
 قُدُوس = پاک و منزّه از هر عیب و نقص؛
 سُبُوح = بسیار پاک، بسیار منزّه «بسیار پاک و بسیار منزّه از هر عیب و نقص».^۱

حدیث:

۱. وجود مقدس امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا... - آیه ۱۸۰ سوره اعراف» فرمودند:
 نَحْنُ وَ اللَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى الَّتِي لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا، یعنی:
 به خدا قسم ما آن اسماء حسنایی هستیم که خداوند متعال عمل بندگان را جز با
 معرفت ما قبول نمی‌کند «ما اسماء الحسنى هستیم،
 و خداوند متعال از هیچ بنده‌ای عملی را قبول نمی‌کند مگر اینکه ما را بشناسد
 و ولایت ما را بپذیرد».^۲

۱. مجمع‌البیان، جلد دهم، صفحه ۱۲۱.

المیزان، جلد شانزدهم، صفحه ۲۶۴ تا ۲۶۶.

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۳۸.

مفردات راغب.

۲. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۱۹۶، حدیث ۴ «حدیث ۳۵۲».

المیزان، جلد شانزدهم، صفحه ۲۸۷.

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۱۴۲.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۳۶۶، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۹۶۷، حدیث ۳۷۲ «۳۷۶۸».

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۴۱.

۲. وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام فرمودند:

إِذَا نَزَلَتْ بِكُمْ شَدِيدَةً فَاسْتَعِينُوا بِنَا عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَهُوَ قَوْلُهُ «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا...»، یعنی:

هر گاه بلایی بر شما نازل شد «گرفتاری سختی برای شما پیش آمد» با واسطه قرار دادن ما از خداوند متعال کمک بگیرید «ما را واسطه قرار دهید و سپس خداوند متعال را بخوانید و از او حاجت بخواهید تا مشکل شما را مرتفع نماید»،

و این همان فرمایش خداوند متعال است که می فرماید:

وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا، یعنی:

برای خداوند متعال اسماء حسنی است، پس:

خداوند متعال را با آن اسماء حسنی بخوانید و صدا کنید «یعنی وجود مقدّس چهارده

معصوم علیهم السّلام را واسطه قرار داده و سپس خداوند متعال را صدا کنید»^۱.

توضیح:

وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام:

حُجَّةُ اللَّهِ، بَابُ اللَّهِ، عَيْنُ اللَّهِ، خَلِيفَةُ اللَّهِ، جَنْبُ اللَّهِ، وَجْهُ اللَّهِ، آيَةُ اللَّهِ «اعظم آیات الهی»، صِرَاطُ اللَّهِ، وِلَاةُ امرِ اللَّهِ، نُورُ اللَّهِ، حَزَنَةُ عِلْمِ اللَّهِ «مخزن علم خدا» صَفِيُّ اللَّهِ، سِرُّ اللَّهِ، أَمِينُ اللَّهِ، آلُ اللَّهِ، حَبْلُ اللَّهِ، خَيْرَةُ اللَّهِ، بَقِيَّةُ اللَّهِ و... هستند،

و خلاصه کلام اینک:

وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام مظهر اتمّ و اکمل اسماء و صفات

خداوند متعال می باشند، یعنی:

این ذوات مقدّسه:

مظهر اتمّ و اکمل علم خداوند متعال هستند،

مظهر اتمّ و اکمل قدرت خداوند متعال هستند، همچنین:

مظهر اتمّ و اکمل سایر اسماء و صفات خداوند متعال می باشند و مظهریت این

۱. تفسیر صافی، جلد سوّم، صفحه ۱۴۲.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۳۶۶، حدیث ۳.

ذوات مقدّسه در اعلى درجه است به نحوى که هيچ یک از انبياءِ الهى قابل قياس با آن ذوات مقدّسه نمى باشند، و در حديث معتبر است که خداوند متعال هفتاد دو حرف از هفتاد و سه حرف اسم اعظم را به آن بزرگواران اعطا فرموده و تنها یک حرف از اسم اعظم را از آن ذوات مقدّسه پنهان نموده است.

لازم به ذکر است که بيشترين تعداد حرف اسم اعظم که به ساير انبياءِ الهى اعطا شده بيست و پنج حرف مى باشد، همچنين:

قابل ذکر است که اصف بن برخيا «جانشين حضرت سليمان» فقط یک حرف از اسم اعظم را مى دانست و با همين یک حرف تاج و تخت ملکه سبا را در کمتر از یک چشم به هم زدن از يمن به فلسطين انتقال داد «چندصد كيلومتر»، بنايرين: طبق اين دو حديث شريف که به عرض رسيد:

الف) وجود مقدّس چهارده معصوم عليهم السلام اسماء الحسنى مى باشند و امام صادق عليه السلام قسم ياد فرمود که ما اسماء الحسنى هستيم.

ب) خداوند متعال در آيه ۱۸۰ سوره اعراف فرموده:
 براى خدا اسماء حسنايى است و سپس به بندگان امر فرموده تا با آن اسماء حسنى خداوند متعال را صدا کنند و بخوانند، لذا:
 اگر ما بنده خدا هستيم،
 و اگر پيرو پيامبر اکرم صلى الله عليه و آله و سلم و اهل بيت آن حضرت مى باشيم،
 بايد:

وجود مقدّس چهارده معصوم عليهم السلام را واسطه قرار داده و با توسّل به آن ذوات مقدّسه خداوند متعال را بخوانيم و صدا بزنيم تا خداوند متعال به ندای ما پاسخ داده و حاجت ما را برآورده نموده و دعای ما را مستجاب نمايد.

ج) شرط قبولى اعمال بندگان شناخت و معرفت نسبت به آن بزرگواران مى باشد. عرض شد که وجود مقدّس چهارده معصوم عليهم السلام حَجَّة الله، بابُ الله، جنب الله و ... هستند و تمام علم کتاب نزد آن ذوات مقدّسه مى باشد و اعمال بندگان بدون پذيرش ولايت و امامت آن بزرگواران پذيرفته نمى شود.

به تمام موارد فوق ذیل آیات شریفه قرآن کریم اشاره شده است که تعدادی از آن‌ها را ذیلاً ملاحظه می‌فرمائید.

آیه ۴۳ سوره رعد «در رابطه با اینکه علم کتاب نزد ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌باشد»،

آیه ۵ سوره مائده «در رابطه با اینکه اعمال صالح انسان‌هایی که ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام را نپذیرند حبط و نابود می‌گردد»،

آیه ۱۴۹ سوره انعام، آیه ۱۰۳ سوره آل عمران، آیه ۱۵۷ و ۱۵۸ سوره آل عمران، آیه ۵۶ سوره مائده، آیه ۱۸۹ سوره بقره، آیه ۱۲۶ سوره طه، آیه ۲۶ و ۲۷ سوره الرّحمن،

آیه ۵۶ سوره زمر و... «در رابطه با اینکه ائمه معصومین علیهم‌السلام وجه الله، نور الله، باب الله، جنب الله، سیل الله، آیت الله، حبل الله و... می‌باشند».

در کتاب شریف اصول کافی نیز به این موارد اشاره شده که آدرس آن‌ها را «این احادیث شریف را» ذیلاً ملاحظه می‌فرمائید.^۱

علاوه بر مآخذی که ذکر شد «آیات شریفه‌ای که به آن‌ها اشاره شد، و کتاب شریف اصول کافی» در زیارات ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز که در کتب ادعیه و زیارات آمده «از جمله در مفاتیح‌الجنان» هنگام زیارت آن ذوات مقدّسه به آن‌ها به عنوان آمینُ الله، سرُّ الله، حَجَّتُ الله، آلُ الله، حَبْلُ الله و... سلام می‌دهیم که به عنوان نمونه به یک مورد اشاره می‌شود.

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۷۳ تا ۲۷۵، حدیث ۱ تا ۶ «حدیث ۵۰۰ تا ۵۰۵».

«باب: ائمه علیهم‌السلام ولاة امر و خزانه دار علم خدا هستند».

اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۷۵، حدیث ۱ تا ۳ «حدیث ۵۰۶ تا ۵۰۸».

«باب، ائمه علیهم‌السلام خلیفة الله و بابُ الله هستند».

اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۷۶ تا ۲۷۹، حدیث ۱ تا ۶ «حدیث ۵۰۹ تا ۵۱۴».

«باب: ائمه علیهم‌السلام نور الله هستند».

اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۹۶ تا ۲۹۷، حدیث ۱ تا ۳ «حدیث ۵۲۸ تا ۵۳۰».

«باب: ائمه علیهم‌السلام آیات الله هستند».

اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۳۴ و ۳۳۵، حدیث ۱ تا ۳ «حدیث ۶۰۸ تا ۶۱۰».

«باب: آنچه از اسم اعظم به ائمه علیهم‌السلام اعطا شده است».

هنگام زیارت وجود مقدس امام هادی علیه السلام به محضر آن امام همام اینگونه سلام می دهیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ،
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سِرَّ اللَّهِ،
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا آمِينَ اللَّهِ،
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ،
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبْلَ اللَّهِ،
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا آلَ اللَّهِ،

بنابراین:

طبق این دو حدیث شریف که از وجود مقدس امام صادق و امام رضا سلام الله علیهما نقل شد وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام اسماء الحسنی هستند، لذا:

هر کس بخواهد خداوند متعال را صدا بزند و از خداوند متعال آمرزش بطلبد، و از خداوند متعال رفع حوائج و نیازهای خود را درخواست نماید، و از خداوند متعال رفع گرفتاری‌های خویش را مسئلت نماید، باید به وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام متوسل شده و از طریق آن ذوات مقدسه متوجه خداوند متعال شده و حاجت خویش را از خداوند متعال درخواست نماید که در این صورت خداوند متعال به احترام آن ذوات مقدسه دعای او را مستجاب نموده و او را مورد لطف خویش قرار خواهد داد «انشاء الله تعالی».

ذیل آیات شریفه دیگری نیز به این موضوع اشاره شده که مؤمنین جهت تقرب به درگاه الهی باید از طریق یک وسیله و یک واسطه اقدام نمایند.

خداوند متعال در آیه ۳۵ سوره مائده می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ، یعنی:

ای مؤمنین «ای کسانی که ایمان آورده‌اید»:

تقوا پیشه نمائید «از خدا بترسید و مرتکب گناه نشوید»،

و برای تقرب به درگاه الهی وسیله‌ای انتخاب کنید، یعنی:

واسطه و وسیله نزدیک شدن و تقرّب به خداوند متعال را پیدا کنید و از آن طریق به خداوند متعال نزدیک شوید.

ذیل این آیه شریفه احادیثی از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شد که آن ذوات مقدّسه فرمودند:

ما «ائمه معصومین علیهم السّلام» وسیله تقرّب به درگاه الهی هستیم و مردم به وسیله ما و از طریق ما می توانند «باید» به درگاه خداوند متعال تقرّب حاصل کنند.

۳. جابر بن عبدالله انصاری می گوید:

محضر مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم عرض کردم:
یا رسول الله:

درباره علی بن ابیطالب علیه السّلام چه می فرمائید.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

علی بن ابیطالب خود من می باشد «به منزله خود من است».

جابر بن عبدالله انصاری می گوید:

به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم عرض کردم:

یا رسول الله:

درباره حسن و حسین علیهما السّلام چه می فرمائید.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

حسن و حسین «علیهما السّلام» جان من هستند «نفس من هستند»،

و مادرشان فاطمه سلام الله علیها دختر من است،

هر چه فاطمه را ناراحت کند مرا نیز ناراحت می کند،

و هر چه او را «فاطمه زهرا سلام الله علیها» خوشحال کند مرا نیز خوشحال می کند.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در ادامه فرمایشات خویش

فرمودند:

به خدا قسم:

با کسی که با آنان می جنگد در جنگم،

و با کسی که با آنان در صلح باشد در صلحم «یعنی با دشمنان علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام دشمن هستم و با دوستان و محبّین آنها دوست هستم». وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در پایان فرمایشات خویش جابر بن عبدالله انصاری را مورد خطاب قرار داده و به او فرمودند:

ای جابر:

اگر می خواهی «خواستی» خداوند متعال را صدا کنی و می خواهی که خداوند متعال دعای تو را مستجاب نماید، پس:

با ذکر نام علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام دعا کن «و از خداوند متعال حاجب بخواه»، زیرا:

نام اینها «علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السّلام» محبوبترین نامها نزد خداوند متعال می باشد «یعنی این ذوات مقدّسه محبوبترین انسانها نزد خداوند متعال هستند»^۱.

توضیح:

در زیارت دوّم امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام که به زیارت امینُ الله معروف است و از معتبرترین زیارات محسوب می شود، وجود مقدّس امام سجّاد علیه السّلام پس از زیارت جدّ بزرگوارش حضرت امیر علیه السّلام به خداوند متعال عرضه می دارد:

اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي، یعنی:

خداوندا: دعای مرا مستجاب فرما

وَ اقْبَلْ ثَنَائِي، یعنی:

خداوندا: مدح و ثنای مرا بپذیر و قبول فرما

وَ اجْمَعْ بَيْنِي وَ بَيْنَ اَوْلِيَائِي، یعنی:

خداوندا: جمع فرما «گردآور» میان من و اولیاء من «محبّین من»

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ، یعنی:

۱. تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۳۶۷، حدیث ۵.

به حقّ محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام. وجود مقدّس امام سجّاد علیه السلام که حُجَّتُ الله، خَلِيفَةُ الله، بَابُ الله، صراطُ الله، نورُ الله، حَبْلُ الله و... می باشد و امام معصوم و منصوب از ناحیه خداوند متعال است خداوند متعال را به وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و صدیقه کُبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و حسنین سلام الله علیهما سوگند می دهد و این امر حاکی از مقام ممتاز و ویژه آن ذوات مقدّسه می باشد،

گرچه این چهارده وجود مقدّس و معصوم علیهم السّلام از یک نور واحد می باشند و طبق فرمایش امام هادی علیه السلام در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره، اَنَّ اَرْوَاحَكُمْ وَ تَوْرُكُمْ وَ طَيِّبَتِكُمْ وَاٰحِدَةٌ، لذا:

برای استجاب دعا و جهت تقرّب به درگاه الهی لازم است خداوند متعال را به وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام که اسماء حُسنی و وسیله تقرّب به درگاه الهی هستند سوگند بدهیم، و آن ذوات مقدّسه را واسطه قرار دهیم تا انشاء الله تعالی خداوند متعال حاجات و دعاها را مستجاب فرموده و ما را مشمول رحمت و اسعه خویش قرار دهد.

قابل ذکر است که:

وقتی حضرت آدم از بهشت بیرون رانده شد و به زمین هبوط کرد خداوند متعال را به وجود مقدّس خمه طیبّه «محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام» سوگند داد تا توبه اش پذیرفته شود و پس از قسم دادن به این ذوات مقدّسه بود که خداوند متعال توبه حضرت آدم را پذیرفت.

همچنین وقتی حضرت ابراهیم علیه السلام از امتحانات الهی پیروز از میدان درآمد «در سنین کهنسالی» خداوند متعال را به وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام سوگند داد و پس از این قضیه بود که خداوند متعال به حضرت ابراهیم مقام امامت اعطا فرمود.

ذیل آیه ۳۷ و ۱۲۴ سوره بقره در این رابطه توضیحات کاملی به عرض رسیده است.

۴. در زیارت شریف و نورانی جامعه کبیره که از ناحیه امام هادی علیه السلام صادر شده هنگام زیارت هر کدام از ذوات مقدسه معصومین علیهم السلام محضر آن بزرگواران عرض می‌کنیم:

السَّلَامُ عَلَىٰ أئِمَّةِ الْهُدَىٰ، وَ الْمَثَلِ الْأَعْلَىٰ، یعنی:

سلام بر شما ائمه هدایت «پیشوایان هدایت»، و نمونه برتر؛

خداوند متعال در آیه ۲۷ سوره روم می‌فرماید:

وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، یعنی:

برای خداوند متعال است مَثَلُ أَعْلَىٰ در آسمان‌ها و زمین؛

در مفردات راغب مَثَلُ اینگونه معنی شده است که:

مَثَلُ عبارتی است که شنونده یا خواننده را متوجّه امری مشابه می‌کند تا به وسیله

آن موضوعی را بیان نموده و آن را روشن کند.

مقصود از اینکه وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السلام مَثَلُ أَعْلَىٰ برای

خداوند متعال هستند «مظهر و نمونه برتر اوصاف خداوند متعال هستند، و به

عبارت بهتر مظهر اتمّ و اکمل و برترین نمونه اوصاف خداوند متعال هستند» این

است که:

چون خداوند متعال برتر و گرامی‌تر از آن است که مکانی او را احاطه کند و یا

صفتی از صفات خداوند متعال در عالم امکان جای گیرد، لذا وقتی خداوند متعال

انسان را خلق فرمود او را مَظْهَرِ اسْمَاءِ و صفات خود قرار داد «برای هر صفتی

از صفات خویش مَثَلُ و نمونه‌ای قرار داد، یعنی همه صفات خود را در او قرار

داد و آن فرد مَثَلُ و نمونه‌ای شد از صفات خداوند متعال»، و به او علم، قدرت،

اراده، غضب، رحم، عدالت، سخاوت تا ۹۹ صفت دیگر را قرار داد، و بدین ترتیب

انسان تنها موجودی است که در تمام اسماءِ و صفات خداوند متعال مَظْهَرِیَّتْ دارد،

مثلاً:

خداوند متعال عالم است انسان نیز عالم است،

خداوند متعال قادر است انسان نیز قادر است،

خداوند متعال سمیع است انسان نیز سمیع است،

خداوند متعال بصیر است انسان نیز بصیر است، و به همین نحو سایر اسماء و صفات خداوند متعال، و این است مظهریت انسان و افضل و اشرف بودن او به سایر مخلوقات.

قابل ذکر است که:

این صفات در خداوند متعال ذاتی است لیکن در انسان عارضی است، یعنی خداوند متعال به او اعطا فرموده و هر زمان که اراده بفرماید می تواند تمام آن صفات و یا بخشی از آنها را از انسان بگیرد.

مظهریت انسانها برای صفات خداوند متعال «نود و نه اسم و صفت و یا هزار اسم و صفت خداوند متعال» متفاوت است، به این معنی که: این مظهریت «مظهریت انسانها برای صفات خدا» در حق بعضی از انسانها کامل تر و جامع تر می باشد، مثلاً:

گرچه انسانها در مظهریت شریک هستند لیکن در کیفیت تفاوت دارند، یعنی: علماء مظهر علم خداوند متعال هستند، و انبیاء الهی نیز مظهر علم خداوند متعال هستند، و وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام نیز مظهر علم خداوند متعال هستند، لیکن این مظهریت هرگز در بین آنها یکسان نیست، یعنی: علماء در یک درجه مظهر علم خداوند هستند، انبیاء الهی در درجه ای بسیار بالاتر از علماء مظهر علم خداوند هستند، و وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام در اعلی درجه ممکن مظهر علم خداوند متعال هستند، و به عبارت دیگر: وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام مثل اعلای علم خداوند متعال می باشند، یعنی:

این ذوات مقدسه نمونه علم خداوند متعال هستند «برترین نمونه»،

و به همین ترتیب در مورد سایر صفات خداوند متعال.

نتیجه کلام این می شود که:

وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام مثل اعلای الهی «نمونه برتر الهی»

هستند لیکن نه در ذات حق تعالی بلکه در صفات خداوند متعال، یعنی: وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام مَثَلِ اعْلَایِ عِلْمِ خداوند متعال «نمونه علم خداوند متعال»، قدرت خداوند متعال، رحمت خداوند متعال، عزّت خداوند متعال و می‌باشند، و به عبارت دیگر:

این ذوات مقدّسه مظهر اتمّ و اکمل اسماءِ حسِنای خداوند متعال می‌باشند در اعلی درجه «مظهر اتمّ و اکمل صفات خداوند متعال که ۹۹ یا هزار صفت می‌باشد، گرچه همانطور که قبلاً عرض شد صفات کمال خداوند متعال نامحدود است و قابل شمارش نمی‌باشد».

بنابراین:

مظهریّت انبیاء و اوصیاء آنان در میان افراد بشر برای صفات خداوند متعال اتمّ و اکمل است از دیگران، و لذا: انسان‌های عادی را نمی‌توان در هیچ صفتی با صفات انبیاء و اوصیاء آنان مقایسه نمود.

در میان انبیاء و اوصیاء آنان وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و اهل بیت آن حضرت افضّل و برتر می‌باشند، یعنی:

مظهریّت وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام برای صفات خداوند متعال اتمّ و اکمل است از مظهریّت سایر انبیاء، و به عبارت دیگر:

وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام مظهر اتمّ و اکمل صفات خداوند متعال و مَثَلِ اعْلَایِ صفات خداوند متعال می‌باشند «نمونه برتر، و یا برترین نمونه صفات خداوند متعال می‌باشند» که از جانب خداوند متعال به آن ذوات مقدّسه اعطا و افاضه شده است،

و فرمایش امام صادق علیه السّلام «حدیث اوّل که ملاحظه فرمودید» مبین همین مطلب است که آن حضرت فرمودند:

نَحْنُ وَ اللهُ الْأُسْمَاءُ الْحُسْنَى، یعنی:

ما اسماءِ حُسْنی و مَثَلِ اعْلَایِ الهی و مظهر اتمّ و اکمل صفات خداوند متعال

می‌باشیم،

و امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه کبیره فرمودند:
 السَّلَامُ عَلَى أُمَّةِ الْهُدَى، وَ الْمَثَلِ الْأَعْلَى، یعنی:
 وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام اسماء الحسنی می باشند،
 و مثل اعلی برای صفات خداوند متعال هستند.^۱

در رابطه با مثل اعلی بودن وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام به چند حدیث دیگر نیز اشاره می شود.

الف) وجود مقدس امام رضا علیه السلام فرمودند:
 وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

يا عَلِيُّ:
 أَنْتَ حُجَّةُ اللَّهِ،
 أَنْتَ بَابُ اللَّهِ،
 أَنْتَ الطَّرِيقُ إِلَى اللَّهِ،
 أَنْتَ النَّبَأُ الْعَظِيمُ،
 أَنْتَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ،
 أَنْتَ الْمَثَلُ الْأَعْلَى،
 أَنْتَ إِمَامُ الْمُسْلِمِينَ،
 أَنْتَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ خَيْرُ الْوَصِيِّينَ وَ سَيِّدُ الصِّدِّيقِينَ،
 أَنْتَ فَارُوقُ الْأَعْظَمِ،
 أَنْتَ الصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ،
 أَنْتَ خَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي،
 أَشْهَدُ اللَّهُ تَعَالَى وَ مَنْ حَضَرَ مِنْ أُمَّتِي:

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۱۴۱ تا ۱۴۳.
 شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف علامه سید حسین همدانی درودآبادی «ترجمه شمس الطالع» صفحه ۲۲۷ تا ۲۲۹.

أَنَّ حِزْبَكَ حِزْبِي وَ حِزْبِي حِزْبُ اللَّهِ،
 وَأَنَّ حِزْبَ أَعدَائِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ، یعنی:
 وجود مبارک پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب
 علیه السَّلَام فرمود:

یا علی:
 تُو حُجَّتِ خدایِی،
 تُو بَابُ اللَّهِ هستی « و سیله و راه معرفت خدا هستی »،
 تُو راه به سوی خدا هستی،
 تُو نَبَأٌ عظیم هستی،
 تُو صراطِ مستقیم هستی،
 تُو مَثَلٌ اعلاى الهی هستی «تو نمونه والای الهی هستی - تو برترین و عالی ترین
 نمونه الهی هستی،
 یعنی تو مظهر اتم و اکمل صفات کمال خداوند متعال می باشی، یعنی تُو اَسْمَاءُ
 الْحُسْنَى هستی»،
 تُو امام مسلمین هستی،
 تُو امیرالمؤمنین هستی،
 تُو بهترین وصیین «افضل اوصیاء» و سید و آقای صدیقین هستی،
 تُو فاروق اعظمی «جداکننده حق از باطل»،
 تُو صدیق اکبر هستی،
 تُو خلیفه و جانشین من بر اُمَّتِمْ هستی.
 وجود مبارک پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ در ادامه فرمایش خویش
 فرمودند:

خداوند متعال را شاهد و گواه می گیرم، همچنین:
 جمعیت حاضر را گواه می گیرم «اتمام حُجَّتِ برای حَضَار» که:
 یا علی:

حزب تو حزب من است،
و حزب من حزبُ الله است،
و حزب دشمنان تو حزبُ الشَّیطان می باشد.^۱

ب) وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:
نَحْنُ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ سَبِيلُ الْهُدَى وَ الْمَثَلُ الْأَعْلَى وَ الْحُجَّةُ الْعُظْمَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، یعنی:
ما «چهارده معصوم علیهم السّلام» کلمه تقوی هستیم،
ما راه هدایت هستیم،
ما مثل اعلاى الهی هستیم «عالی ترین نمونه صفات خداوند متعال هستیم - مظهر
اتم و اکمل اسماء و صفات الهی هستیم، اسماء الحُسنی هستیم».
ما حُجَّت عظمای خداوند متعال هستیم،
ما عُرْوَةُ الْوُثْقَى هستیم «ما ریسمان الهی و دستاویز محکم الهی هستیم».^۲

۵. در قسمت دیگری از زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره هنگام زیارت هر
کدام از ذوات مقدّسه معصومین علیهم السّلام به آن ذوات مقدّسه عرض می داریم:
وَ آيَاتُ اللَّهِ لَدَيْكُمْ، یعنی:
آیات خداوند متعال نزد شما است «یعنی چهارده معصوم علیهم السّلام»،
و مراد از آیات الله تمام اسماء حُسنی می باشد که بازگشت همه آنها به الله
می باشد،
بنابراین:
معنی این قسمت از زیارت شریف جامعه کبیره این است که:

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، جلد اول، باب ۳۰، صفحه ۶۵۴، حدیث ۱۳.
«فرمایشات امام رضا علیه السلام در بیان مسائل گوناگون».
تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۲۳۵ - ۲۳۶ «ذیل آیه ۲۷ سوره روم».
تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۷۳۷، حدیث ۴۵ «حدیث ۸۶۰۸»، «ذیل آیه ۲۷ سوره روم».
۲. المیزان، جلد سی و یکم، صفحه ۲۹۷ «ذیل آیه ۲۷ سوره روم».
تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۲۳۶ «ذیل آیه ۲۷ سوره روم».
تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۷۳۷، حدیث ۴۷ «حدیث ۸۶۱۰»، «ذیل آیه ۲۷ سوره روم».

علائم و نشانه‌های حق تعالی نزد شما می‌باشد، یعنی:
 صفات کمال خداوند متعال از قبیل علم، قدرت، رحمت و سایر صفات کمال که
 علائم و نشانه‌هایی برای خداشناسی هستند نزد شما چهارده معصوم علیهم السّلام
 می‌باشد و شما مظهر اتمّ و اکمل صفات کمال خداوند متعال هستید و شما
 اَسْمَاءُ الْحُسْنَى می‌باشید.^۱

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت‌الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۳۵۳.
 شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف علامه سیدحسین همدانی درودآبادی، صفحه ۳۹۸.

آیه ۱۸۱ سوره اعراف:

«وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ».

ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

از مردمی که خلق کرده‌ایم کسانی هستند که مردم را به سوی حق هدایت می‌کنند و به حق حکم می‌نمایند.^۱

أُمَّةٌ = گروه، دسته، جماعت «گروه و جماعتی که وجه مشترکی مانند دین یا زمان یا مکان واحد آن‌ها را گرد هم جمع آورده باشد، خواه این وجه مشترک ذاتی باشد خواه اکتسابی».^۲

در آیه ۱۷۹ سوره اعراف اوضاع و احوال مردمی بیان شد که از حق غفلت می‌ورزیدند لذا در زمره غافلین قرار گرفته و اهل جهنم می‌باشند.

در توصیف این گروه غافل از حق آمده که:

این‌ها قلب دارند «عقل و فکر و اندیشه» لیکن با آن اندیشه نمی‌کنند،

چشم دارند لیکن حقایق را نمی‌بینند،

گوش دارند لیکن سخنان حق را نمی‌شنوند،

این‌ها مانند چهارپایان هستند بلکه گمراه‌تر و پست‌تر،

این‌ها در زمره غافلین هستند و جایگاه آن‌ها جهنم می‌باشد.

این آیه شریفه «آیه ۱۸۱ سوره اعراف» اوضاع و احوال مردمی را بیان می‌فرماید که درست در نقطه مقابل گروه قبل قرار گرفته‌اند، یعنی این گروه مردم را به سوی حق هدایت و راهنمایی کرده و میان مردم به عدالت حکم می‌کنند.

خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید:

وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ = از کسانی که آفریدیم گروه و جماعتی

هستند که مردم را به سوی حق راهنمایی و هدایت کرده و میان مردم به حق و

۱. مجمع‌البیان، جلد دهم، صفحه ۱۱۸.

۲. مفردات راغب.

عدالت حُکم می کنند.

در این آیه شریفه خداوند متعال اعلام می فرماید و خبر می دهد که در میان انسان هایی که آفریده است کسانی هستند که مردم را به توحید و دین حق دعوت و ارشاد نموده و به عدالت حُکم می کنند.

در واقع این گروه دو برنامه ممتاز دارند:

یکی اینکه فکر و هدف و دعوت و فرهنگ آن ها حق و به سوی حق می باشد، دیگر اینکه عمل و برنامه و حکومت و داوری آن ها بر اساس حق و حقیقت می باشد، یعنی:

هم اعتقاد و فکر آن ها مبتنی بر حق است،

و هم عمل آن ها «خودشان بر حق هستند و مردم را به سوی حق دعوت می کنند و به حق حُکم می کنند».

اینکه این افراد چه کسانی هستند که همواره بر حق بوده و مردم را به سوی حق دعوت می نمایند انشاء الله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد.^۱

توضیح:

قطعاً منظور از اُمّت در این آیه شریفه همه اُمّت اسلام نمی باشد زیرا تمام آحاد اُمّت اسلام خودشان بر صراط مستقیم نبوده و نیستند که بخواهند مردم را به سوی حق و به صراط مستقیم دعوت نمایند.

ذیل آیه ۱۴۴ و ۱۴۵ سوره آل عمران و ذیل آیه ۵۴ سوره مائده، همچنین ذیل آیه ۲۵۳ سوره بقره و آیه ۲۵ و ۲۶ سوره مبارکه محمّد «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» احادیثی از وجود مقدّس ائمّه معصومین علیهم السّلام نقل شد و به عرض رسید که بعد از رحلت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اکثریت اُمّت اسلام به قهقرا برگشته و مرتد شدند مگر عدّه ای انگشت شمار، بنابراین منظور از اُمّت در این آیه شریفه تمام اُمّت اسلام نمی باشد،

۱. مجمع البیان، جلد دهم، صفحه ۱۲۲.

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۳۷.

ضمن اینکه اوصیاء پیامبر اکرم یعنی ائمه معصومین علیهم السّلام به وسیله افرادی به شهادت رسیدند که خودشان را مسلمان می دانستند و ادّعیای مسلمانی می کردند و ظاهراً نماز نیز می خواندند و به حج نیز می رفتند، لذا:

مقصود از امت در این آیه شریفه «آیه ۱۸۱ سوره اعراف» گروهی خاص و انگشت شمار از امت اسلام هستند که خودشان حق بودند و مردم را نیز به سوی حق دعوت می کردند که انشاءالله تعالی در بخش حدیث اشاره خواهد شد که این بزرگواران چه کسانی می باشند.

در آیات دیگری نیز مطالبی راجع به امت و پیروان بعضی از انبیاء صحبت شده در حالی که هدف و مقصود از آن بعضی از افراد امت بوده اند که به عنوان نمونه به چند آیه شریفه اشاره می شود.

خداوند متعال در آیه ۱۴۳ سوره بقره می فرماید:

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ، یعنی:

ما، شما امت اسلام را امت میانه قرار دادیم که شاهد و گواه بر مردم باشید «شاهد و گواه بر اعمال مردم».

ذیل این آیه شریفه توضیحات کاملی به عرض رسید که مقصود از امت در این آیه شریفه فقط بعضی از افراد این امت هستند «یعنی ائمه معصومین علیهم السّلام» که از اعمال همه انسانها مطلع بوده و روز قیامت به انجام شدن این اعمال توسط عاملین آنها گواهی و شهادت خواهند داد نه همه امت اسلام، لذا:

اگر گواهی و شهادت دادن ائمه معصومین علیهم السّلام «به اعمال مردم» به امت اسلام نسبت داده شده، در واقع وصف بعضی به کل نسبت داده شده است، در حالی که مقصود همان بعضی می باشد یعنی ائمه معصومین علیهم السّلام.

خداوند متعال در آیه بیستم سوره مائده می فرماید:

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ، يَا قَوْمِ أذكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا،

یعنی:

هنگامی که حضرت موسی به قوم خودش «بنی اسرائیل» گفت:

ای قوم من به یاد آورید نعمتهایی را که خداوند متعال به شما ارزانی داشت و

آن‌ها را هرگز فراموش نکنید چرا که پیامبرانی در میان شما قرار داد و شما را ملوک «پادشاهان» قرار داد.

با توجه به اینکه بعضی از بنی اسرائیل به حکومت و سلطنت رسیدند نه همه بنی اسرائیل، بنابراین:

در این آیه شریفه نیز وصف بعضی از افراد «وصف بعض» به کُلّ «همه بنی اسرائیل» نسبت داده شده است.

خداوند متعال در آیه شانزدهم سوره جاثیه می‌فرماید:

وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ، یعنی:

ما بنی اسرائیل را کتاب آسمانی و حکومت و نبوت دادیم و رزق و روزی‌های فراوان به آن‌ها اعطا نمودیم و آن‌ها را بر جهانیان برتری دادیم. قابل ذکر است که:

نبوت و حکومت به تمام آحاد بنی اسرائیل اعطا نشده بود و اعطا نشد بلکه به تعدادی خاص و معین اعطا گردید، همچنین:

در این آیه شریفه آمده که بنی اسرائیل را به تمام جهانیان برتری دادیم در حالی که بنی اسرائیل به تمام مردم عصر خودشان برتری داده شدند نه همه مردم در تمام اعصار و دوران‌ها، ضمن اینکه:

تمام قوم بنی اسرائیل انسان‌های مؤمنی نبودند که به تمام مردم عصر خودشان برتری داده شده باشند، زیرا از همین قوم بنی اسرائیل بود که گوساله پرست شدند، بنابراین:

مؤمنین و خوبان بنی اسرائیل «نه همه بنی اسرائیل» به مردم روزگار خودشان برتری داده شدند نه به همه مردم در تمام اعصار، لذا:

در این آیه شریفه نیز وصف بعض به کُلّ نسبت داده شده است.

در آیات شریفه دیگری نیز خداوند متعال فضائلی را بیان فرموده و آن را به امت‌ها نسبت داده در حالی که مقصود فقط عدّه خاصی از امت بوده‌اند، بنابراین:

به طور قطع و یقین مقصود از امت در این آیه شریفه «آیه ۱۸۱ سوره اعراف»

تمام آحاد اَمّت اسلام و همه اَمّت اسلام نیست، بلکه مقصود از اَمّت در این آیه شریفه افراد خاص و ویژه‌ای هستند «یعنی ائمه معصومین علیهم السّلام» که خودشان صراط مستقیم الهی هستند و خودشان محور حق می‌باشند و مردم را نیز به سوی حق دعوت می‌کنند که انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.^۱

حدیث:

۱. وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام درباره این آیه شریفه «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ - آیه ۱۸۱ سوره اعراف» فرمودند: آن‌ها ائمه معصومین علیهم السّلام می‌باشند. این حدیث را عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.^۲

۲. وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام درباره این آیه شریفه «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ - آیه ۱۸۱ سوره اعراف» فرمودند: آن‌ها ما هستیم «یعنی ائمه معصومین علیهم السّلام» این حدیث را حمران بن اعین از امام باقر علیه السّلام نقل نموده است.^۳

۳. محمّد بن عجلان از وجود مبارک امام باقر علیه السّلام نقل می‌کند که آن حضرت درباره این آیه شریفه «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ - آیه ۱۸۱

۱. المیزان، جلد شانزدهم، صفحه ۲۵۶.

۲. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۸۰، حدیث ۱۳ «حدیث ۱۰۹۲».

المیزان، جلد شانزدهم، صفحه ۲۸۷.

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۱۴۳.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۳۶۸، حدیث ۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۹۶۹، حدیث ۳۷۸ «حدیث ۳۷۷۴».

۳. المیزان، جلد شانزدهم، صفحه ۲۸۷.

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۱۴۳.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۳۶۸، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۹۶۹، حدیث ۳۷۹ «حدیث ۳۷۷۵».

سوره اعراف» فرمودند:

مقصود از این آیه شریفه ما هستیم «یعنی ائمه معصومین علیهم السلام».^۱

۴. از وجود مقدّس امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل شده که آن دو

بزرگوار فرموده‌اند:

مقصود از اَمّت در این آیه شریفه «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ - آیه

۱۸۱ سوره اعراف» ما هستیم.^۲

توضیح:

الف) ملاحظه فرمودید که طبق این احادیث شریف مقصود این آیه شریفه ائمه معصومین علیهم السلام می‌باشند، و در این صورت معنی این آیه شریفه «آیه ۱۸۱ سوره اعراف» این می‌شود که:

اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم «یعنی ائمه معصومین علیهم السلام» مردم را به سوی حق هدایت نموده و بین مردم به حق حکم می‌کنند «حکومت و داوری همراه با عدالت»، یعنی:

ائمه معصومین علیهم السلام که حجّت خداوند متعال بر مخلوقات بوده و از جانب خداوند متعال به امامت مسلمین منصوب شده‌اند وظیفه هدایت مردم را به عهده داشته و آن‌ها را به سوی حق دعوت و ارشاد می‌کنند، و چون خودشان حق می‌باشند و مقام عصمت دارند لذا حکومت آن ذوات مقدّسه و حکمیت آن بزرگواران همواره بر مدار حق می‌باشد، و به همین جهت اطاعت محض و بی‌قید از آن ذوات مقدّسه واجب است، چرا که:

امر آن بزرگواران امر خداوند متعال است،

۱. المیزان، جلد شانزدهم، صفحه ۲۸۷.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۳۶۸، حدیث ۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۹۶۹، حدیث ۳۸۰ «حدیث ۳۷۷۶».

۲. مجمع‌البیان، جلد دهم، صفحه ۱۲۲.

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۱۴۳.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۳۶۹، حدیث ۷.

و نهی آن بزرگواران نیز نهی خداوند متعال می باشد نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد، لذا اطاعت از آن ذوات مقدسه اطاعت از خداوند متعال است و سرپیچی از دستورات آن بزرگواران سرپیچی از دستورات خداوند متعال.

ب) ذیل آیه هفتم سوره رعد «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که طبق آن احادیث شریف و وظیفه هدایت امت به عهده ائمه معصومین علیهم السلام می باشد «پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم».

ج) ذیل آیه ۷۳ سوره انبیاء «وَ جَعَلْنَا هُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که طبق آن احادیث نورانی و شریف پس از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وظیفه هدایت امت اسلام بر عهده ائمه معصومین علیهم السلام می باشد و خداوند متعال این وظیفه را بر عهده آن ذوات مقدسه محول فرموده است.

۵. وجود مقدس مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند: امت اسلام هفتاد و سه فرقه خواهد شد که هفتاد و دو فرقه آن اهل آتش هستند و تنها یک فرقه اهل بهشت می باشد و آن فرقه همان کسانی هستند که خداوند متعال درباره آنها فرموده:

«وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعدِلُونَ - آیه ۱۸۱ سوره اعراف».

وجود مقدس امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

آنان «فرقه ناجیه» من و شیعیان من هستند.

این حدیث را زاذان از امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نقل نموده است.^۱

۱. المیزان، جلد شانزدهم، صفحه ۲۸۷ - ۲۸۸.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۳۷۰، حدیث ۱۱.

توضیح:

ذیل آیه ۱۵۹ سوره انعام «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا» نیز حدیثی از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شد که آن حضرت فرمودند:

سَتُفَرَّقُ أُمَّتِي عَلَى ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً، كُلُّهَا فِي النَّارِ إِلَّا وَاحِدَةً، وَ هِيَ الَّتِي تَتَّبِعُ وَصِيَّيَ عَلِيًّا، يَعْنِي:

پیامبر اکرم فرمودند:

اُمّت من بعد از من هفتاد و سه فرقه خواهند شد که همگی آنها اهل آتش هستند مگر یک فرقه که اهل نجات می باشد،
و آن فرقه ناجیه «فرقه نجات یابنده» فرقه ای است که از وصی و جانشین من یعنی علی بن ابیطالب علیه السلام پیروی نماید «یعنی شیعیان اثنی عشری».

فهرست احاديث

مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، ٢٩

لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»، قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ: عَرَفْنَا اللَّهَ وَرَسُولَهُ، فَمَنْ أُولُو الْأَمْرِ الَّذِينَ قَرَنَ اللَّهُ طَاعَتَهُمْ بِطَاعَتِكَ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: ٣٢

هُمْ خُلَفَائِي يَا جَابِرُ، وَائِمَّةُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ بَعْدِي؛ أَوْلَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، ثُمَّ الْحَسَنُ، ثُمَّ الْحُسَيْنُ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْمَعْرُوفُ فِي التَّوْرَةِ بِالْبَاقِرِ، سَتَدْرِكُهُ يَا جَابِرُ فَإِذَا لَقَيْتَهُ فَاقْرَأْهُ مِنِّي السَّلَامُ، ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى، ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، ثُمَّ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ، ثُمَّ سَمِيُّ مُحَمَّدٍ وَكُنْيَتِي حُجَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَبَقِيَّتُهُ فِي عِبَادِهِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، ذَاكَ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ عَلَى يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا، ذَاكَ الَّذِي يَغِيبُ عَنْ شِيعَتِهِ وَأَوْلِيَائِهِ غَيْبَةً لَا يَنْتَبِثُ فِيهِ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ إِلَّا مَنْ أَمِنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ، قَالَ جَابِرٌ: فَقُلْتُ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ: فَهَلْ يَنْتَفِعُ الشَّيْعَةُ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: آي، وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالنُّبُوءَةِ: إِنَّهُمْ يَسْتَضِيئُونَ بِنُورِهِ وَيَنْتَفِعُونَ بِوِلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَإِنْ تَجَلَّأَتْ سَحَابٌ، يَا جَابِرُ: هَذَا مِنْ مَكْنُونِ سِرِّ اللَّهِ وَمَخْزُونِ عِلْمِ اللَّهِ، فَآكْتُمُهُ إِلَّا عَنْ أَهْلِهِ، ٣٢

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ، أَوْ صِيكُم بِكِتَابِ اللَّهِ وَ أَهْلِ بَيْتِي، فَإِنِّي سَأَلْتُ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَنْ لَا يُفَرِّقَ بَيْنَهُمَا حَتَّى يُورِدَ هُمَا عَلَيَّ الْحَوْضَ فَأَعْطَانِي ذَلِكَ، لَا تُعَلِّمُوهُمْ فَهَمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ، ٣٥

إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي، مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا: ٣٩

شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَ الْأَقْرَارُ بِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ، وَ حَقٌّ فِي الْأَمْوَالِ مِنَ الزَّكَاةِ، وَ الْوَلَايَةُ الَّتِي أَمَرَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهَا وَ لَايَةُ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

و سلم، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَنْ مَاتَ وَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ
مِيتَةً جَاهِلِيَّةً، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» فَكَانَ عَلِيٌّ
عَلَيْهِ السَّلَامُ، ثُمَّ صَارَ مِنْ بَعْدِهِ الْحَسَنُ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ الْحُسَيْنُ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ
مِنْ بَعْدِهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، ثُمَّ هَذَا يَكُونُ الْأَمْرُ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَصْلُحُ إِلَّا بِإِمَامٍ، ٤١

مَنْ مَاتَ وَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً، ٤٤

أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا إِمَامٌ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ، وَ أَنَّ الْحَسَنَ إِمَامٌ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ، وَ أَنَّ الْحُسَيْنَ إِمَامٌ
فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ، وَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ إِمَامٌ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ، وَ أَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ إِمَامٌ فَرَضَ
اللَّهُ طَاعَتَهُ، ٥٢

نَحْنُ قَوْمٌ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَنَا، لَا يَسَعُ النَّاسُ إِلَّا مَعْرِفَتَنَا، وَ لَا يُعْذِرُ النَّاسُ بِجَهَالَتِنَا، ٥٣

أَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، وَ الْإِقْرَارَ بِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ
اللَّهِ، وَ أَنَّ عَلِيًّا كَانَ إِمَامًا فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ، ثُمَّ كَانَ بَعْدَهُ الْحَسَنُ إِمَامًا فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ، ثُمَّ كَانَ بَعْدَهُ
الْحُسَيْنُ إِمَامًا فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ، ثُمَّ كَانَ بَعْدَهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ إِمَامًا فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ، حَتَّى انْتَهَى
الْأَمْرُ إِلَيْهِ، ثُمَّ قُلْتُ: أَنْتَ يَرْحُمُكَ اللَّهُ، فَقَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، هَذَا دِينُ اللَّهِ وَ دِينُ مَلَائِكَتِهِ، ٥٤

أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ أَخِي وَ وَصِيَّي وَ خَلِيفَتِي، وَ الْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي، هُوَ وَلِيُّكُمْ بَعْدَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ،
إِنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَ إِمَامًا مُفْتَرِضًا طَاعَتَهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ، وَ عَلَى الْبَادِي
وَ الْحَاضِرِ، وَ عَلَى الْأَعْجَمِيِّ وَ الْعَرَبِيِّ، وَ الْحُرِّ وَ الْمَمْلُوكِ، وَ الصَّغِيرِ وَ الْكَبِيرِ، وَ عَلَى الْأَبْيَضِ
وَ الْأَسْوَدِ، وَ عَلَى كُلِّ مُوَحَّدٍ مَاضٍ حُكْمُهُ، جَائِزُ قَوْلُهُ، نَافِذُ أَمْرُهُ، مَلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ، إِنَّهُ إِمَامٌ مِنْ
اللَّهِ، وَلَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وَ لَا يَتَّيَهُ، وَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُ، حَتَّى عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ
خَالَفَ أَمْرَهُ فِيهِ، وَ أَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا نَكْرًا أَبَدًا أَبَدٍ وَ دَهْرَ الدُّهُورِ، فَاحْذَرُوا أَنْ تُخَالَفُوهُ فَتَصِلُوا
نَارًا وَ قُودَهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ، مَعَاشِرَ النَّاسِ: تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَ أَفْهَمُوا آيَاتِهِ،
وَ انظُرُوا إِلَى مُحْكَمَاتِهِ، وَ لَا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهُ، فَوَاللَّهِ لَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ وَ لَا يُوضِحَ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ
إِلَّا الَّذِي أَنَا آخِذٌ بِيَدِهِ، فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسَلَّمُوا، وَ أَطِيعُوهُ تَهْتَدُوا، إِلَّا إِنْ خَاتَمَ الْأَيَّمَةَ مِنَّا الْقَائِمُ
الْمُهْدِيُّ، إِلَّا أَنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حُكْمُهُ فِي خَلْقِهِ وَ أَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ، مَعَاشِرَ النَّاسِ:

مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ عَلِيًّا وَ الْأَيَّمَةَ الَّذِينَ ذَكَرْتُهُمْ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا، ٥٧

مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَمَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ..... ٦١

فَمَنْ سَلَّمَ لَنَا سَلِمَ، وَمَنِ اقْتَدَى بِنَا هُدَى، وَمَنْ وَجَدَ فِي نَفْسِهِ شَيْئاً مِمَّا نَقُولُهُ أَوْ نَقُضِي بِهِ حَرْجاً
كَفَرَ بِالَّذِي أَنْزَلَ السَّبْعَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ، وَهُوَ لَا يَعْلَمُ..... ٨٤

إِنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيُهْدِيَهُمْ طَرِيقاً، إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ
خَالِدِينَ فِيهَا أَبَداً وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيراً..... ٩٩

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فِي وِلَايَةِ عَلِيٍّ، فَأَمِنُوا خَيْراً لَكُمْ، وَإِنْ تَكْفُرُوا
بِوِلَايَةِ عَلِيٍّ فَإِنَّ اللَّهَ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ،..... ١٠٥

قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ بِوِلَايَةِ مَنْ أَمَرَ اللَّهُ بِوِلَايَتِهِ،..... ١٠٦

النُّورُ وِلَايَةُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ،..... ١١٠

الْبُرْهَانُ مُحَمَّدٌ «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» وَالنُّورُ عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ،..... ١١١

السَّلَامُ عَلَى الْأَيِّمَةِ الدَّعَاةِ وَحُجَّتِهِ وَصِرَاطِهِ، وَنُورِهِ وَبُرْهَانِهِ،..... ١١٢

أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي،..... ١١٣

مَا لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ آيَةٌ هِيَ أَكْبَرُ مِنِّي،..... ١١٤

اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى إِكْمَالِ الدِّينِ وَإِتْمَامِ النِّعْمَةِ وَرِضَى الرَّبِّ بِرِسَالَتِي وَبِالْوِلَايَةِ لِعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
مِنْ بَعْدِي، ثُمَّ قَالَ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَانصُرْ
مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ،..... ١٢٧

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ، فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ،..... ١٣٥

اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى إِكْمَالِ الدِّينِ وَإِتْمَامِ النِّعْمَةِ وَرِضَى الرَّبِّ بِرِسَالَتِي وَبِالْوِلَايَةِ لِعَلِيٍّ مِنْ بَعْدِي،
ثُمَّ قَالَ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَانصُرْ مَنْ نَصَرَهُ،
وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ،..... ١٣٧

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، اللَّهُمَّ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَ

اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ، ١٣٨

مَا لِلَّهِ عِزٌّ وَجَلَّ آيَةٌ هِيَ أَكْبَرُ مِنِّي، ١٤٩

وَمَنْ يَكْفُرْ بِوِلَايَةِ عَلِيٍّ، وَ عَلِيٌّ هُوَ الْإِيمَانُ، ١٥٣

أَنَّ مَحْضَ الْإِسْلَامِ شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ الْهَاءُ وَاحِدًا أَحَدًا فَرْدًا صَمَدًا قَيُّومًا
سَمِيعًا بَصِيرًا قَدِيرًا ١٥٥

ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا، أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ
رَبِّهِمْ بِوِلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لِقَائِهِ، كَفَرُوا بِأَنَّ لِقَا اللَّهَ بِغَيْرِ إِمَامَتِهِ
فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا تُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا فَهُمْ كِلَابُ أَهْلِ النَّارِ، ١٥٧

وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ، مَا آمَنَ بِي مَنْ كَفَرَ بِكَ، وَ لَا أَقَرَّ بِاللَّهِ مَنْ جَحَدَكَ، ١٧٣

كَلِمَةٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي آمِنَ مِنْ عَذَابِي، بِشُرُوطِهَا، وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا، ١٧٤

مَعَاشِرَ النَّاسِ: إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ، فَمَنْ لَمْ يَأْتَمْ بِهِ وَ بِمَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ مِنْ
وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالْعَرْضِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَأُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ
فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ، لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ، ١٧٥

مَعَاشِرَ النَّاسِ: إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ، فَلَا تَحْسَدُوهُ فَتَحْبِطَ أَعْمَالُكُمْ وَ تَزَلَّ
أَقْدَامُكُمْ، ١٧٧

الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ، مَنْ أَطَاعَهُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَ مَنْ عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ، هُمْ
الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَ هُمْ الْوَسِيلَةُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، ١٨٦

السَّلَامُ عَلَى أَبِي الْأَيْمَةِ وَ خَلِيلِ التُّبُّوَّةِ، السَّلَامُ عَلَى يَعْسُوبِ الْإِيمَانِ، السَّلَامُ عَلَى صَالِحِ
الْمُؤْمِنِينَ وَ ١٨٧

مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِكُمْ، وَ مُتَقَرِّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ، وَ مُقَدِّمُكُمْ أَمَامَ طَلِبَتِي وَ حَوَائِجِي وَ إِرَادَتِي
فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَ أُمُورِي، ١٨٨

مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ، وَمَنْ وَحَدَهُ قَبِلَ عَنْكُمْ، وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ..... ١٨٨

عَدُوٌّ عَلَىٰ بَنِي إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ هُمُ الْمُخَلَّدُونَ فِي النَّارِ، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: ١٩٩

أَعْدَاءُ عَلَىٰ بَنِي إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ هُمُ الْمُخَلَّدُونَ فِي النَّارِ أَبَدَ الْأَبَدِينَ وَدَهْرَ الدَّاهِرِينَ، ١٩٩

إِذَا جَحَدَ إِمَامَةٌ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَأَوْلِيكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ، ٢٠١

مَعَاشِرَ النَّاسِ: إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ، وَلَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَىٰ أَحَدٍ أَنْكَرَ وَلَا يَتَهُ، وَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُ، حَتَّىٰ عَلَىٰ اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ مِمَّنْ خَالَفَ أَمْرَهُ فِيهِ، وَأَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا نَكْرًا أَبَدَ الْأَبَادِ وَدَهْرَ الدُّهُورِ، فَاحْذَرُوا أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَصْلُوا نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ، ٢٠٢

مَعَاشِرَ النَّاسِ: ٢٠٣

بِی وَاللَّهِ بَشَرِ الْأَوْلُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَأَنَا خَاتِمُ (خَاتِمِ) الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ، وَالْحُجَّةُ عَلَىٰ جَمِيعِ الْمَخْلُوقِينَ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، فَمَنْ شَكَّ فِي ذَلِكَ فَهُوَ كَافِرٌ كُفْرَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى، وَمَنْ شَكَّ فِي شَيْءٍ مِنْ قَوْلِي هَذَا فَقَدْ شَكَّ فِي الْكُلِّ مِنْهُ، وَالشَّاكُّ فِي الْكُلِّ فَلَهُ النَّارُ، ٢٠٤

مَعَاشِرَ النَّاسِ: إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ، فَمَنْ لَمْ يَأْتَمْ بِهِ وَبِمَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ مِنْ وُلْدِي مَنْ صَلَّى إِلَيْهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالْعَرْضِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَأَوْلِيكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَ فِي النَّارِ خَالِدُونَ، لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ، ٢٠٤

إِنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا، إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا، وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا، ٢٠٤

لَأُعْطِينَ الرَّايَةَ عَدَا رَجُلًا، يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ، وَيُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولَهُ، كَرَارًا غَيْرَ فَرَارٍ، لَا يَرْجِعُ حَتَّىٰ يَفْتَحَ اللَّهُ عَلَى يَدِهِ، ٢٢٠

أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ، فَهُوَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، خَاصَّةً دُونَ غَيْرِنَا، فَانْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ، وَارْتَدَدْتُمْ وَنَقَضْتُمْ الْأَمْرَ، وَنَكَثْتُمْ الْعَهْدَ، وَلَمْ تَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا، وَقَدْ أَمَرَكُمُ اللَّهُ أَنْ تُرَدُّوا الْأَمْرَ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ الْمُسْتَبِطِينَ لِلْعِلْمِ، فَأَقْرَرْتُمْ ثُمَّ

جَحَدْتُمْ، ٢٢٣

وَلَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِيكَ مِنْ قَبْلُ وَهُمْ كَارِهُونَ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ، فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ، يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ، ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ، يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ، وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ٢٢٤

أَنْتَ لَا تَدْرِي بِمَا أَحَدَثُوا مِنْ بَعْدِكَ، إِنَّهُمْ ارْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِهِمُ الْقَهْقَرَى، ٢٢٥

عَلَيَّ قَائِدَ الْبِرَّةِ، وَقَاتِلَ الْكُفْرَةَ، مَنْصُورٌ مِنْ نَصْرِهِ، مَخْذُولٌ مِنْ خَذَلِهِ، ٢٣٢

إِنِّي مُسْتَخْلِفٌ فِيكُمْ خَلِيفَتَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَعِثْرَتِي، مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي، وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ، ٢٤٩

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَعِثْرَتِي أَهْلِ بَيْتِي، وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ، مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا، ٢٥٠

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، ٢٥١

قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ يَعْنِي الْوِلَايَةَ، ٢٥٢

فَأَنْشِدُكَ بِاللَّهِ: أَلَى الْوِلَايَةِ مِنَ اللَّهِ مَعَ وِلَايَةِ رَسُولِهِ فِي آيَةِ الزَّكَاةِ بِالْخَاتَمِ، أَمْ لَكَ قَالَ أَبُو بَكْرٍ: بَلْ لَكَ، ٢٥٤

نَشَدْتُكُمْ بِاللَّهِ: هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ نَزَلَتْ فِيهِ هَذِهِ الْآيَةُ «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ٢٥٧

مَعَاشِرَ النَّاسِ: فَأَوْحَى إِلَيَّ: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» فِي عَلَيٍّ، يَعْنِي فِي الْخِلَافَةِ لِعَلَيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَاتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ - آيَةُ ٤٧ سوره مائده معروف به آيه ابلاغ، ٢٤١

لَقَدْ اسْتَحْوَذَ عَلَيْكُمُ الشَّيْطَانُ، فَانْسَاكُمُ ذِكْرَ اللَّهِ الْعَظِيمِ، هُوَ لَاءِ قَوْمٍ كَفَرُوا بَعْدَ إِيْمَانِهِمْ، فَبَعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، ٢٧٤

نَحْنُ وَشِيعَتُنَا حِزْبُ اللَّهِ، وَحِزْبُ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ، ٢٧٥

يَا عَلِيُّ: شِيعَتِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَمَنْ أَهَانَ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ أَهَانَكَ، وَمَنْ أَهَانَكَ فَقَدْ
أَهَانَنِي، وَمَنْ أَهَانَنِي أَدْخَلَهُ اللَّهُ تَعَالَى نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ، ٢٧٦

مَعَاشِرَ النَّاسِ: أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ، ثُمَّ عَلِيٌّ مِنْ بَعْدِي، ثُمَّ وُلْدِي مِنْ
صُلْبِهِ، أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ. ثُمَّ قَرَأَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، مَالِكِ
يَوْمِ الدِّينِ، إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ، اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ، صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ
الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ»، ٢٨٠

قَوْمًا فَسَلِّمًا عَلَيْهِ بِأَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ، ٢٩٧

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، ٢٩٩

عَلِيٌّ سَيِّدُ الْمُؤْمِنِينَ، عَلِيٌّ عَمُودُ الدِّينِ، الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ أَيْنَمَا مَالَ، ٢٩٩

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ، إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا: كِتَابَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَعِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي، فَلَا
تَسْبِقُوهُمْ فَتَهْلِكُوا، وَلَا تُعْلِمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ، يعني: ٢٩٩

أَيُّهَا النَّاسُ: ٣٠٠

مَنْ وُلِّيَكُمْ وَ أَوْلَى بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ، فَقَالُوا: اللَّهُ وَ رَسُولُهُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ
وَ سَلَّمَ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، فَوَقَعَتْ
حَسَكَةُ الْبِنْفَاقِ فِي قُلُوبِ الْقَوْمِ وَ قَالُوا: مَا أَنْزَلَ اللَّهُ جَلَّ ذِكْرُهُ هَذَا عَلَيَّ مُحَمَّدٍ قَطُّ وَ مَا يُرِيدُ إِلَّا
أَنْ يَرْفَعَ بِضَبْعِ ابْنِ عَمِّهِ، ٣٠١

يَا عَلِيُّ: مَنْ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ بِغَيْرِ وَلَايَتِكَ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ، ٣٠٣

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ
مَنْ خَذَلَهُ. ٣٠٧

أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، ٣١١

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ..... ٣١٢

أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي،..... ٣١٤

أَوَّلُ طَالِعٍ يَطْلُعُ عَلَيْكُمْ مِنْ هَذَا الْبَابِ: فَإِنَّهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، وَ سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ، وَ خَيْرُ الْوَصِيِّينَ،
وَ أَوْلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ،..... ٣١٥

أَنْتَ كَنْفُسِي، حُبُّكَ حُبِّي وَ بُغْضُكَ بُغْضِي،..... ٣١٦

أَنْتَ أَوْلَى النَّاسِ بِأُمَّتِي بَعْدِي،..... ٣١٦

وَلَا يَتُّكَ كَوَلَايَتِي، عَهْدُ عَهْدَةِ إِلَيَّ رَبِّي وَ أَمَرَنِي أَنْ أُبْلِغَكُمُوهُ،..... ٣١٧

فَضْلُكَ عَلَيَّ هَذِهِ الْأُمَّةِ كَفَضْلِ الشَّمْسِ عَلَيَّ الْقَمَرِ،..... ٣١٧

نَشَدْتُمْكُمْ بِاللَّهِ: هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ أَخَذَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بِيَدِهِ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ،
فَرَفَعَهَا حَتَّى نَظَرَ النَّاسُ إِلَى بِيَاضِ إِبْطِيئِهِ وَ هُوَ يَقُولُ: أَلَا إِنَّ هَذَا بَنُ عَمِّي وَ وَزِيرِي، فَوَازِرُوهُ
وَ نَاصِحُوهُ وَ صَدِّقُوهُ، فَإِنَّهُ وَلِيُّكُمْ مِنْ بَعْدِي،..... ٣١٨

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَاعْلَمِي مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ،..... ٣١٨

أَيُّهَا النَّاسُ: اتَّعَلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مَوْلَايَ، وَ أَنَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَ أَنَا أَوْلَى بِهِمْ مِنْ
أَنْفُسِهِمْ..... ٣٢٠

اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَيَّ تَمَامَ نُبُوتِي وَ تَمَامِ دِينِ اللَّهِ، وَ وِلَايَةِ عَلِيٍّ بَعْدِي،..... ٣٢٢

أَوْلَهُمْ أَخِي وَ وَزِيرِي، وَ خَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي وَ وَلِيِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ بَعْدِي..... ٣٢٤

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَ أَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ
مَنْ خَذَلَهُ،..... ٣٣١

مَنْ عَرَفَهُ كَانَ مُؤْمِنًا، وَ مَنْ أَنْكَرَهُ كَانَ كَافِرًا،..... ٣٣٣

أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ أَخِي وَ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي وَ الْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي، الَّذِي مَحَلُّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ

مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، وَهُوَ وَلِيُّكُمْ بَعْدَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيَّ آيَةً مِنْ كِتَابِهِ: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ٣٣٧

فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ: أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَإِمَامًا مَفْتَرَضًا طَاعَتُهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ، وَعَلَى الْبَادِي وَالْحَاضِرِ، وَعَلَى الْأَعْجَمِيِّ وَالْعَرَبِيِّ، وَالْحُرِّ وَالْمَمْلُوكِ، وَالصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ، وَعَلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ، وَعَلَى كُلِّ مُوَحَّدٍ مَاضٍ حُكْمُهُ جَائِزٌ قَوْلُهُ نَافِذٌ أَمْرُهُ، مَلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ، مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ، وَمَنْ صَدَّقَهُ فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَلِمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَأَطَاعَ لَهُ، ٣٣٩

مَعَاشِرَ النَّاسِ: فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ هُوَ مَوْلَاكُمْ وَالْهَيْكَمُ، ثُمَّ مِنْ دُونِهِ مُحَمَّدٌ وَلِيُّكُمْ الْقَائِمُ الْمُخَاطَبُ لَكُمْ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلِيُّ وَلِيُّكُمْ وَإِمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ، ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وُلْدِهِ إِلَى يَوْمٍ تَلْقَوْنَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَرَسُولَهُ، ٣٤٠

مَعَاشِرَ النَّاسِ: مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِيَّ، وَكُلُّ عِلْمٍ عَلِمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَمَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا عَلَّمْتُهُ عَلِيًّا وَهُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ، ٣٤١

مَعَاشِرَ النَّاسِ: فَضَلُّوهُ فَقَدْ فَضَّلَهُ اللَّهُ، وَأَقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللَّهُ، إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ، وَلَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وَلَا يَتَّبِعَهُ، وَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُ، حَتَّمَا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ فِيهِ وَأَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا نَكْرًا أَبَدًا الْأَبَادِ وَدَهْرَ الدُّهُورِ، فَاخْذَرُوا أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَصِلُوا نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أَعَدَّتْ لِلْكَافِرِينَ، ٣٤١

مَعَاشِرَ النَّاسِ: فَضَلُّوا عَلِيًّا، فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى، ٣٤٢

مَعَاشِرَ النَّاسِ: تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَافْهَمُوا آيَاتِهِ، وَأَنْظَرُوا إِلَى مُحْكَمَاتِهِ وَلَا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهُ، ٣٤٣

فَوَاللَّهِ لَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ وَلَنْ يُوَضِّحَ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا الَّذِي أَنَا آخِذٌ بِيَدِهِ، وَمُضْعِدُهُ إِلَيَّ وَ شَائِلٌ بَعْضُهُ وَمُعَلِّمُكُمْ أَنْ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيُّ مَوْلَاهُ، وَهُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ أَخِي وَ وِصِيِّ، وَمَوْلَاتُهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْزَلَهَا عَلَيَّ، ٣٤٣

إِنَّ عَلِيًّا وَالطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي هُمُ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ، وَالْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ، فَكُلُّ وَاحِدٍ مُنْبِئٌ عَنِ

صَاحِبِهِ وَ مُوَافِقُ لَهُ، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ، هُمْ أَمَنَاءُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ حُكْمَائِهِ فِي
أَرْضِهِ، ٣٤٤

مَعَاشِرَ النَّاسِ: أَلَا وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ وَ أَنَا قُلْتُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، أَلَا إِنَّهُ لَيْسَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ
غَيْرَ أَخِي هَذَا، وَ لَا تَحِلُّ أَمْرَةُ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي لِأَحَدٍ غَيْرِهِ. ثُمَّ ضَرَبَ بِيَدِهِ إِلَى عَضُدِهِ فَرَفَعَهُ، ثُمَّ
قَالَ: مَعَاشِرَ النَّاسِ: هَذَا عَلِيُّ أَخِي وَ وَصِيِّ وَ وَا عِي عَلِمَى وَ خَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي، خَلِيفَةُ رَسُولِ
اللَّهِ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، ٣٤٤

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ، فَمَنْ لَمْ يَأْتَمْ بِهِ وَ بِمَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ مِنْ
وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالْعَرْضِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَأُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَ
فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ، لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَ لَا هُمْ يُنظَرُونَ، ٣٤٥

مَعَاشِرَ النَّاسِ: إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ، فَلَا تَحْسُدُوهُ فَتَحْبِطَ أَعْمَالُكُمْ وَ تَزَلَّ
أَقْدَامُكُمْ، فَإِنَّ آدَمَ أَهْبَطَ إِلَى الْأَرْضِ بِخَطِيئَةٍ وَاحِدَةٍ، وَهُوَ صَفْوَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَكَيْفَ بِكُمْ وَ أَنْتُمْ
أَنْتُمْ، وَ مِنْكُمْ أَعْدَاءُ اللَّهِ، ٣٤٦

مَعَاشِرَ النَّاسِ: إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَ وَرَائَتَةً فِي عَقْبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَقَدْ بَلَغْتُ مَا أَمَرْتُ بِتَبْلِيغِهِ
حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَ غَائِبٍ، وَ عَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْلَمَ يَشْهَدُ، وَ لِدَّ أَوْلَمَ يُولَدُ، فَلْيُبَيِّنْ
الْحَاضِرُ الْغَائِبَ، وَ الْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ سَيَجْعَلُونَهَا مُلْكًا وَ اغْتِصَابًا، أَلَا لَعَنَ اللَّهُ
الْغَاصِبِينَ الْمُغْتَصِبِينَ، ٣٤٧

مَعَاشِرَ النَّاسِ: أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ، الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ، ثُمَّ عَلِيٌّ مِنْ بَعْدِي، ثُمَّ وَ لِدِي مِنْ
صُلْبِهِ أَيْمَةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ، ٣٤٧

مَعَاشِرَ النَّاسِ: إِنِّي نَبِيُّ وَ عَلِيٌّ وَ وَصِيِّ، أَلَا إِنَّ خَاتِمَ الْأَيْمَةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ، أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى
الدِّينِ، أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ، أَلَا إِنَّهُ الْمُدْرِكُ بِكُلِّ ثَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ
لِدِينِ اللَّهِ، أَلَا إِنَّهُ خَيْرَةُ اللَّهِ وَ مُحْتَارُهُ، أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَ الْمُحِيطُ بِهِ، أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً
وَ لَا حُجَّةَ بَعْدَهُ، وَ لَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ، وَ لَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ، أَلَا إِنَّهُ لِأَغَالِبَ لَهُ وَ لَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ، أَلَا إِنَّهُ وَلِيُّ
اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حَكْمُهُ فِي خَلْقِهِ وَ أَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ، ٣٤٨

الْحَقُّ مَعَكُمْ وَ فِيكُمْ وَ مِنْكُمْ وَ الْيَكْمَ، ٣٤٩

مَعَاشِرَ النَّاسِ: أَلَا وَ إِنِّي عِنْدَ انْقِضَاءِ خُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ إِلَى مُصَافَقَتِي عَلَى بَيْعَتِهِ وَ الْإِقْرَارِ بِهِ، ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ بَعْدِي، أَلَا وَ إِنِّي قَدْ بَايَعْتُ اللَّهَ، وَ عَلَيَّ قَدْ بَايَعَنِي وَ أَنَا آخِذُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ، عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ - «آيه دهم سوره فتح»، ٣٥٠

مَعَاشِرَ النَّاسِ: فَأُمِرْتُ أَنْ آخِذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَ الصَّفَقَةَ لَكُمْ بِقَبُولِ مَا جِئْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي عَلَيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْإِثْمَةَ مِنْ بَعْدِهِ... الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَ مِنْهُ أَيْمَةٌ قَائِمُهُمُ الْمُهْدَى إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ الَّتِي يَقْضَى بِالْحَقِّ، ٣٥٢

مَعَاشِرَ النَّاسِ: فَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ، أَلَا وَ إِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ: أَنْ تَنْتَهَوْا إِلَى قَوْلِي وَ تَبْلُغُوهُ مَنْ لَمْ يَحْضُرْ، وَ تَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ وَ تَنْهَوهُ عَنِ مُخَالَفَتِهِ، فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ مِنِّي، وَ لَا أَمْرٌ بِمَعْرُوفٍ وَ لَا نَهْيٌ عَنِ مُنْكَرٍ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ مَعْصُومٍ، ٣٥٢

مَعَاشِرَ النَّاسِ: إِنَّكُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُصَافِقُونِي بِكَفٍّ وَاحِدَةٍ، وَ قَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ آخِذَ مِنْ السَّنَنِ الْأَقْرَارِ بِمَا عَقَّدْتُ لِعَلِيٍّ مِنْ أَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ مَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْإِثْمَةِ مِنِّي وَ مِنْهُ عَلَى مَا أَعْلَمْتُكُمْ أَنْ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِهِ، فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ: أَنَا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُنْقَادُونَ لِمَا بَلَغَتْ عَنْ رَبِّنَا وَ رَبِّكَ فِي أَمْرِ عَلِيٍّ وَ أَمْرٍ وُلْدِهِ مِنْ صُلْبِهِ مِنَ الْإِثْمَةِ تُبَايِعُكَ عَلَى ذَلِكَ بَقُلُوبِنَا وَ أَنْفُسِنَا وَ السِّنِّتِنَا وَ أَيْدِينَا، عَلَى ذَلِكَ نُحْيِي وَ نَمُوتُ وَ نُبْعَثُ، وَ لَا نَعْيَرُ وَ لَا نَبْدُلُ وَ لَا نَشْكُ وَ لَا نَرْتَابُ وَ لَا نَرْجِعُ عَنْ عَهْدٍ وَ لَا نَنْقُضُ الْمِيثَاقَ وَ نَطِيعُ اللَّهَ وَ نَطِيعُكَ وَ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ وُلْدَهُ الْإِثْمَةَ الَّذِينَ ذَكَرْتُهُمْ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ صُلْبِهِ بَعْدَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ، ٣٥٤

الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، ٣٥٥

قُولُوا: أَطَعْنَا اللَّهَ بِذَلِكَ وَ إِيَّاكَ وَ عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْإِثْمَةَ الَّذِينَ ذَكَرْتَ عَهْدًا وَ مِيثَاقًا مَأْخُودًا لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ قُلُوبِنَا وَ أَنْفُسِنَا وَ السِّنِّتِنَا وَ مُصَافَقَةِ أَيْدِينَا، وَ لَا نَبْتَغِي بِذَلِكَ بَدَلًا وَ لَا نَرَى مِنْ أَنْفُسِنَا عَنْهُ حَوْلًا أَبَدًا، أَشْهَدْنَا اللَّهَ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا، ٣٥٦

مَعَاشِرَ النَّاسِ: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ بَايِعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْإِثْمَةَ كَلِمَةً طَيِّبَةً

بَاقِيَةً، يُهْلِكُ اللَّهُ مَنْ غَدَرَ، وَ يَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ وَفَى، ٣٥٨

مَعَاشِرِ النَّاسِ: سَلِمُوا عَلَيَّ بِأَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ قُولُوا، «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ» ٣٥٩

مَعَاشِرِ النَّاسِ: إِنَّ فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ قَدْ أَنْزَلَهَا فِي الْقُرْآنِ أَكْثَرَ مِنْ أَنْ أُحْصِيهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَمَنْ أَنْبَأَكُمْ بِهَا وَ عَرَّفَهَا فَصَدَّقُوهُ، ٣٦٠

مَعَاشِرِ النَّاسِ: مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ عَلِيًّا وَ الْأَيْمَةَ الَّذِينَ ذَكَرْتُهُمْ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا، ٣٦١

مَعَاشِرِ النَّاسِ: السَّابِقُونَ إِلَى مُبَايَعَتِهِ وَ مُوَالَاتِهِ وَ التَّسْلِيمِ عَلَيْهِ بِأَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ، أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ فِي جَنَاتِ النَّعِيمِ، ٣٦١

مَعَاشِرِ النَّاسِ: قُولُوا مَا يَرْضَى اللَّهُ بِهِ عَنْكُمْ مِنَ الْقَوْلِ، فَإِنْ تَكْفَرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ اغْضِبْ عَلَى الْكَافِرِينَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، ٣٦٢

قُومًا وَ سَلِمًا عَلَيَّ عَلِيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ بِأَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ، ٣٦٤

مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَ مَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، ٣٦٥

مَعَاشِرِ النَّاسِ: أَلَا وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ وَ أَنَا قُلْتُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: أَلَا إِنَّهُ لَيْسَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرَ أَخِي هَذَا: وَ لَا تَحِلُّ أَمْرَةُ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي لِأَحَدٍ غَيْرِهِ، ٣٦٦

هَذَا عَلِيُّ أَخِي وَ وَصِيِّ وَ وَاوِيِّ عَلِيٍّ وَ خَلِيفَتِي عَلَيَّ أُمَّتِي، خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ... ٣٦٧

لَمْ يُسَمَّ بِهِ أَحَدٌ قَبْلَهُ وَ لَا يُتَسَمَّى بِهِ بَعْدَهُ إِلَّا كَافِرٌ. ٣٦٨

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ. ٣٦٨

«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ، ٨٦٣

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. ٣٧١

يَا عَلِيُّ: قَدْ أَفْلَحُوا بِكَ، أَنْتَ وَ اللَّهُ أَمِيرُهُمْ، أَنْتَ وَ اللَّهُ دَلِيلُهُمْ، بِكَ يَهْتَدُونَ، ٣٧٢

- ٣٧٣ إِنَّ هَذَا أَخِي وَوَصِيِّي وَوَزِيرِي وَخَلِيفَتِي فِيكُمْ، فَاسْمَعُوا لَهُ وَأَطِيعُوهُ،
- ٣٧٤ يَا بَرِيدَةُ: أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ،
- ٣٧٥ يَا عَلِيُّ، أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَىٰ إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي،
- ٣٧٨ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَىٰ إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي،
- ٣٨٠ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَىٰ إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي،
- ٣٩٣ مَعَاشِرَ النَّاسِ: فَضَلُّوا عَلِيًّا، فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ،
- ٤٠٨ مَنْ سَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ سَبَّنِي، وَمَنْ سَبَّنِي فَقَدْ سَبَّ اللَّهَ،
- ٤٠٩ حُرِّمَتْ الْجَنَّةُ عَلَىٰ مَنْ ظَلَمَ أَهْلَ بَيْتِي، وَعَلَىٰ مَنْ سَبَّهُمْ، أَوْلَيْكَ لَا خَلْقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ، وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ، وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَلَا يُزَكِّيهِمْ، وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ،
- ٤١٨ سَنَفَرِّقُ أُمَّتِي عَلَىٰ ثَلَاثٍ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً، كُلُّهَا فِي النَّارِ إِلَّا وَاحِدَةً وَهِيَ الَّتِي تَتَّبِعُ وَصِيَّيَّ عَلِيًّا،
- ٤٢٥ إِنَّ لِلَّهِ عَلَىٰ النَّاسِ حُجَّتَيْنِ، حُجَّةٌ ظَاهِرَةٌ وَحُجَّةٌ بَاطِنَةٌ، فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْأَيْمَةُ،
- ٤٢٦ نَحْنُ خُزَّانُ عِلْمِ اللَّهِ، نَحْنُ تَرَاجِمُهُ وَحْيِ اللَّهِ،
- ٤٢٦ نَحْنُ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ عَلَىٰ مَنْ دُونَ السَّمَاءِ وَمَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ،
- ٤٢٧ إِنَّ الْحُجَّةَ لَا تَقُومُ لِلَّهِ عَلَىٰ خَلْقِهِ إِلَّا بِإِمَامٍ حَتَّىٰ يُعْرَفَ،
- ٤٢٧ الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَمَعَ الْخَلْقِ وَبَعْدَ الْخَلْقِ،
- ٤٢٩ السَّلَامُ عَلَىٰ أَيْمَةِ الْهُدَىٰ، ... وَحُجَجِ اللَّهِ عَلَىٰ أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأَوْلَىٰ، وَحُجَّتِهِ وَصِرَاطِهِ ... وَحُجَجًا عَلَىٰ بَرِيَّتِهِ،
- ٤٣١ بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ، وَبِكُمْ يَخْتِمُ،

الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَمَعَ الْخَلْقِ وَبَعْدَ الْخَلْقِ..... ٤٣٢

أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي،..... ٤٣٢

أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ رُوْحِي،..... ٤٣٢

لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ..... ٤٣٣

كَانَ امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ بِنَ ابِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَابَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُؤْتَى إِلَّا مِنْهُ، وَ سَبِيلَهُ الَّذِي مَنْ سَلَكَ بَعِيْرَهُ هَلَكَ، وَ كَذَلِكَ يَجْرِي الْأَيْمَةُ الْهُدَى وَاحِدٍ بَعْدَ وَاحِدٍ جَعَلَهُمُ اللَّهُ أَرْكَانَ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيْدَ بِأَهْلِهَا، وَ حُجَّتُهُ الْبَالِغَةُ عَلَيَّ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ وَ مَنْ تَحْتَ الثَّرَى،..... ٤٣٤

مَعَاشِرَ النَّاسِ: أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ، ثُمَّ عَلَيٌّ مِنْ بَعْدِي، ثُمَّ وَوَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ أَيْمَةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ،..... ٤٤٢

مَعَاشِرَ النَّاسِ: إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي وَ نَهَانِي، وَ قَدْ أَمَرْتُ عَلِيًّا وَ نَهَيْتُهُ، فَعَلِمَ الْأَمْرَ وَ النَّهْيَ مِنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسْلَمُوا، وَ أَطِيعُوهُ تَهْتَدُوا، وَ انْتَهُوا لِنَهْيِهِ تَرْشُدُوا، وَ صِيْرُوا إِلَى مُرَادِهِ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا بِكُمْ السُّبُلَ عَنْ سَبِيلِهِ،..... ٤٤٣

وَ صِيْرُوا إِلَى مُرَادِهِ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا بِكُمْ السُّبُلَ عَنْ سَبِيلِهِ،..... ٤٤٤

وَ أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ،..... ٤٤٤

يَا عَمَّارُ:..... ٤٤٨

فَإِنْ سَلَكَ النَّاسُ كُلُّهُمْ وَاذِيًّا وَ سَلَكَ عَلِيٌّ وَاذِيًّا فَاسْلُكْ وَاذِيَّ عَلِيٍّ وَ خَلِّ عَنِ النَّاسِ.. ٤٤٨

يَا عَمَّارُ: طَاعَةٌ عَلِيٍّ طَاعَةٌ لِي، وَ طَاعَةٌ لِي طَاعَةٌ لِلَّهِ،..... ٤٤٨

أَشْهَدُ أَنَّكَ الْمَعْنِيُّ بِقَوْلِ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ: «وَ أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ»، ضَلَّ وَ اللَّهُ وَ أَضَلَّ مَنْ اتَّبَعَ سِوَاكَ، وَ عِنْدَ عَنِ الْحَقِّ مَنْ عَادَاكَ، اللَّهُمَّ سَمِعْنَا لِأَمْرِكَ وَ أَطَعْنَا، وَ اتَّبَعْنَا صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ،..... ٤٥٠

سَتَفَرِّقُ أُمَّتِي عَلَى ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً، كُلُّهَا فِي النَّارِ إِلَّا وَاحِدَةً، وَ هِيَ الَّتِي تَتَّبِعُ وَصِيَّ
عَلِيًّا، ٤٥٥

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، يَعْنِي هَدَانَا اللَّهُ فِي وَلايَةِ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْإِثْمَةِ مِنْ وُلْدِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، ٤٦٩

مَعَاشِرَ النَّاسِ: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ بَايِعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْإِثْمَةَ كَلِمَةً بَاقِيَةً،
يَهْلِكُ اللَّهُ مَنْ عَدَرَ وَ يَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ وَفَى، ٤٧٠

قُولُوا الَّذِي قُلْتُ لَكُمْ، وَ سَلِمُوا عَلَى عَلِيٍّ بِأَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ قُولُوا: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا
وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، ٤٧١

أَنَا ذَلِكَ الْمُؤَدِّنُ ٤٨٠

أَنَا الْمُؤَدِّنُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «فَادَّنْ مُؤَدِّنَ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى
الظَّالِمِينَ»، ٤٨٢

أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الَّذِينَ كَذَبُوا بَوَالِيَتِي وَ اسْتَحَفُّوا بِحَقِّي، ٤٨٤

هُمُ آلُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَهُمْ وَ عَرَفُوهُ، وَ لَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ
أَنْكَرَهُمْ وَ أَنْكَرُوهُ، ٥٠١

نَحْنُ أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ، لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَنَا وَ عَرَفْنَا، وَ لَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَنَا
وَ أَنْكَرْنَا، ٥٠٢

يَا بَنَ الْكَوَايِ: نَحْنُ نَقَفُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ، فَمَنْ يَنْصُرُنَا عَرَفْنَا بِسِيْمَاهُ فَادْخُلْنَا
الْجَنَّةَ، وَ مَنْ أَبْغَضَنَا عَرَفْنَا بِسِيْمَاهُ فَادْخُلْنَا النَّارَ، ٥٠٣

أَنَا يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ، ٥٠٤

أَنَا أَوَّلُ السَّابِقِينَ وَ خَلِيفَةُ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، أَنَا قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ، وَأَنَا صَاحِبُ الْأَعْرَافِ، ٥٠٥

أَنَا وَ أَهْلُ بَيْتِي الَّذِينَ أَوْرَثَنَا اللَّهُ الْأَرْضَ وَ نَحْنُ الْمُتَّقُونَ، وَ الْأَرْضُ كُلُّهَا لَنَا، ٥١١

- الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَلِرَسُولِهِ وَلَنَا، ٥١٢
- إِنَّ الْأَرْضَ كُلَّهَا لَنَا، فَمَا أَخْرَجَ اللَّهُ مِنْهَا مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ لَنَا، ٥١٣
- الْأَيُّمَةُ خُلَفَاءُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي أَرْضِهِ، ٥١٧
- إِنَّ الدُّنْيَا وَمَا عَلَيْهَا لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، ٥١٧
- أَفَاعْبُدُ مَا لَا أَرَى، ٥٣٠
- لَا تُدْرِكُهُ الْعُيُونُ بِمُشَاهَدَةِ الْعِيَانِ، وَ لَكِنْ تُدْرِكُهُ الْقُلُوبُ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ، ٥٣٠
- أَنْتَ مِنْ أُمَّتِهِ، إِذَا عَرَفْتَ مَنْزِلَتَهُ وَمَنْزِلَةَ أَهْلِ بَيْتِهِ، ٥٣٣
- مَا لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ آيَةٌ هِيَ أَكْبَرُ مِنِّي، ٥٣٩
- نَحْنُ وَاللَّهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى الَّتِي لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا، ٥٤٤
- السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سِرَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبْلَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا آلَ اللَّهِ، ٥٧٠
- اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي، وَاقْبَلْ ثَنَائِي، وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ
وَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، ٥٧٢
- السَّلَامُ عَلَى أَيْمَةِ الْهُدَى، وَالْمَثَلِ الْأَعْلَى، ٥٧٤
- يَا عَلِيُّ: أَنْتَ حُجَّةُ اللَّهِ، أَنْتَ بَابُ اللَّهِ، أَنْتَ الطَّرِيقُ إِلَى اللَّهِ، أَنْتَ النَّبِيُّ الْعَظِيمُ، أَنْتَ الصِّرَاطُ
الْمُسْتَقِيمُ، أَنْتَ الْمَثَلُ الْأَعْلَى، أَنْتَ إِمَامُ الْمُسْلِمِينَ، أَنْتَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ خَيْرُ الْوَصِيِّينَ وَ سَيِّدُ
الصِّدِّيقِينَ، أَنْتَ فَارُوقُ الْأَعْظَمِ، أَنْتَ الصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ، أَنْتَ خَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي، أَشْهَدُ اللَّهُ تَعَالَى
وَ مَنْ حَضَرَ مِنْ أُمَّتِي، ٥٧٧
- نَحْنُ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ سَبِيلُ الْهُدَى وَ الْمَثَلُ الْأَعْلَى وَ الْحُجَّةُ الْعُظْمَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، ٥٧٩

منابع و ماخذ

- ۱- تفسیر مجمع البیان، تألیف امین الاسلام طبرسی، ترجمه: جمعی از علماء و فضلاء، تهران موسسه انتشارات فراهانی.
- ۲- تفسیر المیزان، تألیف علامه سید محمدحسین طباطبائی، ترجمه: جمعی از علماء و فضلاء، قم، انتشارات موسسه مطبوعات دارالعلم، تهران، کانون انتشارات محمدی.
- ۳- تفسیر نمونه، تألیف جمعی از علما و فضلاء، زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی، تهران، درالکتب الاسلامیه.
- ۴- تفسیر صافی، تألیف عالم ربانی آیت الله ملامحمد محسن فیض کاشانی، ترجمه: جمعی از علماء و فضلاء، زیر نظر عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، قم، نشر نوید اسلام.
- ۵- تفسیر برهان، تألیف علامه سید هاشم بحرانی، ترجمه: دکتر رضا ناظمیان، دکتر علی گنجیان و دکتر صادق خورشاه، تهران، نشر کتاب صبح با همکاری نهاد کتابخانه‌های عمومی سراسر کشور.

۶- تفسیر نورالثقلین، تألیف علامه حویزی،
ترجمه: جمعی از علما و فضلا، زیر نظر عبدالرحیم عقیقی بخشایشی،
قم، نشر نوید اسلام.

۷- اصول کافی، تألیف محمد بن یعقوب کلینی،
ترجمه: سید جواد مصطفوی،
تهران، انتشارات علمیه اسلامیة.

۸- احتجاج طبرسی، تألیف ابومنصور احمد بن علی طبرسی،
ترجمه: بهزاد جعفری،
تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۹- عیون اخبارالرضا علیه السلام، تألیف محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»،
ترجمه: علی اکبر غفاری، حمیدرضا مستفید،
تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۱۰- معانی الاخبار، تألیف محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»،
ترجمه: عبدالعلی محمدی شاهرودی،
تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۱۱- کمالالدین و تمام النعمه، تألیف محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»،
ترجمه: منصور پهلوان،
قم، سازمان چاپ و نشر دارالحديث.

۱۲- خصال، تألیف محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»،
ترجمه: محمدباقر کمره‌ای،
تهران، انتشارات کتابچی.

۱۳- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، تألیف محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»،
ترجمه: علی اکبر غفاری،
تهران، کتابفروشی صدوق.

۱۴- علل الشرایع، تألیف محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»،
ترجمه: سید محمدجواد ذهنی تهرانی،
قم، انتشارات مومنین.

۱۵- کلیات حدیث قدسی، «ترجمه کتاب جواهر السنیه»، تألیف شیخ حرّ عاملی،
ترجمه: زین العابدین کاظمی خلخالی،
تهران، انتشارات دهقان.

۱۶- امالی، تألیف محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»،
ترجمه: کریم فیضی،
قم، انتشارات چهارده معصوم علیهم السلام.

۱۷- امالی، تألیف محمد بن حسن طوسی «شیخ طوسی»،
ترجمه: صادق حسنزاده،
قم، انتشارات اندیشه هادی.

۱۸- امالی، تألیف محمد بن محمد بن نعمان «شیخ مفید»،
ترجمه: عقیقی بخشایشی،
قم، انتشارات نوید اسلام.

۱۹- ارشاد، تألیف محمد بن محمد بن نعمان «شیخ مفید»،
ترجمه: سید هاشم رسولی محلاتی،
تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۲۰- ارشاد القلوب، تألیف حسن بن ابی الحسن محمد دیلمی،
ترجمه: علی سُلگی نهاوندی، با تصحیح و پاورقی علامه شعرانی،
قم، چاپ امین.

۲۱- کامل الزیارات، تألیف ابن قولویه،
ترجمه: سید محمدجواد ذهنی تهرانی،
تهران، انتشارات پیام حق.

۲۲- بصائر الدّرجات، تألیف محمد بن حسن صفار قمی،
ترجمه: علیرضا زکی زاده رنانی،
قم، انتشارات وثوق.

۲۳- شرح خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم، تألیف آیت الله سیّد محمّدتقی نقوی،
تهران، موسسه فرهنگی انتشاراتی منیر.

۲۴- شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سیّد محمّدتقی نقوی،
تهران، انتشارات قائن.

۲۵- شرح زیارت جامعه کبیره، «ترجمه کتاب الشّمس الطّالعه»، تألیف علامه سید
حسین همدانی درودآبادی،
ترجمه: محمدحسین نائیجی،
قم، انتشارات مسجد مقدّس جمکران.

۲۶- فاطمه زهرا سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله احمد رحمانی همدانی،
ترجمه: مهدی جعفری،
نشر مرکز فرهنگی انتشارات منیر.